انتشارات دانشگاه تهران
۳۰۳

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش چهارم

(مجلد ششم)

ذیل

نگارش

محمد تقی دانش‌پژوه

تهران

انتشارات دانشگاه تهران
۳۰۳

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

مجلد سوم

بخش چهارم

(مجلد ششم)

ذیل

نگارش

محمد تقی دانش‌پژوه

تهران

فهرست گفتارهای این دفتر

این دفتر بخش چهارم از جلد سوم است از فهرست کتابهای کتابخانه‌ایکه استاددانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سیدمحمد مشکوة بیرجندی بدانشگاه واگذار کرده‌اند.

این بخش گفتار چهاردهم و پانزدهم و دنبالهٔ سه بخش پیش است و در آن کتابهای گوناگون دیگر که از قلم افتاده یا اینکه جناب آقای مشکوة پس از این برای کتابخانهٔ مرکزی فراهم ساخته‌اند شناخته میشود.

دراین دو گفتار ودنبالهٔ آنها ۳۱۲ کتاب (از ش ۱۶۱۰ تا ش ۱۹۲۱) در ۳۳۳ نسخه (از ش ۱۹۰۸ تا ش ۲۲۴۰) فهرست گردید (ص ۲۱۱٤ - ۲٤٦۰) در گفتار پانزدهم (ص۲۳۹۳-۲٤۳۸) از ۷٤ نامه و گفتار که از ابن‌سینا پنداشته‌اند یادشده‌است. رویهم ۱۹۲۱ کتاب در ۲۲٤۰ نسخه در چهار بخش این جلد شناخته شده است. از ص ۲٤٦۱ تا ۲۵۵۹ کلیشه‌هائی از چند نسخهٔ ارزنده اهدائی جناب استاد دیده میشود واز ص ۲۵٦۰ تا ۲٦۰۰ یادداشتهاایست دربارهٔ پاره‌ای از کتابها و نسخه‌های همین فهرست.

نگارنده و گردآورندهٔ فهرست :

محمدتقی دانش‌پژوه

تهران. کوی کارمندان، یوسف آباد

خرداد ۱۳۳۵

یادآوری

شماره‌ایکه در آغاز سطر و برابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شمارهٔ کتابی است که در این فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شماره نسخه‌ها میاید که در میان سطر نوشته شده و نسخه‌ها پس از آن شناسانده میشود در همین جا در گوشهٔ راست شماره‌ای درشت‌تر و سیاه‌تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه در این کتابخانه میباشد و با این شماره باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری را میرساند که کتاب و نسخهٔ مورد بحث شاید همهٔ آنرا گرفته باشد یا اینکه یکی از رساله‌های مندرج در آن دفتر و جنگ و مجموعه بشمار آید که در هنگام شناساندن نسخهٔ شمارهٔ رساله و شماره برگ آن در همین دفتر نیز گفته شد.

گفتار چهاردهم

ذیل

خواجه طوسی در این نامه که راهنمائی است برای دانشجویان، در دوازده فصل از روش کار آنان کاوش نموده است تا آنهائیکه اندوختن دانش برایشان دشوار است و بسیار هم هستند با بکار بردن دستور آن از آموختن باز نمانند گرچه در دیباچه از طوسی یاد نشده و از خود نامه هم بر نمی‌آید که از او باشد ولی عاملی و مجلسی و نوری و تهرانی آنرا از او دانسته‌اند و نام او هم بر سر برگ آنها است (دیباچه - امل الآمل ص ٥٠٦ - بحار ١ ١٦ ف ٢ - مستدرك ٣ ٣٧٣ - ذریعه ١ ٢٦)

امیر عادل حسینی و سید علی طبیب مرعشی تبریزی (م ١٢١٦) آنرا بپارسی درآوردند و میرزا محمد تقی سپاهانی (م بردنك ١٣٤٠) آنرا بنظم فارسی کرده و آن در ١٣١٧ بچاپ رسید (ذریعه ٤ ٣٩ و ٧٣)

این نامه در جامع المقدمات چندین بار بچاپ رسیده و طلاب در مدرسه‌ها بدان می‌نگرند.

در آن از محمد بن حسن طوسی و ابو العباس مستغفری و طب النبی او یاد شده است

آغاز هو المعین بسمله و به نهدی الحمد لله علی آلائه والشکر علی نعمائه والصلوة علی سید انبیائه و خیر اوصیائه اما بعد فکثیر من طلاب العلم لا یتیسر لهم التحصیل وان اجتهدوا لانهم اخطأوا طریقه و ترکوا شرائطه و کل من اخطأ الطریق ضل فلا ینال المقصود فاردت ان ابین طریقة التعلم علی سبیل الاختصار علی ما رأیت فی الکتاب و سمعت من اساتذتی اولو العلم فان المقصود فی حصول شیء.

انجام او یتبرك بالآثار الواردة فی الطب الذی جمعه الشیخ الامام ابو العباس المستغفری فی الکتاب المسمی بطب النبی یجده من یطلبه والحمد لله رب العالمین

[۱۹۰۸]

۱۱٦٥ این نسخه ش ٥ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق و فصلها در نیمه‌های دوم شماره ندارد و محمد تبریزی در روز پنجشنبه شعبان ۱۲۲۳ آنرا نوشته‌است.

۱۹۹ الف — ۲۰۲ ب.

[۱٦۱۱] آغاز و انجام (فارسی)

از خواجهٔ طوسی که در ص ۲۰٤ همین فهرست شناخته‌ایم (ش ۹/۸۹۰ و ۱۰٤٦/۱٦) و در آن روش تأویل عارفان و فیلسوفان اسلامی که اسماعیلیان در اندیشه و پندار دینی خود از آن بهره برده‌اند بکار برده شده است.

طوسی فیلسوف از خاندانی دوازده امامی بوده و نزد دانشمندان شیعی امامی پرورده شده و هنگام دانشجوئی «غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع» ابن زهره را نزد سالم بن بدران مصری در نسخهٔ نوشتهٔ تاریخ ٦۱٤ در هفده سالگی خوانده و در ۱۸ ج ۲/٦۱۹ در بیست و دو سالگی اجازهٔ روایت همین کتاب را از او گرفته‌است (اجازات بحار ص ۱٦) و پیداست که تنها از رهگذر فلسفی چنین روشی را در پاره‌ای از کتابها مانند اوصاف الاشراف برگزیده بود. مگر اینکه هنگام گرفتاری در دربار اسماعیلیان ایران ناگزیر شده بود «سیر وسلوك» برای مجلس عالی ناصر الحق والدین بنویسد و در آن از فصول مقدس حسن علی ذکره السلام نخستین خداوند الموت (۵۵۷—۵٦۱) یاد کند (ص ۲۷۵ همین فهرست — ش ٦٤۰ راهنمای فرهنگ اسماعیلی ایوانف بانگلیسی) و همچنین اخلاق ناصری در ٦۳۳ برای ناصر الدین ابو الفتح محتشم قهستان در روزگار علاء الدین محمد بن حسن (٦۱۸— ٦۵۳) بنگارد (ص ٦٤۹) والادب الوجیز للولد الصغیر ابن مقفع را برای همان ناصر الدین بپارسی کند و در همین قهستان زبدة الحقائق همدانی را برای همو بپارسی در آورد. این هم گفته شود که ایوانف روضة التسلیم و مطلوب المؤمنین را که هردو کتابی است درست اسماعیلی و باطنی بنام طوسی بچاپ رسانده است و کتابی هم بنام تحفه (ص ۱۹٦ همین فهرست) و کتابی بنام روضة القلوب (ص ۲٦۹

همین فهرست وش۶۳۹/۳ مجلس) بنام او هست گرچه این روضةالقلوب در نسخهٔ ش ۲۹۱۱ (ص ۹۸- ۱۰۴) سپهسالار بنام بستان القلوب از سید شریف گرگانی دانسته شد. این چهار کتاب روشن نیست که از طوسی باشد اگرچه تحفه وروضةالقلوب بروش اسماعیلیان نوشته نشده است

باری این «آغاز و انجام» از طوسی است و گرچه روش تأویل در آن هست ولی رنگ آئین اسماعیلی ندارد

آغاز (منازل السالکین من کلام خواجه نصیر علیه الرحمة) بسمله (هو الذی انزل علیك الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تأویله وما یعلم تأویله الاالله والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولوالالباب . العلماء ورثة الانبیاء) ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع الناس لیوم لاریب فیه ان الله لایخلف المیعاد . سپاس آفریدگاری را که آغاز همه (از) اوست و انجام همه بدوست (با اوست) بلکه خود همه اوست و درود بر گزیدگانی را که راهنمایان اند خلق را (رهنمای خلق اند) بآغاز (ز آغاز) و انجام خصوصاً بر محمد وآل او علیه السلام

دوستی عزیزی ازمحرر ضعیف این (ازمحرمان از بن ضعیف) « تذکره » التماس کرد که بیتی (بندی) از آنچه سالکان راه آخرت مشاهده کرده اند (کنند) از انجام کار آفرینش شنیده بدانکه در کتاب خدای تعالی مسطوراست و بر زبان اولیا وانبیاء (علیهم السلام) مذکور از احوال قیامت و بهشت و دوزخ وغیران ثبت کند بر آن وجه که اهل بینش بعیان (می) بینند نه بر آن وجه که اهل دانش بیان میکنند پس اگراین « تذکره » ازآنجا مراد آن عزیز است قاصر آید باید که چون عذر واضح است مؤاخذه نفرماید

انجام حمد بسیار و آخرت برمرد خدا حرام است الا بسیار ام علی اهل الاخره

والآخرة حرام علی اهل‌الدنیا وهما حرامان علی اهل‌الله تعالی (این است آنچه
تحریرش درین وقت دست داد والله ولی‌التوفیق. التماس‌از بینندگان که درین
فصل نظر کنند آنستکه دعاء خیر دریغ ندارند واصلاح سهوها که قابل اصلاح
بود بجای‌آرند والله‌اعلم واحکم وحسبناالله ونعم‌الوکیل نعم‌المولی ونعم‌النصیر
۵ والحمدلله رب‌العالمین)

چهار نسخه‌ایکه دراین کتابخانه دیده شده با دو نسخه چاپی جدائیهسا دارند
و در چاپ شیراز دیباچه و فهرست آن نیست شایسته است این کتاب بارهٔ سوم
ازروی سنجش بانسخه‌های کهن‌تری بچاپ رسد. در نسخه ش ۶۰۶/۳ دردیباچه
پیش‌از « ولیس‌الخبر کالمعاینة فکیف اذا کان‌الخبر بالاسماء والاشارة » دارد:
۱۰ « وفی‌الفقیه عن‌النبی » که دردیگر نسخه‌ها چنین چیزی نیست درحاشیه این
رباعی را دارد.

« درسی که حقیقت است درسی نبود
درسی نبود هرآنچه درسینه بود
صد خانه پر از کتاب سودی ندهد
۱۵ باید که کتابخانه درسینه بود »

[۱۹۰۹]

۶۰۶/۱ این نسخه س۳ دهر وبخط نستعلیق وچندجاحاشیه داردبنظم‌ونثر. گ۸۳ب -
۹۵ ب. درگوشه‌راست گ۸۳ ب دارد. « تذکرهٔ خواجه نصیرالملة والدین
طوسی ره المشهور بآغاز وانجام ».
۲۰ (گ ۳۰۰) کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی فرسوده
اندازه: ۱۱ ۱۸/۵ - ۸ ۱۴ س ۱۲

[۱۹۱۰]

۱۱۱۳ این نسخه س۱۵ دهر وبخط نستعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وگاهی
عنوانها سفیداست. ۱ب ۱۱۳ الف - ۱۳۵ب. دراین نسخه است که آنرا
۲۵ «مدارك‌السالكین» نامیده‌اند ودرپایان دارد: هذه تذكرة للا(١٥)م المعظم فریدالدهر
استادالبشر افضل‌المحققین عمدة‌الموحدین نصیرالحق والملة والدین محمدبن الحسن
الطوسی قدس روحه ونور ضریحه ».

[۱۶۱۲] اثبات الواجب (عربی)

امیر صدرالدین ابوالمعالی محمد دشتکی شیرازی (بامداد سه شنبه شعبان ۸۲۸- کشتهٔ آدینهٔ ۱۲ رمضان ۹۰۳) دراین نامه که دارای دوازده فصل و یك خاتمه میباشد و بنام ابوالمظفر احمد بهادر (کشتهٔ ۹۰۳) نگاشته شده، بود خدا را روشن نموده است (طوس ۱: ۱۶ و ۴: ۳ - همین فهرست ص ۱۲۸) پسر او غیاث منصور بر آن بنام کشف الحقائق المحمدیه گزارش نوشته است و نسخه‌ای از این گزارش که در ۹۴۶ نوشته شده در طوس (۲۲۴۰۴) هست. او در پایان این گزارش سرگذشت پدر را یاد نمود.

آغاز: بسمله. الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی. منه الابتداء و به البقاء و الیه الرجعی نسأله ان یصلی علی من هدانا صلاح الدنیا و فلاح العقبی و نبتهل الیه فی ان یبلغنا الی درك صفاته العلیی. و بعد فهذه رسالة فی اثبات الباری تعالی و صفاته الحسنی مشتملة علی براهین دقیقة انیقة . . . وقد جعلها جامعها و هو الفقیر الحقیر الشهیر بصدر الحسینی الشیرازی . . . تحفة لمجلس کل ذکی اوحدی . . . و فیها فصول.

انجام. و ما یکون نفس الامر من غیر تعیین النفس هو الوحده (تمت الرسالة والحمدلله المتعال اولا و آخرا).

[۱۹۱۱۱]

۱۱۴۷ این نسخه ش ۱ دفتر است که بنسخ و نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد. این شماره بخط نستعلیق است با همانگونه عنوانها و نشانه‌های شنگرف و در گ ۱ ب - ۷ الف. اندور نسخه‌ایست کهن که برخی جاها را موریانه خورده و پاره‌ای از عبارتها هم آسیب رسیده است. چند مهر است در آن بدینگونه: «نورث من عبادنا من کان ۱۰۴۲» بشکل بیضی در گ ۷ و ۹ و ۳۵ و ۷۷ و ۸۳ و ۱۰۷ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۲۴ و ۱۲۸ و ۱۴۳ همه الف و ۱۰۲ ب و این تاریخ در گ ۱۰۷ و ۱۱۸ و ۱۲۴ و ۱۴۳ همه الف بخوبی خوانده میشود نیز «اوض امری الی الله عبده محمد صالح» چهار گوش در گ ۳۵ و ۸۳ و ۱۰۷ و ۱۲۴ و ۱۲۸ همه الف و «الفقیر بیان عیان» گرد

در ۳۵ و ۶۲ و ۷۷ همه الف و « یا بیان لا نجف مخلوقاً بعصمک الله رباب حل » گرد در ۹ و ۳۳ و ۸۳ و ۱۰۳ و ۱۰۷ و ۱۱۸ و ۱۲۴ و ۱۲۸ همه الف و « یاهو محمد صالح » در ۷۷ الف.

از این مهرها و ... های دیگر بر می آید که این دفتر پیش از ۱۰۴۲ در روزگار عباث دستگی و ... از ۹۴۸ باید نوشته شده باشد چه اینکه در هامش ش ۳ در گ ۴۹ ب حاشیهٔ

۵ « ... مدطله » دارد و در پایان همین شماره هم از دشتکی ... یاد شده است و ... همهٔ شماره‌ها یکی است ولی ... گوناگون و اگر ش ۱۳ کامل ... باشد نام ... و تاریخ نوشتن او بدست ... است

... سجادی شریف لاهیجانی در ... ۱۰۴۲ ... را داشته بود و بخط او این ... دیده می شود « هو . ... علی » با همان مهر

۱۰ « ورث ... در گ ۱۲۸ الف و « هو من جمله کتب العبد الآیس مولاه الایس عمن سواه ، شیخ ... بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی » با همان مهر در ۱۱۸ الف و « هو ... من عبد الله الاجل ... عبد الاول ... بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی » با همان مهر در ۸۳ الف و « من عواری الزمان ، دخل فی سلك ملك العبد المفتاق الی رحمة رب الغنی ، شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی » در ۶۳ الف و « من کتب العبد

۱۵ الآیس بمولاه الآیس عمن سواه شیخ ... بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی » با همان مهر در ۹ الف و « من کتب المحتاج الی رحمة رب الغنی المغنی شیخ ... بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی » با همان مهر در ۳۵ الف

همهٔ دفتر ۱۴۳ گ — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوایی
اندازه ۱۰ ۱۹ و ۵ ۱۱ س ۱۷

۲۰ [۱۶۱۳] اثبات الواجب الجدید (عربی)

اثبات واجب جدید دانشمند دوانی در ۱۴ فصل است و یک خاتمه و در آغاز آن میگوید که در جوانی رسالهٔ در این باره نوشتم و برهانهای فیلسوفان و کلامیان و آنچه بذهنم میرسید آوردم اکنون آنچه را که روشن‌تر و آشکارتر و استوارتر و کوتاه‌تر است در اینجا یاد میکنم

۲۵ دوانی در آن از سخنان فارابی و ابن‌سینا و البهجة والسعادة والتحصیل بهمنیار بهره برده و از شیخ اشعری خرده گرفت و از مواقف و نهایة الاقدام فی علم الکلام محمد شهرستانی یاد کرد در فصل ۳ آن از روش خوبش که دربارهٔ ... ... ی

واجب و ممکن پیش گرفت و بنام «ذوق التاله» نامبردار است یادنمود (س ۱۲۲ ہمین فہرست) .

آغاز : رسالة اثبات الواجب و صفاته للعلامة الدوانی وهو الملقب بالجدید ـ بسمله . و (توکلی علیه العلیم القدیم) منه الاعانة فی التتمیم و له الحمد علی کرمه العمیم منه القدیم ... فهذه نبذ (ة) من الحقائق و زبد (ة) من الدقائق فیه نفائس المطالب العالیة . . . وهی اشرف المباحث المتعلقة بذات المبدء الاول و صفاته العلی و اسمائه الحسنی و نسبة وجود الممکنات الیه تعالی علی ما حققه ذوو البصائر النافذة . . حررتها مع تفرق البال و تشتت الحال ... و نورد تلك الاصول ... فی فصول .

انجام : خاتمة اذ تأملت فی صفاته العظمی . . وهما یرجعان الی العلم کما سبق و العلم عین الذات فقد رجع الامر کله الی الله الا الی الله تصیر الامور و الحمد لله الکریم الشکور و الصلوة . (در نسخه ما تاهمین جاست و پیداست که کم دارد) .

[۱۹۱۲]

۱۱۳۶ این نسخه ش ۲ دفتر است و نسخ با نشانه ها و عنوانهای شنگرف میباشد. در فصل ۳ ... از ک ۶ و ک ۷ اندکی و گویا باندازه یک برگ را ندارد پس از آن یک صفحه است از اثبات واجب قدیم دوانی بهمین خط ... نقلنا الکلام الیه حتی یلزم ان یکون الشیء الواحد موجودات غیر متناهیه وهو باطل . والهذه المباحث مزید تفصیل اما ... فی تعلیقاتنا ولکن هذا ... فی هذه الرسالة مع تفرق المجال و ... الحال و وقوعی فی زمان اصحی الهمم متقاصره والبصائر قاصرة یکتفون بالخضاب عن الشباب و ... السراب من المروی بالسراب لکن هو الله یحق الحق بفضله و یبطل الباطل ... الحسنی و الیه المرجع له الحمد ... و الصلوة و السلام علی من لا نبی من بعده و علی آله المعصومین و صحبه المرحومین ... الی یوم الدین . تم . (ص ۳۰٤ ـ ۳۰۹ طوس) پیداست که این دفتر رساله اثبات واجب دوانی را داشت و پرا کنده شده و پس از جستجو چهار برگ ... پیدا شده است .

... ۳۰ ــ کاغذ فرنگی ــ جلد ندارد
اندازه : ۱۱ ـ ۱٦ ـ ٦/۵ ـ ۱۰ س ۱۷

[۱۶۱٤] **اجابة المضطرین در بیان الاصول وفروع الدین** (فارسی)

سید جعفر فرزند ابی‌اسحق موسوی کشفی دارابی بروجردی (۱۱۸۹-۱۲٦۷) این دفتر را در کلام با استدلال و بروش شیعی اخیر و در فروع بپرداخت و آن در نسخه‌ما و چاپ هند دارای مقدمه در ۳ نصرت‌است دره اصل دین و هر نصرتی ۵
چندین اجابت است. عنوان بابها نصرت و فصلها اجابت است و دارای فهرست میباشد و در هند بسال ۱۳۰٦ و در ایران بچاپ رسید (ذریعه ۱: ۱۲۰ - اعلام الشیعه ۲٤۱۰۲ - نخبة المقال ص ۲٤) دارابی این کتاب را برای شاهزاده محمد تقی میرزا پسر فتحعلی‌شاه قاجار ساخته‌است (ص ۱۹۸۸ همین فهرست)

آغاز : بسمله. فهرست آنچه درین مجلداست: مجلد اول از کتاب اجابة ۱۰
المضطرین است که مشتمل است بر مقدمه و مقاله . . . اجابت هشتم در بیان معنی شفاعت و لزوم آن و اسرار متعلقهٔ بآن (گ ۱ ب - ٦ ب فهرست مطلبهااست) بسمله . ملك الكلام قول الله و حمده و ملاك التحية و السلام الصلوة على محمد رسول الله و عبده .. و بعد او ان طلوع طالع جوزائی زمان سطوع ساطع شاهنشاهی قبلهٔ عالم ناسوت را
ازقبل عالم لاهوت مستعد استفاضهٔ فیض اقدس ماهویت گردانید (۹ ب) . ۱۵

انجام چاپ هند: چنانکه خاتمهٔ مقالهٔ ما را بگفتگوی در شفاعت آنجناب گردانیدی ... مشتی خاکم که آید ازمشتی خاك انجام نسخهٔ‌ما. و چنانکه اراده فرموده و مقاله اول باتمام رسید امید آنستکه اراده فرمائی و مقالهٔ دوم ایضا بانجام رسد. تاریخ اختتام کتاب دردوازدهم شهر جمادی‌الاول در ۱۲۵۵ تحریر
پذیرفت (۳٤۰ الف) . ۲۰

[۱۹۱۳]

۱۱۱۷ این نسخه دارای مقدمه و مقاله یکم کتاب است و بسمله‌ها و عبارتهای عربی بنسخ و زیر خط سرخ و عنوانها شنگرف میباشد. در گ ۲۷۲ الف حاشیه‌ایست ازمحمد باقر خراسانی . فهرست ۲ ب - ۷ ب . کتاب ۱۰ ب - ۳٤ الف .

۲۵
(۳٤۳ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج زرد ساده
اندازه: ۱٦، ۲۲/۵-۸ ۱۵ س ۱۷

[۱۶۱۵] اجازهٔ کلباسی (عربی)

حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (م ۱۲۶۲) در ربیع دوم ۱۲۶۰ برای پسر خود آقا محمد این اجازه را نوشته است. کلباسی در آن از استادان خود یاد نموده و سلسلهٔ اجازه را بلؤلؤه و جز آن رسانده و نوید داد که اجازهٔ دیگری در از تر بنویسد. او اجازهٔ دیگری هم برای او در ۱۲۵۹ و اجازه‌ای بتاریخ رمضان ۱۲۶۰ برای همو نوشته که جز این میباشد (ذریعه ۱ ۱۳۴)

آغاز وهو العبی بسمله . اجزت ولدی وقرة عینی محمداً جمیع مالی من الطرق المذکورة فی تصانیفی کالاشارات وغیرها

انجام فی المقبولة المسلمة بین الطائفة . حرر به فی ربیع الثانی من الالف والمأتین و ستین (کتب هذه الکلمات الشریفة اقل السادات حسن بن ابی الحسن الحسینی عفی عنهما ـ هذا مطابق لاصله « عبده محمد ابراهیم بن محمد حسن ») .

[۱۹۱۴]

۹۰۷ این نسخه ش ۲ دفتر و بخط نسخ درشت با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از سید حسن بن ابی الحسین حسینی و نسخهٔ با اصل نسخه گواهی خود کلباسی است گ ۵۸ ب ـ ۶۴ ب

[۱۶۱۶] احکام نجوم (فارسی)

در این گفتار از سخنان سلیمان و جاماسب و جالینوس در بارهٔ برجهای دوازده گانه و طالعهای آنها و دعاهائیکه در اسلام در بارهٔ آنها آمده است یاد گردید

آغاز بسمله و به نستعین حمل ثور حوت بدین طالع مذکور اینست جالینوس حکیم گوید حمل خانهٔ مریخ است طبع وی گرم و خشک است

انجام طالع حوت . هر آن زنیکه بر طالع حوت زاید حوت برج آبی است و سه وجه دارد دعا اینست بسمله وجعلنا من بین ایدیهم سداً احفظ

صاحب کتابی برحمتك یا ارحم الراحمین

[۱۹۱۵]

۸۷۷ این نسخه ش۳ دفتر است وبخط نستعلیق میباشد. گ ۹۶ب ــ ۱۳۰ الف.

[۱۶۱۷] اختیارات (فارسی)

۵ در این گفتار از اختیارات روزهای نیك و بد روایت از پیشوایان شیعی یاد شده است

درذریعه (۱ ۳۶۷) از «اختیارات الایام» مجلسی دوم (درپانصدبیت) و آقاجمال خوانساری ومولی محمدصادق هرسه بپارسی یاد شده و نسخهٔ ما هیچیك از آنها نیست (بر فهرس قدسی نوری)

۱۰ **آغاز** بسمله وبه نستعین اختیارات روزهای سعد و نحس. حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه روایت میکند از امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه و حضرت امیر از حضرت محمد مصطفی علیه افضل الصلوات واکمل التحیات که بیان فرمود که هرروزی از روزها چه چیز را شاید وچه چیز را نشاید و هرروزی از ماه چون است واین اختیارات بغایت نیکو ومجرب است روزاول ماه امیرالمؤمنین

۱۵ علی کرم الله وجهه گوید که روز سعد است ومبارك

انجام روزسی ام ماه امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه گوید که درمشیت حق است نیك و بد این روزرا هیچکس نداند الا حق سبحانه و تعالی والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب. والحمد لولیه والصلوه علی نبیه والسلام علی وصیه وعلی آلهما واصحابهما اجمعین

۲۰ [۱۹۱۶]

۲۲۹ این نسخه س۳ دفتر است و بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف گ ۲۷۹ب ــ ۲۸۴ الف. در برگ ۲۸۴ ب ــ ۲۸۵ الف شعر است. مهر «سلیمان» در ۲۸۵ ب دیده میشود (۲۲۹/۲)

[۱۶۱۸-۱۶۲۷] الاربعینیات لکشف الانوار القدسیات (عربی)

حکیم کوچک قمیان قاضی میرزا محمد سعید فرزند حکیم محمد مفید قمی (۱۰٤۹-۱۱۰۳) شاگرد مولی رجبعلی تبریزی (۱۰۸۰) و محسن کاشانی که شاعر پارسی و تازی و فیلسوفی شیعی اخباری و پزشك دربار شاه عباس دوم بوده است مجموعهٔ اربعینیات نوشته که باید چهل رساله در آن باشد او بروش داماد وصدرای شیرازی مینگارد ودر پاره‌ای جاها باسراری میسپارد این اربعینیات بگفتهٔ نگارندهٔ روضات از گزیده‌ترین و بهترین نگارشهای اوست و محتوا است چهل رساله در آن نگذارد مگر اینکه گویا نرسید بدین کار و همین اندازه توانست که از ۱۰۸۹ تا ۱۱۰۲ ده رساله خودرا بهم بپیوندد و در آن بگنجاند نسخه‌ای از آن درمجلس هست (ش ٦٤٥ ص ٤١٢ ج ۲) و مانند نسخهٔ ما میباشد (۱)

ازاین اربعینیات ده رساله در نسخهٔ ۹۷۱ این کتابخانه هست

۱- روح الصلوة که رازنماز را در آن گفته و افعال آنرا بروش باطنیان تأویل کرده است و این رساله ارمغانی است برای (فیض کاشانی) مولانا محمد محسن استاد او (۰ ۱۰۹۱) پس باید پس‌از این تاریخ نگارش درآمده باشد کرچه در نسخهٔ ما در بارهٔ او « اعلی‌الله درجته » دارد او خود بر آن حاشیه نوشته که از روی خط او در نسخهٔ ما دیده میشود این رساله دارای مقدمه و سه درجه ویك ختام و خاتمه‌مناسبه عنوانهای «ملك و نور روحانیان و تمثیل و امامت و حکمة الهیه و تحقیق عرفانی و تقدیس و تحقیق ایمانی و نور عرشی وسر قدسی » هم در آن

(۱) نگرید به روضات ص ۳۰۱ ذریعه ۱ ش ٤۳٦۱ - فهرست ملو ص ٤ ۱۷ و ۳٤۳ و ٥ ۱۳۸ و ۲۷۹ - همین فهرست ص ٤٥٤ در ابتدای [illegible] ... چاپ تهران ۱۳۱٥ [illegible] سرگذشت قمی در آنجا آمده و پاره‌ای از نگارشهای او در آنجا شناسانده شده است و این چاپ گویا نخست از روی نسخه ش ۳۷٤/۱ این کتابخانه میباشد و گراور دو صفحهٔ آغاز و پایان آن هم هست

دیده میشود. او در پایان بشرح خود بر توحید صدوق باز گرداند و گفت که رازهای نماز را در آنجا بخوبی روشن ساخته‌ام و نیز گفت که در نماز پیشین، شیعی باید پیامبر را یاد کند و در نماز پسین علی را و در نماز شام فاطمه را و در نماز خفتن یازده پیشوای دیگر و در نماز بامداد پیشوای نهانی را یاد کند و نماز رستگاران همین است .

آغاز : (از اربعینیات مولانا قاضی سعید القمی رحمه‌الله تعالی) بسمله . و به الاستعانة فی التتمیم . الحمد لمن لا یحوم حول مشرع غبوبه و مهمه شهوده من السابحین والسابحات والسائحین والسائحات احد ولا تصل الی ذیل شامخ جبال جلاله ایدی وهق التخیال وسلم العدد . قد ظهر مع اختفائه فی جلباب سائرات کمونه کالرؤیة من نور العین و اختفی مع ظهوره و بروزه کلمعان البرق قبل ابتلاجه فی حجب حجاب سواد العین ... و بعد فالعبد الملتجی الی ارباب التوحید محمد المدعو بسعید یقول انی عند ارتیاضی فی اربعین تخمیر طینة آدم ع قبل ان اخرج من افق المحو الی عالم الصحو قد کانت صحیفة قلبی مرقومة برقوم الاستیهال لقبول الاضواء من مشرق انوار الائمة الاطهار . . . و ذلک بعد تسیاری فی بساتین رموز الحکماء والمتالهین و تذکاری لاسرار العرفاء الکاملین من الاقدمین والآخرین . . . فجمعت ذخائر فی دفاتر متفرقة و نظمت دراری فرائد فی نظام التفرقة ثم رأیت ان اضع اربعین کنزاً من صغائر هذه اللئالی وذخائر تلک المعانی العوالی فی مجموع شامل لبیوت او اهل فقنح لی اربعون باباً من کنوز التحقیقات البدیعة وعثرت منها علی اللئالی النازلات من تلک السحائب الرفیعة ادرجتها فی تلک الکراریس للخلان الاوانیس وسمیتها با « لاربعینیات لکشف انوار القدسیات » ... فهذه رسائل ارباب الشهود و مسائل اصحاب العهود و مکاتیب اخوان الوفاء و مراسل خلان الصفاء .. ولعمر الحبیب ان المبتغی للمعارف والاسرار ان کان خاطباً لعذاری ابکار الاخبار فتلک الحجال مفترع عذرتها و ها انا ابن بجدتها و ان کان مقتطفاً لجنا جنه حکمة الابرار طالب الثمرة نتائج الافکار ففی هذه البساتین عذیقها المحکک و جذیلها المرجب

ا کرم بها و ان کان سالکا سبل اهل‌الله غائصا فی بحار معرفةالله ففیها مصابیح نوار علم‌الیقین و مشاعل عین‌الیقین ... جعلکم‌الله وایانا من‌الذین یسمعون‌القول یتبعون احسنه انه‌ولی‌الفضل‌والهدایة . الرسالةالاولی وهی رسالة « روح‌الصلوة » لمهدیة الی حضرة استادنا فی‌العلوم‌الالهیة مولانا « محمد محسن » اعلی درجته : بسمله . و بعد الحمدلله والصلوة علی رسول‌الله و اهل بیته آل‌الله فالعبدالمعناق لی‌الله‌الولی... محمدالمدعو بسعیدالشریف‌القمی ... باخوانناالروحانیین واصدقائنا لروحانیین ... انا نرید فی هذه‌المقالة ان نبین لکم . . من حقیقةالصلوة ومعناها روح هذه‌العبادة ومغزاها .

انجام : ففی صلوةالظهر انوجه الی‌الله بمحمد رسول‌الله .. وفی صلوةالعصر ذکر امیرالمؤمنین و فی‌المغرب فاطمة . . . وفی‌العشاءالحسن والحسین والتسعة من ذریةالحسین و فی‌الصبح حجةالله والقائم . هذا صلوة اهل‌الفلاح والحمدلله فی‌المساء والصباح (بلغ . قوبلت مع‌النسخةالتی کانت بخط‌المصنف قدس سره — گ ۱ ب — ۱۱ الف) (۱) .

---

۱ — قمی بجز روح‌الصلوة سه رسالهٔ دیگر در راز نماز نگاشته است : یکی ش ۱۰۳۰/۱۷ این کتابخانه که در کنار شرح هدایهٔ شیرازی بچاپ رسیده (ص ۴۰۷ همین فهرست) و آغاز آن درست مانند همان روح‌الصلوة و پس از دیباچه دوتا میشوند و این که چاپ شده مانند گزیده‌ای از همین روح‌الصلوة میباشد و انجام آن هم جز انجام این و چیزی دیگر است و همین است که در دوم سیزده روز گذشتهٔ از شوال سال ۱۰۸۴ نگاشته شده است. در آن (ص ۳۵۷ چاپی) نوید رسالهٔ دیگری داده شده واز آن ما نا همین روح‌الصلوة خواسته شده است که پس از ۱۰۹۱ نگارش در آمده و گسترده این گزیده میباشد . همین است که بنام «مقاله» نوشته با «حقیقةالصلوة» در من نو دیباچهٔ کلید بهشت (زیر ص کج) شناسانده شد .

دوم ش ۱۰۳۰/۱۹ و ۵۹۸/۲ (ص ۴۰۷ و ۵۸۹ همین فهرست) که آغاز آن نزدیک روح‌الصلوة میباشد ولی انجام آن چیز دیگر است .

سوم اسرارالعبادات که راز پاکی و نماز و زکوة و روزه و حج و جهاد و امر بمعروف دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

۲- «فی حقیقة الاختلاف الواقعة فی القرآن السبع» یا «الکشف عن القرآن السبع» (ش ۱۰۳۰/٤ ص ۱۸۲ فهرست آقای منزوی ج ۱) که در یک مقدمه و چند اشاره و بشاره است و فیض شالودهٔ آنرا در میان نمازشام و خفتن شب آدینهٔ دوشب گذشتهٔ از ج ۲ سال ۱۰۸۹ در قم ریخته و در دوشب ماندهٔ از همان ماه بانجام رسانده سپس در یکم همان ماه سال ۱۰۹۸ در سپاهان آنرا در این مجموعه گذارده است روش باطنی فیض در این رساله پیدا ست و او رنگ فلسفهٔ اشراقی بهمین مسئلهٔ هفت قرائت را گذارده و روشن نموده

آغاز (الرسالة الثانیة فی حقیقة الاختلاف الواقع فی القرآن السبع اشارة و بشارة) بسمله وبه ثقتی الحمدلله الذی نجم القرآن وسبع ذلک التبیان وسبعه سبعة آلاف من ملئکة الرحمن وصار ذا سبعة وجوه حسان واشتمل علی سبع من المثانی ونزل علی سبعة احرف من المعانی فلا سبعة بطون من التأویل وهو علی سبع قرآت من التنزیل وبعد اعلموا اخوانی فی الدین وخلانی فی طلب الیقین انی کنت لیلة الجمعة المبارکة لثلث لیال خلون من شهر جمادی الآخرة لسنة تسع وثمانین والف من الهجرة بین صلوة المغرب والعشاء الآخرة بوطنی قم المحروسة متوجها الی باری الخلق ومفیض العقل اذ سنح لی اصل شریف بنا ینفتح به حقیقة الاختلاف الواقع فی القرآن السبع

انجام وکان احد لا یحاط رسول الله بن بای لسان خاطبه الا وقع فی مسامعه بالعربیة کل ذلک سر حکم خیر نزل بشر بقاله من الله تعالی الحدیث وفی ذلک کفایة لمن یدبر و درایة لمن استبصر هذا آخر ما اردنا ایراده فی تلک المقالة

رساله حاشیه مجمع البیان

وبهی ازمیکردر آن روش ۸۹ سوره هود ... در این گزارش ... های سوره وحید ... گزارش ... (آغاز جلد دوم ... ۱۰۹۸) و در رسالهٔ ... (گویا همان مقاله ...) را گزارش ... است آغاز ... آن «ولکن ذلک مقدمة فی الاصول ... اعظم فی هذا الباب مع اختصاره و اختیاره (شماره چهارم ص ... پشت) و این یکی ... است که ...

الله ولی الهدایة . واتفق ذلك علی یدی مؤلفها العبد المذنب العاصی محمد المدعو سعید الشریف القاضی للبلدتین بقیتا من الشهر الذی مضی ثم ادرجتها فی هذه المجموعة المسماة بالاربعینیات فی غرة الشهر المذکور لافتتاح عام ثمان و تسعین و الف اصبهان صینت عن طوارق الحدثان (تمت و آلاؤه عمت . قوبل مع النسخة التی کانت بخط المصنف ره ـ گ ۱۱ ب ـ ۱٦ ب) .

۳ـ الفوائد الرضویه که گزارش « حدیث رأس الجالوت » یا گفتگوی پیشوای هشتم شیعی بارهبر آوارگان یهود (رش گالوتا) که جز حدیث ۱۲ اربعین قمی است میباشد و دارای یك مقدمه و سه فائده در چند مبحث و مطلب و خاتمه است و در روز سه شنبه ۱٤ ربیع یکم سال ۱۰۹۹ آنرا بپایان رساند .

او در دیباچه میگوید که من هنگامیکه به نیمهٔ سال هفتاد رسیده و در دههٔ چهل بوده‌ام بدین حدیث برخورده‌ام و آنرا دست نخورده یافتم و خواستم آنرا گزارش بنویسم .

پس باید در سال ۱۰۸٤ بدین گزارش پرداخته باشد. فهرست مطلبهای آن درفهرست طوس (۱۳۸:۵) یاد گردید و در آنجا از روضات (ص۳۰۲) دارد که این رساله دومین رسالهٔ الاربعینیات میباشد (نیز ذریعه ۱ ٤۳۷) ولی چنین نیست و نگارندهٔ روضات هم این را از کلمهٔ کسی آورده و خود آنرا ندیده بود .

آغاز : الرسالة الثالثة « فوائد رضویه » علی المنسوب الیه الف ثناء و تحیه) بسمله . الحمدلله الواحد المتوحد والفرد المنفرد الذی توحد بالتوحید فی توحده و تفرد بالتفرید فی تفرده انبجست منه الکثرات بجملتها لوحدته و ابتدات منه المزدوجات برمتها لفردیته . وبعد فالفقیر . محمد المشتهر بسعید الشریف القمی یقول ان الحکمة کل الحکمة ماورد فی الکتاب والسنة والعلم حق العلم ماصدر عن مدینة العلم وان فی اخبار الائمة الطاهرین لبلاغاً لقوم عابدین وان فی ذلك لذکری للعالمین ... ولنسم تلك المقالة بالفوائد الرضویة .

انجام : وعلی الله توکلی والیه انقطاعی وبه عن شر خلقی اعتصامی و بمحمد ص

بوسلی والله ولیی فی جمیع احوالی وهو حسبی انهی سوبده یوم الثلثا رابع عسر ربیع الاول سنة سبع و سعین و الف علی یدی مؤلفه حامداً مصلیا (بمت و آلاؤه عمت فوبلت مع النسخه التی کانت بخط المصنف قدس سره – ۱۷ الف – ۴۱ ب)

۵ ۴–مرقاب الاسرار فی ربط الحادث بالقدیم و حدوث العالم حدوثاً زمانیاً که در دو درجه بخش در ده قاعده و دومی در چهار فائده میباشد پس از اینده دو مرقات است و در آنها عنوانهائی است مانند آنچه که در نگارشهای دیگر او و نوشته‌های دشتکی و داماد و شیرازی و کاشی دیده میشود و پس از انها خاتمه است او در هم در ۵۰ سالگی در ۱۰ ذی قعده ۱۰۸۴ آنرا بپایان رسانید و در ۱۰۹۹ در این مجموعه گذارده است (۱)

۱۰ او جهان حسی را حادث زمانی میداند و روی حرکت ذاتی جسم طبیعی حادث را بقدیم پیوند میدهد او در آغاز در خاتمه میگوید که هستی اصیل نیست و ماهیت را اصالت است و در همین رساله مثل را ثابت میکند وی در مبحث چهارم فوائد رضوی (گ ۳۷ الف) از این رساله مانند بالا یاد کرد

آغاز (الرسالة الرابعة وهی المسماه بمرقاة الاسرار فی بیان ربط الحادث

۱۵ بالقدیم وحدوث العالم) بسمله الحمدلله العالم بکل الاشیاء برب العالمین من الارواح والنفوس الاصفیاء الرحمن بالمسخرات بحت الطبیعه بالرحیم بالنفوس الزکیه. و بعد فالعبد محمد المدعو بسعید القمی الشریف یقول ان مسئله ربط الحادث بالقدیم و صدور المتغیر عن الثابت المقیم لعویصه عظیمة الاشکال و معرفة الحق فیها لخفیه عن اکثر الرجال و انی احوص بها و ارتقی الی ذراها مع نور ع البال

۱– از اینجا ره آید که وی در ۱۰۴۹ زاده است چنانکه درهامش روضات ص ۳۰۲ آمده ولی در فهرست طوس ۱۸۰۴ دارد که او در ۱۰۴۸ زاده است و سند آنها گویا عبارتی است از دیباچه شرح عباره (ص ۴۰۳) که در آنجا دارد که من در ۵۱ سالگی در ۱۰۹۹ در بیاهای این گزارش را نوشتم (بنگرید به ص ۴۵۴ این فهرست و ص ۲۶۴ ج ۱ فهرست سپهسالار که در آنجاها از روی همین گزارش زادن او

۵ در ۱۰۳۹ دانسته شده است و درست نیست).

من معادات الزمان و تشتت الحال من مقاساة الاحزان لالتماس بعض اخوانی الصالحین واقتراح جمع من خلانی الصادقین ... وسمیتها بمرقاة الاسرار لاشتمالها علی درجتین یبتنی لهما قواعد للعروج الی مرقاة تعمنی منها فوائد.

انجام. هذا آخر ما اردنا ایراده فی تلك المقالة وقصدنا ابرازه من الکن فی هذه الرسالة والله ولی الاعانة واتفق الاتمام علی یدی مؤلفه احوج المربوبین فی وطنه قم المحروسة المشرفة بعد ما مضی من العمر خمس وثلثون سنة عاشر ذی القعدة من اشهر الحرام المبارکة لسنة اربع و ثمانین من الالف الثانی من الهجرة وقلت فی تاریخ الرسالة (نظم) : مرقاة اسرار الهدی فندرجوا ـ منها الی ذی العرش خیر سبیل ـ اوتیتها من فضل خلاق الوری ـ تاریخها مرقاه سرجمیل . (وجدنا هذا المصراع الاخیر بخط المصنف ره هکذا : « تاریخها مرقاة سر دلیل » ـ والموافق بالتاریخ الذی کتب نشر الاتمام الرسالة هو ما کتبنا لا ماوقع بخطه ره وکانه نشاء منه سهوا) وکان نقله فی هذه المجموعة باصبهان المحروسة سنة تسع وتسعین والف من الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطناً والحمدلله (نقل من خط المصنف ره) (قوبلت مع نسخة المصنف ره ـ ٤١ ب ـ ٦٤ الف).

٥ـ النفحات الالهیة والخواطر الالهامیة وهی مسجعة المبانی محققة المعانی که در ص ۳۸۸ همین فهرست شناسانده شده است وی آنرا در نوروز و ماه ذیحجه چنانکه در آن نسخه آمده با ماه محرم (روی این نسخهٔ کنونی) سال ۱۰۸٤ نگاشته و در ۱۷ ربیع دوم ۱۰۸۹ نزدیك نورور و در سپاهان درروزگار شاه سلیمان صفوی آنرادراین مجموعه گذارده است . دو نسخهٔ ماانندکی ازهم جدائی دارند. روی سخن اودراصیل ندانستن هستی گویا بصدرای شیرازی میباشد .

آغاز (الرسالة الخامسة وهی رسالة النفحات الالهیة وهی مسجعة المبانی محققة المعانی) بسمله . بعد الحمدلله واهب العلم والعمل .. یقول ... محمد المدعو بسعید الشریف القمی هذه خواطر الهامیة و نوادر ربانیة قدظهرت لی بعض الاوقات وان لربکم فی ایام دهرکم نفحات .

انجام وهو آدم الاول بل انسان العوالم والعالمین و خلیفة الله و سلطانه فی السموات والارضین والحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الاطیبین هذا آخر ما اردنا ایراده فی تلك المقالة واتفق الفراغ من اتمامها فی یوم النیروز علی ید مؤلفها الجانی فی الجانبین ار اهال الاشیاء بعد الیمین و زرره مرسة حق الیمین فی محرم سنة ۱۰۸۴ والسلام و کان نقله الی هذه المجموعة فی سابع عشر ربیع الثانی ۵
فریسامن شهور سنة تسع و ثمانین من الالف الثانی حین توقفی باصبهان دار السلطنة فی زمن السلطان الاعظم الشاه سلیمان خلد الله ملکه وسلطانه (نقلناه من خط المصنف ره - قوبل مع نسخة المصنف ره گ ٦٤ ب - ۷۰ الف)

٦- الانوار القدسیه که درسه نور (۱- در هیولی ۲- در صورت ۳- نفس)
هر یك چند فروح ممتاز و در ۱۰۸۵/۱/۱ نگاشته و در سپاهان بسال ۱۰۹۹ آنرا ۱۰
در این مجموعه گذارده است او در دیباچه از بدکارانیکه با دانش و فرهنگ دشمنی میکنند و جای رهبران مؤمنان را گرفتند و دیگران را بی دین میخوانند یاد میکند و بر آنها نفرین میفرستد (ش ۱۰۳۰/۱٦ ص ۱۵۹ این فهرست)

آغاز (الرسالة السادسة رسالة الانوار القدسیة فی تحقیق الهیولی والصورة والنفس و فوائد آخر) بسمله الحمد لله الذی ادانا الحکمة لکی نوصل بها الی ۱۵
مالدیه وهدانا الی النبی و آله نتوسل بهم الیه و بعد فالفقیر محمد المدعو بسعید الشریف القمی یقول تلك « انوار قدسیة » انبعثت علی روعی بعض اوقات المذاکرة اشتهالکی یسمع بها المرتبی بری الحق والحکمة ولست من یستند فی تقلید السلف ویحتمل فی تصحیح مقالاتهم کل العسف بل الحق هو المتبع و برهان الله هو المطاع الارفع ۲۰

انجام من احسن تعبیر و ابلغ تفسیر والله اعلم و احکم هذا ما اردنا ایراده فی ذکر الهیولی وسرها و علوها و تجردها و سیرها الانواری و معراجها الاسراری واتفق مساعدة توفیق الله لاتمام تلك علی یدی مؤلفها غرة محرم الحرام لسنة خمس و ثمانین بعد الالف من الهجرة النبویة و ذلك فی وطنه قم المحروسة

الحمدلله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و کتب بذلك راجياً رضوان الله حامداً مصلياً مستغفراً سائلاً من الله ان يعين لاتمام فقد شرطت من ادخار الرسائل السوانح و الفوائد لفواتح في هذه المجموعة وقد وقع النقل الى هذه المجموعة على يدي المؤلف بدار السلطنة اصفهان المحروسة سنة تسع و تسعين بعد الالف (قو بلت مع نسخة المصنف ره ـ گ ۷۰ ب ـ ۸۰ ب).

۷ ـ المقصد الاسنى في تحقيق مهية الحركة و وجودها در دو مقصد و پنج مقدمه و یك ختم که درقم بسال ۱۰۸۸ نگاشته ودرجمادی دوم ۱۰۸۹ در سپاهان آنرا دراین مجموعه گذارده است . او درمقدمهٔ یکم هستی ذهنی را با برهان باطل میسازد ومیگوید که ما در برخی از رساله‌های خود دلیلها برای این آوردیم ودراینجا بیك دلیل ساده کم رنجی بس میکنیم .

آغاز : (الرسالة السابعة رسالة المقصد الاسنى في تحقيق مهية الحركة) بسمله . الحمدلله رب العالمين ... و بعد فيقول .. محمد يدعى سعيد الشريف ... هذه عجالة في تحقيق الحركة و وجودها وسر هذه الدقيقة و نزولها و صعودها . . . و سميتها بالمقصد الاسنى .

انجام : فهناك يتعانق الابد و الازل و يتصافح الآخر مع الاول والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلى الله على محمد و آله دائماً. تم على يدي مؤلفه سنة الف و ثمان و ثمانين بوطنه قم المحروسة والحمدلله . وقع النقل الى هذه المجموعة شهر جمادي الآخرة بسنة تسع و ثمانين و الف من الهجرة ايام سكناي بدار السلطنة اصفهان صينت عن حوادث الزمان (قوبلت من مجموعة المصنف ره ـ گ ۸۱ الف ـ ۸۷ ب) .

۸ ـ الحديقة الوردية في السوانح المعراجية درسه حديقه و معراج در آن تأويل فلسفي وعرفاني میشود و درپایان آن سفارش میکند که راز را بنادانان نگویند . این رساله را در ۱۹ جمادی دوم سال ۱۰۹۹ در سپاهان دراین مجموعه گذارده است . این رساله را در گشودن این مشکل نوشته که چرا درعلل الشرایع صدوق آمده

که گل سرخ از خوی پیامبر در شب معراج و گل زرد از خوی براق که از چهارپایان بهشت است آفریده شده است با اینکه این دو پیش از معراج بوده‌اند. قمی میگوید که پیش از من کسی بدین اشکال پاسخ نگفت. او از راه عرفان آنرا حل میکند. در آغاز دارد که معراج پیامبر هم جسمانی و هم نفسانی و هم عقلانی بوده است.

آغاز (الرسالة الثامنة رسالة الحديقة الوردية فی السوانح المعراجية) بسمله. و به نستعين. الحمدلله الذی تعرج الملئكه والروح فی يوم كان مقداره خمسين الف سنة.. و بعد فالفقير. محمد المدعو بسعيد الشريف القمی يقول قد استعضل اكثر ارباب التحقيق والعرفان فهم الخبر المروی عن ائمة اهل الايقان علی ما رواه شيخنا الاجل فی كتاب العلل من ان تكون الورد الاحمر كان من عرق صاحب المعراج فی تلك الليلة و ان تكون الاصفر منه انما حدث من عرق براق الذی كان من دواب الجنة

انجام و كتب بيده الجانيه. مؤلفه الملتجی الی الله واهب العقل والحكمة والحمدلله اولا و آخراً و صلی الله ابداً دائما وانهی النقل الی هذه المجموعة فی تاسع عشر شهر جمادی الآخرة سنة تسع و سبعين و الف من الهجرة باصبهان دار السلطنة (تمت. دوبلت مع مجموعة المصنف ره – ۸۷ الف – ۹۵ ب).

۹– البرهان القاطع وهی ترجمه رسالة (وجود) مولانا رجبعلی بالعربية. قمی در این یکی رساله پارسی «اثبات واجب» یا «وجودیه» مولانا رجبعلی (م ۱۰۸۰) را که در ص ۱۳۲ و ۴۰۵ همین فهرست شناسانده شده است بتازی درآورده و در ۳ محرم ۱۱۰۰ آنرا در این مجموعه گذارده است. پس میان ۱۰۸۰ و ۱۱۰۰ بنگارش درآمده است.

آغاز. «الرسالة التاسعة ترجمة رسالة استادنا الحكيم الالهی مولانا رجبعلی ولنسمها بالبرهان القاطع والنور الساطع) بسمله. الحمد لواهب العقل و خصاله والصلوة علی محمد و آله و بعد فهذه ترجمة رسالة استادنا الحكيم الالهی مولانا رجبعلی افاض الله علی روحه النور الجلی والخفی نقلتها من الفارسية الی العربية. قال قدس سره: بسمله. قال الله تعالی ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك

ن يشاء وبعد فهذه رسالة مشتملة على مقدمة ومطالب خمسة وخاتمة .

انجام : و اطلاق الواجب عليه سبحانه على انه ليس بممكن . والحمدلله على
لمه الى ههنا ترجمة كلامه اعلى الله مقامه . و كتبه مترجمه تلميذه افل العبيد
مد المدعو بسعيد . وفرغ من نقله الى هذه المجموعة ثالث شهر محرم الحرام عام
ب ومائة والحمدلله وحده (فوبلت مع مجموعة المصنف ره – ۹٥ ب – ۹۸ ب)

۱۰– الطلائع والبوارق يا البوارق الملكوتيه كه در يك مقدمه و شش طليعه
ريك چند بارقه ميباشد. اين رساله درازترين و گسترده‌ترين اين ده رساله است
در آن بروش عرفاني از بسياري از مسئله‌هاي فلسفي كاوش شده است او در طليعهٔ ۳
۱۱٤ الف) از خوابي روحاني كه در ميهن خويش قم در حرم ديده بود ياد كرد
در طليعهٔ ٥ (۱۲۲ ب) داستاني آورد از استاد استادان خود بهاءالدين عاملي
گاهيكه بديدار يكي از عارفان كه در گورستاني در سپاهان ميزيست رفته بود .
از (۱۳۰ الف و ۱۳۱ ب) از يكي از استادان بزرگ ياد كرد كه خيال را گوهري
ايدار ميدانست و ازاو خرده گرفت و گويا از او صدراي شيرازي را ميخواهد
چنانكه گويا در جاي ديگر هم باو اشاره نمود (۱۳۹ ب) او در اين رساله از اثولوجيا هم
ورده و آنرا از ارسطو پنداشت .

قمي آنرا در آغاز ۱۰۹٥ در سپاهان آغاز كرد (دساجه) و در روز يكشنبه سوم
سفر ۱۱۰۲ در اين مجموعه گذارده است .

آغاز : (الرسالة العاشرة رسالة الطلائع والبوارق فى تحقيق ان لكل حقيقة
ن الحقائق الامكانية صورة وان احسنها الصورة الانسانية) بسمله . امابعد الحمدلله
واهب العلم والصور والصلوة على خير البشر وآله خير اهل البدو والحضر فالفقير
لى الله الغنى والمتمسك بحبل النبى والوصى محمد المدعو بسعيد الشريف القمى ...
نقول نحن نريد فى هذه المقالة ... ان نبين حقيقة مافتح لنا فى الاستفتاح من عام
خمس وتسعين من الالف الثانى فى بلدة اصبهان ... من ان لكل موجود سواء كان
فى العالم العقلى او المثالى او الكونى صورة يقتضيها حقيقته و تطلبه ذاته . . .

و بالحری ان نسمیها بالبوارق الملکوتیه حیث ما فیها من انوار الهیه نسمیها طلائع نوریه

انجام ولنختم الکلام والحمدلله انتهی النقل الی هذه المجموعه یوم الاحد ثالث شهر صفر سنه الف ومائه واثنین حامداً مصلیاً علی نبیه محمد المدعو سعید القاضی جعله الله من اهله واعطاه ما فی نفسه واولاده واخوانه والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطنا

[۱۹۱۷-۱۹۲۶]

۹۷۱ این نسخه‌ها ده شمارهٔ ده ری است بسطعلوی باعنوان‌ها و شاهای شنگرف از محمد حسن فای . بر حاج عبدالرسول حسینی زنوری که نوشته خود او در جدا ا «مجموعه» خودهمی و خط اودرسالهای در ۱۲۰۶ معا له گردید در پایان دارد «تمت فدونهی الله عالی بلطفه الخفی والجلی والامتنان تصادف هذه الرسائل العشر و کتابتها فی دارالسلطنه اصفهان صنت عن حوادث الزمان و طوارق الحدثان حین رجوعنا سفر خراسان علی مشرفها صلوات الرحمان و کان ذلک فی اواسط شهر صفر المظفر من السنه السادسه من المائه الثالثه من الالف الثانی من الهجره النبویه المصطفویه علیه وعلی آبائه واجداده وخلفائه و ابنائه آلاف الثناء والسلام والتحیه وانا العبد الاذل الجانی ابن الحاج عبدالرسول الحسینی الزنوری المزری محمد المدعو بالحسن المخلص الفانی عاملنا الله بلطفه الخفی والجلی بحق النبی والولی تمت وقد بلغت هذه المجموعه المسماه الازهار مع مجموعه العقیده التی کانت بخطه ره فی دارالسلطنه اصفهان فی سنه ۱۲۰۶ کتبنا الکاتب الدلیل والله الهادی الی خیر سبیل»

(۱۵۴ ص) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج زناکی — ربی
اندازه ۱۱ ۱۵/۵ — ۷ ۱۱ س ۱۸

[۱۶۲۸] اسرار الصلوة (عربی)

درین نامه شمار تأویل عرفانی و باطنی شده و در آن روشن گردید که دانشمندان و رهبران و فرمانروایان و شاهان و داوران بد نمازرا نماه ساخته از عبارت (کماد کرنا) که در آغاز آن دارد برمیآید که دنبالهٔ نامهٔ دیگری است مگر اینکه در نسخهٔ ما رساله‌ای جدا شمار آمده و نگارندهٔ آن ناداسته است

آغاز: بسمله . الحمدلله اولا وآخرا وصلی علی نبینا المصطفی باطناً وظاهرا . امابعد فاعلم ان الصلوة بالحقیقة فی النبوة الاولی رکعتان رکعة فی الجنة ورکعة فی النار کماذکرنا وفی النبوة الاخیرة رکعتان رکعة فی الذات ورکعة فی الصفات .

انجام: فهؤلاء الاصناف الخمس حین اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات . والآن بحمدالله ومنه اهلکهم (اهلکم ـ نسخه) و فرقهم وشتتهم حین خرجت الصلوة مع نورها الی اهل النور وانم الله النور فی اهله (تم) .

[۱۹۲۷]

۳۹۸ این نسخه ش ۳ دفتر است و بسیعلی باعنوانهای شنگرف و ماسد گ ، ۱۹ ب ـ ۲۰ الف .

۱ [۱۶۲۹] الاصلاح (عربی)

از سید مجاهد که در ص ۱۷۷۸ همین فهرست شناسانده شده است .

[۱۹۲۸]

۱۱۸۱ این نسخه بخط نسخ است و با عنوانها و نشانههای شنگرف و چنین است پایان آن : وحکی بعض الاصحاب ان (قال کل اسم یلیق بجلاله و یلیق بکماله

۱۲ مما لم یرد به اذن یجوز اطلاقه علیه تعالی الا انه لیس من الاذن وهو جید المسألة السادسة) مانند دو نمانه در نسخه س ۹۳۸ است .

(۱۳۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد ندارد

اندازه : ۳۱ ۲۹/۵ و ۱۳ ۲۱/۵ س ۳۰

[۱۶۳۰] اصول دین (فارسی)

۲۰ دراین نامه از اصول دین از روی آئین شیعی گفتگو شده و عنوانها در آن « مسئله » است و بروش پرسش و پاسخ

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والصلوه علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین . امابعد بدانکه اصول دین برهشت قسم است .

انجام مراد پیغمبر علیه‌السلام در اینجا از اسلام ثمرات و علامات اسلام بود نه حقیقت اسلام (تمت الرسالة الشریفة بعون‌الله تعالی وحسن توفیقه)

[۱۹۲۹]

۱۰۱۵ این نسخه ش ٤ دفتر است و مشتمل در گ ۷ الف ـ ۱۱ ب

[۱۶۳۱] اصول‌الدین (عربی) ۵

ابوعبدالله محمد بن یوسف بن عمر بن شعیب حسنی سنوسی دانشمند اشعری پارسای تلمسان (۸۳۲-۸۹۵) بر صحیح بخاری و آجرومیه نحو و لامیه جزائری در توحید و جبر و مقابلة این یاسمین و جمل منطق خونجی گزارش نوشت و سوره ص و پس از آن را به نثر نمود و در رساله‌ای در پزشکی نگاشت و نصرة الفقیر در پند واندرز در کلام «عقیدة اهل التوحید المخرجة من ظلمات الجهل و ربقة التقلید المرغمة انف کل مبتدع عنید» یا «العقیدة الکبری» دارد و خود بر آن گزارشی بنام «عمدة اهل التوفیق والتسدید فی شرح عقیدة اهل التوحید» نگاشته سپس آن را کوتاه ساخته و در روز نهم ذی‌حجة ۸۷۵ از این یکی بیاسود این عمده در چاپخانه جریدة‌الاسلام بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید ۱۰

او را دفتری دیگر است بنام «ام‌البراهین» یا «السنوسیة الصغری» یا «العقیدة الصغری» که همهٔ عقیده‌های توحید را در آن آورده و در پایان آن دو کلمهٔ شهادت را گذارده است این یکی با ترجمهٔ آلمانی ب هو لف Ph Wolff در لایپسیك بسال ۱۸٤۸ و با ترجمهٔ فرانسوی و تعلیقات وسیانی در الجزائر بسال ۱۸۹٦ و در فارس و مصر چند بار و در جاوه بسال ۱۳۱۸ بچاپ رسید خود او این را گزارش نموده با «دول» نوشته است ۱۵ ۲۰

شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد عیسی انصاری (م ۱۰٤٤) و محمد بن عمر تلمسانی و عمادالدین هم بر آن گزارش نوشته‌اند و نسخهٔ «۱۰۹۷/۳» متا

هیچیك از این چهار گزارش نیست. محمد بن محمد الهدهدی و گمنامی دیگر هم بر آن گزارش دارند.

او در توحید باز «الوسطی» و «المقدمات» دارد و «صغری الصغری» که خود بر این یکی گزارشی نگاشته است و این گزارش او در مصر بسال ۱۲۸۲ و با گزارش ابی اسحق اندلسی بر «المواهب الربانیة فی شرح المقدمات السنوسیة» در مصر بسال ۱۳۰٤ بچاپ رسید (۱).

در این نسخهٔ ما (۱۰۹۷/۲) از خداشناسی و پیامبری بروش کلامیان بررسی شده و نمیدانم کدامیك از این نگارشهای سنوسی است.

آغاز: بسمله. و به نستعین. قال الشیخ الامام العالم ابوعبدالله محمد بن الشیخ الصالح سید یوسف السنوسی: الحمدلله والصلوة والسلام علی رسوله اعلم ان الحکم العقلی ینحصر فی ثلثة اقسام الوجوب والاستحاله والجائزه.

انجام: وعدد ماغفل عن ذکرك الغافلون ورضی الله تعالی عن اصحاب رسول الله اجمعین وعن التابعین لهم باحسان الی یوم الدین. الحمدلله رب العالمین.

[۱۹۳۰]

۱ ۱۰۹۷ این نسخه ش ۳ دهم است و بهمانگونه خط ش ۱ و در گ ۱۱۸ ب - ۱۲۲ الف.

[۱۶۳۲] الزام النواصب بامامة علی بن ابیطالب (عربی)

این نامه همانست که در ص ۵۳۸ همین فهرست و ص ۷۲ بار پسین سخن بخش دوم آن شناسانده شده (ش۲/۵۷۵) و از خود آن آشکارا برنمآید که از کیست. برخی آنرا از علی بن طاوس (۶۶٤) و گروهی از شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی ۲

۱ـ نگریده به: چلپی ۲: ۱۲۷ و ۱: ۱۵۱ـ رز کای ۳: ۱۰۰۷ـ فهرس خزانهٔ تیموری ۳: ۹۶۰ و ۱٤۶. معجم المطبوعات در «سنوسی» ـ فهرست اسعد طلس ص ۲۶۵ و ۲۸۶ و ۳-۲۹۲.

(زندهٔ در ۹۰۹ - ۹٤٤) دانسنند ودر تذکرهٔ شیخ سلیمان‌بن عبدالله ماحوزی (م ۱۱۲۱) دارد که ازشیخ مفلح صیمری میباشد (۱).

ازوطنفی بباید باشد چه‌اینکه در کتاب او «الوافیة فی تعیین الفرقة الناجیة» ازهمان خبرهای سنی آمده (روضات) ودراین رساله تنها خبرهای سنی آورده شد. نگارندهٔ آن درچندین‌جا خودرا یکی از «اهل کتاب» نشان داده که بدین اسلام درآمده و دیده که درمیان آنها اختلاف سختی است و خواست آنچه که راست‌است بیابد وسرانجام در یافت که شیعیان‌درست میگویند واز روی خبرهای سنی پیشوائی علی ع را آنچنانکه شیعیان میگویند روشن بداشت (۲)

۱- برای وطنفی بنگرید به روضات ص ۸ واجازات بحار ص۷۵و۷۷- کتابی بنام « تعیین الفرقة الناجیة » (طوس ۲ ۳۵ ش ۱۱۷) از وطنفی یاد کرده‌اند که باید ازاو باشد همچنین کتابی دیگر بنام الوافیة فی تعیین الفرقة الناجیة» (طوس ۵:۱۵- ذریعه ٤ ٤۳۱) و هردو جز این الزام النواصب است - برای تذکرهٔ ماحوزی بنگرید به : فهرست طوس ٤ ۲۸ و ذریعه ۲ ۲۸۹ - صیمری درزمان محقق کرکی میزیسته وهمانند علی بن هلال جزایری بوده‌است در روی نسخه‌ای ازقواعد بخط خود در۸۷۳ اجازه‌ای نوشت. بحرغاية المرام (س۱۹۵۲ همین فهرست) گزارشی بروجز اسناد خود ازفهرست‌های نوشته و مختصر صحاح و منتخب با تلخیص خلاف (ذریعه ٤ ٤۳۲) وجواهر الکلمات فی صیغ العقود والایقاعات نوشتهٔ ۱۰ج۸۷۰/۱ (ذریعه ۵ ۲۷۹-طوس ش ۶۰۰) دارد (روضات - ذریعه ٤ ٤۳۸) همچنین السهام فی الارث والمورثات (ذریعه ۳ ۳۳۵).

۲- از نکته‌های تاریخی این کتاب عبارت زیر است که درپایان آن دیده میشود «وممن اعترف بان الحق لعلی ع الخلفاء الناصر من بنی العباس وعبدالله بن المعتز بالله من بنی العباس والسلطان علی بن نورالدین یوسف سلطان دمشق وملک اخوه العزیز الدیار المصریه وکان اسماء ابو بکر واخاه العزیز وعمه العادل واسمه عثمان حصرا ده بن واحداها من علی بن نور الدین فکتب الی الخلفاء الناصر یشکو عمه العادل المسمی بابی بکر واخاه العزیز المسمی بعثمان عند الانبات شعرا

مولای ان ابابکر و صاحبه عثمان قد غصبا بالسیف حق علی

دنبال حاشیه درصفحه پس‌ازاین

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين والحمدلله الواصل الحمد بالنعم و النعم بالشكر نحمده على آلائه لما نحمده على بلائه و نستعينه على هذه النفوس البطا(؟) عما امرت به الراع الى مانهيت عنه . . . واعلم يا اخى انى رجل من اهل الكتاب سألت الله الهداية الى الصواب فهدانى الله لدين الاسلام ... فلماصرت منهم وفيهم وصارلى مالهم و على ماعليهم جالست علمائهم وصاحبت فضلائهم فرأيت بينهم اختلافاً كثيراً و تفسيقاً و تكفيرا . فاجتهدت فى تفسير الفرقة الناجية التى عناها النبى ... فلماجعلت اعتمادى على ماورده الشيعة ... ولابد من ايراد رسالة وجيزة من طرق الاختصام ... وسميت هذه الرسالة « الزام النواصب بامامة على بن ابى طالب » وهى مشتملة على مقدمة وابواب وفصول .

دنبالهٔ حاشيهٔ صفحه پيش

وهوالذى قد كان ولاه والده ... عليهما فاستقام الامر حين ولى

فخالفاه و حلى عقد بيعته ... فالامر بينهما والنص فيه جلى

فانظر الى حظ هذا الاسم كيف لقى ... من الاواخر مالاقى من الاولى

فاجابه الخليفة الناصر بجواب اوله شعرا :

وافى كتابك يا ابن يوسف معلنا ... بالود يخبر ان اصلك طاهر

غصبوا عليا حقه اذ لم يكن ... بعد النبى له بيثرب ناصر

فاصبر فان غدا عليه حسابهم ... واصبر كما صبر الامام الناصر

«وقد اعترف الامام الناصر وهو خليفة من ملوك بنى العباس ان عليا ع قد غصبه حقه المقدم عليه و كذلك اعترف به السلطان على بن نورالدين يوسف » .

٢ اين گفتهٔ او اشاره است بجنگها و ستيزه‌ها كه ميان پادشاه دمشق الملك الافضل على پسر صلاح الدين يوسف الملك الناصر ايوبى (دمشق ٥٨٢ - ٥٩٢ و م ٦٢٢) و برادرش عثمان الملك العزيز (مصر ٥٨٩ و م ٥٩٥) و عمش سيف الدين ابوبكر الملك العادل (الجزيره ٥٨٩ ودمشق و مصر ٥٩٢ و م ٦١٥) در گرفت و على بناصر عباسى (٥٧٥ ٦٢٢) شكايت كرده بود .

٢ گرچه در عبارت بالا بادر سهوهائى هم هست چه نام پدرش صلاح الدين است نه نورالدين كه لقب محمود بن زنگى مخدوم او است و نام عزيز برادر على هم عثمان است نه ابى بكر كه نام عمش عادل ميباشد .

انجام : فیه عبرة لاولی الابصار فقدعلمت ان الحق مع علی یدور حیث مادار لما اخبر به النبی المختار فویل للذین کفروا من النار و غضب علیهم الجبار و صلی الله علی محمد و آله الاخیار و رزقنا و جمیع المؤمنین الجنة بغیر حساب بحق النبی والولی واولادهما الاطهار (تمت الرسالة بحمدالله وحسن توفیقه) .

۵

[۱۹۳۱]

٦٥٤ این نسخه ش۲ دفتر است و بنستعلیق خوش عنایت‌الله نزدیك ۱۰۵۳ وعنوانها ونشانه‌ها در آن بشنگرف است .

(گ ۱۳۳ ب ـ ۱٦۲ الف) (بنگرید به ٦٥٤/۱) .

[۱٦۳۳] **الاموات (رسالة احکام ...)** (عربی)

۱۰ این نامه از نگارندهٔ جواهر است که از همان گزین کرده و بخشی است از نجاة العباد او نه گزیده از آن ودارای یك باب ودریك مقدمه و چند مبحث و یك خاتمه میباشد (کنتوری ص ۲۳۱ ـ ذریعه ۱ ۲۹٤) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین و الصلوة علی خیر من ارسله للعالمین ... و بعد فیقول .. محمد حسن ابن المرحوم الشیخ باقر قدس سره هذه رسالة مشتملة علی احکام الاموات اختصرتها من کتابنا الکبیر .

۱۵

انجام انتظر حتی یقضی الله تعالی شأنه والحمدلله اولا و آخرا و باطنا وظاهرا .

[۱۹۳۲]

۱۱۹٦ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف و ابراهیم شهریاری در ۲۱ ع ۱۲٦٤/۱ آنرا نوشته و تصحیح هم شده است . گ ۱۰۳ الف ـ ۱۳٤ الف .

۲۰

[۱٦۳٤] **الاوراقیه** (فارسی)

فیض کاشانی در این نامه از سرگذشت علمی خود پاره‌ای آورد و روشن

نمود که چرا بروش فیلسوفان و صوفیان نگارش نموده است . آنرا در ۱۰۸۳ بپرداخت و بنام « هدیةالاشراف » از آن گزین کرده و آن در ۱۲۹۷ و ۱۳۱۱ بچاپ رسید (ذریعه ۲ : ۳۹۸) و باکلمات مکنونهٔ همو هم در ۱۳۱٦ چاپ سنگی شده است (۲۲۰ -|- ۱۱ ص ربعی) گرچه در ذریعه دارد که او در فهرست از آن یاد نمود ولی من در آن ندیده‌ام .

در آن دارد « ذکر فی مجلس النبی .. ارسطاطالیس، فقال: لو عاش حتی عرف ماجئت به لاتبعنی علی دینی » .

آغاز : کتاب الانصاف فی بیان الفرق بین الحق والاعتساف للمحقق المحدث مولانا محمدمحسن الکاشی المعروف بالفیض . بسمله . الحمدلله الذی انقذنا بالتمسك بحبل الثقلین من الوقوع فی مهاوی الضلال ... امابعد فهذه رسالة فی بیان طریق العلم باسرار الدین . . . سمی بالانصاف لخلوها من الجور والاعتساف چنین گوید . . . محسن بن مرتضی .

انجام : واجعل حبك شعارنا وذکرك دثارنا بجودك وکرمك یاحنان یامنان سبحان ربك رب العزة عمایصفون وسلام علی المرسلین والحمدلله رب العالمین .

[۱۹۳۳]

۱۱٦۹ این نسخه ش۲ دهم است و همانجا ش۳ و در هامش برگهای ۳٦-۴۲ الف .

[۱٦۳۵] **انگشت شماری** (عربی)

حاج مولی علی بن میرزا خلیل پزشك مازندرانی حدیث اسلام ابی‌طالب را بروش انگشت شماری و حساب جمل گزارش کرده است (ص ۵۲٤ و ۸۳۷ همین فهرست) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین روینا بالاسناد المتصل عن المجلسی ره بسنده المتصل عن اسمعیل بن ابی زیاد عن ابی عبدالله «قال اسلم ابوطالب بحساب الجمل» وعقده بیده

ثلثاً وستين وفي تفسيره خبر آخر عن حسين بن روح ثالث النواب الاربعة قال عني بذلك «اله احد جواد»

انجام كالقوس والوتر وقس عليه ماعداه و هذا مما الفه سبحانه الجليل والفاضل النبيل الحاج مولى علي بن ميرزا خليل الطبيب المازندراني

5

[۱۹۳٤]

٥٩٠ اين نسخه ش ۲ دفتر است و نها نسخه ش ۱ مى باشد
گ ۱٤۱ الف ـ ۱٤۲ الف

[۱٦۳٦] الآثار الجلالية في شرح الفصول النصيرية (عربى)

اين دفتر همانست كه در ش ۵۳۹ و ۵٦۳ همين فهرست شناسانده شده ومتن پارسي (س ۱۱۱۹/۷) از طوسي و ترجمهٔ تازي (س ۲۸۲/۳ و ۱۰۸۸/۲) از كرگاني

10

زندهٔ ٦۹۷ است و گزارش از سيوري كه براي سيد نقيب جلال الدين ابو المعالي علي بن شرف الدين مرتضى علوى حسينى آوى و ابو الفضائل (ابو الفضل) سيد نقيب شرف الدين مرتضى علي فرزند او نوشته است مى باشد در اينجا از يكتاپرستى ودادگري خدا و نبوت پيامبري و پيشوائي و رستاخيز در چهار فصل بروش كلام شيعي آميختهٔ بافلسفه گفتگو كرده‌اند خواجه در آن توحيد عرفاني ومقامات تصوف

15

را اشاره نمود و شرح عرفاني او از آن پيداست و سيوري هم در اين باره داد سخن را داده مطلب را مانند يك فيلسوف عارف روشن نمود (پايان فصل يكم)

از نسخهٔ تاريخ ۷۸۱ طوس برمي‌آيد كه اين گزارش از نگارشهاي نخستين سيوري مى‌باشد (ذريعه ۲ ٤۲۳)

20

[۱۹۳۵]

۱۱۱۵ اين نسخه ... علي اعتوا ... شاهاي ... در ۸ ذي‌حجه ۹۵۱ مى باشد ... هاي هم در كنار صفحه‌ها ديده مىشود گ ۲ ر ـ ۱۰۱ پ

در ۱ الف و ۲ الف و ۱۰۲ الف شعرهائي نوشته شده و در ۲ الف هم شعرهائي است

درستایش از کتاب ومهر کمال الدین وسه مهر دیگر که درست خوانده نمیشود وهمچنین تاریخ ۱۲۷ (گویا ۱۲۰۷) ونیز تاریخ ۱۲۹۳ در ۱ ب و ۱۰۲ الف ودومهر محمدعلی در ۱۰۱ ب ومحمدنقی در ۱۰۲ ب دیده میشود. نسخهٔما در آغاز و انجام اندکی با نسخهٔ ۲۸۲/٤ و ۱۰٤٦/۲۸ جدائی دارد.

(۱۰۲گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه: ۱۳، ۱۹ ــ ۱۲/۵ س ۱۲

[۱٦۳۷] **الانوار الجبلیة** (عربی)

فی اجوبة المسائل الجبلية الاولی

سیدعبدالله بن نورالدین بن نعمة الله بن عبدالله حسینی موسوی جزایری شوشتری (م ۱۱۷۳) در ۷۰ مسئله این نامه بپرداخت و درروز پنجشنبه ۲۸ ج ۱۱٤۹/۱ آنرا بپایان رساند.

این نامه در پاسخ پرسشهاییست در فقه وادب و کلام واخبار که سیدعلی علوی نهاوندی بروجردی هنگامیکه شوشتری بکوهستان (جبل) میگذشت از او کرده و پرسشها و پاسخها در برخی جاهاهم بفارسی میباشد.

سیدنورالدین پدرهمین شوشتری درروی نسخه‌ای از این در جمادی دوم همین سال ۱۱٤۹ ستایش نوشته ومحمد زکی همدانی وسید محمد بروجردی استادان اوهم روی نسخه‌ای از آن بستودند (ذریعه ۲ ۸۰۲ و۲۳و٤ ۲۱۷:٤).

اودر برابر فیلسوفان روشی نرمتر دارد تا نیای خود واواز آنها بد نمیگوید. درمسئله هفتادم عینیهٔ شیخ رئیس را از روی تاریخ ابن خلکان و حیوة الحیوان دمیری آورده و گزارش نمود وازروی توحید وعلل الشرائع صدوق شیخ پاسخ داد وما نادر اینجا از مقامات النجاة نیای خود (ص ۱۵٤۰ همین فهرست) گرفته است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی نصب العلم ذریعه للنجاه و رفع الذین اوتوا العلم درجات...وبعدفیقول. عبدالله بن نورالدین بن نعمة الله بن عبدالله الحسینی الموسوی.. انما المافقنی الله. بالمرور علی بلاد الجبل والاجتماع بمن فیها من الاولیاء الکاملین... ومنهم. السید علی العلوی النهاوندی ... سألنی ... عن مسائل متبددة عن ابواب

متعددة فانيمه فيها بماحضرفي الحال على طريق الارتجال .. وسميته الانوار الجلية في اجوبة المسائل الجبلية .

انجام : وهذا آخر ما تيسر من تحرير جوابات مسائل السيد . . . ادام الله وجوده ... فقد اتفق ذلك على طريق الارتجال وفي غاية الاستعجال مع ضيق الحال وخمود البال وكثرة البلبال وفقنا الله واياكم .. وختم الله لنا ولكم بالنبي الامين واهل بيته الاطهار الاكرمين .

(صورة خط المصنف) وكتب . عبدالله بن نور الدين بن نعمة الله بن عبدالله الحسيني الموسوي في يوم الخميس الثامن والعشرين من شهر جمادي الاولى من السنة التاسعة والاربعين بعد المائة والالف والحمد لله رب العالمين .

[۱۹۳۶]

۶۹۱

این نسخه ش ۲ ده راست و نسخ ناخوانها و نشانه‌های شکرف که همان نویسندهٔ ش ۳ آنرا در نیمهٔ روز دوشنبه ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۱۶۳ نوشته است .
گ ۳ ب ـ ۸۵ ب .

در ش ۱ « القصیده الموسومه نافثة الاحزان في الشکوی من الزمان » است ودارد « من انشاء جدي العلامه السید نور الدین » وپیدا است که آن سرودهٔ نور الدین فرزند سید نعمة الله شوشتری میباشد

پس از این یکی نامه شعرهائی است از همان نور الدین در پاسخ میرزا قوام الدین تبریزی ونامه شعرهائی ازاو در بارهٔ اقتباس وهمچنین شعرهائی ازاو بفارسی که کمبود دارد (۱ ب ـ ۲ ب) در شمارهٔ نخستین حاشیه‌هائی با نشانه‌های «منه سلمه الله» و «منه ره» و «منه» و « منه زید عمره » و منه عفی عنه» و بی نشانه دیده میشود واز آنها برمیآید که نگارندهٔ آن از کدام دانشمند بهره برده است .

مهر «جزو کتابخانهٔ ضیاء الدین النوری» در آن هست

همهٔ دفتر ۱۴۵ گ ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی سادهٔ مقوائی

اندازه : ۵ ۲۵/۵ و ۱۰ ۱۹ س ۲۳

[۱۶۳۸] بحر الاسرار (فارسی)

(السبع المثانی)

میرزا محمد تقی (بن محمد کاظم) مظفرعلیشاه نعمة اللهی کرمانی (م ۱۲۱۵)

این مثنوی عرفانی را سروده (ذریعه ۳۹ ۳۹)ودرآن سه‌سورهٔ حمدوفلق و ناس را تفسیر وحدیث حقیقت کمیل را گزارش نموده است. وآن نزدیك به ۵۰۰۰ بیت و بسال ۱۳۲۹ در کرمان بچاپ رسید (مجلس ٦۳۹:۳ طوس ٤۰۹٠٤) این یکی جز السبع‌المثانی‌شیخ نجیب‌الدین رضای تبریزی است که درشیراز بسال ۱۳٤۲ با رساله‌هائی از خواجهٔ انصاری وروزبهان وعین‌القضاة و با تحفهٔ عباسی بچاپ رسیده است.

آغاز: کتاب بحرالاسرارالمسمی بسبع‌المثانی من منظومات کشاف‌الحقائق جناب میرزا محمد تقی المسمی بمظفرعلی شاه نعمةاللهی نورالله مرقده

باء بسم‌الله الرحمن الرحیم   هست کلید در گنج حکیم

۱ گنج حکمت آن کتاب رحمت است

بسمله چون باب گنج حکمت است

گنج حکمت شهرعلم مصطفا   بسمله رمز علی بابها

بسمله آئینهٔ گنج احد   بسمله گنجینهٔ گنج صمد

مطلع دیباچهٔ ام‌الکتاب   مجمع مجموعهٔ فصل‌الخطاب

۱ مشرق انوارفرقانی است این   مخزن اسرارقرآنی است این

هرچه درقرآن خفیه واضحه   مجمع آمد همه درفاتحه

هرچه‌درسبع‌المثانی‌منطوی‌است   بسمله‌رجمله‌طرامحتوی‌است

انجام:

درمیان چون نرد عشق آمد درست

۲ خویش را در باخت درد او نخست

(بتاریخ یوم‌الخمیس شانزدهم شهرشوال سنه۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیرفقیر علی‌بن ابوطالب).

[۱۹۳۷]

۱۱۷۹ این نسخه ش۲ دفتر است وهمانگونه‌خط واز همان نویسندهٔ ش۱ ودرروز پنجشنبه ۱٦ شوال ۱۲۵۹ نوشته شده است. گ ۱٤۹ ب - ۲۸۹ ب.

[۱٦۳۹] **بشیر و نذیر** (عربی)

این دفتر جلد دوم و در دوازده باب است و دعاهای گوناگون بروش شیعیان در آن آمده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی جعل لاختلاف اللیل والنها و حرکات الانجم والکواکب والظلم والانوار عللاو فوائد و غایات لاتحصی .. فهذاء جلد الثانی (؟) من کتابنا المسمی بالبشیر والنذیر .

انجام اضعف الله اجره وینعم به المیت وفی روایة وینعم بذلك .

[۱۹۳۸]

۱۱۸۳ این نسخهٔ تازه در متن وهامش و بخط نسخ است ودعاها در برخی جاها معرب میباشد .

۳۲۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوالی

اندازه : ۱۸ ۲٦ و ۱۲ ۱۷ س ۲۵

[۱٦٤۰] **پاسخ رسنمداری بنامهٔ اوزبکان** (فارسی)

هنگامیکه عبدالله خان اوزبك مشهد طوس را درسالهای ۹۹٦-۷ حصار داد یکی از فقیهان و پرهیزگاران آنشهر نامه‌ای بدو نوشت که جرا این شهر را محاصره کرده‌اید و مردم آن را که بیشتر سیدند ازمیان برده و مالهای مردم را تاراج نموده و اوقاف «سرکار فیض آثار» (۱) را بربودید ؟ ! خان اوزبك بدانشمندان واردو که دراردوی او بوده و بدین کشتار و چپاول فتوی داده‌اند فرمود که بدین نامه پاسخ نویسند آنها هم نامه‌ای نوشتند و دلیلها آوردند که شما چنین ستمها را شایسته‌اید .

مولانا محمد بن فخرالدین علی رسنمداری که در آستانهٔ طوس خادم

۱ـ درفهرست طوس (۳ ۲۵۷) درآنجا که از «ذهبیه» یادمیشود دارد : حضرت «سرکارفیض آثار» ثامن الائمة ـ پس درانجا هم آستان طوس خواسته شده است .

ومدرس بوده و گویاهم‌ازشاگردان خاتم‌المجتهدین شهاب‌الدین مولی‌عبدالله‌بن مولی محمودبن سعید شوشتری طوسی خراسانی حلوائی (۱) بشمارمیآمده‌است

۱ــ این دانشمند شوشتری که استاد با شاگرد رسمداری بوده است از نزدیکان دربار شاه تهماسب و شاه عباس بوده و عباس بگفتهٔ سید عبدالله شوشتری مدرسه‌ای نزدیك قیصریه بنام اوساخت ورقباتی بدرخواست اوبنام چهارده معصوم وقف نمود. دانشمندان روزگارش مانند بهائی و داماد اورا مسلم میداشتند. او «اربعین حدیث» دربارهٔ برتریهای علی و امامان دیگر نزدیك ۹۸۲ نوشته است (ذریعه ۱:۱۳۹و۴۲۰) وگویا همان باشد که درمن ۱۰٦۹ شناسانده‌ام. وی‌درطوس رساله‌ای فارسی‌دراثبات امامت (ذریعه ۳۲۹:۲) نوشته واز سنیان در آن خرده گرفت و آنرا برای دانشمندان ورارود که درلشکرگاه خان اوزبك بوده‌اند فرستادو آنهاهم بدو پاسخ داده‌اند واین پس‌ازآن بود که رسمداری نامهٔ خودرانوشته بود ودرهمان سال ۹۹۷ که عبدالمؤمن خان شاه اوزبك مشهد را محاصره نموده و عبدالله خان در نزدیك آن شهر بوده و اوزبکان بچپاول میپرداختند. سرانجام این شدکه آنها شهر مشهد را بگرفتند و اوراهم درهمین سال گرفتار ساخته ببخارا برده بکشتند (ذریعه ۲ : ۳۲۹) پس‌از رسیدنش بشهر بخارادانشمندان آنجاباو گفتگوها کردند واوهم خودرا شافعی وانمود میکرد دانشمندان خشك مغز حنفی اورابنوشتهٔ عالم‌آرادرسال ۹۹۷ باپکده وملتراش بکشتند و تنش را درمیدان بخارا بسوختند. چنانکه درپایان نامهٔ بخارائیان آمده وسید عبدالله شوشتری درتذکرهٔ شوشتر (ص۵۳) مینویسد اوزبکان بدربارشاه عباس ایلچی فرستادندکه کسی را نزد آنها گسیل بدارد تا آنانرا ازآئین سنی‌آگاه سازد و با او دربارهٔ درستی دو آئین شیعی و سنی از روی کتاب و سنت گفتگو بدارند وروشن گردد که کدامیك راست است این بود که ملاعبدالله روانهٔ بخارا شده و دربار ومردم آنجانخست اورا گرامی نداشتند وهمینکه دانش او نزدخان آشکار گشت وپس‌از گفتگوها با او دیدند که با او برابری نمیتوانند بکنند دانشجویان آنشهر برسرش ریختند وبا داسراش وهشت ولگد اورا بکشتند.

شوشتری مینویسد که این درسال ۱۰۲۱ بوده‌است واین درست نیست وگویا باسال مرگ عزالدین‌عبدالله‌بن حسین شوشتری اشتباه‌نموده‌است چنانکه اودرهمینجاآخوند ملاحسنعلی شوشتری که بگفتهٔ او درزمان واخشوخان درشوشتر (۱۰٤۱ ــ ۱۰۷۸) بوده و نیز درسپاهان مدرسه ودرمسجد شاه امامت جمعه و جماعت را داشته است پس این یکی میداند بااینکه پسرهمان ملاعبدالله‌بن حسین است.

(تذکره شوشتر. روضات ص ۳۵۸ــ۳٦۱ــ عالم‌آرا ص ۱۱۳).

یا استاد او باین نامهٔ سنیان پاسخ نوشته‌است . خان بخارا آنرا ندید و بدانشمندان
گفت که باید بدان پاسخ دهید آنها نتوانستند و بخان گفتند خوب استکه بااین
شیعیان گفتگو مدارید تا دیگران با شنیدن سخنان آنها سست اعتقاد نگردند .
باید آیتهای قرآن را ازاین نامه با مقراض درآورد و آنچه میماند در جلو مردم
سوزاند و بآنان گفت که آنرا پاسخی نیست . ۵

متن نامهٔ نخستین شیعیان در دست نیست ولی نامهٔ سنیان و پاسخ رستمداری
درمجالس المؤمنین (مجلس ۱ دربارهٔ رستمدار) و تاریخ عالم‌آرا (ص ۲۵۸-۲۶۵)
ومطلع الشمس مراغه‌ای (ص ۲۹۸-۳۱۱) هست .

درذریعه (۸ ۲۸۲) آمده که آندو درمجلهٔ خرد (ش ۱۱ س ۲) درتهران
بچاپ رسیده است و نیز دارد (۵ : ۱۷۵) « جواب اعتراضات علماء ماوراءالنهر ۱۰
علی الشیعة للمولی محمدالمشهدی » که در ۱۲۵۷ (گویا ۱۰۵۷) درطوس
درگذشت .

آغاز (سوادمکتوبی که علماء ماوراءالنهر بعلماء خراسان نوشته‌فرستاده
بودند) پوشیده نیست برهیچ مؤمن عالم که تعرض باموال و نفوس کسانیکه
گویندهٔ . لااله الاالله ... باشند ... جایز نیست . ۱۵

انجام (باید) که رئیس خود (خویش فضائل مآب مولانا) ملاعبدالله را
(بیرون فرستند تا) امان داده با بعضی از ملازمان رکاب (همایون) اعالیحضرت
خاقانی مناظره نماید (نمایند) باشد که مذهب حق برهمه کس ظاهر گردد (تمت)
تمام شد نامهٔ ازبکیه (۱) .

آغاز . جواب نامهٔ (مکتوب مذکور) علماء ماوراءالنهر که ملا محمد ۲۰

۱- آغاز را از روی نسخه‌ای که‌خودم دردست داشتم نوشتم ودرنسخهٔ کتابخانه
از این نامه بهمان اندازه که درانجام یادکرده‌ام هست جز آنچه که درمیان دو
کمانه نموده شده است

ازاین نامه که درآن سنیان از آئین شیعی خرده‌ها گرفتند پیدااست که درپاسخ
نامه‌ای ازدانشمندان شیعی نوشته شده است وروی هم سه نامه باید باشد . ۲۵

مشکلك) رستمنداری (مانا: رستمداری مانندچاپی) استرابادی نوشته‌اند (نوشته
ماوراءالنهر فرستاده) ـ نتایج افکار و رشحات اقلام درر (عنبر) بار افاضل
ماوراءالنهر هدیهم‌الله و ایانا (الی) سبیل‌الرشاد و حفظهم عن‌التعصب والعناد
وقوف (پیوسته) بیان در آن باب آنچه صواب و (که بوقوع پیوسته در آن باب
ا صواب آنچه) موجب اجر وثواب است مذکورمیشود.

انجام: وفتوی بقتل (بخون) فقیران داد (١٥) بد مارك‌الله (فیکم و) عظم‌الله
جور کم واصلح (الله) امور کم.
ـکن مکن که ره جور را کناره نباشد

مکن مکن که پشیمان‌شوی (و) چاره نباشد

والسلام علی من‌اتبع الهدی) تمام شد (١ الف ـ ٧ الف).

[۱۹۳۹]

۱۱۴ این نسخه ش ۲ دفتراست که دارای ۹ رساله وگفتار میباشد و همهٔ آن بخط
نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد ودرشوال وذی‌قعده ۱۲۳۶
وشته شده است و دراین دفتر از نامهٔ سنیان جز چند سطر پایان دیده نمیشود
امده است.

(۳ ـ ۳۷) ـ کاغذ فرنگی ـ بی‌جلد
اندازه: ۱۳/۵ ۲۱ ـ ۸/۵ ۱۵ س ۱۷

[۱٦٤۱ پاسخهای بهائی (عربی)

پاسخ سه پرسش است نخستین در بارهٔ گفتار بیضاوی در تفسیر «وما انزل
لمی الملکین ...» دوم در بارهٔ سخن طبرسی درمجمع‌البیان درتفسیر «ربنا انی
سکنت من ذریتی بواد غیرذی ذرع عند بیتك‌المحرم» وسوم در تفسیر آیهٔ افك
اولئك مبرؤن ممایقولون لهم‌مغفرةورزق کریم» ودر آن نخست پرسشها وسپس
سخنها آمده وازفخررازی وطبرسی ودوانی‌وشرح عقائد عضدیه دربارهٔ داستان
اروت وماروت یاد کرده. این سخنان بگواهی نسخه باید ازشیخ بهائی باشد

ودرذریعه (۵ ۲۰۲) هم از او دانسته شده ودارد که گویا برادر خود عبدالصمد (م ۱۰۲۰) که صمدیه را هم بنام او ساخته است نگاشته باشد.

آغاز بسمله اما بعد الحمد والصلوه والابلاغ السلام الی الاخ الاعز الفاضل الکامل الفقیه النبیه الجلیل الزکی الذکی الالمعی ادام الله فضله واجزل نیله فالمنهی لدیکم اوفاض الله نعمه علیکم انه قد وصل الی المحب الحقیقی ما ادرجتموه فی مکاتیبکم الشریفه من المسائل التی المستم کشف نقابها ورفع حجابها فاتیت التماسکم بالقبول والامتثال و حررت ما سنح بالبال الکسیر الاختلال واما اورد کلامکم سلمکم الله بلفظه ثم اردفه بالجواب راجیاً سلوک جاده الصواب

انجام اذ لاریب انه مشروط ببقائهم علی الایمان الی وقت الوفاه والله اعلم (کاتبه محمد امین القاری فی سنه الف وعشرین من الهجره)

[۱۹۴۰]

۶۱۸ این نسخه ش ۱۷ ده رابست و خط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد امین قاری در ۱۰۲۰ گ ۲۸۰ ب - ۲۸۳ الف

[۱۶۴۲] پاسخهای همدانی (عربی)

آقا شیخ محمد باقر همدانی در برابر پرسشی که پیروان کتاب کرده واز در آن وغیبت امام خرده گرفته بودند پاسخ داده است

آغاز بسمله الحمدلله رب العالمین اما بعد چنین گوید این بنده خاکسار محمد باقر که در این اوان محبت افزان سؤالاتی چند رسید از بعضی از اشکالات که رفع آنها را خواسته پس عنوان سؤالات را سؤال و عنوان جوابها را جواب قرار داده

انجام ورد شمس و شبی قمر هدایت نکردند فما تغن الایات والنذر عن قوم لا یؤمنون و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین قد تم فی الثانی عشر من شهر ذی القعده الحرام من شهور سنه ۱۲۹۹ حامداً مصلیا مستغفرا (نب).

[۱۹٤۱]

۹۳۲ این نسخه بنسعلیق تاریخ ۱۲۹۹ میباشد وما با نسخهٔ اصل است .
(۸۳۲۲) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد تازه
اندازه : ۱۱ ۱۷/۵ و ٦ ۱۴ س ٦

[۱٦٤۳] پریشان (فارسی)

میرزا حبیب‌الله قاآنی فرزند میرزا محمدعلی گلشن (۱۲۲۲ - ۱۲۸۲) شاعر دانشمند دراین نامه بروش گلستان سعدی رفته و آنرا پس‌ازسی سال ازمرگ پدر (س ۱٤۵ چاپ ۱۲٦۱) درسالیکه محمدشاه برای گشودن هرات رفته بود (س ۱٤۲) بنام همین شاه نگاشته و در سی و یك سال و نه ماهگی خود در ۲۰ رجب ۱۲۵۲ آنرا بانجام رساند (پایان) (۱) .

دربارهٔ آن دردیباچه گفته است :

درین کتاب پریشان چه بینی از ترتیب
عجب مدار که چون‌نام خودپریشان است

دربارهٔ شاه گفته است

محمد شه آن شاه درویش دوست
که شاهی اگرهست درویش اوست

۱ ـ درذریعه (۳ ۰ ۱۹۷) از نسخه‌ای ازاین پریشان که عکسی را داشته ودرتاریخ ۱۲۵۹ نوشته شده بود یادداشت و دارد که آن درتهران بسال ۱۲۷۱و۱۳۰۲ بچاپ رسیده است .

پریشان جداگانه در ۱۸۱ س ربعی بخط نستعلیق میرزا آقا پسر میرزا اسماعیل شیرازی بسال ۱۲٦۱ بچاپ سنگی رسید . همچنین با مثال‌ نان حکیم قاآنی در ۱۲۲ س ربعی درنولکشور کانپور بسال ۱۸۹۷ (۱۳۱۵) چاپ شد . درآغاز دیوان قاآنی هم بخط آقا محمد ابراهیم در بمبئی بسال ۱۲۷۷ در ٤۸ س رحلی بچاپ سنگی رسید . نیز درآغاز همین‌دیوان بخط نستعلیق در٦۸س وزیری درچاپخانه میرزاعبدالرحیم علمی درتهران بسال۸-۱۳۲۷خ چاپ سنگی شده‌است . سرگذشت اوهم دراینجا هست .

آغاز : بسمه . و به نستعین . توانا خدائیکه بیخودان بزم محبت گاهی مست قدرت اویند و گاهی مست رحمت او .

انجام :

یارب ازینغم دل من شاد کن و زغم دنیـا دلم آزاد کن

[۱۹٤۲] ۵

۱۱۰۱ این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط ش۱ و در گ۱۰۱ب ـ ۱۵٤ ب . چنین است انجام آن : « حکایت علوی زادهٔ را یاد دارم که طلعتی داشت گلگون . . . با قدحی باده بـالین علوی زاده رفتم سـاق و ساعدش مالش دادم تا سر از بالش برداشت » .

[۱٦٤٤] تاریخ عترت (عربی) ۱۰

این نامه آنچنانکه نگارندهٔ آن در دیباچه مینویسد «جلدی (است) در ذکر عترت مصطفی و جزوی (است) در محمدت و منقبت و کیفیت وضع و مولد و مسکن و مسقط و مدفن و حسن سیرت و فضل سریرت هریك» و در رجب ۸۰۳ بدرخواست دوستی در شهر حلب بنگارش در آمده است و در آن دارد که « لفظ برطبق معنی پی در پی میرسید و شرطی که رفته در سطور مرعیست مگر در نقش نگین هریك ... ۱۵ چون محل تغییر و تصرف نبود بروضع خود مرویست» سر گذشت پیامبر و دوازده پیشوا در آن یاد شده است .

آغاز : بسمله . صنوف حمـد بی حد و فنون شکر بیعد در نعت حضرت معبودیست کـه بیرنك هستی بر لوح وجود کشیدهٔ بنـد تصویر ویست ؛ و ضروب مدحت بی مر و شعوب منت بی کیفر وسیلهٔ قربت مقصودی کـه جبین هر موجود ۲۰ در محل سجود برعتبهٔ تعدبر وی . . و بعد سبب تحریر سطری چند کـه مرقوم میگردد و موجب تسطیر حرفی دو که مزبور میشود نفر بر کرده تحریر میپذیرد که هرشغلی بسببی منوطست و هرعملی بموجبی مربوط درشهور رجب مورخ هشتصد و سه هجری .

انجام . درعهد وی .. پرعدل وخصب گردد والله اعلم بالصواب والیه المرجع المآب .

[۱۹٤۳]

۱۱٦

این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق با عنوانهای شنگرف وپاره‌ای از عبارتها روی چسبانیدن برگها بهمدیگر ازمیان رفته است . گ ۳۸ ب ـ ٤۸ ب درمتن و هامش . در گ ٤۰ ب ـ ٤۲ الف درمتن بدست بفارسی نسخ سیاه وشنگرف زیر عنوان « فصل جهت حصول مرادات » .

[۱٦٤٥ **تحریر التحریر** (عربی)

بسبب التدبیر

این نامه همان «حاشیهٔ قواعد» ضیاءالدین عبدالله بن اعرج است که در ص ۱۸٦٤ همین فهرست شناسانده شده‌است وخوداو در دیباچه گوید «وسمیته بتحریر التحریر بسبب التدبیر» واین عبارت در نسخهٔ س ۲/۷۰٤ نیست و آن نسخه دردیباچه هم اندکی درمیان عبارتها کم دارد ودرآن نسخه پس از دیباچه دارد «شرح الحاق التدبیر من کتاب القواعد» واین دو نسخه یکنواخت نیستند .

[۱۹٤٤]

۱۱۹

این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط [illegible] و در صفحهٔ عنوان گ ۹۹ الف دارد : کتاب تحریر التحریر فی شرح الحاق التدبیر تألیف مولانا الامام الامام الافضل الکامل [illegible] (طاب ثراه) [illegible] الحق والدین عبدالله [illegible] الاعرج [illegible] اعلی الله [illegible] و [illegible] ... [illegible] عم دارد بخط [illegible] ... [illegible] ولا [illegible] علیه [illegible] والالی [illegible] ([illegible] ۳ از دراراو و در پایان برگ ۱۵ [illegible] س ۲ / ۷۰٤) و [illegible] دو صفحه‌ای کم دارد ۹۹ ـ ۱٦ ب .

دراین دفتر که در سه فصل است نخست صد آیه که مفسران سنی در برتری برمؤمنان علی یاد کرده‌اند آنگاه صد حدیث آنهم از پیروان سنت که دربارهٔ انشین بی‌واسطه‌بودن او آمده است وهمچنین خبرهائی دربارهٔ تبهکاری خلفا دربارهٔ معجزه‌های پیشوایان شیعی‌ودلیلهائی نقلی نوشته شده و در پایان آن ازده دلیل سه ازلغت وسه ازمنطق وسه ازقانون فلسفی وسه ازقانون پیوستهٔ دلیلهای نقلی‌آمده است (۱).

۱ــ درآن از شرح تجرید و شرح مواقف و شرح طوالع یاد کرده‌ و درروزگار فویان نوشته شده‌است ودر گ ۱۸٤ ب نسخهٔما از «نواب فردوس مکان علیین‌آشیان اه طهماسب» یادشده ودر ۱۸۵ الف دارد «درین‌عصر که اوزبکیه مشهد مقدس را رفتند».

دربر گ ۱۸۲ دارد: «وجه سیم آنکه ازمعظم نعم‌الهی بقاء کتب مذهب امامی‌است اکه هر گاه درمدت هزار سال پادشاهان با قدرت و سیاست همگی همت مصروف رختن کتب امامیه داشته باشند و اختفاء کتب فی نفسه باعث اندراس کتب باشد ومع ا کتب شیعه از حد حصر بیرون است و کتاب هست که تاریخ کتابت او پانصد سال ششصد سال است و مکرر واقع شده که کتابخانهای شیعه را سوخته‌اند و تفحص وده‌اند وهر کتابیکه بهم رسیده ضایع ساخته‌اند و بعض‌اوقات صواحب کتب بواسطهٔ فظ نفس کتابهای مصحح نفس را ضایع کرده‌اند چنانکه درعصر حقیر استماع افتاد ه درقصبهٔ کناباد که درمیان بلادشهری ندارد واز ثقات آنجاشنیده شد که دروقتی که زبکیه شومیه بآن حدود آمده بودند واهل آنجارا فرصت پنهان کردن کتب نشده‌بود شنیده بودند که درهرات از خانهٔ کسی کتاب فقه امامی بیرون آمده بآن سبب جمیع ل آن خانه را قتل نموده بودند کتابها را جمع نموده درحوض وسیعی انداخته‌بودند ه آن حوض مملو از کتاب شده بود و در مشهد مقدس چندین هزار کتاب را ضایع ند واین حقیرروزی بمعصرت پناه مولانا عبدالله شوشتری‌ثانی‌میگفت که مرا بر قتل ... مشهد مقدس تأسف نیست چرا که آنرهمه مرتاست وسعادتی مثل آن نیست که ... اهل ... حمامی بدرجهٔ شهادت رسند وفردای قیامت درزمرهٔ شهداء آنحضرت

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آغاز: (هذا کتاب تذکرة الفتن من تألیفات المرحوم المبرور المغفور فخر المحدثین وزبدة المتورعین جناب آخوند ملا محمد کاظم الهزار جریبی) بسمله . الحمدلله الذی خلقنی فیهدین والذی هو یطعمنی و یسقین . . . اما بعد باید دانست که بهترین اعمال بعد از معرفت خدا و رسول و حجتهای او دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا است . . لهذا فقیر بعضی از آیات و اخباری که مشتمل بر شقاوت وضلالت آن پیشوایان کفر و غوایت بود در این رساله ایراد نمودم و قلیلی از قبایح افعال و شنایع اعمال آن کافران بدآمال باشمة از پستی حسب و دنائت نسب ایشانرا در اینجا ذکر کردم . . . فی الجمله بروفق مراد باتمام رسید مسمی بتذکرة الفتن گردید و آن در چند باب است

انجام . علاوه بر قبایح مذکوره که سابقا جملهٔ از آنهارا دانستی والسلام علی من اتبع الهدی .

[۱۹٤٦]

٦١١٥

این نسخه بنسخ و عنوان کتاب و نگارندهٔ آن بشنگرف میباشد و روی پاره‌ای از عبارتها خط کشیده شده است و محمد بن صفر فخار در ۷ جمادی دوم گویا سال ۱۲۳۹ آنرا بپایان رسانده. کتابخانهٔ مؤدبی نسخه را در « رسم المولود ٤١ » از کتابخانهٔ علمیه خریده است . تاریخ ۱۵/۱/۱۹ هم در آن دیده میشود (کـ۱ الف) در پایان دارد : (در هفتم جمادی الثانی در سنهٔ هزار و سی و نه بدست حقیر محمد بن صفر الفخار سنهٔ ۱۲۳۹) گویا واژهٔ « دویست » افتاده است ولی رقم درست نوشته شده بود و کسی نادانسته خواست نسخه را کهنه نشان دهد تا اشکال رقم را با شمارهٔ حروفی یکسان و برابر سازد این بود که رقم « سدها » را پاك کرد و جای آن صفر گذارده تا ۱۰۳۹ خوانده شود و رقم پاك شده را (۳) هم میتوان خواند پس تاریخ ۱۲۳۹ میشود.

۱۰۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی معوالی

اندازه . ۱۵ ۲۱/۵ و ۹ ۱۵ س ۱۸

[۱٦٤٨] ترجمان القرآن (فارسی)

میر سید شریف گرگانی (۷٤۰-۸۱٦) در « ترجمان لغات قرآن » باترتیبی

کو کلمات قرآنی را بپارسی ترجمه کرد وازسورهٔ حمد سپس سورهٔ ناس آغاز
تا سورهٔ بقره بانجام رساند و بعکس ترتیب رسمی قرآن رفتار نمود (طوس
٣٦٧ ـ سپهسالار ١ : ١٨٥ ـ ذریعه ٤ : ٧١) سپس کسی آنرا بترتیب قرآن
آورد (فهرست آقای منزوی ٣٣٠١ ش ١٠٦٨) آنگاه عادل بن علی بن عادل
افظ شیرازی (زندهٔ درسدهٔ نهم) آنرا بترتیب حروف تهجی از روی ریشهٔ
ات درآورد و این یکی در تبریز بسال ١٣١٣ ق و در تهران بسال ١٣٣٣ خ
چاپ رسید . این نسخهٔ ما جز همهٔ اینها است وهمهٔ لغات مفرد و مرکب ومشتق
ارسی ترجمه شده و تنها همان حرف نخستین رعایت شده است .

آغاز : بسمله . الله : خدا . احد . یکی . انما : جزاین نیست . ابدا : همیشه .
توا واوتی : داده شد .

انجام : یبغین : طلب کردن . یغبطون . حسد کنند . یرمی : میرند . یمتاز :
دا میشود .

[١٩٤٧]

١١ این نسخه ش١ دمراست و بنسخ ولغات عربی شنگرف میباشد ودرپاره‌ای جاها سفید گذارده شده گویا برای اینکه پس‌از آن بنویسند. گ ٣ ب ـ ٢ ب .

(همهٔ دفتر ٣٨٥گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد
اندازه : ١٢/٥، ٢٠ و ٧ ١٥ س ١٦

[١٦٤ ترجمهٔ اسرار النجوم ٣ (فارسی)

یکی از کتابها که بدرو غ ازارسطو پنداشته‌اند «اسرار النجوم» است که نسخه‌ای
آنرا ماروایت دیگری و نسخه‌ای دیگر مانند آن وهردو بنام « مقالة فی احکام
نجوم » در ش ٥ ٩٥٤ همین فهرست شناخته‌ام این دفتر که اکنون میشناسیم
جمه و گزارشی است از روایت دیگری از همان نخستین (ش ٣٤٧/٣) که بنام
سرار النجوم » خوانده شده است

آغاز : شرح اسرارالنجوم ارسطاطالیس‌الحکیم . و به نستعین . سپاس ومنت وجودی را که واجب‌الوجود است وهرچه جزوی ممکن‌الوجود وهرچه ممکن‌الوجود است کردهٔ اواست وهمه حمز را جدا گانه از اجناس و انواع را علمی پدید کرده وهیچ چیزرا بی علت نیافریده ... امابعدچنین گویدمحمدا کبرابن نصرالله میرزابن شاهرخ شاه بن رضاقلی میرزابن نادر شاه افشار . . . که مدتی بود . که جمعی کثیراز دوستان و محبان خواهش ازاین حقیر نمودند که اسرار النجوم معلم اول ارسطاطالیس را ترجمه بزبان فارسی نموده شرح و بسطی لایق داده شود . دراین زمان . که بملازمت . . اردشیر میرزا . سرافراز گردید حسب‌الامر ترجمهٔ این کتاب مستطاب صد باب اسکندری مفتخر و سرافراز گردید .. و این کتاب مشتمل است برصد باب هذا دیباجه کتاب اسرارالنجوم لارسطاطالیس فیلسوف . وضع هذاالکتاب لاسکندرالملك ورسم هذاالفصول بالفصاباوهی مائة فصل ترجمه این کتاب مستطاب اسرارالنجوم‌ارسطاطالیس حکیم است . . قال ارسطاطالیس ایهاالملك بعزه موقعه منی و جلالك فی نفسك واستکمالك‌فضائل‌الاساده و استکمالك علی‌احدالصفات‌الملکونة حقیق بان نکون وارثاً للعلوم‌الحکمة‌التی اودعهاالملك‌الخبیر هرمس‌الکبیرحین علم بما یکون من‌الطوفان ولم یقدر علی استخراجه بعده الاالحکیم الفاضل بلیناس وانا اخذته منه واستفدته

انجام فصل صدم قال ارسطالیس الحکیم‌القمر اذاقسدای فساد کان و کان صاحب‌الطالع صالح الحال دل علی‌البلوی بعدها نعمة‌المشکورة

ترجمه . چون قمر فاسدالحال باشد و هرفسادی که باشد صاحب طالع صالح‌الحال بود دلالت کند بر آنکه اولا مولود ببلیه و بلائی و عارضهٔ گرفتار شود وبعدازآن نعمت ومالی و ثروتی بمولود برسد که ازآن نعمت ودولت شکر خدای کند . والله اعلم‌بالصواب (حسب‌الخواهش سرکار نواب مستطاب قمررکاب اعنی شاهزادهٔ آزاده محمد رضا میرزا زیدالله اجلاله و دولته و عزته و طول‌الله

ـه بتاریخ یوم یکشنبه غرهٔ شهر صفر المظفر سنهٔ ۱۲۶۹ تحریر یافت راقمه هاشم
وسوی الهروی) .

[۱۹۴۸]

۱۱ این نسخه نستعلیق وعنوانها ونشانه‌ها شنگرف ومتن زیر خط سرخ میباشد .
نسخه در ۲۷ شعبان ۱۲۷۱ از آن شاهزاده‌ای بود و محمد مهدی بن محمد
ن بن محمد حسان بن بدیع الزمان حلبی منجم در ۱۲۸۹ آنرا خرید و علی اصغر بن
مد ابراهیم در سیچقان ئیل ۱۲۹۳ آنرا داشته بود . مهر « منجم باشی » هم در آن
ه میشود .

(۳۱۰۳ ف ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج خاکستری درون سرخ
اندازه : ۱۱ ۱۷/۵ و ۶/۵ ۱۲ س ۱۵

[۱۶۵ ترکیب الکافیة (عربی)

این نامه که بنام « اعراب الکافیه » (ذریعه ۲ : ۲۳۶) و در عنوان نسخهٔ ما
ر کیب الکافیه » خوانده شده از شیخ حاجی بابای طوسوی (طوسی) است
ماسـ ـه در طوس هست (۳ : ۴۰ ش ۱۰) و باید پیش از ۹۷۰ نگارش در آمده
مد جلبی (۲ : ۲۴۹) از رساله‌های اعراب کافیة مولی کمال الدین آق ققنان
ی در ۱۰۲۸ و محمد بن ادریس بن الیاس مرعشی و افصاح [illegible] از دانشمندان
ات مرادی یاد نمود و نسخهٔ ما هیچ یک از اینها نیست .

آغاز [illegible] الکافیة [illegible] واللام فيها لتعريف الجنس .

انجام [illegible] في يوم الخميس و خمسة
[illegible] الى [illegible] زين الدين
[illegible] ۹۷۰

[۱۹۴۹]

۱۱ [illegible]
[illegible] ۹۷۰ [illegible] ۹۷ [illegible] ۹۷ ب
[illegible]

[۱۶۵۱] تشریح الافلاک (عربی)

این رساله همانست که در ص ۸۵۸ همین فهرست شناسانده شده و نسخ بهائی در آن گزیده‌ای از علم هیئت را گنجانده است. حاشیه‌هائی که خود او بر آن نوشته در این نسخهٔ ما پاره‌ای در کنار بر گها با رمز «منه» دیده میشود

[۱۹۵۰] ۵

۹۸۷ این نسخه ش ٤ است و نیز ص ٤ و ٤ ج ودرست و ...ها و ... و ش ۵ های ... ودرس ... درماه شعبان ۱۰٦۷ ... ودر پایان ... « ... دارد ... الله و ... فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۰٦۷ در دارالسلطنه اصفهان » گ ۱۵۲ ب ـ ۱٦۰ الف (... ۹۸۷/۲) ۱۰

[۱۶۵۲] التعجب (کتاب ...) (عربی)

از ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی خیمی که با دانشمندانی مانند سید مرتضی برخورد کرده و خودهم از بزرگان شیعیان و رهبر آنها و از سرامدان در فقه بوده و نگارشها از خود باد گار گذارده است او نحو و لغت و ستاره شناسی و پزشکی و کلام آشنائی داشته و در میان یاران مرتضی او از بزرگان شمار میآمده است ۱۵ از او است تلقین الاولاد، الاغلاط و ما یرویه الجمهور، موعظة العقلاء للنفس، المنازل، کتاب عدد ماجاء فی الاثنی عشر، کتاب المؤمن او در شهر صور در ماه ربیع یکم سال ٤٤۹ در گذشت (صفدی در الوافی بالوفیات جزء ۳ ـ یافعی در مرآة الجنان ۳ ۷۰) سر گذشت این دانشمند بزرگ شیعی در مقابس ص ۹ و روضات ص ۵۵۲ و مستدرک ۳ ٤۹۷ و ماممقانی ص ۱۱۱۳٤ و ۱۱۰۵۲ هست شهید او را ۲۰ علامه و علامهٔ حلی را ... خوانده است او شماری از کتابهای خود را در طرابلس نوشته است یکی از همراهان او فهرستی برای نگارشهای او نوشت و آن در مستدرک دیده میشود شمارهٔ نگارشهای او را به ۱٦۱ تا ۱۷۰ رسانده‌اند.

ابن‌دانشمند از کراجك که نام دو دیه است یکی در واسط دیگری در حلب و ازشیخ ابویعلی سالار دیلمی و شیخ مفید هم بهره برده است . قاضی عبدالعزیز بن براج طرابلسی شامی و شیخ ابی محمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسین نیشابوری و محمد ریحان بن عبدالله حبشی از شاگردان او بوده‌اند

کراجکی در این کتاب « التعجب » میگوید که چون یکی از برادران دینی در ممانهٔ کتابهای « امالی » مفید به « اطراف الدلائل و اوائل المسائل » که در ...ت است برخورد و در پایان آن پاره‌ای از غلطها و فرسخوار گمهای شگفت‌انگیز ...ان در فصلی کوتاه نگریست و آنرا بسیار پسندید از من درخواست که بپیروی در کتابی جدا گانه همین را با شیوائی بنویسم من بدو گفتم که او « مفاتیح ...ائد و مصابیح المراشد » نیز دارد و شایسته است از آنهم پیروی بود . سخنان ...ست و غلطهای سنیان در بارهٔ امامت بسیار است . آری از کتابیکه از جاهلان ...ری کرده‌اند چنین سخنانی دور نمیباشد . این بود که من بدرخواست آن دوست ...فتر بپرداختم و سخنان ناساز کار سنیان را در آن آوردم .

از سخنان سنیان که کراجکی در این دفتر آورده دربارهٔ وصیت است و نص ...ار و امام و علم امام و عصمت و امامت مفضول و تقیه و غلو در صحابه و بغض ...بیت (۱) و آیهٔ غار دربارهٔ برتری ابی‌بکر و خبرهائی دربارهٔ او و عمر

۱ــ در [illegible] ... المغرب [illegible] قرطبه [illegible]
[illegible] عشاء و [illegible] السوارع [illegible]
[illegible] على ابواب الدور [illegible]
[illegible] اهل المغرب [illegible] القاسي [illegible]
[illegible] المغرب [illegible] عاشورا [illegible]
[illegible] على الاثار [illegible]
[illegible] ان [illegible]
[illegible] (ص ٤٥)
[illegible] در صفحهٔ پس از این

گ۱ الف صفحهٔ عنوان ملخص المحصل ش ۱۱۵۰ و کهنگی نسخه از آن پیدا و آ ...

روز آدینهٔ یکم محرم ۹۵۸ بانجام رسیده است (کسوری ص ۱۴۰و۴۰۷) بر آن گزارش‌هم‌نوشتند وسه حاشیه دارد (ذریعه ٦ ٤۹) فهرستی که شهید بر آن‌نوشته درهمان سال ۹۵۸ نگارش درآمده است (طوس ۲ ۱۸۷).

آغاز بسمله الحمدلله‌الذی وفقنا لتمهید قواعدالاحکام‌الشرعیة وتشیید ارکانها بتوطید‌القوانین‌العربیه و بعد فان علم‌الفقه لایخفی شرفه .. وتمسیس ۵
حاجةالمکلفین‌الیه .. و (لما)کان اعظم مقدماته علم اصوله و علم‌العربیة اذالاول قاعدته ودلیله والثانی مسلکه وسبیله .. فلاجرم رتبنا هذاالکتاب علی قسمین احدهما فی تحقیق‌القواعدالاصولیه وتفریع مایلزمها من‌الاحکام الفرعیة والثانی فی تقریرالمطالب العربیه و ترتیب مایناسبها من‌الفروع‌الشرعیه واخترنا من کل
قسم منهما مائه قاعده متفرقه من ابوابه مضافه الی مقدمات و فوائد و مسائل یتم ۱۰
بهاالمقصود وسمیته تمهیدالقواعد الاصولیه والعربیه لتفریع فوائدالاحکام الشرعیة.

انجام وان یغفرلنا مااخطأنا فیه سبیل‌الصواب انه غفور رحیم فرغ من تألیفه عصر یوم‌الجمعة المفسح للشهر الحرام محرم‌المفسح بعام ثمان و خمسین
و تسعمائه ومؤلفه . زین‌الدین (بن) علی‌بن احمدالشامی‌العاملی حامداً مصلیاً ۱۵
مسلما مستغفراً (الحمدلله رب‌العالمین حمدا کثیراً کما هواهله والصلوه علی محمد و آله‌الطاهرین)

[۱۹۵٤]

۱۱۹۱ این نسخه ش ۱ دو راست و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف از محمدتقی‌بن
محمدکاظم که درشب آدینه محرم ۱۲٦۱ نوشته است حاشیه‌هائی درآن ۲۰
هست با نشانهٔ «منه رحمه‌الله» و «ا م ی ر ه» و «امین» گ ۲ ب - ۸٦ ب
(همهٔ دفتر ۱۸۳گ، کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی سادهٔ معمولی
اندازه: ۱۷ ۲۸/۵ و ۹ ۱۸ س ۲۹

[۱٦۵٦] قرشیح‌المطالب (فارسی)

میرزا ابوطالب بن میرزا بیك موسوی فندرسکی نوادهٔ میرفندرسکی ۲۵

وهمزمان نگارندهٔ ریاض العلما خلاصة الحساب بهائی را بنام شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) ترجمه و گزارش نموده است (سرگذشت بهائی از نفیسی ص۱۰۰- ذریعه ۱۷۷:۳ و ۴۹۸:۴- ص ۱۸۶۳ همین فهرست).

دراین گزارش هیچگونه استدلالی نیامده ولی مطلبهای کتاب روشن شده وچیزهائی هم برآن افزوده دارد

آغاز: بسمله. و به نستعین. حمد وسپاس بیحساب وعد جناب مقدس اسرع الحاسبینی راسزد که جهت حصول اعداد نامتناهی ذابنات واوراد لاتناهی موجودات نه رقم صور افلاك تسعه را برلوح ایجاد کشیده.

انجام: پس صیانت کردن این علم از کسیکه متصف بصفت مذکوره باشد لازم ومتحتم است. الحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطناً و صلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله الطیبین الطاهرین الاخیار الانجبین وسلم تسلیما.

[۱۹۵۵]

۱۱۷/ ز — این نسخه نسخ است وعنوانها شنگرف و جدولها و رقمها سیاه و شنگرف و محمد صادق بن عبدالمحمد نوری با خامه‌ای در ۱۲۵۲ آنرا نوشته است.

حاشیهٔ [illegible] هم دارد بسمعلی

(۱۹۵ گ) کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی متوالی

اندازه: ۱۵ ۲۵/۵ و ۱۰ ۱۹ س ۲۰

[۱۶۵۷] جفر (عربی)

ابن خلدون مغربی در مقدمه (ص ۳۰۵ ب ۲ ن ۴ ۳۲ و ۲۳۸ چاپ مصر ب مصر سزف ۲۳ ب ۶ ج ۱ ۴۸۰) می نویسد که «کتاب جفر» ریشهٔ آن از کتاب هارون بن سعید عجلی رهبر زیدیان است که آنرا از جعفر صادق روایت کرده و در آن پیش بینی هائی درباره [illegible] پادشاهان بوده است و این پیشگوئیها را جعفر صادق و دیگر بزرگان [illegible] از راه کشف و کرامت کرده بودند و این در پوست بزغاله یا بز کوچکی نوشته شده بود و همین هارون آنرا روایت کرده و بنام همان پوست «جفر» نامید.

چه جفر کوچک را گویند در این جفر تفسیر باطنی قرآن روایت از صادق بوده است از این جفر نشانی اکنون نمانده جز پاره کتابها و پاره‌هائی از آن که دلیلی با آنها نیست و اگر روایت آنها بصادق درست باشد بهترین سند خواهد بود که او و خاندانش دارندگان کرامات‌اند و خود او پیش بینی‌هائی هم کرده است ».

باز میگویند که « یعقوب بن اسحاق کندی ستاره شناس رسید و مأمون دورانهای اسلام دهری بساخت که سپس آن را امام کتاب خود که از جفر صادق می‌پنداشتند « جفر » نامیدند و در آن درباره سرانجام کار عباسیان و پادشاهان فرمانروای آنها در سهٔ سده هفتم پیش بینی شده است و ما از این کتاب نشانی ندیدیم و شاید هولاکو پادشاه تاتار آنرا با کتابهای دیگر در دجله انداخته باشد در مغرب (افریقا) کراسی که گویند از همین کتاب است پیدا شده و آنرا جفر کوچک گویند و ما آنرا برای خاندان عبدالمؤمن برای یادآوری از پادشاهان نخستین موحدان ساخته شده است » از سخنان ابن خلدون با روش نویسندگی ولری که دارد پیداست که او هیچیک از اینگونه پیشگوئی ها را نمی‌پذیرد (۱)

آملی در نفایس الفنون (فن چهارم مقالهٔ سوم در تصوف) می نویسد که گویند رمزهای علم حروف و جفر در صحیفهٔ آدم نگار شده و آن هم در کوه حرا در زیر سنگی نهاده شده بود جبرئیل آنرا به پیامبر و او بعلی آموخت و از او بفرزندانش رسید

چلپی (۱ ۳۹۳) می نویسد که میگویند علی ع هشت حرف را در پوستی نگاشته و گرد کرد و بازوسی بر پوست و به سرانجام و آینده از آن دانسته میشود

۱- در میان دانشمندان اسلام نخستین کسیکه روش نویسندگی ولری و فیلسوف دانا بوده [illegible] است [illegible] از [illegible] و [illegible] دار دستگاه فرمانروای تازی خرده نگیرد جاحظ بود و از سخن او درباره [illegible] و شیطان و ملائک (حیوان ا ۱۵۸-۲۸۲) این روش او پیداست. دومین کس همان ابن خلدون است که در مقدمه از [illegible] فرمانروائی آنها [illegible]

ن دانش‌از او بفرزندانش و بزرگان رسید . جفر و جامعه‌دو کتاب است بزرگ .
یکی را علی بربالای منبر برخواند و دیگری را پیامبر درنهان بدو آموخت
فرمود که آنرا در دیوانی بنویسد . علی آنرا در پوست شتری رنگ کرده
وشته است . روش هندوان وافلاطون و صادق ع در این کتاب هست . محمدبن
طلحهٔ نصیبی شافعی (٥ ٦٥٢) « جفر جامع و نور لامع » دارد .

در ذریعه (٥ . ١١٨) آمده که « جفر » بزغالهٔ چهار ماهه است و آنچه جبرئیل
رای پیامبر وحی میآورد بدست علی در پوست بزغاله‌ای نوشته میشده است .
ز کافی کلینی واختصاص مفید و بصائر الدرجات برمیآید که علی و صادق و قائم ع را
جفر ابیض و جفر احمر و جامعه بوده است بگواهی جابر بن حیان و ابن خلدون
ابن قتیبه در ادب الکاتب و شریف گرگانی در شرح مواقف و ابن خلکان علی
صادق را جفر و جامعه بوده است .

علم جفر یکه امروزه هست وخواجهٔ طوسی و بهائی ودهدار و کاشفی و بسطامی
همدانی ورشنی ودیگران دربارهٔ آن کتاب نوشتند آنستکه با شمارش ابجدی
از روی کمان آینده را پیشگوئی کنند » (۱) یکی از دفترهای جفر همین است که
کنون نسخهٔ آنرا میشناسیم و نگارندهٔ آن شناخته نگشت .

۱ قاآنی در قصیده‌ایکه بعنوان « شکایت حکمران پارس از بدرفتاری مردم
شیراز » بدین مطلع

ای داور زمانه خسته از وصف خلق تو
عاطل شده است مطلع خورشید انورم

سروده است میگوید :

به ساقه‌ی [illegible] کسم من به [illegible]
به [illegible] نگارم و [illegible] کسما کرم
[illegible]
از [illegible] خامه [illegible]
[illegible] ارث شوی
یعنی [illegible] پسر و دختر و همسرم

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

[۱۹۵۶]

1154 این نسخهٔ سراسر جدول بخط نستعلیق است و رقمها مشکی وخطوط جدولها بسنگرف می باشد.

در پست جلد روی کاغذی سفیدی بخط نستعلیق چنین نوشته شده : « این کتاب
جفر است وارحمر و علم حفر که عددی مافوق طاء . . (خوانا نیست) که نهمین مرتبهٔ ۵
کمال است ندارد وماهی اعداد مافوق طاء است و تا روزمحشرچون شماری از عدد
یك اضافهٔ نقطه یا نقاطی که اصل علم وحکمت است زیاد میشود واین علم حفر که علم
حساب است از ازل و ابدی اعدادآن معلوم میکند که در آینده چه خواهد شد تا درحال
حاضر دنیا واشخاص در چه حالی هستند و این علم را نسبت بامام جعفر صادق میدهند
ولیکن دراین دورهٔ آخرالزمان سنهٔ ۱۲٦۰ هجری این علم را ... (خوانا نیست) را ۱۰
دیدومؤمن بامام عصرشده ؛ واین کتاب راخرید صحیح است هر کس بفهمد حلاوتی ندارد»
در گ ۱ الف خط نستعلیق دارد.

« هوالله تعالی این اعجوبه کتاب جفری است که مصنف و نویسندهٔ این کتاب
پانصد ساله بیست و هشت حروف ابجدی را در نوشتن ضرب دربیست و هشت نموده
وقواعدآنرا بدست داده هر کس دراین کتاب تعمق نماید خواهد فهمید که مشکل ترین ۱۵
علوم علم جفر است ولیکن در نزد اهلش که هوشناك درسهواب نباشد سهل ترین
علومی است که واقعات حال واستقبال آنرا معین مینماید واگرصاحب ملکت این کتاب
از گرسنگی بمیرد بهتر است تا این کتاب را از وزن کمتر از ده پوند کمتر بفروشد
مگر نیاد دارو بخشش بدوستان وهوسنان ملی مکی ارممالك نمایند رحمه‌الله علیکم
اجمعین حرره المبتدا فاء الجفری فاتم مقامی » ۲۰

(۳۹۵ك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد زرکوب درون سرخ مقوائی
اندازه : ۲۹/۵ ۲۹/۵ و ۲۲/۵ ۲۴ س ۲۸

دنبالهٔ حاشیه صفحه س

به و اعظم که سی بهر فریب خلق
بجز الحمالك فکنده ... سالای منبرم ۲۵
به معنیم که همچو روف و م ر کمر
تاپی نغمدر برم زرکتاب مصدرم
هم روضه خوان بیم کاپی کسب سیم وزر
فتح نزند و شعر روان سی از برم
(س ۳۱۲ دیوان قاآنی چاپ ۱۳۲۸ شمرار) ۳۰

کُ ۳۹٤ الف انجام کتاب جفر ش ۱۱۵٤

این مثنوی عرفانی بروش صوفیان اخیر شیعی ایران سروده شده و در آن بجنگ مولوی رفته مگر اینکه از داستانها و خبرهای شیعی بهره برده شده‌است.
شعرهای آن سست میباشد و شمارهٔ بیتهای آن به ۷٦۰۰۰ میرسد.
چنانکه از انجام دفتر ٦ برمیآید در ۱۲٥۰ (ظهور الحق) سروده میشده‌است.
در دنبال عنوان «در بیان جامعیت حضرت انسان کامل مکمل و سلطان دریادل ...» (ص ۱۰) دارد: «حال ای عزیز همگی گوش و هوش شو. مفصل نثر را از نظم شنو. بو که بوی یوسف غیب را از پیراهن سخن بکشی و از کاس الکرام کلام جرعهٔ از مدام میخانهٔ قدم بچشی تادمی دل را حاضر دم داری و نقدی از این (گنج اسرار) بکف آری بعنایة‌الله و توفیقه.

برقع از رخ برگرفت آن بیمثال
در تماشاگاه جنات الوصال
گنج اسراری که بود او بی‌نیاز
گوهرافشان گشت باز از عز و ناز»

در دنبال عنوان «ماجرای عشق و عقل با یکدیگر در وجود کامل جامع بشر از صنع و حکمت حضرت دادگر» (ص ۱۷) دارد:

باز گو ای پاک و معصوم از خطا شمهٔ زانسر که هو کردت عطا»
باز گو ای سر معصوم علی ساز دلها راز کدرت منجلی»

(ص ۱۸).

از اینجا برمیآید که سرایندهٔ این مثنوی «معصوم علی» نامیده میشود. این را میدانیم که حاج میرزا آقا معصوم علی شاه تهرانی نعمة‌اللهی (شیراز ۱٤ ع ۱/۱۲۷۰ - ۱۱ شعبان ۱۳٤٤) شاگرد میرزا محمد حسن شیرازی و ملا محمد حسن اردکانی و نگارندهٔ طرائق الحقائق فرزند حاج میرزا زین العابدین نائب الصدر رحمتعلی شاه (کاظمین ۱٤ ع ۱/۱۲۰۸ - شب یکشنبه ۱۷ صفر ۱۲۷۸) بوده است و او پسر

اج معصوم (م ۱۲٦٤) پسر حاج محمد حسن (م ۱۲٤۰) پسر حاج محمد معصوم
لمشاه شهید فروسی شیرازی د کمی که بدستور آقامحمد علی بهبهانی زندانی
ده و در ۱۲۱۲ کشته شده یا در آب خفه گردید میباشد (۱) آیا سرایندهٔ این
نوی همان حاج معصوم م ۱۲٦٤ است ؟

ریو در فهرست خود (۷۰۹ الف) از جناب الوصال درویشی نعمةالهی یاد ۵
یکند که در میان ۱۱۳۵-۱۱۵۹ سروده شده و جز مثنوی ما است (۲)

۱ـ بنگرید ۱ روضات ص ۱۸۱ـ فارسنامهٔ ناصری ـ بستان السیاحه ص ۲۲۳
۳۲٤ـ طرائق الحقائق ۳ ۳ـ۱۵۲و٦ ـ۱۷۵و۱۷۹ ـ ریحانة الادب ٤ ٤٦٤
۲ ـ چنین است این مثنوی ما **آغاز دفتر ۱:** هوالعلی العظیم بسمله

ای خدای کاینهمه هستی ز تست	در دل هر ذرهٔ هستی ز تست ۱۰
ای صفات و ذات پاک لایزال	پاک از آلایش مثل و مثال

انجام

خوش شو در دور دیگر تمام	گر چون تحویل اوایش دفتر تمام
هش کنون زدفتر دیگر گمار	از کرم چون آمد اینجا نوربار
گر خدا خواهد در این دفتر ورا	شرح او خود گوید آن سر خدا ۱۵
لیک محو از خدا مهم دیگر	کاش بیابی جز علم (نور) داد گر

(مت دفتر الاولی من ابر الاسرار ۲۵/ح۲/۱۳۱۱) (ص ۱ـ۷٦).
آغاز دفتر ۲: هوالعلی دو رباء از ابر الاسرار

ای شهنشاهی که شاهی مر وراست	ای که بردا شهنشاهی سزاست

انجام ۲۰

گرچه گفتم نه می یا گفته ماند	گوهر مقصود دل ناسفته ماند
در دوم دور از آن فرد وحید	شما ما گفته ربانات رسید
راند وصل ابرد از جلد دوم	فجأ اسرار دفترا در سوم
جلوه در جلد سوم آغاز کرد	باب سوم حشش را باز کرد
تا کند بر فرق سرمه این بار	از دلستان حقایق دل سار ۲۵
تا ز دل زری دلدار کمال	و کند از رم ستان وصال

(۱۵۷-۷۷)

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

۳۶۹ این نسخه بنستعلیق باعنوانهای شنگرف و دارای دفتر۱ تا ۸ ص۱ـ ۷۲۲

(۳۶۶گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی

اندازه ۱۷ ۲۲ و ۱۳/۵ ،۱۷ س ۲۴

--

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

آغاز دفتر ۳ : اول دفترسیم از کنزالاسرار . آغازدفترسیم . بسمله .

ای خداوند کرم دارای کریم   کز کرم افراشتی عرش عظیم   ۱۵۷

انجام :

چون هش‌ازهرسوبیکسوجمع شد   نطق بیسو را کماهی سمع شد

(مورخهٔ هفدهم شعبان‌المعظم سنهٔ ۱۳۱۱دفترسیم اتمام پذیرفت ورجوع بدفتررابع شد بعون‌الله تعالی شأنه‌العزیز . هوالعلی) (۱۵۷- ۲۲۹) .

آغاز دفتر ۴ : بسمله .

ای بیکتائی سزاوار آمده   وزهمه یکتا پدیدار آمده

انجام :

منت ایزد را که چارم دفترش   خوش‌بپایان‌شد زبی‌پایان ورش

تا کند آغاز جلد پنجمین   از دم فیاض دل دل را معین

***

خوش ره اندر سمت پنجم کنند   کسب‌نورازمهرچون انجم کنند

بادهراچون‌رحمت‌در(بر) جام‌دگر   هم بو خور انجام اتمام دگر

(مورخهٔ بیست وششم شهررمضان من شهورسنهٔ ۱۳۱۱) (۲۲۹ـ۳۱۲)

آغاز دفتر ۵ : اول دفتر پنجم از کنزالاسرار . بسمله .

ای خداوندی که از معدن کرم   دمبدم موجود گردانی عدم

انجام :

چون در این دفتر علم زد آفتاب   هم بو جوزان فتح سادس فتح باب

باب ششم گنج را چون باز کرد   گوهر افشانی ز نو آغاز کرد

پس بوهم رانسوی کش‌هش‌را عنان   تا بری پی بر گهرهای عیان

راهی اندر جنت سادس کنی   عقل را دردین و دل حارس کنی

کو نه هر یک شاجو خورشید نور پاش   تا نماید هر نهان را پرتو فاش

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

۳۷۰ این نسخه هم بنستعلیق با عنوانهای شنگرف است و دارای دفتر ۹ تا ۱۲ ص ۷۲۳ – ۱۱۸۷ – در ۱ الف نوشته شده است : ۱۱۸۷ صفحه ودرهریك ٦۰ بیت مشود ۷۱۲۲۰ بیت .

(۳۵۹٦ ع) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی ۵

اندازه : ۸ ۲۲/۵ و ۱۳/۵×۱۷ س ۳۵

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

(مورخهٔ بیست وهشتم شهر ذیحجةالحرام سنهٔ ۱۳۱۱) (۲۱۲–۳۹۵) .

آغاز دفتر ٦ : بسمله .

ای خداوندیکه از جودت پدید   میکنی درهر نفس خلقی جدید ۱۰

انجام :

دل گرفت اینجا عنان از گفتگو   سوی هفتم دفتر او را کرد رو

ششمین سفرش هم اینجا کردختم   آنکه امرش بودنافذ حکم‌ختم

پنج پنجه بود افزون ازهزار   کاین ششمین شد ازغیب آشکار

درظهورالحق ششم مختش تمام   گشت ازفیاضی ربالانام ۱۵

✿✿✿

پس توهم ای مستمد باب فیض   باب جوشد بار هرجا باب فیض

(۳۹۵–٤۹۲) (ظهورالحق برابراست با ۱۲۵۰)

آغازدفتر ۷ : بیان دفترثانی ارجنات وصال – بیان دفترهفتم از کنزالاسرار . ۲۰

بسمله .

ای‌خداوندی که‌این عالی و پست   شد پدیدار از تو باهرچیز هست

انجام .

لب فروبند ایدل از سرکهن   زان بجلد هشتم از هفتم سخن

باز پیچ از دفتر هفتم عنان   سوی هشتم دفتر ای گنج روان

فتح‌سابع شد چوفتح ازفتح باب   فتح ثامن راکنون کن فتح باب ۲۵

✿✿✿

موی بموی‌خویش گوش‌وهوش کن   بخود آنکه سفر هشتم گوش کن

کامد آنجا از عنایت نور بار   بخل طورکس نه الانور بسار

(٤۹۲–۵۹٤) .

۳۰ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

نورعلیشاه محمدعلی پسر فیض علیشاه میرزا عبدالحسین پسر امام جمعهٔ تون محمدعلی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

آغاز دفتر ۸ :

ایکه هر پیدا ز تو پیدا شده — وز تو هر شیدا دلی شیدا شده

انجام :

فتح هشتم را چو فتح آمد تمام — راند درفتح نهم فتحش کلام
دم کشید از دفتر هشتم دمم — تا دمید اندر نهم دفتر دمم
کتاز آن در رقص آید جسم و روح — ره گشاید روح در اصل فتوح
تا عیان بنمایدت دراین طلسم — کنز اسرار شه بیرسم و اسم
درنهم جنت ز جنات الوصال — قطره ات تایم پذیرد اتصال
قطره و نم را ره اندریم شود — بی نم و نم یم عیان از نم شود
لا شود با تیغ لا لا تا آله — ماند و غیری نماند تا آله
(۷۲۲ـ۵۹٤).

آغاز دفتر ۹ : ابتداء دفتر نهم از کنزالاسرار و جنات وصال بسمله . وبه نستعین

ای خداوندی که از ایجاد تو — شد خراب آباد لا آباد تو

!! !! !!

خود دل هر ذره آمد طور تو — گفت درهرطور اناالله نور تو

(این بند که ۲۷ بیت است هم در پایان ش ۳٦۰ و آغاز ش ۳۷۰ هردو دیده میشود).

انجام :

پس نهم دفتر کنون کامد او چو بس — گرچه اینجا مشتمر راند او فرس
کرد از جلوت نهم مجلس تمام — جلوه سازی کش بود مفتاح نام
ختم کرد او گرچه جنات وصال — کنز اسرارش پراست و مال مال
جلوه سازی باز در آن دهم — دارد انکاوه سری او راست دم
هم نه راهی زین نهم دفتر نما — دردهم دفتر ببین جانرا نما
تا برین سان بوی زان دمیدم — از تجلی کنز اسرار قدم
(۸۳۰ـ۷۲۲).

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

رفی طبسی (م موصل ۱۲۱۲) عارف نعمت‌اللهی و شاگرد سید معصومعلی شاه خواسته بود بشماره درهای هشتگانهٔ بهشت اندفترعرفانی و خلقی را در هشت مجلد بسراید وهمین‌اندازه توانست آنچنانکه درفهرست آقای ابن یوسف آمده تا ٤۳۰ بیت ازسومین را بپایان برد پس‌ازاو جانشینش رونق علیشاه (م ۱۲۲۵)

آغاز دفتر ۱۰ : بسمله و به نستعین .

ای خدا ای بی‌نهایت جود تو   لشمه هرنابود بود از بود تو

انجام

پس دهم در کنون اینجا تمام   نور باشی آفتاب بی‌غمام

فتح چون فتح دهم دست از خدا   شد مجلد یازده نور هدا

تا درآن گردد تجلی سازبار   کنز اسراد ازکرم براهل راز

(مورخهٔ بیست وسوم ۲۳ شهرذی‌الحجةالحرام ۱۳۱۲) (۸۳۰-۹٤۵)

آغاز دفتر ۱۱ :ابتداء دفتر یازده ۱۱ ــ بسمله و به نستعین .

ای خدائی کز تو شد موجود وهست   سر بسر درات این بالا و پست

انجام:

پس‌درای‌فتح‌گهرباشی ذکر   زان سخن در دفتر اثنا عشر

تا بانجام آمد از رب‌الانام   کنز اسرار اندرآن فتحت تمام

(مورخهٔ چهارع سه به یازدهم۱۵شهرصفرالمظفرسنهٔ۱۳۱۳) (۹٤۵-۱۰۵۵) .

آغاز دفتر ۱۲ : باب دفتر دوازدهم ۱۲ ــ بسمله . و به نستعین

ای‌خدائی کز تو شد هست این‌همه   ور می اتحاد تو هست آن همه

انجام .

چون رسید این جسم فانی بر کمال   روح باقی وانمود آنگه جمال

کرد بی‌ن جلوه‌هایش چون دروغ   جلوه پیرا راستی را شد فروغ

(تم الکلام بعون الملك العلام یوم دوشنبه بعد از ظهر بیست و چهارم شهر ربیع‌الثانی من شهورسنهٔ ۱۳۱۳ هجری .

ای فتح و نصرت تو هواخواهم از عدم

توفیق شدکی بدهم بار از کرم

شاکر ز شکر نعمت توعاجز است ولال

کام و زبان ناطقه را تو ولی نعم

(۱۰۵۵-۱۱۸۷).

آنچه ازسوم مانده بود وهمهٔ چهارمی وپاره‌ای از پنجمی را سروده است آنگاه نظام علیشاه احمدبن حاج عبدالواحد کرمانی (م ۱۲٤۰ یا ۱۲٤۲) جانشین مجذوب علیشاه پنجمی را بانجام رساند ودرششمی که درصد لمعه است « مصباح الشریعه » را ترجمه و گزارش نمود و هفتمی را هم برآن افزود (۱) نویسندهٔ نسخهٔ ما شعرهای‌این سه‌عارف‌را برشمرد چنانکه‌خواهم‌دیدوشمارش‌او باشمارش بالاسازگار نیست‌چه: ۵۷۸۵ ۲٦٦۸ |۲٦۸۷-| -٤۳۰ نه ۵۳۵۵ پس‌همان دوجلد نخستین سرودهٔ نورعلیشاه خواهد بود . چه : ۵۳۵۵ ۲٦۸۷-|۲٦٦۸ (۲) .

۱ــ بنگرید به : ذریعه ۱۵۲:۵ ــ سپهسالار ٤۸۹:۲ . مجلس ۱۷۱۰۳ ــ فهرست آقای منزوی ۸۸:۲ .

۲ــ آغاز این‌مثنوی:

بسم‌الله الرحمن الرحیم — افتتاح کنز اسماء عظیم
بازگو از نام نامی آله — سوی‌جنات‌وصالش جوی‌راه
ای بنامت نامها نامی همه — نامهای نامیت نامی همه

!! !! !!

نامی از جنات وصلم باز کن — از وصالم ساز و برگی ساز کن
تا در آن جنات گیرم خوشه‌ای — چینم از هرخرمن گل خوشه‌ای
خوشه خوشه بدم از گل دسته‌ها — دسته دسته آورم گلدسته ها

!! !! !!

هردم از جنات نامی وا کنم — در ریاض جنتی مأوا کنم
آورم گلها بدامان سخن — هدیهٔ اصحاب درهرانجمن

انجام جلد یکم :

دادن بیم امید سودی نداشت — کمراهشان روبه‌بهبودی نداشت
دیده عالم کور و نابینا شدند — نقش ولائی زده رسوا شدند

(تاریخ الخمیس بیست و پنجم شهر ربیع‌الاول سنه۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر ... بن ابوطالب جلد اول جنات‌الوصال من کلام جناب نورعلیشاه قدس سره ــ از منزوی ٦۰۰٤ ، جلد اول ۲٦٦۸) .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

[۱۹۵۹]

۱۱۷۹ این نسخه ش ۱ دفتر است و نستعلیق وعنوانهای شرونظم بشنگرف میباشد وعلی بن ابی‌طالب آنرا نوشته ودرع۱۲۵۹/۱ آغاز و جلد یکم را درروز

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

آغاز جلد دوم : بسمله . ۵

این زبانها را بکام از نام تو — نعمت نطق و بیان انعام تو

تا نمایم درج گوهر نامه را — بارگردم گوهرافشان خامه را

انجام :

این زمانم بار می‌بندد زبان — تا کجا بازم کند رطب‌اللسان

منت ایزد کـه دردارالسلام — شد چو خلدم جنت ثانی تمام ۱۰

(بتاریخ یوم‌الاحد چهاردهم شهرربیع‌الثانی باتمام رسید بخط حقیرفقیرعلی‌ابن ابوطالب جلد دوم جنات‌الوصال من کلام جنـاب نورعلیشاه قدس سره فی سنه ۱۲۵۹ ـازجزوه ۱۰۶۷ـجلد دوم ۲۶۸۷) .

آغازجلد سوم : بسمله .

این سپهر عشق را انجم بود — جلد ثانی جنت سیم بود ۱۵

باز شهباز سخن پرواز کرد — صید کردن‌سوی دشت آغاز کرد

انجام :

سر بسر بمنا بمطلوب آمدند — هم‌محب‌هم‌خویس محبوب آمدند

شاهد این حال از نص مبین — هست والله یحب‌المحسنین

(بتاریخ یوم‌الجمعه بیست‌وسیم شهرربیع‌الثانی سنهٔ۱۲۵۹ جلدسیم جنات‌الوصال ۲۰ باتمام رسید من کلام جناب رونق علیشاه بخط حقیرفقیرعلی‌ابن‌ابوطالب (ازجزو۶۴۳ـ جلد سیم : ۱۷۹۷) .

(درمیانه این جلد درنسخهٔ ما نشانی نیست که از کجا سرودهٔ نورعلیشاه بپایان میرسد) .

آغاز جلد چهارم : بسمله . ۲۵

این گشوده از کرم باب نعیم — اسم اللهت ز رحمن و رحیم

ای که لاتحصی بود انعام تو — ای کـه لاتجزی بود اکرام تو

انجام .

آن حسب حضرت سلطان علی — منبع هرفیض دراعیان علی

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین ۳۰

پنجشنبه ۲۵ ع۱ و دومی را درروز یکشنبه ۱۴ع۲ و سومی را درروز آدینهٔ ۲۶ع۲

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

صد هزاران لعنت خلق و خدا　　　غاصبان مسند و محراب را

(بتاریخ یوم السبت یازدهم شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر فقیر علی بن ابوطالب جلد چهارم جنات‌الوصال من کلام جناب رونق علیشاه ـ ازجزو: ۶۳۵ـ جلد چهارم : ۲۱۹۱) .

آغاز جلد پنجم : بسمله .

باز دریای سخن شد موج زن　　　موج زن شد باز دریای سخن

هر یکی موجش یکی بحری شگرف　　　موجهایش نقشهای صوت و حرف

انجام :

چون‌خلیل آمدمر آن نارم وطن　　　از دم آن نور پاك ذوالمنن

با وجود آنکه گفتا فی‌المثل　　　نی بحکم حتمی ای مرد اجل

(بتاریخ یوم السبت پانزدهم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر فقیر علی‌ابن‌ابوطالب ـ ازجزو ۸۷۱ـ جلد پنجم : ۱۰۲۷۳ـ رونقعلی شاه : ۳۶۵۱ـ نظام علیشاه : ۶۶۲۱) .

درمیانه این بیت :

گر بر او چندی بر این‌سان بگذرد　　　رشتهٔ تدبیرت از کف بگسلد

دارد . « نظام علیشاه » و ما را میخواهد برساند که از اینجا سروده نظام علیشاه میباشد .

آغاز جلد ششم :

بسم‌الله الرحمن الرحیم　　　فاتح‌الابواب جنات‌النعیم

الحمدلله‌الذی نور قلوب‌العارفین بذکره و قدس ارواحهم بسره . . . فهذا کتاب مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة من کلام‌الامام الصادق .. وهو مشتمل علی مائة باب والله‌الموفق للصواب .

انجمن آرای جنات‌الوصال　　　ابتدا بزد کز نام ذوالجلال

باز صبح صادق از آفاق جان　　　پرتو افکن شد باطراف جنان

انجام :

رحمت و صلوات لاتحصی مدام　　　برحبیب‌الله و برآل کرام

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

وچهارمی را درروزشنبه۱۱ج ۱ و پنجمی را درروزشنبه ۱۵ رجب وششمی را درروز سه شنبه ۸ رمضان وهفتمی را درروزشنبه۱۲رمضان همین سال بانجام رساند . شماره جزءهاوشعرهاهم‌درآن یاد شده است .گ۲ب ـ ۲۴۸ الف. نسخه را میرزاسیدعیسی دیوانهٔ عربشاه (با نواب خلیفهٔ سلطانی) به پسر خود سید میرزا حبیب‌الله نعمةالهی درآدینهٔ ۱ رمضان ۱۳۲۹ بخشیده‌است (۲ب) خط حبیب‌الله درگ ۲۴۹ الف بتاریخ یکشنبه ۲۵ج۱۳۳۸/۱ هم هست .   ۵

(۲۹۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوالی
اندازه : ۲۲×۳۰ و ۱۵×۲۳ س ۲۸

[۱۶۶۰] چهارعنوان (فارسی)

این نامه همان گزیده و منتخب کیمیای سعادت غزالی است از باباافضل کاشانی (م نزدیك ۶۱۰) (رسالةالاسلام ش ٤ سال ۱ ص ٤۰۵) که در ص ۲۲۶ این‌فهرست ش۳٤۰/۸ شناسانده شده‌است (نیزص۶۷ بازپسین سخن بخش دوم) .   ۱۰
آغاز : بسمله . این سخنان کیمیای سعادت است که مردم شایسته و اهل

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ بازپسین

دوستان او و آلش بردوام غرق رحمت از خداوند سلام   ۱۵
این بود فهرست لمعات کتاب میشود هر لمعه را زآن فتح باب
.. (فهرست لمعه‌های‌صدگانه به‌نثر) (بتاریخ یوم‌الثلثاوهشتم شهر رمضان‌المبارك سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید جلدششم جنات‌الوصال‌من کلام‌جناب رونعلی‌شاه بخط حقیرفقیر علی‌ابن‌ابوطالب ـ ازجزء ۲۹۱ جلدششم ۷۱۳۱/۰۰۰) .   ۲۰

آغاز جلد هفتم :

بسم‌الله الـرحمن الـرحیم آیت توحید(تحمید)و تمجید کریم
بعد تحمید خداوند وحید بعد تمجید شهنشاه حمید
آن خداوندی که سبحان‌ولیست آن شهنشاهی که‌سلطان علیست

انجام :   ۲۵

یاری حق کردن و اعز از دین رهنمای راستی برضـالین

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آخرت را سودمند بود چنین گوید که نامهٔ مردمی بچهار عنوان تمام بود عنوان اول آنستکه حقیقت خودرا بشناسد .

انجام : کلید شناختن آخرت روحانی شناختن حیوة وروح است وچون کلید یافتی آسان بود در گشودن . والحمدلله . کفی افضاله و حسب نواله . والصلوة علی محمد وآله الطیبین الطاهرین .

[۱۹۶۰]

۱۱۱۳ این نسخه ش ۱۷ دفتراست و بنستعلیق میباشد گ ۱۶۱ الف ـ ۱۷۷ الف پس ازاین دو گفتاراست از بایزید بسطامی با پیشنمازی که با او نماز گذارد واز ابوسعید ابی الخیر بفارسی درده سطر چلیپا .

[۱۶۶۱] حاشیهٔ تفسیر بیضاوی (عربی)

حاشیه‌ایست ازشیخ بهائی وجز حاشیهٔ اواست براین تفسیر که‌درفهرست طوس (۴۳۳٬۴) و سپهسالار (۱ : ۱۱۷) شناسانده شده است . بهائی بجزاین حاشیه‌ها گزارشی بزرگ هم بر آن دارد (ذریعه ۶ : ۴۴) .

آغاز بسمله قال‌الله سبحانه فی سورة‌الملك «کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها .. فسحقا لاصحاب‌السعیر» (آیه ۸ ـ ۱۱ سورهٔ ۶۷) وقال‌الفاضل‌البیضاوی بعد هذه‌الایه «فاسحقهم‌الله سبحانه سحقا ای‌ابعدهم من رحمته والتغلیب للایجاز والمبالغة والتعلیل» انتهی کلامه . وقداختلف‌الاعلام فی حل‌هذاالکلام‌علی‌وجوه .

انجام . لم یکن فی‌الکلام اشعار بماله استحقوهم . وهذاالوجه مماخطربالخاطر الفاتر والله اعلم بحقیقة‌الحال (نقلت هذه‌الفائدة العالیة من صورة مؤلفها ادام‌الله ... صفحه ...

... ... شماد ... ... را دریافتن

(... تاریخ ... شهر رمضان‌المبارك سنة ۱۲۵۹ بالاتمام رسید بخط حقیر ... بن ابوطالب جلد هفتم ۷۳۴ ـ ... کتاب ۲۷۴۸۰ ـ ... کتاب شاه : ۵۳۵۵ ـ ... علیشاه ۱۵۵۰۴ ... شاه . ۶۶۲۱) .

تعالی ایام افضاله الی یوم‌القیام فی بلدة نخجوان فی اواخر شهر ربیع‌الثانی سنه اربع عشر والف) .

[۱۹۶۱]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۰ دفتر وبهمانگونه نستعلیق قاری که درنزدیك بپایان ربیع دوم ۱۰۱۴ درنخجوان ازروی خط بهائی نوشنه است . گ ۲۲٤ ب ـ ۲۲۷ الف . حاشیهٔ «منه مد ظله» و «منه مد ظله‌السامی» دارد . دردنبال آن آغاز رسالهٔ « قصرالصلوة » است که در ش ـ ۹۱۸/۱ گ ۲٦٦ الف و ب دیده میشود ودرپایان این دارد «مدظله» .

[۱٦٦۲] حاشیهٔ تهذیب (عربی)

جلال‌الدین دوانی برتهذیب‌المنطق تفتازانی این حاشیه را نگاشته‌است . (ص ۳۵ همین فهرست) .

[۱۹٦۲]

۱۱٦۸ این نسخه ش ۲ دوراست و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و تاریخ آن ماننا ۱۰۲۸ است حاشیه‌هائی بر آن هست بنسخ و نستعلیق . گ ۸۱ ب ـ ۱٤۷ ب . چنین است انجام آن :

لانهم انما بنوا النسبة بین‌المعنیین علی ماذکرنا فمن عبر تعبیرهما الی ماارادہ وبین النسبة بین ماقصده بینهما ولا نزاع له فی‌المعنی (قوله) او بعدم ضرورة خلافه‌ای ان حکمه فیهما بعدم ضرورة (سنه ۱۲۸ ـ یك صفحه‌جدید) نزدیك به ۸ سطر کم دارد ازش ۲٦۷/۱

[۱٦٦۳] حاشیهٔ حاشیهٔ شرح مطالع (عربی)

این حاشیه برحاشیهٔ میرسید شریف گرگانی است برشرح مطالع رازی (ص ٤۰ همین فهرست) وگویا از ملا شمس‌الدین محمد حنفی میباشد (چلبی ۲ : ٤۵۳ ـ ذریعه ٦ : ۷۳ ـ طوس ۱ : ۲٤ منطق) این حاشیه برمبحث نسبت حاشیهٔ گرگانی نوشته شده است .

آغاز : بسمله . (کل مفهوم اذانسب الی مفهوم آخر) لابدان یقیدالمفهوم

هھنا بمالا يتناول المفهومات التصديقية وما فى حكمها من المفهومات التصورية الغير الصالحة للصدق والحمل اذمدار تحقيق النسب الاربع فى هذا المقام على الصدق

[۱۹۶۳]

۱۱۸۹ این نسخه بخط نستعلیق است وچنین است انجام آن : « کذا ذکره قدس سره فی حواشیه للرسالة الشمسیة ولایخفی علیك انه تكلف بعید . (هی المباینة الكلية) قد بين فيماسبق ان صدق كل واحد من المفهومين على شیء بدون صدق الآخر عليه معتبر فى المباينة الكلية . . . لان اللاممكن العام لما كان اخص مطلقاً من الانسان ومفهومه كان اخص من الممكن » حاشیه‌هائی با نشانه «ف» دارد .

(۳۳۶) – کاغذ فرنگی – جلد مقوا

اندازه . ۱۶ ۲۱ و ۸/۵ ۱۶ س ۲۷

[۱۶۶٤] حاشیهٔ حاشیهٔ مختصر (عربی)

ملا عبدالله فرزند شهاب الدین یزدی (م ۹۸۱) بر حاشیهٔ خطائی بر مختصر تفتازانی حاشیه‌ای نوشت و آنرا در شیراز در ۱۷ ذی‌حجهٔ ۹۶۲ بپایان رساند . نسخه‌ای دیگر از همین حاشیه در فهرست آقای منزوی (۳۷۹۰۲ش۹۷۵) شناسانده شده است (ذریعه ۷۱:٥– طوس ۵۷۳و۵۹ – سپهسالار ۲:۱۱٤– معارف ۲:۱۶۶ که عبدالله را خطائی خوانده است و خطائی را هم در ۲:۱۶٥ عبدالله نامید) .

آغاز : (رب وفقنی لاتمامه) بسمله . یقینی بالله ثقتی . حمداً لمن خلق الانسان وعلمه البیان وشكراً لمن اعلمه بدائع المعانی فی روائع التبیان . قوله : نحمدك اللهم الاصل فیه یاالله حذف حرف الندا و عوض عنه المیم ولایقال علیه (کلیشه س ۷٤٥ ج ۲) .

انجام : قوله او الخطاب . ای او بقال بترك الخطاب مع معین الی غیره . . . حتی لایفوت ذلك الحسن هذا . والمرجو من الله تعالی حسن الخاتمة . . والحمدلله علی توفیق الاتمام والسلام علی سیدالانام و آله وعترته الغر الكرام وقد اتفق الفراغ من تعلیق ما وسعه المجال مع توزع البال و تشتت الحال لافقر الخلق الی عفو ربه

الابدی عبدالله بن شهاب‌الدین الیزدی فی‌السابع عشر من ذی‌الحجة حجة اثنین وستین‌وتسعمائة بدار الملك شیراز... فی‌المدرسة الصدریة‌المنصوریة ... والحمدلله و صلواته علی عباده‌الذین اصطفی (کلیشه ص ٧٤٦ ج ٢) قد فرغ من تنمیق تلك‌الحواشی‌الشریفة فی وسط‌الیوم الرابع والعشرین من شهر ذی‌الحجة ... سنة ٥
٩٧٣ ... بمشهد ... علی‌بن موسی‌الرضا ... اقل‌الخلیقة ... محمد باقربن عبدالقادر الحسنی‌الاسترابادی الملقب بدرار کدو (؟) عفی‌عنهما .

[١٩٦٤]

٨١٢ این نسخه ش٢ دفتر است‌و بهمانگونه خط ش١ ازهمان استرابادی که درنیمهٔ روز ٢٤ ذی‌حجهٔ ٩٧٣ این را نوشته است . گـ ٦٠ ب – ١٨١ ب . مهر
١٠ « توکلت علی‌الله محمد باقربن عبدالقـادرالحسنی » و دو مهر دیگر کـه پاك کردند و درست خوانده نمیشود در ٦٠ الف و ١٢١ ب هست . حاشیه‌هائی هست بانشانه‌های « م » و « منه سلمه‌الله » و « منه مدظله » . گویا این استرابادی ازشاگردان یزدی بود و نسخه را هم درروزگار او نوشته است .

[١٦٦٥] **حاشیهٔ شرح تجرید** (عربی)

١٥ میرصدرالـدین محمدبن منصور دشتکی (٨٢٨ – ٩٠٣) برشرح جدید قوشجی برتجرید خواجهٔ طوسی دو حاشیهٔ قدیم و جدید دارد کـه با سه حاشیهٔ دوانی برآن « طبقات » نامیده میشود. حاشیهٔ جدید او بنام سلطام ایلدرم بایزید نوشته شده است (ذریعه ٦ : ١١٧) . نسخه‌های طوس (١:٣٥ ش ١٠١) وفاضلیه (ص ١٠ ش ١٢) جزاین نسخهٔ ما میباشد . دشتکی دراین حاشیهٔ نسخهٔ ما (همان
٢٠ نسخهٔ ش ٤٨٩ ج ٤ ص ٧٦ طوس) بسخنان دوانی مینگرد و بذوق‌المتالهین او میتازد (ص ٢٣٣ همین فهرست) .

آغاز : بسمله . قوله · ای علی‌آله واصحابه‌الذین . الخ . قال‌الشارح فیما کتب علی‌الحاشیة قیـل لم یرد به معیناً بل مایتناول متعدداً اعنی من اتصف من محبوبیته بزیادة‌الـکرم فی‌الجملة. وفیه نظرلان افضل‌التفضیل‌اذااضیف فله‌معنیان

انجام : والعلة مطلقا . لماعرف المصنف العلية ... لانه مقارن لماهو علة ذاتية لوجود الحادث غير مسلم ... والمقدم على الشيء بالزمان لايكون مقارنا له . تمت الحاشية الصدرية على الامور العامة .

[۱۹٦٥]

۱۱۱٦ این نسخه بخط نستعلیق است و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . در برخی جاها عنوانها درهامش است . برگهای ۲۱٤ و۲۱٥ و ۲۱۸ تازه میباشد . حاشیه‌هائی دارد با نشانهٔ «ح م ح» .

(۳۱۸گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی کهنهٔ فرسودهٔ متوالی

اندازه : ۱۰ ۲۲ و ٤ ۱۷ س ۲٦

[۱٦٦٦] حاشیهٔ شرح تجرید (عربی)

ملامیرزا جان حبیب‌الله شیرازی باغنوی (م ۹۹٤) برشرح تجرید قوشچی این حاشیه را نوشته‌است (چلبی۱:۲٥۳) در آغازاین حاشیهٔ اواز حاشیهٔ سید دشتکی (ش ۱۱۱٦ گ ۲ الف) بندی آورده است . این نسخهٔ ما همانستکه در س ۲۲۹ همین فهرست ش ۳۷۱ ودرفهرست طوس (٤ ۲-۸۱ ش ٥۰٦ تا ٥۱۰) شناسانده شده است .

آغاز . قال المصنف رحمه‌الله تعالی اما بعد حمد واجب الوجود لایبعد ان یقال فی ترك الموصوف ههنا ایماء لطیف الی ماسیجی من ان صفاته تعالی عین ذاته ففیه نوع من براعة الاستهلال .

انجام : قوله . فان المیل الطبیعی یشتد بحسب القرب من الحیز الطبیعی . فیه نظر لان الاشتداد انما لطول الحرکة ای یکون الحرکة فی الاول اشد من الحرکة فی الثانی .

(قد اسودت وجوه البیاض فی تسوید هذه الحاشیة الجلیلة المنسوبة الی الفاضل النحریر مولانا میرزاجان وتم اسوداده یوم الثلثاء من العشر الاول من شهر ذی قعدة الحرام سنة الف مزیداً علیها ستة عشرة علی یدی اضعف احقر عباد الله المعین العلی ابن

رکن‌الدین بن محمد بهاءالدین الجیلانی الفومنی عفی عنهم ـ صاحبه کاتبه ثم اخوان المؤمنین . و م . ـ بلغ قبالا بقدر الوسع ایدنا الله وسائر المؤمنین) .

[۱۹۶۶]

۱۱۱٤ این نسخه بخط نستعلیق و با عنوانها گاهی درهامش و با نشانه‌های شنگرف میباشد و بهاءالدین بن رکن‌الدین بن محمد گیلانی فومنی آنرا درروز سه‌شنبه دهۀ یکم ذی‌قعدۀ ۱۰۱٦ برای خود نوشته است . حاشیه‌هائی دارد با نشانۀ « منه » و «ص د» و «س» وازقاضی سلمه‌الله و ابراهیم رحمه‌الله و عبدالله و حسین خلخالی . «بلغ قبالا» درمیانۀ کتاب و « بلغ قبالا بقدرالوسع ایدنا الله وسائر المؤمنین» در۲۵۱ الف دیده میشود . آخوند ملااسمعیل دارندۀ نسخه بوده است (۱ب) مهر «عبده‌الاقل علی اشرف» ومهر دیگری در۲ ب هست .

(۲۵۱گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی سادۀ مقوائی دریکسوی

اندازه : ۱۲×۱٦ و ۷×۱۲ س ۱۸

[۱٦٦۷] حاشیۀ فوائد ضیائیه (عربی)

عصام‌الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفرائینی (م ۹٤۳) برالفوائد الضیائیۀ عبدالرحمن دشتی فارسی جامی (۸۱۷-۸۹۸) که گزارشی است برکافیۀ نحو ابن حاجب(م ٦٤٦)واو آنرا برای پسر خود ضیاءالدین در نیمۀ روز شنبه ۱۱ رمضان ۸۹۷ نگاشته است این حاشیه را نوشت . درچاپهای ایران از شرح جامی این حاشیه جسته گریخته دیده میشود (طوس ۳:۹ ش ۲۷) .

آغاز : بسمله . یا هادیاً لسالك مسالك محامدك ویا سامعا لجامع مسائل حامدك . . . فیقول . . . ابراهیم بن محمد بن عربشاه الاسفرائینی عصام‌الدین هذه حواش ... غواش ما فیه للفوائدالضیائیة واش .

انجام : اللهم شکر نعمائك علی قدر آلائك ... وصلی علیه بدوام ارضك وسمائك (نمت کتابة هذه‌الحاشیة المنسوبة الی اعلم‌العلماء و افضل‌الفضلا مربی الطلبة لعلم‌الدین نافع‌الفقراء والمساکین اعنی عصام‌الملة والدین رزقه‌الله تعالی مایطلبه ویتمنا فی یوم‌الجزاء فی سنة ۹٤٦) .

[۱۹۶۷]

۱۱۵۰ این نسخه بنستعلیق است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف با حاشیه‌هائی بنشانه‌های «منه» و «سید» و «عص» و جز اینها . عنوان مطلبها بشنگرف درهامش هست . هادی بن جلال‌الدین محمد اصغر بن رضی‌الدین محمد حسنی حسینی دارندهٔ نسخه بوده است (۱ الف) .

(۳۱۴۲ ب) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج خاکستری

اندازه : ۱۲/۵ ۱۹ و ۸ ۱۲/۵ س ۲۴

[۱۶۶۸] حاشیهٔ قواعد (عربی)

جمال‌الدین احمدبن‌النجار شاگرد شهید یکم که نسخه‌ای از قواعد علامهٔ حلی را در ۸۲۳ نوشته و پیش‌از ۸۳۵ درگذشته بود حاشیه‌ای برهمین کتاب نگاشته و گویاهمان حاشیهٔ استاد را گردآورده است وهمین استکه به « حاشیهٔ نجاریه » نامبردار است و پاره‌ای از آن بانشانهٔ « نجار » بدرهامش قواعد چاپ ۱۳۱۵ (از نکاح تا پایان) دیده میشود (ذریعه ۶ : ۱۶۹ و ۱۷۲) از سنجیدن نسخهٔ ما باآنچه درچاپی آمده برمیآید که این‌دو درست یکی نیستند وچاپی هم درشمارهٔ حاشیه‌ها وهم درخود حاشیه‌ها افزوده دارد و از آغاز تا عطایا هم که درنسخهٔ ما هست درچاپی نیست بجز یک حاشیه (درباره عبارت : اوضم‌النبرد) که درنسخهٔ ما (گ ۳ الف) آمده وهمانست که در ص ۱۰ چاپی بانشانهٔ (۱۲) دیده میشود ولی این‌دو در پایان یکی نیستند. در پایان هم در نسخهٔ ما بندهااستکه درچاپی نیامده و بندیکه در ص دوهست (قوله ولو بان اسیراً ضمن‌الدیة) هم درچاپی افزوده دارد و دوسه بند در چاپی هست که درنسخهٔ ما نیست. پس گفتار افندی دراینکه دو حاشیهٔ نجاریه و شهیدیه یکی هستند درست نیست و همین اندازه میدانیم که درنجاریه از حاشیهٔ شهید بهره برده شده است و عنوان کتب که نسخهٔ ما همان حاشیهٔ شهید است که درنسخهٔ قواعد ابن نجار بوده (پایان نسخهٔ ما) واو گویا با افزایش و کاهش و کمتر کنی دراین حاشیهٔ استاد « حاشیهٔ نجاریه » خودرا نگاشته است .

[۱۹۶۸]

۱۱۹۳ این نسخه بنسخ کهن است و باعنوان (قوله) بشنگرف ودرشت‌تر وشماره‌های ابجدی بندها هم بشنگرف میباشد و درآغاز شوال ۸۸۴ بپایان رسیده و از روی نسخهٔ مزیدی نوشته شده است. گ ۲ الف ــ ۱۹۶ ب. خط دارندهٔ نسخه محمدبن محمد باقرحسینی عرب و همچنین مهر «محمد باقربن محمد تقی‌الموسوی» ۵
و خط محمد اقدس‌ابن علم‌الهدی که نسخه را درسپاهان درذی‌حجهٔ ۱۰۳۷ یا ۱۳۰۷ ببهای ۳۰۰۰ دینارخریده است در ۱ الف دیده میشود.

درصفحهٔ عنوان بخط دیگری‌دارد «هذه‌الحاشیة علی‌قواعدالعلامة امامن‌مصنفات الشهیدالاول واما من مصنفات‌الشهیدالثانی» وبخط دیگری دارد «حاشیهٔ قواعد شیخ علامهٔ حلی من اول‌الفواعدالی‌آخره» درصفحه‌ایکه ازجلو از بسته شدن برگها بدست ۱۰
میآید دارد «حاشیة علی قواعدالعلامه و یکون لاحدالشهیدین» همچنین درچنین صفحه‌ایکه دربالای برگها بدست میآید دارد «حاشیه قواعد علامه والحاشیة اماللشهید الاول اوللثانی» درحاشیه ۲ الف بخط نستعلیق تازه‌ای دارد «چندین قرینه یافته شد که معلوم شد که حاشیهٔ قواعد ازشهیداول است اعلی‌الله مقامه وهمین استکه مسمی بحاشیهٔ نجاریه است ودرجامع‌المقاصد مکرر نقل میفرماید ازاین حاشیه». ۱۵

آغاز: «د» هذاالتعریف صادق علی‌العزم‌فانه لمالم یشترط فیه‌المقارنة‌کان‌اعم من‌النیة والعزم... «ز» هومنفوض فی عکسه بنیة‌الاحرام والصیام وجوابه هماتوطین النفس والتوطین ایجاد. قوله وهی شرط الی‌آخره هنا سؤال وهو انه حکم بان‌النیة من‌الافعال بادیا ثم حکم بکونها من‌الشروط ثانیاً و ذلك متناف و جوابه من وجوه (دربارهٔ: النیة وهی‌ارادة‌ایجادالفعل علی‌الوجه‌المأمور به‌شرعاوهی شرط ــ ازفصل ٤ ۲۰
مقصد ۳ کتاب‌الطهارة قواعد ص ۹ چاپی).

انجام: قوله: بالفاظ مختصرة وعبارة محررة‌اشارة الی‌هذین‌المعنیین. قوله: وطریقه‌السداد. هذا آخرماوجد من‌الحواشی. [علی قواعدالشیخ جمال‌الدین احمدبن النجارقدس‌الله‌نفسه وروح رمسه ونقلت من (نسخة) بخط‌المزیدی (۱) نقلهامن (نسخة)

۱ــ ابن مزیدی گویا شیخ علی‌بن منصوربن‌الحسن مزیدی زندهٔ در ۸۷۷ باشد ۲۵
نه شیخ رضی‌الدین ابوالحسن علی‌بن‌السعید جمال‌الدین احمدبن یحیی مزیدی حلی (م ۷۵۷) که شاگرد پدرخودوابن‌معیه‌وابن‌الابریسمی ونجیب‌الدین محمدبن نما وصفی‌الدین محمدبن یحیی بن سعید وصفی‌الدین محمدبن معد موسوی وجمال‌الدین محمدبن احمدبن صالح سیبنی قسینی وابن داود وعلامهٔ حلی واستاد شهید یکم بوده است (روضات ص ۳۸۷ مستدرك ۳: ٤٤۲). ۳۰

صنف المشركين وغير واجب كنح غير الامام وعدم دفع العدو
فيجب الدية في الثاني دون الاول اذ الاباحة عاينها اسقاط
القود قوله ولو قتل صبيا او مجنون مسلماً ففي ايجاب الكفارة نظر
اقربه العدم والاقرب وجوبها على الذمي لكن تسقط بالاسلام
وعلى قاتل نفسه وجه الاقربية في قاتل نفسه تناوله عموم
النصوص فقد وجد المقتضي وانتفى المانع اذ ليس الا جنايته
على نفسه وهو لا يصلح للمانعية ويحتمل عدم الوجوب لان قوله
تع ومن قتل مومنا عدى الفعل الى المفعول ويحتمل المغايرة
بين الفاعل والمفعول وكذا ما في النصوص ولهذا ينبني على
وهو عدم اشتراط بقاء المكلف وفرع رابع وهو وجوب
اربع كفارات على الحاملين وصحيح قوله وفرغ كاتبه
محمد وراي صرفهم عنك قوله لخصته كل لعب فتاوي لبيب
الشيء هو خالصه التلخيص هو الشرح والايضاح وقد يقال
على حذف الزوايد والاتيان بالفوايد والكتاب مشتمل على
المعنيين اذ ليس طويلا مملا ولا موجزا مخلا فبالاعتبار الاول
يصدق عليه المعنى الثاني وبالاعتبار الثاني يصدق عليه
المعنى الاول و ح. قوله بالفاظ مختصرة وعبارة محررة اشارة
الى هذين المعنيين قوله وطريقة السداد هذا اخر ما وجد
من الحواشي فرغ العبد محمد ...

ذکر کاتبها نقلها کما وجدها بخطه وکا (ن) فیها من علا (مة) اواس (طـ) فهو من خطه ک (ذا) والحمدلله والصلوة (علی) خیرخلقه (محمد) وآله] (این بند درحاشیهٔ نسخه است وفرسوده شده ورفته و آنچه میان دو کمانه گذارده‌ام بگمان خوانده‌ام) فرغ العبد ... (یك کلمه خوانده نشده) محمدبن عبدالعلی بن هاشم الحسینی من نسخها علی عجلة فی الکرك یوم عیدالله غرة شوال من سنة اربع وثمانین وثمانمائة .

در گ ۱ ب یك صفحه است از جامع الفوائد حلی که در گذشته می بینیم وحاشیهٔ شهید در ۲ الف است تا ۱۹٦ ب . در گ ۱۹۷ و ۱۹۸ همه بند است از حاشیهٔ محقق کرکی برقواعد با نشانهٔ «ع ل» ودر پایان نخستین دارد «هذاالحاشیة منقولة من شیخنا الشیخ علی ابن عبدالعال ادام الله بقاءه» و در پایان دومی دارد «من املاء شیخنا عبدالعال دام ظله ومن منقوله» درسومی دارد «من املاء شیخنا سلمه الله تعالی» ودرهمین مانند اینها چنانکه در گذشته (۱۹۸ ب) می بینیم . در ۱۰۳ ب هم دارد «حاشیة من قواعد ابن عبدالعال : من ان الولی اذن ...» .

(۱۹۸ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا وگردش تیماج وفرسوده

اندازه : ۱۳ ۱۸ و ۱۰ ۱۴ س ۱۹

[۱٦٦۹] شرح الشریف در مختصر (عربی)

سراج الدین ابی یعقوب یوسف سکاکی خوارزمی حنفی معتزلی (م ٦۲٦) مفتاح العلوم درهشت علم ادب و در سه بخش نوشته است . جلال الدین محمد قزوینی شافعی خطیب دمشق (٦٦٦ - ۷۳۹) بخش سوم آنرا که درمعانی و بیان و بدیع است گزین کرده بانخیص المفتاح بپرداخت و سعدالدین مسعود تفتازانی (م ۷۹۲) برابن تلخیص گزارشی بزرگ بنام مطول برای سلطان ابوالحسن محمد کرت در گرگانج خوارزم در روز دوشنبه ۲ رمضان ۷٤۲ آغاز و در هرات روز چهارشنبه ۱۱ صفر ۷٤۸ پاکنویس آنرا بانجام رسانده . او گزارشی کوتاه بنام مختصر درغجدوان بسال ۷٥٦ نگاشته است . ملازاده نظام الدین عثمان خطائی (م ۸۰۱) برمطول حاشیه نوشته (فهرست منزوی ۲: ۳۷٦ ش ۱۰٥٦) و برمختصرهم این حاشیه را که اکنون میشناسیم نگاشته است . چلبی (۱: ۳۲٥) گویا این دو حاشیه را درست نشناخته بود (ذریعه ٥ . ۷۰ ـ طوس ۳ : ٥۷ ـ سپهسالار ٤ ـ معارف ۲ ۱٦٥) .

آغاز : بسمله . و به نستعین . رب وفقنی لاتمامه . نحمدك اللهم علی ما اعطیتنا من سوابغ النعم و بوالغ الحکم و نصلی علی نبیك الهادی للعرب و العجم علی وجه اکمل واتم . قوله : نحمدك . آثر الحمد علی الشکر لان الحمد یعم الفضائل و الفواضل والشکر یختص بالاخیر .

۵ **انجام** : قوله : وقد یترك الخطاب مع معین . قال ره فی قول السکاکی وحق الخطاب ان یکون مع معین ... وکلامه ره لایحتمل هذا والاولی ان یقال بل المتروك بالمتروك الیه فیقال بترك المعین إلی غیر المعین او الخطاب (تمت کتابة هذه النسخة الشریفة فی تاسع عشرین من شهر ذی الحجة الحرام سنة احدی وسبعین وتسعمائة ۹۷۱ فی یوم الثلثا علی ید العبد الضعیف المذنب الفقیر الی الله الغنی محمد

۱۰ باقر بن عبدالقادر الخطیب الحسنی اللهم اغفر له ولابویه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات رب وفقه علی ما اراده)

[۱۶۶۹]

۸۱۲ این نسخه ش ۱ دفتراست و بخط نستعلیق با عنوانهای (قوله) و نشانه‌های شنگرف از محمد باقر بن عبدالقادر خطیب حسنی استرابادی که درروز سه شنبه

۱۵ ۲۹ ذی‌حجهٔ ۹۷۱ آنرا نوشته است . گ ۱ ب ــ ۵۸ ب . حاشیه‌هائی دارد با نشانه‌های «ع ا ه» و «ع آ ه سلمه ا ه» از همان حاشیهٔ یزدی در ش ۲ همین دفتر و «سیف» و «حامد» (ذریعه ۵:۷۱ و۷۲ وطوس ۵:۵۸ وسپهسالار ۲:۴۰۵) و «منه» و «داود» و«جمره» وحاشیه‌های یزدی وسیف در بیشتر جاهاهست. درصفحهٔ عنوان دارد«خطائی حاشیهٔ برمختصر وملاعبدالله حاشیهٔ برخطائی» .

۲۰ (همهٔ دفتر ۱۲۳گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد مقوا وگردآن میشن

اندازه : ۱۰ × ۱۸ و ۵ × ۱۱ س ۱۸

[۱۶۷۰] حاشیهٔ نحوی (عربی)

این دفتر که در نسخهٔ ما آغاز آن نیست و گمنام و بی‌نام میباشد حاشیه‌ایست بر کتابی در نحو که فهرست بابهای آن چنین است :

[۱۹۷۱]

این نسخه ش ۲ دفتراست و بخط نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف – ۹ ب – ۲۷ ب. پیش از آن در ش ۱ گ ۱ ب – ۷ ب پاره‌ایست از کتاب فقهی دراعتکاف بهمین خط و پس‌ازآنهم در ش ۳ گ ۲۸ الف – ۴۳ ب پاره‌ای ازکتابی فقهی درباره کفن ونماز مرده بنسخ. ۱۱۶۵

(همهٔ دفتر ۱۰۴گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج آریاکی

اندازه : ۱۲×۲۰ و ۷×۱۵/۵ س ۲۰

[۱۶۷۲] الحج والزیارة (رسالة ...) (عربی)

این رساله دربارهٔ حج و زیارت است وگویا از همان نگارندهٔ رسالهٔ تولانیه باشد.

آغاز : بسمله . الحمدلله علی سوابغ نعمه الغزار والسلام علی نبیه محمدالمختار وآله الاطهار – فهذه جملة تشتمل علی مالابد منه من بیان مناسك حج بیت‌الله الحرام وزیارة رسوله وآله . وضعتها علی سبیل الاختصار بالتماس خلاصة بعض الاخوان الاخیار . . وهی موضوعة علی مقدمة وفصول

انجام : فمن زارهم رغبة فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کانت ائمتهم شفعائهم یوم القیمة ولیکن هذا آخر رساله والحمدلله رب العالمین .

[۱۹۷۲]

این نسخه ش۲ دفتر است و بهمان خط ش۱ ... با عنوانها ... است. در گ ۷۰ ب در هامش ... با عنوان «فائده» افزوده شده و در پایان دارد «هذه الفائدة ... المصنف ...» در پایان دارد «تمت الرساله فی الیوم السابع عشر من شهر شعبان المعظم سنه خمس و الف من الهجرة النبویه» گ ۶۵ ب – ۷۳ ب. ۱۱۶۳

[۱۶۷۳] حدیقه (فارسی)

این منظومه از ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی (۴۳۷ – نزدیك ۵۴۵) میباشد و بهترین چاپ آن همانستکه آقای مدرس رضوی درتهران بسال ۱۳۲۹

کرده‌اند . و برای شناختن آن بدیباچهٔ همین چاپ میتوان نگریست (نیز ریحانةالادب ۲: ۲۳۰).

آغاز :

ای درون پرور برون آرای　　وی خرد بخش بیخرد بخشای
خالق و رازق زمین و زمان　　حافظ و ناصر مکین و مکان　　۵

انجام :

شد تمام این کتاب در مه دی　　که در آذر فکند این را پی
پانصد و سی (بیست) و چهار رفته ز عام
پانصد و سی (بیست) و پنج گشت تمام
باد بر مصطفی درود و سلام　　ابدالدهر صد هزاران عام　　۱۰
صدهزاران ثنا چو آب زلال　　از رهی باد برمحمد و آل

[۱۹۷۳]

۱۰۶۶ این نسخه بخط نستعلیق است و با عنوانهای شنگرف و در جدول زرین و شنگرف ودرصفحهٔ نخستین میان سطرها زراندود میباشد سرلوحی دارد بزر وشنگرف ولاجورد . کتاب در ۵ ب ــ ۳۴٤ الف . در گ ۵ الف دارد «بمعرفت ملامحمد ابتاع شد» و «دردارالخلافهٔ تهران بمبلغ سه‌تومان ابتیاع کرده‌ام شهر ذیحجهٔ ۱۳٤۳ خلیل بن... سلطانی» (بامداد نوشته شده) و « حدیقهٔ سنائی ۱۰۰ ریال »- این نسخه را آقای اسماعیل اتحادیه بآقای مشکوة هدیه کرده و ایشان دراین کتابخانه گذارده‌اند .　　۱۵

(۳۴۷گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج سبز معوالی درون آراسته بزر و بیرون زرکوب ودررویهٔ آن درهرسوی سه بار بزر چنین نوشته شده : « امید شفاعت زمحمد ناصر » .　　۲۰
اندازه : ۱۰×۱۷/۵ و ۵/۵×۱۲ س ۱۷

[۱۶۷٤]　　حقائق جمیع الارکان　　(عربی)

نگارندهٔ این نامه دردیباچه میگوید که من درجوانی بپاره‌ای ازرازهای نماز برخورده بودم و برای یکی از یارانم نامه‌ای دراین زمینه بپارسی نوشته‌ام　　۲۵

سپس در هنگامیکه بشام میخواستم بروم و بتبریز گذشتم رساله‌ای در « حقائق الاصول الخمسة التی هی مبانی الاسلام » از یکی از دانشمندان تبریز بدیدم و خودم هم بنکته‌هائی برخوردم که در آن یاد نشده و کسی هم نگفته بود این بود که من در راه حجاز « قصیدة فی مناسك الحج » بسرودم و در بازگشت بآذربایگان که رسیدم این « الرسالة المعربة عن حقائق جمیع الارکان » را در یك مقدمه و پنج فصل و یك خاتمه نگاشته‌ام ـ نگارنده مانا سنی است و روشی عرفانی و فلسفی هم بکار برده است .

چنین است فهرست این رساله : مقدمه در دو مطلع (وجه بناء الاسلام علی الخمس ـ بیان الاصطلاحات) فصل نخستین : الحقیقة الاولی من الخمس (الشهادتان) . فصل دوم : اقام الصلوة . فصل سوم : ایتاء الزکوة . فصل چهارم : صوم رمضان . فصل پنجم : الحج . خاتمه : نصیحة المحب .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی هدانا بنعمة الاسلام و اصطفانا من بین عباده بالاکرام و بنی علی الاصول الخمسة فاشرفنا به من الانعام . . . و بعد فانی عثرت فی بعض خلواتی عند اخضرار نباتی علی حقائق اوضاع الصلوة فاملیت بالعجمیة فیها رسالة لبعض رفقائی فی طریق النجوة .

انجام : عفیف النفس لا عن الاموال و الاسباب و الشهوات و اللذات لا بالتعفیف والتبصیل بل بالاعراض عنها والله اعلم بالصواب .

[۱۹۷٤]

این نسخه ش ۳ دفتر است و نسخ روشن با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . گ ٤۲ ب ـ ٦۳ الف .

۱۱٦٤

[۱٦۷٥] **الحکمة المتعالیة** (عربی)

فی الاسفار الاربعة العقلیة

همان نگارش صدرای شیرازیست که در ص ۲٥۲ همین فهرست شناخته‌ایم

بسم الله الرحمن الرحيم

گ ۱ ب آغاز الحکمة المعالیة ش ۱۱۷۰

(ذریعه ۲:۰٦ و ۷:۵۹) میرزای جلوه و ملااسماعیل سپاهانی و میرزامحمدرضای قمشهی و ملاعبدالله زنوزی و پسرش آقاعلی مدرس تبریزی و ملاعلی نوری و میرزا محمود قمی و سید محمد مشکات بیرجندی و حاجی ملاهادی سبزواری برآن حاشیه نوشتند (ذریعه ٦:۱۹۰).

[۱۹۷۵]

۱۱۷۰ این نسخه بخش سوم است و بخط نسخ و حاشیه‌ها دارد بخط نستعلیق و عنوانها و نشانه‌ها در آن بشنگرف میباشد. مهدی حسینی اعرجی فریدنی متن را در شبی از شبهای دهۀ نخستین صفر ۱۲۷٦ و حاشیه‌ها را در روز ۳ ج ۱۲۸۰/۲ بپایان برده است.

(۱٦۳گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد ندارد

اندازه ۱۸ . ۳۰ و ٦ ۱۸/۵ س ۳۳

... تم الکتاب المستطاب بعون الله الملک الوهاب علی ید
اقل السادات والطلاب العبد الخاطی مهدی الحسینی الاعرجی ...

ش ۱٦٤ الف پایان الحاشیه المتعالیه ۱۱۷۰

[۱٦۷٦] [illegible] (فارسی)

قطب الدین عبدالحی بن عزالدین امامی امری حسینی لاری پس از نگارش ... و ... در نجوم و سراج السالکین در اعمال ... داشت ... این نامه پرداخت و در آن مقدمه‌ای دارای دوازده فصل و دوازده باب و یک خاتمه گذارده است. او این را در زمان «شاه عباس صفوی حسینی» و بنام امام قلیخان

وامیرابوالحسن نوشته (پایان) و آزمودهٔ خودرا درستاره شناسی درآن آورد .
درآن‌از کتابهای دانشمندان یاد شده‌است . جدول جایگاه ستارگان ثابت بسال
۱۰۴۲ برابر با ۱۰۰۲ یزدگردی درآن‌آمده (گ ۹۸ ب) واز‌روز دوشنبه ۱۲
ذی‌قعدهٔ ۱۰۳۶ هم یادگشته است (۹۰ الف) آقامحمد ناظر متصدی لار دربارهٔ
اینکه خواجه عبدالجواد مروستی درآنجا فرمانروا شده است پرسشی کرده ۵
که درآن دیده میشود (۸۹ ب) جدول میل وعرض و دیگر جدولهای نجومی
درآن هست . (۹۶-۱۰۲) .

فهرست : مقدمه دربیان مسائل که واجب است قبل‌از شروع دردوازده
فصل (پرسنده وپرسیده وراه پرسش - آمدن چند تن یکجانزد ستاره شناس -
آزمایش- درستی‌درآوردن‌ضمیر- یافتن‌دلیل‌ضمیر- یافتن‌ضمیر- قاعده کل‌یافتن ۱۰
ضمیر- منسوبات‌دوازده‌بیت- نشانه‌های‌فرجام کار-یافتن‌وروا‌شدن‌نیاز-رواشدن
نیاز - یافتن خبی) بابها روی بیتها و برجهای دوازده‌گانه نهاده شده و خانمه
درمسئله‌های پراکندهٔ ستاره شماری‌است . این کتاب درست‌مانند مسائل‌قصرانی
ساخته شده‌است نسخه‌ای ازاین درمجلس هست (۲:۹۳ ش۱۷۲) ودرذریعه هم
ازآن یادگشت (۷:۷٤) ونگارندهٔ آن‌عبدالحی‌وعبدالحسین‌هردو خوانده‌شد(۱). ۱۵

آغاز : بسمله . بعدالحمدلله سبحانه (و) الصلوات‌علی نبیه‌وولیه . برار باب
خبرت پوشیده نماناد که . . . قطب‌الدین عبدالحی‌الحسینی چون از تألیف کتاب
« حل وعقد نجوم » وتصنیف کتاب « سراج‌السالکین » دراعتقاد فارغ شد یکی
ارفضلا . تأکید نمود برتألیف رسائل و... فرمودند خلق زمان ازاکابر وغیره
دراین‌اوقات بیشتردرطالع مسئله‌بجهت سوانح حالات پرسش‌مینمایند‌بنابراین ... ۲۰
این کتاب را بحل‌المسائل موسوم ساخت و برمقدمه و دوازده باب و خانمه
ترتیب داد .

۱- بنگرید به ص۸۸۳و۹۱۹همین فهرست . سرگذشت مصلح‌الدین بن صلاح بن
جلال بن کمال بن محمد لاری انصاری سعدی عبادی شافعی م ۹۸۹ شارح هیئت قوشچی
که درآنجا یاد شده درفهرست ستوری ص ۱۱٦ هست. ۲۵

انجام : امید که چون بنظر اصلاح رسد خطا و زلل آن بذیل الطاف عام بپوشند .

[۱۹۷۶]

۱۱۱۴ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق در پایان چلیپا با عنوانها و نشانه‌ها ورقمها وجدولها بشنگرف که محمد حسین بن حاجی شمس الدین محمد بن حاجی محمدعلی آرانی در سپاهان درروز دوشنبه ۲۵ صفر ۱۰۵۷ آنرا بانجام رساند . گ ۲ ب ــ ۱۰۳ ب . در ۱ ب ــ ۲ الف چند قاعده‌ایست درستاره‌شماری . در ۱۰۴ الف ــ ۱۰۵ ب هم چند قاعده‌ایست درستاره شناسی وستاره شماری ازمولانا علیشاه خوارزمی و ازلباب‌الحکمه (ازموزهرمس) و ازحسین فارسی محاسب وجاهای دیگر.

۱ ش ۱ درمیانه کم وکاست دارد . از برگ ۷٤ نمی افتاده است . شش برگ نخستین ویانزدهم تازه است . محمداسمعیل ستاره شناس فرزند مالك محمدگلپایگانی شیرازی درربیع یکم ۱۱۸۹ ودیگری در ۱۱۹۲ دارندهٔ نسخه بوده‌اند (گ ۱۰۹ ب) .

(همهٔ دفتر ۱۰۰۳۱) ــ کاغذ سمرقندی ــ تیماج سرح سادهٔ مقوالی

اندازه : ۸٫ ۱۹ و ۴ ۱۴ س ۲۱

[۱۶۷۷] ۱۵ حل الموجز (عربی)

جمال الدین محمد بن محمد آقسرائی ۷۷۹ در این دفتر موجز القانون ابن النفیس علاء الدین ابو الحسن علی بن ابی الحزم قرشی ۶۸۷ را گزارش نمود . در آن جز از قانون و کامل و حاوی و نگارشهای نجیب الدین سمرقندی و مانند اینها نیاورد و خود آنرا « حل الموجز » نامیده است (۱) متن پس از قال و گزارش

۲۰ پس از اقول آمده است .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی افضل انبیائه محمد و آله اجمعین . اما بعد فان الطب علم شریف لشرف موضوعه و وثاقة دلائله وشدة الحاجة الیه . فلذلك صرفت معظم زمنی تحصیلی الیه وقرأت المختصرات

۱ ــ بنگرید به : فهرست دانشکده پزشکی ص ۱۷۰ ـ ۱۷۳ ــ همین فهرست ص ۸۱۱

۲۵ فهرست آقای دکتر مهدوی ص ۱۹۵ ــ فهرست فنوانی ص ۲۰۸ .

المشهورة فيه علي والدی وطالعت اكثرما بلغني من المطولات وما اكتفيت بما اكتفي به المعاصرون من الاطباء وهو القدر الذی به يمعيشون وبواسطه الی الملوك ينقربون بل حققت قواعده علي وجه يوافق الاصول الحكميه وكان من جملة ماقرأت عليه موجز القانون للحكيم المحقق ابی الحسن القرشي المعروف بابن النفيس فاردت ان اشرحه لمافيه من المشكلات افادة للطلاب . ۵

انجام وفی العسل والسكر اربع مثقال والله اعلم (بتحقيق الحال واليه المرجع والمآل) قال الشارح (الشيخ الفاضل جمال الدين) هذا آخرما سمحت به قريحتی القريحه وفطن الجريحة من شرح موجز القانون وقد وقع الشروع فيه والتمام فی احوال يصير بها الذهن كليلا والقلب عليلا والمرجو من الناظر فيه اصلاح ماوقع فيه من الخطايا احسانا والله تعالی يجازيه روحا وريحانا) والحمد لله تعالی والمنة) ۱۰

[۱۹۷۷]

۱۱۲۸ این نسخه نسخ با عنوانهای شنگرف درمتن وهامش و با حاشیه هائی از شرحهای قانون مانند سدیدی وقرشی وجغمینی وابن الماثه وجز اینها بنسخ ریز و یا بنستعلیق ودر گ ۲ الف و ، حاشیه است با «منه رحمه الله» ودرجاهای دیگر. نسخه ما در باب ۳ درورمها وبثور وجذام ودواء دردرمان « دمله وخراج » بدین عبارت ۱۵
« قال : العلاج استفراغ المادة والحمية . مع لعاب الخردل مفتر جميع ذلك فی دهن» پایان میبابد در گ ۱ الف -۲ الف جدولی است درباره داروها و بیماریهائیکه با آنها درمان میشود

(۲۳۵ گ) - کاغذ ترمه - جلد ندارد ۲۰
اندازه : ۱۶/۵ - ۲۷ ۹/۵ ۱۷ ، ۳۱

[۱۹۷۸]

۱۱۸۲ این نسخه نسخ و عنوانها شنگرف ومتن زیر خط سرخ میباشد و حاشیه‌ها دارد با نشانهٔ « قطب ، منهاج ، نفیس ، منه رحمه الله »

حاج اسماعیل در« رداران سرای عینی معموره بسال ۱۱۶۳ دارندهٔ نسخه بوده است ۲۵
(۲ ب) مهر او « بندهٔ رب جلیل اسماعیل » هم هست همچنین خط و مهر دارندگان

نسخه سید عبدالقادر ومحمدصالح حسنی ومحمدهادی طبیب . کتاب : ۳ب ــ ۱۸۷ ب .
(۱۸۹ ــ۳ر) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۸ ۳٦ و ۱۰×۱۷ س ۳٦

[۱٦۷۸] الخطب (کتاب...) (عربی)

شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی بحرانی (م ۱۱۳۵) این خطبه‌ها را برای دو خطبهٔ نماز آدینه و خطبه‌های غدیر و سوگواری بر حسین ع در سالهای ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۵ و پیش از ۱۱۲۸ ساخته و در برخی از خطبه‌های آدینه از شاه سلطانحسین بهادر خان و شاه‌صفی قلیخان نام برده و بستوده‌است و بسیاری از آنها تاریخ دارد . (ذریعه ۱۸٤:۷ روضات ۳٦۳) .

آغاز . هذه الخطب انشاء رئیس المحدثین و عمدة المحققین و زبدة المدققین الشیخ الاواه عبدالله بن صالح السماهیجی البحرانی . بسمله الحمدلله الذی ابتدع الموجودات بقدرته القاهرة الازلیة واخترع المخاوفات بمشیئته الباهرة السرمدیة .

انجام واذل انداده و ندوانا نحن محمد و آل الطاهرین .

[۱۹۷۹]

این نسخه نسخ ... و نشانه‌ها شنگرف میباشد وار عنوان خطبه‌ها ... نوشته شده است . بسیاری ازجاها سفید گذارده شده و کم دارد .

۴۷۵ ــ۳ر ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه‌دار مقوائی
اندازه ۱۰/۵ ۱۵/۵ و ٦ ۱۰ س ۱۰

[۱٦۷۹] ... (عربی)

این نامه از شیخ بهائی است ... در ص ۸۸٤ شناسانده شده است .

آغاز : بسمله . نحمدك یامن لا یحیط بجمیع نعمه عدد .

انجام ... و ... الیك والله حفظ علیك .

[١٩٨٠]

١١١٩ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ معرب با عنوانها ورقمهای شنگرف که طهماسبقلی در ۱۰۵۰ برای خود نوشته است . حاشیه‌های «منه رحمه‌الله» دارد بنستعلیق .
در گ ۹ الف دارد : «قد انتقل الی الکتاب . محمد جعفر بن میرزا ابو القاسم ۱۲۷۲» .
گ ۹ الف ــ ٤۲ الف (بنگرید به ۱۱۱۹/۱) . ٥

[١٦٨٠] خمس (رساله در احکام ...) (فارسی)

در این نامه در چند بحث از خمس کاوش گردید .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خلق الاشیاء بقدرته و اجری الاحکام بین عباده بقضائه و قدره . . . این رسالهٔ مختصریست در بیان احکام خمس که مقرر فرموده است آنرا خداوند عالم بعوض زکوة از برای حضرت رسول و اولاد ١٠ وذریهٔ طاهرین او .

انجام نسخهٔ ما : چنانچه احوط اگر نباشد اقوی این است که رجوع نماید (سلطان) (بند ٤ فصل ۲ مبحث سوم در انفال) .

[١٩٨١]

١٥ ١١٩٦ این نسخه ش ۲ دفتر و بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف و باید از همان شهریاری باشد و کمبود دارد . گ ۸۳ الف ــ ۱۰۲ ب .

[١٦٨١] الدر المنتخب من التقریب (عربی)

و شرح المکتسب

المکتسب فی صناعة الذهب دفتریست کیمیائی که جلدکی در غایة السرور ودیگر نوشته‌های خود از آن بسیار بستود و گویا از ابو القاسم عراقی باشد مانا ٢٠ همان حکیم ابو القاسم احمد بن محمد معروف بخروشاه عراقی سیماوی نگارندهٔ عیون الحقائق و ایضاح الطرائق (ص ۱۰۰۹ همین فهرست ــ چلبی ۳۱۸:۱ و ۲ :

۱٤٤و۵۱۱ ـ سیگل ص۳۰) جلدکی آنرا بنام «نهایةالطلب فی شرح المکتسب»
گزارش نمود و این را چلبی گویا دیده ولی با گزارش دیگر او براین کتاب
که همین نسخهٔ ما باشد یکی پنداشت با اینکه نهایه بنوشتهٔ او دارای سه سفر
هریکی دارای مقدمه ومقالات وخاتمه است واین کتاب دارای مقدمه و دوازده
۵ باب ویك خاتمه است او درآغاز همین گزارش میگوید که نگارندهٔ مکتسب نام
خود را نهفته داشت و دانسته نشد که او کیست . چلبی نیز میگوید که من هم
سرگذشت او را جائی ندیده‌ام و در پشت نسخه‌ای خوانده‌ام که از شیخ علامه
ابوالقاسم عراقی است . جلدکی این الدرالمنتخب را ازالتقریب فی اسرارالترکیب
۱۰ خود وازشرح مکتسب آنهم ماناازخوداو (همان نهایةالطلب) گزین نموده است
وروی همین بود که چلبی آندورا ازهم بازنشناخته است .

جلدکی دراین گزارش بندهای متن را پس‌از « قال‌الشیخ » وسخنان خودرا
پس‌از « الشرح » میآورد .

جلدکی درباب دوم پس‌از یاد کردن سخن عراقی درمتن که شش فلز یك
۱ گوهرند و تمام و نفس دارند ودر کیف باهم ناسازگارند نه در گوهرمیگوید
که ابن سینا هریکی‌ازآنهارا گوهری جداگانه پنداشته که نمیتوانند بیکدیگر
برگردند آنگاه مینویسد که شهید نورالدین طغرائی درحقائق‌الاستشهاد بدان
پاسخ گفته و نوشته که بگواهی شفا ابن سینا دراین‌باره ودربارهٔ کانها وپایداری
جان پس‌از تن سرگشته‌است مانندجالینوس‌در بارهٔ جان وروان . بیشترفیلسوفان
۲ اینگونه انقلاب‌فلزات رانپذیرفتندوحنین بن‌اسحق‌هم همان‌سخن ابن سینا را دارد
وابومحمدبن حزم آنرا جادو و پندارداننسته ونادرست . ابن تیمیه گفته که میشود
فلزی برنگ فلزدیگردرآید ولی‌پس‌از هفتادسال برمیگردد .

جلدکی دراینجا سخن آنهائی را که انقلاب رانمی‌پذیرند رد میکند تا اینکه
مینویسد که من کتابی از ابن سینا در بارهٔ همین هنر دیدم که درآن راست را

دروغ ونادرست را درست پنداشته‌است وبرهان هم نیاورد وانقلاب‌را نپذیرفت.
سپس او بسخنان ابن سینا وحنین‌بن اسحاق دریکی‌ازرساله‌های خود وابن‌حزم
وابن تیمیه درهمینجا پاسخ گفته است (۱).

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدلله تعالی عن‌العلل والمعلولات و تقدس
عن لوازم‌الاجساد والمتحیزات وتنزه ان تحیط به‌العقول والادراکات . . . و بعد ۵
فانه بتوفیق من‌الله تعالی لمااطلعت علی کلام‌المتقدمین وفهمت عبارات‌المتأخرین
وتفرجت فی بساتین کتب‌الاساطین و نظرت فی‌شرح شذورالذهب واعجبنی‌شرح
المکتسب‌فاردت‌اختصاره‌لتسهیل مراجعته‌للحکیم ویقرب من‌فهم‌من‌ارادالتعلیم...
ورتبته علی مقدمة واثنی عشر باباً وخاتمة . . . وسمیته بالدرالمنتخب من‌التقریب
وشرح‌المکتسب ... قال (الحکیم‌المحقق‌والنحریرالمدقق‌الامام) ایدمربن‌علی‌بن ۱۰
ایدمرالجلدکی (تغمده‌الله برحمته واسکنه فسیح جنته) اعلم‌ان من‌المفترض علینا
فی عقولنا کتمان هذاالعلم وتحریم اذاعته‌لغیرالمستحق من بنی‌نوعناوان‌لایکتمه
عن اهله .

۱– سخن ابن‌خلدون درمقدمه (فصل ۲۳و۲۶ باب ۶) برمیآید که دارایی چون
تهیدست بود کیمیا را درست میپنداشت ولی ابن‌سینا که وزیربوده است وتوانگرآنرا ۱۵
دروغ میدانست . خود ابن‌خلدون هم این هنر راکردار روانی نیکان و برگزیدگان
وبا جادو وچشم‌بندی بدکاران میداند نه هنری طبیعی بلکه مینویسد که فرجام‌خواندن
نوشته‌های کیمیاگران جز نومیدی نخواهد بود . او از خرده‌گیری طغرائی از سخن
ابن‌سیناهم یاد میکند .

ابن سینا گرچه در «رسالة فی‌مستورعلم‌الصنعة» و «الصنعة‌الی‌الامام ابی‌عبدالله ۲۰
البرقی» آنرا پذیرفت ولی در «رسالة ابطال احکام‌النجوم» و فصل ۵ فن ۵ طبیعی
شفا آنرا تباه دانست .

ابوریحان بیرونی درالجماهر (ص ۸۰) درآنجا که از یاقوت یاد میکند سخن
طبیعیان را دراینکه یاقوت بتدریج ازرنگی برنگی دیگر میرسد وزرهم نخست جیوه
وکبریت بوده سپس ارزیز ومس وسرب وسیم شده تااینکه برنگ زرین درآمده‌است ۲۵
مانند مردمی که از سگی و خرسی و بوزینگی درآمده و ساخت خودگرفته است
یاد نمود .

انجام : قال الامام والرصاصان ينفعان العين الفشفة ويقويان الناظر وهو صحيح ... فهذه هي القوى التي اشار اليها الشيخ انها تقوي الناظر يعني انها تناسب العين وتوجب فيها قوة وزيادة منفعة . والسلام .

[۱۹۸۲]

۵ ۱۱۷۸ این نسخه ش ٤ دفتر و بنستعلیق با عنوانها نسخ یا نستعلیق ودرشت‌تر بسیاه یا شنگرف و با نشانه‌های شنگرف میباشد پاره‌ای از عنوانهای مطلبها در بالای صفحه هم هست . حاشیهٔ با نشانهٔ «محمد نصیر» هم دارد . در پایان دارد : «تم فی شهر ربیع الثانی ۱۸۸ (۱۰۸۸) تم تم تم » گ ۱۳٦ ب – ۱۹٦ ب .

[۱٦۸۲] درر الفرائد فی شرح الفرائد (عربی)

۱۰ آخوند خراسانی محمد کاظم بن حسین طوسی (۲۰ ذی حجهٔ ۱۳۲۹) بر رسائل یا فرائد الاصول شیخ مرتضی انصاری شوشتری (س ۱۷۰۸ همین فهرست) در نجف این حاشیه را نوشته است (ذریعه ٦ : ۱٦۰ و ۸ : ۱۳۲) و آن در بارهٔ مباحث ظن و برائت و استصحاب و تعادل و تراجیح میباشد و تاریخ نگارش او را در شناسائی نسخه می‌بینیم و این نخستین حاشیهٔ او نیست که بچاپ نرسیده و بهترین حاشیه‌ها است

۱۵ بلکه حاشیهٔ دوم است که در تهران در ۱۳۱۹ با چند رسالهٔ دیگر چاپ شده است و حاشیهٔ بربخش استصحاب آن در نسخهٔ ما نیست .

[۱۹۸۳]

۱۱۷۳ این نسخه بخط نستعلیق و عنوانها و پاره‌های متن پیرایه زیر خط گذارده شده است و آنچه از آقای مشکوة در برگ ۱ الف نوشته‌اند نسخهٔ دست

۲۰ آخوند خراسانی این حاشیه را در روز آدینهٔ دههٔ یکم ج ۲/۱۲۹۵ در نجف و همهٔ آن را در روز آدینهٔ دههٔ سوم ذی‌حجهٔ ۱۲۹۸ بانجام رسانده . گ ۲ الف – ۱۲۱ ب .

(۳۳ س) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوایی

اندازه ۱۲/۵ × ۱۹ و ۸ × ۱۴/۵ س ۱۹

[۱٦٨٣] درمان اسب (فارسی)

دراین نامه ازدرمان بیماریهای اسب دفتگو شده و برای سلطان سنجر بنگارش درآمده است . درآن افسوس وتعویذ هم هست .

آغاز : بسمله رب یسرو یختم بالخیر الحمدلله رب العالمین ... این نسخه ایست درباب معالجات اسب و این نسخه را بجهت مطالعهٔ سلطان اعظم سلطان سعید سلطان سنجر ابن ملکشاه انارالله برهانه تصنیف کرده بوده اند که پیوسته برلفظ مبارك آن حضرت چنین رفتی که «اسب نیك نیکویاریست مرد را درهمه وقت ودرهمه جا بکار آید »

انجام : علاجش اینست که سنك مقناطیس برسر زخم بندند تا پیکان را بیرون آرد(تمام شد نسخهٔ معالجات اسب والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب)

[۱۹٨٤]

۲۲۹ این نسخه ش۲ دفتر است و بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف . گ۲۷۳ب ــ ۲۷۷ ب (بنگرید به فهرست آقای منزوی ۲۸۰:۲) در ۱ الف دارد « الله حسبی من کتب ابی بکر بن رستم بن احمد الشروانی » .

[۱٦٨٤] دفع الغم من الموت (عربی)

این نامه همانستکه در ص ٦٦۱ شناخته ایم همانکه از ابن سینا پنداشته اند ورساله ۱٥ بخش ۲ رسائل اخوان صفا هم درهمین باره است .

[۱۹٨٥]

۱۱۱۳ این نسخه ش ۱۰ دفتر است و بهمانخط ش ۱ و چنین است انجام آن : « اکثر من مائة الف رجل واحسب کل من فی العصر کذلك . . . لیعلم له الارض لا سعهم قیاماً متواصبین فکیف قعوداً ومنصرفین ولا بقی » و کم دارد . گ ۹٥ ب ــ ۹۹ ب .

[۱۶۸۵] دفع المناواة عن التفضيل والمساواة (عربی)

مجتهد مفتی امیر سید حسین بن سید ضیاء الدین ابی تراب حسن بن سید ابی جعفر محمد موسوی کرکی عاملی قزوینی اردبیلی دخترزادهٔ محقق شیخ نورالدین ابوالحسن علی بن الحسین بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰ بیش از ۷۰ سال) و جانشین او نزد فرمانروایان بوده و پس از مردن او در روزگار طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) مفتی و قاضی شده است. او درمیان عربها مشهور بوده و از هرراهی از دائی خویش « شیخ عبدالعالی بن محقق شیخ علی کرکی » برتری داشت و مردی شیوا بوده است.

نویسندگان او را در سجلات ارقام و دفاتر احکام «خاتم المجتهدین» و در توقیعات « سید المحققین و سند المحققین وارث علوم الانبیاء والمرسلین خاتم المجتهدین » می نوشته‌اند؛ اگرچه دانشمندان زمان این را نمی‌پذیرفتند. این کرکی جز قاضی امیر حسین دیگریست که نسخهٔ فقه رضوی را آشکار بداشت.

از اوست: رفع البدعة فی حل المتعة - النفحات الصمدیة فی اجوبة المسائل الاحمدیة - النفحات القدسیة فی اجوبة المسائل الطبریة - سیادة الاشراف که در آن روشن بداشت که فرزندان دختری هاشم هم سیدند و برتر از دیگران - اللمعة الدمشقیة فی عینیة صلوة الجمعة - الرسالة الطهماسیة فی الامامة - رسالة فی جواب من سأله عن نجاسة اهل الخلاف - دعامة الخلاف فی الحکم بکفر عامة اهل الخلاف - رسالة فی تعیین قاتل الخلیفة الثانی - رسالة فی تحقیق معنی السید و السیادة - فی ایمان ابی طالب - و چندین رساله و کتاب دیگر.

از نام این کتابها اندیشه و پندار او بخوبی پیداست او کتاب اجازات دارد و برخی از آنها اجازهٔ دائی او همان شیخ عبدالعالی و پسرخالهٔ او سید داماد و شیخ بهائی میباشد که در آن کتاب دیده میشود گویند که شاه اسماعیل دوم که بروش سنت و جماعت میگرائید و با میرزا مخدوم شریفی همنشین بوده است بنفرین او شبی ناگهان در گذشت.

او این دفع‌المساواه را بنام «سلطان ابوالمظفر شاه طهماسب صفوی» ساخته ودر آن روشن بداشت که امیرمؤمنان علی باپیامبر برابراست جزدرپیامبری ولی ازهمهٔ پیامبران دیگر برترمیباشد واینکه امامان دیگر باهمدیگر و باپیامبران دیگر چه نسبتی دارند.

۵ این کتاب او در ٤ ربیع یکم ۹٥۹ بپایان رسید (روضات ـ مستدرك ـ ذریعه) نوری نسخه‌ای از آن را داشت که مجلسی بر آن اجازه نوشته بود و تهرانی از نسخه‌ای یاد میکند که محمدبن علی نیونی در دههٔ سوم ربیع دوم ۹٦۲ آنرا نوشته بود. امینی میگوید که من نسخه‌ای از آن درلاهیجان دیده‌ام که کرکی آنرامانند برخی از کتابهای دیگرخود بنام «سلطان احمد خان» حسینی گیلانی

۱۰ شاه گیلان (م بغداد ۱۰۰۹) درربیع یکم ۹٥۹ ساخته بود و نسخه‌ای دیگراز آن دارم که دیباچهٔ آن بنام «شاه طهماسب» است ـ این کاردسواری نیست چه او خود دیباچه را دیگرگون ساخته است نسخه ماهم بنام تهماسب است

این دانشمند درفروین بسال ۱۰۰۱ بطاعون درگذشت وجسدش را بعراق برده‌اند (۱)

۱٥ باری اودراین کتاب ازنوشته‌های سنی وشیعی بهره برده و بسیار از آنها آورد وازروایت بصدوق خاتم علی ازسرالعالمین غزالی (۲) و بصابیح‌الملوك او

۱ـ بنگرید به: عالم آرا ص۱۰۹ـ روضات ص۱۸٦ـ رساله فی تحقیق‌الکتاب المعروف بفقه‌الرضا از میرزا محمد هاشم خوانساری سپاهانی چهارسوقی چاپ شدهٔ با مبانی‌الاصول در۱۳۱۷ ص ۲۰ـ۲۱ـ مستدرك ص ۳٥٤ـ ذریعه ۸ ۲۳۲ـ فرهنگ

۲۰ دهخدا در «احمدخان گیلانی» ص ۱٤۲٦

۲ـ این کتاب بگواهی خودآن ازغزالی نیست کتابی بنام اثبات‌الوصیة ازعلامهٔ حلی با دیباچهٔ محمد هادی امینی در نجف بی تاریخ چاپ شده درخودآن الحجج‌القویه فی اثبات‌الوصیه نامیده شده و آنهم ازحلی نیست چه درآن ص۱۰ اززین‌الدین علی بن یونس ساطی بیاضی م ۸۷۷ وصراط‌المستقیم او نوشتهٔ ۸٥٤ (ذریعه۱: ۱۱۱ و۲٦٥.٦)

۲٥ و ص ۲۳ ازابن‌العودی شاگرد شهید یادگردیده . درآن (ص ۱۳ و ۲۹) این کتاب رساله حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

انجام : ولنحبس هٰهنا علی عنان‌القلم و ان هذا مضمار واسع لایدرك غوره . . . ولعلك اذن تستخرج منه بنصب منافخ‌الروية واشعال نار .

(۳۱۸۹ط) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد سادهٔ مقوائی

اندازه : ۱۴´ ۱۹/۵ ــ ۵´۷٫ ۱۲/۵ س ۱۷

[۱۶۸۶] الذخيرة الباقية فی المسائل الجبلية الثانية (عربی)

این نامه درسی مسئله و پاسخهاایست از سید عبدالله شوشتری (م ۱۱۷۳) به‌ سید علی نهاوندی بروجردی در برابر پرسشهائی که نوشته و برای اوفرستاده بود و پس‌از « انوارجلیه » (ص ۲۱۴۴ همین فهرست) درپسین روز یکشنبه ۱۷ شعبان ۱۱۵۱ بنگارش درآمده است . پرسشها و پاسخها بپارسی یا تازی است و در فقه و فلسفه وعرفان واخبار . (ذریعه ۸:۲ و ۴۲۴ و ۲۱۷:۵ و۱۰:۱۵) .

آغاز : الحمدلله‌الذی فرض طلب‌العلم علی کل مسلم و مسلمة و جعل حامليه ادلاء‌الهدی فی دیجور الجهالات‌المظلمة ... وبعدفیقول ... عبدالله‌بن نورالدین‌بن نعمةالله‌الموسوی . . قد خدمت فیما مضی حضرة . . . السیدعلی‌العلوی‌النهاوندی الاصل‌البروجردی‌المسکن ... بما تیسر من اجوبة مسائله‌العلية فی رسالةالانوار الجلیه‌فی‌جوابات‌المسائل‌الجبلية...ثم‌انه . ارسل‌بمسائل‌اخر...فی کتاب‌یطلب‌الجواب عنها فبادرت الی امتثال امره . . . وسمیته‌الذخیرة‌الباقیة فی‌المسائل‌الجبلیة الثانیة

[۱۹۸۷]

این نامه تن ۳ در [illegible] است و بهمانگونه خط تن ۲ و احمد بن محمد بن نورالدین بن نعمة‌الله [illegible] موسوی برادرزادهٔ نگارنده در محرم ۱۱۷۷ درشوشتر آنرا نوشته است . [illegible] ۸۶ پ ـ ۸۷ الف فهرست مطلبها است و نیمه کاره گذارده شده و [illegible] ۸۸ پ [illegible] ۱۴۴ [illegible] آن [illegible] این شماره از ۱ تا ۵۷ برگشماری شده است .

ام لا انه كان نبيا قبل النبوة وكيف كان فلا بيان في ذلك فيما ورد من الروايات وقد تقدم بعض
منها في المسائل المتقدمة ان الصلوة انما فرضت ليلة الاسراء لوجوه احدها احتمال ان تكون الصلوة
قبل الاسراء غير واجبة وانما كان يأتي بها تطوعا ولا ينافي هذا حديث الشاة قبيل المذكور آنفا اذ يحتمل ان
يكون المراد وهي اول صلوة فرضها الله عند ما فرض الصلوات والمراد فيما انها فرضت اذ ذاك الثاني
احتمال ان تكون الصلوة قبل الاسراء واجبة عليه خاصة ويكون المفروض ليلة الاسراء عموم التكليف بها
الثالث احتمال ان تكون قبل ذلك واجبة على وجه العموم لكنه لم يكن مأمورا بالدعوة اليها الا عشيرته
الاقربين وانما وقع الامر بالدعوة العامة ليلة المعراج وفي بعض الروايات ارشاد الى هذا الوجه الرابع
احتمال ان يكون وجوبها قبل الاسراء على وجه الاجمال من دون تعيين اعدادها واوقاتها وتشديد التكليف
بها وبيان فضلها وعقاب تاركها ونحو ذلك ثم بين تفاصيل ذلك في المعراج وفي الاخبار ما يرشد
الى هذا الوجه ايضا والمتامل الدقيق يهتدي لوجوه اخر غير ما ذكرناه والتوفيق نسأل الله التوفيق والهداية
ونعوذ به من الخذلان والغواية ونبتهل اليه ان يغفر لنا ما قدمناه من الخطيئة والاسراف في النفس
وان يبارك لنا بمعونته وتأييده ويجعل يومنا خيرا من الامس وان يفعل ذلك بوالدينا وبسائر من
وجب حقه علينا من اهل الايمان خصوصا سيدنا الاجل الانبل الاكمل الافضل الذي قلما يسمح بمثله
الزمان لا زال محفوظا مصونا ومن المكاره محروسا مأمونا وهذا آخر الكلام في اجوبة هذه المسائل
التي لم يكن المسؤول بها اعلم من السائل مع ترادف الاشغال ووفور البلبال وتزاحم الهموم
وتراكم الغموم على العموم وقلة البضاعة وكثرة الاضاعة وقلة الاستطاعة فمهما كان من خطأ او زلل
فرجائي اصلاحه من السيد الاجل وكتب الفقير الحقير المذنب عمره في التفريط والتقصير عبد الله بن نور الدين
بن نعمة الله بن عبد الله الحسيني الموسوي الجزائري اصلا التستري موطنا غفر الله ذنوبه وستر عيوبه في اصيل
يوم الاحد سابع عشر شهر شعبان المعظم من السنة الحادية والخمسين بعد المائة والالف حامدا لله مصليا
ومسلما على رسوله الامين واهل بيته الطاهرين الاكرمين قد وقع الفراغ من كتابته بيد الفقير الى الله الغني احمد
بن محمد بن نور الدين بن نعمة الله الحسيني الموسوي في شهر محرم الحرام من شهور السنة السابعة والسبعين
ومائة والالف في بلدة تستر حميت
عن الآفات والحدثان حامدا لله مصليا تماما

[۱۶۸۷] رسائل اخوان صفا (عربی)

درهمین فهرست (ص ۳٤٥ و ٤۲۰) ازسر گذشت « اخوان صفا » که انجمنی نهانی و دشمن با دستگاه فرمانروائی بیگانهٔ زمان خود بنیادگذارده بودند اندکی آورده‌ام (۱) دراینجاهمین‌اندازه میگویم که این‌رساله‌ها گذشته ازاینکه

۱ــ اخوان صفا که از مردم ایران بوده‌اند خواسته‌اند میان فلسفه و شریعت آشتی دهند وازاین راه رخنه‌ای دراندیشه و پندار اشعری دستگاه فرمانروائی بیگانهٔ تازی افکنند.چنانکه‌ابوسلیمان محمدبن بهرام منطقی سیستانی همین نکته را دریافته و با بوحیان توحیدی شیرازی و ابوالعباس بخاری دو شاگرد خود گفته بود.مگراینکه این دانشمند سیستانی چنین روش‌آنان را نپذیرفت و از آن نکوهید اگرچه از سخنان او و ابوحیان درسراسر امتاع و مؤانسه و مقابسات پیداست که هردو آنها ازاندیشه و پندارآنان بیگانه نبودند وگویا ازترس نمیتوانستند خودرا همکاروهمرأی باآنان نشان دهند.

این گونه روش وکار راگویا اخوان صفا آغاز نکرده بودند بلکه ازگفتگوی ابوسلیمان محمدبن معشر بستی مقدسی یکی از اخوان صفا و حریری غلام ابن‌طراره برمیآید که پیش‌ازآنها کسانی بودند که میخواستند میان فلسفه و شریعت آشتی دهند مگر اینکه کاری از پیش نبردند و نومید ماندند . از آنها بود ابوزید احمدبن سهل بلخی شامستیانی‌فیلسوف جاحظ‌خراسان (۲۳٤ــ۳۲۲) که‌باین کار پرداخت وزندیق‌هم شده واز پادشاه خراسان نیز پیروی کرده بود همچنین ابوتمام نیشابوری که ازگروه شیعی باری بود و بمطرف‌بن محمد وزیر مرداویز گیلی پناه برد . نیز ابوالحسن محمدبن‌یوسف عامری خراسانی (م ۳۸۱) شاگرد ابوزید بلخی که اورا‌ملحد وفیلسوف میخواندند و هراسان و ترسان از شهری بشهری میگریخت وگاهی بتودهٔ مردم پناه میبرد و گاه بیاد یاری اسلام می‌نوشت وگاهی‌هم بسپهدار نشابور وگاهی بابن‌العمید (م ۳٦۰) پناهنده میگشت . این سه دانشمند ازاین‌کار سودی نبردند و بآنچه میخواستند نرسیدند (امتاع و مؤانسه ۱:٤ ۲۳ــ نیز فهرست نامهای هرسه جلد آن و مقابسات . الحکمة‌الخالدة ص ۳٤۷) .

این هم گفته شود که فارابی نیز دراین روش کمی از اخوان صفا نداشت وگذشته از رشته‌ها و بخشهای دیگر فلسفه که بسیار در آنها با ایشان نزدیک است درسیاست

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

فرزانگان اسماعیلی بدانها ارج می‌نهادند دانشمندان شیعی هم آنها را چندان
بی‌ارزش نمیدانستند. صدرای شیرازی درنگارشهای خود ازسخنان آنان گواه
آورده و شاگردش فیض کاشانی درفهرست نوشته‌های خویش گزینی از همین
رسائل را یکی از نگارشهای خودخوانده و چنین گفت «انتخاب رسائل اخوان الصفا
وخلان الوفا الاحدی والخمسین فی تهذیب النفس واصلاح الاخلاص من کلام الصوفیة» ۵

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش
و کشورداری هم چنانکه از «مبادی آراء اهل المدینة الفاضلة» و «تحصیل السعادة»
ودیگر نگارشهای اوآشکاراست و ابن‌رشد نیز بدین گواهی داده مانند همانها پندار
ایرانیان باستان واندیشهٔ فلسفی یونانی وآئین شیعی‌را باهم بیامیخت (ص۶۵۵و۷۶۳
همین‌فهرست) پس میتوان گفت که اخوان صفا ازسخنان اووبلخی ونیشابوری وعامری ۱۰
بهره بردند ودفترخویش را نگاشتند.

ازهمهٔ اینها پیداست که مردم ایران وبویژه آنها که یکی ازآئینهای شیعی مانند
زیدی واسماعیلی واثناعشری را داشته‌اند دربنیادگذاردن این انجمن فرهنگی نهانی
کمك بوده‌اند. شاید بتوان گفت که اسماعیلیان مصروایران ازاینگونه اندیشه وپندار
بیشتر بهره‌مند شدند وتاریخ گواهستکه پیروان سنت ودانشمندان دربارهٔ تازی چه‌اندازه ۱۵
باین گروه و دوستاران آنها شکنج و رنج رواداشته و نکوهشها کرده‌اند. نمونهٔ
خرده‌گیری آنها را درسخن همین حریری هم میبینیم که میگوید روش اخوان صفا را
آنها که باطن وظاهرمیگویند واز اسلام می‌نکوهند (قداحین) و هجریان (قرمطیها)
وآشوبگران قزوین که مردم شهرهارا بسوی خود خوانده‌اند پذیرفته‌اند. این را هم
میدانیم که مشکویهٔ رازی وابن‌سینا وبیشتردانشمندانیکه درنوشته‌های توحیدی‌ازآنها ۲۰
یادشده‌است وهمهٔ فیلسوفان اسلام تابرسد بخواجهٔ طوسی که بدست اودستگاه تازیان
دربغداد برچیده شده بلکه همهٔ فیلسوفان شیعی همین روش را داشته‌اند.

این‌است نمونه‌ای ازسرگذشت سیاسی این گروه نهانی که شایسته‌است بیش‌ازاینها
دربارهٔ آن سخن گفت.

ازکتابهای سودمند که دربارهٔ انجمنهای نهانی خاور وباختر مانند اخوان صفا ۲۵
نوشته شده «تاریخ الجمعیات السریة والحرکات الهدامة» محمدعبدالله عنان (چاپ۱۹۲۶
مصر) و LesSociétés secrètes de l'antiquité à nos jours
از J.HeronLepper(چاپ۱۹۳۶ پاریس Payot) و les Sociétés Secrètes
en Chine از B. Favre (چاپ ۱۹۳۳ پاریس) میباشد.

نوادهٔ برادری او نورالدین محمد کاشانی (فهرست نامهای همین فهرست) هم در برخی از نگارشهای خود از اخوان صفا یاد کرده است (ص ٥٠٢) .

دانشمند حکیم سیف‌الدین مظفر حسین کاشی که با صدرای شیرازی و میرفندرسکی گفتگوی علمی داشته بود (١) هم از این رسائل گزین کرده ودر آغاز آن چنین نوشت . « هذا ما جمعه مظفر حسین بن امین‌الدین محمد الکاشانی من رسائل اخوان الصفا استخرج منها ما اشتمل علی الفوائد واسقط ما فیها من الزوائد کتب منها المهمات و حذف عنها المکررات . استغنیت بهذه المجموعة عن جمیع ما فی رسائلها لانی وجدت فیها کما وجدت فی کلها مع ان استنباط الاصول والمقاصد منها ایسر واسهل و الظفر علی حل المشکلات والمرموزات بمطالعتها انمو اکمل . فان المطولات الزائدة کالمختصرات القاصرة فی طرفی الافراط والتفریط فی اداء المعانی والمقاصد فخذ الاوسط فان خیر الامور اوسطها » (٢) .

آغاز بسمله . وبه الحول والقوة الحمد لله الذی لا یحسن الاشیاء الا ان یکون

١- پرسش و پاسخی که میان او و شیرازی و کاشانی شده در ص ١٧٩ و ١٩١ یاد گردید . در عالم آرا (ص ٧٥٣) آمده که او پزشک در باری بوده ودر چهل و یکمین سال پادشاهی عباس صفوی در [illegible] بسال ١٠٣٦ درگذشت . پسر او [illegible] پزشک [illegible] بوده ودر باری پدر [illegible] او را هم [illegible] کرده است .

٢ [illegible] از این گزیده [illegible] ص ١٩ ج ١ [illegible] ص ٣٢٩ ج ٤ چاپ مصر است [illegible] پس از این پاره‌هائی از شجرة الهیة شهرزوری و کتاب الابحاث [illegible] نوشته شده سپس [illegible] جوامع المقالات الثلث لافلاطون فی النوامیس [illegible] است و عنوان مطلبها در هامش آمده و با اندازهٔ [illegible] در آغاز نسخه (گ ٤ الف) [illegible] هم جماعة علماء اجتمعوا [illegible] رضی الله [illegible] اجمعین وهم ابوالحسن علی بن [illegible] والعلاء [illegible] والمقدسی وابو سلیمان [illegible] زوزنی [illegible] و ابوالحسن [illegible] والاصدقاء الکرام حشرهم الله فی [illegible] محمد بن منصور بن صدر الحسنی [illegible] کاشانی [illegible]

بدوها حمده و کل ناطق و ساکت فهوعبده‌الذی تاهت‌الالباب فی عظمته و کلت عقول اهل معرفته عند مشاهدته من عز جبروته وصلی‌الله علی‌المنتخب من خلقه من خیرته محمدالنبی وعترته . اعلم انه لماکان من مذهبی طالبی‌العلم (النظر فی جمیع‌علوم‌الموجودات‌التی‌فی‌العالم‌من‌الجواهر‌والاعراض‌والبسائط‌والمرکبات .ـ مانند چاپی) ۵

انجام : فانتبه یا اخی من نومة‌الغفلة ورقدة‌الجهالة . (چنانکه در کلیشه دیده میشود) .

[۱۹۸۸]

۱۱۵۵ این نسخه بسیار با کمتر نسخ‌درشت با عنوانهای درشت برونسنگرف‌است که محمدبن‌محمدبن‌بهاءالدین‌انصاری‌هوی‌روز۱۸شعبان ۹۶۸ در قاهره نوشته ۱۰ آن‌را با انجام‌رسانده چنانکه‌دیده‌ایم‌در برخی‌از کتابهاشمارهٔ‌رساله‌های اخوان صفا پنجاه و یك‌دانسته شده‌ودرنسخهٔ ماهم۵۱است برخلاف چاپی که۵۲ است چه‌اینکه ریاضیات آن که‌درچاپی ۱۴ رساله‌است دراین نسخه۱۳است وابهام‌برای اینستکه «باری‌ارمینیاس» رسالهٔ جدائی بشمار نیامده و با قیاس آمیخته شده وگویا کسی درآن دست برده و باید این رسالهٔ جداگانه‌ای باشد چنانکه درچاپی آمده‌است . دراین نسخهٔ ما «صورة‌الارض ۱۵ والاقالیم» چهارم‌است وموسیقی پنجم بعکس آنچه که درچاپی دیده‌میشود درطبیعیات و عقلیات این نسخه با چاپی درشمارهٔ رساله‌ها جدائی ندارد . در الهیات هم همان یازده شماره‌را دارد مگر اینکه ترتیب آن باچاپی یکسان نیست و بدینگونه است : ۱ـ الاراء والمذاهب . ۲ـ ماهیة‌الطریق الی‌الله . ۳ـ کیفیة عشرة اخوان‌الصفا ۴ـ ماهیة‌الناموس‌الالهیة ۵ـ کیفیة‌الدعوة‌الی‌الله ۶ـ کیفیة‌افعال‌العارفین ۷ـ انواع ۲۰ السیاسات ۸ـ کیفیة نضدالعالم ۹ـ بیان اعتقاد اخوان‌الصفا ۱۰ـ ماهیة‌الایمان وخصال‌المؤمنین ۱۱ـ ماهیة‌السحر والعزائم .

این نسخه درمتن هم در بسیاری از جاها با چاپی یکسان نیست و فهرست آغاز چاپی هم درآن دیده نمیشود چنانکه خطبهٔ آغازآن درچاپی نیامده است .

در۱الف فهرست۵۱ کتاب است وخود کتاب در۱ب ـ۴۳۰ب‌میباشد.یك برگ ۲۵ درآغاز افزوده هست که بشمار نیامده‌است ازبرگ ۲۷۸ تاپایان درجدول شنگرف ولاجورد است فرهاد‌میرزا دارندهٔ نسخه بوده وخط او وتاریخ روزیکشنبه ۱۲ شعبان ۱۲۶۵ دربرگ۴۳۰ ب هست . عبدالله‌بن عبدالقادرساوجبلاغی مکری چنانکه درهمینجا

دردفتر ش ١١٢٩ چند رسالهٔ پزشکی است که اکنون میشناسیم :

١ـ رسالهٔ خجندیه که در نه فصل میباشد و فصل یکم آن در نسخهٔ ما نیست وچنین است دیگر فصلها :

الفصل ٢ فی قوانین العلاج وهو ثلثة انواع : التدبیر والعلاج بالدواء واعمال الید .

الفصل ٣ فی نصوص هی کالفصوص .

الفصل ٤ فی القوانین الکلیة للاستفراغ .

الفصل ٥ فی القوانین الجزئیة للاستفراغ

الفصل ٦ فی قواعد تبدیل المزاج .

الفصل ٧ فی تدبیر الناقه علی وجه کلی .

الفصل ٨ فی احکام البحران .

الفصل ٩ فی اختیارات نجومیة

آغاز نسخه ما : المتخذ سریع الانهضام ویجب ان یراعی العادة فی جمیع الاحوال وخصوصاً فی امر الغذا (بخش پایان فصل یکم)

انجام وانما یعمل بهذه الاختیارات عند اتساع الوقت وحصول التمکن من بعدها . ولیکن هذا آخر کلامنا فی هذا المختصر فمن حفظه فهو حقیق بالاصابة فی اعماله وبالتحقیق فی افعاله . وصلی الله علی محمد رسوله وآله الطیبین الطاهرین . تمت الرسالة الشریفة الخجندیة فی شهر جمادی الاولی سنة ١٠٠٥ الف وخمس فی بلدة اصفهان صانها الله تعالی اعلاه عن حدوث الحدثان (٢ب، ١ الف ـ ٤ ب)

٢ـ ... ... فخر الدین ... ابی نصر خجندی ... من کتاب القانون ... در فهرست فاضلیه ... ٧٩٢ ... (ص ٤٥٩/٢) از ... الدین ... خجندی ... است

فهرست آن چنین است

المقدمة فی تحقیق معنی الفرق ، المقالة الاولی تشتمل علی خمسة فصول
تتضمن ثمانیة و عشرون فرقاً یتعلق باحوال یعرض لاجزاء الراس ، المقالة الثانیة
فی فروق بین احوال و امراض یعرض لآلات التنفس و فیها ثلثة فصول ، المقالة
الثالثة فی فروق بین احوال و امراض یعرض للآلات الطبیعیة تشتمل علی اربعة
فصول ، المقالة الرابعة تشتمل علی ثلثة فصول (امراض لایختص بعضو ، والقروح ۵
والاورام ، واحوال النافهین) ، المقالة الخامسة تشتمل علی فصلین (احوال النبض
واحوال البول) .

آغاز . الرسالة فی الفروق للعلامة الخجندی . بسمله . الحمدلله الذی هدانا
وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله و نشکره علی ما اسبغ منه (و) نعمه و اولانا و نشهد بو
حدانیته سراً و اعلانا و نرجو من فائض رحمته عفوانا اما بعد فانی لما رأیت اطباء الزمان ۱۰
لایعرفون من الامراض الا ما تصوروه عن الکتب بدلائله واسبابه .

انجام . و ایضاً بما یتبع کل واحد من المداولین من الاعراض الخاصة بهما .
تمت الرسالة فی وقت الظهر فی یوم الاربعاء السادس والعشرین من اول الجمادیین
سنة ۱۰۰۵ بید کاتبها وهو محمد بن مؤید الطبیب فی دار السلطنة اصفهان (گ
۵ الف - ۱۴ ب) . ۱۵

۳ رسالهٔ موسیقی فخرالدین خجندی که در آن عبارت « وینبغی ان یعلم
ان فی النبض طبیعة موسیقاریة موجودة ... و جالینوس یری ... وانا استعظم ... »
از فصل ۱ جملهٔ ۱ درس از تعلیم ۳ فن ۱ کتاب ۱ از قانون شیخ ص ۱۲۵ ج ۱
چاپ مصر گزارش شده و از یکی از گزارشگران خرده گیری گشت و در آن
از امام علامه یاد گردید و روشن شد که میان پزشکی درشناخت نبض و میان ۲۰
موسیقی چه پیوندی است .

آغاز . رسالة فی الموسیقی للفاضل المتبحر فخر الحق والدین الخجندی
رحمة الله علیه . بسمله . بعد الحمد والصلوة علی نبیه محمد و آله ؛ اقول لما کانت
النسبة الموسیقیة نوعاً مخصوصاً من النسب ، والطبیعة النوعیة لا تتحصل فی الاشخاص

آغاز : بسمله . هذا كتاب الافتراق والاتفاق تأليف الفقيه الاجل العالم

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

الباب ٦ فی ذکر من زاد ومن نقص فی الترياق (گ ٢٣ ب) .

الباب ٧ فی كيفية تركيبه من كلام جالينوس (گ ٢٤ ب) .

الباب ٨ فی تركيبه من كلام المتأخرين (٢٧ الف) .

الباب ٩ فی كيفية تركيب الاندروخورون ومقدار ما يستعمل فيه (٢٧ ب) .

الباب ١٠ فی صفة اقراص العنصل (٢٩ الف) .

الباب ١١ فی كيفية عمل اقراص الافاعی (٣٠ الف) .

الباب ١٢ فی وصف الحيات وذكر اجناسها ولحومها (٣٤ الف) .

الباب ١٣ فی ماهية ادوية المفردة وقواها واغراضها ومنافعها وصفاتها وهيآتها وطعومها وروايحها واختيار الجيد منها واشكالها ومواضعها ووقت اختيارها بطريق كلی (٣٦ الف) .

الباب ١٤ فی الكلام علی كل واحد ادوية المفردة وماهيته ومزاجه وطعمه ورائحته وقوته وفعله ومنفعته وشكله وموضعه واختياره ووقت اختياره بطريق جزئی (٣٧ الف) (در اینجا داروها بترتیب ابجدی شناسانده شده و سخنان پزشکان در آن آمده است و در بسیاری از جاها برمز (ح) جالینوس را میخواهد) .

الباب ١٥ فی الابدال لما يبدل من ادوية عند فقده (٨٥ الف) (داروها بی ترتیب یاد گردید) .

الباب ١٦ فی الخلاف والغلط الواقع فی مفرداته وذكر ما يغلط به ويغش (٨٧ الف) (اینجا نیز در یاد کردن داروها ترتیبی نیست) .

الباب ١٧ فی ذكر ما وقع فيه من الاختلاف فی تركيبه وكيف وقع ومن خالف فيه (٩٢ الف) (در اینجا نام دانشمندان برمز یاد شد) .

الباب ١٨ فيما وقع من الناس فيه فی تركيبه من الغلط وكيف وقع (٩٣ الف) .

الباب ١٩ فی ذكر سبب وقوع الغلط فی الترياق والخلاف فيه وكيف وقع (٩٣ ب) .

الباب ٢٠ فی تعليل وضع مفرداته (٩٤ الف) .

الباب ٢١ فی تعليل اوزان ادوية الترياق (٩٨ ب) .

الباب ٢٢ فی صفة امتحانه ومعرفة ما هو الفاضل منه وكمية طريق اختياره واللون المطلوب فيه (١٠٠ ب) .

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

وآله اجمعین . فرغ من کتابته العبدالمذنب المحتاج غفران ربه الصمد ابن مؤید سالک الدین محمدالحموی فی لیلة الثلثا حاد یعشر جمادی الاول سنة خمس والف ببلدة اصفهان صانها الله تعالی اهله من الوباء والطاعون (۱۱۱ الف - ۱۱۳ ب).

۷- رسالة فی الفحم از خجندی که گزارشی است برعبارتی ازقانون.

۵ آغاز: رسالة فی الفحم للعلامة الخجندی رحمة الله علیه. بسمله. الحمدلله رب العالمین وصلوته علی محمد خیرالنبی وبعد قد التمس منی بعض المخلصین ان احل عقد کلام الشیخ الرئیس رحمة الله علیه فی فساد الشهوة فبادرت الی ماالتمس مستعیناً بالله تعالی. قال الشیخ: اذاجتمع فی المعدة خلط ردی مخالف للمعتاد ... بل الفحم والتراب والجص واشیاء من هذا القبیل.

۱۰ **انجام**: وابن یدل علی کلیة الشرطیة مع اهمال المهملة الکلیة ایضاولایحتاج الی ذکرهافر بمارشد الهادی فکر فی سیاق کلامه. هذاماسنح لی فی هذا الموضع وانه ولی التوفیق (تمت المقالة فی سنة ۱۰۰۵) (۱۱۳ ب - ۱۱۴ الف).

۸- مختصر فی صناعة الطب که برای نوآموزان نوشته شده و جز اصول ترکیب الادویة نجم الدین محمود شیرازی فندی از «خمسة نجمیات» (ش۱ ص۲۳۶ فاضلیه)

۱۵ میباشد ودر دو بخش است بدینگونه:

القسم الاول فی اصول ترکیب الادویة واستخراج صنائع المرکبات و تحقیق الاوزان والمکائیل وما یناسبها و ذکر احکام المریاق - القسم الثانی فی دستورات صحیحة لم یشاب احد من العقلاء فی صحته (و کل منها یشتمل علی فصول).

آغاز: بسمله. نحمدالله علی ما هدانا سبیل الرشاد و اوضح علینا سنن -

۲۰ الاسترشاد . . . وبعد فهذا مختصر فی صناعة الطب الفته لبعض المتعلمین و اودعته فوائد غریبة و فرائد عجیبة لم یوجد فی اکثر الکتب المصنفة فی هذا الفن وجعلته قسمین منفصلین

انجام الفصل ۹ (من القسم الاول) فی قانون تحویل وزن الدراهم الی وزن المثاقیل وتحویلها الی الدراهم هذا تمام الکلام فی تحویل الاوزان وانما

۱- انموذج‌العلوم بتازی که ده مسئلهٔ است و در ص ۱۵۸ همین فهرست

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش
وزوراء وحاشیه شرح‌چغمینی و حاشیهٔ شمسیه و حاشیهٔ تهذیب دوانی ردنوشت ومیان
حواشی پدرخود ودوانی برشرح تجرید وشرح عضدی محاکمه نمود .
دوانی حاشیهٔ بزرگ‌زورا را بدرخواست شیخ شرف‌الدین حسن فتال و حاشیهٔ ۵
کوچك را در پاسخ ملاقطب‌الدین محیوی انصاری که برعبارتی از خطبهٔ آن خرده
گرفته بودنوشت(مجالس‌سرگذشت دوانی وغیاث) .
دوانی‌دردیباچهٔ انموذج‌العلوم استادان خودراچنین‌یاد میکند :
۱- پدر او سعدالدین اسعد صدیقی دوانی که محدث جامع مرشدی‌کازرون
بوده است درادب وفقه وحدیث و تفسیر وعقلیات،واو خود شاگرد اینان بوده درحدیث ۱۰
وتفسیر:یکی شرف‌الدین عبدالرحیم صدیقی جرهی (از گره که دیهی است درشیراز)
شاگرد خواجه شیخ علی بن مبارکشاه صدیقی ساوی،دیگر شمس‌الدین محمدبن محمد
جزری درحدیث بویژه صحیح بخاری، دیگر جمال‌الدین محمود بن صباح ابی‌الفتح
سروستانی درفقه واین سروستانی حاوی صغیررا نزد لسان‌الدین نوح سمنانی وپدرش
مولی اختیارالدین لقمان وآندو آنرا نزد جمال‌الدین محمد قزوینی و او نزد پدرش ۱۵
نجم‌الدین عبدالغفار قزوینی مصنف شاگرد ابی‌القاسم محمدبن عبدالکریم رافعی
خوانده است،دیگر زین‌الدین شریف علی‌گرگانی درفلسفه که پدرش آنرا ازمشایخ
دیگرهم‌آموخت .
۲- صفی‌الدین عبدالرحمن حسینی ایجی‌که دوانی همهٔ اربعین نووی را نزدش
خواند وایجی‌حدیث قاضی حن را باوزبانی اجازه داد . ۲۰
۳- مظهرالدین محمدکازرونی که دوانی نیمی از « محررالفقه » را نزد وی
خوانده واجازهٔ زبانی‌ازوی‌گرفت . این کازرونی‌درفلسفه شاگردسیدشریف ودرحدیث
وتفسیر شاگرد مجدالدین ابی‌طاهرمحمدبن یعقوب فیروزآبادی وشمس‌الدین محمدبن
محمد جزری بوده است .
۴- شهاب‌الاسلام ابوالمجدعبدالله بن میمون کرمانی‌گیلی درحدیث وازاواجازهٔ ۲۵
ملفوظ مکتوب‌گرفت واوخودعوارف را ازشیخ نورالدین‌عبدالرحمن قزوینی‌باخواندن
زین‌الدین ابوبکرخوافی شنیده است .
۵- رکن‌الدین روزبهان بقلی شیرازی که دوانی درباك نشست اربعین نووی را
دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

انجام : هذا آخر ما قصدت ایراده فی هذه الرسالة . جعلته انموذجا لتلك العلوم . فلینظر فیه الاذکیاء بعین الارتضاء مجانباً للفساد و المراء (و آخر دعوانا ان) الحمد لله رب العالمین و صلواته و سلامه علی خیر خلقه محمد و آله (وصحبه اجمعین) م. (اندکی از عبارت برای اینکه کاغذ را موریانه خورده از میان رفت و بقرینه خوانده و در میان دو کمانه گذارده ام) (۱۱۴۷/۲ گ ۹ ب - ۳۳ الف) . ۵

۲- تفسیر آیهٔ « قال آمنت . . من المسلمین » بعربی و دوانی بدرخواست کسی این آیه را دومین بار تفسیر نموده و در آن از ایمان و کفر فرعون گفتگو کرده است .

آغاز : الحمد لله قابل التوبة اذا تاب لاسیما یفرح بتوبته کما ورد عن سید الاحباب .. امابعد فقد سألنی من اجابته علی فرض عین . . . سلالة السلف الطاهر ۱۰ الجناب الفاخر ذوالعزة و الدین روحه الله روحه فی العالمین ان اکتب علی قوله « قال انه لااله الاالذی آمنت به بنو اسرائیل و انا من المسلمین » فاجبته علی ذلك فی غابر الزمان حسب ماظهر من غیر تقلید ثم عن لی اشیاء من فیض موالی الحمید فاجبت الزیادة

انجام و هذا القائل یقول بعدم سعة رحمة الله و یقنط عباده و یحکم و یحبسهم ۱۵ من روح الله و لایایس من روح الله الاالقوم الکافرون (الحمد لله علی تمام الرسالة المنسوبة الی جلال الملة و الدین الدوانی رحمه الله) (۱۱۴۹/۳۶ گ ۲۶۸ الف - ۲۶۹ ب) .

۳- «خلق الاعمال» بعربی (ش ۱۱۴۹/۱۸) که در هنگام سفر و بدرخواست سعدالدین محمد استرابادی در کاشان نگاشته است (ص ۲۵۹ همین فهرست) ۲۰ تهرانی در ذریعه (۵ ۸۲) بنام « الجبر و الاختیار » از همین رساله (مانند نسخهٔ ما) و از دوانی یاد کرد و در جای دیگر آن (۲۶۰۲) از «افعال العباد» دوانی یاد کرده و گفته که آن در « کلمات المحققین » سال ۱۳۱۵ (ص ۱۵۶ - ۱۶۰) بچاپ رسیده است. در جای دیگر (۷ ۲۴۳) از همین دو بنام «خلق الافعال» از دوانی یاد نمود

وآندورا دورسالهٔ جداگانه دانست. گویا نسخهٔ خطی که دیده بود و پیداست که
دیباچهٔ نسخهٔ ما را که در چاپی نیامده داشته است با نسخه چاپی نسنجیده و پنداشت
که دو رساله است با اینکه یکی بیش نیست. تازه دوانی دراین رساله روش
اشعری دارد وچنین نگارش اورا نباید درشمارهٔ نوشته‌های شیعی آورد

٥ درفهرست طوس (٣٢:١ ش ١١٣) از رسالهٔ «جبر و اختیار» فارسی دوانی
که گویا برای غیاث‌الدین نوشته است یاد شده و آن جز رسالهٔ ما است بازدر آن
(١٢٧:٤) از خلق اعمال دوانی (مانند همین نسخهٔ ما) یاد شده است (١).

٤ - الرسالة الخلخالیه بعربی و دوانی دراین رساله از گفتار فقیهان دربارهٔ
اندازهٔ شرف زن که خلخال دو سست درهمی یا صد درهمی است یاد نمود وسخن
١٠ خود را هم آورد و گفتهٔ اوزاعی را دراینکه شرف در دسته‌های گوناگون
یکسان نیست.

آغاز: بسمله. اعلموا ایها الطلاب وفقکم الله لنیل الصواب انه قد شاع (٢) مثل
اکثر الفقهاء حد الشرف فی المرأة بخلخال وزنه مائتا درهم ومثله بعضهم بخلخال
وزنه مائة درهم

١٥ ١ - [illegible] رساله [illegible] یادی
نگاشته است (فهرست تاریخ ٢٠ ج ٢ ١٢٢٧) [illegible]
[illegible] سلطان
[illegible] ٢٥ ، ١٢٧ ٢
[illegible]

٢ - [illegible] العلامة الدوانی .
[illegible] مسئلة
[illegible] (٢) [illegible] العلامة و بالله
[illegible]
[illegible]

٣ - [illegible]
[illegible]

انجام : فلذلك اختل الاحکام وضعف مراسم الاسلام (تمت الرسالة الخلخالیة لمولانا جلال الدوانی) (۱۱٤۹/۳۵ گ ۲٦۸ الف) .

۵ـ صیحه وصدا بفارسی که در ص ٤۷۲ همین فهرست آنرا شناخته‌ایم .

آغاز : بسمله . (وبه نستعین) سبحانك سبحانك انت انت تعالیت عن مداناة الاشباه والامثال . انت کما انت تقدست عن محاکاة الوهم والخیال . انت کما اثنیت علی نفسك تنزهت (عن) ان یحیط بمحامدك دائرة المقال ... (وبعد) برادر طریقی ودوست حقیقی فخر القبایل وذخر الاوایل ... التماس نمود تا تذکرهٔ بعضی از سوانح وقت درین جزو ثبت رود ... و مقصود این رساله بعد از تمهید این مقدمه برسبیل قرع العصابه صیحه (واحدة) و چند صدا سمت ادا یافته .

انجام : پس ملاك امر (در) دین مبین وطریق مستبین تسلیم وانقیاد است فلا وربك لایؤمنون ... ویسلموا تسلیما. اللهم وفقنا لاتباع حبیبك فی الفعل والقول والعمل . . بحق حماك علیه و حقه عندك و بحق من له عندك رتبة من الاولیاء والصدیقین والشهداء والصالحین اللهم صل و سلم علیه و علیهم اجمعین (تمت ش ۱۰۲۱/۱۱ گ ۷٦ الف ـ ۸۱ الف) (وسلم تسلیماً کثیراً طیبا مبارکا فیه . م . ش ۱۱٤۷/۱۰ گ ۱۱۸ ب ـ ۱۲٤ الف)

٦ـ رسالهٔ عرض بفارسی که شوشتری درمجالس المؤمنین در بارهٔ آن گفته « رساله‌ایکه درعرض لشکر سلطـان مذکور درحوالی بنـد امیر شیراز نوشته ودرآنجا رعایت حسن عبارت بجاآورده» پیش از این او از «سلطان خلیل بایندری وحسن بیك »(۱) یاد کرده است پس بگفتهٔ او باید این رساله در بارهٔ سان دیدن خلیل باشد با آنکه از خود در رساله برمیآید که در بارهٔ سانی که بهادرخان سلطان ابوالنصر

۱ـ دوانی در رسالهٔ دیوان مظالم (ش ۱۰۲۱/٦ گ ۳۹ ص ٦٦۲ همین فهرست) هم از سلطان ابوالنصر حسن بیك بهادرخان (انارالله برهانه) مانند درگذشته و همچنین از پادشاه بزرك یعقوب بیك خان (احله الله فرادیس الجنان) یاد کرده و نوشته که آنها دادگر بوده‌اند و حسن هرهفته‌ای دوروز دردیوان مظالم می نشست وکارکنان او این روزرا «روز دیوان بزه مسکین» مینامیدند .

دردو نسخهٔ ۱۰۲۱/٤و۱۱٤۷/۱۲ جای نام شاه سفید گذارده شده است .

دراین رساله از «کلمهٔ توحید» از رهگذر لغوی وفلسفی و عرفانی کاوش شده و در آن دو مقام است نخستین در مباحث علم رسمی در دو موقف(مباحث لغوی ـ مباحث عقلی در سه مسلك متکلمان و حکیمان و اشراقیان) دومی در کشف حقایق شهودی در دو موقف (حقایق توحید در سه مرتبه ـ لطایف توحید) (فهرست فاضلیه س ۲۸ ش ۵۱/۲) .

آغاز . (رساله فی کلمة التوحید لمولانا جلال الدین الدوانی قدس سره ـ گوشهٔ بالائی راست گ ۱۲۸ ب ش ۱۱٤۷/۱۲ بنستعلیق خوش شنگرف و باید از نویسندهٔ نسخه باشد)

بسمله (والاعتصام بکرمه العمیم) آفتاب جمال قدم از آن متعالی است که خفافیش ظلمت سرای حدوث نظر کامل فکر و نظر مطالعه سبحات انوار آن توانند نمود ..

انجام در مرتبهٔ ثالثه بعد ار شعور (شعوری)(بوحدت) حقیقی ذاتی کما بدا کم تعودون منه بدا و الیه یعود کل شیء انتهی ثم بحمدالله وحسن توفیقه م ـ۱۱٤۷/۱۲ـ گ ۱۲۸ ب ۱٤۳ الف (کما بدا کم تعودون والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب تم بحمدالله وحسن توفیقه جمادی الآخر سنهٔ ۹۲۹ ش ۱۰۲۱/٤ گ ۲۲ ب ـ ۳۳ الف) (نیز نسخه ای که در دفتر ۱۰٤٦ هست .. س ۷٤ ج ۱ فهرست آقای منزوی)

۸ـ گزارش ما انا النقطة تحت الباء بفارسی که روی سایه های نسخه و سبك نگارش ماند از دوانی باشد

در آن از پاسخ پرسش کمیل از امیر مؤمنان در بارهٔ حقیقت یاد شده است (۱۱٤ الف) .

آغاز . بسمله . الحمدلله مقدس الکلام والصلوة علی محمد و آله وسلم . دی بك ناگاه از عراق وفاق بر سرحد بسط و استنطاق رقمی از عربی رسید

مشعر باستکشاف معنی « اناالنقطة تحت الباء » (جای این عبارت در نسخهٔ ماسفید گذارده شده و همچنین در برخی از جاهای دیگر و از نگریستن بسراسر نسخه برمیآید که این رساله در گزارش این عبارت است که ازعلی ع پنداشته‌اند گرچه دررساله ازاو نامی برده نشد).

انجام : وجهی چند درطی این حروف و عبارت سحر آفرین مدرج است . آنچه الحالة هذه برجریدهٔ شاعر ثبت بود صورت تحریر یافت تاطالبان هوشمندرا ازمائدهٔ زمان ماحضری باشد . بیت .

ز قند سخن پخت حلوا کمال   ببیند یاران که چون آمده است

والحمدلله رب العالمین . تمت و آلاء ربها عمت (۱۰۲۱/۱٤ گ ۱۱۲ ب - ۱۱٦ ب) .

۹- گزارش بیتی ازدیوان حافظ بفارسی که باانک کی جدائی در آغاز همانست که در ص ٤۵۲ (ش ۱۰٤٦/۱۹) شناسانده شده است در آن چهار مقدمه و یك فذلك است .

آغاز بسمله . (وبه نستعین فی التتمیم) لك الحمد اللهم ملهم الصواب و علی نبیك الاواب الصلوة المستجاب والسلام المستطاب وعلی اتباعه من الال و الاصحاب. وبعد (امابعد) کلمهٔ چند در تبیین معنی [illegible] از اشعار لسان الوقت حافظ شیرازی رحمه‌الله برحسب المعانی بعضی از اخوان صفا و خلان وفا .. بیت

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت   آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد

انجام [illegible] مطلب و [illegible] و [illegible] اهلان ادراك غوامض [illegible] و [illegible] و [illegible] جدال و [illegible] و [illegible] سوق اشرار (ن :) [illegible]

اقول [illegible]   [illegible] وما بالعهد من خال

اللهم [illegible] اجمناه والحمدلله [illegible] والصلوة والسلام [illegible] (یزدی)

گزارش بیتی ازحافظ است بنسخ ش ۷ ودرش ۹ گزارش غزلی از حافظ است بهمان نسخ با حاشیه‌های لغوی بنستعلیق و عنوانهای مطلبها درهامش بهمان خط حاشیه . درش۱۰ سیتجه و صدا است باهمان نسخ و با عنوانهای شنگرف و با حاشیهٔ نستعلیق . درش۱۱ گزارش بیتی از گلشن راز است بهمان نسخ باعنوان مطلبها بنستعلیق درهامش. در ش ۱۲ کلمةالتوحید است بهمان نسخ . در ش ۱۳ گزارش رسالهٔ عقل طوسی است ۵ وبنسخ درشت‌تری و متن زیرخط سرخ و باید این‌هم بخط نویسندهٔ شمارهٔ پیش باشد . دراین‌شماره باندازهٔ یک‌صفحه‌ای‌ازاین گزارش بیش مانده و برگهای‌دیگرافتاده‌است. چنین است : . . بعد حمدالله مبدع‌العوالم . . . قال شکرالله سعیه (لاشک ... ویحکم به) عطف

۱۰ [۲۰۱۳-۲۰۱۱]

۱۱۴۹ دراین دفتر ازرساله‌های دوانی در ش ۱۸ «خلق‌الاعمال» است (۴۹ الف و ب) و تنها بخشی ازآن را دارد و بدینجا «... مان صفةالقدرة والارادة والعلم لیست فی شیء من المواد باعتبار الموصوف» میانجامد وسفید گذارده شده است . ودرش۳۵ الرسالةالخلخالیة هو (۲۶۸ الف) ودر ش ۳۶ تفسیر همان آیه است (۲۶۸ الف - ۱۵ ۲۶۹ ب) همهٔ اینها بخط نستعلیق است بروش ترکان و بقلم دیگرست که دراین‌دفتر افزوده است .

[۱۷۱۳-۱۷۰۹] رساله‌های رد یهود (فارسی)

دردفتر ش ۱۱۸۶ چند رساله‌است دررد یهود که اکنون میشناسیم :

۱- محضرالشهود فی رد یهود از حاجی بابا فرزند محمد اسماعیل قزوینی ۲۰ یزدی وچنانکه دردیباچه میگوید پدرش‌ازدانشمندان یهودبوده وباسلام گرائید این بود که همکیشان اورا نکوهشها نمودند و خواسته بودند اورا بدین پیشین بازگردانند ولی او دراسلام پایدار مانده و آنها را باین دین میخوانده است پسر چهل سالی که گذشته بود درهمان نزد بنگارش این دفتردر۷ باب بپرداخت و از روی نوشته‌های عبرانی درستی آئین اسلام را روشن بداشت . عبارتهائی ۲۵ عبری بخط فارسی درآن آمده و بپارسی شده است . درهامش نسخهٔ ما همو مینویسد که ملاسلمان یهودی‌درطوس در کتابی نوشته که من‌پیامبران‌اسرائیل را

نمی‌پذیرم و چنین نیست من همهٔ آنها را راستگو میدانم و بگفتهٔ آنها بپیامبر اسلام گرائیدم . در پایان آن از گفتگوی دینی که میان او و دانشمندان یهود در شهر یزد در ذی‌قعدهٔ سال ۱۲۱۰ شده و نوشته‌ایکه همانها نوشتند و گفتند که از روی « نبوت‌هیلد » (وحی کودک) محمد پیامبر است یاد گردید

آغاز : بسمله الحمدلله الذی هدانا سواء السبیل و اکرمنا بمتابعة اشرف من ولد من نسل اسماعیل الذی اشرف بانتسابه ابراهیم الخلیل محمد المزبور وصفه فی الزبور والتوریة والانجیل و صیرنا من المحبین آله و سیرتنا الواقفین علی اسرار التأویل والتنزیل سیما ابن عمه و وصیه مظهر الحق و مبطل الاباطیل و بعد چنین گوید . . این محمد اسماعیل حاجی بابای قزوینی ساکن یزد .. پس هرگاه آنرا مسمی گردانیم بمحضر الشهود فی رد یهود لفظ بامعنی و ظاهر با فحوی مطابق خواهد بود .. واین کتاب مشتمل است بر چند باب .

انجام و چون مضمون تمام بیکدیگر قریب بود در نقل باقی فائده ندید ازایراد اعراض نمود . الحمدلله اولا و آخرا و الصلوة والسلام علی نبیه محمد ... ختم . فی السادس من شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۱۱ احدی عشرة و مأتین بعد الالف من الهجرة النبویه علی مهاجرها الف سلام و تحیه (۱ ب ۸۱ ب).

۲ رساله [illegible] است از [illegible] قزوینی [illegible] یهود و در آن یادی از رساله ۱ و [illegible]

آغاز : بسمله [illegible] نماند که طایفهٔ یهود را عناد و لجاج و [illegible] اسلام [illegible] انکار و جحود است

انجام [illegible] نوشته شد والسلام علی من اتبع الهدی (۸۱ [illegible] ۸۲ [illegible])

۳ رساله‌ای [illegible] نمیکند [illegible] از اسلام نوشته [illegible]

آغاز : بسمله . وبه نستعین . بر ارباب الباب مخفی نماند که جماعت بنی اسرائیل را داعیه اینست که ما بشریعت توراة بفرمودهٔ حضرت موسی عمل مینمائیم .

انجام : وعام بودن شریعت آن حضرت و ابدی بودن آن هیچپاك مخفی نمانده و تمام در این رساله ذکر شده والسلام (قد فرغت من تسویده و تحریره فی یوم الاربعاء من شهر رمضان . سنة ثمانیة وسبعین ومأتین بعدالالف . . فی بلدة الشریفة العلویة . وانا .. ابن المرحوم المغفور سید احمد جواد الطباطبائی الیزدی ملتمس من الناظرین فی النسخة الدعاء ۱۲۷۸) (۸٤ الف - ۹۰ ب) (۱) . ۵

٤- حجج الاسلام از محمد حسین بن مرتضی حسینی حسنی طباطبائی یزدی که در آن از روی آیه‌های چهار انجیل سریانی ارمنی که متن آنها را هم آورد روشن نمود که پیامبر اسلام و پیشوایان شیعی راستگو بوده و آئین شیعی درست است در آن هشت حجت است و یك خاتمه در خرده گیری از نصارا ۱۰

آغاز هذا کتاب حجج الاسلام بسمله . وبه نستعین . بهتر کلامی از خامهٔ لسان که بر صحایف خواطر نگارش پذیرد و خوشتر مرامی از نامهٔ بیان که مصاحف مساطر نمایش گیرد حمد خداوندیست که کم گشتگان وادی ضلالت را سوی طریق مستقیم هدایت نمود و سر گشتگان بادی جهالت را سبیل نور بخش عنایت فرمود . وبعد برمرآت ضمیر صافی ارباب الباب واخلاء اطیاب مسطور و محرر ۱۵ مینماید ابن مرتضی الحسینی الحسنی الطباطبائی الیزدی محمد حسین . . آنرا مسمی بحجج الاسلام گردانید

انجام بهتر آنستکه در اینجا ختم کنیم فرغت من تألیفه وتحریره عصر یوم الثلثا السابع والعشرین من شهر جمادی الثانیه من شهور سنه خمس وسبعین ومأتین

۱ از این پس (۹۰ ب ، ۹۱ ب) حاشیه‌هائی است بفارسی گویا از همان طباطبائی ۲۰
نویسندهٔ نسخه بر مختصر الیهود در بارهٔ دعای تدیس و متن عبری آن هم آمده و ترجمه شده (از کتاب تدور وسیمان ۲٤ سفر ٤ تورات) وداستان شست وشو دادن یحیی در رود اردن از روی انجیل ارمنی (فصل ۳ متی) و چند آیهٔ دیگر دربارهٔ نسخ آئین یهود از خود تورات نیز آنچه که در مختصر الیهود آمده است .

بعدالالف . . فی البلدة الشریفة الرضویة علی مشرفها الاف سلام و تحیة (٩٢ الف - ١٠٠ الف) (١) .

٥- رسالهای از علی بن محمد جدیدالاسلام که در آن آیتهای تورات بعبارتهای عبری بخط فارسی یا عبری آمده و ترجمه شده و بسود آیین اسلام تفسیر گشته است

٥ آغاز : بسمله . مؤلف گوید این اوراق علی بن محمد جدیدالاسلام فصل اول در سفر اول توراة مذکور است که حضرت ابراهیم در الهام نبوت یافت که چندین پیغمبران از اولاد اسحق ع در ایام بنی اسرائیل پیدا شده میآیند .

انجام . و شریعت توراة باطل شد . و در اثبات نسخ که تمیم مصالح تفاوت کند نمی بینی طبیب همیشه یك دوا ندهد . نسخ (١٠٢ ب - ١١٣ الف ، در میانه در برخی

١٠ جاها سفید گذارده شده و کمبود دارد و در پایان هم یك برگ و نیم صفحهای سفید گذارده شده و در برگ ١١٥ الف دارد) در بیان الفاظیکه در وحی کودك در نام و نشان حضرت محمد .. در حرف لام تا آخر گفته .. مجملا اگر در این فصل بعبرت نظری گمارند انشاءالله رفع شبهه ها میشود منه (١٢٤ ب این بند که الفاظ وحی کودك در آن آمده و تفسیر شده باید دنباله همین رساله باشد)

١٥ |٢٠١٨ ٢٠١٤|

١١٨٦ [illegible] ١٢٧٨ [illegible]

[illegible]

[illegible] ١٣٥ [illegible]

٢٠ اندازه : ١٥ [illegible] ٨ [illegible] ١٣ - ١٧

|١٧١٦ ١٧١٤| [illegible] (عربی)

[illegible] ١٠٦٣ [illegible]

١ [illegible] (١٠٠ [illegible] ١٠٢ [illegible]) [illegible]

[illegible]

١٥ [illegible]

۱- کره متحرك اوطولوقوس وجز تحریر طوسی است از آن که در ص ۸٤۸ (ش ۱۰٦۳/۳) شناسانده شده است (طوس ۳:۳٥٤).

آغاز نسخهٔ ما: ا ه ج ه د فان قوس ط ل مساوية لقوس ا ح (از نیمهٔ شکل ی و کم دارد).

انجام (شکل ب) اذا کانت دائرتان نابتة على كرة يقطع دائرة اخرى من الدوائر المتحركة . . . فكل واحدة من دائرتی ا ب ج د، د ب د عظيمة لان مركزهما مركز الكرة و ذلك ما اردنا ان نبين. تم كتاب اوطولوقس فی الكرة المتحركة (۲۷ الف ۲۸ الف).

۲- مطالع ابسقلاوس (هوپسیکلاوس Hypsicles) مهندس اسکندرانی (سدهٔ پنجم پیش از مسیح) که قسطای بعلبکی آنرا بتازی در آورده و کندی آنرا اصلاح نموده است (ص ۸٤٤ همین فهرست - طوس ۳:۳٥٦).

بسمله. كتاب ابسقلاوس فی المطالع مما اصلحه الكندی و نقله قسطاء بن لوقا البعلبكی وهو يشتمل على ثلث مقدمات و صدر و شكلين. المقدمات اذا كانت مقادير عدتها زوج.

انجام: اذا عرفنا مطالع الجزء و كانت الزيادات معلومة فمطالع جميع الاجزاء معلومة وذلك ما اردناه. تم كتاب اسقلاوس (۲۸ الف - ۳۰ الف)

۳- تحرير مأخوذات ارشمیدس از خواجهٔ طوسی (طوس ۳:۳٥۳).

آغاز. بسمله. تحرير كتاب مأخوذات ارشمیدس ترجمة ثابت بن قرة خمسة عشر شكلا و تفسير الاستاد المختص ابی الحسن علی بن احمد النسوی. قال الاستاد المختص هذه مقالة منسوبة الى ارشميدس فيها اشكال حسنة قليلة العدد كثيرة الفوائد فی اصول الهندسة فی غاية الجوده و اللطافة و قد اضافها المحدثون الى جملة المتوسطات التی يلزم قراءتها فيما بين كتاب اوقليدس و المجسطی الا ان فی بعض اشكالها مواضع يحتاج الى اشكال آخر يتم بها بيان ذلك الشكل و قد اشار فی بعض ذلك ارشميدس الى اشكال اوردها فی سائر مصنفاته و قال كمابينا فی الاشكال القائمة

۲ـ در هیئت و جهانشناسی است .

آغاز : در بیان عالم . بدانکه عالم که‌عبارت‌ازماسوی‌الله‌است‌ذات مقدس باری‌عزاسمه موجودساخته‌است‌ازسیزده کره .

انجام : سیم افق حسی مثل انداختن بصردر نزدیکیها (۲٤ب ـ ۲٥ب) .

۳ـ در کائنات جو و کانها است و در فصل ۱ مقصد ۱ آن از ابن‌سینا یاد گردید (۲۷ ب) .

آغاز : باب.این لجه‌ایست در تنقیح و تشخیص ابرو بادورعد و برق ـ بسمله الحمدلله‌الذی یرسل الصواعق فی ازمنة مقدرة . . . والصلوة والسلام علی . . . محمد .. المستغرق فی‌بحار العلم‌والعرفان . امابعد این مختصریست در بیان کائنات جووارض مشتمل برمقدمه ودومقصد . مقدمه دربیان بعضی‌امور که قبل‌ازشروع درمقصود دانستنی‌است . مقصد اول در بیان کائنات جو (درسه فصل) . مقصد دوم دربیان کائنات ارض (درسه فصل) .

انجام : و از اختلاط زیبق باکبریت متکون میشود طلا و نقره و مس وآهن وبرنج وسرب وقلعی . تم‌الکلام بعون‌الملک‌العلام (تحریراً فی شهرشوال المکرم سنة ۱۲۳٦) (۲٥ ب ـ ۳۰ ب) .

[۲۰۲٤-۲۰۲۲]

۱۱۳٥ این نسخه‌ها ش ٤و٥و٦ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱و۲ .

[۱۷۲۲-۱۷۲۰] رساله‌های عرفانی (فارسی)

در دفتر ش ۱۱۱۳ چند رسالهٔ عرفانی و فلسفی است که باید همهٔ آنها ازخواجه محمدبن ابومحمد محمودبن محمد دهدارعیانی یافانی خفری شیرازی (۹٤۷-۱۰۱٦) باشد .

ابن‌دانشمند عارف، آشنای بجفر و اعداد و هنرهای شگفت دیگر بوده

از خصوصیات آن ذات حمیده صفات درضمن حکایات بنوعی مندرج سازد . . .
و بموجب « تلك عشرة كاملة » ده فقره سخن از اخبار و آثار مذکور میسازد
که مشتمل است براصل صفات کمال انسانی ومشعراست برخصال این نور دیده
کامرانی .

۵ **انجام** : و چون این عبارت برزبان قلم جریان یافت لازم دیدم برآن
وبردعای افزونی دولت دارین این مدرك سعادات دوجهانی وقابل کمالات جاودانی
اللهم اجعل نعمته تاماً و کرامته عاماً و ارزقه فضلك . . . و کن له ولا تکن علیه
بمحمد و آله وصحبه وذریته وعلی جمیع اخوانه من النبیین والصدیقین والشهداء
والصالحین . آمین یا رب العالمین . (تمت بالخیر) (گ ۳ الف ـ ۲۵ ب) .

۱۰ ۲ـ رسالهٔ توحید که بروش عرفانی و برای ابوالغازی مرتضی نظام شاه
نوشته است و دارای یك مقدمه و سه فصل و یك خاتمه است . نسخه‌ای از آن
درفهرست طوس (۱۱۹:٤ ش ٦۲۰) شناسانده شد .

آغاز بسمله . حمدوسپاس بی‌قیاس مرخداوندیرا که‌درمشکوة دل انسان
چراغ «ولیکن یسعنی قلب عبدی المؤمن» برافروخت وبرقامت استقامتش خلعت
۱۵ « الانسان سری وانا سره » دوخت . . . این چندکلمه است برسبیل وسیلهٔ عرض
حاجات بدرگاه پادشاه ... ابوالغازی مرتضی نظام شاه بن شاه ... رقمزدهٔ کلك
عبودیت ذرهٔ بی‌مقدار محمد دهدارشد ... و این ارقام مرتب شد برمقدمه و سه
فصل .

انجام : چنانچه شاه داعی الله علیه‌الرحمة میفرماید :

۲۰ اگردانی وگر هرگز ندانی   که باقی تا ابد باقی بماند

والله یقول الحق ویهدی السبیل وصلی الله علی محمد وآله اجمعین والسلام
علی من اتبع الهدی (۲۵ ب ـ ۳۸ ب) .

۳ـ ترجمهٔ رسالهٔ « اقرب الطرق الی الله » نجم‌الدین طامهٔ کبری خیوقی
که درده قاعده‌است وشعرهای فارسی‌هم در آن آمده‌است (ص۱۱٤۱همین‌فهرست)

درفهرست گـ ۱ الف نسخهٔ ما دارد « رساله درسیروسلوك مشتمل برده قاعده »
این ترجمه هم باید از همین دهدار باشد .

آغاز : بسمله . حمد و ثنای نامتناهی پروردگاری را که استحکام قواعد
اسلام را ملجأ طالبان سعادت ملکوتی گردانید و اهتمام تزکیهٔ نفوس را معراج
سالکان درجات جبروتی گردانید و اعتصام بجذبات عنایت اللهی را جناح طایران ٥
فضای ساحات لاهوتی گردانید ... بدان ای برادر عزیز که راههای طالبان حق
بجناب بارگاه احدیت بیشتر از آن است که آنرا حصر توان کرد . الطرق الی‌الله
بعدد انفاس‌الخلائق. اما همگی آن راهها بسه قسم باز میگردد .

انجام : وازلذت وحلاوت میوهٔ حکمت وولایت محروم‌مانده‌جعلنا‌الله‌وایاکم
ممن سعد بطاعته وفاز بمحبته انه قریب مجیب والحمدلله وحده (گـ ٤٥ ب – ۱۰
٥۰ ب) .

٤ـ گفتاریست گویا از همین دهدار دراینکه معلول و صفتهای آن سایهٔ
علت است .

آغاز : بسمله . المعلول صورةالعلة وظاهرها والعلة حقیقةالمعلول و باطنه .

انجام : فیظهر لك ان‌المدرك بالحقیقة هوالله تعالی وتقدس والله یقول‌الحق ۱
وهویهدی‌السبیل (٦٣ الف – ٦٤ الف) .

٥ـ الف انسانیت که از همین دهدار است و درفهرست آقای منزوی (۱:۹)
وفهرست طوس (۳۰۰٤) شناخته شده است .

آغاز : بسمله . حمد و سپاس و ستایش بی‌قیاس حضرت خداوندیرا است
جل وعلا که از نقطهٔ حب ذات جوهر انسان را بیاوربد تا آئینهٔ تجلیات شئون ۲
ذات شود اورا در فضای عموم مطلق سیرفو بین نزول و صعود فرمود و شواهد
آثار وافعال واسما وصفاتش را در آن سیر جلوه نمود ... چنین گوید ... محمدبن
محمود‌الملقب بدهدار . . این رساله را که موسوم است بالف انسانیت مصدر
ساخت بجهت مناسبت بتأویل این دو سوره از کلام مجید که فی‌الحقیقة یك سوره‌اند.

انجام واىمام‌ىورو‌جود ماىورو‌جود توو‌پوشىدن مالى ماآشكارساخىن ىوكى ىومقدور ىست و‌عين قدرت ىو وصلى‌الله اللهم على ورك‌الطاهر ىك محمد و‌آله واولاده وصحىه احمعىن (٦٤ب - ٨٥ب پس‌ازاىن چىدبيتى‌است ىپارسى)

٦- ذوقيه كه رساله‌است عرفانى از دهدار و در‌آن از اشارات اىن سىما و اوصاف الاشراف‌و سرح حكمه الاشراق‌و كتاب‌توحيد‌ىىدهائى آورده است (فهرست‌طوس ١٠٢٤)

آغاز ىسمله لك‌الحمد وانت اهل له حمداً ىعلو حمدالحامدىن من‌الازل الى الاىد چىين گويد محمددهدار كه اين‌كلمه‌ايست ىرسم اىموذج از ذوقيات عقلى ومعقولات ذوقى ىطريقى كه‌مطابق مشرب صافى‌صوفيه ومىكلمىن‌نىز ىاشد.

انجام ىعس‌آدمى ىواسطة هرعملى دروو‌صفى ثاىت مىشود وىاعتىار آن وصف اسمى ميىآىد و از روى آن اسم ىكمالى طهور ميكىد اگر در وصف خواىندگى و داىش ثاىت شد ىاسم داىا موسوم است و ىاىن كمال معروف آمد وموحب ترقى درحاب اوشد والله اعلم (٨٦ الف - ٩٥ ب).

٧- اصطلاحات صوفىان است ىپارسى كه ىايد‌كرمهٔ از رسالهٔ تازى عىدالرزاق كاشى (ىن ٤٠٧ همىن فهرست) ىاشد گوياهمىن دهدار آنرا ىپارسى درآورد

آغاز من كلام شيخ‌عىدالرزاق‌الكاشى ىسمله ىصوف ىصفيهٔ‌قلب‌است از‌كدورات ‌قالب دىيا عبارت‌است از آنچه ىىده را ازخداى ىعالى ىازدارد

انجام يا كنارى عبارت‌از وحه خالص‌است كه ىه‌در‌اعمال ثواب خواهد و‌ىه درمال مرىىه ىلكه خداى ىعالى‌راخواهد وىس (ىمت‌الرساله ىحمدالله وحسن ىوفيقه) (كـ ١٠٠ الف - ١٠٤ الف).

[٢٠٢٥ ٢٠٣١]

١١١٣ اىن ىسخه‌ها ىشمارههاى ١و٢و٥و٧و٨و٩و١١ده راست وهمه بخط ىسىعليق و ىاريخ ١٢٩٤ه ىاشد درس ١ عىواىهاسرخ وعبارتهاى عربى هم زيرخط

سرخ است . در ش ۵ عنوانها سفید گذارده شده است . در ش ۱۱ عنوان و الفاظ بشنگرف میباشد .

(همهٔ دفتر ۱۷۸گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی سادهٔ معمولی
اندازه : ۱۱×۱۷ و ۸، ۱۴ س ۲

۵ [۱۷۲۷-۱۷۳٤] رسالههای کلامی (عربی و فارسی)

دردفترشمارهٔ ۱۲۰۲ هشت رسالهٔ کلامی استکه اکنون می‌شناسیم :

۱ـ حاشیه‌محقق خفری که در س۲۳۲همین‌فهرست شناخته‌ایم (ذریعه‌٦:۱۱٦).

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین و بعد فیقول . . . محمدبن احمدالخفری هذه تعلیقات اتفقت منی علی شرح الهیات‌التجرید ... قوله: استدل‌علی وجودالواجب‌الخ. اختار المصنف قدس سره فی اثبات‌الواجب منهج‌الحکماءالالهیین .

انجام : کان‌الواجب‌الوجود بذاته واجب‌الوجود بغیره تعالی (قد تم بحمدالله وحسن توفیقه بیدالاخ الفاضل اللوذعی الالمعی المحفوف بالطاف‌الرب الرحیم بتاریخ هشتم محرم‌الحرام سنهٔ هزار و نود و هفت تحریر یافت . نم .) (٤ ب ـ ٤٦ الف) .

۲ـ حاشیه‌ایست از میر نظام‌الدین احمد دشتکی پسر غیاث منصور برالهیات تجرید و شرح آن درذریعه ازاین حاشیه یادی نشد ودر گ ٤٦ الف نسخهٔ ما وفهرست آغاز آن چنین شناسانده شده است .

آغاز الحمدلله‌الذی وفقنا لتوضیح عقائدالاسلام وتصحیحاً من تجریدالعقائد واعاننا لتبیین مرام اهل‌الکلام فیما هوا علی‌المآرب و اقصی‌المقاصد . . . فهذه حواشی . وشعب بها ماهو غایةالقصوی من مقاصد کتاب‌التجرید وشرحه‌الجدید ... قال‌المصنف المقصدالثالث‌فی اثبات‌الصانع وصفاته وآثاره الخ. ای فی بیان ثبوته وتقریر دلیل وجوده

انجام : بل کافةالمتکلمین اعترفوا بان له تعالی جهات کثیرة و اضافات کثیرة

الی مجلوفات کثیره هداغایه ما یمکن ان یقال فی تحقیق هذاالمرام فتأمل فیه.
(٤٦ ب – ٦٥ ب)

٣ـ رسالهٔ جبر و قدر خواجهٔ طوسی بپارسی (ص ٢٢٢ همین فهرست) که اندکی با آن نسخه‌ها جدائی دارد و چنین است انجام آن

فامسکوا و نعم ماقال   ٥

پاك از آنها که عاقلان گفتند   پا کتر ز آنچه عاقلان گفتند

(بحمدالله و توفیقه تمت رسالة‌الجبر والقدرالمنسوبه الی افضل‌المحققین خواجه نصیرالدین‌الطوسی رحمه‌الله اللهم‌اغفرلکاتبه ووالدیه واقاربه بحق محمد وجاه محمد وآله علیهم‌السلام) (٦٥ ب – ٧٨ الف)

٤ـ حاشیه‌ایست از سلطان‌العلما سید حسین آملی سپاهانی (١٠٠١ – ١٠٦٤) بر همان‌حاشیهٔ خفری ودر آغاز آن‌ازالاسرارالخفیه‌علامهٔ حلی آورده‌است   ١٠
(ذریعه ٦ ٦٥)

آغاز بسمله الحمدلله رب‌العالمین والصلوه علی محمد وآله‌الطاهرین وبعدفهذه تعلیقات کتبهاالعبد خلیفه سلطان علی‌الحاشیه‌المنسوبةالی‌العلامه الخفری قدس‌الله تعالی سره علی‌الهیات‌التجرید حین مطالعتهاتذکره‌لنفسه ولمن   ١٥
اراد ان یتذکر واوثق الخ لان صوره‌الطرق‌الاخرشبیهه بصوره‌الآن

انجام الجنس ای‌حیث یکون مهیه‌الجنس او مهیه‌النوع عین‌الوجود
(٧٩ ب – ١١٠ ب)

٥ـ حاشیه‌ایست درباره تجرید طوسی ودردوفهرست آغار نسخهٔ ماودر گ ١١١ الف آن‌دارد که‌از ملاشمسای گیلانی‌است برحاشیهٔ خفری ودرذریعه از چنین حاشیه‌ای یاد نگشت   ٢٠

آغاز بسمله الحمدلله العالم الحکیم والصلوه والسلام علی خاتم‌النبیین وآله المعصومین قال‌المصنف قدس‌سره المقصدالثالث فی‌اثبات‌الصانع فیه‌اشاره لطیفه الی ان‌العالم باسره فعل‌الصانع

انجام : بحث من وجهین آه ای فی تأویل کلام الحکماء له ... لانه تعالی یعلم الجزئیات جمیعها و کلها فان البحث فی (سفید گذارده شده) (۱۱۱ب - ۱۷۳ ب - حاشیه‌های « منه » دارد).

۶- حاشیه ایست از میرزا محمد ابراهیم دانشمند لاکمی و فرزند صدرای شیرازی بر تجرید و شرح آن و حاشیهٔ خفری (ذریعه ۶: ۶۴ و ۱۱۶).

آغاز : بسمله . و به نستعین . یاهو یا لااله الاهو یامن لاهو الاهو ولا یعلم ماهو الاهو کلت الانس عن تفسیر صفتك و انکسرت العقول عن کنه معرفتك .. فیقول ... ابن صدرالدین محمد الشیرازی محمد ابراهیم . . . هذه تعلیقات لتبیین مطالب اقصی المقاصد من کتاب التجرید و شرحه الجدید و حواشیه للمحقق العلامة الخفری کتبتها اثناء مباحثتها ... المقصد الثالث فی اثبات الصانع الخ. انما لم یعنون باثبات الواجب.

انجام : (قوله) ره ای یلزم . هذا بیان فائدة تخصیص القید المخصص بالمعتزلة حیث لا یمتنع عندهم عنه خلاف ماجری علیه عادته من الخمرات . (۱۷۴ب - ۲۰۸ الف - حاشیه‌هائی دارد باشانهٔ « منه » « منه ره » و « ك م » و « ۱۲ »).

۷- حاشیهٔ فیاض عبدالرزاق بن علی بن الحسین لاهیجی (م ۱۰۵۱) است بر حاشیهٔ خفری (ص ۲۳۰ همین فهرست . ذریعه ۶: ۶۶ و ۱۱۵) (گ ۲۰۹ب - ۲۷۹ الف - حاشیه‌هائی دارد بانشانهٔ « منه ره » و « منه رحمه‌الله » و « نوری » بخط تازه‌تر).

۸- حاشیهٔ شمسای گیلانی است [illegible] ص ۲۳۵ همین فهرست شناخته‌ایم (ذریعه ۶: ۶۶ و ۱۱۶). و چنین است آغاز آن در نسخهٔ ما : الموجود موضوع فی العلم الالهی و [illegible] موضوع العلم [illegible] قال المصنف قدس سره: و صفاته و آثاره [illegible] اشاره الی ان الصفات عین الذات (۲۸۰ الف - ۴۰۸ الف - حاشیه‌هائی « منه ره » دارد)

|۲۰۳۲ ۲۰۳۹|

[illegible] روشن و عنوانها شنگرف [illegible] ۸ محرم ۱۰۹۷

و ش ۸ درذی‌حجهٔ همین سال نوشته شده است .

(۳۴۱۰م) ــ کاغذ سپاهالی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی

اندازه : ۱۴، ۲۳/۵، و ۷، ۱۵ س ۱۹

[۱۷۳۵-۱۷۳۶] رسالهای کیمیائی (عربی)

دو رسالهٔ کیمیائی اکنون میشناسیم یکی که از سفیان ثوری پنداشته شد . ۵

آغاز : نسخةاخری . قال الشیخ الامام العالم العلامة سفیان الثوری رحمةالله علیه هذا کتاب استخراج اسل صدقه من کتاب‌الله تعالی وهو قوله عزوجل انزل من السماء ماء ... زبد مثله . . . وقال سفیان الثوری رحمةالله علیه قداختصرت هذا الکتاب و شرحت فیه الصنعة والعقاقیر التی یعمل بها وهی حقیرة سهلة لاقیمة لها ولاقدر ولاتصاب بلاثمن . ۱۰

انجام . فانك تجدر بل خشن مثل بزرالفحل له شعاع وهو معدن و رطله تسع اواق والبخور لبان ذکروالعمل فیه یوم‌الجمعة عندالزوال .

دوم رسالهایکه ازمحمد کثیربن ابراهیم بن نصیرمیباشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین . والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمدوآله‌وصحبه وسلم . قال العبد ... محمد کثیربن ابراهیم بن نصیر . فی الطریقة ۱۵ المعروفة بالسلم فصل عزیز جدا هذاالعلم وجد فی بعض ادبرة دهشور فی لوح من الذهب مکتوب فیه بالفضة فنقل الی العربیة فی ایام بعض الخلفاء المصریین ورمز علی هذاالمثال .

انجام . وتضع علیه مرارةالماعز بجلدهاو کلهافانه ینحل ماء فاشرط ماعلیه من الثقل واستعمل فیما ترید . والله اعلم . ۲۰

[۲۰۴۰-۲۰۴۱]

۱۱۷۸ این نسخه‌ها ش ۳ و ۲ دهم است و بهمانگونه خط ش ۱ و برخی رقمها بشنگرف است . گ ۱۳۴ ب ــ ۱۳۵ ب و ۱۳۳ ب ــ ۱۳۴ ب .

چهار رساله کیمیائی دیگر که ترجمەهائیست لفظی از تازی نیز میشناسیم :

۱ــ ترجمهٔ مرآت‌العجائب که متن آن بگفتهٔ چلبی (۲ : ٤۱٤) از ابی‌عبدالله محمدبن المهتار میباشد . گرچه اودردنبال واژهٔ کیمیا که ازدرستی و نادرستی این ۵ هنر سخن رانده از مرآت‌العجائب ابن‌سیناهم‌دردوجانامبرده است (۲ : ۳٤٤-۳٤٦) دردیباچهٔ آن از خوابیکه ابن‌المهتار دربارهٔ کیمیا آموختن خود دیده است یاد گردید . شکلهائی هم در آن هست . درس۱۰۰۷ همین فهرست از ترجمهٔ دیگر همین نامه یاد شده است .

آغاز : بسمله . حمد وسپاس‌سزاوار خالقی است که منفرد است‌ببقاء ومقهور ۱۰ کرده است عباد خودرا بفناء . . . بدان ای برادر حقیقة که من طالب بودم علم صنعت را در کمال دقت چرا که درآن جلالت و رفعت است . . . شرح اشکال مصوره دراین مرآت ذکرشده است درنه فصل وخالی نیست هیچیك ازاصول .

انجام . درشرح دوائرتسعه است پس هرگاه اراده کنی ای برادرمعرفت این را برتوباد بمطالعهٔ رسالهٔ بحریه (ص ۹٦٤ همین فهرست) که در آن شرح دادەام ۱۵ این مطالب را وای برادرسئوال میکنم ازتو وازبرادران دیگر که حفظ نمایند این کتاب را ازجهال وازنااهلان چه حکما دراین باب گفتەاند .

جاهلان را علم وفن آموختن دادن تیغ است دست راهزن
تیغ دادن‌در کف زنگی‌مست به که آیدعلم جاهل رابدست

وازخدا طلب مینمایم که ظاهرنمایند اسرارآن را درنظر اهل و مستحق این ۲۰ کتاب والله یرزق من یشاء بغیر حساب (۱۲۰۷/۱ گ ۲ ب ــ ۲۱ الف) .

۲ درهٔ مکنونه واسرارمکتومه .

آغاز بسمله الحمدلله الذی کون الاکوان و خلق الانسان علمه البیان . . . اما بعد چون من نظر کرده در این علم شریف . پس من واضح کردم آنها را دراین رساله و نام نهادم آنرا دره مکنونه و اسرار مکتومه و مرتب کردم برمقدمه ۲۵ و فصلها و خاتمه

انجام : وماء ثقیل وروح رطب وعطارد ومشتری وماء الحیوة وماء الارواح (تمت الرسالة بعون الله تعالی) (۱۲۰۷/۲ گ ۲۱ ب - ۲۳ ب) .

۳- نامه‌ایست درچند بند .

آغاز : بسمله . الحمد لولیه والصلوة علی نبیه . بدانکه این مقدمه‌ایست مشتمل برمعرفت اصول طبایع از فنون اصل درباب حکمت که خالی کردم من آنها را ازپوست رمز وتدهیش .

انجام : پس مکنوم دار ابیض را برجوهرابیض واحمررا ازبرای جوهر احمر. فافهم ترشد انشاءالله تعالی (تمت النسخة بعون الله) (۱۲۰۷/۳ گ ۲٤ الف - ۳۱ ب) .

٤- ترجمهٔ انوارالدرر فی ایضاح الحجر درده باب ویك وصیت ویك خاتمه که متن تازی آن ازجلدکی میباشد (چلبی ۱ ۱٦٦) در آن ازبسیاری از کتابهای خود جلدکی ودیگران یاد شده است .

آغاز : حمد و سپاس بی‌قیاس خدای را سزاست که مقدس است ذات او ازترکیب وتحلیل وشبه ومثال ومنزه است ازاتحاد و حلول وحرکت وانتقال .

انجام نسخه : (باب دهم) درترکیب عمل است (گ ۷۲ الف) ... ورمز کرده‌اند این حکما براین اشیاء بهرچیزیکه یافت میشود درعالم وهرکه بشنود (کم دارد گویا دوبرگی) (۱۲۰۷/٤ گ ۳۲ الف - ۷۳ ب) .

[۲۰٤۵-۲۰٤۲]

۱۲۰۷ این نسخه‌ها چهارشمارهٔ دفتراست و همه بخط نستعلیق ماره وحای عنوانها سفید میباشد .

(همهٔ دفتر ۷۴ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۱/۵ ۱۸/۵ و ۷ ۱۲/۵ س ۱۳

[۱۷٤۱] زبدة التصانیف (فارسی)

دانشمند محدث مولی حیدر بن محمد خوانساری نگارندهٔ « مضیء الاعیان

[۲۰٤٦]

۱۲۳ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانهای لاجورد و زرین است درمتن و شنگرف درهامش و درجدول زرین و سرخ و لاجورد و میانه سطرهای

دنبالهٔ حاشیه صفحه پیش

نموده فقرهٔ چند ازعلم کلام وبعضی ازواجبات ومندوبات صوم و صلوة و حج و زکوة و برخی ازفضائل ومعجزات و آیات حضرت بهترین کاینات وخلاصهٔ موجودات ... وحضرات ائمه طاهرین ... و نقلی چند ازقصص انبیای کرام .. واحادیث واخباری که سبب ترغیب عبادات مؤمنین ومؤمنات است درسلك تحریر کشید و چون (ازاینجا آغاز نسخهٔ ش ٤٦ ج۲ س۲۱ کتابخانهٔ مجلس است) ذکر احادیث (مذکورة) ماثوره وبیان هریك بعربی سررشتهٔ کلام بطول میانجامید ازاین (آن) جهت اکتفا بترجمهٔ آن نمود تا فارسی زبان را ازاوحظی وافر باشد . تحریرش درزمان دولت قاهره و ایام نصرت باهرهٔ پادشاه جمجاه . رواج دهندهٔ مذهب حق اثنا عشر . . . غلام باخلاص امیرالمؤمنین حیدر .. السلطان .. الخاقان ابن اسدالله الغالب ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان ... واین مجموعه مسمی است به « زبدةالمصانیف » ...

انجام : پس ای عزیزان عجب ورطه‌ایست و طرفه دشمنی است ابلیس لعین جهد کنیم وسجدهٔ بی ریا بجای آریم شاید که ازشرشیطان برهیم (آمین یارب العالمین) (مناجات مولانا اهلی شیرازی :)

الهی باعزاز پاکان تو	بسوز دل دردناکان تو
چنان کار دنیا و دینم بسار	که درهردو عالم شوم بی نیاز
نگه دار ازمن بد روزگار	زهر بد که باشد مرادوردار

بحق سید ابرار و ائمهٔ اطهار آمین یا رب العالمین . پوشیده نماند که هریك را ازتصانیف خود تاریخی بنظم آورده واین رباعی جهت تاریخ این زبده گفته شد :

صد شکر که بار دگر ازلطف و شنفت

از گلشن طبعم گل امید شگفت

برخواست بشکر و تمام از روی هوس

«احسنت احسنت» از پی تاریخش گفت

(نسخهٔ ش ۱۳۸۵ کتابخانهٔ ملك که پس ازاین دارد :) « حسب الخواهش مخدوم مکرم میرزا محمد رضی تحریر پذیرفت . امید که مقبول خواطر مشکل پسندش گردد

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

[۱۷۴۲] زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر (عربی)

این نامه از بهاءالدین محمد بن محمد باقر حسینی نائینی میباشد و در روز آدینهٔ ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۱۰۹ آنرا بپایان رساند. بنثر شیوا و بسجع و با شعرهای تازی که پاره‌ای از خود او است و باشعرهای پارسی میباشد. نائینی این را در پند و اندرز نوشت تا اینکه خود را آگاه سازد. عنوانهای «تعریف، توصیف، تذنیب، تأدیب، بیان، اصل، تأصیل، تقریع» و مانند اینها دارد. چنین است فهرست بابهای آن:

الباب الاول فی النفس وعاداتها ودقایق حالاتها ومالها من التدلیس والتلبیس والمواطات لابلیس (۶ ب).

الباب الثانی فی دواعی النفس الی الطاعات وزواجرها عن السیئات والتزهید عن الدنیا والترغیب الی العقبی (۲۳ الف).

الباب الثالث فی التوبة عن الخبائث (۷۰ ب) مسك الختام الکلام فی الانباء عن انباء الاولیاء واطراء هؤلاء الاذکیا (۸۵ ب)

آغاز: هو الموفق بسمله الحمد لله الذی خلق الانسان بصنیع قدرته القاهرة وعلمه البیان ببدیع حکمته الباهرة سیر المعانی من القلوب الی القلوب و خیر المعانی فسر بین سر بین المطلوب .. فیقول ... بهاء الدین محمد الحسینی النائینی ... انی ایها الاخوان .. لقد خاصمت نفسی المیشومة کثیرا.

انجام. وفرغ صائغ الفهم عن افراغه فی قالب تألیفه ... فی صدر یوم الجمعة الثانی عشر من شهر ذی القعده الحادی عشر من العام التاسع من العشر الاول من المائة الثانیة من الالف الثانی ... و بلغ ههنا المسیر بقدم قلم الفقیر ... ابن محمد باقر بهاء الدین محمد الحسینی النائینی ... وهو ولی المواهب ومنتهی کل واهب وفرغ المؤلف من کتابته ثالثا فی شهر ذی الحجة من سنة احدی وعشرین ومائة والف.

[۲۰۴۷]

۲۱۵ این نسخه بسخ روشن با عنوانهای شنگرف است و خط خوردگی درمتن دارد و اصل است. حاشیه‌ها دارد بنستعلیق ریز با نشانهٔ «منه» و این را خود

نائینی برای سومین بار درذی‌حجهٔ ۱۱۲۱ نوشته‌است . عبدالحسین آنرا ازبازماندگان آقامیرزا محمد خوئی بیبهائی که آقا میرزا محمد علی مازندرانی کتابفروش برآورد نمود در ۱۲۷٤ خریده‌است . نیزمهرهمو : «عبده عبدالحسین» (۱ الف) برخی برگها آب گرفته ووصالی شده است .

(۹۳گ) ــ کاغذ ارمه ــ جلد مقوائی
اندازه : ۱۲ ۱۹ و ٦/۵ ۱۲ س ۱۵

[۱۷٤۳] سفینه (عربی)

غیاث‌الدین منصور دشتکی (۹٤۸ ه) دراین نامه ازهیئت گفتگو نموده ودر آن چهار باب هریك در چهار فصل گذارده است . شوشتری درمجالس‌المؤمنین از آن بنام « سفیر درهیئت » یاد نمود و نسخهٔ آنرا هم دیده بود. درفهرست طوس (۳۳٤:۳) ازنسخهٔ نوشتهٔ ۹۵۷ بنام « سفیرالغبراء والخضراء » یاد شده و نسخهٔ ما باید کهن‌تر از آن باشد (۱) .

آغاز . بسمله . تبارك الذی بسط الارض مهاداً وبنی فوقها سبعا شدادا . صورها ونورها بانوار الرسل والانبیاء . . . وبعد فهذا سفیر ینبهك علی شیء من بدائع صنائع الله تعالی فی الغبراء والخضراء اسفره العبدالذی دعاه مولاه منصورا . جعله‌الله بنیل ماابتغاه مسروراً جوابالماسأله بعض‌الالباء من‌الاولیاءالاحباء من تصویرالهیئة التی اثنی علی‌الناظرفیهاالکتاب واطری فی نباهة قدرها اولوالالباب موجزاً مجملا مفصلا بفصول یشتمل علیها ابواب .

انجام . فهذا شییء من مسائل هذاالفن اجمالاومن اراد تفصیله فعلیه‌النظر فی‌اللوامع‌الذی نظمناه وسائر رسائلناورسائل غیرهافانهم شکرالله بذلوالمجهود . ونحن بعون‌الله تعالی ادرکناالمقصود فالله‌المحمود (تم کتاب‌السفیر فی‌الهیئة بعون‌الله وحسن توفیقه . تم) .

۱ـ سرگذشت این دانشمند درمجالس‌المؤمنین بافهرستی ازنگارشهای اوهست و دارد که او با طلسم و افسون ذوالفقار فرمانروای بغداد را که با پادشاه دین پناه نافرمانی میکرده است بشکست واین داستان برسر زبانهاهست واوهم درقانون‌السلطنهٔ خود آنرا یاد نمود .

[٢٠٤٨]

١١٤٧ این نسخه ش ٤ دفتر است و بهمانگونه خط نستعلیق شماره‌های پیش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف و باجدولهائی بشنگرف میباشد . در گ ٦٤ الف جای جدول سفید است . گ ٦٢ ب – ٧٧ الف .

[١٧٤٤] السماع والرقص (رسالة في تحريم ...) (عربی)

ابومحمد محمود دشتی در پاسخ پرسشی که از او درباره سماع ورقص صوفیان کرده‌اند این نامه بپرداخت و آنها را ناروا نشان داد . چند عنوان « فصل » در آن دیده میشود .

در آن یادی از پادشاهی مجوسی که بصره را بگرفت و اینکه مجوسان را برتازیان برتری می‌نهاد یاد گردید و دارد که مادر سال ٧٥٤ هستیم (گ ١٥ ب) از دانشمندانی چند و نگارشهای آنها در آن نامبرده شده است مانند : المسئلة فی تحریم الغناء والرقص از ابوبکر محمد بن الحسین آجری واربعین اولزوم طریق الحق والنهی عن الغنا والمصفق از حافظ ابوالعباس و تحریم الغنا والرقص واللهو والرد علی المشتغلین بذلك علی مذهب الامام الشافعی و مالك از ابوبكر محمد بن ولید فهری طرطوشی و ذم اهل الرقص والرد علیهم از ابوالحسین بن قاضی ابی یعلی بن الفراء حنبلی واز ابوالمحاسن حرانی و الرد علی اهل الرقص والسماع از ابوالمحاسن هبة الله بن نصر حرانی و فضائل الفقراء و ذم المتشبهین بهم ولیسوا منهم از قاضی ابومحمد بن ابی الحسین النحوی الشافعی والمذاهب و عقوبات المعاصی از ابو یعقوب محمد بن اسحق نیشابوری والامر بالمعروف والنهی عن المنکر از ابو [illegible] و حفظ اللسان سلیمان خطابی (٥٠١) و [illegible] ابوالقاسم طبری و کتاب قاضی ابوالطیب طبری و کتاب امام ابوالحسن [illegible] و خط موفق عبدالله بن قدامة مقدسی در آن از حافظ محمد بن عبدالواحد روایت شده و از ابوعلی حسن بن علی گرگانی

ولمام ابی‌عبدالله (۵۰۰) یاد نموده است . شیخ ابویعقوب خراط در نکوهش وذم اهل رقص وسماع منظومه‌ای دارای بیش‌از ۳۰۰ بیت سروده‌است وپاره‌ای از آن دراین نامه دیده میشود .

آغاز : بسمله . وبه نستعین قال‌الشیخ الامام‌العالم الحافظ‌المصنف المفتی ناصرالاسلام والسنه ابومحمد محمودالدشتی جامع‌الورعین وقامع‌المبتدعین قال : ۵
ان سائلا سألنی بعد ان کتب سورة ما سأل : ماقول‌السادة العلماء وفقهم‌الله تعالی فی‌قوم یجتمعون فی مسجدا وغیره ویسمعون‌الدفوف والشبابات والغناء بالالحان المطربة ویتواجدون ویرقصون ویزعمون هذاجائزأومن‌المندوبات ؟ فانکرعلیهم قوم آخرون : فقالوا هذا ماینبغی لکم ولایحسن بکم وقد قال رسول (الله) علیه‌السلام : شرالامور محدثاتها . وان هذا من‌المحدثات ومن‌البدع والضلالات . ۱۰
والمساجد مابنیت لهذا . وهذاتضییع‌الاوقات . ولم یکن هذامن فعل‌رسول (الله) علیه‌السلام ولامن افعال‌اصحابه رضوان‌الله تعالی‌علیهم‌اجمعین ولاهذه ممایتقرب به احد الی‌الله تعالی ولاطریق احدمن‌الصالحین . فالاولی بالعبد غیرذلک من‌الحذر والجد بالتعبد وما اجمع علی استحبابه . فقالوا لمن انکر علیهم : قد ورثنا ذلک عن ابائناالاولین ومشائخناالمحققین العادلین واباحه‌الامامان العالمان : مالک‌بن ۱۵
انس‌ومحمدبن‌ادریس‌الشافعی‌ونحن‌لسادتنامن‌التابعین وفیمانحن‌علیه‌غیرمبتدعین . وها انا اذکر ما جاء فی‌النهی عن‌الرقص والسماع بالکتاب والسنة والاجماع ورداستدلالهم فی نصرةالابتداع واذکرمن اخلاق نبینا . . . وماجاء من‌الصحابة والتابعین ... ومن بعدهم . فابدأ اولا واقول الحمدلله‌الذی بصرنا بالحق وحببنا لاتباع‌القرآن . . . وبغض الینا قوما ینتمون الی مذهب الشیطان فی‌استماع الاغانی وصحبة المردان وبغض الینا اقرانهم اهل الاراء (و) المقائیس المعاندین لاهل ۲۰
الایمان . امابعدفانه لما کانت‌الهدایاتزرع‌الحب وتولدالولاء والشفقة (؟) احببت ان اذکرفی کتابی هذا عن‌الائمةالسالفین ومانقلوا من‌الاخبار والآثارفی ذم‌الغنا والرقص وصحبة احداث‌المرد والنساء والانکارعلی فاعلیه .

انجام : فهذاماقلناه‌من کتاب‌الله ... ومن‌سنةرسوله... ومن‌اقاویل‌الصحابة

والتابعين ومن بعدهم من العلماء ... وعبادهم . ماورد في اخلاق الاولياء والصالحين . . وكلامهم وسيرهم وآدابهم وذكر عباداتهم وحفظ اوقاتهم خلافا لاخلاق المشائخ والفقراء من اهل زماننا وخلافاً لسيرتهم وآدابهم لطال ذلك على الناظر وصرت الهمة عن ذلك والله اعلم .

۵ [۲۰۴۹]

۱۰۹۷

این نسخه ش ۱ دهر است و بخط نستعلیق با نشانه‌ها و جدول شنگرف که خلیل بن حاجی حسن همهٔ شماره‌های آنرا نوشته و در پسین روز پایان جمادی یکم سال ۱۰۹۷ این شماره را بانجام رسانده . گ ۱ ب – ۱۱۶ ب . در گ ۱ الف دارد : « رسالهٔ سید محمد [illegible] و چند رسالهٔ دیگر » و خط و مهر « عبده ۱۰ محمدباقر بن محمد هاشم الموسوی » که دارندهٔ نسخه بوده است .

همهٔ دفتر ۱۴۳گ) – کاغذ فرنگی – جلد ندارد

اندازه : ۱۱/۵ ۲۲ و ۵/۵ ۱۷ س ۱۹

[۱۷۴۵] [illegible] الهداية لهداية [illegible] (فارسی)

آقا محمد علی فرزند آقا محمد باقر سپاهانی بهبهانی کرمانشاهی (کربلا ۱۱۴۴– ۱۵ کرمانشاه ۱۲۱۶) نگارندهٔ مقامع الفضل و [illegible] فی رد اهل الضلال و مقترك الاقوال فی احوال الرجال میباشد و شاگرد [illegible] نگارندهٔ حدائق و استاد میرزا محمد اخباری بوده است . چون بسیاری از درویشان و صوفیان را بکشت صوفی کش مشهور گشته بود . [illegible] صوفی و درویش شده بود . او در این کتاب که دارای یک مقدمه و سه فصل و یک خاتمه است بدرخواست ۲۰ [illegible] از امامت کاوش نموده و در آن [illegible] و ابن حجر در اینکه [illegible] (۴) [illegible] (۱) در آن پادشاه بخارا [illegible] (۴۶۱) از روی پایان [illegible] ۱۲۸ [illegible] دوم از عشر چهارم

۱ [illegible] ۱۰۲ [illegible] ۶۳۲ [illegible] ۲:۴۴۶–

۲ [illegible] ۵۷ [illegible] ۱۰۱

ازربع دوم از ثلث سوم از نصف اول از خمس پنجم از عشر نهم از عشر دوم از الف دوم از هجری نبوی » بانجام رساند.

انجام این نسخه هم بانسخهٔ ما جدائی دارد (نیز نسخهٔ ناقص ش۷۵۷ طوس ۱۶٤:٤) از نسخهٔ ما برمیآید که او آنرا در ۱۲۰۲ بپایان برده است.

آغاز: احمده علی نواله مصلیاً علی احمده و صحبه و آله اما بعد چنین گویند بنده قاصر محمدعلی ابن محمدباقر اصفهانی مشهور به بهبهانی که این چندکلمه ایست در باب امامت که بالتماس بعضی از طالبان راه هدایت از اهل سنت وجماعت قلمی میگردد ... و آن مرتب برمقدمه وسه فصل است و خاتمه و به « سنة الهدایة لهدایة السنة » مسمی گشت.

انجام. و برعنوان نامه نوشته درقبة البلوی و بئس الملوی بخارا خربهاالله بالطاعون والوبا صحیفة الاذی دلخراش و سینه کاو عالیجاه جهالت پناه رذالت دستگاه سفاهت اکتناه ضلالت انتباه امیرالخنازیر والکلاب المطرود عند اولوالالباب معصوم بن دانیال الملقب به بیکخان خلده الله فی اسفل درك النیران خواهد گردید. نمیقه فی شهرشعبان حجة شافیة تاریخیة سنة ۱۲۰۲ هزار و دویست و دو (تمت الکتاب بعون الملك بید اقل الطلبه ابوالقاسم الکازرونی فی شهر رمضان المبارك سنة ۱۳۱۲).

|۲۰۵۰|

۱۱۱ (؟) این نسخه بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف که ابوالقاسم کازرونی در رمضان ۱۳۱۲ نوشته است. مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن دیده میشود.

(۱۳۸گ - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ سادهٔ مقوائی باروپوش پارچه‌ای گل و بوته دار اندازه: ۱۷ ۲۲ و ۹ ۱۵/۵ س ۱۸

[۱۷٤٦] سوز و گداز (فارسی)

ملامحمد رضای نوعی خبوشانی مشهدی (درگذشتهٔ در هند بسال ۱۰۱۸) درلاهور و کشمیر میزیسته و از نزدیکان دربار میرزا یوسف خان صوبه‌دار کشمیر بوده و شاهزاده دانیال و آن شاهرا ستایش میکرده‌است. دیوان او نزدیك بچهار هزار بیت میشود. ساقی نامهٔ او به هفتصد بیت میرسد. او پس از شاهزاده دانیال

بدربار نواب سپهسالار خانخانان رفته ودر ٤٨ سالگی در گذشت .

این مثنوی « سوز و گداز » او که در بحر خسرو شیرین شیخ گرامی است
ونزدیك به ۵۰۰ بیت ، تاریخ یك شاهزاده بانوی هندی است که درنخستین شب
جشن زناشوئی، دامادش زیردیوار رفت و بمرد و باآنکه شاه نوازشها بدو کرده
۵ واورا ازسوختن خویش بازداشته بود او روی تودهٔ هیزمی که برای سوزاندن
تن دامادش آماده ساخته بودند رفته بسوختن تن در داده است . این سوز و گداز را
خبوشانی بشاهزاده دانیال نیاز کرده ودرزمان اکبر سروده است .

این را میرزا ی . داود ایرانی و انندا . ك . کوماراسوامی . (Ananda K.
Coomaraswamy) سیلانی بانگلیسی درآوردند و این ترجمه در ٦٥ ص
۱۰ با ص نقشه درلندن بسال ۱۹۱۲ بچاپ رسیده است (فهرست چاپی موزهٔ بریتانیا
ص ۵۱٦) خود این سوز و گداز در پایان نخستین جلد اکبرنامه درلکهنو بسال
۱۲۸٤ چاپ شده است (۱) .

خبوشانی در آغاز آن میگوید

چو این غمنامهٔ سوزان حکایت | نفس بگداخت در کام روایت
۱۵ رقم زد خامهٔ معجز طرازش | محبت نامهٔ سوز و گدازش
الهی این گرامی بکار مستور | بماند ایمن برعفت حور
ز پاس شهیس از سربلندی | بترویج دولتش ارجمندی

(ص ۱۳ نسخهٔ موقوفهٔ گ ۱۱۸ پ نسخهٔ ما)

در [illegible] میگوید

۲۰ [illegible] | [illegible] دردروشهٔ آتش [illegible]
[illegible] | [illegible] در راه [illegible] رفتم
دربارهٔ دانیال [illegible] میگوید

۱ [illegible] ۲۰۰ [illegible] ۱۱٦ [illegible] ۱۹۲٦ لاهور — دیل چاپی
۳۰۲ [illegible] ۱٦۸۳ [illegible] ۵۵۱ [illegible] ٦۷٤ الف

« چراغ افروز مسند گاه امسال | گل خورشید نوشهراده دانیال
چو دیده افتادن من قدر افراشت | بدست خود سرم از سجده برداشت
بگفت ای برهمن زاد محبت | کهن شاگرد استاد محبت »

(۱۱٦ ب - س ۱۰) درباره اکبر میگوید

« گرامی گوهر به بحر احضر | مسمی ذوالجلال الله اکبر » ٥

وبعد میرساند که تنها من درروزگار او ناکامم

خوشامدی دراین بیتها ازخود یاد کرده

من و نوعی بیاهت رادگانیم | که چون آینه اردل سادگانیم
کسی نوعی نمی آساید ار عشق | ازینها هرچه گوئی آید ارعشق
بجز نوعی که از ناکس نهادی | مرادش شد شهید نامرادی ۱۰
ترا نوعی ز مردم شرم بادا | ورین دون همتان آزرم بادا

(گ ۱۱٤ الف و ۱۱۸ الف- ص ٥و۱۲و۱٦و٤۳ نسخهٔ دانشکدهٔ حقوق)

اودرآغازاز اکبرشاه هم سپاس کرده (ص۱٤ نسخه حقوق که در نسخهٔ ما نیست)
ودرپایان رساند که من درزندانم و کارم بس زاراست (ص ٤٤)

عنوانهای بندها - ی است ۱٥

نخست آغاز حمد ایزدی جل شانه دوم مناجات بدرگاه قاضی الحاجات
سوم نعت حضرت رسالت پناه محمد چهارم صفت سبب و سبب آغاز این خجسته
داستان (در نسخه ما دارد درطلب نمودن شاهزاده دانیال نوعی را بجهت نظم
کتاب) پنجم سبب نظم کتاب (تنها درنسخهٔ ما این عنوان هست) ششم درمدح
پادشاه اکبرشاه و صفت عدل او (در نسخهٔ ما نیست به این عنوان و به شعرهای ۲۰
آن) هفتم آغازداستان مجلس نامهٔ سوزو گداز هشتم رفتن داماد بخانهٔ عروس
ودرراه فرود آمدن دیوار بر سر او نهم خبر یافتن پادشاه و طلب نمودن دختر را و
منع کردن وی ولی نپذیرفتن او دهم طلب نمودن پادشاه دختر را و انعام نمودن آن.
یازدهم دستوری پادشاه زاده ملازمان را از برای همراه جمع نمودن دوازدهم آمدن

[۱۷٤۷]　　شذور الذهب　　(عربی)

دیوان ابن ارفع راس اندلسی (۵۹۳۰) است در کیمیا و برمز میباشد. (بروکلمن پیوست ۱: ۹۰۸ – نیز آنچه که در بارهٔ غایة السرور خواهم نوشت).

آغاز: هوالله سبحانه بسمله. قال الشیخ الامام العالم العلامة برهان الدین سراج الاسلام حجة الشریعة زین الائمة شرف الفقهاء ابوالحسن علی بن موسی بن ابی القاسم بن علی الانصاری ره. قافیة الالف.

اذا ثلث المریخ بالزهرة امرؤ　　و قارن بالبدر المنیر ذکاء

انجام:

والا فلا ترتع بها فهی روضة　　قد امتلأت للرائدین الافاعیا

[۲۰۵۲]

۵۰۲ (۱) این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نسخ و حاشیه‌هائی دارد بخط نستعلیق باشارهٔ «۱۲۰» و «ص ۲» در پایان دارد «سنهٔ ۸٤٦» و پیداست که تاریخ نسخه نیست چه خط آن بسیار تازه است. گ ۲ ب – ٦۸ الف. تاریخ ۱۳۵۲ در گ ۱ الف دیده میشود

(همهٔ دفتر ۱۵۷گ – کاغذ فرنگی – جلد تیماج مشکی ساده

اندازه: ۱۳ ۱۸/۵ و ۸ ۱۲/۵ س ۱۱ و ۱۹ در ش ۲

[۱۷٤۸]　　شرح اصول الدین　　(عربی)

گزارشی است آمیخته برای رسالهٔ «اصول الدین» سنوسی که در ص ۲۱۳۷ شناسانده شده است.

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله الذی شهدت بوجوده جمیع الکائنات والصلوة والسلام علی سیدنا المبعوث بالآیات الواضحات

[۲۰۵۳]

۱۰۹۷ (۱) این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمان گونه خط ش ۱ و در گ ۱۲۳ ب – ۱٤۳ ب. ازمتن باندازهٔ س ۱۳ گ ۱۲۱ ش ۱۰۹۷/۲ هست و این گزارش در نسخه

آنچه دردو کتاب کافی کلینی و توحید صدوق ابن‌بابویه و جز ایندو آمده است
گزین و گردآوری کرده‌وخبرهای متشابه درسند ومتن‌را کنار گذارده و پس‌از
هرخبری اندکی هم گزارش‌نموده است

آغاز هوحسبی ونعم‌الوکیل بسمله . وبه‌نستعین الحمدلله‌رب‌العالمین
و صلواته و سلامه علی خیر خلقه محمد و آله‌الطیبین‌الطاهرین و بعد فیقول فقیر ۵
عفوالله تعالی حیدر علی‌بن میرزا محمدالشیروانی انی لما رأیت کتاب‌الکافی .
و کتاب‌التوحید حاویین من اخبارالتوحید والحجةالزائد والفوائد

[۲۰۵۵]

۱۱۹۹ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و تازه میباشد
برخی جاها حاشیه دارد با نشانه «منه» طاب‌ثراه» محمد باقربن محمد تقی ۱۰
دارندهٔ نسخه بوده است

جنین است انجام نسخه «وروی عن‌المفید قدس‌الله روحه انه روی مسندا عن مولی
لامیرالمؤمنین از صفحه ۲۵ تا ۱۶ دعای ردالشمس فی ردالشمس علیه ... از باب ۶ آیات
و ... علی

(۱۳۱ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج ۲۰
اندازه ۶ ۲۱ و ۹ ۱۵ س ۱۸

[۱۷۵۱] شرح تهذیب (عربی)

سیدجمال‌الدین‌بن‌عبدالله‌بن‌محمدبن‌حسن حسینی گرگانی نقره کار (صفحهٔ
عنوان‌بخط آقابزرگ) بر تهذیب‌الوصول الی‌علم‌الاصول علامهٔ حلی این گزارش
آمیختهٔ با متن را نگاشته و بسیار پسندیده و خوشگفتانه است (کشموری ص ۳۳۰ ۲۰
و ۳۳۱ ـ ذریعه ٤ ۵۱۲) چون سخنی را که تهرانی از محمد امین استرابادی
از شرح تهذیب امیر جمال‌الدین محمد حسینی استرابادی آورده، دربارهٔ اینکه
تهذیب حاجی گزیدهٔ مختصره بهی حاجی و این یکی گزیدهٔ احکام آمدی گزیدهٔ
ازمحصول رازی گزیدهٔ ازمعتمدابی‌الحسین محمدبن علی بصری معتزلی (م ٤٣٦
دربغداد) میباشد، آنچه من گفته‌ام دراین گزارش نیست پس باید این یکی ۲۵

جز گزارش آن دانشمند استرابادی باشد. نسخهٔ دیگری از همین گزارش در کتابخانهٔ ملك (ش ۱۹۵٦) نوشتهٔ مغیث‌الدین حاجی میرجعفر حسینی درشب دهم ذی‌حجهٔ ۹۸۰ (اندکی پس‌از نسخهٔ ما) دیده‌ام که در آغاز نیم‌صفحه‌ای ندارد. نیز نسخه‌ای درفهرست مجلس (۱۱۰:٤ ش ۱۲۹۸۳) یاد گردید.

۵ **آغاز** : بسمله. اللهم ان العجز عن احصاء ثنائك مقام سید انبیائك وسند اولیائك فانی لنا دعوی العجز عن تحمیدك والشكر علی جزیل عطائك. اخلائی هذا ما واعدناكم من شرح التهذیب فی علم اصول الفقه للشیخ العلامة . الحسن بن المطهر... علی وفق مقترحكم وطبق ملتمسكم.

انجام : فلیطلب فی كتابنا المسمی بنهایة الوصول الی علم الاصول فانه قد بلغ

۱۰ الغایة فیما اراد وتجاوز النهایة فی ابلاغ السالك منهج السداد والله الموفق للصواب والیه المرجع والمآب (قال الشارح المحقق) وقد فرغ العبد المفتقر الی الله الغنی جمال الدین بن عبدالله بن محمد بن الحسن الحسینی الجرجانی عن تعلیق ما هو بمنزلة الشرح فی اواسط شهر ربیع الآخر سنة تسع وعشرین وتسعمائة اوتی كتابه بیمینه وحشر یوم یدعی كل اناس بامامهم بمن اقتدی بهم فی دینه (وقع الفراغ من تحریر هذا الكتاب

۱۵ فی تاریخ شهر ذی القعدة سنه ۹۸۰)

[۲۰۵٦]

د (۲) [illegible] نستعلیق [illegible] زر [illegible] خط سرخ ودر ذی‌قعدهٔ ۹۸۰ نوشته شده است [illegible] آغاز [illegible] ۲ ب — ۲۱۰ الف.

۲۰ (۳۲۱۰) — كاغذ سپاهانی — جلد تیماج زرد سادهٔ [illegible]
اندازه : ۱۷ ۲۳ و ۱۰ ۱٦ س ۲۷

[۱۷۵۲] شرح تهذیب (عربی)

ملا خلیل قزوینی (۱۰۰۱ — ۱۰۸۹) آنچنانکه درصفحهٔ عنوان نسخهٔ ما (۱)

۱ — [illegible] در تاریخ ۱۸/۲/۱۳۵۱ (۱ الف) [illegible] بوده گویا نسخهٔ

۲۵ ما را [illegible] و من در آن كتابخانه [illegible]

گ ۲۱۰ الف پایان شرح تهذیب ش ۱۲۱۰

آمده است بر تهذیب حلی این گزارش آمیخته را نوشته و بیشتر از کتابهای سنی و کمی از شیعی در آن بهره برده است . در دیباچهٔ آن نه بکتاب نامی داده شده و نه از نگارندهٔ آن یاد شده است و از خود گزارش تا آن اندازه ایکه در نسخهٔ ما هست بر نمیآید که از قزوینی باشد و در سرگذشت او هم در کتابها چنین گزارشی
۵ یاد نکرده‌اند . همین اندازه از این گزارش برمیآید که نگارنده پس از « شیخ علی » و « شهید ثانی » میزیسته است (٦الف) و در خلال جاها از « الشارح رحمه‌الله » عبارتهائی آورده و خرده گرفت

تهرانی در ذریعه در دنبال « تهذیب الوصول » که گزارندگان آنرا برشمرد از قزوینی یاد ننمود (نیز کنتوری) و با نسخهٔ کاملی از آن دیده نشود چیزی
۱۰ نمیتوان گفت .

آغاز : بسمله . نحمدالله فی البدایه والنهایه و نشکره علی منتهی العنایة الذی نور قلوبنا بتهذیب بیان الخطاب و شرح صدورنا بافتتاح متشابه الکتاب . امابعد فغیر خفی علی ذوی العقول الـ[illegible] و البصائر الوقاده شرف العلوم الفقهیة وقد [illegible] علی [illegible] الدلائل والامارات و خص من شاء [illegible] قواعد المدارک
۱۵ والاستنباطات . فا[illegible] ذات الـ[illegible] من الالف . ممن حاز المکارم فی میدان السباق . آیةالله فی العالمین . جمال الدین الحسن بن یوسف بن مطهر . . . فانه قد صنف فیه کتبا [illegible] و کان من جملتها تهذیب الوصول الی علم الاصول . و کتب [illegible] جملة من الفوائد علی [illegible] فاستخرجها من اماکن عدیدة فی اوقات [illegible] فجمعتها شرحا [illegible] [illegible] من کتب هذا الفن

۲۰ |۲۰۵۷|

[illegible] ([illegible] چنین است
[illegible] زالماسخ
[illegible] ([illegible] ۷ [illegible]) نسخه در دست
[illegible] (٤ـ ۱۰۱۱ ۱۱۰۳) [illegible] (مخطاو)
۲۵ [illegible] ۱۰٤۳»

پس نسخه نسخهٔ روزگارقزوینی‌خواهدبود. گ۲ ب ـ ۱۲۱پ. در ۱۰الف حاشیه‌ایست به‌نستعلیق تازه با نشانهٔ «محمدبن عبدالله» .

(۱۲۲گ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد مقوائی
اندازه : ۳۰ ۲۸/۵ و ۱۱ ۲۱ س ۲۹

[۱۷۵۳] شرح خلاصة الحساب (عربی)

گزارشی است با استدلال ریاضی برخلاصة‌الحساب بهائی از شاگرد او جوادبن اسعدبن جواد کاظمی که دردیباچهٔ آن ازاستاد خود بسیار بستود وآنرا پس‌ازمرگ او (۱۰۳۰) (دیباچه) و پیش‌از ۱۰۵۳ (تاریخ نسخهٔ ۱۱۶۱ ما) بانجام رساند . و آن در تهران در ۱۲۷۳ بچاپ سنگی رسیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الواحدالعظیم والفردالقدیم . فیقول . . جوادبن اسعدبن جواد لماکان علم‌الحساب مما اشتهرعلوه رتبته عند اولی‌الالباب .

[۲۰۵۸]

۱۱۶۱ این نسخه به‌[illegible] است و عنوانها سنگرف و متن زیر خط سرخ یا سیاه میباشد ودرروز ٤ رجب ۱۰۵۳ درزمان خودکاظمی از روی خط او نوشته شده‌است . حاشیه‌هائی با نشانهٔ «[illegible]» فراوان دارد وبا «منه دام ظله» درچندین جا برخی حاشیه‌ها با نشانه «احمدبن عبد» و «م شیخ شریف ، شیخ محمد شریف ، م ش ، محمد شریف» است درخیلی جاها متن خط خورده و سیاه کرده شده وگویا بدستور خودکاظمی بوده‌است . نسخهٔ تصحیح شده است [illegible] هائی درحساب پارسی وتازی درهامش آمده است . کتاب ٤ ب ـ ۱۱۹ الف

(۱۲۱گ ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی تهٔ آن سرخ
اندازه ۱۳ ۲۰ و ۷۵ ۱۴ س ۲۰

[۲۰۵۹]

۱۱۹۰ این نسخه به‌خط نستعلیق است وعنوانهاشنگرف ومتن زیرخط سرخ میباشد و [illegible] صفحهای [illegible] در روز پنجشنبه ۱۹ شوال ۱۱۱۹ آنرا نوشته است حاشیه‌هائی دارد برخی با نشانهٔ «احمد دام ظله» و «منه قدس سره» .

(۱۱۵گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۵/۵ ۲۰/۵ و ۷ ۱۵ س ۲۱

[۱۷۵۴] **شرح الشرح** (عربی)

محقق تفتازانی (۷۲۲-۷۹۲) برشرح قاضی عضد ایجی برمختصر منتهی ابن حاجب این گزارش را که نزدیک به هجده هزار بیت است نوشته و در خوارزم در ۲۰ ذی‌حجهٔ ۷۷۰ آنرا بپایان رسانده درفهرست طوس (۲ ۱۹۵ ش ۳۲)

۵ نسخهٔ تاریخ ۸۵۱ ازهمین گزارش بنام « حاشیه برشرح مختصر اصول عضدی » شناسانده شده و چون آغاز آن افتاده بود ندانستند از کیست نسخهٔ سپهسالار (۵۸۰:۱) تاریخ ۹۸۱ رادارد. چلبی هم از آن یاد کرده است (۲ ۸ ۵۳)

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی وفقنا للوصول الی منتهی اصول الشریعة الغراء وشرح صدورنا بنور الاهتداء الی سلوك محجتها البیضاء والصلوة علی سیدنا محمد

۱۰ خیرالرسل وختم (خاتم) الانبیاء و علی آله و اصحابه هداة السبیل الی النجاة یوم الجزاء و بعد فکما ان المختصر للشیخ الامام جمال الدین ابن حاجب خصه الله من الکرامة باعلی المراتب یجری من الاصول مجری الغرة من الکمیت بل الدرة من الحصی والواسطة من العقد لا الغرة من الحلی کذلك شرحه للعلامة المحقق النحریر المدقق عضد الملة والدین اعلی الله درجته فی علیین یجری من الشروح

۱۵ مجری العذب الفرات من الملح الاجاج ... عن العیون من ... الفجاج و یلوح خلالها ... بدر ... الامام (لم یر) ولم یرو مثله فی زبر الاولین ولم یسمع بما وارده ... الاخرین

انجام وهذا معنی قوله ... والله الهادی سبیل الرشاد والمسئول لنیل العصمة والسداد وهو ... ونعم الوکیل (وصلی الله علی سیدنا

۲۰ محمد ... وعلی آله وصحبه اجمعین) (قال المصنف) وقد اتفق الفراغ ...) الفقیر الی الله الغنی مسعود بن ... فی ... ذی الحجة (۷۷۰) سبعین وسبعمائة ... نسخهٔ تاریخ ۱۰۰۰ بخط ... سپهسالار (۱: ۵۸۰)

(کمل انتساخ شرح الشرح من جمع الفاضل الاوحد عمدة المجد وعماد الفضل السعد سعدالدین التفتازانی اعلی الله کعبه کما جعل جنابه لحجیج الفضل کعبة والمشروح (من) مصنفات قاضی القضاة علم الهدی الذی یاتم به الهداة عضدالدین تغمده الله بالرضوان و بواه بحابیح الجنان شرح مختصر منتهی السئول تألیف الشیخ الامام جمال العرب ابی عمر و عثمان بن الحاجب المالکی رحمه الله لسبع بقین من المحرم المحرم من شهور سنة سبع وسبعین و سبعمائة هجریة نبویة والکاتب هو عبدالله ابوالمعال بن محمد بن مسعود الحسنی نجارا (؟) وفخارا والهروی داراً وقراراً کتبه حامداً ومصلیاً ومسلما.)

[۲۰۶۰]

۱۱۷۵ این نسخه بسیار پاکیزه و کهن تصحیح شده بنسخ بی نقطه است. عنوانهای قوله و عنوان مطلبها بشنگرف یا بنسخ درشت سیاه میباشد و ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن مسعود حسنی هروی در هفت روز مانده از محرم ۷۷۷ هفت سال پس از نگارش تفتازانی و در زمان او آنرا نوشته است. حاشیه‌هائی دارد بخط ریزتر با نشانه «هـ» یا «۱۲» و در ۲۷ الف با نشانهٔ «سلطان دام ظله» و در ۳۳ و ۳۴ الف با نشانهٔ «سلطان العلماء دام ظله العالی». برخی برگها در میانه پهنای کمتری دارد. در ۱ الف بیازی دارد که «عبدالغفار الرضوی» نسخه را به «عبدالباقی الرضوی» که پسر بزرگتر و گرامی تر او بوده است بخشید بخط شکسته نستعلیق ومهر پدر و یا مهر پسر در دوجا. مهر «عبده الموفق المستمداد محمدعلی بن عبدالجواد» هم در اینجا هست. مهری گرد و ناخوانا در ۲ الف دیده میشود. همچنین مهری گرد کوچك و ناخوانا در پایان زده شده است. این نسخهٔ ششصد ساله تا اندازه‌ای خوب مانده است.

(۱۶۱ ۳ب) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد ضربی
اندازه: ۳۰/۵، ۲۵ و ۱۴ ۱۹ س ۳۶

[۱۷۵۵] شرح شواهد مجمع البیان (عربی)

ابی محمد میرزا محمد حسین بن محمد طاهر شریف وحید آنچه از شعرها که طبرسی در مجمع البیان گواه آورده است در این گزارش از رهگذر لغت

گ ۱۶۱ ب پایان شرح الشرح ش ۱۱۷۵

گذارده که پس‌ازاین پر کند و گویا برای این بود که در کنار برگها یادداشت میکرد که بکدام کتاب بنگرد و در آن سفیدیها بنویسد و گاهی در آن سفیدیها نوشته که « بیاض صحیح » یا « اندکی بیاض بقدردو سطر گذاشته شود » یا « یك سطر بیاض بگذارد » و اینها مانا پس‌از نگریستن بکتابها بوده است. دراین یادداشتها گاهی نوشته که بفلان کتاب نگریسته شود و اگر نیست زده شود. ۵

اینك نمونهٔ کمی از آنها که بسیار است: « استشهاد ملاحظه » و « اصل نسخه ملاحظه » و « استشهاد از تبیان معلوم » و « س دیده شود سله » و « حدیث دیده شود از جای دیگر » و « نسخ ملاحظه » و « شرح قصاید دیده نشده » و « لغات ابیات قبلا ازلغت نوشته شود و « عبارت ازهری ازاصل نسخه ملاحظه » و « کشاف و دیوان ابی‌تمام ملاحظه دارد و نسخ ملاحظه موافق » و « صحاح ۱۰ ملاحظه ومراجعه شود وعبارت و لغات از کتب ملاحظه ».

کتابهائیکه او بدانها می نگریسته ازهمین یادداشتها پیداست‌مانند:

تاریخ ابن‌خلکان، مجالس‌المؤمنین، تفسیرثعلبی، تبیان، کشاف، معالم التنزیل، شرح نهج، دیوان، مجمع‌الامثال، مطول، کتاب سیبویه، شرح مفصل، شرح رضی، شرح تصریف رضی، شرح شواهد کشاف، شرح شواهد ۱۵ مفصل، شرح ابیات‌ایضاح، برهان‌قاطع، تهذیب‌ازهری، معجم، صحاح‌جوهری نهایة ابن‌اثیر، قاموس.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الاکرم‌الذی خلق‌العلم و اخرج‌الانسان من کتم العدم وعلمه مالم یعلم وخوله جزال‌النعم ورزقه من‌الطیبات و کرم و فضله علی کثیر ممن خلق وعظم... وبعد فان‌الانف یتلوه‌الحتف والکشف یانفه‌السجف ۲۰ والخلف وراءالامام ولکل حاملة تمام.. وتشبثوا فی امور کم بذیل‌القرآن... وتمسکوا‌بالاستکشاف کوامنه فی مکامنه و استخراج فرائده من معادنه بالتفسیر المسمی بمجمع‌البیان.. غیر ان اکثر فیه‌الاستشهاد بمنظومات‌الفصحاء و شحنه بالاستدلال بماثورات‌البلغاء وهن بخدورهن محتجبات وفی خدوجهن مستترات

وفيه نبذ من الذلل وشيء من الخلل فاختلطت الغثوث بالسمان وامتزجت الاصداف بالجمان فان اردت ان تطلع على حقيقة معانيها المسبوكة من الابريز و تصوغها في غالب المعرفة والتمييز وتعرف مزاله وتستبين مضاله فانظر الى «شرح شواهد» اقل الاماء والعبيد و احوج المحتاجين الى عفو بارئه اللطيف المجيد «ابي محمد محمد حسين بن محمد الطاهر الشريف الوحيد» فانه ... علق ... على شواهده شرحا راض صعابها و كشف منها نقابها و ذلل ماردها وزين ناهدها و ربما ذيل الشرح بما مميز الخطاء من الصواب وافرز المعمر من اليباب .

انجام : وسوس يدعو مخلصاً رب الفلق . سرأ وجه اون ناوين العقق . مر في شرح شواهد تفسير سورة الاعراف (تمت كتابة الكتاب بعون الملك الوهاب . قدوقع الفراغ من تسويد هذه (؟) الكتاب في يوم الاحد من شهر ذي الحجة الحرام من شهور سنة سبع و مائة بعد الالف من الهجرة النبوية على هاجرها الف الف تحية و سلام على يد اقل الخليفة بل لاشيء في الحقيقة ابن شيخ رجبعلي زين العابدين–١).

١– از روی نسخهٔ کامل استاد دانشمند آقای اعتماد زادهٔ مازندرانی که نسخه‌ایست در دو جزء و پنج و شعرها و نشانه‌ها شنگرف و در ٥٨٨ برگ با شماره و مانند اصل جز در برخی از جاها هیچ سپید گذارده نشده و زین العابدین بن شیخ رجبعلی در روز یکشنبه ذی حجه ١١٠٧ آن را نوشته است [illegible] از [illegible] برگها شمارهٔ برگ جداگانه [illegible] از گشت داده شده یا شعر [illegible] که در آن برگها با آن پیوستگی دارد نشان داده شده است و این شماره گذاریها [illegible] است دو کس که اینده را بخوبی خوانده و [illegible] انجام یافته است . نام سوره‌ها در گوشه راست بالای برگها نوشته شده و [illegible] از سوره‌ها با نشان دادن برگها در [illegible] ١ ب [illegible] شماره‌ای هست .

در ٢ الف [illegible] هذه [illegible] الى [illegible] ادال اليتامى فلذا لا تغلوا من صحة [illegible] که [illegible] است برمیاید که گزارنده و شارح [illegible] اصل نسخه‌ای [illegible] و چیزهائی را نوشت و کاست [illegible] نبود [illegible] یا چنانکه در بسیاری از جاهای [illegible] سطر بیاض بگذارد و عبارتها را [illegible] است چنانکه این نسخه [illegible] حاشیه در صفحهٔ پس از این

انجام نسخهٔ طوس : شواهد تفسیر سورة الفلق منها (همانفثافی فی من فمو یهما (فسو یهما) علی النافث العاوی اشدر جام) مر فی شرح شواهد تفسیر سورة الزمر (ص۵۱۳ الف نسخهٔ کامل) والاستشهاد به هنافی قوله نفثافان النفث شبیه بالنفخ. شواهد تفسیر سورة الناس منها (تسمع للحلی وسواساً اذا انصرفت ـ کما استعان بریح عشرق زجل) مر فی شرح شواهد تفسیر سورة اعراف (۲۵۸ ب) ومنها (وسوس یدعو مخلصاً رب الفلق ـ سراً وقد اون تاوین العقق) مر فی شرح شواهد تفسیر سورة الاعراف (۲۵۸ ب) ـ قد فرغ من تسوید هذا الکتاب فی یوم الثلثا غرة شهر رجب المرجب من شهور سنة ثمانی وخمسون و مأتان بعد الالف من الهجرة النبویة علی هاجرها الف الف تحیة وسلام ۱۲۵۸ (۱) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

با آن یکی کم و بیش دارد . چنانکه در گزارش بیت :

« الا ن فقد فرغت الی نمیر   فهذا حین صرت لهم عذابا »

در سورهٔ یونس در این نسخه گ ۲۹۹ عباراتی آمده که در نسخهٔ ما (۹۷ ب) نیست و در آن سفید گذارده شده و دارد « یك سطر بیاض بگذارد » در همینجا کسی (گویا دارندهٔ مهر « عبده محمد زکی » یا « لااله الاالله الملك الحق المبین الرضا » از روی دو مهری که زیر آن نوشته هست) بتازی گواهی میدهد که این « شرح شواهد مجمع البیان فی تفسیر القرآن » گردآوری « میرزا محمد حسین پسر میرزا محمد طاهر وحید » است . محمدمهدی حسینی حسنی در ۱۲۱۵ نسخه را خریده وخط و مهر او هست. نسخه از کتابخانهٔ حاج میرزا باقر قاضی در تبریز بوده وسید حسن فراهانی تبریزی هم در ۱۳۷۱ دارندهٔ نسخه بوده است .

نسخه‌ای دیگر از این گزارش در طوس هست و از آغاز سورهٔ رعد است تا پایان قرآن و بتاریخ یکم رجب ۱۲۵۸ و به ش ٤۸۷٤ وچنین است :

آغاز . شواهد تفسیر سورة الرعد (کان عینی فی غربی مقتلة ـ من النواضح تسقی جنة سحقا) مائله زهیر وقبله مر فی شرح شواهد تفسیر سورة البقرة عندقوله(مازلت ارمقهم حتی اذاهبطت) وبعده تمطوا الرشاء فتجری فی ثنایتها ... (برابر با گ ۳٤۵ ب نسخهٔ کامل) .

۱ـ نیز از روی همان نسخه کامل ـ بروکلمن در پیوست تاریخ فرهنگ عربی (۱.۸۰۷) از نسخهٔ کتابخانه دیوان هند لندن (۱۱۰۷) ازهمین شرح شواهد مجمع البیان یاد میکنند .

[۲۰٦۱]

۱۱۷۱ این نسخه نستعلیق و شعرها نسخ و شنگرف میباشد . در بسیاری از جاها سفید
گذارده شده و بحاشیه باخط ریزتری کارفته و خط خورده است . درمیانهٔ برگها
برخی جاها سفید گذارده شده دارد « بیاض صحیح » پیداست که نسخهٔ پیشنویس و مسودهٔ خود
۵ نگارنده است و کاریك نگارندهٔ ایرانی ازاین نسخهٔ اصل بخوبی نموده میشود . در ۱
الف دارد « شواهد خط مصنف » و « شواهد مجمع البیان من آیة (وآمنو بماانزلت
مصدقاً لما معکم) فی اول سورة البقره الی اواخر سورة یوسف مع تأخیر سبعة اوراق
منه فی الآخر ونقدیمها فی الاول وقع من الصحاف » و « مال آقا محمد خلیل » . همین
نسخه را تهرانی چنانکه درحرف ش ذریعه (نسخهٔ خطی) نوشته در کتابخانهٔ حاجی
۱۰ شیخ محمد سلطان المتکلمین در تهران بسال ۱۳۵۱ دیده است .
چنانکه دیده‌ایم هفت برگ درپایان بوده و باید در آغاز باشد ودرصحافی جابجا
کرده‌اند واکنون درجای خود گذارده شده است . پس نسخه چنین میباشد :
آغاز : فـالام . . . (سفید گذارده شده باندازهٔ چند کلمه‌ای ولی درنسخه آقای
آیة‌الله زاده عبارتهائی آمده که دراین نسخه نیست) الاستشهاد فی قوله الام طاعم
۱۵ بانه ارادالام من طعم اوالاحفر بین اوفوج طاعم و لذا افرد طاعم . ومنها « من اناس
[illegible] الاحلام .. عاجل الفحش و لاسوء الجزع » قائله سوید بن ابی کاهل (روی عبارت
[illegible] کاهل درنسخهٔ ما خط کشیده شده ولی در نسخهٔ آقای آیة‌الله زاده گ
۵۹ [illegible] هائی در آن افزوده دارد که در نسخهٔ ما نیست) .
انجام : [illegible] والردی الك لازم —
۲۰ [illegible] قائلها [illegible] کدام . .
[illegible] والمنادی
[illegible] حملة اسمیة (گ ۳۳۹ الف
[illegible] آقای [illegible] و آنچه درحاشیه نسخهٔ
[illegible] خورده است) .
۲۵ [illegible]
آغاز [illegible]) الهداه السکون
[illegible] وهوالحدث بالليل
[illegible]) الاستشهاد به كالاستشهاد بماقبله
[illegible] (وانشدالا صراع)
۳۰ (این عبارت [illegible]) (گ ۷۹ الف نسخهٔ آقای آیة‌الله زاده)

گ ٢٠ الف شرح شواهد مجمع البيان ش ١١٧١

٢٠٩٠ الف شواهد مجمع البلدان س ١١٧١

انجام : « وماذنبه ان عافت الماء باقر ــ وما ان تعاف الماء الا لیضربا » قائله الاعشی ... الاستشهاد به فی قوله باقر فانه جمع البقر کالجامل للجمل (کجامل وجمل قال الجوهری الباقر جماعة البقر مع رعاتها ــ نسخهٔ آقای آیة الله زاده گ ۷۸ ب) ومنها (این عبارت بعبارت بالا میپیوندد) .

۵

(۱۱۱ گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد ندارد

اندازه : ۱۶ ۲۶ و ۱۱ ۲۲ س ۲۳

[۱۷۵٦] شرح کافیه (عربی)

جمال الدین ابن الحاجب ابی عمرو عثمان بن عمر مالکی نحوی اصولی (م ٦٤٦) در نحو کافیه نوشته و آنرا شیخ رضی الدین نجم الائمه محمد بن الحسن استرابادی نحوی شیعی گزارشی نمود که در نجف بسال ٦۸۳ یا ٦۸٦ آنرا بانجام رساند (چلبی ۲:۱۳۷۰) ۱۰

این گزارش در ایران بخط نسخ محمد هادی بن بهرام طالقانی در روز سه شنبه ۱۸ ج ۱۲۷۱/۱ با حاشیه‌هائی نستعلیق برخی با نشانه « س سره » که از میرسید شریف میباشد باندازهٔ رحلی بچاپ سنگی رسید (بنگرید بفهرست آقای منزوی ۲:۱۲۹۶ و ٤۰۷)

آغاز : بسمله وصلی الله علی محمد و آله وسلم وبه نستعین . الحمدلله الذی ۱۵ جلت آلاءه عن ان تحاط بعد و تعالت کبریاءه عن ان تشتمل بحد ... وبعد فقد طلب الی بعض من اعتنی بصلاح حاله ... تعلیق مایجری مجری الشرح علی مقدمة ابن الحاجب فی النحو عند قراءتها علی فانتدبت له . . . ثم اقتضی الحال بعد الشروع التجاوز عن الاصول الی الفروع فان جاء مرضیاً فببرکات الجناب المقدس الغروی صلوات الله علی مشرفه لاتفاقه فیه . ۲۰

انجام بخلاف زیادة الانکار لان هذه انما تزاد اذا لم یقصد الوقف .

|۲۰٦۲|

۱۱۵۳ این نسخه نسخ خوش و معرب در برخی جاها و عنوانهای قوله و نشانه‌ها شنگرف و متن پس از قوله زیر خط سرخ میباشد نسخه بدلها درهامش

(طوس ۱۵:۳) (۱) .

آغاز : بسمله . (الکلمة لفظ وضع لمعنی مفرد) معنای کلمه در اصل لغت یك سخن است و معنی وی در اصطلاح نحوی (نحویان) لفظی است که نهاده شده باشد از برای معنیئی که مفرد است والف ولام در کلمه از برای جنس است یعنی جنس کلمه وماهیت او پیش نحویان آنستکه مذکور شد . ٥

انجام : پس علامت اعراب پیش از او نشاید که ظاهر شود زیرا که وسط کلمه است و بعد از او نشاید که لازم آید آنکه اعراب فعل جاری بر حرفی شود که کلمهٔ دیگر است حقیقة (نمت تمت . تمت) . (مانند نسخهٔ طوس)

[٢٠٦٣]

۱۱۶۲ این نسخه تازه درست مانند چاپی و بنستعلیق است ومتن نسخ و زیر خط سرخ و آغاز بندهای متن در برخی جاها شنگرف میباشد . نیمهٔ دوم صفحهٔ نخستین ١٠ رفته و کاغذ تازه تری چسبانده‌اند . برگ دوم هم نیست . خط دارندهٔ نسخه و مهر «یا اباعبدالله الحسین» او در ۲ الف هست .

(۱٦۰ ب) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج اریاکی
اندازه : ۱۲/۵ ۲۲ و ۷/۵ ۱۴/۵ س ۱۸

[٢٠٦٤]

۱۲۱۸ این نسخه بخط نسخ است و پاره‌های متن زیر خط سرخ وعنوانها ونشانه‌ها ١٥ شنگرف میباشد . عنوان مطلبها درهامش هم آمده است . شعیب خاقان بن محمد درروز پنجشنبه ۲۸ رجب ۱۱۰۸ نوشتن آنرا بپایان رساند . در برگ ٦٧ الف حاشیه‌ایست بتاریخ ۱۲٦۱ ــ مصطفی حسینی در ۱۳۲٤ دارندهٔ نسخه بوده است (خط ومهر او در ۱ الف) چنین است انجام آن : (والمفتوح ماقبلها تقلب الفا) وآنچه مذکور گذشت آن حکم نون خفیفه در وقف درصورتی بود که ماقبل آن نون مضموم ومکسور ٢٠

۱ ــ چلبی مینویسد که میرسید شریف و علاءالدین قوشچی و محمد امین هروی (برای امیر علی شیر بسال ۸۸٤ بنام ارجاح المعلمین ش ۳۵۵۹ ملك) بر کافیه گزارش فارسی نوشته‌اند (۲ : ۲٤۹) درذریعه (٤ ۱۲۹) آمده که آقاهادی مترجم پسر محمد صالح بن احمد مازندرانی (م ۱۱۲۰) کافیه را بپارسی کرد . عبدالنبی احمد نگری درجامع الغموض کافیه را بپارسی گزارش نمود (چاپ کانپور در ۱۳۰۳) .

این گزارش گرگانی درحاشیهٔ کافیهٔ لکهنو در ۱۳۱۳ دیده میشود (فهرست ٢٥ فارسی چاپی موزهٔ بریتانیا چاپ ۱۹۲۲ س ۷۱۵) همهٔ این گزارش درمطبع بشیری کلکته بسال ۱۲۷۹ در ۱۹۰ س بامتن بچاپ سربی رسید و مانند دو نسخهٔ ما و طوس دیباچه‌ای در آن نیست . دومین نسخهٔ ما از همین گزارش ، ترجمهٔ فارسی است باگزارش کوتاه تر در نیمه‌های دوم .

باشد ... واختم لی بخیر واصلحت خیرا پس میگوئی دراضربن اضربا درحال وقف ـ این نسخه گویا املای دیگریست ازمیرودر نیمهٔ دوم گزیده‌تر از آن یکی میباشد و همهٔ متن هم در آن بند بند آمده است .

(۱۸۸گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ساده

اندازه : ۱۹×۱۴ و ۷/۵ ۱۳ ۵ س ۱۷

[۱۷۵۸] شرح مراح الارواح (عربی)

کتابی درصرف بنام مراح الارواح نگاشته شده و درپی دانشجویان دینی آنرا میخوانده‌اند . خوانساری درسرگذشت عصام (ص ۵۰) نگارندهٔ آنرا درست نشناخت و سیوطی در بغیة الوعاة هم ندانست که او کیست مگر اینکه نسخهٔ قاهره از ۸٤۰ است (معجم المطبوعات ص ۳۷٤ و۹۰٦) دردیباچهٔ این شرح، متن ازاحمدبن علی بن مسعوددانسته شده و گویا همان ابوالقاسم احمدبن علی بن مسعودبن عبدالله نحوی (م ٦۱۳) باشد .

مراح در کارخانهٔ حاجی ابراهیم بکوشش عبدالرحیم در ۱۲۹٦ در ٤۷ ص خشتی بنسخ و با حاشیه‌های نستعلیق بچاپ سنگی رسید .

این گزارش به « دول » و از ملاحسن پاشا فرزند علاءالدین اسود است (طوس ۲۷۰۳ ش۹۷) و گویا درروز ۲۵ رمضان ۸٤۱ بنگارش در آمده است گزارشهای دیگری هم بر آن نوشته‌اند (چاپی ٤۱۵۰۲)

آغاز : بسمله و به نستعین الحمدلله الذی صرف اخبار ملو بنا الی الصراط المستقیم... وبعد فان الکتاب المسمی بمراح الارواح فی التصریف للامام .. احمدبن علی بن مسعود [illegible]

انجام : [illegible] الکتاب غنی عن الشرح .

[۲۰٦۰]

[illegible] درپایان آن آمده [illegible] وقد فرغ من تسوید

هذه‌الاوراق فی وقت‌الضحی فی خمسة و عشرین من شهر رمضان‌المبارک تاریخ سنة احدی واربعین وثمانمائة قد وقع‌الفراغ من شهورسلة ستة عشروتسعمائة فی‌اوائل شهر ذی‌القعده علی ید خضر بن تمورتاش الاقهاری‌المحتاج الی‌رحمة‌الرحمن ». درالف‌دارد که علی اصغر حسنی حسینی آنرا خریده‌است

(۸۴گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد مقوای ته میشن

اندازه : ۱۴ . ۱۸ و ۱۰ ۱۳/۵ س ۱۹

[۱۷۵۹] شرح ملخص (عربی)

گزارشی است ازسید شریف علی گرگانی (۷۴۰ ــ ۸۱۶) بر « الملخص فی‌الهیئة البسیطة » چغمینی خوارزمی (م ۷۴۵) که پاره‌ای از عبارتهای متن را باعنوان قال‌آورده و گزارش نموده‌است ودیباچه را گزارش نکرد. نسخهٔ تاریخ ۸۶۲ این گزارش درطوس هست (ش ۱۲۳ ج ۳ ص ۳۳۸ فهرست آنجا) (۱) ۱۰

آغاز : بسمله . و به نستعین . رب یسر ولاتعسر . سبحانك اللهم یا مدبر اطباق‌السموات بلاعمد و اوتاد علی‌القطب والمحور . و یا مزین اجرام‌العلویات بالثوابت والسیارات والنیرالاعظم والاصغر . . . و بعد فقد دلت‌البراهین‌العقلیة والشواهدالنقلیة علی ان اقصی ما یترجی للانسان من معارج‌الکمالات و اعلی مایتسنی له من مدارج‌السعادات معرفة‌الصانع بتقدیس‌ذاته وتنزیه صفاته وان‌ذلك ۱۵ بالتفکر فی‌المبدعات و اسرارها والتدبر فی‌المصنوعات و اطوارها و علم‌الهیئة الباحث عن‌الافلاك واشکالها والکاشف عن‌العناصرواحوالها نعم‌العون علی ذلك ... ثم ان‌المختصرالموسوم بالملخص قد احتوی من اصوله علی قواعدها ومن فروعه علی نکتها و فوائدها یجمع الی وجازة‌الالفاظ غزارة‌المعانی و یضم الی رشاقة العبارة وثاقة‌المبانی فشرحته شرحاً یتضح به سرائره وینکشف عن‌وجوه خرائده ۲۰ ستائره واشرت فی‌بعض‌المواضع الی مایتوجه علیه واجتهدت فی‌دفعه حسبماوصل ذهنی الیه مراعیاً فی ذلك شریطة‌الانصاف منفادیاً عن طریق‌الاعتساف وهاانا

۱ــ نگریده به : ص۹۱۷ وص ۷۸ بازپسین سخن بخش۲ همین فهرست ــ چلبی ۵۱۷:۲ ــ بروکلمن ۴۷۳:۱ وفهرست نامهای جلد ۳ پیوست درچغمینی .

جمال‌الدین ابراهیم‌بن محمد طبسی رسیدم و او این رساله را بدید و پسندید ودستور داد که حساب خطائین وحساب وزن اعمال را بر آن بیافزایم – ملاعبدالعلی بیرجندی (م ۹۳٤) بر آن گزارش نوشته است (چلبی ۲:٦۹ – طوس ۳–۳٤۱) .

آغاز : الحمدلله‌الفرد بلاندالمنزه عن‌الزوج والضد لامرکب فینحل ولا اول له فیعلل . . و بعد فان .. الحسن‌بن محمدالنیشابوری یعرف بنظام ... یقول الحساب علم لایکاد یستغنی عنه طلاب‌العلوم . ٥

انجام : لکنه نافع فی تشحیذالذهن و مؤکد لصحةالعمل والعمدة هی ماذکرنا والتوفیق من واهب‌الوجود .

[۲۰٦۷]

۱۱٦۸ این نسخه نی ۱۰ دمر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌ها و رقمهای شنگرف میباشد . مهر « محمد باقر » در ۲ الف هست حاشیه‌هائی در آن هست با نشانه‌های «مح» یا «شرح» و ۱۲ ، و حز آن . گ ۲ ب – ۸۰ ب . ۱۰

(همهٔ دفتر ۱٤۸گ – کاغذ فرنگی – جلد ندارد

اندازه : ۹/٥ ۱٦ و ۱۱/٥ س ۱٥

[۱۷٦۱] الشموس المضیئة (فارسی) ۱٥

مولی احمدبن حسن بیرجندی یزدی (م نزدیك ۱۳۱۰) پس از نگارش نامهای صالحات و بحرالدموع و سماءالغزوات و خزائن‌الانوار و ینابیع‌الموعظه بدرخواست دوستان سرگذشت پیامبران را از روی قرآن و اخبار در این دفتر آورد و در پسین روز دوشنبه صفر ۱۲۹۱ آنرا بپایان رسانید (اعلام‌الشیعه ۱ ۹٥)

آغاز : هذا کتاب شموس‌المضیئه بسمله الحمدلله‌الذی توحد بالقدم والبقاء و تعزز بالعظمة والکبریاء . . امابعد چنین گوید .. احمدبن حسن البیرجندی الیزدی ۲۰

انجام :

خانهٔ هر کس ز نو آباد شد خانهٔ خود را ببین برباد شد

قد فرغت من تسوید هذاالکتاب المستطاب فی عصر یوم الاثنین من شهر صفر المظفر فی سنة احدی و تسعین و مأتین بعد الف من الهجرة النبویة صلی الله علیه وآله وسلم .

[۲۰۶۸]

۵ ۱۱۹۷ این نسخه بنسخ و عنوانها در برخی جاها شنگرف میباشد وسید محمد بن حیدرحسینی یزدی حمصی در ۲۶ صفر ۱۲۹۱ آنرا نوشت .

(۳۲۷۲ش) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی مقوائی

الداره : ۱۷؛ ۲۳/۵ و ۹/۵ ۱٦ س ۲۳

[۱۷٦۲] شیر و شکر (فارسی)

۱۰ منظومه‌ایست ازشیخ بهائی که چندبار بچاپ رسیده است .

آغاز :

ای مرکز دائرهٔ امکان | وی زبدهٔ عالم کون و مکان

تو شـاه جواهر ناسوتی | خورشید مظاهر لاهوتی

انجام :

۱۵ پیوسته خجسته مقامش کن | مقبول خواص و عوامش کن

[۲۰٦۹]

این نسخه ش ۳ [illegible] و [illegible] ش ۱ [illegible] ۹۸ الف ــ ۱۰۰ ب ، محمد ابراهیم آتش درشب [illegible] ۲۲ ذیحجه ۱۲٦۳ آنرا نوشته است .

[۱۷٦۳] [illegible] (فارسی)

۲۰ همان کتاب الاسماء والالقاب از مولی ملاخلیل قزوینی است که در ش ۱۳۸۵ همین فهرست شناسانده شده است

[۲۰۷۰]

این [illegible] و [illegible] و با عنوانها و نشانه‌های [illegible] در هامش [illegible] شده وروی [illegible] ازعبارتها

خط خورده است . پیداست که نسخهٔ اصل درست شدهٔ دست قزوینی است . برخی جاها وصالی شده و کاغذ نوتری چسبانده‌اند ولی نسخه پاکیزه مانده است . دو گ ۱ الف دارد « وقف براولاد الاقرب فالاقرب شد » و در برخی جاها در آغاز و انجام روی سطور نوشته شده «وقف عام» این نسخه را آقای دکتر مصباح زاده استاد دانشکدهٔ حقوق باین کتابخانه بخشیده‌اند . این نسخه همهٔ کتاب ایمان و کفر را دارد نه مانند نسخهٔ ش ۶۸۲ که تا بند ۲۱ باب ۲۰۳ میباشد . از سنجیدن ایندو نسخه برمیآید که قزوینی در نسخه‌های خود دست می‌برده است . این کتاب در ج ۱۰۶۷/۱ آغاز و در روز سه شنبه ۱ ج ۱۰۶۸/۲ بانجام رسید .

آغاز بسمله . و به ثقتی « الحمدلله الذی حبب الینا الایمان و کره الینا الکفر والفسوق والعصیان ... و بعد چون بتوفیق الهی و توجه پادشاهی مأمور شد فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی عفاالله عنهما بشرح کتاب کافی . . الکلینی . . . بزبان فارسی و بانجام رسانید شرح کتاب العقل و کتاب التوحید و کتاب الحجة را شروع نمود در شرح کتاب الایمان والکفر که کتاب چهارم است از کتب کافی بتاریخ جمادی الاولی سال هزار و شصت و هفت هجری و علی الله التوکل » (افزودهٔ در هامش) اصل . کتاب الایمان والکفر «این کتاب چهارم است از سی کتاب که جزء کتاب کافی ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رحمه‌الله تعالی است (روی این بند خط سرخ کشیده شده) الایمان گرویدن بربوبیت رب العالمین که عمل دانست .

انجام : اصل . هذا آخر کتاب الایمان والکفر والطاعات والمعاصی من الکتاب الکافی والحمدلله وحده و صلی‌الله علی رسوله محمد و آله . شرح . این از الحاقات کاتبانست . یعنی : این آخر کتاب ایمان و کفر و طاعات منجیات و معاصی مهلکاست از کتاب کافی و سپاس الله تعالی راست تنهائی و درود فرستد الله برسول او محمد و آل او . فرغ الشارح خلیل بن الغازی القزوینی عفاالله عنه وعن والدیه واخوانه واعوانه من تحریر شرح هذا الکتاب یوم الثلثاء غرة جمادی الثانیه سنة ثمان وستین والف هجریة حامداً مصلیاً .

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد و آلش تمام

بلغ بعون‌الله من اوله و آخره

(۳۸۰گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تماج سرخ مقوائی با برگردان

اندازه : ۱۹ ۲۸ و ۵ ۹ ۲۰ س ۲۳

[۱۷۶٤] الصحیفة الثانیة (عربی)

شیخ محمدبن حسن حرعاملی درابندفتر آنچه از دعاها که دانشمندان از سید سجاد آورده‌اند ودر صحیفهٔ نخستین نبود گرد آورده و دردیباچه آن میگوید که من مقدمه‌ای دارای بیش‌ازهشتاد فصل درخبرهائیکه ازپیشوایان شیعی دربارهٔ دعا آمده است ساخته بودم وپدرخواست دوستان آنرا ازاین دفتر برداشتم وبهمان دعاها بس کردم تا بدرازا نیانجامد وخسته کننده نباشد عاملی درخطبهٔ دیباچه ازبسیاری از کتابهای شیعی یاد نموده وسندهای دعاها را در کتاب نیاورد .

آغاز : بسمله . الحمدلله المجیب من دعاه القریب ممن ناجاه الذی جعل الدعاء جنة واقیة وجنة باقیة وعدة الداعی ونجاح الساعی . . . فیقول . . محمدبن الحسن الحرالعاملی لایخفی شرف الدعاء .

انجام : وکان من دعائه ع یوم الجمعة . . یامن اطهر الجمیل وستر القبیح .. وان تفعل بی کذا وکذا .

[۲۰۷۱]

این نسخه [illegible] ... ۲۰۰ [illegible]

(۳۰۱ه) ـ کاغذ [illegible] تیماج [illegible]

اندازه : [illegible]

[۱۷۶۵] [illegible] (عربی)

[illegible] ۹۲۰ [illegible] شناسانده شده و شیخ بهائی

[illegible] از گرامی‌ترین دوستان

[illegible] اشاره و [illegible] بپرداخت و در بارهٔ

[illegible] هائی نوشته که در نسخهٔ

۹۸۷/۲ ما در کنار برگهاپاره‌ای از آنها آمده و باعبارت (منه) پایان مییابد (۱) .

[۲۰۷۲]

۹۸۷ این نسخه ش۲ دفتری است دارای ٥ رساله و این رساله بخط نستعلیق میباشد باعنوانهای درشت‌تر و با نشانه‌های شنگرف ودرپایان دارد : « فرغ من کتابتها فی بلدة اصفهان حفت من آفات الزمان فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۰٦۷ » ٥
گ ۱٤۳ ب ـ ۱٤۸ الف .

[۲۰۷۳]

۱۱۱۲ این نسخه ش ۲ ده راست و بخط نستعلیق بمانند ش ۱ ومورب با عنوانهای شنگرف بتاریخ ۱۰٤۹ وازهمان نویسندهٔ ش۱ است.درپایان پس از«والحمدلله رب العالمین دارد « والله اعلم بالصواب » سپس دارد : « بتاریخ ۱۰٤۹ » گ ۱۰٦ ۱۰
الف ـ ۱۰۹ الف (بنگرید به ۱۱۱۲/۱) .

[۱۷٦٦] صیغ عقود نکاح [فارسی]

رساله‌ایست در بارهٔ صیغ عقود نکاح .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله الذی احل النکاح و ندب الیه ... امابعد غرض از تحریر این رسالهٔ وجیزه آنستکه جمعی از برادران ایمانی و دوستان ۱٥
روحانی فقیررا تکلیف و تحریص نمودند برتحریر انحاء صیغ عقود نکاح وانواع تعبیرات آن .

انجام : خاتمه دربیان بعضی از صیغ طلاق ... و کیل زن میگوید طلقت موکلتی علی مابذلت و کیل مرد میگوید هی علی ذلك طالق .

[۲۰۷٤] ۲۰

۱۷۱۹ این نسخه ش ۱ دهم است با نشانه‌های شنگرف و باید در۱۲۰۳ نوشته شده باشد . حاشیه هائی هم دارد . گ ۲ ب ـ ۳ الف . در ۲ ب ـ ٦ الف

۱ ـ صفحه در جنگی بنسخ با حاشیه‌های نستعلیق باندازهٔ ربعی درتهران بسال ۱۳۲۱ بچاپ سنگی رسید ودر آن زبدة الهیئة فارسی خواجهٔ طوسی است درص۱ـ۸۹ ومرآة الکائنات فارسی درکائنات جو ازمولانا محمدطالش درص۹۰ـ۱۱۱ وهمین صفحه ۲٥
در ص ۱۱۲ـ۱۱۹ .

بندهایست دررضاع واوزان شرعی وتفسیرآیهٔ رضاع بفارسی درمتن و هامش بتاریخ ۱۲۰۳ و این سومی رساله مانندیست . در ٦ ب ـ ۹۷ ب پاره‌ایست از تفسیر فارسی گویا ازملافتح‌الله .

[۱۷٦۷] الضیاءاللامع فی شرح جمع الجوامع (عربی)

تاج‌الدین عبدالوهاب علی سبکی مصری شافعی اشعری (م ۷۷۱) از روی دو گزارش که برمختصر حاجبی و منهاج بیضاوی نوشته است جمع‌الجوامع دراصول فقه نگاشته ودر آن از بیش‌از صد کتاب بهره برده است .

براین کتاب او گزارشها نوشته‌اند و شمس‌الدین محمدبن محمد اسدی غزی شافعی (م ۸۰۸) خرده‌ها از آن گرفت و برای خود سبکی فرستاد و او آنها را بدید و پسندید و درپاسخ آنها « منع‌الموانع عن جمع‌الجوامع » نگاشته است .

یکی‌از گزارندگان ابن حلولوا ابی‌العباس‌احمد مالکی مغربی زندهٔ در۸۷۵ (فهرست خزانهٔ تیموریه ۷۸:۳و۱٦۷) است که درآغازهمین گزارش او (الضیاء اللامع) نامش برده شده است . چلبی دربارهٔ آن میگوید : شرح ابی‌العباس احمدبن خلف‌بن‌حلولو(حبلو او العروی،القردی)الفردی(گویا،الهروی) المتوفی (بعد) سنة(۸۹۵) (دو چاپ عثمانی ۳۹۸۰۱ و ترکی ۵۹٦۰۱)

پاره‌های متن دراین گزارش با نشانهٔ « ص » و گزارش پس‌از نشانه « ش » می‌آید .

آغاز (رب یسر تمم و بمحمد و آله بسمله الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله‌الطاهرین) قال الشیخ الامام‌العالم العلامه الا حدالمتقن المفتی ابوالعباس احمدبن الشیخ ابوزید عبدالرحمن بن موسی‌بن‌عبدالحق‌البزلنتی الـ... اول‌الله ... الحمدلله ذی‌الجلال‌الذی لانهایه له والا کرام الذی لانتهاء له ذی‌الاذن العظام والعفو والانتقام . و بعد سألنی بعض من‌ادام‌الله عزته ان اسمع ... جمع الجوامع للامام العلامة تاج‌الدین عبدالوهاب بن

تقی‌الدین‌السبکی فاجبت ... وسمیته بالضیاءاللامع فی شرح جمع‌الجوامع .

انجام : وقد تم فی‌جملةالشرح‌التنبیه علی دقائق من کلام غریبة واشارات بدیعة عجیبة مع اعتقادنا ان کلامه محتوعلی اکثرمما ذکرناه لقصورنا عن بلوغ شاوءای غاینه والله‌المسئول ان یبلغ مانال و یجزیه عنا ماهو اهل له و کذا من تقدمنا لشرحه . قال‌المصنف کان‌الفراغ من تألیفه یوم‌الثلثا رابع عشرون ربیع الثانی سنة ۸۵٤ . ۵

[۲۰۷۵]

۱۱۸٤ این نسخه نسخ‌است باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و نوشتهٔ حاج محمدعلی بن عبدالکریم در ۲۰ ذی‌العقده ۱۲۳۸ میباشد . خط ومهردارندهٔ نسخه «علی بن محمدعلی حسنی» و خط محمد تقی گلپایگانی در ۱۲٦٤ درآن هست (۲ الف و ب و۱۲٤ ب و۱۲۵ الف و ب و۲٤۵ ب) کتاب در ٦ ب – ۲٤۵ ب . ۱۰

(۲٤۷گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج تریاکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱٤/۵×۲۲/۵ و ۸/۵×۱٦ س ۲۵

[۱۷٦۸] ظفرنامه (فارسی)

این نامه‌همانست‌که در ص٦٦۸ همین فهرست شناسانده شده ودراین‌نسخهٔ ما نام ابن سینا نیامده است . ۱۵

آغاز : سپاس وستایش مرخدایرا که جلت قدرته که آفریدگار آدمیان وپدیدارندهٔ زمین و زمان وروزی‌دهندهٔ جانوران‌است . چنین گویند که‌درروزگار انوشیروان هیچ چیزبهتراز حکمت نبود و هیچ قوم از حکمابزرگترنبود وحکماء آن زمان همه متقی و پرهیزگار بودند ۲۰

انجام : گفت جامهٔ نرم و دیدار نیکو و صحبت نیکان و نیکوئی دیدن ازدوستان و گرمابهٔ معتدل وبوی خوش .

[۲۰۷٦]

۱۱۱۳ این نسخه ش۳ دفتراست وبهمانخط ش ۱ وبتاریخ ۱۲۹٤ میباشد . گ ۳۹ الف – ٤۲ ب . ۲۵

[١٧٦٩] **العبادات المالية** (عربی)

در این نامه از عبادتها که جنبه مالی دارد در چند باب کاوش شده است .

آغاز : بسمله . و به ثقتی . الحمدلله الذی افاض نور الوجود من ظلمة العدم وصلی الله علی محمد و آله سادات العجم امابعد فهذه نبذة نبذة مما حضرنی من المسائل
٥ الشرعیة المتعلقة بالعبادات المالیة کالخمس و الصدقات الواجبات و المندوبات و مایلحقها من الوقوف و العتق و الکفارات و النذور و باقی المبرات . کتاب العبادات المالیة وفیها ابواب .

انجام : ویکره السؤال واظهار الحاجة . خصوصاً ما کان لمن (١) لمزارع والعقارات باقسامها من السؤال کمایظهر الحال . والله الموفق للصواب .

١٠ [٢٠٧٧]

(١١٦٥) این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و در روز چهارشنبه ١٣ ع ١/ ١٢٣٣ نوشته شد . گ ٤٤ ب – ٩٨ الف .

[١٧٧٠] [illegible] (فارسی)

این رساله از سیفی است و نامش در پایان [illegible] در [illegible] حروفی که ملفوظاند
١٥ و [illegible] در مصرع [illegible] سیفی [illegible] آرار ارا و [illegible] هم برده شده است (٨ الف) .

آغاز [illegible] الحمدلله الذی جعل [illegible] الاسعار والصلوة [illegible] واهل [illegible] اما بعد بدانکه باعث بدین تألیف [illegible] و در هر دوهه نکتة
٢٠ [illegible] آن [illegible] ودلائل بتمامها [illegible] بحکم آنکه العلم [illegible] آن [illegible] رسالة ترتیب داده شود [illegible]

کـه درو سر هر سخن باشد گر چه‌متن‌است شرح فن‌باشد

التماس از مستفیدان آنستکه چون از این مائده فائده بردانـد سیفی را بدعای خیر یادآرند .

انجام : « العاشق فی هواك سـاه ساهر » تقطیعش : العـاش ، مفعول . قفی هوا ، مفاعلن . کساهن ، فعولن . ساهر ، فعلن . وشك نیست که این مصراع ۵ چنین تقطیع میتوان کرد کـه : العـاش ، مفعول . قفی‌هوا ، مفاعلن . کساهنسا ، مفاعیلن . هر ، فع . والحمدلله علی‌الاتمام وعلی نبیه‌الصلوة والسلام ۱۲٦۵ .

[۲۰۷۸]

۱۲۰۸ این نسخه بنسخ تازه و باعنوانهای شنگرف میباشد ودر۱۲٦۵ یا پس‌ازآن نوشته شده است اگر آنچه درپایان آمده تاریخ نگارش سیفی باشد . گ ۱۰ ۳ ب ـ ٤۰ ب .

(۳۴۲ گ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱٦ ۲۲ و ۸ ۱۴/۵ س ۱٦

[۱۷۷۱] عقائد اصولین (فارسی وعربی)

امیراسماعیل حسینی مدرس خاتون‌آبادی سپاهانی‌ازدانشمندان روزگار ۱۵ صفویان‌و شاگرد ملا رجبعلی تبریزی م ۱۰٦۵ بوده ودر مدرسهٔ شیخ لطف‌الله میسی سپاهانی‌م۱۰۳۳میزیسته‌است آرامگاهش‌درتکیه‌ایست درجلو گورستان تخت فولاد واین تکیه از آن اوبوده است (روضات ص ۲۸۷) .

او دراین « عقائد اصولین » که بفارسی و تازی هردو است ودرچند باب وچند مقصد میباشد ازمسئله‌های کلامی وفلسفی گفتگو نمود . ۲۰

مقصد نخست آن در معـارف ربانی است و در چند فصل کـه یکم آن درخداشناسی ودوم‌آن در برهان اثبات آفریننده میباشد . همه رسالهٔ اثبات واجب « استادالبشر مولانا رجب علی تغمده‌الله بغفرانه » کـه در یك مقدمه و ۵ مطلب ویك خاتمه است (ش ۳۷٤/۲ و ۱۰۳٦/۱ـ نیز ص ۲۱۳۳) درهمین مقصد بپارسی

آغاز : بسمله . هذه رسالة فی تفسیرقول العلماء « فی نفس الامر » لمولانا نصیر الدین محمد الطوسی علیه الرحمة قال اعلم انالانشك فی کون الاحکام الیقینیة التی یحکم بها اذهاننا ... ممالم یسبق الیه ذهن اصلا ... مطابقة لما فی نفس الامر .

انجام : و تارة بالکتاب المبین المشتمل علی کل رطب ویابس وذلك ماالردنا بیانه والله اعلم بالصواب (تمت الرسالة بعون الله تعالی) . ۵

[۲۰۸۰]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۵ دفتر است بهمانگونه نسخ طهماسبقلی در ۱۰۵۰ گ ۷۳ ب – ۷۵ الف (بنگرید « ۱۱۱۹/۱) .

[۱۷۷۳] **عمل سنه** (فارسی)

شیخ طوسی بدرخواست برخی از بزرگان دیندار از مصباح المتهجد خود گزین نموده دعاها و اعمالیکه بکار بستن آنها آسان باشد یکجا گرد کرد و این همانست که در برابر آن یکی « مصباح المتهجد صغیر » نامیده میشود (فهرست منزوی ۱ : ۲۱۰ و ۲۱۲) ودو بار بفارسی شده یکی آنکه درذریعه (٤ : ١٣٦) یاد گشت دیگر همینکه اکنون میشناسیم و همین اندازه میدانیم که نگارش پیش از ۲۶ رمضان ۹۸۳ میباشد و از دیباچه پیداست که «عمل سنه» نامیده میشود و ترجمه ایست کهن و جندان با متن هم برابر نیست و فشرده تر از آنست . ۱۰ ۱۵

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله اجمعین امابعد چنین گوید شیخ ابوجعفر طوسی رضی الله عنه که چون از مصباح کبیر فارغ شدم جماعتی دوستان و محبان درخواست کردند که آن کتابی بس مطول است وبسیار کس از فائدهٔ آن محروم مانند که در آن شروع نکنند تقرب بخدای کردم و استعانت از وی خواستم درجمع کردن مختصری – ذکر منتخب از آن جمله عبادات سال مطابق و موافق رفت ، بروجهی که بهیچ چیز خللی در آن نباشد وشك نیاورد و بتوفیق خدای تعالی در آن شروع کردم و نام این کتاب « عمل سنه » ۲۰

نهادم و این کتاب بیان کمیت و کیفیت عبادات بالفاظ عربی کرده بود و جماعتی
دوستان که از لغت عربی بی‌نصیب بودند ایشان را فائده گرفتن ازین مختصر
تعذری داشت التماس کردند تا آن الفاظ عربی بفارسی گفته شود تا از آن بهره‌مند
شوند واجب دیدم ملتمس ایشانرا مبذول داشتن باری عزوجل ارزانی داشت
۵ که آنرا تمام کردم ــ ارکان عبادات پنج‌اند.

انجام: یوم النیروز نیروز الفرس عن المعلی ابن الخنیس . . الدعاء اللهم صل
علی محمد ... یاذاالجلال والاکرام وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین وسلم
تسلیما کثیراً کثیرا.

[۲۰۸۱]

۱۰ ۱۲۰۰ این نسخه بنستعلیق درترجمه ونسخ معرب درخود دعاهاوباعنوانهای شنگرف
میباشد و درپایان دارد « تم کتاب المصباح الصغیر فی ست العشرون من شهر
رمضان المبارك سنة ثلاث ثمانون وتسعمائة من الهجرة النبویة المصطفویة بمدینة اصفهان
صانت عن الآفات والبلیات » پس از این دو دعا است بنسخ تازه‌تر و دومی بتاریخ شب
[illegible] شوال ۱۰۵۸ میباشد. محمد رضا بن باقر [illegible] دارندهٔ نسخه بوده و خط و مهر
۱۵ او درپایان هست.

(۳۲۴۴) ــ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ــ جلد تیماج زرد [illegible] متوالی.
اندازه: ۱۵/۵ × ۲۲ د ۸ × ۱۴ س ۱۵

[۱۷۷٤] [illegible] (فارسی)

محمد حسین طبیب فرزند علی فراجه‌داغی تبریزی در سی سالیکه بپزشکی
۲۰ [illegible] دوازده سال [illegible] شوشی [illegible] فرمانروای آذربایجان
[illegible] در بیماریهای آتشك وافسون داروی
[illegible] ازاو [illegible] نامه [illegible] آن در [illegible] مقدمه و
[illegible] ودر آن ازسخنان دانشمندان
[illegible] رسالة [illegible] حکیم عمادالدین محمود (طوس

۲۶۰:۳) در آن یاد شده است (بنگرید به ص ۷۲٤ و ۷٤۵ همین فهرست) و آن جز عین الحیوة محمد مجیر استکه درفهرست طوس (۲۷۷:۳) نام برده شد.

آغاز: رسالهٔ چوب چینی. هو العلی الاعلی. بسمله. و به نستعین انه خیر موفق و معین. سپاس چون انفاس عیسوی روح پرور و جان فزا سزای بارگاه خالقی است که بحکمت بالغه و قدرت کامله پیکر بدیع منظر انسانرا ... از امتزاج اجناس متضاده و انواع مختلفه ترکیب و بزیور ظهور جلوه گر فرمود.

انجام: این بود آخر نامی قول و کلام و اختتام همگی مقصد و مرام که در مقدمه و مقالات و فصول این کتاب بیان نمود. و الحمد لرب الارباب و الصلوة علی خیر من نطق بالصواب و اصحابه خیر آل و اصحاب و این رسالهٔ موسومهٔ بعین الحیوة درروز سه شنبه درهیجدهم ماه شعبان درقلعهٔ شوشی سنهٔ سبع وسبعین ومأتین بعد الالف من الهجرة ... سمت اختتام وصورت اتمام پذیرفت.

فبك اللهم اعتصم . . . والله الموفق و المستعان وشافی فی الاسقام بفضل الله تعالی و توفیقه.

[۲۰۸۲]

۱۷۱۴ این نسخه بخط نستعلیق خوش وعنوانها و نشانه‌ها شنگرف میباشد. احمد کرمانی درپایان صفر ۱۲۹۸ بخط خود درپایان یادگار نوشته است. مهر «حسین منی وانا من حسین» درآغاز وانجام هست. گ ٤ ب ــ ۵۹ ب و ۱۱۱ س. برگهای ۱ ــ ٤ الف و ۶۰ ــ ۷۷ سفید است.

(۷۷ برگ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه: ۱۳/۵ ۲۰/۵ و ۷/۵ ۱۳ س ۱۳

[۱۷۷۵] غایة السرور فی شرح الشذور (عربی)

برهان الدین ابی الحسن علی بن ابی القاسم موسی بن ارفع راس جیانی مجریطی اندلسی انصاری (۵۹۳ ٠) دیوانی بترتیب تهجی در کیمیا برمز دارد بنام «شذور الذهب» (مجلس ۲: ٤۵۹ ش ۷۲۳ ــ فهرست سیگل ص ٤۱ و ٤۶

ش ۱۲۸۹ و ۱۲۹۰ گوتا) که خود او و دیگران بر آن گزارشها نگاشته‌اند وشرف‌الدین محمدبن موسی قدسی آنرا تخمیس نیکوئی نمود . ابن‌خلدون گویا ازهمین جیانی‌است که بنام ابن‌المغیربی ومغیربی یادمیکند ومیگوید اوشعرهائی بسیار نیکو وبحروف معجم و برمزدارد که کسی از آن چیزی درنمییابد (مقدمه فصل۲۳ و ۲٦ باب ٦) .

عزالدین علی بن ابیعمر جلدکی (ص ۱۰۰۸ همین فهرست) آنرا بنام « الدر المنثور » درقاهره بسال ۷٤۲ گزارش کرد و سپس آنرا در « کشف‌الستور » گزین ساخته‌است. او قلائدالنحور فی شرح سمط امانات‌الشذور هم دارد (فهرست عربی موزه بریتانیا ش ۷۸٤/۳) گزارش دیگراو برهمین دیوان « غایةالسرور » (چلبی ۲:٤۸) است که اکنون میشناسیم .

اودراین گزارش شعرهای اندلسی را بند بند آورد وبروش رمز کیمیاگران در بارهٔ آنها کاوش نمود . نسخه‌ای ازبخش چهارم آن درفهرست سپکال (ص ٤۷ ش ۱۲۹۱ گوتا) شناسانده شده است . دراین نسخهٔ ما همهٔ گزارش هست و مانا دربخش چهارم نسخهٔ سپکال [illegible] . [illegible] شعرو گزارشهای آن وشماره [illegible] درهمان فهرست سپکال نشان داده شده است (۱)

آغاز [illegible] [illegible] مالك‌الملك [illegible] وابدع وانعن [illegible] وقف علی دیوان [illegible] الانصاری... [illegible] فی شرح [illegible] الرابع

(۱) [illegible] (۷٦۲) [illegible] الذهب » [illegible] (۲۸۳) [illegible] درفهرست [illegible]

فانه مستوعب شرح ثمانیه حروف من النظام .

انجام وهذا آخرما اوضحه الحکیم وشرحناه وهذه خاتمة مبارکة اعلم ان الشیخ رحمه الله قد حقق نظمه فی هذا الدیوان بالعلم الصحیح وصانه بالنظم عن التحریف .. ونسأل من وصل الیه من اخواننا الحفظ له والصیانة عن غیر اهله وایصاله لمن انس منه رشدا والتزم علینا وعلی المسلمین وطلب المغفرة لنا من الله ۵
الکریم والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم اجمعین وسلم تسلیماً کثیراً دائما الی یوم الدین .

[۲۰۸۳]

۱۱۷۸ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق و متن نسخ و رو بخط سرخ و عنوانهای «الشرح» و جز آن شنگرف و درشت تر و باید نزدیک ۱۰۸۸ نوشته شده ۱۰
باشد (پایان ش ۳) نسخه بدلها در هامش هست . عنوانهای مطلبها پاره‌ای در هامش و بالای صفحه نسخ درشت دیده میشود . حاشیه‌هائی هست با نشانهٔ «محمد نصیر» خط محمدعلی بن محمد نصیر طبیب دارندهٔ نسخه باه پرش «ورفعناه مکاناً علیا» در ۵ الف و ٦ الف هست همچنین در ٦ الف تاریخ شب پنجشنبه ۲۲ ج ۱۱۴۱/۱ وخط عبدالحسین ۱۵
مکی و آقاسید حسن بن سید محمد حسینی مکی که در کوی سعدآب قم می‌زیسته ودارندهٔ نسخه در ۲۰ رجب ۱۳۴۰ بوده است (مهر ۱ ب و ۲ الف) و خط محمد بن صالح با مهر «محمد رسول الله» که در کاشان در ۱۱٤۱ نسخه را خریده بود و خط مؤمن بن عبدالرحیم جدیدهٔ طبیب که در ۱۱۵۰ دارندهٔ نسخه بود با مهر ش « المؤمن امان فی الله» وخط پسر او غیاث الدین علی که نسخه باو رسیده بود با مهر او « عبده ۲۰
غیاث الدین » دیده میشود . کتاب : ۱ ب ٦ ب ـ ۱۳۳ ب هر چهار شمارهٔ این دفتر بیک خط است

(همهٔ دفتر ۳۲۰۰ ب) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی سادهٔ مقوائی
اندازه ۱۷ . ۲٦ و ۱۰ ۱۷ س ۲۵

[۱۷۷٦] **الفرائد البهیه** (عربی)

فی شرح الفوائد الصمدیه ۲۵

شیخ بهائی برای برادر خود عبدالصمد الفوائد الصمدیه در نحو و در پنج

[۲۰۸٤]

۱۱۶۶ این نسخه بنستعلیق خوش است و عنوانها و نشانه‌ها شنگرف ومتن زیر خط وحاشیه‌های «منه» و «منه‌مدظله» دارد . ودر ۱۱۱۹ بانجام رسید . آقامیرزا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

صلة الی موصول ، واثر عامل فی معمول . وبعد فان المختصر المنسوب الی العالم العامل ، الفاضل الکامل ، قدوة المحققین وزبدة المدققین ، بهاء الملة والحق والدین ، محمد العاملی ، عامله الله وایانا بلطفه الجلی ، المسمی بالفوائد الصمدیه فی علم العربیه ، ملیح المقال ، عزیز المثال ، عمیم النفع ، عظیم الوقع ، و قد شرحناه شرحاً ذلل صعابه ، وکشف عن وجهه نقابه ، و استقصی الاصول الاصیله واستوفی الفوائد الجلیلة ، والنکات الدقیقه ، والتنبیهات الرشیقه ، فجاء بحمدالله قرة عین المناظر البصیر ، و حیوة قلب للسایر الخبیر وملجاء یاوذ به المنتهی فی علم الاعراب ، ومنهلا یسعی من هو منه علی اوثق الاسباب ، الا انه لدقة معانیه ، ورقة مبانیه جل عن مبلغ ایدی المبتدئین ، وکل فیه من لم یکن علی سبب متین ، فسئلنی بعض احباب الاصحاب ، من انجاب الطلاب ، شرح الله صدره ، وسهل امره ، ان اشرحه ثانیاً ولو کسلا و سواء اً شرحاً مختصراً یدانی من الکتاب ، فی الوجازة وعدم الاطناب ، مقتصراً علی شرح الاعراب الا ما شذ لطرد الباب فاسعفت مسئوله وحققت مأموله وتر کت اکثر المناقشات فی القواعد والوضعیات وذکرت فیه بعض الالغاز النحویه تشویقاً لمن یرغب فی الاحجیه ، و جعلت الدقیق مربّاً عن النسب ، فشفعت من سمی سمة وبینت بذلک صفة فسمیته بالفوائد التی فی شرح الفوائد الصمدیة ، بنصر الله ینصر من یشاء وهو علی ما نقول وکیل ، ومنه الاستعانة وبه الاعتصام وعلیه التعویل . قال المصنف قدس الله روحه بعد البسملة (تا اینجا در بالای است) : « احسن کلمة یبدأ بها الکلام ... ویشتمل علی خمس حدائق اولها فی تعریف الفن و بیان موضوعه وفائدته وغیرها مما یعرف من المقدمه

انجام : (الم نشرح لک صدرک) فانها الانکاری . . وقد سلکنا فی هذه الحدیقة ولاسیما بعد الاخیر مسلک الاقتصار علی مجرد شرح قصیر لانی کنت علی جناح السفر مشوش البال بوطر بعد وطر ونقول کما قال المصنف قدس سره : « اللهم اشرح صدورنا بانوار المعارف ونور قلوبنا بحقائق اللطائف واجعل ما اوردناه فی هذه الوریقات خالصاً لوجهک الکریم | تا اینجا در پایین هست | والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً — الحمدلله سبحانه که حمود مستعار باقی بود که این کتاب پر آب وتاب را در شب سه شنبه چهارم شهر رجب المرجب سنة سبع عشرة ومائة بعد الالف ۱۱۱۹ باتمام رسانید انشاءالله تعالی خدای عزوجل کسانی را که بامر کتاب مشغول اند توفیق دهاد بمحمد وآله

یکی ازمسئله‌های کیمیا است و عنوانها در نسخهٔ ما به نثراست و ماناکسی آنها
راگردآورده است .

ازساخت وریخت این شعرها هم پیداست که سروده سدهٔ نخستین هجری
و آنهم از یك عربی بدوی نباید باشد . آنچه چلبی (۲ : ۱۸٦) یاد نموده گویا
گردآوری دیگریست از این دیوان . شماره بیتهای آنرا او ۲۳۱۵ دانست .
ازبروکلمن (۱:٦٧ وپیوست۱:۱۰٦) برمیآید که دیوان النجوم از اوست وهمین
فردوس‌الحکمه اوهم دربیروت هست وکتابی ازاوهم بلاتینی شده بود .

آغاز : بسمله . قال‌امیرخالدبن یزید فی‌السبیکة ومدحهاونبه علیهاوذکر
من افعالها مفردة ومركبة :

الحمدلله جل‌الله مقتدرا	مدبراً هادیا فضلا لمن شکرا
کذاك بالعلم یسعی من اطاع علی	علم به کان فی‌المقدورقدقدرا

انجام :

ومن بها بیضها منفنا	فالله مما خاف انجاه
حسبی بماببنت من‌شانها	ودون ما ینسب اجزاه

[۲۰۸۵]

این نسخه ش ۲ دفتراست ونسخ با نشانه‌های شنگرف میباشد ودرپایان
دارد تم‌الکتاب‌الموسوم بفردوس‌الحکمة للحکیم خالدبن یزید فی آخر
شهررمضان‌المبارك سنة ۸٤٦، ولی نباید این تاریخ نوشتن همین نسخه باشد چه نسخهٔ
تازه‌ایست . حاشیه‌هائی به‌سه‌لوی . گ ۷۱ـ۱۵۵ ب .

[۱۷۷۸] فصول (فارسی)

خواجهٔ طوسی دراین نامه نمونه‌ای ازفلسفه و کلام را آورده است واین
همانستکه گرگانی آنراتازی کرده‌وسیوری وعبدالوهاب‌استرابادی این‌تازی را
گزارش نوشته‌اند (ش ٤ ۲۸۲/٤ و ۱۰٤٦/۳۸ ص ۵۳۹ و ۵٦۳ همین فهرست ـ

درزمینهٔ زرین و نشانه‌ها هم در آن بشنگرف میباشد . این نسخه‌را آقای ابستر بکتابخانه بخشیده‌اند .

(۳۲۵۵گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی فرسوده

اندازه : ۱۴ ۲۲ و ۹ ۵ ۱۵ س ۱۴

۵ [۱۷۸۱] قواعد العقائد (عربی)

خواجهٔ طوسی در این نامهٔ گزیده‌ای از علم کلام بروش شیعی دوازده امامی آورده است و آن جدا گانه با الزام النواصب و منهاج السالکین در ۱۳۰۳ بچاپ رسیده وهمچنین با گزارش علامهٔ حلی برای همراه با رساله‌های شهید و صدرای شیرازی در ۱۳۰۵ چاپ شده است . این کتاب مانند گزیده و کوتاهی است

۱۰ از تجرید هم.

آغاز بسمله الحمد لله المنقذ من الحيرة والضلالة والصلوة على محمد المخصوص بالرسالة ... صاحب هذه المقالة انى اوردت فيها قواعد العقائد من العلم المنسوب الى الاصالة

انجام و ... ادراكها لعدلها ولما لا ... منه والله

۱۵ اعلم ... والحمد لله وحده.

[۱۰۸۹]

[illegible] ... ۱۰۵۰ ... ۴۳ب ـ

۲۰ ... (۱۱۱۹ ...)

[۱۰۰۰] [illegible] (عربی)

این ... ۱۹۷۸ ...

[۲۰۹۰]

۱۱۹۱ این نسخه ش۲ دفتراست و بهمانگونه خط ش۱ تاریخ ۱۲۶۱ و نام نویسنده رفته وتنها «قربانعلی حداد» خوانده میشود که گویا نام پدریا نیای اواست. کناره چپ برگها سوخته و کاغذ نوتری چسبانده‌اند و پاره‌ای از عبارت درمیانهٔ بیشتر صفحه‌ها رفته است. گ ۸۹ ب ـ ۱۸۱ ب.   ۵

[۱۷۸۳] کافیه (عربی)

ابن‌الحاجب این مقدمه را در نحو نگاشته و آن بنام کافیه خوانده میشود. چلبی (۲:۲۴۹) آنرا شناسانده و گزارشهای آنرا برشمرد.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الکلمه لفظ وضع لمعنی مفرد.

انجام: والمفتوح ماقبلها یقلب الفا.   ۱۰

[۲۰۹۱]

۱۱۰۸ این نسخه ش۱ دفتر است و بخط نستعلیق بانشانه‌های شنگرف و باحاشیه‌هائی ریز نز. گ ۱ ب ـ ۶۸ الف. محمد مؤمن دارندهٔ نسخه بوده (۶۹ ب) ومهر «بنده و پیرو امام مبین ـ بوس غمگسار نورالدین» هم در گ ۱ الف و ۷۰ الف دیده میشود.   ۱۵

(همهٔ دفتر ۹۹ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه ۱۳ × ۱۹ و ۶ × ۱۰/۵ س ۶

[۱۷۸۴] کتاب مطایبۀ قلندری (فارسی)

این‌نامهٔ جلعی و عرفانی از داستانهای شیعی است بنام ادهم قریشی واعظ که در آن داستانهائی شیرین آورده و در بسیاری از آنها از فقیهان و آخوندها خرده گرفته‌است. شعرهائی از سنائی غزنوی و حسنی و خواجهٔ طوسی و مولوی و حافظ وسعدی و بهائی در آن دیده میشود.   ۲۰

آغاز: هذا کتاب‌المسمی به ادو مطایبۀ قلندری ـ بسمله. و به نستعین. انواع حمدات نامحدود و اصناف تحیات نامعدود لایق و سزاوار معبودست

جلت قدرته که صحایف کائنات و مراتب موجودات تمامی و همگی مرآت ذات
و مظاهر صفات اویند . . اما بعد این مجموعه‌ایست مؤلف موافق ذوق سالکان
طریق معنی و مناسب مشرب قاطعان بیابان دعوی مسمی بکدو مطبخ قلندری
که این خادم فقرا و محب علما و خاکسار بیمقدار و نمود بی‌بود ادهم قریشی واعظ
۵ جهت ترتیب دماغ رندان قلندر صفت و تزیین مجلس درویشان ابدال سیرت جمع
کرده و در آن برخی از هر مقوله از نصایح طریقت و دقائق حقیقت کلمات تحقیق آمیز
شوق انگیز اکثر در لباس مزاح و ظرایف و صورت قصص و حکایات مرقوم
ساخت و رعایت مناسبت و ربط میان سخنان کماهو حقه نمود تا اسم بامسمی باشد .

انجام : همه هیچند و هر چه هست همه اوست و دانائی او را خود نه بدایت است
۱۰ و نه نهایت …

خداوندا گنه بسیار دارم ولیکن راه فضلت می‌سپارم
چنان کن عاقبت محمود گردد وجود ما تمامی جود گردد

(تمت الکتاب بفضل الملک الوهاب بتاریخ بیستم (۲۰) شهر ذی حجة الحرام من
شهور سنة ۱۲۶۳ علی ید اقل خلق الله محمد ابراهیم ابن مرحمت و غفران پناه جنت
۱۵ و رضوان آرامگاه المغفور المبرور حاج محمد علی آتش سمت اتمام پذیرفت
از خوانندهٔ این نسخهٔ شریف التماس دارم

مگر صاحب دلی روزی برحمت کند در حق مسکینان دعائی
غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقائی

از خوانندگان [illegible] معلوم که هر گاه غلط و سهوی نظر شریف آورند
۲۰ [illegible] و السلام [illegible])

|۱۰۹۲|

[illegible] نشانه‌های شنگرف
[illegible] ۲۰ [illegible] ۱۲۶۳ آرا
[illegible] ۱۱۹۰ [illegible]

۴ [illegible] ۱۳۵۲ [illegible]
[illegible] ۱۰ [illegible] ۳۱ / ۹ ۱۷ [illegible] ۱۱

[۱۷۸۵] **کشف الغرائب** (فارسی)

این نامه درخرده گیری و نکوهش از چگونگی روزگار و از روش فرمانروایان زمان است و بسال ۱۲۷۷ بنگارش درآمده است (گـ ۴۹ الف) درآن از رسالهٔ ظرایف و لطایف اقبال‌الدولهٔ هندی بغدادی که دربارهٔ ایران نوشته ودرروزنامهٔ زوراء چاپ شده‌است یادگردیده و بندهائی از آن آمده‌است (۵۳ الف) گویا از میرزاملکم خان پسر میرزا یعقوب ارمنی سپاهانی (جلفای زاینده رود ۱۲۴۹ - لوزان ۱۳۲۶) دانشمند و نویسندهٔ سیاسی ایران در روزگار قاجارمیباشد (۱)

آغاز :

من گنگ خواب دیده [و] عالم کر

من عاجزم ز گفتن وخلق ازشنیدنش

تنزلات محسوسه وامراض مزمنه که ازاین ریاست بیحرکت آناًفآناً عارض دولت علیه ایران میشود بقاطبهٔ اهالی ممالك محروسه وعده میدهد وقوع یك امرعظیمی را که احدی از آحاد خلق نتوانند ازآلایش آن مستثنی نمایند .

انجام : نادرسایهٔ خواستهٔ کردگار چیست ـ تمام‌شد کشف‌الغرایب‌دریوم صبح روزشنبه دوازدهم شهرربیع‌الاول اودئیل ترکی یکهزاروسیصد و نوزدهٔ هجری دردارالخلافهٔ طهران صانهاالله تعالی عن‌الحدثان بیداقل خلق‌الله وچاکر درگاه ابوالقاسم مستوفی دیوان اعلی سمت تحریر یافت .

هرکه خواند دعا طمع دارم　　　　زانکه من بندهٔ گنه‌کارم

[۲۰۹۳]

۱۱۰۴ این نسخه بخط شکسته نستعلیق میباشد و ابوالقاسم مستوفی دیوان شاهی درتهران دربامداد شنبه ۱۲ع۱ (اودئیل) ۱۳۱۹ آنرا بانجام رساند .

(۵۸گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ سادهٔ مقوائی

اندازه : ۱۳/۵ ۲۰/۵ و ۸ ۱۵ س ۱۲

۱ـ سرگذشت اودرمجموعهٔ آثارمیرزاملکم خان ازمحمد محیط طباطبائی چاپ ۱۳۲۷ تهران هست ولی ازچنین نامه‌ای نام برده نشد .

[۱۷۸۶] **کشف المراد** (عربی)

خواجهٔ طوسی بدرخواست کسی در کلام شیعی امامی تجریدالاعتقاد درشش مقصد هریکی چندفصل نگاشته و در آن کلام‌را بافلسفهٔ مشائی بیامیخت واصول آئین شیعی‌را بادلیل استوار بداشت. دانشمندان شیعی وسنی گزارشهاوحاشیه‌ها بر آن نوشته‌اند و بفارسی هم درآمده است (ذریعه ۳: ۳۵۲ و ۶: ۳۱) نخستین‌بار شاگردش علامهٔ حلی بر آن بنام «کشف‌المراد فی شرح تجریدالاعتقاد» گزارش نوشته و بگفتهٔ شمس‌الدین محمود سپاهانی سنی در تسدیدالقواعد اگر او چنین کاری نمیکرده بود متن تجرید هیچگاه روشن نمیشده‌است حلی آنرا بسادگی وروانی گزارش نمود و گذشته از بخش‌بندی خود خواجه هر فصلی را هم بچند مسئله و با شماره بخش کرده و بندهای متن را پس‌از «قال» و سخنان خود را پس‌از «اقول» آورده است.

در دیباچه میگوید که من از استادم طوسی بهره بردم واورا دانشمندی بزرگ یافتم و آنگاه که زنده‌بود ازاو پیروی کرده‌ام. پس‌از درگذشت او این «تجرید الاعتقاد» همورا که بسیار رسا و بیکاو یافته‌ام چون فرا گرفتن آن دشوار بود دراین «کشف‌المراد فی شرح تجریدالاعتقاد» گزارش کرده‌ام.

در فهرست حلوتی (۱: ۶۷ و ۶۸) از این گزارش یاد گشته و نسخه‌ای شناسانده شده که محمد بن محمد بن احمد [illegible] آملی در ۷۴۵ آنرا نوشته و آنرا نزد فخرالدین پسر علامه خوانده و او در پایان آن بدین خواندنش گواهی داده است. یکی از [illegible] روز [illegible] در پایان آن نوشته که علامهٔ حلی این گزارش را [illegible] (ص ۲٤) در تاریخ ۶۹۳ [illegible] میپرداخته است.

[illegible] ۱۳۵۳ سربی بچاپ [illegible] ۱۳۵۱ را هم دیده‌ام.

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله القاهر سلطانه العظیم شأنه الواضح برهانه العامر احسانه .

انجام : وسقط وجوبهما دفعاللضرر. فهذا ما حصل لنا من شرح هذا الکتاب ونحن نسأل الله تعالی ان یجعله ذخرالنا یوم المعاد وان یوفقنا للرشاد بمنه و کرمه والحمدلله وحده . ۵

[۲۰۹٤]

۱۱۹٤ این نسخهٔ کهن بنسخ و عنوانهای «قال ــ اقول» و جز آنها بشنگرف و درشت تر است . برخی جاها حاشیه دارد بخط ریز . خواننده‌ای در برخی جاها عنوانهای مطلبها را بخط تازه‌تری بنستعلیق نوشت .

چنین است **آغاز** : (روحه الزکیة فی) العلوم الالهیة والمعارف العقلیة ووجدناه (راکبا) نهج التحقیق (ازدیباچه ــ میانهٔ دو کمانه در نسخه سائیده شده است) . ۱۰

انجام : افول الامر بالمعروف وهو القول الدال ... واستدل المصنف علی ابطال الثانی باسهما او وجبا (دوازده سطری کم دارد) گ ۳ الف ــ ۲۳٤ ب .

(۲۳۶گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج تریاکی وزبرآن سرخ و گرد آن زرد وضربی مقوائی .

اندازه : ۱۳/۵ ۱۹/۵ و ۹٬ ۱۳/۵ س ۱۶ ۱۵

[۱۷۸۷] **گزارش خبر کمیل** (فارسی)

گزارشی است بر خبر « حقیقت » کمیل بفارسی .

آغاز : از جمله حدیث مروبه از مولی الموالی آقای مؤمنان حضرت مولای متقیان امیرالمؤمنین ع که یکروزی برشتری سوار بودند و کمیل را ردیف فرموده در عرض راه کمیل عرض کرد یا امیرالمؤمنین ما الحقیقه . ۲۰

انجام . فرمود چراغ را فرو نشان که صبح طالع گشت یعنی آنچه درخور فهم تو بود گفته شد و آنچه از وحدت حقه و کثرات موهومه توانستی فهم کردی وقربت ما وولایت موهومة را دانستی .

[۲۰۹۵]

۱۱۶۹ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق شکستهٔ خوش ودرهامش برگهای ۴۳ الف ـ ۴۲ ب میباشد . درهمینجا ترجمهٔ حدیث علی «یا کمیل مراهلك ان یروحوا فی کسب المکارم ... کما طرد غریبة الابل» هست بهمین خط و بتاریخ روز ۱۵ صفر ۱۳۲۸ . ۵

[۱۷۸۸] گفتار افلاطون (فارسی)

این گفتار همانستکه در ص ۳۲۶ شناخته‌ایم و پند افلاطونست بارسطو که دراخلاق ناصری آمده است .

آغاز : بسمله. وصایای افلاطون حکیم الهی که بشاگردخود ارسطاطالیس را فرموده است . میگوید معبود خویش را بشناس . ۱۰

انجام : همیشه بر ملازمت سیرت عدل و استقامت و التزام خیرات مواظبت کن.

[۲۰۹۶]

۱۱۱۳ این نسخه ش ٤ دفتر و بهمانخط ش ۱ میباشد . گ ٤۳ الف ـ ٤۵ الف .

[۱۷۸۹] گفتار حلاج (عربی)

سخنانی است بنظم و نثر از حلاج عارف که کسی آنهارا گردآورده‌است . ۱۵

آغاز . قال . لم اسلم النفس بالاسقام تبلیها ـ الا لعلمی با . (موریانه خورده) یحییها ـ نفس المحب علی الآلام (آلام ـ نسخه) صابرة ـ لعل مسقمها یوما یداویها ـ و من کلامه منثورا : من المس الحق بنور الایمان کان کمن طلب الشمس بنور الکواکب . . . وقد کان بطربنی وجدی فاشغلنی ـ عن رؤیة الوجد من فی الوجد موجود . قال العارف الاوحدی : انك لست انت . انت هو بلاانت . ۲۰ لاهو داخل فیك ولاهو داخل فیه . ولاهو خارج منك ولاانت خارج منه .

انجام . و مالا یجوز وجوده لایجوز فنائه . وجودك لاشیء . واللاشیء الی شیء .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی کرمنا بخاتم الانبیاء وشرفنا بسیدالاوصیاء ... فیقول . . . محمد جعفرالاسترابادی انه لاریب ان زیارات المعصومین من احسن الطاعات .

انجام : وادع بما احببت فانه یقضی . . . الحمدلله الذی وفقنی لجمع هذه الزیارات فی المشهدالمقدس ... بقرة عین السادات . . . ابی عبدالله الحسین علیه ... صلوات الله رب المشرقین .　　۵

[۲۰۹۹]

۱۱۸۰ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف درمتن و هامش ودر دو جدول شنگرف و مشکی که نجفعلی انجدانی درجمادی یکم ۱۲۵۷ نوشتن آنرا بپایان رسانده است .　　۱۰

(۲۵۷گ) ــ کاغذ فرنگی ــ تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱۴ ۲۲ و ۸ ۱۵ س ۱۵

[۱۷۹۲]　　مجمل الحکمه　　(فارسی)

این کتاب را در ص ۳٤٥ همین فهرست شناخته‌ایم و آن درهمهٔ سرفصلها ٥۱ رساله خوانده شده و بخش چهارم آن نه مانند متن تازی نسخهٔ ما وچاپ هند و مصر دارای ده رساله میباشد و بترتیبی دیگر وباعنوانهای دیگراست . بخش سوم آن هم باچاپ هند یکی نیست گرچه همان ۱۷ شماره را دارد .　　۱۵

[۲۱۰۰]

۱۱۱۳ این نسخه ش۱٦ دمراست و بهمانخط ش۱ وچندرساله‌ایست ازمجمل الحکمه بدینگونه : رساله ۱ قسم ٤ (آراء و مذاهب و دیانات) گ ۱۳٦ الف ــ ۱۲۹ الف و آغاز آن در س۲ ص ۱٤٦ چاپ ۱۳۰٤ هند دیده میشود ونیم صفحه‌ای کم دارد ؛ رسالهٔ ۲ قسم٤ (ماهیة الطریق الی الله) گ ۱۳۹ الف ــ ۱٤۰ ب ؛ رسالهٔ ۳ قسم ٤ (اعتقاد اخوان الصفا) گ ۱٤۰ ب ــ ۱٤۱ ب ؛ رسالهٔ ٦ قسم ٤ (بیان آنچه بعداز مرگ خواهد بود) گ ۱٤۱ ب ــ ۱٤۳ الف ؛ رسالهٔ ۸ قسم٤ (شناختن روحانیان) گ ۱٤۳ ب ــ ۱٤٤ ب ؛ رسالهٔ ٥ قسم ۲ (تکون معادن) گ ۱٤٤ ب ــ　　۲۰ ۲۵

۱۴۸ الف ، رساله ۳ قسم ۳ (عالم حیوان بزرگ است) گ ۱۴۸ الف ـ ۱۵۱ ب ، رسالهٔ ۱ قسم ۱ (ارثماطیقی) گ ۱۵۱ ب ـ ۱۶۰ الف .

[۱۷۹۳] **محصول** (عربی)

دانشمند پارسای شیعی سید محسن بن حسن حسینی اعرجی کاظمی بغدادی نجفی (م ۱۲۴۰) نگارندهٔ این دفتر است (کنتوری ص ۴۹۳) که در اصول استدلالی است ودر دو فن (مباحث الفاظ ـ ادلهٔ اربعه) باید باشد. تنکابنی (ص ۱۴۳) آنرا گزارش وافیهٔ تونی (ص ۱۷۴۶ همین فهرست) پنداشته است ولی از خود آن برمیآید که کتابی است جداگانه چنانکه در روضات (ص ۵۲۳) آمده « و کتابه الکبیر الذی وسمه بالمحصول فی علم الاصول » و آنرا او پس از گزارش خود بر وافیه که در روضات دربارهٔ آن آمده «و کتابه الآخر الذی سماه بالوافی فی شرح وافیة مولانا عبدالله التونی » نگاشته است چه اینکه در آغاز آن دارد « وقد اوضحنا فی الشرح » ودر « المعلم الثانی فی الاباحة الشرعیة » (گ ۱۴۹ الف) دارد « وقد کنا فی شرح الوافیة بینا الکلام علی ذلک »(۱) .

آغاز: بسمله . وبه نستعين على القوم الكافرين الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين اما بعد فيقول . محسن بن الحسن الحسيني الاعرجي . هذا ما [illegible] وعدت به الطلاب من تأليف كتاب محرر في اصول الفقه [illegible] سميته بالمحصول في علم الاصول . ورتبته على مقدمة ومقالات .

انجام: [illegible] اوامر المعارف [illegible] (وجوب مقدمهٔ واجب ـ گ ۱۶۹ ،) [illegible] في الاوامر والنواهي [illegible] الكلام في الامر تارة تقع في هذه [illegible] (۱۷۰ الف) وذهب [illegible] الى انها حقيقة في الندب .

(۱) [illegible] ۳۹۹:۳ [illegible] ۱۲۹ ۳ فوائد رضویه ۲: ۳۷۳ ـ [illegible] ۳ ۴۸۵

هذا . قد جف قلمه طاب رمسه (گ ۱۷۲ الف از بحث سوم مطلب دوم دراوامر ونواهی که در پایان گذارده شده و گویا نسخهٔ ما آشفتگی دارد) .

[۲۱۰۱]

۱۱۸۸ این نسخه بنسخ و باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . نویسنده فن نخستین را در ۳ محرم ۱۲٤۲ نوشته است (گ ۷۰ ب) و نامش موسی بن شیخ محمدعلی ۵ اعسم است ومطلب یکم همین فن را در ۷ ج ۱۲٤۳/۲ نوشت (۳۵ الف) «محمد مخا الشیخ عبدالحسین الاعسم » در ۱۲٤۱ درآن نگریسته و « جوادالشیخ محمدالحکیم در ۱۲٤۸ دارندهٔ آن بوده است .

(۱۷۳گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
۱۰ اندازه : ۲۲ ۳۰ و ۱۲/۵ ، ۲۳ س ۳۱

[۱۷۹٤] مخزن گوهر [فارسی]

یعقوب شاه نورالله بسال ۹۲۸ در این منظومه که بدان نام «مخزن گوهر» (برابر با ۹۲۸) داده است از معما گفتگو نمود و نخست آنرا تعریف کرد سپس در برابر هر کلمه‌ای شعرهائی گفت و در دیباچه بنام خداو پیامبر و پیشوایان شیعی و تاریخ نگارش شعرهائی بروش معما آورد. تاریخ ۱۰۰٦ درهم درهامش در همینجا دیده میشود. ۱۵

آغاز :

بسم رب مفتح الابواب	فتح الله لی طریق صواب
ان علیمی که عالم الاسما است	هرمعما باسم او پیداست

انجام :

۲۰ این نسخه که شد مخزن گوهر بمثال
بگرفته ز نظم جوهری زیب وجمال
آخر بکمال چون رسید اتمامش
یارب که شود قبول ارباب کمال

والحمدلله علی الاتمام وحسن الاختتام والصلوة والسلام علی محمد خیرالانام

وآله و اشياعه‌العظام‌الكرام اسمائه‌المعصومين الهمام ـ سپس در بارهٔ عبارتهای «حضرت شاه نورالدين نعمة‌الله ابقاه‌الله وخلد احسانه واجلاله آمين» و «حضرت سلطان‌عادل‌شاه‌ولی سلطان مدالله ظلال عدالته‌الله واحسانه آمين» دوقطعه شعر دارد بدينگونه : «هذا ايضاً من صاحب‌البر له غفران‌السر ... وله ايضاً روح‌الله ۵ روحه‌العزيز ... درعصر درآستانهٔ حضرت معصومه قلمی گرديد» .

[۲۱۰۲]

۱۲۰۱ اين نسخه بخط نستعليق است و باعنوانهای شنگرف . گ ۲ ب ـ ۵۰ الف . در ۵۰ ب هم چند شعر پست درمعما .

(۵۰ گ) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

۱۰ اندازه : ۱۱ ۰ ۱۷ و ۸ ۱۳ س ۱٦

[۱۷۹۵] المذكر والمؤنث (عربی)

اين رسالهٔ نحوی ازاحمدبن محمدبن احمد عروضی میباشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمين وصلواته علی‌سيدنامحمد وآله اجمعين . هذا كتاب يشتمل علی ذكرالمذكر والمؤنث الذی روی عن‌العرب و ذكروه ۱۵ فی‌الاشعار وجاء‌القرآن

انجام و ما العوى ... الثالث‌الحديد و العصا و السبيل و الصلاح والثوب (وجدت [illegible] المولى [illegible] محمد تقی‌المجلسی حشره‌الله تعالى مع‌النبی والوصی و اولادهما [illegible] الاخ[illegible] حشرالله مؤلفه مع‌الائمة‌الاطهار فی ۱۱۱۵ ـ من [illegible] محمدبن احمدالعروضی)

۱۰ [۲۱۰۲]

۱۲۰۲ [illegible] ش ۲ [illegible] ٤ ب (ازچهار [illegible] ۱ [illegible] شماره‌دار [illegible] دوصفحه (بنگريد ۶۳۵،۲۰)

[۱۷۹٦] مرآت المحققين (فارسی)

این رساله که از شیخ محمود شبستری است (ش ۲٦۹ طوس و ٦۲٦/۳ مجلس) در نسخه ش ۲۱٤٤ فیض‌الله استانبول از ابن سینا دانسته شد (ش ۱۰٤ قنواتی و۱۸۲ ارگین - فهرست آقای دکتر مهدوی ص ۳۰۱ - ص ۷٥٤ چاپ یکم روضات) . ٥

این رساله آمیخته‌ایست از فلسفه و عرفان و در هفت باب (نفس طبیعی ونباتی وحیوانی وانسانی - صورموجودات - واجب وممکن وممتنع - حکمت آفرینش - مبدء ومعاد - برابری آفاق وانفس (برابری تن با گیتی) برابری آفاق وانفس درجهان آسمانی) و درشیرازدر ۱۳۱۷ بچاپ رسید (ص٤۹۲ فهرست ما) .

۱۰ آغاز : مرآت‌المحققین - بسمله وبه نستعین . حمد وثنای بی‌عدد حضرت ذوالجلال را که آثار قدرت او درعالم آفاق و انفس از آفتاب جهانتاب برچشم اهل بصیرت تابان (تر) است ... بباید دانست که این مختصریست در بیان معرفت نفس وعلم خداشناسی ودیدن ودانستن لقای حق ... واین کتاب رامرآت‌المحققین نام نهاده آمدی .

۱٥ **انجام** . واماچون نظر بذات کنیم همه‌در تصرف امروقدرت او یك چیزیم اینجا وحدت روی نماید والسلام علی من‌اتبع‌الهدی (والله اعلم بالصواب) .

[۱۱۰٤]

۱۱۳۰ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱و۲ و در گـ ۷ الف - ۲۰ ب .

[۱۷۹۷] المسائل الفخریة (عربی) ۲۰

فخرالدین محمد فرزند علامهٔ حلی برقواعدالاحکام پدرخود که برای او نوشته اشت گذشته از گزارشی کـه بـنام ایضاح‌الفوائد نگاشته حاشیه‌هائی هم نوشته است واین حاشیه‌هارا چنانکه درذریعه (٦:۱۷۲) هم‌آمده علی بن مظاهر

شاگردش دردیوانی گردآورده وهمانستکه بنام «المسائل المظاهریة» خوانده میشود در نسخهٔ ما که «المسائل الفخریة» نامیده شده است(۱).

در گ ۸٤ الف دارد: «قوله وبعد اسقاط المتکرر یرید بالمتکرر الدینار ... من ثمانیة عشر جزءا من درهم ه. تمت والحمدلله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین قریت علی الامام فخرالدین و کتب بخطه اجازة لعلی بن مظاهر ونقلها عنه مشافهة» (پایان کتاب الفضاء).

در گ ۸۸ الف (کتاب الحدود مطلب ۲ مقصد ٤) دارد: «هذه املاءه دام ظله حرفا حرفا بعد(و)د نیم مردان علی طرف بحر القلزم فی خدمة السلطان خدابنده محمد خلدالله ملکه شوال سنة اثنی عشر و سبعمائة. بلغت المقابلة مع الشیخ فخرالدین بن المطهر و کتب علی بن المظاهر» (۲).

دراین نسخهٔ ما درآغاز و انجام بسیاری از بندها دارد «فخرالدین» برمز و در بسیاری از جاها دارد «فخرالدین مشافهة» و «فخرالدین بن المطهر» و «فخرالدین بن المطهر مشافهة» و «قال فخرالدین» و «کتب فخرالدین» و «قال فخرالدین بن المطهر» و «کتب محمد بن المطهر» و «قال فخرالدین بن المطهر مشافهة» و «ذهب

۱ــ فخرالدین [illegible] ارشاد پدر [illegible] حاشیه [illegible] نوشته است [illegible] ظهیرالدین بیهقی (روضات [illegible] ۳۸۸) [illegible] آورده است (ش ۱۷۵٦ همین فهرست) مانند اینکه «المسائل [illegible]» (ش ۲۰۱۵ همین فهرست) [illegible] (۳۵۹:۳) از [illegible] المسائل الحیدریه [illegible] المسائل المدنیات» او (ش ۲۰۲٤ــ [illegible] ۱۷۲)

۲ــ [illegible] و [illegible] در تاریخ [illegible] ۲ [illegible] ۱۲ [illegible] در کتاب الوصیة [illegible] (ش ۷۰٦ [illegible] ۱۷٤ [illegible]) (ش ۱۷۸۵ همین فهرست) چنین دارد: «و [illegible] علی ساحل بحر القلزم [illegible] محمد رحمه‌الله» [illegible] والذی المصنف منهما حین [illegible] اثنی عشر و سبع مائة».

فخرالدین » و « کتب محمدبن المطهر مشافهة » و « کتب فخرالدین مشافهة » و « مشافهة » و « بخطه... فخرالدین » و « بخطه » و « من املاء فخرالدین » و « من املاء فخرالدین (محمدبن المطهر) مشافهة » و « من لفظه » و « من املاء مولانا محمدبن المطهر مشافهة » و « فخرالدین بن المطهر املاء » و « من املاء شیخنا فخرالدین محمدبن الحسن بن المطهر رحمه الله مشافهة » و « من املاء المصنف » و « انقل عن مولانا فخرالدین بن المطهر مشافهة » و « قوی الشیخ فخرالدین بن المطهر » و « قال الشیخ فخرالدین بن المطهر » و « کتب محمدبن المطهر صحیحة » و « من لفظ مولانا فخرالدین بن المطهر مشافهة » و « منقول من اشکالات القواعد لمولانا فخرالدین المطهر » و « حاشیة من املاء المصنف قدس الله سره » (هامش) و « لیست فی الاصل بل حاشیة » و « هذه صحیحة و کتب محمدبن المطهر » پس روشن است که علی بن مظاهر این را از روی گفته‌ها و نوشته‌های استاد خود نگاشته است. واستاد هم در بسیاری از جاها از سخنان پدر و پاسخها که او بپرسشها میداده است آورد. این شاگرد نسخهٔ قواعدی را که فخرالدین نزد پدر خوانده بود در دست داشته واز آن در بسیاری از جاها سود برده است. همهٔ این نکته‌ها از عبارتهای آینده پیداست چنانکه دارد:

« وجدت فی الکتاب الذی قراءه فخرالدین علی والده » و « من الکتاب الذی قراءه فخرالدین » و « من الکتاب الذی قراءه فخرالدین بن المطهر دام ظله علی والده المصنف » و همین عبارت با افزودهٔ « و بخطه » و « من الکتاب الذی قراءه علی والده » و « کتب محمدبن المطهر عنه مشافهة » و « و کتب فخرالدین املاء عنه » و « فخرالدین و نقل عن والده » و « من املاء المصنف نقلها من الکتاب الذی قراءه ولده » و « وجدت فی کتاب فخرالدین بن المطهر علی القواعد التی قراءها علی والده المصنف رحمه الله بخطه » و « من املاء المصنف ادام (رحمه: بسرخی) الله ایامه من الکتاب الذی قراءه علیه (علی - خط خورده روی، ی،) ولده (والده، بوده وروی، الف، خط خورده) فخرالدین رحمه الله » و « نقله عن والده قدس

سره وقراءة » و « من الكتاب الذى قراءه فخرالدين بن المطهر على المصنف والده قدس الله روحه ».

و «الاولى عندى ما اختاره والدى قدس الله سره فى المختلف . . و كتب محمد بن المطهر مشافهة » (١) و « مايقول مولانا ... و كتب محمد بن المطهر عنه مشافهة » و « مسئلة ما يقول مولانا (ادام الله فوائده) . . . و كتب فخرالدين » (در دوجا) و « ما يقول مولانا ادام الله حياته فى الارشاد . . . الجواب عن ذلك كله . . . كتب محمد بن المطهر عنه مشافهة ».

در پايان قضاء (گ ٨٥) دارد : « من املاء شيخنا فخرالدين محمد بن الحسن بن المطهر رحمه الله مشافهة . . . ه . تمت بحمدالله وصلى الله على سيدنا محمد و آله و كتب محمد بن الحسن بن المطهر فى ثانى عشر جمادى الاول سنة خمس و خمسين وسبعمائة » پس تاريخ حاشيهٔ فخرالدين از اينجا روشن ميگردد كه نزديك ٧٥٥ بدان ميپرداخته است .

نيز دارد : « قال ضياءالدين » و برمز « ض » در خيلى جاها چنانكه در پايان وصايا از اين نشانه ياد نمود . همچنين نشانهٔ «فخرالدين و ض» در آن ديده ميشود . پيداست كه [illegible] ضياءالدين بن اعرج [illegible] هم در اين حاشيه آمده است . در وصايا (گ ٣٤ الف) دارد « [illegible] » پس از گفتهٔ او هم بهره برده شد . در احياء موات (گ ١٤٤ ب) دارد « ابن الجار عن الشهيد رحمه الله » پس اين حاشيه پس از درگذشت شهيد يكم (٧٨٦) نگارش در آمده است و چون در آن دارد « مسئله [illegible] مولانا [illegible] المطهر رحمه الله بحضره مولانا و سيدنا ابى عبدالله [illegible] مظاهر گفتهها و نوشتههاى [illegible] او و در [illegible] و شايد در جاهاى [illegible] (٧٧١) هم بدين كار ميپرداخته است .

١ [illegible] ٧٠٤ [illegible] فى الجعالة [illegible] ان الاجارة [illegible] لازم . . . »

[illegible]

نام‌درست این علی‌بن مظاهر « حاج زین‌الدین علی‌بن عزالدین حسن‌بن‌احمدبن
مظاهرحلی » میباشد وفخرالدین روی نسخه های نهایةالاحکام علامه در۱۰ع۱
۷۵۵ وقواعد همو درذیحجهٔ ۷٤۱ برای‌او اجازه نوشته‌است. این دومی‌دراجازهٔ
بیاضی به بویهی در ۸۵۲ گذارده شده است (اجازات‌بحار ص٦٤-ذریعهٔ۱:۲۲۱)
واز آن‌برمیآید که سید زین‌الدین علی‌بن دقماق و جمال‌الدین احمدبن حسین‌بن ۵
مطهر ازهمین ابن‌مظاهر همین اجازه را گرفته و به‌بیاضی داده اند. فخرالدین
همین « مسائل مظاهریه » راکه به « الحواشی الفخریه » نامبرداراست بهمین ابن
مظاهر بخط خود اجازه داده است. (ذریعهٔ۱:۲۳٦)

آغاز در ۱ الف نسخهٔ‌ما : رأس المال الدراهم الساقطة ه قال فخرالدین:
مثاله ان‌تأخذ من الدراهم المتجددة بقدر تلك ... و جعلناه رأس‌المال. تکمیل. ۱۰
قوله: والحیاکة ه عمل الکتان ه والنساجة عمل الزلالی.قال‌فخر الدین مشافهة.
قوله و کسب‌الصبیان ه یرید به الکسب‌المجهول سببه ووجهه فیکره ذلك‌للولی
وللاجنبی معا (کتاب‌المتاجر مقصد۱ فصل۱ قواعد ص ۱۱۹ ج۱ چاپی)

پایان وصایا در ٤۱ ب: قوله و خمس المأتین علی‌الثانی ه ای علی‌الوجه
الثانی وهوالقسمة‌اسداساً ... حصلت علی‌الباقی بین‌القسمة للاول‌والثانیة من‌العبد ۱۵
لاغیر ه فائدة: الاشیاءالتی بناهاالشارع علی‌التغلیب ستة متفق علیها وهی‌الجنایة
والعتق والوطی والرضاع والاسلام والارث و واحد مختلف فیه و هوالتدبیر ه
من املاء فخرالدین.

فرغ‌من‌تسویه‌هذه‌المسائل‌بعون‌الله‌وتوفیقه‌اکثرالعبادذللاواقلهم‌عملاالراجی
من الله غفران ذنبه وستر عیبه بمنه و طوله محمدبن اسمعیل‌بن علی‌بن یونس‌بن ۲۰
عباس‌بن محمدبن منصور بن حسین‌بن الیاس‌الزاهد عفاالله عنه وعن والدیه وذلك
آخر نهار الثلثاء لخمس خلت من شهر رجب الاصب سنة ثمانیة عشر و ثمانمائه.
و کل مسئلة علیها س نطهرلی انه‌الشیخ نمی والدی عن الفخر ملدمین علیها اسمه
و ماخلا من‌العلامة ماعرف سنده. و افق‌الفراغ من نقلها سادس شهر ذی‌الحجة

سنة سبع وعشرين و ثمانمائة. والحمدلله وحده وصلی اله علی سیدنا وسیدالمرسلین محمد وآله. (آنچنانکه من توانستم بخوانم. بکلیشه بنگرید)

آغاز نکاح در گ ۳٤ ب: بسمله. اللهالموفق. کتاب النکاح. قوله وینبغی ان یتخیر الولود ه. التی تکون امها و لودا وافاربها کذلك الانادرا ه.ضیاءالدین الاعرج:

۵ لو ضم الی السنة طلب المال والجمال لم یکره بخلاف مالو لم یطلب السنة بل لهما او لاحدهما. ولو طلب کل من المال اوالجمال ولم یضم الولدولا السنة کان ذلك مکروها. قوله ویکره ان یطرق اهله لیلا ه فخرالدین بن المطهر : یرید به الزوجة لاغیر ولایرید به غیرها من الاهل کالاخت والبنت وشبه ذلك. قوله و فی المحاق ه. فخرالدین مشافهة : المحاق یکره فیه الجماع لیلاو نهارا قوله واوسعهن رزقا ه.

۱۰ ای یرزقه بسببها رزقا و اسعالان نفقتها واجبة فاذا رزق کثیراً کان رزقها وسیعا. ضیاءالدین. قوله و محتلماً قبل الغسل ه. من الکتاب الذی قراءه فخرالدین علی والده المصنف و بخطه روی الصدوق عن رسول الله .. فلایلو من الانفسه ه فخرالدین مشافهة قول الشیخ نجم الدین سعید.

انجام در گ ۱۹٤ الف وب : قوله ولامجنون وان ورثوا ه. لوعقل المجنون

۱۵ وهو من العصبة بعدالجنایة اوبلغ الصبی .. و کونه مسقا حالها و کتب محمدبن المطهر رحمه. قوله والشرکاء فی عتق عبد واحد ه. من الکتاب الذی قراء علی والده و بخطه : الشرکاء فی عتق عبد واحد .. مثل ذلك الاخ مع بینة. قوله و فی اشتراط اتحادالجرح اشکال ه مثاله لوضربه خارصات متعددة فی مواضع ... ضعف فی عدم التحمل ه. الاقوی عندی ان العاقلة لایحمل ذمة مانقص من الموضحه و یؤخذ ... خطاء من الجانی فی ثلث سنین و کتب محمدبن المطهر.

۲۰ قوله و لاتضمن العاقلة عبداً ولا بهیمه ه مثاله لو جنی عبد لاتضمنه عاقلة مولاه ... البهیمه ... ه. دعاء الرسه دعاء الاستسقاة جعل یدیه علی منکبه.

... المسائل المهمة بعون الله و ... و ذلك فی اوقات آخرها نهار الخمیس للیله ... من شهر ... سنة سبع و عشرین و ثمانمائة والحمدلله وحده. غفرالله لمن دعا لمالکها و ...

[۲۱۰۵]

۱۱۹۲ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نسخ کهن وعنوانها بشنگرف میباشد ونیمی از آن در پایان روز سه شنبه پنج روز گذشتهٔ ازرجب ۸۱۸ نوشته شده ودر ٦ ذی‌حجهٔ ۸۲۷ پاکنویس گردید ونیمهٔ دوم درروز پنجشنبه یکشب ماندهٔ از رجب ۸۲٦ نوشته شده است . نام نویسندهٔ آن درپایان نیمهٔ دوم دیده میشود . گ۱ ب – ۹٤ ب . در ٤۲ الف و ٤۳ الف دعا و خبراست و بندی دربارهٔ کنیه‌های امامان. در ۹۵ الف – ۹۹ هم اخباراست بخط دیگروبدینگونه آغازمیشود «من الجزء الثانی من کتاب تمییز (؟) الطالبیین ومناقب الخلفاء الراشدین للشیخ محمد بن یوسف بن محمد الشافعی » .

(همهٔ دفتر ۱۰٦گ) – کاغذ سمرقندی زرد – جلد ندارد

اندازه : ۱۹×۱٤ و ۱۰×۱۲/۵ س ۱۹

[۱۷۹۸] مساحت (رسالهٔ ...) (فارسی)

این نامه درسه باب است ودرمساحت .

آغاز : بسمله . بدانکه مساحت عبارت‌است از استعلام امثال واحد مفروض خطی یا ابعاض او درممسوح .

انجام : ومساحت جمیع اقسام مذکوره ازاسطوانه یعنی مستدیره ومضلع وقائم ومائل حاصل ضرب قاعدهٔ اواست درارتفاع او .

[۲۱۰٦]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۱ دفتر و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف ودرپایان دارد : «تمت الرسالة الشریفة فی شهر ذی‌قعده من شهور سنة خمسین بعد الالف حرره الداعی طهماسب قلی » درپهلوی آن بخط شکسته دارد : « ازروی خط سیدالسادات میرمحمد زمان سبزواری سلمه‌الله تعالی مسوده نموده شد » گ ۲ ب – ۵ الف مهر سیدمحمد کریم دردو برگ آغازدیده میشود .

(همه دفتر ۹۳گ) – کاغذ سپاهانی – جلد تیماج لریاکی ضربی مقوائی با برگردان

اندازه : ۲۳×۱۳/۵ – ۱۵×۸ س ۱۵

[۱۷۹۹] مضیی‌الاعیان (فارسی)

مولی حیدر بن محمد خوانساری نگارندهٔ زبدة التصانیف (ص ۲۲۶۷ همین فهرست) بنام «ابوالمظفر شاه عباس حسینی بهادرخان» ایندفتر بپرداخت ودرسال ۱۰۱۴ (= مضیی‌الاعیان) آنرا بانجام رساند. ایندفتر شاهکاریست درمحاسبهٔ آیتها با شمارش ابجدی .

آغاز : بسمله بدانکه این رساله ایست مسمی بمضیی‌الاعیان دربیان اظهار اسامی شریف شافع روزمحشر و ائمهٔ اثنی عشر ... ازز بر بینات آیات معینهٔ کلام ربانی که حضرت حق ... درشأن ... علی بن ابی طالب و باقی ائمه ع تنزیل فرموده ... و بدانکه نزول این آیات . . . درحق علی بن ابی طالب نه تنها از طرف شیعه مشهوراست بلکه درکتب جمهور نیزمسطوراست چنانکه ... مولانا فتح‌الله بن مولانا شکرالله کاشی قدس‌الله سره و نور ضریحه درتفسیر خود که مسمی بمنهج الصادقین است ازتفاسیراهل سنت بیان نمودو... مولانا ابی طالب استرابادی علیه الرحمة والغفران در ... حدائق المتقین اظهارآن فرموده .

انجام .

صد شکر که ثنای شاه دوجهان	ز اسرار کردم نکتهٔ چند بیان
تاریخ رساله را و اسمش را هم	چون پرسیدم گفت مضیی‌الاعیان

۱۴۱ (۱۰۱۴) (والحمدلله اولاوآخراً وظاهراًو باطنا وصلی‌الله علی محمد وآل محمد) .

[۲۱۰۷]

۱۱۹۶ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنستعلیق و عبارتهای تازی بنسخ درشت‌تر و رقمها برخی شنگرف میباشد ودرروز پنجشنبه ۲۲ ج ۱۲۶۴/۱ ابراهیم شهریاری نوشتن آنرا بانجام رساند . گ ۲ الف — ۸۱ الف .

(همهٔ دفتر ۳۴۱ گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی یکلا
اندازه : ۱۱ × ۱۶/۵ و ۶ × ۱۲ س ۱۴

[۱۸۰۰] معدن البکاء (عربی)

محمدصالح بن محمد برغانی قزوینی پس از نگارش غنیمة المعاد و مسلك الراشدین بنوشتن ایندفتر درسرگذشت امام حسین ع بنام معدن البکاء فی مصیبة خامس آل العباء در یك مقدمه و چهارده مجلس و یك خاتمه بپرداخت (ص ۲۰۴۳ همین فهرست).

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین اما بعد فیقول . . . محمد صالح بن محمد البرغانی مسقطا القزوینی منزلا .

انجام : فادخلت النار فانقلب لسانی الی لسان اهل النار الحمدلله اولا و آخراً وظاهراً و باطنا .

[۲۱۰۸]

۱۱۸۷ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای درشت تر و نشانه‌های شنگرف و دردو جدول سرخ و سبز است از «ا والقاسم» .

۲۷۷ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج کرباسکی متوالی

اندازه : ۲۰ ۲۹٫۵ و ۱۲٫۵ ۲۱٫۵ س ۲۷

[۱۸۰۱] معراج الاصول (عربی)

اینهمانست که در ص ۱۷۲۳ همین فهرست شناخته شده است. نام آن در این نسخه‌ها «معراج الوصول فی شرح منهاج الاصول» میباشد

[۲۱۰۹]

[illegible] این [illegible] و برخی باها حاشیه دارد بخط ریزتر [illegible] مطلبها در گوشهٔ راست بالای رویهٔ [illegible] نویس میباشد . برخی [illegible] رفته است .

آغاز : بسمله . رب تمم ویسر . سبحانك . اللهم یا واجب‌الوجود ویا واهب‌الخیر والجود .

انجام : والله اعلم بالصواب . ولاحول ولا قوة الا بالله‌العلی العظیم والحمدلله رب‌العالمین .

(۳:۳۴) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه . ۱۲/۵ × ۲۲ و ۸/۵ × ۱۸ س ۲۰

[۱۸۰۲] معراج‌الحکیم ومنهاج‌القویم (فارسی)

دراین‌دفتر از کیمیا گفتگو شده و نگارندهٔ آن ناشناخته است .

آغاز : بسمله . و به نستعین . این کتاب که مسمی بکتاب معراج‌الحکیم ومنهاج‌القویم بود بدست این‌بنده آمده و پس‌ازشرح مفصل سرلوحهٔ آن که نامی از شارح و مصنف آن برده نشده بود و نسخه کننده درآخر کتاب نوشته بود که این نسخه ازخزانهٔ حضرت ثامن‌الائمه حضرت رضاعلیه‌السلام استنساخ شده تیمنا و تبرکا از مقدمه شروع نمود و من‌الله‌التوفیق و علیه‌التکلان . اعوذبالله من‌الشیطان‌الرجیم بسمله بدان ارشدك‌الله الی سواءالسبیل که موضوع علم صناعت کیمیا فلزات ذائبه منطرقه است از حیث استعداد و وصول آنها بغایت کمال که آن مرتبهٔ ذهبیت است .

انجام پس هرجسدی که قابل و لایق دانه طرح کند وهو الموفق والمعین (این نسخه از کتابخانهٔ حضرت امام رضا . نوشته شد قد تم‌الکتاب بیدی ... [illegible] ۱۳۰۵ [illegible] حسب‌الفرمایش ... این وجیزه [illegible] هزار و سیصد و پانزده ۱۳۱۵ بیداقل [illegible])

[۲۱۱۰]

[illegible] میباشد .

۱۰۹۱

(۶۶۲) [illegible] تیماج قهوه‌ای

اندازه : ۱۱ [illegible] ۱۷ و ۷ [illegible] ۱۲ س ۱۳

[۱۸۰۳] معراج الشريعة في شرح منهاج الهداية (عربی)

دانشمند شیعی محمد ابراهیم کلباسی درفقه منهاج الهدایه نگاشته است (کنتوری س ۵٦٧ - طوس ۵ : ٦٢٩) وگویا پسرش محمد مهدی (م ۱۲۹۲) این گزارش آمیخته را برآن نوشته و بدین نام نامید (طوس ۵:۵۰۹).

۵

[۲۱۱۱]

۱۲۱۵ این نسخه نسخ است وعنوانها شنگرف ومتن زیرخط سرخ و چنین است :
آغاز . الجزء الثالث من اجزاء معراج الشريعه . و به توكلي و اعتمادی .
بسمله . الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين ... و بعد فهذا هوالجزء الثالث من اجزاء معراج الشريعة في شرح منهاج الهداية في صلوة الجمعة والعيدين والآيات وغيرهامن الصلوات الواجبة والمستحبة واحكام السهو والشك والجماعة وصلوة المسافر و احكام الجنائز . قال اعلى الله مقامه : المقصد الثالث في بقية الصلوات وفيه منهاج .

۱۰

انجام : وليكن هذا آخر المجلد الثالث من مجلدات معراج الشريعة ويتلوه المجلد الرابع في كتاب الزكوة والخمس والصيام وفقنا الله للاتمام ... وكان الفراغ من تسويده في العشر الآخر من شهر ربيع الاول سنة خمس وسبعين و مأتين من بعد الالف من الهجره على هاجرها آلاف التحيه والسلام والصلوة (۲ ب - ۱۷٤ الف) .

۱۵

(۱۷۴گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۹ ۲۹ و ۹/۵ ۱۸ س ۲۷

[۱۸۰٤] معیار العبادات (فارسی)

این نامه همانست که در ص ۹۵۰ همین فهرست (ش ٤٨١) شناسانده شده است .

۲۰

[۲۱۱۲]

۹۷۲ این نسخه ش۳ دفتر است و نسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف در گ ۱۹ ب - ۳۵ الف میباشد .

[۱۸۰۵] معیار العرفان (عربی)

غیاث‌الدین منصور فیلسوف دشتکی شیرازی (م ۹۴۸) تعدیل‌المیزان نوشته ودرآن بشفای شیخ وسخنان لوکری و بهمنیار و فخر رازی و خواجهٔ طوسی و سهروردی و ابهری و کاتبی وسمرقندی نگارندهٔ قسطاس و شهرزوری شارح تلویحات و پدر خود که درآن زمان زنده بود نگریسته و برخی از آنها را با رمز نشان داده است . این کتاب او که خود در دیباچه چنین نامیده چند نمط و باب مشرع و دومنهج هرباب دارای چند مطلب در آن گذارده شده است . او میخواسته آنچه این دانشمندان درمنطق گفته‌اند در آن بیاورد و بررسی‌های خود را بر آن بیافزاید و روش ارسطو را هم نگاهبدارد . شوشتری درمجالس‌المؤمنین میگوید « کتاب تعدیل‌المیزان در منطق که خلاصهٔ منطق شفا است با سوانح طبع نقاد ایشان ، دیگر کتاب معیارالافکار که خلاصهٔ تعدیل‌المیزان است » او پس‌از برشمردن نگارشهای دشتکی می‌نویسد « اینست آنچه از تصانیف حضرت میر بنظر فقیر رسیده » آغاز این تعدیل را چنانکه در نسخه‌ای ناقص که تا پاره‌ای از مطلب چهارم منظر یکم نمط چهارم درمبحث حمل از رسالهٔ پنجم و کتاب چهارم درانولوطیقاوقیاس را دارد چنین دیده‌ام « بسمله . [illegible] المستفیئین ایدنا بتعدیل میزان‌الانظار [illegible] لمقاصدالنجاة والشفاء [illegible] معیارالافکار وصولا الی منتهی اشارات‌العرفاء ... » (از روی نسخهٔ مرعشی- نیز ذریعه ۲۱۱:۴- ذیل چلبی ۲۹۵:۱) .

دشتکی چنانکه شوشتری هم گفته است از تعدیل‌المیزان گزین نموده در یک مقدمه و [illegible] در [illegible] فارابی و ابن سینا «معیار العرفان» چنانکه در نسخهٔ ما است نه «معیارالافکار» چنانکه در مجالس‌المؤمنین و پیروی از آن در ذریعه یاد شده است . [illegible] و در [illegible] (مانند [illegible] و جز آن) از همین تعدیل‌المیزان یاد کرده و [illegible] را [illegible] باز کرده [illegible] از همین همین معیارالعرفان همان [illegible] گویا پس از خواجهٔ طوسی

دراساس الاقتباس و منطق تجرید کسی بجز دشتکی کتابی باین خوبی و رسائی آنهم
بروش پیشینیان ننوشته باشد .

او پس از برهان درفنون ششم تانهم، مغالطه و شعر سپس خطابه و جدل را
آورده است نه بروش پیشینیان .

۵ درفهرست طوس (۴:۱ منطق) از تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار اثیرالدین
ابهری و گزارش آن از خواجهٔ طوسی بنام تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار نگارش
۶۶۵ یادشده و این دومی معیار الافکار دشتکی پنداشته شده است بااینکه بگواهی
ذریعه (۴: ۲۱۰) باید از طوسی باشد (نیز چلبی ۱: ۳۳۷- ذریعه ۴: ۴۵۵) و این یکی
با هیچیك ازدو کتاب تعدیل المیزان و معیار العرفان دشتکی پیوستگی ندارد .

۱۰ درهمین فهرست طوس (۴: ۳۶۸) دو نسخه از همین «معیار العرفان» شناسانده
و پنداشته شده که «تعدیل المیزان» دشتکی است بااینکه فهرست مطلبها و آغاز و
انجام آنها درست مانند نسخهٔ ما میباشد. پس با نسخهٔ ما سه نسخه از معیار العرفان دشتکی
را میشناسیم . این هم گفته شود که درهامش حاشیهٔ ملاعبدالله یزدی بر تهذیب المنطق
تفتازانی چاپ ۱۳۲۳ حاشیه هائی است بانشانهٔ « تعدیل المیزان » و آن ازدشتکی
۱۵ نیست و حاشیه ایست براین حاشیه و چنانکه چاپ کنندهٔ آن نوشته است همهٔ آنهم
درهامش آمده است (ذریعه ۶: ۱۰۶) و محشی آن هم شناخته نگشت .

آغاز : بسمله . اللهم ایدنا بالمنطق الفصیح و وفقنا بالنظر الصحیح وصل
علی غیاث حق منطقه معیار العرفان و تعدیل میزان الحجة والبرهان واجعل اهله
اهل الحق منصوراً ومن صدقه بنیل ماصوره مسروراً و بعد فان الفقیر الحقیر غیاث
۲۰ المشهور بمنصور یقول لما ذهبنا بتکمیل عیار جواهر الانظار المحلی بها مرآة
حقائق الافکار ودقائق الاسرار الشارقة من مشارق الانوار دعانا بعض الاخیار الی
نظم معیار اعتبار هذه العیار فرتبناه تبصرة للنظار من ارباب الانظار و تذکرة
للاحبار الاخیار من اصحاب الاعتبار و نظمناه مسئولا فی تسعة فنون مفتتحاً
بفاتحة نافعة .

ووفورالاطلاع والله المستعان فی البدووالختام وبه الاعتصام.

پس ازاین در۵۳ب ـ۵٤ الف بخط نستعلیق بندیست دربارهٔ بانك كردن گوش درشبها وروزهای هفته .

(همهٔ دفتر ۱۰۰گ) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشكی ضربی
اندازه : ۵/۱۰×۵/۱۵ و ٦ ,۵/۱۰ س۱۵

۵

[۱۸۰۷] مقامات (عربی)

ایندفتر در ۵۰ مقامه است و ابی‌قاسم بن علی حریری بصری (٤٤٦-۵۱٦) دربصره بروایت ازدومردی ساختگی بنام حارث بن همام ازابی‌زید سروجی برای انوشیروان وزیر آنرا ساخته است . چندین گزارش براین مقامات نوشته‌اند که درچلبی (۲:۹-٤۹٤) یاد گردید (۱) .

۱۰

۱ـ پس ازحریری ابن سام ابی‌الحسن علی بسامی شاعر م۳۰۳ برای ابی‌حامد محمدبن محمد شهزوری در ۳۰ مقامه و بدیع‌الزمان همدانی م ۳۹۸ در ٤۰ مقامه بروایت ازعیسی بن هشام ازابی‌الفتح اسكندری ودرروزگارحریری وپس ازاوزمخشری م۵۳۸ پس از۵۱۲ در۵۰ مقامه وشیخ جمال‌الدین ابی‌الطاهرمحمدسرقسطی ابن‌اشتركونی م ۵۳۸ بروایت از منذر بن حمام از سائب بن همام در ۵۰ مقامه بنام سرقسطیهٔ لزومیه و ابی‌العباس یحیی نصرانی بصری پزشك م ۵۸۹ بنام مسیحیه و ابوالندی ابن صیقل محمدبن ابی‌الفتح نصرالله بن رجب جزری م ۷۰۱ بروایت از قاسم بن جربال ازابی‌نصر مصری بسال ٦۷۲ بنام زینبیه و بدرالدین ابی‌المحامد احمد رازی بروایت از قعقاع بن زنباع در ۱۲ مقامه بسال ۷۰۰ و شمس‌الدین محمد جذامی صائغ دمشقی م ۷۲۰ بنام شهابیه برای قاضی شمس‌الدین خوئی وسیوطی م ۹۱۱ در ۲۹ مقامه یا رساله مقامات نوشته‌اند . ازمقامات روحهٔ محمدبن عیاض لئی هم نام برده‌اند . در زبان فارسی مقامات حمیدی را میتوان یادكرد كه نگارندهٔ آن در۵۵۹ درگذشت ودر٢٤ مقامه است (سبك شناسی ۲:۳۲٤) .

۱۵

۲۰

اطواق‌الذهب زمخشری در ۹۹ مقاله و اطباق‌الذهب شرف‌الدین عبدالمؤمن شفروهٔ سپاهانی (سدهٔ ۱۰) در ۱۰۲ مقاله گرچه افسانه نیستند ولی درعبارت نزدیك باین مقامات میباشند .

۲۵

آغاز : هذا کتاب مقامات الحریری لابی‌القاسم البصری . بسمله . اللهم انا نحمدك علی ماعلمت من‌البیان والهمت من‌التبیان .

انجام : ویحظی بالعفوانه‌هواهل‌التقوی واهل‌المغفرة وولی‌الخیرات فی‌الدنیا والآخره‌والحمدلله تعالی حمدایضاهی‌فضله و بشکل نعمته‌والصلوة علی نبیه‌المصطفی

۵ وآله اجمعین .

[۲۱۱۵]

۱۱۰۵ این نسخه بخط نستعلیق خوش است با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف میباشد . حاشیه‌ها لغوی در آن هست بخط ریزتری در ۱ الف تاریخ ۲۲ ذی‌حجه ۱۲۶۸ دیده میشود . در آن دارد «سنهٔ ۱۲۶۰ــ این کتاب معامات را درمیدان صاحب

۱۰ تبریز دریوم سه شنبه دهم ربیع ثانی عام ۱۲۹۴ خریدم بمبلغ ۴۰۰۰۰ .

۲۴۳گ ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه : ۲۲/۵×۱۵/۵ و ۷ ۱۴ س ۹

[۱۸۰۸] المقتنی فی سرد الکنی (عربی)

شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز ذهبی ترکمانی دمشقی

۱۵ شافعی حافظ مورخ (۶۷۳ ــ ۳ ذی‌قعدهٔ ۷۴۸) در این نامه از کنیه‌هائیکه در آغاز آنها اب یا ام است [illegible] و آنرا از روی الکنی از نسائی وابواحمد حاکم که در چهارده سفر است نوشته است و [illegible] نداشتند و او مرتب نموده و [illegible] بر آن افزود (ریحانة‌الادب ۲ ص ۵۵) [illegible] (۲ ۰۰ ص) [illegible] ذهبی [illegible] ۷۳۲ بانجام رسانده و [illegible] هم

۲۰ [illegible] بر آن افزود در نسخهٔ [illegible] دربارهٔ کنیهٔ زنان است افزودهٔ خود [illegible] .

آغاز : [illegible] علی سیدنا محمد وآله الحمدلله الذی لم یتخذ ولدا ولم [illegible] محمد بن احمد بن الذهبی ... فهذا

۲۵ مؤلف [illegible]

انجام : ام‌الهذیل عن انس هی حفصة بنت سیرین . . . و کثیر منهن تکنی بکنیة زوجهاوالله‌اعلم (تم‌الکتاب‌المبارک ... علی ید .. عمران‌بن عامرالازهری المالکی ... اواخر یوم‌الاحدالمبارک ثانی عشری شوال ... من شهورسنة ۱۰۹۰ وحسبناالله ... ویتلوه ... نزهة‌الالباب فی‌الالقاب لابن حجر جزء لطیف نحوامن خمسة عشر کراساً والله اعلم) . ۵

[۲۱۱۶]

۱۱۵۶ این نسخه ش ۱ دفتراست و بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف عمران‌بن عامری ازهری مالکی که درپایان روزیکشنبه۲۲ شوال۱۰۹۰ آنرا بانجام رساند. گ ۱ ب ـ ۱۰۵ الف .

(همهٔ دفتر۱۷۴گ) ـ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ـ جلد تیماج تریاکی زرکوب مقوائی بابرگردان ۱۰
اندازه : ۱۹ · ۲۹ و ۹/۵ ،۲۰/۵ س ۲۹

[۱۸۰۹] ملاذالاوتاد (عربی)

محمدجعفراسترابادی معالم‌را نزد سیدعلی طباطبائی درس خوانده و آنچه ازاستاد شنیده‌بود (با نشانهٔ «قس . . . کذا قررالاستاد» یا مانند این) دراین‌دفتر که ملاذالاوتاد نامیده است گنجانده و ازخود هم چیزهائی برآن افزود و نشانهٔ ۱۵ اینها در بیشتر جاها « اقول » میباشد . آنرا او در ماه‌هفتم ۱۲۲۸ بانجام رساند .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی هو اصل فوق‌الاصول والذی انشأالفروع من‌الاصول ... فیقول ... محمدجعفرالاسترابادی هذه تعلیقات ... علی‌اصول‌المعالم کتبتها حین اشتغالی بتحصیلها علی وجه‌الاستدلال عند . . . مولانا السید علی ۲۰ الطباطبائی البهبهانی دام ظله و جمعت فیها ما سمعت منه دام اقباله . . . سمیتها بملاذالاوتاد .

انجام : هکذاآخرماارادد ... محمدجعفرالاسترابادی تألیفه من‌تحقیقات ... السیدعلی الطباطبائی‌البهبهانی ادام‌الله ظله ومماوصل الیه نظری‌القاصرولماکان غالب هذه‌التعلیمه من تحقیقات‌الاسناد سمیتهابملاذالاوتاد وکان‌الفراغ من تألیفها

في الشهر السابع من السنة الثامنة من العشر الثالث من المائة الثالثة من الالف الثاني من الهجرة النبوية المصطفوية على هاجرها الف صلوة وسلام وتحية .

[٢١١٧]

٥ ١٢١٢ این نسخه بنسخ ملاعلی محمد قندهاری است در تاریخ ع ١٢٣٣/٢ و دو تاریخ ١٢٩٢ و ١٣٤٦هم اردارند آن نسخه در ٣ الف دیده میشود . داب ٣ب ـ ٢٥٧ ب .

(٣٣٦٠ ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ عنوانی
الدازه : ١٦ ٢١ و ١٠ ١٥ س ٢٣

[١٨١٠] رسالهٔ ماهیة یا ابصر (فارسی)

١٠ آخوند ملامحمد بن علی اصغر گلپایگانی نگارندهٔ واردات غیبی (چاپ ١٢٤٨ تهران) و تکملة الصافی و تقریب المرام و کشکول از دانشمندان بنام بوده است .
او در این دفتر که در کلام شیعی آمیختهٔ با عرفان اخباری است یک مقدمه در جواهر و اعراض و سه مقاله، نخستین در اثبات واجب در شش فصل دوم در احوال مبدء کائنات در هیجده فصل و یک خاتمه سوم در معاد در یک مقدمه و سه طریقه
١٥ هر یکی چند فصل، گذارده است او آنرا بدرخواست برخی نگاشته و در ١٢٤٤ بپایان میبرد است .

آغاز (رسالهٔ ماهیة بالصواب . محمد بن علی اصغر گلپایگانی) اما بعد . نظر [illegible] از اجلهٔ کرام و [illegible] و هی از طالبین ذوی العز والاحترام [illegible] آن [illegible] احوال مبدء و معاد
١٠ [illegible] محمد بن علی اصغر [illegible] چنان معدوم نبود [illegible] از مسائل علوم [illegible] اجابت مسئول و امتثال دستور [illegible] رسالهٔ باختصار نزدیک

وعجالهٔ از اطناب وعبارت پردازی دور بترتیب درآوردم و آنرا «ملهمة بالصواب» نام نهادم .. واین رساله مشتمل است بریك مقدمه وسه مقاله (گویا یك صفحه‌ای ازخطبه درنسخهٔ ما نیست) .

انجام : بدانکه این رساله چون در تاریخ یکهزار ودویست و چهل وچهار بتألیف درآمد و پیش از آنکه از مسودهٔ باطله باوراق صحیحه مسطور گردد ازبرای شخص بزرگی ازروی مسوده نسخهٔ مکتوب رفت و چونکه حقیر خود خواستم که آن مسوده را دراوراقی چند بکتاب آوردم درقسم معاد آن تغییر کلی دادم که کمی از آن عبارات واندکی از آن کلمات را نسخه کردم وعبارات وجیزهٔ دیگر وکلمات انیقهٔ بهتر درحال تحریر بجای آن عبارات متروکه درآوردم ودرقسم مبدء هم تغییر جزئی درفصول آن دادم پس هرگاه آن مسوده یا آن نسخه که ازروی آن مسوده مکتوب رفت بنظر تو رسد ودردست تو افتد ودرهریك از آنها عبارتی رکیك ومطلبی سخیف مشاهدت نمائی حمل برسهوقلم و نسیان خاطر کن نه برسوء اعتقاد وفساد مقال و هرگاه براین نسخه که خود از مسوده برداشتم ودرجرح وتعدیل عبارت آن اهتمام نمودم مطلع گردی وآنرا دریابی شاید که تصدیق آوری واذعان کنی والسلام علی من اتبع الهدی (ولقد حرره الاقل الآثم محمد تقی بن محمد کاظم الگیلانی اللاهجانی ... وکان الاتمام فی یوم الاربعاء من سادس عشر شهر ربیع الآخر فی سنة ۱۳۲۰ فی قصبة الآشتیان . اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا ... بمحمد وآله صل علی محمد وآله) .

[۲۱۱۸]

۱۰۶۴ این نسخه بخط شکسته نستعلیق است وعربیها وعنوانها نسخ وآغاز مطلبها زیرخط سرخ میباشد . کتاب ۲ الف ـ ۵۸ الف . در ۵۸ ب ـ ۶۳ ب مطلبهای پراکنده است از نظم و نثر . در ۱ ب گفتاریست از جناب واقف دربارهٔ همین کلیاتکانی

(۶۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا ته میشن

اندازه ۱۶×۱۰/۵ و ۱۳×۷ س ۱۲

هر بها بعض العلماء وسماه بهذاالاسم مشهور » پس باید متن فارسی آن از غزالی بوده
و دانشمندی آنرا بتازی در آورده باشد نه اینکه این یکی را هم غزالی ساخته
باشد . از این پارسی دو نسخه‌ای در این کتابخانه هست ویکی (ش۸۸۱/۱۳) آن
درص ۵۰۷ وص۷۱ باز پسین سخن همین فهرست شناسانده شده است . این پارسی
در دنبال « مکاتیب فارسی غزالی » در تهران بسال ۱۳۳۳ خ بچاپ رسید (۱) ۵
ودر آنچاپ نوشته نشد که فارسی «ایهاالولد» است . متن تازی در بسیاری از جاها
کم دارد و ترجمان عبارتهائی از آنرا انداخته است. یك بیت :

« واز عم انی هائم ذو صبابة   لربی فلا بکی و تبکی البهائم »

درفارسی نیامده (ص ۹۷) ودر تازی دیده میشود (ص ٣٤). شعر:

گر می دو هزار رطل بر(همی) پیمائی ۱۰

تا می نخوری نباشدت شیدائی »

درهر دو (ص۲۹ این وص۹۳ آن) دیده میشود . عبارت «همچنین در طریق
اهل البیت علیهم السلام دعاهای نیکو بسیار آمده است » (ص ۱۱۲) در تازی
(ص ٤٧) ترجمه نگشت و بهمان ترجمهٔ « اما دعائی که خواسته دعاها درصحاح
بسیار آمده باید که آنجا یاد گیری » بدینگونه « واماالدعاءالذی سألت منی فاطلبه ۱۵
من دعوات الصحاح » بس کرده شد . باز در پارسی این عبارت « همچون عایشهٔ
صدیق رضی الله عنها و عن ابیها » آمده و در تازی دیده نمیشود (همانجاها)
از نگریستن بمتن تازی بر میآید که بشیوائی وروانی سخنان غزالی نیست و کسیکه
آنرا از روی فارسی بتازی در آورد مانند غزالی آزاد اندیش نبوده و نمیخواست
از آئین شیعی نشانی در آن باشد. دلیل دیگر بر اصل بودن تازی همان بیت فارسی است ۲۰
که درهر دو آمده و دور است که در کتابی تازی شعری پارسی گواه آمده باشد .

۱ــ در این چاپ نامه‌های غزالی همانهائیکه در اکبرآباد هند بسال ۱۳۱۰
و در تهران باز بکوشش آقای مؤید ثابتی درهمین سال بچاپ رسید آمده است .
درفهرست مجلس (ش٥٩٤/٤) از جواب مسائل انمه خراسان» یاد کرد یدکه پاسخها است
گویا از شهاب الدین عمر سهروردی به نوزده پرسش عرفانی و بتازی . ۲۵

درپرسش شاگردیکه این نامه را از استاد غزالی خواسته است و همچنین درخود نامهٔ او یادی از « احیاء » شده است (ص ٩١ و ١١١ پارسی وص ٢٧ و ٤٧ تازی) درپارسی درپرسش آن شاگرد از کیمیا وجواهرالقران ومنهاج السنة هم یادگردید پس میتوان گفت که این نامه دردور ذوقی روزگار غزالی بنگارش درآمده است (نیز بنگرید به گفتار وات Watt در ص ٤٢ و ٤٤ روزنامهٔ انجمن همایونی آسیائی ش ١ و ٢ سال ١٩٥٢ - همون ماسنیون ص ٩٣ - ص ٦٤٦ همین فهرست) میشود هم گفت که خود غزالی آنرا تازی در اورده است چنانکه کیمیای سعادت او نیز گردیده‌ایست از پارسی بتازی (ص ٦٧١ همین فهرست) دربارهٔ آن زبیدی (١ : ٢٥) میگوید «ومانقم علیه مناظر من الالفاظ المستبشعة بالفارسیة فی کتابه کیمیاء السعادة » واز اینجابرمیاید که گذشته ازاینکه ظاهریان از روش آزاد غزالی ناخشنود بودند دسته‌ای عرب مآب هم از فارسی‌نویسی او نکوهش میکردند چنانکه از سید اسمعیل گرگانی (٤٣٤ - ٥٣١) هم خرده گرفتند که چرا ذخیره را بپارسی نوشت واو ناگزیر شد که آنرا تازی درآورد (همین فهرست ص ٧٦٠) پس میتوان گفت که خود غزالی هم ناگزیر گشت که کیمیا را تازی در آورد گویا هم دیگری بدین کار پرداخته است چنانکه نصیحة الملوک او را که بسال ٥٠٣ برای [illegible] ملکشاه (٤٩٠ - ٥١١) نوشته [illegible] دانشمند سدهٔ ششم گویا [illegible] (ص ٦٩٥) [illegible] فی نصیحة الملوک تازی در اورد (١)

(١) [illegible] ١٧ [illegible] ١٣١٥ [illegible] ان - زبیدی [illegible] ای کیمیای [illegible] ١٨٠ و ١٧٥ [illegible] المسبوک [illegible] ٤٣٥ [illegible] ان دیده‌ام [illegible] ١١١١/١ [illegible] ٢٩ [illegible] و اندکی [illegible]

[illegible] پس‌ازاین

آغاز : بسمله . حمد بی نهایت و مدح بی غایت آن خدائی را که حمد جملهٔ

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

نخستین بار که احیاء غزالی بمغرب رسیده بود یکی از مغاربه از آن خرده‌هائی گرفته و کتاب الاملاء فی الرد عن الاحیاء نوشته است سپس خوابی بدید که بزرگواری و نیك نهادی غزالی در آن برای او آشکار شده بود و او هم از این گناه خویش پشیمان گشت (زبیدی ۱:۲۸) روی همین خرده گیریها بود که غزالی ناگزیر شده بود «الاملاء علی مشکل الاحیاء» بنگارد و بدانها پاسخ دهد و این همانست که «الاجوبة المسکتة عن الاسئلة المبهتة» هم نامیده میشود و نخستین کتابی است که در بارهٔ احیاء نوشته شده و دفتریست کوچك و لطیف که زبیدی آنرا داشته بود و میگوید که ندیده‌ام پیش از من کسی بجز این کتاب در باره احیاء چیزی نوشته باشد یا گزارش کرده باشد جز آنها که حدیثهای احیاء را بیرون کشیدند و سند آنها را آشکار بداشتند (همانجا ص ۴۰ و ۴۱) . این کتاب بنام « الاملاء فی اشکالات (مشکلات) الاحیاء » در کنار جلد یکم گزارش زبیدی (ص ۴۱–۲۵۲) بچاپ رسید . همچنین در گزارش زبیدی (ج ۹ ص ۳۹۴ – ۴۰۰ و ۴۱۱ – ۴۱۷) پاره‌هائی از آن آمده است .

این را بایددانست که خرده گیریهای خراسانیان و مغربیان بر سخنان غزالی در احیاء و کیمیای سعادت و مشکوة الانوار و المنقذ من الضلال در بارهٔ هفت موضوع است .

یکی اینکه چرا توحید را بچندگونه بخش کرده و موحدان را چند دسته پنداشته است او در پاسخیکه بخراسانیان داده و همان را نوشته برای پادشاه سنجر فرستاده است از توحید عوام و خواص و از شش درجهٔ آن : زبانی و تقلیدی و برهانی و حالی و زهدی و فنائی گفتگو نمود (مکاتیب فارسی غزالی چاپ تهران ص ۱۲–۲۰) و در املاء هم (ص ۷۴–۱۵۹) گفته که چرا در احیاء چهار گونه توحید : «ارباب النطق المفرد (ص۷۶ و ۸۱) واهل الاعتقاد المجرد (۱۰۰) و مقربین (۱۱۹) و صدیقین (۱۴۸)» گفته و بخرده گیران پاسخ داده است .

در نامه‌ای که غزالی به نظام الدین احمد در ۵۰۴ نوشته است هم از عوام و خواص و خاص الخاص مردم یاد کرده (مکاتیب ص ۴۲ – کشکول بهائی ص ۲۶۷ – دیباچهٔ معیار العلم – غزالی نامهٔ همائی ص ۱۹۳) .

دوم اینکه چرا خدا را نور خوانده است و پاسخ این یکی در همان پاسخ بخراسانیان

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

در برابر کمترین درجه ازدرجات آلاء و نعماء وحقیر است . شکر گفتن بندگان
مر نعمتهای او را عین نعمت اواست و مشغول بودن مکلفان بعبودیت و طاعت او
محض هدایت ورحمت او. فیض فضل او برمحتاجان موقوف سئوال ایشان نابوده
وهرجزء لایتجزی که درعالم کائنات ومبدعات رقم نیستی دارد برمقدسی او براهین
نامتناهی نموده ودرود فراوان وصلواة بی‌پایان برمرقد مطهرومشهد منورمعطر ۵
محمد مصطفی صلی‌الله علیه وآله باد وبر آل واصحاب اوسلم تسلیماً کثیرا .

یکی از شاگردان محمد غزالی بعداز آنکه درخدمت او تحصیل علوم
کرده بود وازهرعلمی بهرهٔ تمام برده با خود اندیشه کرد .

انجام : واعتق رقابنا و رقاب آبائنا و امهاتنا من‌النار برحمتك یا عزیز
یاوهاب یا غفور یا غفار یا کریم یا ستار یا حلیم یا جبار بفضل رحمتك یا ارحم ۱۰
الراحمین .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش
درفتوحات اندلسی (۲ : ۳۸۰ ـ ۵۳۷ چاپ ۱۳۲۹ مصر) گسترده‌تر گشته و گزارش
شده است .

گویند احیاء بمغرب که رسیده بود فرمانروای آنجا علی‌بن یوسف دستور داد ۱۵
آنرا بسوزانند چون پنداشت که سخنان فلسفی درآنست و بیم داد که هرکس را
نسخنی ازاحیا نزدش بیابند خواهم کشت و همین سبب شد که درکشورش آشفتگی‌ها
رخ دهد وسپاهیان براوشوریدند واوهم پس‌ازاینکه شاهی دادگربوده مردی ستمکار
وتبهکار گشت (تعریف‌الاحیاء بفضائل‌الاحیاء عبدالقادرعیدروسی باعلوی درکنار اتحاف
زبیدی ۱: ۲۵) . ۲۰

نیز میگویند که قاضی عیاض دستور داده بود که احیاء را بسوزانند و غزالی
این را بشنید و باو نفرین کرد . اودرهمین هنگام که درگرمابه بود ناگاه بمرد وبرخی
گویند که مردم شهرش اورا یهودی خواندند چون اوروزشنبه ازخانه بیرون نمی‌آمد
چه‌اینکه بنگاشتن شفاء میپرداخت وروی همین‌مهدی دستورداد که اورا بکشند . زبیدی
میگوید که این سخن نباید درست نباشد چه او درمراکش درروز آدینهٔ هفتم جمادی ۲۵
دوم یا رمضان سال ٥٤٤ و پس‌از غزالی درگذشت . (زبیدی ۱ : ۲۷ و پس‌ازآن
که ازدشمنان وشیفتگان احیاء گفتگو نمود) .

فکرکم ان کان فی غیرالحبیب   مالکم فی‌النشأة الاخری نصیب

فاغسلوا بالعشق عن لوح‌الفؤاد   کل علم لیس ینجی فی‌المعاد

در کشکول آملی (ش ۶۵۴/۱ گ ۱۸ ب) بیت دوم و سوم آمده گرچه در ص ۳۲ چاپی آن دیده نمیشود ودر آن این دو بیت از یکی ازدانشمندان دانسته شده است. گویا بهائی هم ازهمین کشکول گرفته باشد (۱).   ۵

آغاز: بسمله. امابعد حمدالله علی افضاله والصلوة والسلام علی اشرف الخلائق محمدوآله. فیقول‌افقرعبادالله الی‌رحمةالله‌الغنی محمدالمشتهرببهاءالدین

--

۱ـ چهار چاپ ازاین نان و حلوا را من دیده‌ام: یکی چاپ سنگی بغلی بی‌صفحه‌شماری درجنگی دارای حدائق‌السحر و طواط در ۱۲۷۲ و همین نان و حلوا کامل در۱۲۹۳ وشیروشکر بهائی درهمین سال ودیوان لامعی در۱۲۹۵.   ۱۰

دیگری دارای نان وحلوا بی‌دیباچه ونان وخرما ونان وپنیر وشیر وشکر همه ازبهائی چاپ سپاهان در ۱۳۳۸ در ۵۸ ص بغلی.

سوم جنگی چاپ سربی مصر در ۲۷۲ ص ربعی بسال ۱۳۴۶ دارای سرگذشت بهائی ازعالم‌آرا وخلاصة‌الاثر و «پند اهل دانش و هوش بزبان‌گربه و موش» بنام بهائی وموش وگربهٔ زاکانی ونان وحلوا ونان وپنیر وشیروشکر همه ازبهائی.   ۱۵

چهارم همین نان وحلوا بی‌دیباچه چاپ اسلامیهٔ تهران در۳۶ ص بغلی. درچاپ ۱۲۹۳ دیباچه‌ای دارد بدینگونه: «بسمله. الحمدلله‌الواحدالمبین... فیقول‌الفقیر محمدالمشتهر ببهاءالدین‌العاملی... هذه سوانح سفرالحجاز فی‌الترقی الی‌الحقیقة من‌المجاز نظمتها بالعربیة والفارسیة ویستحق ان یکتب بالنورعلی وجنات‌الحور».

۲۰   دربارهٔ «پند اهل دانش وهوش» این را باید گفت که آن بنام «جواهرالعقول» یا «موش وگربه» (موش صوفی وگربه طالب‌علم) بنام مجلسی‌دوم در۱۳۲۴ (ذریعه ۱۹۹:۳ و۲۷۲:۵) وهمچنین در۱۳۷۳ بچاپ رسیده است. آقای مجتبی مینوی دربارهٔ آن گفتاری دارد درمجلهٔ یغما (ش ۲ س ۸ تاریخ اردیبهشت ۱۳۳۴ ص ۴۹ـ۵۵).

نامه‌ای دیگر منظم بنام «گلشن هوش درجدال گربه وموش» دیده‌ام که درآن موش‌عقل و گربه‌جهل‌دانسته شد (چاپ‌سنگی نسخ‌مصطفی قلی‌پسرمحمد هادی‌سلطان کجوری در۱۲۶۲ باندازهٔ ربعی) سرایندهٔ آن همین اندازه پیداست که شیعی است.   ۲۵

وگزیدهٔ آن از ابی‌الفضل بن طاهر و نوشته‌های ابی‌الفضل بن الفلکی وابی‌الولید
ابن‌الغرضی محدث اندلس وابی‌الفرج ابن‌الجوزی گزین نمود و از اسباب‌الاسماء
حافظ ابی محمد عبدالغنی بن سعید ازدی مصری والمستخرج ابی‌القاسم عبدالرحمن بن
محمد بن اسحق ابن منده چیزهائی هم گرفته برآن افزود (چلبی ۱ : ۱٤٤ -
ذیل چلبی ۲ : ٦۳۷ - ریحانةالادب ٥:۳٦) .   ٥

دراین نامه دردنبال هرلقبی گزارشی درباره آن آمده و بسیار سودمند
میباشد .

آغاز : بسمله . وصلی‌الله علی سیدنامحمدوآله . الحمدلله‌الذی له‌الاسماء
الحسنی والعزالاسنی والصفات‌العلیا والفضل الاسما . . امابعد فان من‌اجل‌العلوم
معرفة فنون‌الحدیث‌النبوی والتنقیب عن اسانیده تضعیفاً وتصحیحاًواحوال رواته   ١٠
تعدیلا وتجریحا .

انجام : الیا . الیزیدی یحیی بن‌المبارك‌العدوی مولاهم ... ومثله احمد بن
محمد بن عبدالکریم‌الجرجانی کان یسکن بجرجان باب‌الیهود (وقدتجز نزهةالالباب
والحمدلله علی ذلك . للعلامة ابن‌حجر ... فی اواخرمحرم‌الحرام سنة ١٠٩٠ علی
ید ... عمران المالکی والحمدلله وصلی‌الله علی سیدنا محمد اولا وآخراً و باطناً   ١٥
وظاهراً وسلم تسلیما کثیرا) .

[۲۱۲۳]

۱۱٥٦ این نسخه ش ۲ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ از همان عمران ازهری
در نزدیك بپایان محرم ١٠٩٠ ودرگ ١٠۲ب- ١٠٥ الف فهرست نزهه‌است
از ازهری درجدولی بشنگرف و سیاه و زیبا و خود کتاب درگ ١٠٦ ب - ١٧٤   ۲٠
الف است .

[۱۸۱٥]   **فصایح**   (فارسی)

عبدالوهاب امامی درفصل نخستین این نامه زبانهای وزارت را برای پسرخود

گزارش میدهد تا آنرا ترك گوید وروشن میدارد که هیچ سودی در آن نیست (۲٤ ب) درفصل دوم آداب وزارت را گزارش میدهد. پس از هرمطلبی گواهی تاریخی بیشتر از نظام الملك در آن آمده است.

[۲۱۲٤]

۵ **۱٤۹** این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانههای شنگرف میباشد. گ ۱ الف ــ ٦٤ الف. دو برگ از آغاز بریده شده ودو کلمهای از آندو مانده ودیباچهٔ رساله درهمین برگها بوده است.

چنین است آغاز: و مخاطرات این منصب است. پس باید دانست که اگرچه وزارت ثانی سلطنت مینماید ... لیکن کارکثیر الخطراست و ذکر هریك مخاطرهٔ آن

۱۰ منفرد بتطویل می‌انجامد بلکه قابل تحریر نیست ولیکن از مخاطرات کلیه که هرکلی آن برجزئیات متکثرومشتمل‌است یك چند بیان کرده شود ... مخاطرهٔ اول: بدانکه وزیررا هرروز از هرباب برهرکس چندین حکم مخالف می‌باید کرد.

انجام: باری سبحانه و تعالی حسن توفیق رفیق شفیق این مسندنشین باستحقاق گرداناد تا همچو آباء دولت نامدار و اجداد بزرگوار نام نیکو برصحایف روزگار

۱۵ مثبت ومخلددارد والله یرحم عبداقال آمینا. قدتم هذه الصحایف جامعها المعتصم بالله الغنی عبدالوهاب الامامی (تم هذه النصایح بتاریخ خامس وعشرین شهر ربیع الاول من شهور سنهٔ ۱۰٦۳ ثلاث و ستین [illegible] فی قریة الخانوآباد قریة من قرای اصفهان [illegible] من الحدثان. تم).

[۱۸۱٦] ذکر [illegible] (عربی)

۲۰ (رسالة ...)

آخوند ملا حسین بن محمدعلی [illegible] تهرانی [illegible] (م ۱۲٤۲) شاگرد سید علی [illegible] و سید محمد [illegible] بوده است او [illegible] آن بفارسی [illegible] و رسالهای دارد درشکوك [illegible] در ۱۲٤۲ [illegible] است. اصلاح العمل [illegible] مجاهدرا

۲۵ او [illegible] را او در ۱۲۳۷ بنگارش [illegible] ۷۱ [illegible] ۳۳۷۵. اعلام الشیعه ۲ ۲٤٦).

یزدی این کتاب را بدستور سید مجاهد نگاشته و در روز پنجشنبه ۱۷ محرم ۱۲۳۶ در کربلا بانجام رسانده.

چنین است فهرست مطابهای آن :

مقدمه : دلیلهای وجوب امر بمعروف و نهی از منکر و خطر بدعتها ووجوب رفع آن واجتناب از اهل بدع وضلال ومعاصی (۱۰۵ الف). ۵

مقصد یکم : مذاهب فاسد و طوائف آنها درشش فصل (۱ـ مذاهب صوفیان ۲ـ وحدت وجود ومفاسدآن ۳ـ دلیلهای عقلی اثبات آن ٤ـ دلیلهای نقلی آن ٥ـ دلیلهای عقلی برابطال وحدت وجود ٦ـ آیات برای ابطال آن ۷ـ اخبار دال برردآن) (۱۰۷ ب).

مقصد دوم : بدعتها وخصائص معروف وباطل آنها در ٥ فصل (۱ـ وجد ۱۰ واضطراب ۲ـ غنا ۳ـ ذکرخفی وجلی ٤ـ ریاضتهاوار بعینیات ٥ـ شیخ ومرشد) (۱۲٤ ب).

مقصد سوم : سرگذشت برخی از شیوخ در ده فصل (۱ ـ حسن بصری ۲ـ سفیان ثوری وابوهاشم کوفی ۳ـ بایزید بسطامی ٤ـ حسین‌بن منصورحلاج ۱۵ ٥ـ ابراهیم‌ادهم‌وجنیدومعروف کرخی‌وشبلی٦ـعبدالقادر گیلانی۷ـ محیی‌الدین و کفر وزندقه او ۸ـ غزالی (فتوای اودر حرمت لعن یزید وسخنانی دیگرازاو) ۹ـ ملای رومی ۱۰ـ فریدالدین عطار) (۱٤۲ ب) خاتمه در کشف (۱٦۹ الف)

دربارهٔ نورعلیشاه درفصل ٥ مقصد ۲ (گ ۱٤۰) میگوید : «فواحسرتاه هل‌النورعلیشاه اللاعب بالچارتائی والشطرنج والشارب للبنج له قابلیة لان یکون ۲۰ ولیا وقطبا ومرشداً ومتصرفا فی‌القلوب وعالما بالغیوب ... »

یزدی بسیاری از کتابهای صوفیان وردها که برآنها نوشته‌اند خوانده و تصوف را سراسر تباه میسازد و آبرونی برای صوفیان نمیگذارد. گفته‌های اوچندان علمی نیست وهمان تکفیر ودشنام است وبس. درآن یاد میشود ازسید اعظم علی بنکپوری و دلدار علی (نصیرآبادی) و تونی (احمدبن محمد)

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی نصب الحق وقوی بنیانه وازهق الباطل وهدم

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وشیخ نورالدین کبری وشیخ وحید فرید شرف الدین عیسی زواوی مالکی که حسین بن
عبدالرحمن اهدل حسینی شافعی امام الزمان للفقهاء والمفسرین والمتکلمین در کشف الغطاء
خود مناقب و صلابت این دانشمندان را یاد کرد نیز گفته‌های همین اهدل وتقی الدین ۵
سبکی و شاگردش زین الدین مراغی فقیه مدینه درشرح منهاج نووی و سراج الدین بن
النجوی درشرح منهاج وقشیری قاضی القضاة تقی الدین ابوالفتح محمد بن علی معروف
بابن دقیق العید دربارهٔ کفرصوفیان بخصوص ابن عربی ــ وقاضی شرف الدین بن اسماعیل
مقری درکراسه‌ای ازفصوص وفتوحات نکاتی نوشته وبفقها نشان داد وآنها فتوا بکفر
آنها دادند واسمعیل مقری پرسشی دربارهٔ تکفیر کرمانی نگرندهٔ بفصوص کرد وفقها ۱۰
حکم بکفردادند برای کسانیکه باینگونه مقالات خوشنودند وحکم اتداد آنها وجوابها
بسلطان منصور نموده شد اوهم خواست دربارهٔ کرمانی اجرا کند که یاتوبه کند یا کشته
شود واوهم توبه کرده گاهیکه امرصدیق منصور اورا نزد خود خواست واومنشوری
نوشت ودرروی منبر جامع زبید خواند تا رهید . شیخ شمس الدین جزری دمشقی هم
چنین پاسخی داد که متن آن هست دراین فصل ــ گفتهٔ عزالدین ابامحمد عبدالعزیز بن ۱۵
عبدالسلام دمشقی دربدگوئی از ابن عربی ــ پاسخ همان اهدل درتکفیر ابن عربی ــ
فصل: گفتهٔ ابوسلیمان خطابی درکفرصوفیان.درپایان دارد که روزآدینه ۲۲ ... پایان
یافت (سفید است) .

۳ــ گفتگوی شهاب الدین بن حجر با ابن الامین پیروان عربی بنقل تقی الدین
فارسی بتازی که ایندودربارهٔ ضلالت ابن عربی دررمضان مباهله کردند وابن الامین پس از ۲۰
این درروضه درذیقعده ۷۹۷ کورشد ومردوابن حجرمیگریدمن میدانسم که بکسال نمیکشد
(ازایضاح الفصول فی نقض الفصوص) .

۴ــ ازفضایح الملحدین وعقائدالموحدین دربدگوئی ازصاحب فصوص .

۵ــ پاسخ ابن تیمیه دربرابر پرسش از عقیدهٔ ابن عربی و تکفیر او که جزآن
اولی است . ۲۵

۶ــ مسئله‌ایست متن وشرح درباره تقلید ازسنی‌هااست .

۷ــ النهج الاتم فی ابواب الحکم (شرح کتاب الحکم ابی الفضل تاج الدین احمد بن
عبدالکریم بن عطاءالله اسکندری) از علی بن حسام الدین هندی در ۳۰ باب درمقامات
عرفانی است وآخرآن مناجات .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین ۳۰

انجام : ومن تأمل فی فتوحاته المکیة یراه ناسخاً للآیات القرآنیة فکیف یکون هذا تابعاً لله ولرسوله فکیف حال من بعده فی الاولیاء بل یقول انه خاتم فص الولایة ختم الله علی قلوبهم .. ولعن الله اولهم وآخرهم ورفع الله عن المسلمین شرهم بمحمد وآله الطاهرین هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه العجالة . . وکان الفراغ فی یوم الخمیس سابع عشر من شهر محرم الحرام من شهور سنة ست وثلثین ومأتین بعد الف من الهجرة المقدسة فی بلد کربلاء المشرفة المقدسة علی ساکنیها الف الف تحیة والسلام والحمدلله علی ذلک .

[۲۱۲۵]

۷۷۳ این نسخه ش ۳ دفتر است و بستعلیق با نشانه‌ها و عنوانها در برخی جاها شنگرف گ ۱۰۳ ب - ۱۷۳ ب - (بنگرید به ۷۷۳/۱) .

[۱۸۱۷] **تمرین الفنون** (عربی)

ابوالقاسم علوی فاطمی طباطبائی بدرخواست دوستان این نامه را برای تمرین کودکان نوشته و پاره‌ای از مطلبهای دشوار ادبی و منطقی را در آن روشن نموده است

آغاز بسمله وبه نستعین الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین . فیقول . ابوالقاسم العلوی الفاطمی الطباطبائی قد سئلنی بعض الاخلاء . ان اجمع رسالة لتمرین الصبی .

انجام لا تنظر الی من قال وانظر الی ما قال وجدته شاهد صدق لذلک المقال .

[۲۱۲۶]

۱۱۶۹ این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ و عنوانها درشت تر و صفحه شماری دارد و ابوالقاسم بن محمد زمان تبریزی نمی عبدکانی در پسان روز چهارشنبه ع ۱۳۲۶/۲ آن را نوشته است حاشیه‌هایی دارد بخط نستعلیق که مطلبهای پراکنده‌ای بنظم و نثر در آنها هست و در برگ ۵۱ دعائی است از حاجی ملا محمد جعفر کبودر آهنگی مجذوب علیشاه .

گ ۲ ب ـ ٥٦ الف . پیش و پس‌ازاین هم پراکنده‌هائی است بنستعلیق .
(٥٦گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ
اندازه : ۱۱/۵ ر۱۷/۵ و ٦/۵ ۱۱/۵ س ۱۴

[۱۸۱۸] نور القبور و سرور یوم النشور (عربی)

٥ ایندفتر دراصول دین و کلام شیعی است ودر بسیاری از جاها بویژه درامامت امیرمؤمنان علی‌ازقرآن دلیل‌آورده شد وبیشتر آنهم درامامت است . یك مقدمه و پنج اصل و دوازده بـاب و یك خاتمه درآن هست . نگارندهٔ آن عبدالله بن حاجی محمد هادی هرندی میباشد .

آغاز : هو حسبی و نعم‌الوکیل بسمله . الحمدلله‌الذی قبض قبضة من‌المدر

۱۰ و امطر علیه من سحاب رحمته فخمر فخلق منه‌الانسان . فهذا کتاب موسوم بنورالقبور و سرور یوم‌النشور الفه ... عبدالله‌بن حاجی محمد هادی‌الهرندی ... ورتبته علی مقدمة واصول خمسة واثناعشر باباً و خاتمه

انجام : و یدخل علیهم‌النور فی‌القبور وهم منتظرون لنفخ‌الصور ویشوقون البعث والنشور والحمدلله رب‌العالمین تم .

۱۵ [۲۱۲۷]

رو۱۸ این ... [illegible] ... ها و ... و ... های شنگرف .
صفحه‌شماری ... و ۲۷۸ ... [illegible]
(۳۱۲۹) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد [illegible]
اندازه : ۱۲ ۲۱ و ۸ ۱۵ س ۱۹

۲۰ [۱۸۱۹] نهایة‌الوصول [illegible] (عربی)

فی شرح منهاج‌الوصول

[illegible] شافعی (د ٦۸٥) منهاج الوصول الی علم‌الاصول [illegible] (ص ۱۷۰۳ [illegible]) .

دانشمندان بر آن گزارشها نوشته‌اند یکی از آنها گزارش جمال‌الدین ابومحمد عبدالرحیم‌بن حسن اسنوی شافعی (۷۰٤ - ۷۷۲) میباشد که بهترین گزارشهااست و گویند برادرش عمادالدین محمد (٦۹٥-۷٦٤) چنین گزارشی را آغاز نموده و او آنرا بپایان برده است این گزارش بچاپ رسیده است (چلبی ۲:٥٥۳- معجم‌المطبوعات ص ٤٤٥و٦۱٦) . ٥

[۲۱۲۸]

۱۱۹٥ این نسخه بنسخ و عنوانهای « قال - اقول - قوله » و جز آنها درشت‌تر وبشنگرف یا سیاه‌آمیخته بشنگرف میباشد . دردههٔ نخستین ذی‌قعدهٔ ۸۰۳ درقاهره نوشته شده است . شمارهٔ کراسه‌های ده برگی در گوشهٔ راست بالائی رویهٔ برگ نوشته شده‌است. حاشیه‌هائی‌دارد‌بخطریزتروتازه‌ترو‌ازدانشمندی شیعی میباشد ۱۰ (مانند گ ۸۹ الف) نسخه بدلها درهامش بهمان خط کهن متن هست . گ ۳ ب - ۱۸٤ الف .

(۱۸۴گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج گریاکی درون سرخ وضربی مقوائی بابرگردان اندازه : ۱۷×۲٦ و ۱۲×۲۱ س ۲۹

[۱۸۲۰] نهاية الطلب في شرح المكتسب (عربی) ۱٥

جلدکی در اینفتر کتاب‌العلم‌المکتسب فی‌زراعة (صناعة) الذهب عراقی (ص۲۲۱۳همین‌فهرست) را که‌در ٥جمله‌در۱۹فصل‌است(فهرست‌عربی‌موزهٔ بریتانیا ۷۸٤/۲- خدیویه‌٥: ۳۹۰۰)درسه‌سفر(۱-در۳ مقاله، ۲- در۲مقاله‌، ۳- در۲ مقاله هرمقاله درچند باب) گزارش نمود (۱) اودرآغاز ازرنجی که درراه فرا گرفتن هنر کیمیا برده و ازاینکه از جان و مال دریغ نکرده و بشهرهای عراق و روم ۲۰

۱ - عراقی را احمدبن محمد ومحمدبن احمد هردو نوشته ونسخه‌ای بنام «فوائد من کتاب‌عیون‌الحقائق و ایضاح‌الطرائق»در سی باب هم‌ازاوشناسانده‌اند‌و در فهرست عربی موزه بریتانیا (۷۸٤/۱) آمده که او در نزدیك ۸٥۰ زنده بود (نیز خدیویه ٥ : ۳٤۸) ولی نباید چنین باشد چه جلدکی که گزارندهٔ المکتسب اواست در ۷٤۲ میزیسته ودر ۷٥۰ درگذشته است (مجالس ۲:٤٥٤) . ۲٥

[۲۱۲۹]

۱۲۱۹ این نسخه ش۳ دفتر است وسفر نخستین و بخط نستعلیق تازه است و باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و حاشیه‌هائی هم دارد. گ ۱۰۶ ب ـ ۱۴۷ الف.
چنین است انجام آن :

قال الشیخ فامانقض الفساد فکالنحاس الذی یصبر بخارا... وذلك هی الغصن النباتی بل المعدنی انشاءالله تعالی . الشرح : اعلم ان صاحب المکتسب رحمه الله قدافصح فی کتابه عن جزء من التدبیر... وهذا مالم یسمح به احدفی مثل هذاالموطن وانماذکروه واوماؤا الیه فی اماکن لایعتد بها وسنذکر (از باب ٤ مقالهٔ ۲ سفر ۱ و پاره‌ای ازهمین باب وهمهٔ دوباب مقالهٔ سوم همین سفردرآن نیست).

در ۱۴۷ ب ـ ۱۴۸ الف پراکنده‌ها است.
(۱۵٦ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا
الدازه : ۲۰ ۲۹ و ۱۲/۵ ۱۹/۵ س ۳۰

[۲۱۳۰]

۱۲۲۰ این نسخه دوسفر ۲ و۳ و بخط نستعلیق باعنوانهای درشت‌تر بنسخ وشنگرف و نشانه‌هاهم شنگرف است. حاشیه‌هائی برآن هست. نیمی از آنرا محمد مهدی در ۱۲۱۸ نوشته و نیم دیگررا محمدبن میرعبدالفتاح موسوی در ٦ محرم همین سال برای او نوشته و همان محمد مهدی آنرا درصفر ۱۲۱۹ مقابله نمود. نسخه دردو بخش برگشماری شده است.
چنین است نسخه :

آغاز : بسمله . ربی الله ومانوفیقی الابالله علیه توکلت والیه انیب الحمدلله الذی اظهرالآیات الباهرة دالاعلی انه واجب الوجودلذاته وجعل للعقول اعلام العلوم الزاهرة دالة علی نعوت جلاله وصفاته.

انجام . و نثبت لك هذه التواریخ الالعلم مقدارما اوصلناك فی کتابناهذاولتکن من امرك علی بصیرة والسلام والله تعالی نسئل الهدایة والتوفیق وحسن الخاتمة ولیکن آخرالسفر الثانی من هذاالکتاب والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدالمرسلین وخاتم النبیین وامام المتقین و آله وصحبه اجمعین الطیبین الطاهرین و حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ثم الحمدلله رب العالمین (کتب . . . محمد مهدی هذه الاوراق واستکتب باقیها . . . فقداوتی خیراً کثیراً فی سنة ۱۲۱۸) (سفر دوم : گ ۱ ب ـ ۱۱۸ ب).

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله العلیم باسرار مخلوقاته الدال علی نفسه

[illegible]

گ ۲۷۲ الف پایان نهایةالوصول ش ۱۱۷۶

[۲۱۳۲]

۱۱۷۷ این نسخه بخط نسخ کهن است وعنوانها درشت‌تر ودر ۱۸ ج ۷۵۵/۲ نوشته شده است . حاشیه‌هائی دارد بخط ریزتر . ده برگ در آغاز و چند برگ درمیانه نونویس . نسخهٔ کهن آن روی شمارهٔ کراسهای ده برگی که در گوشهٔ راست بالائی برگهای ۱۰ و ۲۲۰ و ۲۳۰ و ۲۴۰ بمازی و بخط متن دیده میشود باید ۲۸ کراس باشد که ازپسین آنها شش برگی بیش نیست و رویهم نسخه درآغاز ۲۷۶ برگ بوده است واکنون با برگهای نونویس ۲۵۶ برگ میشود و بجای بیست برگ افتاده از نو نوشته و بر آن افزودند

آغاز : بسمله . المقصد الماسع فی الخبر و فیه فصول . الفصل الاول فی ماهیته وفیه مباحث . الاول فی لفظ الخبر :

انجام : اذ فطانة ه ه قال المصنف ادام الله ظلاله ولیکن هذا آخر ما نورده ... و نوفق کل مسعد للاسعادة منه ونبعد کل ممار مجادل عنه والحمدلله رب العالمین ه ه وصلی الله علی محمد و آله . تم الکتاب المبارك بعون الله وعونه وحسن توفیقه وکان الفراغ من سطر بعضه فی ثامن عشر فی جمادی الآخرة من شهور سنة خمس وخمسین وسبعمائة

هجرية وصلى‌الله على سيدالبررة‌و على‌آله العترة الطاهرةالزكية .

دراين دونسخه (ش ۱۱۷٦ و ۱۱۷۷) روبهم همهٔ نهایه هست بجز مقصد نهم دراجماع که کمبود دارد .

(۲٥٦گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه : ۱٥/٥×۲۳/٥ و ۱۳×۱۸/٥ س ۲۳ ٥

[۱۸۲۲] نهج السالکین (فارسی)

محمد قورچی افشار دراین‌دفتر دعاهائیکه بیشتر بآن نیازهست آورد .

آغاز : بسمله . سبحانك اللهم و بحمدك ثناوستایش خداوندیراجلت‌عظمته سزاست که‌بوجود فائض‌الجودحضرت رسول‌الثقلین .. گمراهان وادی ضلالت را هدایت نموده . . و بعد ... محمد قورچی افشار ... ادعیه ضروریه که اکثر اوقات ۱۰ درسفر و حضر بآن احتیاج افتد بتاریخ دوازدهم شهر جمادی‌الثانی سنه ثلاث و خمسون بعدالالف از کتب معتبره انتخاب کرده . . . و این مجموعه را مسمی به نهج‌السالکین گردانید مشتمل برمقدمه وسه باب وخاتمه .

انجام : دروقت تحویل‌بایدخواند : اللهم‌ان‌هذه سنة‌جدیدة ... یاذاالجلال والکرام . ۱٥

[۲۱۳۳]

۱۱٦۷ این نسخه بنسخ وعنوانهاونشانه‌ها شنگرف میباشد کتاب۱ ب ــ ۱۰۱ الف . گ ۱۰۱ ب ــ ۱۰۷ الف هم دعااست به نستعلیق و نسخ دیگر .

(۱۰۷گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد مقوا
اندازه . ۱۱/٥×۱۸/٥ و ٦×۱۱ س ۱۲ ۲۰

[۱۸۲۳] وجود (رسالة ...) (عربی)

عبدالرحمن جامی دراین نامه که درص۵۱۷ (ش ۱۰۳٥/٤) همین فهرست شناخته شده است وحدت وجود وبود کلی طبیعی را روشن داشته است .

آغاز : (لمولاناجامی) بسمله . الوجود (ای ما) بانضمامه الی الماهیات یترتب علیها آثارهاالمختصة بها موجود .

انجام : و کونه نسمة و کونه قائمـا بالمجموع فلایتجدی نفسا (تمت الرسالة للجامی) .

٥

[۲۱۳٤]

١١١٩ این نسخه ش ٦ دهم است و بهمان گونه ... ار ... سبعلی در ١٠٥٠ روی کاغذ ... بودن خط . گ ٧٥ پ ـ ٧٩ الف . (نگ ، به ١١١٩/١ .)

گفتار پانزدهم

پاره‌ای از نگارشهای ابن سینا

درسه نسخهٔ ش ۱۱٤۷ و ۱۱٤۹ و ۱۱٦٤ هفتاد و چهار نامه و گفتار بنام ابن سینا دیده میشود که اکنون همهٔ آنها را میشناسیم :

۱ــ سرگذشت که نیمهٔ نخستین آن از ابن سینا و نیمهٔ دوم از جوزجانی میباشد .من در ص۸۰۷همین فهرست و در دفتر نخست سال دوم فرهنگ ایران زمین دربارهٔ آن اندکی بررسی کرده‌ام . این نسخه مانند آنستکه در بیهقی وشهرزوری دیده میشود و فهرست نگارشهای ابن سینا درمیانهٔ آنست (نیز بنگرید به ص ط ــ یب فهرست آقای دکترمهدوی) .

آغاز : شرف الملك ابو علی الحسین ابن عبدالله بن سینا .كان ابوه رجلا من اهل بلخ من عماله انتقل الی بخارا فی ایام ملك المشرق نوح بن منصور السامانی .

انجام : ثم مات فی یوم (الجمعة) الاولی فی شهر رمضان سنة (٤۲۸) (میان دو کمانه زیر کاغذ رفته است) (۱۱٤۹/۱ در گ ۳ الف آغاز ودر۲ الف میان ودر کنارهٔ۳ الف دنباله ودر کنارهٔ پائین ۲ ب انجام آن هست) .

۲ــ کتاب المعاد که در ص ۳٦۰ همین فهرست و ش ۱۲۱ فهرست آقای دکترمهدوی شناسانده شده‌است . دررسائل ابن سینا (ش۲ چاپ۱۹۵۳ استانبول ص ۱۰۹-۱۵٤) بچاپ رسید .

آغاز : الحمدلله اهل کل حمد لن یکون الا له و رغبة لن یکون الا الیه و توکل لن یکون الا علیه وثقة لن یکون الا به و صلوته علی خیرته من الخلیقة محمد النبی و آله الاخیار و بعد فهذه رسالة عملتها باسم بعض الخلص من الاخوان مشتملة علی مخ ماتؤدی الیه البراهین من حال النفس الانسانیة .

انجام : ثم حرمت علی جمیع من یقراه من الاخوان ان یبذله لنفس شریرة

الکفایة وعبرت عن المقدار الذی نبلغه من المعرفة تقرباً الی الشیخ الکریم الاستاذ جعلنی الله فداه فههنا اختم الرسالة متوکلا علی الله فهو حسبی و نعم الوکیل (تمت رسالة الحروف) (۱۱۴۹/۵ گ ۲۵ ب - ۲۸ ب).

۶- جوهر الاجرام السماویة که بدو روایت بچاپ رسیده است (ش ۵۳ م).

آغاز: بسمله. رسالة الشیخ الرئیس ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری رحمه الله فی تعریف الرای المحصل الذی حتمت علیه رای الاقدمین فی جوهر الاجسام السماویة والعبارة عن مذهبهم المحقق عنده بمقدار اطلاعه علی مآخذهم. فصل: قالوا ان الاجسام الطبیعیة ینحصر فی قسمین.

انجام: و یشبه ان یکون الشعاعات حوامل القوی العارضة. والله اعلم. (تمت الرسالة) (۱۱۴۹/۶ گ ۲۸ ب - ۳۱ ب).

۷- رسالة الحدود (ص ۴۲ ف - م ۵۷) که المباحث الصدیقیه هم نامیده میشود.

آغاز: بسمله. اما بعد. فان اصدقائی سئلونی ان املی علیهم حدود اشیاء یطالبونی بحدیدها فانی استعفیت من ذلك علما بانه کالامر المتعذر علی البشر.

انجام. والقدیم بحسب الذات هو الذی لیس له مبدأ (یتعلق به) علی وجه وهو الواحد الحق تعالی عما یقول الجاهلون علواً کبیرا (تمت رسالة الحدود) (۱۱۴۹/۷ گ ۳۲ الف - ۳۵ ب).

۸- رسالة فی الصلوة (ص ۴۰۵ و ۴۰۶ و ص ۷۰ بازپسین سخن ف - ش ۸۵ م) که پنج بار بچاپ رسیده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی خص الانسان بشرف الخطاب والهمه بمدافعة الخطاء وملازمة الصواب.

انجام: واعتذر الی من یطالع هذه الرسالة واستشفع الیهم لفیض العقل و نور العدل ان لایفشوا سری و ان امن شری فان الامر مع الخالق و خالقی یعلم امری ولایعرفه غیری (۱۱۴۹/۸ گ ۳۷ الف - ۳۹ الف).

گفته‌های خود گنجانده . من که باین تفسیر شیرازی آشنا بوده و برسالهٔ ابن سیناهم

هذه‌الملویحات لاح له ان‌الامر فوق ما یظنون وسیعلم‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون ورتبت (ورببت) هذه‌الرسالة علی اربعة فصول .

انجام تفسیر رازی : مذکرت (فقد ذکرت) لك تفسیر هذه‌السور‌الاربع (بعة) فی هذه‌المطالب الاربعه (بع) والله تعالی هوالعالم بالحقائق (وانما العلم‌عندالله ومن‌الله الوفق و الیه‌الملجأ والمآب والحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی محمد سیدالمرسلین وآله‌الطیبین‌الطاهرین اجمعین).(تم والحمدلله رب العالمین والصلوة علی نبیه وآله اجمعین) این سه نسخه یکنواخت نیستند چنانکه پاره‌ای ازجدائیهای آنها درمیانهٔ دو کمانه نموده شده است .

آغاز تفسیر سورهٔ اعلی دراین تفسیر رازی : الفصل‌الثانی فی تفسیر سورة مشتملة علی‌الالهیات والنبوات والمعاد وهی سورة سبح اسم ربك‌الاعلی اعلم ان هذه‌السورة مشتملة علی مطالب ثلثه‌المطلب‌الاول اثبات الاله (سبحانه و) تعالی وذلك (هو) قوله (سبحانه وتعالی) سبح اسم ربك‌الاعلی (الی‌قوله‌احوی) الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی والذی اخرج‌المرعی فجعله غثاء احوی و اعلم ان‌المقصود منه‌الاستدلال بنوعین من‌الدلائل علی وجود الاله‌الحکیم (تعالی) فالنوع الاول‌الاستدلال بخلقة‌الحیوانات واعلم ان‌الحیوان مرکب من بدن ونفس .

انجام آن : و اعلم ان‌الله تعالی لما قرر هذه‌المطالب‌الثلثة ختم‌السورة بقوله ان هذا‌لفی‌الصحف الاولی صحف ابراهیم و موسی والمعنی ان جمیع کتب‌الله‌المنزلة لیس‌المقصود منه (منها) الا تقریر هذه‌المطالب الثلثة وهی‌معرفة‌الالهیات اولا ثم معرفة النبوات ثانیاً ثم معرفة‌المعاد ثالثاً واعلم ان‌المتأمل (من تأمل) فی اسرارهذه‌السورة متنبه (تنبه) علی ان‌الاشتغال بماسوی‌هذه‌المطالب‌الثلثه عبث وان سعادة (حال) الانسان لایتحصل (یحصل) الابمعرفة هذه‌المطالب‌الثلثة (والله ولی‌الارشاد) (الهدایة)

در فصل ۳ تقریر المعاد داود :

ثم ورد هناك (ههناحصل) سؤال مشکل وهو(فانه) انه تعالی‌خلق هذه‌الابدان فبعد ذلك هل له عنایة بها اولیس له عنایه (بها) فان حصلت (حصل) له بتدبیرهاعنایة فکیف ابطلها وردهاالی اسفل‌السافلین وان قلنا انه ماکانت (کان) له عنایة باصلاحها فکیف خلقها وکیف اعتبر جمیع انواع‌العنایه (المنافعه) فی تخلیقها شعر (و نظم عمرالخیام‌هذاالمعنی بالفارسیه):دارندهٔ چو ترکیب چنین (طبایع) خوب از است‌بار ازچه سبب (ازبهرچرا) فکند اندر کم وکاست .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

این التنبیه از رازی دانسته شده است .

نکته دیگر اینکه تفسیر سورهٔ عصر در فصل چهارم همین المنسه باانداکی جدائی همانستکه از خواجهٔ طوسی دانسته‌اند (فهرست آقای منزوی ۱:۵۵و۶۷) .

صدرای شیرازی هم چنانکه نوری یاد کرد بند بند همین تفسیر اعلی را گرفته و در میان سخنان خود گذارده است مگر اینکه از خود هم بررسیها نموده ۵
وچیزهائی افزود . پس دربارهٔ درستی اسناد این تفسیر با بن سینادلیلی جز گواهی برخی نسخه‌ها در دست نیست .

آغاز بسمله . اعلم ان هذه السورة مشتملة علی مطالب ثلثة . المطلب الاول اثبات الاله .

انجام وان سعادة الانسان لاتحصل الا بمعرفة هذه المطالب الثلثة (و بالله ۱۰
التوفیق وعلیه التکلان) (۱۱٦٤/٤ گ ٦۳ الف - ٦۹ ب) .

۱۰- رسالة فی تفسیر سورة الاخلاص (فهرست منزوی ۱ ۴۸۰ - ش ۵۰ الف م) که بروشی فیلسوفانه است و در آن در نسخهٔ ما و ص ۳۰٤ هامش شرح هدایهٔ شیرازی دارد «فی المنطق من تصنیفی فی کتاب الشفاء» ولی در چاپ جامع
البدائع (ص ۱۹) دیده نمیشود ۱۵

دوانی در تفسیر همین سوره از این تفسیر ابن‌سینا بند بند آورده است (ص ۲۲٤٤ همین فهرست) .

آغاز بسمله قوله (تعالی) جل جلاله (وعم نواله) « قل هوالله احد » الهو (هو) المطلق (و) هوالذی لایکون هویته موقوفة علی غیره (مستفادة
من غیره) . ۲۰

انجام لاجرم کانت معادله لثلث القرآن فهذا ماوقفت من اسرار هذه السوره والله المحیط باسرار کلامه (۱۱٤۹/۹ گ ۳۹ ب - ٤۰ ب و ۱۱٦٤/۵ گ ٦۹ ب - ۷٦ الف) .

۱۱- رسالة فی تفسیر الفلق بروش فلسفی (منزوی ۱ ۵۵۰ - ش ۵۰ ب ۱ م)

آغاز : تفسیر « قل اعوذ برب الفلق » بسمله . قوله جل جلاله « قل اعوذ برب الفلق » فالق ظلمة العدم بنور الوجود وهو المبدء الاول الواجب الوجود لذاته

انجام : وما اعظم لذاتها المفارقة عنه ان کانت مفارقة بالذات والملاقة وبجمیع الحالات رزقنا الله تعالی التحرك (التحریك) التام والمالة الکامل بحق (بحرمة) النبی محمد وآله (وسلم) الطاهرین (۱۱۴۹/۱۰ گ ۴۱ الف و ب - ۱۱۶۴/۶ گ ۷۶ الف - ۷۹ الف).

۱۲- رسالة فی تفسیر سورة الناس [illegible] ([illegible] ۱ ۵۷ ش ۵۰ ب ۲ م).

آغاز : تفسیر « قل اعوذ برب الناس » بسمله « قل اعوذ برب الناس » قد ذکرنا (در تفسیر فلق) ان الربوبیة عبارة عن التربیة (المعزیه) و [illegible] (و التربیه) اشارة الی تسویة (تقویة) المزاج .

انجام : الجن هو الاستتار والانس هو الاستیناس (الناس) وهما الحواس الظاهره والباطنه . وهذا هو الذی بلغ العقل [illegible] هذه السوره والله اعلم باسراره جعلنا الله من اهل ذلك (والله اعلم بالصواب والیه المرجع والماب والحمدلله وحسن توفیقه والصلوه والسلام علی خیر خلقه محمد وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا) انه الجواد الوهاب (۱۱۴۹/۱۱ گ ۴۱ ب - ۴۲ الف ؛ ۱۱۶۴/۷ گ ۷۹ ب - ۸۱ الف).

۱۳- رسالة العقول [illegible] ([illegible]) [illegible] ش ۱۸۶ [illegible] ۷۸ [illegible]) و [illegible] در آن دارد « ذکره [illegible] قدس الله روحه فی حد العقل » [illegible] بهمن بخش [illegible] در [illegible] رسالة حدود [illegible] ۲ [illegible] های عقل وچهار [illegible]

آغاز [illegible] لا جنس له ولا فصل [illegible]

انجام : وماذ کرناه شرح الاسم والحمد لربنا وله المکارم والعلی والجود . (تمت رسالة العقول . والحمدلله وصلواته علی سیدنا ومولانا محمد النبی وآله الطیبین الطاهرین وصحبه المنتجبین وهو حسبی ونعم الوکیل) (۱۱۴۹/۱۲ گ ۴۲ ب - ۴۳ الف) .

۱۴- رسالة فی اقسام الحکمة (ش ۳۲ م) . ۵

آغاز : بسمله . الحمدلله ملهم الصواب ومنور الالباب وواهب العقل والمتکفل بالعدل وصلاته وسلامه علی انبیائه المرسلین خصوصا علی محمد خاتم النبیین وآله واصحابه اجمعین وبعد فقد التمست منی ان اشیر الی اقسام العلوم العقلیة .

انجام : فقد دللنا علی اقسام الحکمة وظهر انه لیس شیء منها یشتمل علی مایخالفه الشریعة وان القوم الذین یدعونهائم یزیغون عن منهاج الشریعة انما یضلون ۱۰ من تلقاء انفسهم ومن عجزهم ومن تقصیرهم لا ان الصناعة نفسها توجبه فانها بریئة منهم . فلنختتم الان مقالتنا هذه حامدین واهب العقل والتوفیق ومصلین علی انبیائه اجمعین خصوصاً علی خاتمهم محمد المصطفی وآله الغر المیامین (تمت رسالة اقسام الحکمة والحمدلله علی الائمة وصلی الله علی خاتم انبیائه محمد المصطفی وآله الطیبین الطاهرین) (۱۱۴۹/۱۳ گ ۴۳ ب - ۴۵ ب) . ۱۵

۱۵- رسالة المعاهدة بالله که همان روایت نخستین میباشد (ش ۹۲ م) .

آغاز : بسمله . عاهدالله بتزکیة نفسه بمقدار ماوهب لها من قوتها لیخرجها من القوة الی الفعل عالما من عوالم العقل فیه الهیئة المجردة من المادة .

انجام : عاهدالله انه یسیر بهذه السیرة ویدین بهذه الدیانة کان الله له ووفقنا لما یتوخاه والسلام عن لا نبی بعده . تم العهد . تمت . (۱۱۴۹/۱۴ گ ۴۶ الف) . ۲۰

۱۶- رسالة الطیر که در ص ۲۹۹ همین فهرست (ش ۱۰۷۴/۷) شناخته شده است و این سه نسخهٔ ماناند کی از هم جدائی دارند (ش ۸۸ م) درفهرست مجلس (۱۶۳:۳) از ترجمهٔ طیر ابن سینا در تذکرهٔ ممیز یاد گشته است .

آغاز : بسمله . (وبه الاستعانة ومنه التوفیق . قال الشیخ الرئیس ابن سینا

وفخرالدین اسعد گرگانی شاعر(سدهٔ ٥) درویس ورامین که مانند این خطبه است بچاپ رسید. درمیوهٔ زندگانی حاج ملاعباسعلی کیوان قزوینی (چاپ ۱۳٤۹ ص۳۲٦-۳۲۸) روایت کوتاهتر آن دیده میشود. متن بنام «الخطبة فی التمجید» و ترجمهٔ آن بروایت درازتر در ص ۱۲٦ - ۱۳٦ « رباعیات حکیم خیام » چاپ استانبول بسال ۱۳۳۲ دیده میشود. ٥

آغاز: سبحان الملك الجبار الاله القهار لاتدرکه الابصار وهو یدرك الابصار ولایمثله الافکار لاجوهر یقبل الاضداد فیتغیر ولاعرض لسبق وجوده الجوهر.

انجام: وعلیك المعول ... نسألك التوفیق ... و کشف الشبهة انك ولی ذلك والقادر علیه و مبدأوه واوله وآخره بحمدالله ومنه (تمت والحمدلله رب العالمین وصلواته علی سیدنا محمدالنبی وآله الطیبین الطاهرین وصحابته المکرمین وهو ۱۰ حسبی ونعم الوکیل) (۱۱٤۹/۱۷ گ ٤۸ ب - ٤۹ الف).

۱۹- ادویهٔ قلبیه (ص ۷۱٦ ف - ش ۱٤ م).

آغاز: کتب الشیخ الرئیس ابوعلی بن سینا ره الی الشریف ابی الحسن بن علی بن ابی الحسین . وردامر السیدان اجمع لمطالعته مقالة تشتمل علی احکام الادویة القلبیة و اتحری فیها الاختصار فتلقیته بالطاعة وسئلت الله التوفیق والعصمة. قال ۱٥ الشیخ الرئیس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری رضی الله عنه. فصل. ان الله سبحانه و تعالی خلق التجویف الایسر من تجویفی القلب خزانة للروح ومعدنا لتولده.

انجام: فهذا ماحضرنا من الکلام فی الادویة القلبیة علی اقصی ما یمکن من الاختصار وقدحان لنا ان یتمم هذه المقالة حامدین واهب القوة علی تمامها ۲۰ وهوحسبنا ونعم الوکیل (۱۱٤۹/۱۹ گ ٥۱ الف - ٦۱ الف).

۲۰- ارجوزة فی الطب (ش ۱٥ م).

آغاز: قال الشیخ الرئیس الفاضل الفیلسوف ابوعلی الحسین بن سینا البخاری، رضی الله عنه واجره ثوابه، فی تقسیم الطب:

الطب حفظ صحة برؤ مرض	من سبب فی بدن منه عرض
قسمته الاولی لعلم و عمل	والعلم فی ثلثة قد اکتمل

انجام :

اقل ما تبرء فیه شهر	وربما یتم ذاك عشر
وقد عرفت من جمیع العلل	والان افعلم بقول مکمل

(١١٤٩/٢٠ گ ٦١ ب ـ ٦٩ ب و ٢٣٥ الف ـ ٢٣٧ ب).

٢١ـ مباحثات (س٣٣٧ف ـ ش١٠٥م) که هرشش مباحثهٔ آن در این نسخهٔ ما هست و مانند نسخه بادلیان میباشد . چنانکه یاد کرده‌ام (س ٣٤٠) نسخهٔ ش ١٠٣٧/٦ ما درشش فصل است و پیداست که ازمباحثه پنجم آغاز میگردد .

آغاز : بسمله . وبه‌العون وصل للشیخ عدة کتب مشمرات فی‌الایناس بخبر سلامته وذلك ممایعظم‌الاستبشار به .

انجام . ویعنی بالمؤبدمؤبدالذات ومااللذات ومن هذاالقدر لایلزم غیرهذاالقدر (تم‌المباحثات بحمدالله تعالی وحسن توفیقه) (١١٤٩/٢١ گ ٧٠ ب ـ ١٠٩ الف)

بخشی ازمباحثهٔ پنجم آن در گ ٣٢٢ ب ـ ٣٣٤ ب نسخه‌ماش١١٤٩هست همانکه مهدوی درش١ فهرست [illegible] نام « اجوبة [illegible] الریحان‌البیرونی » یاد کرده است (ص ١٤ و ١١٢ م) و [illegible] نام هم در رسائل ابن‌سینا چاپ ١٩٥٣ [illegible] دیده [illegible] ١٧ [illegible] چنین‌است‌این بخش:

آغاز [illegible] بسمله [illegible] الشیء‌الذی یدرك منه‌المعقولات قد بان [illegible] مجرد عن‌الماده [illegible] عن‌الماده [illegible] عقل بالفعل فما معنی [illegible]

انجام [illegible] (فیه) (س ١٤ گ ١١٤ [illegible] ودنباله‌اش را ندارد بدینگونه:) [illegible] اولا [illegible] فهی موجودة بالفعل [illegible] الة جسمانیة . و قوله

لعل المزاج واسطة ... عليه تحريك مخالف له ـ این هم گفته شود که قنواتی این
بند « ولا خلاف لمايوجبه القوة المجبولة فيها . . . و ذلك هو المطلوب (الباقی)
(گ ۳۳٤ ب ـ ۳۳۵ ب) را که در نسخهٔ ما پس از این آمده و در حکمت عروضی
(مقالهٔ ۱ و ۲ طبیعی) و نجات (ف ۱ و ۲ م ۱ طبیعی ص ۱۰۲ ـ ۱۰٤) دیده میشود
پاره‌ای از همین « جواب ست عشر مسئله » پنداشت . ۵

۲۲ـ شرح حی بن یقظان (ص۲۰۹ و ۲۵٦ ف ـ ش٦۵م و ۲۱۹ق) از ابن زیله
که همهٔ آن در مجلة المجمع العربی دمشق (ش ۳ و ٤ س ۲۹ تاریخ ۵٤ و ش ۱ و ۲
س ۳۰ تاریخ ۱۹۵۵ و پس از آن) از روی نسخهٔ ش ٤۵٦ بادلیان اکسفورد نوشتهٔ
٦۳٤ بچاپ رسید ولی در ص۷ـ۵٦٦ آنچه نسخهٔ بادلیان کم داشت از روی « مختصر
فی تفسیر معانی رسالة حی بن یقظان » نسخهٔ بنگال و دو چاپ آن مانند نسخه ۱۰
۱۰۷٤/۱۷ ما آمده است . در این نسخهٔ ماهم در گ ۱۱۰ الف س ۲۰ میان دو کلمهٔ
« اذ کانت » و « اشار به » مانند نسخهٔ بادلیان کم داشت ولی کسی دیگر آن بندیرا
که نبود در گ ۲ ب نوشته است پس این نسخهٔ ما مانند دو نسخهٔ ش ۳۲٦۸ احمد ۳
در طوپقپوسرای بتاریخ ۵۸۰ و کتابخانه ملی تهران ش ۸۸٤/۱ کامل خواهد بود .
محمد صغیر حسن معصومی که این گزارش را در آن مجله بچاپ رسانده میخواهد ۱۵
بگوید که متن و شرح هر دو از ابن سیناست ولی چنین نیست و سبک عبارت و دو نسخهٔ
طوپقپوسرای و ملی میرسانند که گزارنده ابی منصور ابن زیله میباشد . و مختصر
آنهم چنانکه از نسخهٔ ما بر میآید از کس دیگر است که از گزارش ابن زیله گزین
نموده است . حی بن یقظان منظوم ابن الهباریه م ۵۰٤ (ص ۲۵۸ ف) را من
در سال سوم مجلهٔ دانش بچاپ رسانده‌ام . شیخ ابو البقاء مقدسی متن ابن سینا را ۲۰
بنام جواهر البیان و جواهر التبیان و همچنین عبدالرؤف محمد بن تاج العارفین
مناوی (م ۹۵۲) آنرا گزارش نموده‌اند . ابن النفیس قرشی (م ٦۸۷) در برابر
آن « فاضل بن ناطق » نوشته و از اندیشه ابن سینا خرده گرفته است (ص۷۸۲ ف)
و نسخه‌ای از آن در کتابخانه عاشر افندی در استانبول (ش ۱۰٤٦۱) هست (مجلهٔ
مجمع علمی) . ۲۵

ان القضية الشرطية يتركب من قضيتين حمليتين يفهم منه ان القضية الشرطية غيرهما وليس الامر فی قیاس الخلف كذلك فانه ليس غير الاستثنائی بل هو قیاس استثنائی مقدمته الصغری مترکبة من قضيتين حمليتين مشتركتين فی حد (گ ۱۴۵ الف)
شیخ در مختصر اوسط گفته «والقياس الخلف الذی سنذکره بعد فهو من قیاسین حملی و استثنائی كما سنحققه من ذی قبل» (۱۷۵ الف) و سپس درهمین کتاب ۵
(۱۸۰ الف) از آن بررسی نموده است. در نجات (ص۵۵) دارد «فیکون هو بالحقيقة مرکبا من قياس اقترانی و من قیاس استثنائی» در فصل ۳ مقاله ۸ فن ٤ منطق شفا دارد «والقياس الخلف بالحقيقه هو قیاس مرکب من قیاسین شرطیین فقط ... فاحداهما اقترانی من شرطية متصلة و مقدمة يشاركها فی التالی والثانی قیاس شرطی اتصالی استثنائی و بذلك يتم الخلف وحده» (نیز فصل ۱٤ مقاله ۹ همین ۱۰
فن) در اشارهٔ ۹ نهج ۸ اشارات نیز دارد «قیاس الخلف مرکب من قیاسین احدهما اقترانی والآخر استثنائی» در دانشنامه (ص ۸۸ چاپ ۳۱ خ) آمده «واین قیاس خلف مرکب است از دو قیاس یکی قیاسی است از جملهٔ قیاسهای اقترانی غریب که من بیرون آورده‌ام و یکی استثنائی ... و مردمان اندر باز بردن این سخن بقیاسهای درست کاری دراز پیش گرفته‌اند و خود نهاده‌اند وارسطاطالیس اشارت ۱۵
بدین کرده است که من خواهم گفتن ولی این مقدار گفتست که خلف از شرطی است اینست که من خواهم گفتن. نخستین قیاس از اقترانی متصل است و حملی ...»
پیداست که از عبارت گذشته سخنان شیخ خواسته شده و در آن از گفته او خرده گیری شده است چنانکه طوسی در شرح اشارات (همانجا) میگوید «ثم ان الشيخ افضل الدين محمد بن حسن المرقی المعروف بالقاشی رحمه الله ذهب الی ان هذا القياس ۲۰
هو قیاس استثنائی من متصلة ...» و آشکار است که طوسی بهمین کتاب مینگریسته است (ص ۲۲۰ همین فهرست و ص ۵۰۰ ش ۸ س ۸ تاریخ آبان ۱۳۳۱ خ مجلهٔ مهر، گفتار من دربارهٔ نگارشهای کاشانی).

دلیل دیگر اینکه در این «العلم والنطق» مبحثهای منطقی بدو گونه بخش

شده است : دانائی و گویائی . و این روش مانند روش کاشانی است در کتابهای
دیگراو مانند مدارج کمال و عرض‌نامه و جاودان‌نامه و بویژه اینکه درمبادی
موجودات او (چاپ شدهٔ در ش ۳ س ۱ مجلهٔ جلوه تاریخ شهریور ۱۳۲۴ خ)
مانا مطلبها مقالهٔ نخستین همین«العلم والنطق» با عبارتهای دیگری آمده است
وشیخ رئیس را چنانکه نگارشهای دیگراو گواهی میدهد چنین روشی نیست .

دیگر اینکه دراین‌نامه دربارهٔ شکل چهارم یکجادارد «وقد یمکن ان یکون
موضوعا فی‌المقدمة الصغری محمولا فی‌المقدمة الکبری فسمی الشکل الرابع »
(۱۴۱ الف) نیز « وههنا شکل آخر بقتضیه‌القسمة التی ذکرناهافان‌الحدالاوسط
اما ان یکون محمولا فی‌الصغری والکبری اوموضوعا فی‌الصغری محمولا
فی‌الکبری وهوالشکل‌الرابع ولم یذکر فی کتب‌المنطق المشهورة هذاالقسم
من‌الاشکال لخفاء انتاجه فانه یقابل‌الشکل الاول (الذی هو) ابین قیاسیة واظهر
انتاجامن‌جمیع‌الاشکال‌فالشکل‌الرابع اخفی قیاسیة واوعرتبیینا‌للنتیجة من‌جمیعها
وقد یرد کثیراً فی‌الکلام الا انه یرد سریعا الی‌الشکل الاول بعکس‌المقدمتین قولا
وعن انتاجه‌الخاص » (۱) همین هم میرساند که این نامه ازشیخ رئیس نباید باشد
چه او درشفا و نجات و اشارات و دانشنامه شکل چهارم را نپذیرفت ودرمختصر
اوسط هم [illegible] سه شکل [illegible] و دوم و سوم گفته است « ولاشکل
[illegible] الثالثة [illegible] » (۱۱۴۹-۲۸ [illegible] ۱۶۷ ب) مگر اینکه
[illegible] فی‌العلم والنطق [illegible] که درترجمهٔ آن بنام
[illegible] شمار [illegible] نماید وشاید
[illegible] دراین [illegible] شده است (۲) .

آ [illegible] فان عزیمتنا

(۱) [illegible] ۱۴۱ [illegible] دارد وازروی نسخهٔ
[illegible]

(۲) [illegible] سال ۸ ش ۲و۳و۵
[illegible] ۱۰۰و۱۰۱و[illegible]

فی هذه الرسالة مقصورة علی ذکر حال الخلقین الخاصین بنوع الانسان وهما العلم والنطق و تفصیل ما عرض لهما من الاحوال . . . و اذ کان العلم اقدم بالطبع صار اشتغالنا به اهم فصارت رسالتنا هذه مقالتین مقالة فی العلم ومقالة فی النطق .

انجام : مثل الکسوف الذی یستدل به علی توسط الارض بین الشمس و القمر واذا اتینا بما اردنا ایراده ووفینا بما وعدنا فلنختم المقالة والله ولی الهدایة والحمد له کما هو اهله و علی نبینا خاتم الانبیاء محمد و آله والصلوة والسلام (۱۱۴۹/۲۴ گ ۱۲۹ ب - ۱۴۶ الف. دراین نسخه درس ۱۹ گ ۱۴۱ الف باندازهٔ یک صفحهٔ کم است) .

۲۵- رسالة فی علاج الحزن (ص ۶۷۲ ف - ش ۵۹ م) .

آغاز : بسمله . الحزن الم نفسانی یعرض لفقد المحبوبات وفوت المطلوبات لایکاد یعری احد من هذه الاسباب .

انجام : بل یرضی بکل حال یکون فیها لیسلم من الم الحزن (تمت الرسالة والحمدلله وصلواته علی سیدنا محمد النبی و آله وسلامه رب اختم بالخیر (۱۱۴۹/۲۵ گ ۱۴۶ الف) .

۲۶- رسالة فی دفع الغم من الموت (ص ۶۶۱ و ۲۲۲۱ ف - ش ۱۶۸ م) و نباید از ابن سینا باشد .

آغاز : بسمله. الحمدلله رب العالمین وصلواته علی محمد النبی و آله الطاهرین لما کان اعظم مایلحق الانسان من الخوف هو الخوف من الموت .

انجام : فلا یفضل المتصدق ذلک الفضل الا ان یشاکله تلک النفس وعلی هذا یشبه بشیء واحد (۱۱۴۹/۲۶ گ ۱۴۶ ب - ۱۴۷ ب) .

۲۷- الذکر (ش ۵۴ م) که در ثمرالحیوة کیوان قزوینی (چاپ ۱۳۰۸ ص ۱۶۲) بنام « کلام فی الخلوة والحث علی تصفیة الباطن » هم دیده میشود .

آغاز . بسمله . امابعد فان من شمر عن ساق الجد للبلوغ الی مرتبة الواصلین .

انجام : حتی نبلغ منه منزلة السکینة بمنه وجوده وسعة رحمته والحمدلله

رب‌العالمين وصلواته على سيدنا محمد وآله اجمعين (١١٤٩/٢٧ گ ١٤٧ ب - ١٤٨ الف).

٢٨- مختصر اوسط (ش ١٠٨م) که بنوشتهٔ هوانی (٤٥) همان «الموجز الكبير في المنطق» است که‌در سرگذشت (ش ل و ٢٩ دردو نسخه چاپ مصر و ایران) یادگردید و گویاهمان مختصراصغر یا اوسط جرجانی باشد که شیخ در گرگان برای ابی‌محمد شیرازی نوشته ودر همانجا برای جوزجانی املا نموده‌است. مانا همانکه نسخهٔ آن بشیراز رفته وداشمندان بر آن خرده ها گرفته و پرسشهای خودرا بوسیلهٔ ابوالقاسم کرمانی برای شیخ فرستادند و او هم بیدرنگ بدانها پاسخ داده است (مانا همان «الاجوبة عن المسائل العشرينية» ش ٨ م و ٣٩ ق) شیخ همین مختصر اوسط را با دیگر گونگیهائی باآوردن فن برهان ازجاهای دیگر وسوفسطيقا ازحکمت عروضی در نجات گذارده است.

در گ ١٧٢ الف و ب دارد: «ولم يذكر في كتب‌القياس [illegible] مطلوبا شرطيا البته وعسى قد كان ذكرذلك في الكتاب الذي عمله الفيلسوف في الشرطيات [illegible] الى [illegible] ولا الى [illegible] و كانه ليس في زماننا له نسخة» دراین جا شیخ دلیلهای روشنی میاورد [illegible] قیاسهای شرطی کاوش نمود [illegible] یاد کرد. در گ ٢٠٠ الف دارد: «[illegible]» پس شیخ دراین کتاب مانا [illegible].

آغاز (گ [illegible] «المشرقيين في المنطق») بسمله الحمدلله [illegible] الحق [illegible] على اربعة [illegible] اذا تكرر [illegible] والله اعلم (١١٤٩/٢٨

گ ۱٤۸ ب - ۲۰٤ الف . در ۱۵۷ کمی سفید و کم دارد و در ۱٦۱ الف جای لوح سفید است در۱۷۷ هم سفید گذارده شده و کم دارد) .

چنانکه گفته‌ایم قنواتی این رساله را « الموجز الکبیر » نامید وهمین را دوقطب شیرازی و رازی و صدرای شیرازی هم بدین نام خوانده‌اند چه اینکه ۵ درآغاز برهان آن (ف۱ م ۳ - ۲۰٤ ب) دارد « العلم علی وجهین احدهاتصور والآخر تصدیق.والتصور ان یحدث مثلا معنی اللفظ فی النفس ... بل ذلك حادث آخر فی النفس » واین عبارت که باندازهٔ ده سطر میشود در آغاز منطق درة التاج قطب شیرازی بنام همین الموجز الکبیر آمده (ص۲ چاپ تهران) وقطب رازی هم درشرح مطالع (فصل۱ ص۷ چاپ ۱۳۱۵ درآخر شرح بر گفتار ارموی فی الحاجة ۱۰ الی المنطق) همین اندازه « العلم علی وجهین تصور وتصدیق » را ازآن آورده وهمه آن عبارت بالارا بنام همین کتاب باعبارت دیگری:« ان التصدیق موقوف علی امرین احدهماتصور المصدق به ای المط به‌والثانی تصور مایعلم ثبوته وتصدیقه ولاشی من الانتساب والنسبة بمتوقف علی ذلك » دررساله تصور و تصدیق خود گنجانده است . (شماره ۳۸۷۸ مدرسهٔ سپهسالار - درچاپ ۱۲۸۷ هند اندکی ۱۵ ازآغاز این رساله تا بالای صفحه ٦۸ آمده و همه را ندارد) صدرای شیرازی دررسالهٔ‌تصور و تصدیق(چاپ‌شدهٔ باالجوهر النضیددرتهران بسال۱۳۱۱) نیزهمان عبارت بالا که دردرة التاج آمده است آورد . چون این عبارت درنجات نیست پس برهان آن از برهان الموجز الکبیر یا المختصر الاوسط گرفته نشده است .

۲۹- الموجزة فی المنطق (ش ۱۱٦ م - ق ۳۱ و ٤٤) که دراین نسخهٔ ما ۲۰ همان بخش برهان وجدل و مغالطه و خطابهٔ آن آمده است و جدل و مغالطه وخطابهٔ آن همان جدل و مغالطه و خطابهٔ حکمت عروضی است (نسخه خطی وآغاز ناس۳ س ٤٤ چاپ مصر) با اندکی جدائی .

آغاز : بسمله . فی اصول علم البرهان و بیان ان کل تعلیم وتعلم فعن علم سابق . فقدفرغنا عن الامر المشترك لجمیع القیاسات وهو الکلام فی التألیف فلنشرع

في تحديد المواد التي فيها يقع التأليف واحد أو احد منها ولنبدا بالمواد البرهانية.
انجام: فهذه هي اجزاء الفضيلة وليس بها فقط يمدح الانسان و بفاعلاتها
(١١٤٩/٢٩ گ ٢٠٤ ب - ٢٣٣ الف).

از نكته‌هاى تاريخى و علمى كه در مختصر اوسط و موجزه هست يكى اينستكه
در بدست آوردن حد سه راه پيشنهاد شده يكى برهان ديگرى قسمت سوم تركيب.
خود ارسطو در ارغنون در فصل ٣١ مقالهٔ ١ قياس و فصل ٥ مقالهٔ ٢ فن برهان
از قسمت ياد نمود و از رأى افلاطون كه طرفدار آنست و ميخواهد آنرا در برهان
و حد بكار برد خرده گرفت و در فصل ٤و٦و٧ مقالهٔ ٢ همين فن از برهان در حد
گفتگو نموده و در فصل ١٣ و ١٤ همين مقاله روشن كرد كه راه پيدا كردن حد
تركيب است نه قسمت ابن ابى زرعه در «اغراض ارسطاطاليس المنطقيه» و ابن رشد
در «تلخيص» همان سخنان ارسطو را روشن نموده و نامى از كسى نبرده‌اند. پيش از آنها
فارابى در اوسط كبير نوشته كه كسانوقراطيس در حد راه برهان رفته و افلاطون راه
قسمت و ارسطو راه تركيب در آن پيش گرفته است شيخ در همين مختصر اوسط در
و فصل (٣) في ان الحد لا يكتسب بالبرهان از مقالهٔ ٢ كتاب البرهان (گ ٢٠٠ الف)
هم راه برهان را [illegible] از كسانوقراطيس ([illegible] در [illegible]) و در فصل پس
از آن قسمت را از افلاطون دانسته ([illegible] در قياس گ ١٨٢ ب) و در فصل ١١ آن
(٢٠٢ الف) از راه [illegible] نام فيلسوف (ارسطو) ياد نمود و در آغاز آن بندى
از فصل ١٣ مقالهٔ ٢ فن برهان ارغنون (٩٦ ب ١٥ [illegible] ٣ ٤٤ چاپ بدوى) را بروشى
[illegible] آورده و پيداست كه آنرا گزين نموده است او در برهان موجزه هم
از روشهاى [illegible] و قسمت افلاطون و [illegible] ارسطو كاوشى
نموده است (گ [illegible] ٢٠٩ الف) در منطق شفا (فصل ٥ مقالهٔ ٩ فن ٤ در قياس)
هم [illegible] مقالهٔ ٤ فن ٥ در برهان روشن كرد
[illegible] پرداخت. در نجات
[illegible] ولى نه در شفا و نه در نجات از دوستاران

دوراه برهان وقسمت درحد و برهان نام کسی را نبرده است (نیز بنگرید بمعتبر بغدادی ۱: ٥٥-٦١ واساس الاقتباس ص ٤١٦-٤۲۹ ومعیارالعلم ص ۱۷٦ و بصائر نصیریه ص ۱٦۹) فارابی باید از کسانقراطیس که در نسخهٔ مختصراوسط وموجزهٔ ابن سینادرست نوشته نشده همان کسنو کراتس (Ξενοκρατης = Xénocrate) را خواسته باشد. همانکه درفصل ٤ مقاله ۲ برهان ارغنون از گفتهٔ او دربارهٔ اینکه «روان آدمی شماریست خودبخودجنبنده» یاد گردید همچنین در کتاب نفس (م ۱ ف ۲ و ٤ - ترجمه عربی ص ۱۲ و ۲۰ وفرانسوی تریکو ص ۲٥ و ٤۷ - نیز ترجمهٔ فرانسوی تریکو از برهان ارغنون ص ۱۷٥ و قیاس وبرهان Ross ص ٦۱۸)
شیخ درفصل ۲ مقاله ٤ برهان منطق شفا (ص ۲۰۳) از تعریفهای نفس این را گفته: «عدد محرك لذاته» و بدوی روی گفتهٔ پلوتارخوس در آراء طبیعیه (ص ۱٥٦) که دارد «واما بو ثاغورس فیری ان النفس عدد یحرك ذاته ویعنی بقوله العدد العقل» این رأی را از فیثاغورس پنداشته است با اینکه بنوشتهٔ رس و تریکو، همین پلوتارخوس دراخلاق (Mor. 1012 D) وفیلوپونس (یحیی نحوی) واوستراتس آنرا از کسنو کراتس دانسته‌اند. میشود گفت که فارابی از فیلوپونس گرفته ودور نیست که این رای دوم از فیثاغورس بوده و کسنو کراتس از او پیروی کرده باشد (۱).

۱- کسنو کراتس فیلسوف یونانی که درخلقدونیا نزدیك ٤۰٦ پیش ازمسیح زاده ونزدیك ۳۱٤ درگذشت شاگرد افلاطون بوده وبااو بسیکیلیا رفته است. اوهمشاگرد ارسطو و از رهگذرهائی پست‌تر از او بود چه هوشی کند داشت ولی ارسطو زیرك بوده است. ازاینجا است که افلاطون دربارهٔ ایندو گفته که «یکی نیاز به لگام دارد ودیگری به مهمیز» گرچه اودربکاربردن خوی ورفتارفلسفی برارسطو برتری داشته ودرشت وسخت وبی آزبوده است و برندگی او تااندازه‌ای بود که استادش اورا بدینگونه برمیانگیخت که «دربرابر خاریتس (Χαριτες = Xàrites) پروردگاران زیبائی قربانی کند» او در ۳۳۹ درتدریس آکادمی جانشین اسپوسیپس شده و نخست پیرو آراء افلاطون بوده سپس نزدیك بمسلك فیثاغورسی شده ومیان دوروش افلاطونی وفیثاغورسی (مثل واعداد) آشتی داد. کتاب مرگ اودر ۱٤۹۷ بچاپ رسید (لاروس سدهٔ ۱۹ و ۲۰)

(ص ۳۱۹ ف و ۲۰۵ م) که هردودر رسائل ابن‌سینا شمارهٔ ۱ چاپ ۱۳۵۳ آنکارا دیده میشود .

آغاز : بسمله. اعترض علی فیما وجده الشیخ ابو الفرج من الاخلال و الاختلاط فی مقالة لی کتبها مجیبا فیما وسطت فیه وان کان ایضا قدامعن فی القول و الثناء الجمیل کما یلیق بحرمثله مخلوطا بغمزات و لمزات فیما ضرب مما لم یزل اهل الفضل یصون عنه فی المشافهات و الحکایات و لو کان القائل غیره و المقول غیری وقد حکی عنی مالم اقله ولا اقوله .

انجام : فیکون التفاوض علی کتمان انشاء الله وحده (تمت الرسالة و الحمدلله وصلوته علی خیر خلقه محمد النبی و آله الطیبین الطاهرین) (۱۱٤۹/۳۳ گ ۲٤۰ الف - ۲٤۲ الف) .

۳٤- المبدء و المعاد (ص ۳٤۳ ف - ش ۱۰٦ م) آقای محمود شهابی آنرا بفارسی کرده و این ترجمه در چاپخانهٔ دانشگاه بچاپ رسید .

آغاز : رسالة فی بیان المبداء و المعاد . الحمدلله رب العالمین و صلواته و سلامه علی رسوله محمد و آله اجمعین قال الشیخ الرئیس ابوعلی الحسین عبدالله بن سینا البخاری رحمه الله و بعد فانی اریدان ادل فی هذا الکتاب علی حقیقة ماعند المشائین المخلصین من حال المبداء و المعاد تقربا الی الشیخ ابی احمد محمد بن ابراهیم الفارسی .

انجام: و الاستبداد بالرأی الباطل و الاعتقاد العجب فیما یری و یعقل (تم الکتاب ولله الحمد و المنة وصلواته علی رسوله محمد و علی آله و سلامه آمین یارب العالمین) (۱۱٤۹/۳٤ گ ۲٤۲ ب - ۲٦۷ ب . عنوانهای مطلبها بخط شکسته نستعلیق تازه در کنار برگها هست و حاشیه‌هائی هم بهمین خط که نشانهٔ «یا اباعبدالله الحسین» دارد هست) .

۳۵- رسالة فی حفظ الصحة (ش ٦۰ م) در سیزده فصل .

آغاز . بسمله استعین فیما افید بالعقل الفعال و اسئل الله تعالی ان یطیل

بقاء الشیخ و استدیمه بمنه و نعمه واسترهن له العصمة والتوفیق لما یحبه و یرضاه بمنه و فضله و لما رأیت ظاهر تمیز و بادیء تحصیله ... طلبت من نفسی تأثیر ما اوجبت له و رغبت الیه شیء من ابواب الخدمة ... فلم اجد شیئا اشبه مما جربته من صلاح نفسه ثم لما یتحفه لاخوانه و اصدقائه ان اجمع کتابا مختصراً ینطق بذکر الصحة ودفع الاسقام .

انجام : فی امساك البطن بعالج والدم فی البروج ذوات الجسد (او بلت مقالة حفظ الصحة للشیخ و کانه وقع من آخره صفحة او اول الیطلب) (۱۱۴۹/۳۷ گ ۲۷۰ الف .. ۲۷۲ ب . چنانکه نویسنده نسخه ما گواهی میدهد این نسخه کم دارد وانجام آن درفهرست آقای دکتر مهدوی چیزی دیگر است) .

۳۶ـ تدبیر المسافرین (ش ۵۴ م) که شیخ در مدارك الخطاء الواقع فی التدبیر الطبی گویا از همین یاد نمود (س ۷۳۱ ف) .

آغاز . بسمله . الحمدلله رب العالمین حمد الشاکرین و صلواته علی خیر الخلائق محمد و آله الطاهرین . ینبغی المسافر ان یستفرغ بدنه بالفصد او بالدواء ان کان ممن اعتاد ذلك .

انجام نم [illegible] علی الموسم و ذلك ما اردنا ان نبین و من الله التوفیق (۱۱۴۹/۳۸ گ ۲۷۲ ب ۲۷۴ الف)

۳۷ [illegible] که شیخ در خطبه فی الخمر (س ۵۱۳ ف ش ۷۱ م) گویا [illegible] کرد .

آغاز [illegible] الحمدلله رب العالمین حمد الشاکرین و صلواته علی خیر الخلائق محمد و آله [illegible] الشیخ [illegible] هذا کتاب سیاسة البدن و [illegible] للعمل و ما یعارض [illegible] الشم الباه .

انجام [illegible] ما کان علی الطبل [illegible] فی [illegible] و هی معروفة بالمجدول [illegible] (۱۱۴۹/۳۹ گ ۲۷۴ ب ۲۷۵ الف)

۳۸- کناش فاخر که چنانکه دردیباچه آمده باید در ده مقاله و پنج باب باشد ولی هم در فهرست پس از دیباچه و هم در خود کتاب جز همان ده مقاله نیامده است . هیچ نشانه‌ای در این رساله نیست که برساند که آن از ابن سیناست.

آغاز : بسمله . الحمد لواهب العقل والبیان مفضل الانسان علی جنس الحیوان ... کنت اشرت الی ایها الاخ البار ان اجمع کناشاً فاخراً یحتوی من الطب علی اصول مضبوطة وفروع بالتجربة منوطة فاجیب الی مرادك وجعلته علی عشر مقالات وخمسة ابواب . ۵

انجام : تمت المقالة العاشرة . . . وههنا القول فی ذلك وکفی والله المعین وحسبنا الله وحده وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله وصحبه اجمعین (۱۱٤۹/٤۰ گ ۲۷۵ الف - ۲۸۸ ب) . ۱۰

۳۹- الکامل الکثیر المنافع که اینهم روشن نیست از ابن سینا باشد .

آغاز : بسمله. قال یحیی بن ماسویه: شحم الحنظل ودواء یسمی اسطوخودوس فشحم الحنظل اذا شرب منه ماهی قیراط الی دانق مع ایارج فیقر اوزن درهم معجونا بعسل .

انجام . قد طبخ فیه مرزنجوش ومام وبودنج وشیح وقیصوم انشاءالله تعالی (تم الکتاب الکامل الکثیر المنافع . والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی نبینا محمد وآله واصحابه اجمعین . تم .) (۱۱٤۹/٤۱ گ ۲۸۸ ب - ۲۹٤ ب) . ۱۵

٤۰- فصول فی الطب (ش ۹٦۰ م) که گویا از گفته‌های شیخ درمجلس درس گرد آورده‌اند .

آغاز . بسمله . علیك اعتمادی یا کریم . اما بعد حمد ولیه والصلوة علی نبیه . قال خلق القلب ومانبعث منه من العروق الضوارب وعاء الروح ومکان تولدها. ۲۰

انجام : حد الماء جرم بسیط طباعه ان یکون بارداً یابسا متحرکا الی الوسط نازلا فیه (تمت الفصول من املاء شیخ الرئیس والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد النبی وعلی آله واصحابه الطیبین الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا . تم .)

(١١٤٩/٤٢ گ ٢٩٥ ب - ٣٠٣ ب) .

٤١- مسائل حنين (ش ١١٠ م) خواجهٔ طوسی هم گفتاری دربارهٔ سخنان حنين و ابن‌سينا دارد (س ٧٢٥ ف) .

آغاز . بسمله . قال حنين في المسائل البلغم صار يحدث حمى ينوب كل يوم من طريق انه سهل الاجتماع بسبب كثرة مقداره و سهل التعفن بسبب رطوبته والتحلل والاستفراغ بسبب لزوجته والمرة السوداء صارت (تحدث) حمى ينوب يوما و يوما ... والمرة الصفراء صارت تحدث حمى ينوب يوما و يوما . . قال الشيخ الجواب فيها ثلثة امور . اجتماع و تعفن و تحلل . فالاجتماع يعين على سهولته .

انجام : والخريف بخلاف ذلك لان الصيف يحلل الرطوبات والارواح فيبرد الخريف والقوى واهية والرطوبات متحللة فيقوى على البدن اضعف عارض (هذا آخر ما وجدت من هذه المسائل والتعليق . تمت بعون الله و حسن توفيقه) (١١٤٩/٤٣ گ ٣٠٤ الف . ٣٠٩ الف)

٤٢- رسالة في الباه (ش ٣٩ م) [illegible] آن از ابوسهل [illegible] (گ ٣١٠ ب س ١٤) ياد شده است .

آغاز . بسمله . الحمد لله حمداً يليق [illegible] الظاهره والباطنه والصلوة على [illegible] الطاهرين و خصوصا على خير البرايا محمد و آله و عترته . [illegible] سأله عنها [illegible] اثنين و سبعين سنة [illegible] لابد لمن آثر [illegible] و تمهيد [illegible] لايشوبها [illegible] .

انجام [illegible] زاده الله سمواً زيادة

فیما قلت سارعت الی الزیادة انشاءالله تعالی (تمت الکتاب بعون الله و حسن توفیقه) (۱۱۴۹/۴۴ گ ۳۰۹ الف – ۳۱۱ ب).

۴۳– رسالة فی منافع الاعضاء (ش ۲۲۹ م).

آغاز : بسمله . رب وفق و اعن . لما اقتضت حکم الخالق تعالی ایجاد شخص الانسان بالجمع بین العناصر المتفاوتة الطبائع المناسبة المنافع جعل اختلاف امتزاجها سببا لوجود اخلاطه المختلفة .

انجام : واظهرت فیه القوی الحسیة واعدته للاتصال (با) النور العقلی بقواه النفسانیة و التصرف فیما یقتضی شروط الانسانیة . تبارک الله احسن الخالقین وصلی الله علی محمد و آله اجمعین . (۱۱۴۹/۴۵ گ ۳۱۱ ب – ۳۱۴ الف).

۴۴– ارجوزة فی الخواص (ش ۲۰ م) که در نسخهٔ ما دارای ۱۳۳ بیت میباشد .

آغاز : بسمله . و به نستعین .

بدأت باسم الله فی نظم حسن — اذ کر ما جربته طول الزمن

ماهو بالطبع و بالخواص — لکل عامی و کل خاص

انجام :

من حیة او عقرب ذعور — وهکذا من اشقر الزنبور

هذا الذی جربته فی عمری — نظمته للمقتضی لاثری

الحمدلله علی انعامه — ثم صلوة الله مع سلامه

علی النبی المصطفی المختار — و آله الاکارم الاخیار

(تمت الارجوزة بعون الله تعالی ومنه) (۱۱۴۹/۴۶ گ ۳۱۴ الف – ۳۱۵ الف) (۱).

۱– این ارجوزه در الدر المنثور عاملی (ص ۱۳۰۲ ف– ش ۶۵۵ گ ۱۶۵ ب – ۱۶۷ الف) در ۱۷ بیت آمده بدینگونه :

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز : بسمله .

اول یوم تنزل الشمس الحمل — تشرب ماء فاترا علی عجل
وان تدع فیه شراب الورد — تامن من الحمی و نغص البرد

انجام :

وضف الیها رطل سکری — مبتل بدهن لوز اخضر
وطیبه الانس مع النکاح — مع کل کاعبة رداح

(تمت ارجوزة الشیخ الرئیس ابن سینا بحمدالله و عونه و حسن توفیقه)
(١١٤٩/٤٧ گ ٣١٥ الف و ب) .

٤٦- رسالة فی القدر که در آن قضا وقدر شناسانده شده است و بندیست از مباحثات (ص ٢٣٣ چاپی - ش ٢٠٢ م) .

آغاز : بسمله . الحمد لولیه والصلوة علی نبیه . القدر هو وجود العلل والاسباب وانسیاقها علی ترتیبها ونظامها حتی ینتهی الی المعلولات والمسببات .

انجام : والاقوی وجوداً هو الجوهر لانه وجد من جهته بوسائط اقل والاضعف وجوداً هو العرض لانه بالعکس (من هذا) (تمت) (١١٤٩/٤٨ گ ٣١٦ الف) .

٤٧- رسالة فی النفس الانسانیة که بندهاایست از فصوص فارابی (ص ٣١٩ ف - ش ٢٠٦ م) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

هذا الذی جربته فی عمری — نظمته للمقتفین اثری
والحمدلله علی الاتمام — حمداً کثیراً عدد الایام
و صلوات الله ذی الجلال — علی النبی المصطفی والآل»
(ما ان بدا فجر الصباح العاجی — یجنح دبر الظلام الداجی
وآله العصابة الزکیة — الانجم الطاهرة الذریة
وصحبه والتابعین اثرا — ما جاء قطرا و اجاد دهرا
وغفر الله لنا وقد عفی — عنا وعن آبائنا وقد کفی
- پایان آن در مفامع) .

لعمری انه لابجده والسلام (۱۱٤۹/۵۲ گ ۳۲۵ ب - ۳۲۷ الف).

۵۱- رسالة فی الآلة الرصدية (ش ۱ م).

آغاز: بسمله الحمدلله وحده و صلواته علی النبی محمد و آله وسلم. غرضنا ان نصف آلة رصدية سلغ بها غاية الاستقصاء فی تعرف علم الهيئة و تتهيا الوصول بها فی رصد مواضع الكواكب الی الثوابت.

انجام: فهذه هی الآلة التی اعتمدناها فی تدقيق امر الرصد بمشية الله و حسن تيسيره. الحمدلله رب العالمين والصلوة علی سيدنا محمد و آله اجمعين و حسبنا و نعم الوكيل آمين (۱۱٤۹/۵۳ گ ۳۲۷ ب - ۳۳۰ الف).

۵۲- ارجوزة فی علم المنطق (ش ۲۲ م).

آغاز: بسمله

الحمدلله الذی لعبده	نمل السناء لا اله فی حمده
والحمدلله كما يستوجب	بعزه العالی الذی لا يغلب

انجام:

فلنختم الآن الكتاب ختما	بعد نظمنا العلم فيه نظما

(تم الكتاب بعون الله الملك الوهاب) (۱۱٤۹/۵٤ گ ۳۳۰ الف - ۳۳۲ ب).

۵۳ نجات (س ۱۱۸ م) كه در اين نسخهٔ ما چند سطر پايان ف ۱ م ۱ طبيعی نجات (س ٤ ص ۱۰۱ چاپ ۱۳۵۷) و ف ۲ م ۱ و ف ۱- ۱٤ م ۲ همان طبيعی (س ۱۰۲ - س ۱۳ ص ۱۳۲ همان چاپ) ديده میشود و آغاز آن بپايان بخشی از مباحثهٔ پنجم مباحثات كه ياد كردهام پيوسته است و من با سنجيدن اين نسخه با نسخهٔ «اجوبه سبت عشره مسألة» چاپ شدهٔ در رسائل ابن سينا و نسخهٔ چاپی نجات و نسخهٔ عكسی حكمت عروضی با رنجی در يافتم كه چنين است.

میدانيم كه شيخ بسياری از حكمت عروضی را در نجات گذارده است (س ٦۲ م) و در اين نسخهٔ ما هم چند سطری از ف ۱ م ۱ طبيعی آن هست سپس

انباذقلس و افلاطون در فاذن و طیماوس و ارسطو در اثولوجیا و دانشمندان دیگر و پیامبران و موبدان پارسی و از داستانها سلامان و ابسال و حمامهٔ مطوقهٔ کلیله ودمنه و حی بن یقظان و عینیه شیخ یاد نمود . سبزواری در حاشیهٔ خود برهمین جا این قصیده را اندکی هم گزارش نمود (نیز فصل بازپسین باب ٦ همین مجلد اسفار) . ٥

آغاز : بسمله . الحمدلله حمدالشاکرین وصلواته علی سیدالاولین والآخرین محمد وآله الطیبین الطاهرین . من کلام الشیخ الرئیس – انا من ای موضع جئنا الی هذا العالم اعلم انا من ذلك العالم جئنا الی هذا العالم .

انجام : و کالعلة فی المعلول و کالشیء فی التمام (تمت الرسالة) (١١٤٩/٥٦ گ ٣٤٣ الف و ب) . ١٠

٥٥- العروس یا الفردوس یا سلسلة الفلاسفه (ص ١١٢٧٨ ف و ص ٦٤ بازپسین سخن ف – ش ٨٩ م) .

آغاز : بسمله . کل شیء فی عالم الکون والفساد ممالم یکن فکان قبل الکون ممکن الوجود .

١٥ انجام : و اشرف الناس فی هذا العالم من کانت نفسه النطقیة عقلا بالفعل واشرف من کانت نفسه النطقیه عقلا بالفعل من القدسیة من له النفس القدسیة النبویة. تمت الرسالة (١١٤٩/٥٧ گ ٣٤٣ ب – ٣٤٤ الف) .

٥٦- النفس (ق ٧ ١٠-م ١٢٣) که پس از دیباچه مانندی در بارهٔ نفس در سه فصل است (العقل – الخیر – المعاد) در آن از اخلاق ارسطاطالیس و مقالهٔ سیرهٔ عقلیه برقلس ٢٠ و تفسیر یحیی نحوی برای سخن سقراط و سماع طبیعی و کون و فساد و دو حرف لام و الف صغری ازمابعدالطبیعة یاد شده است . بخشهای چهارگانهٔ این رساله بترتیب فصلهای ١٣ و ١٤ و ٢٤ و ٢٥ مقالهٔ یکم کناش نامبردار به « المعالجات البقراطیة » طبری . النفس الکلیة ، العقل ، الخیر والشر ، المعاد » میباشد (١)

---

١ – المعالجات البقراطیة از ابوالحسن احمد بن محمد بن یحیی طبری ترنجی، شاگرد ٢٥ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

افزوده وهمه را یکجانوشته وگویا دانسته یا نادانسته آنها را ازابوعلی ابن‌سینا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

٦ــ دردرمان بیماریهای دهان وگلواست تاگردن در ٥٨ باب .

٧ــ دردرمان بیماریهای پوست تن است در٦٠ باب .

٨ــ دردرمان بیماریهای سینه ودستگاه دم ودل است در ٣٨ باب . ٥

٩ــ دردرمان بیماریهای شکم است در٥٢ بابودارد«املاء ابی‌الحسن احمدبن محمدالطبری» .

درمقاله‌های٧و٨ دارد «املاء ابی‌الحسن‌احمدبن محمدالطبری‌الطبیب الترنجی لمیرر کن‌الدولة» (گ ٢٣٨ الف و٣١٧ ب ش ٥٢٥ مجلس) .

این ترنجی که درنسخه‌ها گوناگون و نادرست نوشته شده باید از همان ترجی ١٠ Turjy یا ترنجی یا ترنجه یا تراجی کلا باشد که شهرکی کهن و آبادان بود میان آمل وساری درطبرستان وازچهارده شهردارای «منبر» آنجا و نامش ازمیوهٔ ترنج گرفته شده واکنون دیهی‌است دربیشه ازبخشهای بابل در١٢فرسنگی جنوب‌خاوری آن (حدودالعالم ص ٨٥ چاپ تهرانی و ص ١٣٤ ترجمهٔ انگلیسی‌آن ازمینورسکی ــ احسن‌التقاسیم ص ٣٥٤ ــ معجم‌البلدان یاقوت ١: ٨٤٥ ــ اعلاق نفیسهٔ ابن رسته ص ١٥ ١٤٩ــ فرهنگ جغرافیائی) نسخه‌ای ازاین‌درطوس (٢٨٩:٢ش١١٨) هست ومقالهٔ ٧ درآن است وازپایان کم دارد . درمجلس سه نسخه‌ای هست یکی بشمارهٔ ٥٢٤ بتاریخ روز پنجشنبه ١٦ رمضان ٩٨٢ و دارای مقاله‌های ٤ تا ٦ و ٨ دیگری بشمارهٔ ٥٢٥ بتاریخ روز چهارشنبه ١٨ج ١٠٩٣/٢ درکرمان ودارای هرنه مقاله میباشد وپاره‌ای از دیباچه را درآغاز ندارد . یکی هم بشماره ٦٣٤/٢٩ که همان مقالهٔ نخستین است ٢٠ ودرقم رورچهارشنبه ١٠ ذی‌حجه ١٠٣٧ دربالاخانهٔ آستانه نوشته شده‌است (ص٢١٦ــ ٢٣٤) ودیباچه‌راهم‌نداردونام «کناش معروف‌بمعالجات بقراطیه‌للفیلسوف‌ابی‌الحسن احمدبن محمدالطبری» میباشد .

نسخهٔ شماره ٢٩٥ دانشکدهٔ پزشکی بتاریخ ١٢٩٥ است (فهرست آنجا ص ٤٤٥) و نسخهٔ شمارهٔ ٤٤٧٤ ملك بتاریخ ٨٨٦ میباشد . ٢٥

بروکلمن (٣٣٧:١ وپیوست ٤٢٢:١) از نسخه‌های هند وترکیه و لندن وآلمان وموصل یاد کرده است .

طبری در باب ٣١ (درمالیخولیا) از مقالهٔ٣از انواع مالیخولیا(نسخه ش٥٢٥

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

گرفته‌شده‌است . پس درصحت استناد بسیاری‌ازاینگونه رساله‌ها که‌ازابن‌سینا دانسته‌اندبایددرشك بود.

آغاز : بسمله . من کلام الشیخ‌الرئیس فی‌النفس . قال‌فی‌اثناء کتابه حدت (حد) الفلاسفة‌النفس بانها غاية (تمامية) جسم طبیعی آلی بالقوة یعنون حیاًبالقوة الی (وفی) هذا خلاف و سیاتی مشروحاً فی تفسیر کتاب‌النفس . ۵

انجام :فهذا معنی قولنا المعاد(ثم یجمع‌الله بین هذه‌الصور والمواد التی رجعت‌الی‌عناصرها) کمابدأهااول‌مرةوهو بکل‌خلق‌علیم(وعلی کل‌شیءقدیر)وانما ذکرنا منه یسیرالان‌الکلام فیه مع من لایعرف الربوبیة یصیر کالسمر والحدیث (وحسبناالله وحده ونعم‌المعین . تمت‌الفصول . والحمدلله کفاافضاله وصلواته علی سیدنا نبیه محمد وآله حسبی ونعم‌الحسیب) (۱۱۴۹/۵۸ گ ۳۴۴ ب - ۳۴۵ ب) ۱۰ (انجامی که درفهرست قنواتی یاد شده دوسطری کم دارد وانجام فهرست آقای دکترمهدوی ازفصل نخستین است باکمبود دوسه کلمه‌ای درپایان).

۵۷- الاجوبة عن‌المسائل الاثناوعشرون (ش ۹ م) درآن از کتاب‌المحبة افلاطون و کتاب فرفوریوس و کتاب‌النفس ثابت‌بن قره یاد شده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی‌خیرخلقه محمد وآله . ۱۵ منهاعلة وجودالانسان‌فی‌هذاالعالم (الجواب) ان‌طالب‌هذه‌العلة فی‌وجودالانسان و غیره من انواع‌الخلیقة فی‌الاعلی والاسفل هوالآن علیهما جمیعا شیء مشترك لهما وهووجودالباری .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

از ابراهیم‌بن بکس کمك خواست وبه شد پیش‌ازاینکه بیماریش سخت شود وبدستور ۲۰ او ببغداد آمد . او تهی‌دست نبود و همینکه از دیوانگی برست بمی وسماع بپرداخت تااینکه درگذشت .

درهمین‌باب (گ ۱۱۲)او یادمیکند از مالیخولیائیکه از عشق و شیدائی پیدا میشود و از ترك جماع با شدت شهوت که‌بهذیان وپرداختن‌بپردگیان‌وزنان دیگران میکشاند . ۲۵

۶۱- از البر الاثم (ش ۴۰ م - ق ۲۴۹) که شیخ در نجات (ف ۳۷ م ۲
الهی ص ۳۰۲) و شفا (ف ۱ م ۱۰ الهی) از آن یاد کرده است . اخلاق و فیض
الهی او هم گویا از همین کتاب بوده است . این هم گفته شود که عبارت «البر و الاثم»
ترجمه مانندیست از عنوان « فضائل ورذائل = «De virtutibus et vitiis»
ارسطو . ۵

آغاز : بسمله . و من ای الافعال هی تلك فمتوسطات الافعال فان الافعال
متی کانت متوسطة کسب الخلق المحمود و متی فعلت بعد حصول الخلق المحمود
حفظته علی حاله .

انجام : و اصناف الالحان و الاغانی تابعة للاشعار و اقسامها و عاملة فی
مواضعها تأثیرات ابلغ من اعمال الاشعار و تأثیراتها (تمت والحمدلله رب العالمین ۱۰
و صلی الله علی سیدنا محمد النبی و علی آله و اصحابه الطیبین الطاهرین)(۱۱۴۹/۶۳
گ ۳۶۰ الف - ۳۶۳ ب) .

۶۲- اخلاق (ص ۶۴۷ ف - ش ۱۳ م) که باید بخشی از البر و الاثم باشد
چه اینکه دیباچه‌ای ندارد و کتاب جداگانه‌ای را نمی‌ماند .

آغاز : بسمله . المعتنی بامر نفسه المحب لمعرفة الفضائل و کیفیة اقتنائها ۱۵
لتزکو بها نفسها و معرفة الرذائل و کیفیة توقیها لتتطهر عنها نفسه .

انجام . و کذلك اصحاب السیاسات الردیة و المتغلبون علی المدن یجعلون
اهلها اشراراً انما یعودونهم من افعال الشر (تمت هذا القدر . هو المقالة المعهودة
فی الاخلاق. تم)(۱۱۴۹/۶۴ گ ۳۶۳ ب - ۳۶۴ ب) (انجام این نسخه مانند
نسخهٔ ۳۳۴۷ احمد۳ و ۱۵۸۹ کوپرولی و ۱۸۶ یلدیز خصوصی و ۱۴۵۸ اونیورسیته ۲۰
شناخته شدهٔ در ش ۲۴۶ ق میباشد و در نسخه‌های دیگر مانند نسخهٔ ۱۰۷۴/۱۶
و ۱۰۷۹/۲۲ ما و چاپی بند نخستین البر و الاثم با اخلاق آمیخته شده و در دنبال
آمده است در فهرست آقای دکتر مهدوی هم انجام اخلاق مانند چاپی و جزانجام
نسخهٔ ما است) .

انجام : هوطالب ای طالب الکل الی النیل منه بحسبه . هوغالب ای مقتدر علی اعدام العدم و سلب الماهیات علی ما یستحقها بنفسها من البطلان و کل شیء هالك الا وجهه (تم) (۱۱۴۹/۶۷ گ ۳۶۹ الف - ۳۷۲ ب) .

۶۶- رسالة فی الزاویه الی ابی سهل المسیحی (ش ۸۰ م-۱۶۰ ق) .

آغاز : جری بیننا فیما کنت استفیده من الشیخ اطال الله بقاءه فی تحقیق مبادی الهندسة کلام فی الزوایة فاحببت ان انظم منثوره و اجمع متشدیه فی رسالة الیه ملتمسا منه نقدها و تقویمها و قسمتها فصولا ثلثة (الفصل الاول) فی تعدید اقاویل الناس فی الزاویة (الفصل الثانی) فی تأمل (مذهب) مذهب من مذاهبهم فیها و ابانة الرای الحق فیها (الفصل الثالث) فی ان الاصوب ان یقال ان الزاویة تتحدد بحدین بالفعل و انها یحیط بها من جهة ماهی زاویة خطان او سطحان و ان کان الخط المحیط بالزاویة واحدا من وجه فلان تلك الوحدة لیست هی الوحدة التی بها یقال للمقادیر واحدة علی الاطلاق و ان الاتصال الذی یحدی(؟) الزاویة لیس هو الاتصال الحقیقی الذی هو به یصیر المقادیر واحدة بالفعل (الفصل الاول) فی تعدید اقاویل الناس فی الزاویة . الاقاویل الواصلة الینا فی امر الزاویة خمسة : قول من قال ان الزاویة من الکیف .

انجام : والذی بقی مما ینبغی ان یقال فی الزاویة اضعاف مضاعفة لهذا (تمت رسالة الزاویة) (۱۱۴۹/۶۸ گ ۳۷۳ الف - ۳۷۶ ب) .

۶۷- تحصیل السعادة یا الحجج العشرة (ص ۲۲۵ ف - ش ۴۳ م) و باید همان التحفه باشد که در رسالهٔ عشق ابن سینا و مباحث مشرقی رازی یاد گشته است .

آغاز : بسمله . لو طرق للعاقل الی صرف المعروف عن المعارف خصوصا اذا کان المعروف اهل عصمة یتمسك بها من سعد بالحیوة والمصروف به عنه عن المعارف اولی من یخلص له الغبطة لطویت العزم و قصرت الهمة عما احاوله .

انجام : اقول قولی هذا و اسأل الله ان یرشدك لما ارتجیه فیك بفضله واحسانه و لی ذلك (تمت الرسالة. الحمدلله و منه. تم.)(۱۱۴۹/۶۹ گ ۳۷۶ ب - ۳۸۱ ب) .

٦٨- النیروزیه (ص ١٤١ و ١٤٧ و ٣٩٦ ف - ش ١٢٧ م) که چاپهائی از آن در وذکری ابن سیناء از اهوانی درمصر بسال ١٩٥٢ و نوادر المخطوطات (مجموعه ۵ رساله ۲ ص ٣٠-٤٤) چاپ خانجی درمصر سال ١٣٧٣/١٩٥٤ دیده‌ام .

آغاز : بسمله کل ینزع به همه الی خدمة نیروز مولانا الشیخ الامیر السید ابی بکر بن (در چاپ نوادر «بن» ندارد) محمد بن عبدالله ادام الله عزه بتحفة تجود بها ذات یده .

انجام : وجعلنی ممن یوفق لقضاء ایادیه به ه وسعة رحمته (تمت الرسالة النوروزیة . والحمدلله رب العالمین تم .) (١١٤٩/٧٠ گ ٣٨١ ب ٣٨٣ الف) .

٦٩- رسالة فی وجود العدل فی المخلوقات یا رسالة فی الارزاق که گویا بدرخواست ابوسعید ابی الخیر نوشته است (ش ٢٣ م - ٢٤٨ ق)

آغاز : بسمله . الحمدلله ونعوذ بالله من علم سلمنا الی الجهل بعد له والجحود بفضله .

انجام : فی کل ذلک من المنافع مایطول القول باحراجه حتی لا یوجد فی العالم شیء باطل (تمت الرسالة) (١١٤٩/٧١ گ ٣٨٣ الف ٣٨٤ الف)

٧٠- اثبات النبوة (ص ١١٢ ف و ٦٤ [illegible] ش ٣ م)

آغاز : بسمله [illegible] اسعدك الله [illegible] فی ازالة الشکوك المعاندة [illegible] فی [illegible] النبوة

انجام : [illegible] وبه الحمد والمنة (١١٤٩/٧٢ گ ٣٨٤ [illegible] ٣٨٦ [illegible])

٧١- مقالة فی [illegible] الصور [illegible] فی [illegible] للنفس [illegible] بعدالموت (ش ٣٠ م - ٨١ ق)

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین [illegible] وصلواته علی محمد وآله [illegible] ادام الله علوه وهو انفساخ الصور [illegible] فی [illegible] (س) [illegible] بعد الموت .

انجام : هذا ماحضرنی ادام‌الله علی سیدنا‌الاستاد ومتعنا بطول بقائه ومن تفضله علی عبده ان یبسط عذره‌فی‌هذا‌الاسترسـال و یسد خلله و یصلح فاسده . الحمدلله رب‌العالمین (١١٤٩/٧٣ گ ٣٨٦ ب – ٣٨٧ ب) .

٧٢– الاضحویه (ص ١٤٧ ف – ش ٣٠ م) کـه غزالـی درتهافت ازآن آورده وازابن سینا نـکوهش نموده است . ٥

آغاز : بسمله . افاض‌الله علی روح‌الشیخ‌فی‌الدارین ابواب‌الحکمة وطهر نفسه عن ادناس‌الطبیعة .

انجام : واما‌الرموز‌والالغاز‌الواردة‌لاعلی‌سبیل‌مذهب من‌ذهب الیه‌القائل فاکثرمن تحصی ولثابت (بن قرة مذهب عجیب . . . ولنسأل‌الشیخ‌الامین ملاحظة بعین‌الرضاواصلاح ماوقعت فیه‌الزلة منعما انشاءالله تعالی) (١١٤٩/٧٤ گ ٣٨٧– ٣٩٥ ب) . ١٠

٧٣– الرسالة‌العشقیة (ص ٤٧٥ ف – ش ٩٠ م – ٢٣٠ ق) که دراستانبول بسال ١٩٥٣ هم بچاپ رسید .

آغاز : بسمله . سألت اسعدك‌الله یا (ابا) عبدالله‌الفقیه‌المعصومی ان اجمع لك رسالة یتضمن ایضاح‌القول فی‌العشق علی سبیل‌الاختصار‌والایجاز (فاجبتك) لازلت طالبـا للخیرات توخیـا لمرضاتك و قضاء لوازمك وجعلت رسالتی الیك مضمنة فصولا سبعة . ١٥

انجام . واذا بلغنا هذا‌المبلغ فلنختم‌الرسـالة والحمدلله واهب‌القوة علی حمده حمداً کما هواهله وصلوته علی نبیه محمد وآله (١١٤٩/٧٦ گ ٣٩٦ ب – ٤٠٠ ب) . ٢٠

٧٤– رسالة فی‌الانتفاء عمانسب الیه من معارضة‌القرآن (ش ٣٤ م – ٢٠٤ و٢٥٧ ق) که دررسائل ابن‌سینا (٢) دراستانبول بسال ١٩٥٣ بچاپ رسید . شیخ دراینجا روی سخن بشیخ فقیه ابوعبید جوزجـانی که میخواست با او بسپاهان برود دارد ودرپاسخ نامهٔ او از دشمنان خویش که ازآنها بنام « حمقی همدان »

یاد میکند واز کسیکه بسیار با او ستیزه کرد مینالد و میگوید که دیگران اورا براین گستاخی برانگیخته‌اند (گویا این کار هم درهمدان شده بود) او دراینجا ازخطبه‌های خود که درخدا وپیامبرشناسی ساخته ودرآنها ازصابئیان ومجوس ونصارا وجبریان و کسانیکه قدررا نمی‌پذیرند خرده گرفته است وگویا همینها بود که دستاویز همان دشمنان در کافر و معارض قرآن خواندن او شده بود یاد میکند و میگوید که نسخه‌های آنها از میان رفت ولی برخی از شاگردان نسخه‌ای از آنهادارند وشایسته‌است نسخهٔ آنها را برای برند تا بزرگان آنجابدانها بنگرند وبدانند که با خردودین‌ناساز گار نیست بار میگوید که این‌دشمنان چون این خطبه‌ها را بدیدند گفته‌اند که سجع فراوان در آنها هست ولی معانی آنها پاکیزه است ونمیتوان از آنهاخرده گرفت مگراینکه با چیزهای دیگری از آن چیزها که یکی از بیخردترین آنها ساخته و در آن برخی از صابئیان و ترسایان ساخته‌است بیامیخت و باو بست تا مایهٔ رسوائی‌او گردد چنین‌هم کردند و پاره از این خطبه‌های ساختگی را درهمدان من بدیدم و بسیار زشت و ناپسند یافتم [illegible] آن بیخردترین مرد را هم من [illegible] نامم را [illegible] و بیالایم [illegible] از این گونه خطبه‌ها بسیار دارد [illegible] دشمنان او داده [illegible] این گفتار را [illegible]

[illegible] الیه روح الله رمسه

[illegible] وسل خطاب [illegible] فیه من خمر سلامته [illegible]

[illegible] رب العالمین (۱۱۴۹/۷۷ گ

[illegible]

[۲۱۳۵]

۱۱۴۷ این نسخه ش ٦ دفتر است ورسالهٔ طیر است وبنسخ مانند شماره‌های دیگر وساده ودرشت‌تر از ش ٥ وحاشیه‌های لغوی هم دارد .

[۲۲۱۲-۲۱۳٦]

۱۱۴۹ این نسخه‌های هفتادوهفت گانه همه بخط تعلیق ترکی است باعنوانهای شنگرف در برخی جاهاو تاریخ ندارد بجزش ۷۷ که آقای مشکوة درشب ۱۰ج ۱۳۷٤/۱ بخط خود بنسخ نوشته‌اند . خط درهمهٔ شماره‌های کهن یکنواخت و گاهی هم مغلوط است وعنوانها گاهی شنگرف و برخی جاها هم عنوانها سفید گذارده شده‌است . نشانه‌ها هم شنگرف است . خط سه ش ۱۸ و۳۵و۳٦ که رساله‌های دوانی است ودرص ۲۲۴۰ یاد شده تازه‌ترمیباشد . همچنین ش۱(سر گذشت) که بهمین خط تازه آن سه شماره‌است . درفهرست آغاز نسخه (۱ب) که آنهم بخط دیگریست همه رساله‌های ابن سینا که‌در نسخه هست شمارش نشده وازرساله‌های دوانی نیز یاد نگردیده .

در گ ۳ الف بنستعلیق درشت دارد :

« انتقل هذه‌الرسایل الشریفة الی ملك احوج‌الله‌الصمد مصطفی بن عبدالله بن الیاس بن شیخ محمد عفی‌عنهم الملك‌المنان الاحد فی تاریخ سنة اثنی وستین وسبعمائة من‌الهجرة‌النبویة ۹٦۲» پهلوی آن بهمان خط دارد :

« هیهات لم یأت‌الزمان بمثله　　　ان‌الزمـان بمثله لبخیل »

زیر آن خط نستعلیق خلیفه سلطان دانشمند وزیر(۱۰۰۱-۱۰٦٤) دیده میشود بدینگونه . « من عواری‌الزمان فی ید غریق بحرالعصیان خلیفه سلطان غفرله‌الملك المنان فی شهرذیقعدة‌الحرام سنة احدی و اربعین بعدالالف » آنگاه باهمینگونه خط دارد : « من بدایع‌الخدایع الحدثانی و روایع‌الودایع الزمانی وصول هذاالکتاب الینا واناالفقیر (محمد طاهر بن محمد . . . حسین‌الطبیب‌التفرشی الجورقانی‌الافطسی) فی شهر رمضان‌المبارك ۱۱۳۵ ــ لااله الاالله الملك‌الحق‌المبین عبده محمد طاهر » (عبارتهائیکه نخستین بارمیان دو کمانه گذارده‌ام در نسخه پاك کرده‌اند و برنجی‌خوانده میشود و درست هم روشن نیست عبارت اخیر سجع مهریست که دربر گ ٤۰۰ ب هم دیده میشود زیر «صح») باز باخط نستعلیق شکستهٔ روشنی دارد : « هو . الملك لله العلی . حرره‌الآثم الجانی محمدابراهیم‌القزوینی فی ۲ ذی‌القعده سنة ۱۲٤٥» با مهر «تلك حجتنا آتیناها ابراهیم » .

مهر «عبده محمد علی‌الموسوی» هم دراینجا ودر گ ۱ ب و۲ الف و٤۰۰ ب

دیده میشود پس این نسخه در ۹٦۲ دردست مصطفی بن عبدالله ودر ۱۰٤۱ نزد خلیفه سلطان ودر ۱۱۳۵ ازآن محمد طاهر پزشك تفرشی و در ۲ ذیقعدهٔ ۱۲٤۵ از محمد ابراهیم قزوینی بوده است .

همهٔ دفتر ۳۰۱ گ . — کاغذ سمرقندی کلفت — جلد تیماج تریاکی ضربی مقوائی

اندازه : ۲۱ · ۳۱ — ۱۳ ۲۳ س ۳۱

[۲۲۱۳–۲۲۱٦]

۱۱٦٤ این نسخه‌ها تفسیر سوره‌های اعلی و توحید و فلق و ناس است از ابن‌سینا وشماره‌های ٤ تا ۷ دفتراست و نیمانکه به خط شمارهٔ ۳ میباشد . پس‌ازاینها در گ ۸۱ الف و ب دو خبر است از علی و پیامبر و سه پاره گذارده شده و برگهای ۸۲ تا ۸۵ سفید است .

آشنائی با چند نسخهٔ دیگر و یادداشتهایی چند

[۲۲۱۸]

۱۲۱۷ این نسخه بنستعلیق است وعنوانها شنگرف وخط برخی ازبرگها درآغاز وانجام تازه‌تر است . دربرگ ۱ ب شعرهاییست از میرزالطفعلی درسنندج درستایش‌ازاروسی تالارامان‌الله خان‌والی کردستان. در۲ الف شعرهاییست‌ازآقامحمد عصار درکتاب مهر و مشتری . در ۲ ب پیش‌بینی‌های شیخ احمد برای‌سالهای ۱۲۲۱ ۵
و۱۲۲٤و۱۲۲۵ است ونوشته‌است که همین راکسی درمسجد جامع بمیرزامحمدمهدی قاضی و میرزامحمد یوسف شیخ‌الاسلام و بنویسنده این بند (دارای مهر : اللهم صل علی محمد وآل محمد) داد که مردم‌را آگاه سازند تابترسند ودست ازگناه بشویند . دربالای برگ ۳ ب شعرهاییست ازمهدی‌بیك شقاقی.در ۲۳۱ الف شعریست ازدرویش کوثر . کتاب : ۳ ب ـ ۲۳۱ الف . ۱۰

(۲۳۱گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوالی
اندازه : ۱۹×۴۰ و ۱۳×۲۲ س ۴۴

[۱۹۰۰] بغیة الطالب فی معرفة الضمیر المطلوب (عربی) والغالب والمغلوب

این دفتر در صفحهٔ عنوان نسخهٔ ما ازابامعشر فلکی دانسته شده ودرپیشگوئی ۱۵
ستاره شماران است ازروی دوازده برج .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خلق الانسان من سلالة من طین . . . احسن الخالقین. القول علی البرج الاول وهو برج الحمل والمریخ ناری وله من اشکال الرمل الجودلة قال الحکیم ابشری ایها السائلة بشکل سعید ورزق جدید وعمر مزید مدید .

انجام : مع الزوج فیروح دم النجاسة و یأتی دم النفاس ولا یأتی الاخیر . ۲۰

[۲۲۱۹]

۱۲۲۲ این نسخه بسخ تازه و عنوانهای « قال الحکیم » و جزآن شنگرف میباشد ودرجدول سرخ است . گ ۲۰ ب ـ ۷۹ الف . در ۲ الف قرعهٔ رمل جعفر صادق ع است . در ۲ ب ـ ۱۸ الف پاره‌ای از کتابی است و در رمل باید باشد .

(۷۹گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوالی فرسوده ۲۵
اندازه : ۱۵/۵×۲۰ و ۱۰/۵×۱۷ س ۱۵

غازان خان را در دو جلد در سه سال بتنهائی نگاشته و خود در ۹۹۶ بمرد و پس از او آصف خان میرزا اقوام الدین جعفر بیك (پسر میرزا بدیع الزمان قزوینی وزیر کاشان در زمان تهماسب صفوی) که در ۹۸۵ بهند رفته و بدربار اکبر راه یافته و لقب آصف خان گرفته و در برهانپور بسال ۱۰۲۱ در گذشته است تا ۹۹۷ پس از مرگ پیامبر را نوشته است. پس از این بدائونی دستور گرفته بود که در این دفتر دو باره بنگرد و او در یکسال بدو جلد نخستین نگریست و سومی را بهمین آصف خان واگذار نموده است. در نسخه های آن هیچ نشانی از جلدهای سه گانهٔ آن نیست این هم گفته شود که همین تتوی که بیشتر این دفتر را بپرداخت از آن گزین ساخته احسن القصص و دافع الغصص (۱) نوشته است. ستوری در فهرست خود (ص ۱۱۹ – ۱۲۱ و ۱۲٤۰) سرگذشت تتوی را آورده و نسخه‌های تاریخ الفی را نشان داده است (۲) شیخ ابوالفضل علامی فرزند مبارك بن خضر یمنی هندی (آگره ٦ محرم ۹٤۸ – کشتهٔ در ٤ ع ۱۰۱۱/۱) دیباچه‌ای برای این تاریخ الفی نوشته بود که در نسخه‌ها دیده نمیشود (ستوری ص ٥٤۱ – نامهٔ دانشوران ٥:۱۳۳–۱٥۹).

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

الحیوان فی تاریخ احوال الحکماء الاعیان و خلاصة الحیاة ودر اینجا دارد که آنرا بدستور وزیر حکیم ابی الفتح بن عبدالرزاق گیلانی پزشك اکبر نوشته است. – ص ۱۱۱۰ ستوری بنام خلاصة الحیاة – او سرگذشت و سخنان فیلسوفان را میخواست در این دفتر بیاورد و گویا هم نتوانست بانجام رساند.

۱ – بنگرید به: ذریعه ۱:۲۸۸ – طوس ۳:۷۳ ش ۱ نسخهٔ نوشته محمد کاظم بن محمد امین سرابی آذربایگانی در ۱۲۹۸ از روی نسخهٔ نوشتهٔ احمد بن ابی الفتح بن ابی جعفر الشریف الحائری الاصفهانی در ۱۲٤۸ که ستوری (ص ۱۲۱) بپیروی از فهرست طوس آنرا نگارش همین اصفهانی پنداشته است.

۲ – بنگرید به: مجلس ۲: ۱۲٥ ش ۲۲۲ از سال یکم مرگ پیامبر تا ٥۰۰ و ش ۲۲۳ از ٦۸۷ تا ۹۳٦ – ذریعه ۲:۲۹٤ – طوس ۳:۷٤ ش ٦ از سال ۱ تا ٥۰۰ و ش ۷ از سال ٥۰۱ تا ۹۸٤ (۹۹٤ هـ) – فهرست آقای منزوی ۲:٥۲۰ ش ۲۲۱ از سال یکم مرگ پیامبر تا ۳۹۹ هجری. – فهرست ریو ص ۱۱۷ – نسخهٔ دانشکدهٔ معقول و منقول از سال ۱ تا ۹۸٤ است و در دو جلد – فهرست کتابخانهٔ دانشگاه بمبئی از سرفراز ص ۱۷۲.

[٢٢٢١]

١٢٣٠ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد .
آغاز : درقالبی مثل این قالب درمی‌آورد پس میخورند ومینوشند (دنبالهٔ شمارهٔ پیش دربارهٔ سال ٢٦) .
انجام : ذکر وقایع سال چهل و یکم ازرحلت ... و وظیفه آنکه بقول جمعی سفها که طالب فتنه‌اند عمل ننمایند والسلام‌امام حسین علیه‌السلام درجواب نوشت . ٥

(٣٤٤گ) ـ همان‌کاغذ وجلد
اندازه : ١٩/٥×٢٥ و ١١×١٧ س ١١

[٢٢٢٢]

١٢٣١ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد.درون جلد داردکه آغاز این جلد دنبالهٔ سرگذشت معاویه است وصحاف جابجا کرده و باید بجلد رحلت تا ٣٩ پیوست شود وسپس تاسال ٧٧ را ندارد واز ٧٨ دارد تاپایان خلافت هرون ـ تابرگ ٢٠ نیمهٔ بالائی صفحه‌ها بریده شده وکاغذ تازه چسبانده‌اند . ١٠
آغاز : و خصومت افتد تا او فارغ‌البال باشد مروان گفت والله یاسعید که تو بهتری ازمن پس مروان ارسعید عذرخواسته بارگشت (سال ٤٣) . ١٥
انجام : و علی‌بن عیسی راکه قبل‌از این بمدتی مدید از ایالت دیار خراسان عزل شده باز بامارت آن دیار نصب فرمود و ازآنجا بازبجانب بغداد مراجعت نمود وچون (سرگذشت رشید) .

(٣٢٠گ) ـ همان‌کاغذ وجلد
اندازه : ١٩/٥×٢٥ و ١١×١٧ س ١١ ٢٠

[٢٢٢٣]

١٢٣٢ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد .
آغاز : وبرای اواستمالت‌نامهٔ فرستد واورا بموقف خلافت طلب دارد باین عنوان‌که باو نویسد که ای برادر بوجود توجهت تمشیت مهمات خلافت و انتظام امور مملکت ... احتیاج تمام است (داستان امین ومأمون) . ٢٥
انجام : ذکر سلطنت منصوربن نوح‌بن نصربن احمد سامانی . . والبتکین درغزنین مستقل گشت ودرمحرم اینسال (سال ٣٤٠ مرگ پیامبر) .

(٣٦٤گ) ـ همان‌کاغذ وجلد
اندازه ١٩/٥×٢٤ و ١١×١٨ س ١١

پادشاه ایران امیراحمد برلاس را بفارس دوگزین و امیر فرمان شیخ را بیزد وامیرحاجی یساولرا بابرقوه واسکندر رکابدار را بقم تعیین نمود . . . و پسران امیر علی شکر با او نیز بیوفائی کرده درهمدان او را بقتل آوردند وامیرزاده حسین علی (بجهت تقدیم کتابخانهٔ حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای ... (پاك شده) روحی فداه بیداقل چاکران عباس بن ابوالحسن منشی باشی علی آبادی سمت تحریر یافت فی شهر شعبان سنهٔ ۱۳۱۳) .

(۲۲۳۲ق) ـــ همانگونه کاغذ وجلد
اندازه : ۲۲×۳۰ و ۲۲×۱۴/۵ س ۱۵

[۱۹۰۷] تذکرة اولی والجامع للعجب العجاب (عربی)

اینلفتر را شیخ داود انطاکی (م ۱۰۰۵) در یك مقدمه و چهار باب ویك خاتمه نگاشته وآن دوبار درمصر بسال ۱۳۰۸ و ۱۳۲٤ بچاپ رسیده است (ص ۸۱۸ همین فهرست) .

آغاز : بسمله . رب یسرواتمم بخیر. سبحانك یامبدع موادالکائنات بلامثال سبق ومخترع صورالموجودات فی اکمل نظام ونسق .

انجام : وان قربت فربانا من حیواناته فتح منح (۲ : ۱۳۹ چاپ نخستین و۲:۱٤۳ چاپ دوم سپس دارد :) بزدرة علم باحوال مایطیرمن الحیوان المقصود اصالة . . فهذاجماع بماتدعوالحاجةالیه من هذه الصناعة وماعداه فتطویل بلافائدة والله سبحانه وتعالی هوالمان بالتوفیق والعنایة ـ هذا آخرماوجد من نسخة المصنف نقلا عن النسخة المنقولة منها ... ووافق الفراغ من نسخ هذا الجزء فی یوم الجمعة المبارك سادس جمادی الاولی من شهور سنة ستین بعدالالف ... وذلك علی ید ... صالح بن ابراهیم النوسی المکنی بابی کافی غفرالله له ... آمین (این بند که در چاپی نیست درباره بزدره ومرغداری است در یك مقدمه وسه مبحث ویك خاتمه و بسیار سودمنداست) .

[۲۲۲٦]

۱۲۲۳ این نسخه ش ۱ دفترو بنسخ است و با عنوانهای شنگرف میباشد و مصطفی کبری زاده آنرا خوانده است . گ ۱ ب ـــ ۳۹۹ الف .

(همهٔ دفتر ۳٤۰۳ق) ـــ کاغذ سمرقندی ـــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۲۱×۲۹/۵ و ۱۲/۵×۲۲ س ۲۵

[۲۲۲۸]

۱۲۲۵ این نسخهٔ بیاضی بخط نستعلیق آقا محمد بیدآبادی است (صفحهٔ عنوان) وروی شماره گذاری پیشین باید ۵۹ برگ باشد. از برگ ۳٦ تا پایان، این بیاض بعکس نیمهٔ نخستین نوشته شده است .

۵ (۵٦گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ساده

اندازه : ۱۳/۵×۲٦ و ۱۲×۲۲ س ۲۱

[۱۹۱۰] **خلاصة البیان** (فارسی)

این نامه در یك مقدمه وسه باب ویك خاتمه است ودربارهٔ اطعمه واشربه بروش شیعی .

۱۰ **آغاز** : بسمله ثنا وشکر بی‌انتها رزاقی را که از برای روزی خواران طعمهٔ طیبهٔ کلوا من الطیبات مارزقنا کم واشکروله آماده ومهیا ساخت .

انجام . و بعداز فراغ از طعام مستحب است که بگویند الحمدلله الذی اطعمنا و سقانا و کفانا وایدنا وانعم علینا والحمدلله رب العالمین و برین ختم شد بعون الله وحسن توفیقه وصلی الله علی محمد وآله اجمعین الهم ارزقنا من الطیبات ۱۵ واجعلها وسیلة للطاعات و ذریعة لاستجابة الدعوات انك رفیع الدرجات و قاضی الحاجات .

[۲۲۲۹]

۱۲۱۹ این نسخه ش ٤ دفتراست وبخط نستعلیق وباید در۱۲۰۳ نوشته شده باشد . درحاشیهٔ آن پراکنده‌هاایست گ۱٤۸ الف ـ ۱۵۰ الف . در ۱۵۰ الف ـ ۲۰ ۱۵۵ب هم مطلبهای پراکنده‌ایست بهمین خط و بتاریخ ۱۲۰٤ وهمهٔ شماره‌های ایندفتر باید بقلمهای گوناگون یك نویسنده باشد .

[۱۹۱۱] **ترجمهٔ نهایه** (فارسی)

ایندفتر همانستکه در ص ۱۸۲۸ همین فهرست شناخته‌ایم واین نسخهٔ دوم ما هشتمین نسخه‌ایست که من از آنها آگاهم .

منصور الشیرازی. و السید السند المدقق و صدر المدققین، اشارة الی الاستاد النحریر لمدقق صدر الدین محمد الشیرازی. و بعض الفضلاء تلویح الی الموالی الفاضل خواجه جمال الدین محمود الشیرازی و قد قیل، رمز الی الفاضل الشارح مولانا عصام الدین براهیم الاسفرائینی. و بعض الافاضل، الی السید الفاضل المدقق الامیر ابو البقاء السمرقندی. و الفاضل التونی، الی المولی الفاضل مولانا معین الدین التونی. و الفاضل ۵
الخوافی الی المولی حسام الدین داود المحشی شکر الله سعیهم ـ منه ».

آغاز: بسمله. اما بعد حمد الله مفیض الصور العلمیة و الصلوة علی خیر البریة و آله و صحبه العلیة فیقول ... محمد بن حسین الشهیر بفخر الدین الحسینی ان حاشیة التهذیب لمحقق المعانی و مشید المبانی المحقق الدوانی محتویة علی تحقیقات رائقة و تدقیقات فائقة لکن لغایة الایجاز و نهایة الالغاز اردت هتك الاستار ... مع الاشارة ۱۰
الی ما افاده السید السند الاستاد العلامة احسن الله اکرامه و نبذ مما سنح لی فی المباحث المعضلة.

انجام. قوله: و کذا الحال فی کل کلی لا یختلف فیه الکثرة و غیر محسوس بل معقول صرف لا انه موجود لظهور ان ما لا فرد له فی الخارج غیر موجود فیه.
قوله: فالوجود واحد قد مر ما فیه فلا نغفل (تم فی یوم الجمعة غرة شهر ذی القعدة ۱۵
من شهور سنة تسع و الف من الهجرة محرره الفقیر الی الله الولی امین الدین محمد بن شهاب الدین علی غفرت ذنوبهما بمحمد و آله) (گ ۳ ب ـ ۸۷ ب).

۲ ـ حاشیه‌ایست از ملا نجم الدین عبدالله بن شهاب الدین حسین یزدی شهابادی (م ۹۸۱) بر مبحث موضوع علم همان حاشیهٔ دوانی (طوس ۲۶۰۱ منطق ش ۸۵ تاریخ ۹۷۱) و جز حاشیه‌هایست از همین یزدی که در همانجا بشماره‌های ۴۶ و ۴۷ ۲۰
(۱۵:۱ منطق) یاد شده است (ذریعه ۶۰۰۶).

آغاز: بسمله. و به نستعین فی التتمیم. بعد الحمد لله و الصلوة علی عباده الذی اصطفی فهذه کلمات منتشرة و متفرقات منشرة متعلقة بتحقیق مبحث الموضوع من حاشیة منطق التهذیب التی علقها الاستاد المحقق و النحریر المدقق العالم الربانی

والدین الاصفهانی خصه الله بمزید الرحمة والافضال . اقول الفصل الثانی فی الاقوال الشارحة .

انجام : (قوله) و معرف المعرف کذلك قال السید السند س ... لا یقتضی الا صدقه علیه من حیث انه معرف و معرف المعرف ایضاً یصدق علیه بهذا الاعتبار اللهم ارنا حقائق الاشیاء کما هی ولا تؤاخذنا بما کنا فیه الساهی . تم . تم . (۱۱۵ ب – ۱۲۸ ب) .　　۵

۵– رساله در علم حصولی و در فهرست آغاز دارد « حاشیة فی تحقیق العلم الذی قسموه الی التصور والتصدیق » و چنانکه در حاشیه‌های « منه » نسخهٔ ما آمده روی سخن با قطب رازی در شرح مطالع و محقق شریف در حاشیهٔ آن و فاضل اصفهانی در دو شرح طوالع و تجرید و قوشچی در شرح تجرید و فاضل مولانا معین الدین تونی (رحمه الله) و ابن سینا در اشارات و قاضی بیضاوی در طوالع و فاضل محقق مولانا جلال الملة والدین محمد دوانی در شرح تهذیب میباشد .　　۱۰

آغاز : بسمله . اعلم ان العلم الذی قسموه الی التصور والتصدیق عرفه بعضهم بالصورة الحاصلة من الشیء عند الذات المجردة یقال للاشیاء فی الخارج اعیان و فی العقل صور وقیل هذا اولی من قولهم حصول صورة الشیء فی العقل لما فیه من المسامحة .　　۱۵

انجام : ومطلق التصور متقدم بالطبع علی مطلق التصدیق وان لم یکن ماهو قسم من الحصولی فی الواقع مقدما کذلك علیه (تمت) (۱۲۹ ب –۱۳۲ ب) .

[۲۲۳۱ – ۲۲۳۵]

۱۲۲۴ این نسخه‌ها شماره‌های ۱ تا ۵ دفتر است و همه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف و با حاشیه‌های « منه » در برخی جاها و همه بخط امین الدین محمد بن شهاب الدین علی و نوشتهٔ سال ۱۰۰۹ باید باشد. فهرست رساله‌ها در ۲ الف هست . و خط دارندهٔ آن محمد در همینجا بتاریخ ۱۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۱۷ دیده میشود و نیز دارد « جلد تیماج سیاه مقوادار استر جلد کاغذ آب رنگ کوچك قطع حجیم بخط نستعلیق » در ۱۲۳ نندیست از شرح آداب البحث قاضی کمال الدین امیر حسین در بارهٔ تعریف .　　۲۰　　۲۵

(همهٔ دفتر ۱۳۵ گ) – کاغذ سمرقندی – جلد تیماج مشکی له آن سرخ ومقوائی

اندازه ، ۹٫۶×۱۶ و ۵ ۱۱ س ۲۱

[۱۹۱۷] روضة الصائمين (عربی)

علامهٔ حلی متنی فتوائی کوچك و کوتاه بنام تبصرة المتعلمين فی احكام الدين درهمهٔ بابهای فقه برای نوآموزان نگاشته که آنرا نزدش میخواندند و او درخلاصه در ع۲/۶۹۳ از آن یاد کرده است .

۵ دانشمندان شیعی برای آن چندین حاشیه و تعلیقه و تکمله و شرح نوشته‌اند (ذریعه ۳: ۳۲۱ ۶: ۳۱)

این گزارش آمیخته و استدلالی از محمد بن عاشور کرمانشاهی است بر کتاب صوم آن که در شب سه‌شنبه هشتم رمضان ۱۲۱۲ آنرا بپایان رسانده است .

آغاز : بسمله . وبه نستعين الحمدلله الذی احتجب بذاته عن البصائر والابصار

۱۰ وظهر للعقول باظهار الآثار ... وبعد . محمد بن عاشور الکرمانشاهی هذا ما عزمت علی تعليقه علی کتاب الصوم من کتب تبصرة المتعلمين فی احكام الدين تأليف ... آية الله فی العالمين الحسن بن يوسف بن المطهر الحلی ... وجعلته من اجزاء المغتنم من ذخائری فی الفقه

انجام : الراجی ... المعجز عن العدة ... الاعمال ... المسمط . قد جف

۱۵ القلم ... روضة الصائمين من شرح تبصرة المتعلمين فی وقت السحر ليلة الاحد ثامن ... المبارك من سنة الثانی عشر بعد مائتين بعد الالف من الهجرة ...
[illegible] ... الاعمال عفی الله عن جرائمهما بالنبی والائمة ...

[۱۲۱۲]

۲۰ ... [illegible] ... را هم دارد
... [illegible] ... وزیرخط
... ۹۹ ...
... ۲۱۳۹۰۰ ...
... ۱۸ ... ۱۶ ... ۹ ... ۳۱ ... ۹۶ ...

[۱۹۱۸] **شرح الزبدة** (عربی)

مولی حسام الدین محمد صالح بن احمد مازندرانی (م ۱۰۸۱) بر زبدهٔ شیخ بهائی (ص ۱۷۰۱ همین فهرست) این گزارش آمیختهٔ با متن را نگاشته (کنتوری ص ۳۳۶ – سپهسالار ۱: ۵۸۳) وشمارهٔ بیتهای آن نزدیك به ۱۳۰۰۰ میباشد و یکی از بهترین گزارشهای زبده است .   ۵

آغاز : (هذا کتاب شرح الزبدة للمولی محمد صالح المازندرانی ره) بسمله . الحمد لمن (هو) اصول نعمائه ظاهرة و فروع آلائه باهرة فارانی الی السکر سبیلا والشکر لمن نزهه تنزیها جمیع الموجودات و قدسه تقدیسا جمیع المخلوقات فاسبحه واقدسه بکرة و اصیلا ... امابعد فان النفقه فی الدین امر لا بد منه للانسان علی الیقین ... وهو ... یحتاج الی الاصول الذی هو باحث عن ادلته . . .   ۱۰ وقد صنفت فیه مطولات ودونت فیه مختصرات فلما نظرت الیها فاذا انا باصل وجدته علجوما متکثرة فیه اثمار المسائل مستحکمة اغصانه باوتاد الدلائل ورأیته علکوما ثوی بمنازل التحقیق علیه اثاث الافکار مشدودة علیه احماله باحبال الانظار . . . للعلامة ... بهاء الملة والدین .. فاحببت ان اشرح شرحا یبین به معضلاته وتنحل به مشکلاته .   ۱۵

انجام : (وما دلیل تأویله ارجح) من دلیل تأویل الآخر علی ذلك الآخر (وتترکب المرجحات مثنی وثلاث ورباع . . صلوات الله علیهم اجمعین) وقد فرغ ... محمد صالح بن احمد المازندرانی وفقه الله لتحصیل کماله عن شرح الکتاب وتوضیح فصوله وتفسیر مقاله فی مدة قلیلة مع قلة البضاعة وتفرق حاله ملتمسا ممن الهی الفکر علیه فوجد مافیه بکماله اذا عثر بخروج فکره عن منهج السداد وزواله ان یمن علیه   ۲۰ فی اصلاح ذلك بحسن فعاله واجره فی ذلك علی الله وعلی محمد وآله .

[۲۲۳۷]

۱۲۲۱ این نسخه درمتن بنسخ درشت و زیر خط سرخ ودر گزارش بخط نستعلیق ریز نر وعنوانها شنگرف میباشد ومحمد حسین بن محمد جعفر سرابی ازروی

در چند فصل نگاشته است .

آغاز : بسمله . و صلی الله علی سیدنـا محمد و آلـه و سلم باسمك اللهم نطلب النجاة و الشفا و باشارات ذکرك و صمدك نسأل الارشاد الی قانون الصحة والدواء من الادواء .

انجام : فهذاما حضرنا من مجرباتنا و فیه کفایة للمقتصرومن ارادالتطویل ۵ واستقصاءالخواص فعلیه بکتبناالمطولة والیه ینفع بها من تلقاها بالقبول ویحسن مقاصدناوالحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنامحمدوعلی آله وصحبه وسلم . تمت رسالةالمجربات لخاتمةالاطباءالشیخ داودالحکیم رحمه الله تعالی وکان الفراغ من کتابتها علی ید . . . صالح بن ابراهیم النوسی الشیبی الشافعی فی سادس شهر جمادی الاولی سنة ستین بعدالالف من الهجرةالنبویة .. وحسبناالله ونعم الوکیل . ۱۰

[۲۲۳۹]

۱۷۲۳ این نسخه ش ۲ دمر است و همانگونه خط ش ۱ میباشد . گ ۳۹۹ ب ــ ۴۰۳ ب .

[۱۹۲۱] المسائل الفقهیة (عربی)

درایندمر بی نام و گمنام در نسخهٔ ما که همهٔ آن باعنوان « مسئله » آغاز ۱۵ میشود و بیشترش پاسخ پرسش است سخنان و فتواهای محقق حلی و علامهٔ حلی و پسر او فخرالمحققین وضیاءالدین وعمیدالدین وشهید یکم وابن فهد آمده است . ازاینکه در پایان بسیاری از مسئله‌ها نام ابن فهد نوشته شده چنین گمان میرود که یکی از دو « المسائل الشامیات » یا « المسائل البحریات » او باشد همانکه درروضات (ص ۲۰) یاد شده و نسخه‌های آنها درطوس (۲:۱۲۹ ــ ۱۳۱) هست ۲۰ و کنتوری (۵۰۵ و ۵۰۸) وتهرانی (ذریعه ۵ : ۲۱۵و۲۲۳) از آنها یاد کرده‌اند . دراجازات بحار (ص ۱۷۱) دارد که «الشامیات والبحریات» ابن فهد شایسته‌است بر بحار افزوده شود .

المسائل الشامیات دوگانهٔ ابن فهد پاسخهایست بپرسشهای یکی ازدانشمندان

هل هو واجب علی الاعیان او علی الکفایة واجاب قدس الله سره عن ذلک بان تعلم القرآن منه واجب علی الاعیان عنیاوهی الفاتحة ... » (۱٦ الف) و «قال السید ضیاء الدین » و « جعل فی الذکری » و « ذکرها الشهید رحمه الله فی الذکری » و « قال الشهید فی الذکری » و « قاله الشهید قدس الله روحه » و « کتب محمدبن المطهر وقال لنا دام ظله مشافهة » و « کتب محمدبن المطهر » (دنبال مسئله‌ای) ۵
و « قال ضیاء الدین » و « مایقول مولانا دام عزه . . . و کتب محمدبن المطهر » و « قال ش » و « قاله عمیدالدین » و « نقله بعض الثقاة عن جمال الدین قدس الله سره » و « اعتبر العلامة وولده فخرالدین » و « قال الشهید » و« قال الشهید ظاهر کلام الاصحاب یقتضی ذلک . . . و کتب اصغر العباد محمدبن مکی » و « مسئلة من فوائد عمیدالدین رحمه الله » و « مسئلة . لوفقدت بنت المخاض . . . اجاب ۱۰
فخرالدین .. » و « نقله السید عن المشایخ » و « قال فی الدروس . . . وهو فتوی شیخنا رحمه الله » و «بخط الشهید رحمه الله علی نسخة» و « مسئلة اذا تمضمض للتبرد فی قضاء شهر رمضان . . الجواب انی بحثت مشابهة هذه مع والده قدس الله سره ... قال لی والدی قدس الله سره » و « فخرالدین » و » « قاله فخرالدین » (دردنبال مسئله‌ای) و«وقال شیخنا ره» و «قال شمس الدین قدس الله روحه» و « .. نجم الدین ۱۵
ابو القاسم وجمال الدین یقولان ... قاله فخرالدین . ابن فهد» و «قال امام المجتهدین» و « واجاب عنها الشیخ امین الدین قدس الله روحه » و «اجاب فخرالدین» و « اعلم ان والدی قدس الله روحه سألته عن هذه المسئلة . . وحکی قولا سمعه مشافهة من الشیخ ابی القسم بن سعید قدس الله سره ... حکاه ابوالقاسم لوالدی مشافهة عن ابن نما رحمه الله واستضعفه ابوالقاسم و قوی الثانی.قال والدی الاقوی الاول ... » ۲۰
و «قاله المحقق» و «قاله ابن مکی رحمه الله» و« کتب عبدالله بن الاعرج الحسینی» و « قال دام ظله » و « قال صاحب الجامع » و « قول الشهید ... » و « قال شیخنا » و « مسئلة مما استفدناه من شیخنا عمیدالدین فی درس مشهدالحسین .. » و « قال مشائخنا قدس الله ارواحهم » .

[۲۲٤٠]

۱۲۲۷ این نسخه بنسخ کهن وعنوانهای «مسئلة ، الجواب» در نیمهٔ نخستین بشنگرف ودر نیمهٔ دوم بسیاه درشت‌تر واین دو نیمه بدو خط ودو گونه است .

پنج کتاب در این نسخه هست بدینگونه :

۵ کتاب‌الصلوة (۱ الف) و کتاب‌الزکوة (۲۹ ب) و کتاب‌الصوم (۵۱ الف) و کتاب الحج (٦٠ الف) و کتاب‌التجارة (۸٦ ب - ۹٥ ب) .

آغاز : مسئلة اذا اعراجزء آیة ولم یعربها ولم یعد اعرابها ومثلها اذا قرئ کما لو قال مالك یوم‌الدین ایاك نعبد بسکون‌النون فی‌الدین من غیر کسر او مال ولا الضالین بسم‌الله من غیر ان یفتح نون‌الضالین هل یکون هذا لحنا ویبطل صلوته بذلك اولا ؟ الجواب ۱۰ نعم یکون لحناً واللحن فی‌القراءة الواجبة فی الصلوة مبطل للصلوة ان کان عمداً و ان کان سهواً او نسیاناً اعاد تلك‌القراءة .

انجام : مسئلة لو لم تحصل المعرفة الحسیة فالاقوی جواز البیع کما فی بیع الولد ویشترط استخدام امه مدة‌المنع و کذا لو باعه علی ان لایفارق‌البایع والام بل ملازمها وفی‌الرد بالعیب اشکال اقربه‌المنع لحصول التفریق فیه فلو اشتری الجاریة والولد ثم فسخا البیع ۱۵ فی احدهما اورده بعیب فیه منع لمافیه من‌التفریق امالرهن ففی التفریق بینهما اشکال اقربه‌الجواز لکن لیس للمرتهن البیع ولا للراهن الا .

(۹۵گ) - کاغذ سمرقندی - جلد ندارد

اندازه : ۱۴ ۱۸ و ۱۰ ۱۳/۵ و ۱۵ س ۱۵ و ۱۸

از این پس کلیشه هائی از چند نسخهٔ شناخته شدهٔ در این فهرست را می‌بینیم وسپس یادداشتهایی در بارهٔ پاره‌ای از کتابها میرسیم

محمد تقی دانش پژوه .
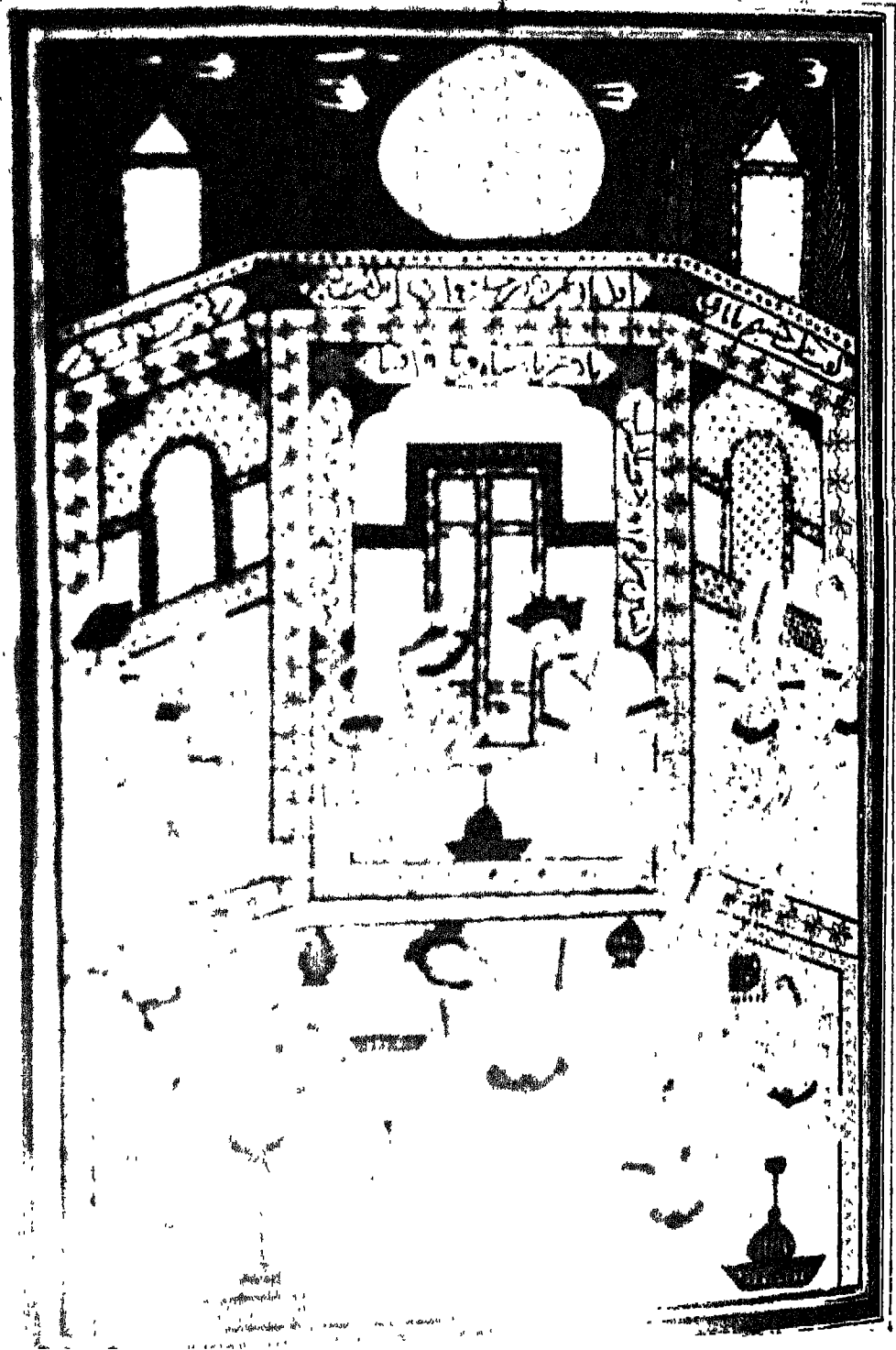
عکسی که پس‌از این دیده میشود از یك مجلسی است از نسخه‌ای از هشت بهشت امیر خسرو دهلوی که چهار برگ آن در این کتابخانه هست. خط آن نستعلیق در زمینهٔ کاغذی خاکستری در جدولی با رنگهای لاجورد و زر دو سبز و شنگرف در کنار صفحه‌ها و با آب زر و با گل و بوته آراسته و حاشیه سازی شده و خط از سدهٔ دهم است. مجلس آن گرچه تاریخ سال ۱۱۱۰ دارد ولی باید تازه‌تر باشد. اینهم گفته شود که این کلیشه که چاپ شده درست اصل مجلس نسخه را نمایش نمیدهد.

این مجلس از گنبد هفتم بهرام است و در چهار برگ این نسخه دو عنوان دیده میشود: « جامه معطر کردن بهرام روز آدینه در گنبد کافوری با بزم‌آرای خوارزمی در لباس خضر الثیاب » و « افسانه گفتن ماه‌روی خوارزمی و شبستان را بهشت یمن گردانیدن » با اینکه در نسخهٔ شماره ۱۰۰ همین کتابخانه از کلیات دهلوی بجای آنها دارد: « رفتن شاه بهرام روز آدینه بگنبد سفید و با دختر ملك هفتم نشستن » و « حکایت کردن دختر ملك اقلیم هفتم بنزد بهرام ».

این نسخه چهار برگی چنین است. آغاز «بدری آب جست ورخ را شست - تا پدر را شناخت درست» و انجام. « با مرد کرد کار دارانرا - هوشمندان و بردبارانرا» و برابر است با گ ۱۹۲ الف ست ۹ تا گ ۱۹۳ ب ست ٦ در هامش نسخهٔ ش ۱۰۰

هشت بهشت یا بهرامنامه را دهلوی دربارهٔ داستان بهرام و در برابر هفت پیکر نظامی در ۳۳۵۰ بیت سال ۷۰۱ سروده است و گنبدها در آن: مشکین است و زرد و ریحانی و گلناری و بنفش و صندلی و سفید برای روزهای هفته از شنبه تا آدینه و در هریك گنبدی داستانی است که دختر یکی از پادشاهان هفت اقلیم میگوید و این هشت بهشت در علیگره سال ۱۹۱۸ بچاپ رسید (ایران و هند از پورداود ودکترمعین شماره ۱ انجمن روابط فرهنگی ایران و هند چاپ تهران در ۱۳۳۱ ح ص ۳۷ - فهرست منزوی ۲ ۱۷۹ و ۱۸۲)

این هم گفته شود که سنائی (م ۵۳۸) نیز داستانی دربارهٔ دو برادر بهروز و بهرام از مادری گلچهر نام دختر خواجه خسرو همدانی دارد (فهرست سپهسالار ۲ ٤٩٤٠ - مثنوی و مثنوی‌گویان ایرست در مجله مهر س ۵ ش ٦ تاریخ آبان ۱۳۱٦ ح ص ۵٤۳ - ذریعه ۳ ۱٦۵ - منزوی ۲: ۵۸)

همچنین است هفت پیکر نظامی که دربارهٔ داستان بهرام است در هفت گنبد کاتبی نیشابوری (م ۸۳۸) نیز « بهرام و گل‌اندام » دارد (فهرست مجلس ۳ ۵٤۵ - ذریعه ۳: ۱٦۵ و ۲٦۲۷ - چلبی ۱: ۲۰۵ - منزوی ۲: ٤۲۰) . عبدی بیك شیرازی معروف به نویس (م ۹۸۸) « بهرامنامه » دارد (منزوی ۲ : ٤۳) بهرام و بهروز میرزا احمد وقار در بمبئی چاپ شده است

بسم الله الرحمن الرحيم

لك الحمد يا ذا المن والجود والعلا تعاليت تعطي من تشاء وتمنع ولا احصي ثناء
عليك انت كما اثنيت على نفسك والصلوة والسلام على خير خلقه
خاتم الانبياء والمرسلين وعلى خلفائه التابعين واوصيائه المرضيين
الى يوم الدين فيقول العبد الفقير ابن محمد هادي الحسيني
ابو الحسن الحسيني التنكابني انه لما اشتهر في الالسن والكتب ان الحق عند المحققين هو
وجود الكلي الطبيعي ولما رام احداث العلماء ان يذكر على وجه ينفع المشتغلين
والمحصلات الذين في زماننا هذا فنبهت ان احرر هذه المسألة
على وجه يكشف النقاب ويرفع الحجاب تحريرا عاما فالدعاء [illegible]
والمطلوب مما لم يسم بناظره ليكون تحريرا في هذا الباب
وسميتها بضاعة المزجية مراعيا الاسم مع المسمى قائلا ربنا
مسنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعة مزجية فاوف لنا الكيل
واعف عنا وترحم علينا انك ارحم الراحمين ورتبتها
على مقدمة وبابين وخاتمة فيها الكلام
الكلي الطبيعي في تعريفه اعلم ان كل مفهوم اما جزئي او كلي لانه

گ ١ الف ش ١/٨٩٢ آغاز البضاعة المزجية تنكابنی ص١٨

گـ ۲۹ ب ش ۸۹۲/۱ پایان البضاعة المزجاة تنکابنی

ص

رسالة الحدود للمعلم الاول وهو ارسطاطاليس قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان الا على

الظالمين وصلوة على محمد وآله اجمعين اما بعد بدانکه اینا چند

فصل است از صدر یا هژده مشتمل که اسکندر را از استاد خویش

گ ١ ب ش ٤٢٢ حدود ارسطو (ص ٤١ همین فهرست)

آقای دکتر سید محمد مشکوة واقف اصلی این کتابخانه که فعلا در پاریس هستند از آغاز طفولیت زیر نظر پدر خود بکار علمی می پرداخته و در کارهای علمی پدر را مساعدت میکرده است این صفحه آغاز یکی از رساله هائیست که برای پدر و بدستور او نوشته اند وچنانچه خود در آخر رساله نوشته اند در آن تاریخ که این نسخه را مینوشتند فارغ التحصیل کلاس چهارم دبستان و نه ساله بوده اند .

مرکز دایره گفتم در اول هیچ است گفت نقطه و پرگار از دایره کم

(سنه [illegible] مسائل)

تاریخ سه‌شنبه ۹ تیرماه ۱۳۱۵ هزار و سیصد و پانزده

هجری شمسی کتبه سید محمد آقا مشکوة محصل فارغ

التحصیل سال چهارم دبستان تدین

این رساله را فرزندی محمد آقا مشکوة در زمان فوق [illegible]

نوشته است سید محمد مشکوة

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

گ ١ ب پش ٢٤٧ آغاز شرح اشارات طوسی ص ٢٥٥ --ر سالافسا آنچه درص ٢٥٦
گفته‌ام این نسخه ازشرح طبیعی آغاز میشود

گ ٢٨ ب ش ٤٢١ مبدء و معاد شیرازی ص ٣٤٤

گ ٢٦٣ الف ش ٤٢١ پایان مبدء و معاد شیرازی ص ٣٤٤

علیه السلام رکع الی جنب الرکن الیمانی
رکعتین ثم قال اللهم انی اسئلک ایمانا یباشر
قلبی ویقینا صادقا حتی اعلم انه
لن یصیبنی الا ما کتبت لی ورضنی بما
قسمت لی فاوحی الله عز وجل الیه یا آدم
انه حق علی انه لا یلزم احد من ذریتک هذا
الدعا الا اعطیته ما یحب ونحیته
مما یکره ونزعت امل الدنیا والفقر من بین
عینیه وملأت جوفه حکمة والحمد لله رب
العالمین وصلواته علی خاتم انبیائه محمد وآله الطاهرین
واصحابه الطیبین

وقع الفراغ من تحریر فی شهر صفر سنه سبع و عشر و ثمانمایه
علی ید العبد الضعیف الراجی رحمة ربه وعمیم لطفه
محمد بن المعالی الارحمی الابرقوهی احسن الله عاقبته
حامدا و مصلیا و مسلما

پایان رشف النصایح سهروردی ص ٤٤٩ ش ٣٤٥

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

گ ۱ ب ش ۱۰٤۷ آغاز شرح حکمة‌الاشراق ص ۵۵

ک ۹۸ الف ش ۱۰۴۷ شرح حکمة الاشراق ص ۴۵۵

(حاشیة دوانی بخط او)

گ ۲۰۲ الف ش ۱۰٤۷ پایان شرح حکمة الاشراق
ص ٤٥٥ (خط گرگانی)

گ ۲۰۲ ب ش ۱۰٤۷ شرح حکمه الاشراق
ص ٤٥٥ (خط فال)

صفحۂ عنوان کتاب التفکر یا مصفات الاشباح (ص ۴۹۷)
گ ۳۹ الف ش ۲۵۲/۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ک ۱ ب ش ۳۵۰ آغاز تحریر شرح لمع ص ۵۴۸

الاستاذ وقد اشرنا الى طرف من ذلك في النظر وحاولنا الرد على الاستاذ
وقد بان الحق وخصص بلا معنى للمراغمة والذي يعتدي في نفي الاستاذ ان العلوم
التي هي العقل معنى ان يمتنع كونها مقدورة فيما امتنع به كونه مستدلا عليها لان من شان
كل مقدور ان يمكن المقتدر من الاضراب عنه ولا وجه للعاقل في الاضراب عن عقله
وهذا لم ابله تعلقا الا ما ذكرته باسنا تاما عنايا وفيه نظر ايضا والله اعلم

گ ٥٦ الف پایان «طریق تربیة الاولاد» دوانی ش ۱۰۱۵/۲۳ (ص ٦٦٧)

بسم الله الرحمن الرحيم

٦٨ الف ش ١٠١٥/٢٧: گواهی دانشمندان (عبدالباقی امامی و محسن حسینی وعلی بن قاسم حسینی ومقصود علی طباطبائی وعبدالغفار بن عبدالوهاب)
بر شیعی بودن محمد بن سعدالله

ک ۱ ب ش ٤٦٨ آغاز تحریر مجسطی ص ۸۵۰

گ ۱۲٦ ب ش ٤٦٨ پایان تحریر مجسطی طوسی ص ۸۵۰

گ ۲ الف ش ٤٨٨ صفحهٔ عنوان شرح تذکرهٔ نیشابوری ص ۹۰۷

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله [illegible]

گ ۲ ب ش ٤٨٨ آغاز شرح تذکرهٔ نیشابوری ص ۹۰۷

في صفة القلب

شكل القلب كشكل صنوبرة مخروطة رأسها المخروط الى اسفل
البدن واصلها الى اعاليه وله غلاف من غشاء كثيف يحيط به غير انه ليس
بالملتزق كله لكن عند اصله وهو موضوع في وسط الصدر الا ان رأسه
المخروط يميل الى ناحية اليسار والشريان الكبير انما ينبت من الجانب الايسر
فلذلك يتبين النبض في الجانب الايسر وعند اصله ومنبته شيء شبيه بالغضروف
كانه قاعدة لجميع القلب ومن البطن الايمن له الايسر منافذ وللبطن
الايمن فوهتان احداهما التي منها تدخل العروق النابتة من الكبد وينصب
الدم من هذه الفوهة في البطن الايمن من بطني القلب وعلى هذه الفوهة
اغشية منفتقة من خارج الى داخل لكي ترتد وتنفي الشيء الذي يدخل
الى القلب والثاني فوهة العرق الذي يتصل من هذا التجويف بالرئة
وهو عروق غير ضوارب الا ان اغشيته غلاظ ثخان ولذلك يسميه الشرح
العرق الشرياني لان الشرايين ابدا اغلظ واثخن واصلب اغشية من العروق
وجوهرها ذلك اذ كانت دائمة الحركة مدة عمر الانسان كله وفي انخراقها
من الخطر اكثر مما في انخراق العروق وعلى الفوهة التي تخرج منها هذا
العرق اغشية الا ان منفتقها من داخل الى خارج كيما ترتد منعا للذي
يخرج من القلب وفي البطن الايسر فوهتان احداهما فوهة الشريان
العظيم الذي منه تنبت شرايين البدن كلها وعلى فمه اغشية منفتقها
من داخل الى خارج لكي ترتد ويمنع ما يخرج من القلب من الروح والدم
والثاني فوهة الشريان الذي يتصل بالرئة وفيه يكون نفوذ الهواء من الرئة

از کناش منصوری رازی (ص ۸۰۰) گ ۱۷ الف ش ٤٥٢

للشيخ حسن صاحب المعالم

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين [illegible]

الحمد لله ولي الحمد واهله وصلواته على خير خلقه وخاتم رسله محمد المؤيد بفصل الخطاب الداعي بالحكمة
الى الحق وطريق الصواب وعلى آله الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا [illegible]
اما بعد فهذه رسالة مختصرة في فقه الصلوة مبنية على املائها التماس بعض الاصحاب ورجاء
الفوز بجزيل الثواب من الكريم الوهاب وجعلتها مرتبة على فصول اثني عشر الفصل الاول
في الطهارة وانواعها ثلثة الاول الوضوء ويجب للصلوة الواجبة من حدث البول والغائط والريح
ومن النوم حتى يذهب العقل وكذا كل مزيل له من اغماء ونحوه وبالاستحاضة القليلة وكيفيته ان
يغسل يديه قبل ادخالهما الاناء حيث يكون الوضوء من حدث البول والنوم ومرتين من
الغائط ويتمضمض ويستنشق ويقصد بقلبه انه يمتثل امر الله سبحانه بالوضوء للصلوة فيغسل وجهه
من قصاص شعر الراس الى الذقن طولا وما دارت عليه الابهام والوسطى عرضا تحقيقا في
مستوي الخلقة وتقديرا في غيره بغرفة او اثنتين مبتديا بالاعلى [illegible] والاحب تخليل اللحية
وان خفت ولا غسل ما فضل عن الوجه ويأخذ غرفة اخرى او اثنتين بيده اليسرى فيغسل

ک ۱۳۹ الف ۸۹۳/٤ آغاز اثنی عسریهٔ عاملی ص ۱۷۶۱

گ ۱۴۳ ب ش ۸۹۳/۴ پایان اثنی‌عشریهٔ عاملی ص ۶۱'

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین والصلوة علی
علی افضل المرسلین محمد وعترته
الطاهرین وبعد فهذه رسالة وجیزة
فی فرض الصلوة اجابة لا لتماس
من طاعته حتم واسعافه غنم والله
المستعان وهی مرتبة علی مقدمة
وفصول ثلاث وخاتمة اما المقدمة
فالصلاة الواجبة افعال معهودة

گ ۱۰۱ ب ش ۸۹۳/۳ آعار الهیة شهید یکم س ۱۷۸۳

والمسافر الخمس والمشتبه يزيد على

الحاضر والمسافر ثنائيتين قبل المغرب

وثنائيته بعدها وفرضه الثنتين وكذا

لو فاتت الخمس واشتبه اليوم فان اجتزأ

بالثاني ولا تقضى الجمعة والعيدان

والآيات لغير العالم بها ما لم يستوعب

الاحتراق ولو اطلق القضاء على صلاة

الطواف والجنازة فجائز وكذا النذر

المطلق والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين

گ ۱۳۸ ب ش ۸۹۳/۳ پایان الفیة شهید یکم ص ۱۷۸۳

آعار تحریر التحریر یا حاشیۂ قواعد حلی (ص ۱۸٦٤ و ۲۱٥٤)

ک۲٥٤ ب ش ۷۰٤/۲

پایان تحریر التحریر یا حاشیهٔ قواعد حلی (ص ۱۸٦٤ و ۲۱٥٤)
گ ۲٥۷ الف ش ۷۰٤/۲

ک ۱ ب ش ۲۲۵ آغاز جواهر الاسرار و زواهر الانوار یا شرح مثنوی از
کمال الدین حسین خوارزمی (فهرست آقای منزوی ۲:۱۴۶۶)

ک ۲ الف ش ۲۲۵ جواهرالاسرار (فهرست آقای منزوی ۲ ۱۴۶)

ک ۵۷۲ الف ش ۲۲۵ جواهرالاسرار (فهرست آقای منزوی ۱٤٦:۲)

گ ١ الف ش ٢٣١ صفحهٔ عنوان شرح الكافية الشافية ابن مالك

فهرست آقای منزوی ٢ : ٤١٤

گ ۲۳۲ ب ش ۲۳۱ پایان شرح الکافیة الشافیة ابن مالك

فهرست آقای منزوی ۲: ۴۱۴

ک ۷۰ ب ش ۲۲۰ پایان رسالهٔ نحو فارسی
(فهرست منزوی ۲: ۴۶۱)

گ ۱ ب ش ۳۳۷ آغاز ترجمهٔ تذکرة الاولیاء

فهرست آقای منزوی ۲: ۵۳۸

ک ۳۲۴ ب ش ۳۳۷ پایان ترجمهٔ تذکرة الاولیا
فهرست آقای مروی ۲ ۵۳۸

گ ۲۹ الف ش ٤۲۹ پایان شرح آداب البحث میبدی ص ۵۸

من الخطأ من ظلوما جهولا ولأن من عدمت مطالبه أقرب إلى الصواب
ممن عدمت اصابته وعلى المتكلم في هذا الباب وغيره أن يكون مصدر كلامه
عن العلم بالحق وغايته النصيحة لله ولكتابه ولرسوله ولاخوانه من المسلمين
وإذا كان الحق تبعا للهوى فسد القلب والعمل والحال والطريق قال
تعالى ولو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموات والأرض ومن فيهن
وقال النبي صلى الله عليه وسلم لا يؤمن أحدكم حتى يكون هواه تبعا لما جئت به
فالعلم والعدل أصل كل خير والجهل والظلم أصل كل شر والله تعالى
أرسل رسوله بالهدى ودين الحق وأمره أن يعدل بين الطوائف ولا يتبع
أهواء أحد منهم فقال تعالى فلذلك فادع واستقم كما أمرت ولا تتبع
أهواءهم وقل آمنت بما أنزل الله من كتاب وأمرت لأعدل بينكم الله ربنا
وربكم لنا أعمالنا ولكم أعمالكم لا حجة بيننا وبينكم الله يجمع بيننا وإليه المصير
آخر الكتاب والحمد لله رب العالمين والصلاة على سيدنا محمد وآله وصحبه أجمعين
فرغ من تعليقه يوم السبت سابع شهر [illegible] سنة [illegible]
على يد أفقر عباد الله وأحوجهم إلى [illegible] الحنفي
غفر الله له ولوالديه ولمن دعا له بالمغفرة ولجميع المسلمين
آمين

گ ۲۴۳ الف ش ۳۳۵ پایان شرح منازل السائرين ص ۴۷۱

گ ۔ ۳۰ الف ش ۱۰۳۳ خط محمد جعفر گیلانی لاهیجانی ص ۵۱۵

قد تم التهذيب للتفرط (؟) … عن التحصيل والتحصيل قليل التهذيب للتنفر … الاغماض عن الرحيل والتحير
الراجي رحمة ربه الغني محمد بن عبد الفتاح
التنكابني غفر الله ذنوبهما وستر عيوبهما
في ضحوة يوم الخميس يوم الرابع عشر من شهر
جمادى الثانية من شهور سنة ۱۱۰۲ اثنتين
ومائة والف من هجرة خير البرية عليها واجرها
الف الف الصلوة والتحية الحمد لله اولا
وآخراً وصلى الله على نبيه محمد وآله المعصومين
الطيبين الطاهرين و وفقنا لاطاعتهم
وزيارتهم وجعلنا من حزبهم وزمرتهم
بجوده وكرمه وبحقهم
آمين رب
العالمين

گ ۱۳۱ الف س ۴۰۹ رسالۂ کلامی تنکابنی ص ۵۷۸

گ ۱۱۰ ب ش ٤٢٦ شرح صحائف ص ٥٨٩
(بنگرید بیادداشتهای پایان بخش ۳)

ک ۱ الف ش ٥٧٤ صفحة عنوان الحق المبين و حديقة المتقين ص ٦٥٩

گ ٨٤ الف ش ٥٧٤ پایان الحق المبین وحدیقة المعین ص ٥٩

ک ۱۲۷ الف ش ۳۹۶ پایان الذخیرة لاهل البصیرة ص ۶۶۲

گ ـ ۵۲ الف ش ۱۳٤ پایان من لا یحضره الفقیه هروی بخط او ص ٦٨٠

گ ۲۳۳ الف ش ٤٤٢ پایان اختیارات بدیعی ص ۷۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

قال ابو سهل عيسى بن يحيى المسيحي قصدنا في هذا
الكتاب ان نظهر حكمة الله تعالى ذكره في
خلق الانسان وننبه على فوايد لطيفة شريفة
لم يسبقنا اليها فيها احد ممن تقدمنا وذلك ان
كل من تكلم قبلنا في هذا المعنى فكلامه يسير
ضعيف بالقياس الى ما اوردناه لانهم انما ذكروا ما
ينال بالتشريح العامية من منافع الاعضاء وانهم
ما دق ولطف منها وانها منافع التقوية [illegible]
في البدن ومنافع افعالها ومنافع غير هذه ايضا
حتى تبلغ الغايات الاخيرة التي هي المقاصد
الاول في وجود الانسان بجميع اجزائه وجميع
معانيه من جميع الوجوه فلم ينتدب ولا واحد
منهم للبحث عنها للاحتياج في تحصيلها وتصحيحها
وليعرف فضيلة ما اوردناه على ما اوردوا الان
تاملوا بين كلامنا هذا وكلامهم مع دراية وافية
منه فان من لا يدري ما يعتبره لم يصلح للحكم

گ ١ ب ش ٤٤٧ آغاز اطهار حکمة الله فی خلق الانسان ص ٧١٩

گ ۳۰۳ الف ش ۴۶۱ ذخیرهٔ خوارزمشاهی گرگانی ص ۷۵۵

هذا كتاب شرح فصول

بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر وتمم

قال الشيخ الامام ابو القسم بن عبد الرحمن بن علي بن ابي صادق النيسابوري رحمه الله

اما بعد حمد الله تعالى بجميع محامده والثنا عليه ان العناية التي تبعث الخلق على اقتنا باب من ابواب العلوم من اشرف الفضايل الانسانية سيما ما كان الناس اشد حاجة اليه من غيره كعلم الطب فان من البين عند الكافة ان العافية راس النعم التي انعم بها على الانسان واولاها واجلها قدرا ولذلك ليس يتمنى ملكه الملك ولا ثروة المثري مع فقدان الصحة التي هي الغاية المطلوبة بهذا العلم وهي اشرف غاية يتمناها الانسان في هذا العالم ثم ينضاف الى شرف هذه الغاية شرف الموضوع الذي هو البدن الانساني اذ هو اشرف موجودات العالم ويقترن بشرف موضوع هذا العلم شرف كماله وثقة البراهين المستعمله فيه فان قوانين الطب اجمع دلائل برهانية وليس يستعمل فيها الحواس والتجريب الصناعي

گ ۱ ب ش ۴۵۶ آغاز شرح فصول ابقراط نیشابوری ص ۷۷۲

الحاب منها ذكرها شفقتي من فوت الزمان بما لا يجدي
نفعًا والله تعالى هو المعين ○ تم كتاب
شرح فصول ابقراط للشيخ ابى القسم عبد الرحمن
بن على بن ابى صادق رضى الله عنهم امين
والحمد لله رب العالمين

مما علقه لنفسه بخطه يوحنا بن سنا بابن
يوحنا المتطبب نفعه به الله امين ورحم من
ترحم عليه ان كان ... رحمه الله والاولاد

گ ۲۲۷ الف ش ٤٥٦ پایان شرح فصول ابقراط از نیشابوری ص ۷۷۲

گ ٢٦٩ الف ش ٤٤١ پایان شرح قانون آملی ص ٧٧٧

گ ۱۵٤ الف ش ۱/٤٤٤ پایان فن دوم شرح موجز قانون ص ۷۸۵

كتاب الغنى والمنى في علم الطب

سنة ٩٧٥

تاليف الحكيم الماهر ابن الاكابر ذي

الفضل المتواتر والمجد الثائر محصل المنزلة

بالسعي والاجتهاد عديم النظر في العصر

والبلاد ابي المنصور الحسن بن نوح القمري

شكر الله سعيه واجزل الحسنى

بحق محمد واله امين

وصلى الله على اشرف خلقه سيدنا محمد واله وصحبه

گ ۱۳ الف ش ۴۵۷ صفحهٔ عنوان غنی ومنی قمری ص ۷۸۸

گ ۱ الف ش ٤٦٩ خط و مهر شیخ بهائی در نسخهٔ اختیارات
مظفری قطب رازی ص ۸۲۲

ک ۲ الف ش ٤٦٩ مهر وقف شیخ بهائی در ۱۰۳۰ برای این نسخه از اختیارات مظفری قطب شیرازی ص ۸۲۲

سجع مهر چنین است :

« هذا مما وقفه العبد بهاءالدین محمد علی الطلبة الامامیة بتولیة ابن اخیه سمی ابیه حسین بن عبدالصمد ثم الاعلی من ذریته و بینهم ولو کان ابعد ۱۰۳۰»

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

[illegible]

ک ۱ ب ش ٤٦٢ آغاز مجموعی حسب وطل قاسی ص ۸۵۲

ک ۱ ب ش ۴۷۷ آغاز شرح رومی بر ملخص چغمینی ص ۹۱۷

مک ۱۱۴ الف ش ۴۷۷ پایان شرح رومی بر ملخص
چغمینی ص ۹۱۷

عکس ١ الف س ١٠٨٢ صفحهٔ عنوان غایة الادراک ابهری ص ٩٢٥

... من الارض علامة ثم نشد على خط الارتفاع اصبعا ونستخرج

ارتفاع هذا الظل ونضع العضادة عليه ونعلم ونأخذ حتى نجد

ارتفاعه من افق وننظر [illegible] السهم من الارض علامة

افق ونأخذ ما بين العلامتين من الارض ونضرب

في اثني عشر فما بلغ من الارتفاع المطلوب وذلك ما اردنا بيانه

ولكن هذا آخر كلامنا في هذا الكتاب واما الجداول والعمل

بها فنذكرها ودعنا [illegible] النبي المختار فليطلب منه والحمد لله

رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله اجمعين

تمت الرابع عشر يوم السبت من صفر

سنة تسع وسبعين وسبعمائة هجرية

حسبنا الله ونعم الوكيل

خط استاد المحققين [illegible]

[illegible]

[illegible]

ک ۱۲۱ ز ب ش ۱۰۸۲ پایان غایة الادراک ابهری ص ۹۲۵

[illegible]

ک ۲ب ش ۱۰۰۹ غایةالوصول ص ۱۷۰۶ که خط علامهٔ حلی
در کنار برگ دیده مسود

وسيره الشيخين وكان عبد الرحمن مجتهدا ولم ينكر احد فقد حصل
الاجماع على جواز تقليد المجتهد قلت الاية الاولى مخصوصة بغير
المجتهد والا لزم السوال على المجتهد بعد اجتهاده ايضا فانه بعد
الاجتهاد ظان لا عالم ولا يجوز له بعد الاجتهاد بالاتفاق والاية
الثانية مخصوصة بالاقضية والاحكام لعدم وجوب اطاعتهم في كل
شيء بالاجماع والمراد من قول عبد الرحمن بالسيرة طريقتهما في
ملازمتهما العدل والانصاف وهذا الذي ذكرنا من جواز الاستفتاء
للعامي وعدم جوازه لغيره مخصوص بفروع الدين وقد اختلف
العلماء في جواز التقليد في اصوله للعامي وغيره فقيل لا يجوز لهما اصلا
لانه تعالى امر الرسول بتحصيل العلم فيها بقوله فاعلم انه لا اله الا الله
واذا وجب على الرسول وجب على الامة لقوله تعالى فاتبعوه وقال الفقهاء
يجوز مطلقا لما ذاع انه عليه السلام لم يكلف احدا تلفظ بكلمتي الشهادة
ولا علمت حدوث الاحكام وكونه تعالى مختارا ام موجبا وليكن هذا
اخر ما اردنا ايراده في شرح هذا الكتاب والله اعلم بالصواب

وقع الفراغ منه نهار الخميس رابع عشر جمادى الاولى من شهور سنة ثمان
وثمانين وثمانمائة على يد اضعف خلق الله تعالى ... دعا الكاتب ولمؤلفه المغفرة
ولجميع المسلمين آمين

ک ۱۸٦ ب ش ۷۷۹ پایان معراج الاصول ایکی ص ۱۷۲۳ و ۲۳۵۲

مجلد الصوم من کتاب برهان القاطع
تالیف الحسین علی الحاجی

کتاب صوم کتاب تجارت کتاب قضا

گ ۱ الف ش ۷۵۰ برهان قاطع ص ۱۷۹۱

گ ۷۳ ب ش ۱۰۰۳ دروس شهید بکم ص ۱۸۷۷

شرح صیمری که شاگرد
محقق بود بر شرایع
محقق

ک ۳۶۹ ب ش ۷۸۰ پایان غایة المرام صیمری ص ۱۹۵۲

لكن الثاني يغسل ثلثا والاحوط غسل الكل ثلثا بل لا ينبغي ترك الاحتياط في العمل وجميع ما ذكر

من الكيفية والاحتياط انما هو حيث يجب غسل الاناء من النجاسة على الوجه المعتبر شرعا

تحقيقا او لا صرح بالثاني في التحرير والبيان وتمام طهر الاول من المعتبر وهو ضعيف

الا اذا اراد من التخفيف ازالة الغسالة النجسة قد وقع الفراغ من كتابة هذه الاسطر

في اواسط شهر رمضان المبارك سال الله عز وجل ان يجعله خالصا لوجهه الكريم وذخرا

ليوم الذي كتبه مؤلفه سماه الغاية وهو محمد بن علي الطباطبائي

گ ۷۰ الف ش ۷۸٤ پایان مناهل سید مجاهد ص ۲۰٦۹

ک ۲۳ ب ش ۱۲۲۵ جنگ کیمیائی بخط سیدآبادی ص ۲٤٤۸

[illegible]

مرکب ۹۹ الف ش ۱۲۳۵ پایان روضه الصائمین ص ۲۴۵۴

گ ۱ الف ش ٤ آغاز انوارالتنزیل بیضاوی ـ ۱۵:۱ فهرست منزوی

والناس بيان للوسواس او للذي او متعلق بيوسوس اي يوسوس في صدورهم من
جهة الجنة والناس وقيل بيان للناس على ان المراد به ما يعم الثقلين وفيه
تعسف الا ان يراد به الناسي كقوله يوم يدع الداع فان نسيان حق الله يعم
الثقلين عن النبي صلى الله عليه وسلم من قرأ المعوذتين فكانما قرأ الكتب التي
انزلها الله تعالى كلها وقد كمل بتوفيق الوهاب وماهو للخير والصواب
وقع الفراغ من تحرير الكتاب الكريم في تفسير القرآن العظيم في العشرين
من شهر ... وقت الضحوة الكبرى سنة ثمان ...
... عن الباشا
... نظر فيه ودعا لمنشئه
ولكاتبه الفقير ...
... والده
... اليها
...

گ ٥٦٤ الف ش ٤ پایان انوار التنزیل بیضاوی (١٥:١ فهرست آقای منزوی)

گ ۱ ب ش ۳۷ آغاز شرح صحیفهٔ سجادیه بخط شارح
(۱۴۶:۱ فهرست منزوی)

الهی لا تجعل من لهم انس بی موحشا عنی او لا تجعل
اهل انسی من يناسب حالی او يونسنی موحشا عنی والحمد
لله اولا و آخرا قد وقع الفراغ من تسويد هذه الاوراق
يوم الجمعة ثامن شوال بعد الشروع فيه في اول شهر رمضان
المبارك بعد مضي الف وتسعين سنة من الهجرة النبوية
في مشهد ثامن الائمة على مشرفها الف الف سلام وتحية
على يد مؤلفها الفقير المشتاق
الى الله العزيز الغني ميرزا
محمد بن محمد رضا بن
اسمعيل بن جمال الدين
القمي

ک ۱۲۲ الف ش ۳۷ پایان شرح صحیفه خط شارح
(فهرست منزوی ۱٤٦۰۱)

بالای ک ۱ ب ش ۱۰ آغاز جزء ششم از فتوح الغیب فی الکشف
عن قناع الریب طیبی (۱۷٦۱ فهرست منزوی)

پائین گ ۱ ب ش ۱۰ از آغاز جزء ششم از فتوح الغیب فی الکشف عن قناع الریب طیبی (۱:۱۷۶ فهرست منزوی)

لكن لا يناسب تنكير الوسادة كما في بعض الروايات ويؤمر الى القضاء بيشجع متوجها الى الله من تحت
النار اى اضاءت او من الزهرة بالضم بمعنى البياض والحسن يقال منه زهر كمنع وكرم ويقال
زهر القمر والنجم كمنع اى تلألأ والمغلبة فى رواية سعيد السمان اما بالتشديد على صيغة المفعول
من قولهم غلبته انا عليه تغليبا ومنه المغلّب للشاعر المحكوم له بالغلبة على قرنه كان الراية جعلها
غالبة على الخصم وحكم لها بالغلبة او على صيغة الفاعل فكان الراية تجعل من تحتها غالبا على
العدو واما بالتخفيف وكسر اللام على صيغة اسم الالة والتمهيد ... رواية المفضل مفوّفة
تصلق على الافنان   تم الجزء الاول من كتاب حدائق الحقائق فى شرح كلمات كلام
الله الناطق على يد مؤلفه الفقير المحتاج الى رحمة ربه علاء الدين محمد بن ابي تراب گلستانه عفى الله
عنهما وتجاوز عن زلاتهما بمحمد وعلى وآلهما الاطيبين صلوات الله عليهم اجمعين سنة اربع وسبعين
بعد الالف من الهجرة المقدسة ويتلوه الجزء الثاني فى شرح الخطبة المشهورة بالشقشقية ومن الله
استمد المعونة فى الافتتاح والاختتام انه
ولى الفضل والانعام

گ ۱۱۶ ب ش ۹۴ حدائق الحقائق گلستانه (۲:۳۳ فهرست منزوی)

گ ٤ ب ش ٩٧ آغار شرح دیوان میبدی

(فهرست منزوی ٢:١١٦)

گ ۱۳۹ب ش ۹۷ پایان شرح دیوان میبدی (۲ : ۱۱٦ فهرست منزوی)

گ ۲ ب ش ۱٦٩ آغاز فرهاد و شیرین وحشی بخط میرزا کوچك وصال شیرازی (۱٦٦:۲ فهرست منزوی)

گ ۵۸ الف ش ۱٦۹ پایان فرهادوشیرین وحشی بخط میرزا کوچك
وصال شیرازی (۲ ۱٦٦ فهرست منزوی)

گ ۱۷۲ الف ش ۱۷۷ پایان تاج المصادر بیهقی (۲:۳۳۵ فهرست منز

گ ۲ ب ش ۱۷۸ آغاز تیسیر مصیری (۳٦۳:۲ فهرست منزوی
که در آن باشمارهٔ ۱۸۷ یاد شده ودرست نیست)

گ ۱۷۹ ب س ۱۷۸ پایان تیسیر بصیری (۲ : ۳٦۲ فهرست منزوی
که در آن با شمارهٔ ۱۸۷ یاد شده ودرست نیست)

والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب تم الكتاب بحمد الملك الوهاب

گ ۳۲۹ ب‌ش ۱۵۱ پایان شرح رضی استرابادی بر کافیه ابن‌حاجب
(فهرست منزوی ۲:۴۱۲)

د ١ الف ش ٨٤٤ صفحهٔ عنوان شرح مفتاح العلوم گرگانی (٢ ٤١٦
فهرست مروی)

گ ۱ ب ش ۸۴۴ آغاز شرح مفتاح العلوم گرگانی (۲:۴۱۶
فهرست منزوی)

[illegible]

گ ٣٠٢ ب ش ٨٤٤ پایان شرح مفتاح العلوم گرگانی (٤١٦٠٢
فهرست مروی)

گ ٢٦ ب ش ٩٨٦ اجازهٔ بزرگ سید حسین کاشانی بخط خود او به آرانی (فهرست منزوی ٢:٤٧٧)

گ ١ الف ش١٨٩ آغاز منتخب امل الآمل عاملی از نیریزی(٢:٥٠٥ فهرست منزوی)

ک ۶۹ الف ش ۱۸۹ پایان منتخب امل الآمل عاملی از تبریزی (۲: ۵۰۵ فهرست منزوی)

گ ۴۲ الف ش ۸۵۴ پایان شرح قصیدهٔ « برده » بوصیری

(فهرست منزوی ۷۱۵:۲)

یادداشتها

ص ۱۸۰ س ۱۱ و ٦۳٤ س ۱٤ :

چنانکه من نوشته‌ام و آقای مدرس رضوی هم درسر گذشت خواجهٔ طوسی درچند جا (فهرست نامها) یاد کرده‌اند کسی که بطوسی نامه نوشته و از او
۵ درخواست تا رسالهٔ علم را گزارش بنویسد همان جمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی بوده‌است ؛ چنانکه‌درصفحهٔ عنوان‌نسخهٔ ش۱۰۲۲ نوشتهٔ سیدحیدر آملی نزدیك ۷٦۲ آمده و نوری هم که همین‌نسخه را داشته بود درمستدرك (٤٦۲:۳) چنین نوشته است . بحرانی درلؤلؤتی‌البحرین در سه جا از همین جمال‌الدین بحرانی یاد کرده و در سرهمین جای میگوید : « آنچنانکه من از پدرم شنیده‌ام
۱۰ اوراست رساله‌ای مشهور که طوسی بدرخواست شاگردش میثم بحرانی برآن گزارش نوشته است واین رساله و گزارش آن نزد من بوده وازدست داده‌ام » (نیز روضات ص ۵۷۹ از همین لؤلؤة ولی دارد که جمال‌الدین‌علی‌استاد میثم‌این رسالهٔ علم را نزد طوسی فرستاده واو برآن گزارش نوشته است) .

دربحار مجلسی (۲۵ : ۲۲ و ۱۰۳) سرگذشت همین بحرانی آمده ولی یادی
۱۵ ازاین نامه وپاسخ‌آن نشده‌است. حرعاملی درامل‌الآمل (ص ٤۸۷) نیز ازاو یاد کردو چنین گفتگوئی را ننوشت که‌میان اووطوسی شده‌باشدبلکه‌درسر گذشت خواجهٔ طوسی‌وابن میثم(ص ۵۰٦ و ۵۱۱) او این‌رسالهٔ‌علم‌را ازابن میثم‌پنداشته است چنانکه درنسخهٔ ش۳۸۹مورخ۱٤صفر۱۱۰۲هم‌دارد «قال‌الامام کمال‌الدین میثم‌بن علی‌بن میثم‌البحرانی رحمه‌الله · بسمله . الحمدلله علی ما اولانا من ملامح
۲۰ (ملائح) . . . » و کنبوری هم آنرا از ابن میثم پنداشته است (۳۳۵) درفهرست طوس (٤ : ۱۸۰) نیز این رساله از ابن میثم دانسته شده و شرح آن از طوسی و بنام «شرح رسالة‌العلم» درآن یادشده‌است . همچنین درفهرست مجلس (۲:۳۹۰

ش۱۱/۶۳۰) دارد که کمال‌الدین ابو جعفر احمدبن علی بن سعیدبن سعادهٔ بخواهش کمال‌الدین میثم‌بن علی بحرانی رسالةالعلم نوشته و خواجهٔ طوسی آنرا گزارش کرده است .

درنسخهٔ ش۱۰۴۶ مامورخ۱۲ع۱۰۵۹/۲ ازکسی یادنشده‌است . از سنجش این سه نسخه چنین برمیآید که نسخهٔ اصلی همان شماره ۱۰۲۲ که کهنه‌تر است میباشد و دو نسخه دیگر را نویسندگان دستکاری کرده‌اند و چون درمتن آن ازکسی یادنشده وهمین اندازه درنامهٔ طوسی بنام « کمالی جمالی » برمیخوریم و نویسندگان گوبا جمال‌الدین بحرانی را نمی‌شناخته‌اند این بود که پرسنده را ابن میثم پنداشته‌اند .

ص۲۱۴و۱۲۳۹:

شاد روان میرزا محمد خان قزوینی در حاشیهٔ نسخهٔ بحار خود (۱۸:۲) چنین نوشته است که « این توحید مفضل با کتاب الدلائل والاعتبار که این اواخر (درسنهٔ ۱۳۴۶) درحلب چاپ شده و بجاحظ نسبت داده شده تقریبا عینا در کلیات و غالب عبارات یکی است فقط اختلاف بسیار اندکی در بعضی جزئیات بین آنها هست که تفصیل آنرا درپشت الدلائل والاعتبار داده‌ام . محمد قزوینی » ـ نسخهٔ الدلائل والاعتبار اورا من ندیده‌ام .

بدوی دردیباچهٔ « فی‌النفس ارسطوطالیس » (ص۳۰) مینویسد که دراین « الدلائل والاعتبار » که ازجاحظ پنداشته‌اند (ص۷۶همان‌چاپ برابرباص۹۱چاپ نجف‌ازتوحیدمفضل)ازآراء طبیعی‌فلوطرخس(ف۲۰ م ۲ ص۱۳۴) آمده‌است ـ ازسنجیدن‌آندو برمیآید که سخن فلوطرخس درست درآن‌آورده نشده است .

دررجال نجاشی درسرگذشت خود او (ص ۷۴) دربارهٔ نیای او عبدالله نجاشی دارد « و کتب الی ابی‌عبدالله ع یسأله و کتب الیه رسالة عبدالله النجاشی المعروفة ولم یر لابی‌عبدالله ع مصنف غیره » (نیز ص ۱۴۷) پس بنوشتهٔ او امام صادق را جز این نامه‌ایکه بعبدالله نجاشی نوشته است نگارش دیگر نیست . اودرسرگذشت مفضل (ص۲۹۵) میگوید «وقدذکرت له مصنفات لایعول علیها»

از نوشته‌های او که نام میبرد بنام «کتاب فکر» «کتاب بدء الخلق و الحث علی الاعتبار» برمیخوریم (نیز ص ۱۲ و ۵۳ خلاصه حلی).

ص ۲۲۰ س ۹:

در رسالة الاسلام (سال ۱ ش ٤ ص ٤۰۳ - ٤۱۰) آمده که در «مختصر فی ذکر الحکماء الیونانین و الملیین» از گمنام که در مجموعهٔ اسکوریال هست و گویا
۵ کتاب از سده ۸ متأخر نباشد دارد (ش ٦۳۵): «افضل الدین محمد بن المرقی القاشی کان زاهداً متصوفاً مداوما للریاضة مات فی حدود ٦۱۰» و «نشاء (الطوسی) بمشهد طوس و اشتغل بها بالتحصیل علی خاله».

علی قلی داغستانی واله در ریاض الشعرا نگارش ۱۱٦۱ هم گوید طوسی خواهرزادهٔ کاشانی بوده است.

۱۰ در ص ٤۰۷ حاشیهٔ ٤ ش ٤ سال ۱ رسالة الاسلام دارد که شیخ امین ظاهر خیرالله در المقتطف سیب نامه را نشر داد و در آن دارد که گفتگو میان سقراط و شاگردان است و گویا یکی از ادیبان مسیحی آنرا ساخته باشد این سیب نامه بدینگونه در آن مجله بچاپ رسیده است ص ٤۷۵-٤۸٤ ش ٦ جلد ۵۵ دسامبر ۱۹۱۹ (۱) ص ۱۸-۲۲ ش ۱ جلد ۵٦ ژانویهٔ ۱۹۲۰ (۲) ص ۱۰۵-۱۱۰ ش ۲ جلد ۵٦ فوریهٔ
۱۵ ۱۹۲۰ (۳) ص ۲۱۷-۲۲۱ ش ۳ جلد ۵٦ مارس ۱۹۲۰ (٤).

در همنجای رسالة الاسلام دارد که ینبوع الحیاة را که در ۱٤ فصل است (و در فارسی ۱۳ فصل) خوری فیلیمون کاتب در بیروت در ۱۹۰۳ چندین بار چاپ کرد. یکبار دیگر هم عبدالرحمن بدوی آنرا در الافلاطونیة المحدثة (ص ۵۱-۱۱٦) بنام «معاذلة النفس لافلاطون» یا «رسالة منسوبة الی هرمس الحکیم
۲۰ فی معاتبة النفس و زجرها ..» بچاپ رسانده است. آغاز فصل ۱٤ آن در ص ۳۸۰ س ۱٤ میانهٔ فصل ۱۳ فارسی کاشانی (چاپ تهران) دیده میشود و این فارسی دو سطری در انجام کم دارد گذشته از جدائیهای دیگر که میان آندو هست.

ص ۳۲۱ س ۱۹ :

درروضات (ص٦٢١) آمده که گویافاضل هندی رساله‌ای بفارسی‌در اصول دین بنام «کلید بهشت» دارد . باز درهمانجا (ص ۳۰۲) آمده که «کلید بهشت» فارسی از قاضی سعید قمی است .

ص۳۵۱ س۹ :

در پایان متن تازی مدارج کمال نسخهٔ نور عثمانیه ش ٤۹۳۱ تاریخ ٦٧٤ چنین دارد : ۵

فصل من انشائه قدس‌الله روحه فی آخر رسالته هذه فی ذکر الحال التی دعته الی انشاء هذه‌الرسالة و الزمان الذی افتتح فیه و تسمیتها بالاسم الذی یدعو به .

قال : اتفق لنا من قضاء ربنا تعالی و تقدس فی بعض احایین دهرنا توزع فکر و تشتت رأی و التفات الی احوال مختلفة و تردد و تذبذب بین امور متناقضة ۱۰ دفعت الیها اضطراراً ولم یبق لی هجومها و ازدحامها علی اختیار ؛ اذ اشار الی فتی من فضلاء اخوانی و کرام اصدقائی و خلانی و هو الشاب الکریم الشمائل ذو المکارم والفضائل « شمس‌الدین محمد بن محمد بن ذروا کوش ابوالمکارم الدیلمی » — بلغه‌الله اقصی درجة فی‌العلی ینالها احد من اولی‌الالباب وذوی‌النهی — واظهر لی رغبة صادقة ان اکتب له رسالة متضمنة لبیان منازل‌العباد فی طرفی‌المبدء والمعاد . ۱۵ فماوجدت فی نفسی وجهاً للامتناع عن مراده ، وان کان کل ما ابتلیت به من تردد الفکر و توزع‌القلب فی نموه وازدیاده .

فعزمت علی بذل ماتسعه قوتی والاتیان بمایحتمله منتی . وانا علی هذه‌النیة ؛ اذ رأیت لیلة فی مایری‌النائم : کانی جالس مع ثلثة نفر من‌المشائخ‌الکبار صورهم فی‌غایة‌الجمال و آدابهم و علومهم فی‌غایة‌الکمال و یستنطقوننی ، وانا بسبب‌الحوادث ۲۰ التی تحوم حول قلبی فی یقظتی لایجری لسانی بالکلام‌معهم کماینبغی فالحوا علی و قالوا لاتلتفت الی هذه واجعلها وراء ظهرك فان افکارك اعز و اکرم من ان یکون فی‌الفاسدات والمستحیلات المتغیرات السریعة‌الزوال القریبة‌الفناء فاجعلها فی‌ترتیب کلام یتصرح به بدوالوجود ومراتبه ودرجاته فی‌الدوام والخلود وتبین به

ما خفی من امر مجیء الانسان و مرجعه، بیاناً ساطعاً و یکون فی اظهار الحقیقة و کشف الحجب عنها برهاناً قاطعا. فسألتهم عن فائدة هذا الترتیب و قلت بینوا لی لماذا ینبغی لی و یجب علی ان اتولی بیان هذا النظم و الترتیب؟ فاجابوا و قالوا: ینبغی لك و یجب علیك لذات البیان لا لشیء غیره یتوسل به الی ذلك الشیء. فاقررت

۵ لهم بما اوجبوه و کانا جمیعا صرنا قد فرغنا من جمیع هذا الکلام و نظمه و نطالعه واحاط علم کل واحد منا بمضمونه و مکنونه. فسموه عند ذلك «مدارج الوجود و معارج الخلود.»

فلما بلغت من رؤیای هذا المنتهی؛ انتبهت نفسی من رقدتها و اخذت فیما امرت به فوفقنی الله له کما هدانی سبله و قلت: هذا تأویل رؤیای قد جعلها ربی حقاً. الزمه

۱۰ ایها المستدعی المستعد و الراغب المجد؛ فلیس احد اولی بقبول الجواب من السائل ولا بنیل المطلوب اقرب من الطالب. و الله جل ثناؤه یعینك و یهدیك و من جمیع الآفات یحرسك و یقیك بجوده و رحمته؛ انه الجواد الکریم و الرؤف الرحیم.

تم الفصل. و لله الحمد و الفضل (این فصل در نسخهٔ ما ش ۱۰۳۳/۱۱ نیست)

این بند پارسی (۱) هم در پایان برخی از نسخه‌های «مدارج کمال» پارسی دیده

۱۵ شده و مانا در برابر همان بندیست که کاشانی در پایان «مدارج الکمال» تازی گذارده است و اکنون دیده‌ایم. اینك آن بند:

«تمام شد (ترجمهٔ) «مدارج کمال» (۲) بخجسته حال و فرخنده فال (۳).

۱ــ این بند از روی نسخه‌ای تازه بتاریخ ۱۲۹٤ و سه نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه اهدائی آقای مشکوة نوشته شده و هر سه نادرست بوده ازاینروی همهٔ نسخه بدلهای

۲۰ آنها در اینجا نیامده است. اینست نشانه‌های آنها:

۱ــ نسخه ش ٤۰۲/۹ ك ۱۹۷ الف تاریخ ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ (برمز الف).

۲ــ نسخهٔ ش ٤۳۱/۲۰ ك ۳۲۱ الف تاریخ ۱۳۰۳ (برمز ب).

۳ــ نسخه ش ۱۰۳٦/۹ ك ۸۸ ب ـ ۸۹ الف تاریخ ۱۱۰٤ (برمز ج).

برای نمونه پاره‌ای از نسخه بدلها را در حاشیه خواهیم دید

۲۵ ۲ــ تا اینجا در الف نیست.

۳ــ در ج: حالی ... فالی.

و نظم سخن این نامه ، نخست بلغت تازی بود ؛ و از یاران «محمد ذرواکوش» (۱) را محبت آئین سالکان ، بران (۲) التماس داشت ، تا کام وی برآورده شد ، و نفس او بدان آرام و خرسندی یافت . بعد از آن از برادران رونده و یاران کوشنده ، «اسعد نسائی» درهمراهی (همرهی) و موافقت و مساعدت با ما ، قدم راسخ وعزیمت صادق داشت ؛ این نامهٔ تازی را مونس و ندیم جان ساخت واز درون وی پیغام بتمنای خیال ، چنان رسید : که اگر این نامهٔ (۳) تازی بپارسی مترجم شدی ؛ نفع تاب فروغش ، برقوت نظر ، زیادت گشتی . و اجابت این خواهش ، واجب دیدم ؛ تا از لغت تازی ، بالفاظ دری نقل کردم ؛ و هر فتح که تمام میشد ، معانی آن در لباس سخن (٤) دری ، پیداتر و محکمتر همی گشت . و سبب این تفاوت در رتبت بیان و احکام ، حال و منزلت ایندو یار خواستار شناختم . که نخستین متقاضی ، «محمد ذرواکوش» ، در آرزوی سلوك بود و خواستار ؛ و دویم ، «اسعد نسائی» ، سالك مجد بود و آهنك وصول داشت . با آنکه هردو نامه ، مصباح تاریکیها و مصقل تیرگیهااند ؛ نامهٔ تازی ، مایهٔ و منشأ محامد و فضائل ؛ ومجموعهٔ (٥) دری ، مجمع سعادات و خیرات وچون مدد فضل و توفیق الهی ، بیاپی رسد ؛ هم «محمد» با محامد آن قرین شود ، وهم «اسعد» با سعادات این همنشین گردد و ان الله (٦) لرؤف رحیم . ولله الحمد علی ما هدانـا ، انه ولینا و مولینا (تمت بعون الله وحسن توفیقه . وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین ؛ انه ولی الاجابة وانه علی کل شیء قدیر) (۷) » .

۱ــ درالف وج : درداکوش ودرب · ذرداکوش . در نسخهٔ تازه «ذرواگوش»

۲ــ در الف : بدان .

۳ــ در ج : این تازی .

٤ــ درالف : لباس دری .

٥ــ ب : مجموع ــ درالف «فضایل ومجمع سعادات» ، وآن عبارت «ومجموع (مجموعه) دری» در آن نیست ــ نسخهٔ تازه : «مجموع» .

٦ــ الف : ان الله ، ب : وان الله بهم .

۷ــ میان دو کمانه از ج است .

نکته‌ها که از این دو بند برمیآید

۱- کاشانی نخست مدارج‌الکمال تازی را، دربارهٔ منزلتهای بندگان از آغاز تا انجام ، پرداخته است .

۲- اینکار را او بدرخواست شاگرد و یار جوانش «شمس‌الدین ابوالمکارم محمدبن محمدبن ذرواکوش دیلمی» با یک پراکندگی و آشفتگی که اورا دست داده بود آغاز کرده است .

۳- درهمین هنگام سه تن از پیران بزرگوار خویش را بخواب دید که از وی دلجوئی کردند و نوازشش دادند و گفتند که دربارهٔ چیزهای تباه شدنی هیچ میاندیش ودر آن نامه از آغاز و انجام هستی و پیدائی و بازگشت مردمی یاد کن ؛ او پرسید که چرا باید چنین کنم ؛ پاسخ دادند برای همینکه آنرا روشن بداری نه برای چیزی دیگر .

٤- خواجگان درهمین خواب آنرا «مدارج‌الوجود و معارج‌الخلود» نامیدند ، و کاشانی بیدار که شد دنبال کار بگرفت و بآن شاگرد بسپرد که همواره آنرا با خود دارد و معنیهایش بکار بندد . اوهم بدین نامه آرام و خرسندی یافت .

۵- از یاران کوشنده و برادران رونده او « اسعد نسائی » ازوی درخواست که آنرا بپارسی دری آورد واو هم هرفتحی را که بپایان میرساند میدید که زیور پارسی برای آن زیبنده‌تر بوده واستوارترش میسازد .

٦- اینهم از اینروی بود که پسر ذرواکوش دیلمی هنوز درآرزوی سلوك بود وخواستار واسعد نسائی رهبری کوشا بوده آهنك وصول داشت .

۷- اینکه این دو نامه هردودر نزد کاشانی یکسانند وچراغ فراراه روندگان درتاریکیها میدارند واز تیرگیها میزدایند .

۸- این بود که کاشانی تازی را از آن دیلمی و پارسی را از نسائی دانست .

۹- این را هم باید گفت که نام تازی « مدارج‌الکمال » و نام پارسی « مدارج کمال » میباشد ودر نسخه‌ها چنین دیده میشود .

۱۰ـ چنانکه از یکی از نامه‌های کاشانی بهمین ذروا کوش برمیآید او بدین کتاب نام « رسالهٔ جامعه » داده و با « زجرالنفس » برای همین خواجه شمس‌الدین ضیاءالاسلام با مجدالاسلام محمد ذروا کوش فرستاده بود.

واز نامهٔ دیگر کاشانی بهمین‌ذروا کوش ازهمین کتاب‌بنام « فتوح هشت در یا مدارج‌الکمال » و از « ره انجام نامه » یاد گردید. او درهمین‌نامه عنوانهای ۵
فتح ٤ تا ۸ وپاره‌ای ازمتن تازی‌آنرا آورده واراو بسیارستوده است (ص ۳۵۱ و ٤ ـ ۳۸۳ همین فهرست ـ مجله مهر ش ۸ تاریخ آبان ۱۳۲۱ ص ٤۹۹ گفتار نگارنده دربارهٔ نگارشهای کاشانی)

ص ۵۸۹ س ۱۷ .

درفهرست عربی موزهٔ بریتانیا (ش ۱۸۱) آمده که کتاب المعارف فی ۱۰
شرح‌الصحائف متن وشرح هردواز شمس‌الدین محمدبن‌اشرف حسینی سمرقندی (م نزدیک ۶۰۰) نگارندهٔ آداب‌البحث واشکال‌التأسیس وقسطاس‌المیزان میباشد ودرعنوان نسخه از او نامبرده شده نه دردیباچهٔ آن

درمعارف دومقصد است نخستین دارای یك مقدمه وسه قسم (۱ در ٤و۲
هم در ٤و۳ در۲ صحیفه) است و دومی ۱۹ صحیفه دارد (نیز ش ۱۲٤۷ فهرست ۱۵
پاریس).

ص ۵۹۹ س ٦ :

رساله‌ای که « فناءالموجودات » خوانده شده نامش « هدایةالفؤاد الی‌ بلد من احوال‌المعاد » است که دردیباچه یاد شده است

مازندرانی حاجوئی درآن ازسید داماد (۶۸ ب) وحدیقهٔ هلالیه واربعین ۲۰
بهائی (۶۸ ب و ۶۱ الف) وشرح فقیه مجلسی (۵۱ الف) و «آخوندنا المراد قدس سره فی حواشیه علی من لایحضره الفقیه » (۵۵ ب) و «آخوندنا فیض » (٤۸ ب) یاد کرده است از حاشیهٔ « منه رحمه » و « منه رحمه‌الله تعالی » و « منه ره » و« منه » درنسخهٔ مابرمیآید که او برآن‌خود حاشیه دارد و نسخهٔ ما پس‌ازمرگ او نوشته شده است .

فهرست پنج فصل این رساله چنین است : « الجنة والنار ـ الجنة کالانس ـ الملائکة ایضاً مکلفون ـ الفلك ایضا ان کان ذا نفس و مکلفا فله حکم المکلف ـ الادلة علی بقاء النفوس » .

آغاز : بسمله . بعد حمدالله المتوحد بالعزو البقاء القاهر عباده بالموت والفناء . .

۵ اقول وانا . . محمد بن الحسین بن محمد رضا الشهیر باسمعیل المازندرانی . . . لما سألنی بعض الاصدقاء عن مسئلة خلافیة بین المتکلمین و کذلك بین الحکماء وهی ان ماسوی الله تعالی هل یفنی علی عمومه مجرداته و مادیاته . . . ام یبقی منه باق ببقاءالله تعالی من غیر ان یفنی دون النفخة الاولی . . . اجبته باختیار الشق الثانی فذکر ان بعض المعاصرین من الفضلاء یصیر علی الاول و یسنده ایضا الی بعض

۱۰ مشایخه ... ویقول ان الروایات صریحة فیه بل الآیات ثم التمس منی ذلك الصدیق ... آخوندنا . . مولانا محمد سعید . . . الاشارة الی ماهو موجب الخلاف والمختار عندی ... فاجبته الی ذلك .. وسمیته بهدایة الفؤاد الی نبذ من احوال المعاد .

ص ۹۲۱ و ۹۳۲ :

نسخهٔ اصل کفایة الالباب را که مسوده و پیش نویس شارح است در ۱۱۰۶ نوشته

۱۵ شده و بخط نستعلیق دارای خط خورد گیها و حاشیه رفته‌ها و سفیدیها است دیده‌ام و از دیباچهٔ آن برمیآید که نگارندهٔ عیون الحساب دراین تاریخ زنده نبود. شارح گویامیخواست کتاب را بنام شاه سلیمان کند سپس برگشت وروی نام او خط کشید و نام شاه سلطان حسین را بالای آن نوشت درپایان آن چنین افزوده دارد « هذا آخر ما اردنا شرحه . و نسئل الله ان یجعله خالصا لوجهه الکریم بلطفه

۲۰ العمیم وفضله الجسیم . تم . تم . تم . تم . تم . تم . تم . تم . فی سنة ۱۱۰۶ » .

نسخه‌هائیکه از این گزارش در دست هست باید از پاکنویس یزدی باشد نه از این نسخهٔ پیشنویس .

ص ۱۰۷۹ س ۱۱ :

باید ابوعلی بنیمان باشد . در محاسن اصفهانی مافروخی (ص ۳۳ و ۱۱۸) از ابوالعلاء بختمار فرزند بنیمان پسر خرزاد و هشفروز پسر خره پسر بنیمان از

سرایندگان پارسی و تازی روزگار او در سپاهان و همچنین (ص ۳۵) از سروشیار پسر بنیمان فیلسوف روزگار او (نیز در ترجمهٔ آوی از اینکتاب ص۱۲۵و۱۲۸و۱۲٦) یاد شده است نیز درالنقض رازی ص ۲۲٤، و یادداشتهای قزوینی ۳ : ۱۰۳ دربارهٔ رافعی که درتدوین ازاین نام یاد نمود (نیز درمجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات س ۳ ش ۲ ص ۱٦ تاریخ دی ماه ۱۳۳٤). ۵

ابومحمد بن محمد بن بنیمان کاتب همدانی نویسندهٔ نسخه‌ای از ذخیرهٔ خوارزمشاهی است درتاریخ ۵٤٦ و این نسخه اکنون ازآن دانشگاه میباشد.

ص ۱۰۸۱ س ۲۷.

صفدی درالوافی بالوفیات (چاپ ریتر دراسلامبول در ۱۹۳۱ - ۱:۱۱٦) می‌نویسد : ۱۰

الشیخ المفید الشیعی، محمدبن محمدبن النعمان بن المعلم، المعروف بالشیخ المفید، کان راس الرافضة؛ صنف لهم کتباً فی الضلالات، والطعن علی السلف، الا انه کان اوحد عصره فی فنونه. توفی سنة ثلث عشرة واربع مائة. و علیه قرأ المرتضی واخوه الرضی وغیرهما؛ و کانت وفاته بالکرخ؛ ودفن بداره؛ ثم نقل الی مقابر قریش ولامامات رثاه الشریف الرضی فقال : ۱۵

من لفضل اخرجت منه خبیئا ومعان فضضت عنها ختاما
من یثیر العقول من بعد ما کن همودا و یفتح الابهاما
من یعیر الصدیق رایا اذا ما سله فی الخطوب کان حساما

ص ۱۰۸۵ س ۹.

ابن حزم اندلسی (م٤٥٦) درفصل (٤:۱۸۲و۲۲۷ چاپ ۱۳۲۰) ازعلی بن الحسین (سید مرتضی) ودویار و همکار او «ابویعلی میلاد طوسی (طوس، درچاپ ۱۳٤۷ مصر٤:۱۳۹) وابوالقاسم رازی» یاد کرده ودو بیت ازلزومیات معری (ص۱۹۵) که درآن از ابن المعلم و باقلانی وجعل نام برده شده است آورد. درعبارت بالا گویا نامهای «ابویعلی محمدجعفری» (م٤٦۳) دامادمفید وجانشین او و «ابویعلی ۲۰

سلار دیلمی» (م ٤٤٨) شاگرد مفیدو مرتضی و« ابوجعفر محمد طوسی» درهم‌شده و اواین‌دانشمندان را درست نشناخت یا اینکه نسخه های چاپی فصل درست نیست.

ابوالقاسم رازی را هم من نشناخته‌ام همین اندازه میدانم که از شاگردان طوسی « مفید عبدالجبار رازی » واز شاگردان مرتضی « النقی بن ابی طاهر هادی نقیب رازی » یاد کرده‌اند ومن کنیهٔ این دورا نمیدانم (روضات ص ٣٧٦ و ٥٥٧) ۵ شهرستانی در ملل و نحل در آنجا که از آئین شیعی گفتگو میدارد می نویسد « ومن المتأخرین ابوجعفر الطوسی ».

ص ۱۰۸۵ س ۸ .

از نسخه‌های استبصار دارای تاریخ روشن در کتابخانهٔ طوس از ۱۰٤۱ است تا ۱۱٤۵ ودر کتابخانهٔ سپهسالار نسخه‌های تاریخ ۱۰۵۳ و ۱۰٦۳ و ۱۰۹۷ هست ۱۰ و پیدااستکه در سده‌های ۱۱ و ۱۲ نوشتن نسخه‌های آن روائی بسیاری یافته بود .

ص ۱۱۰۵

در آغاز امالی قمی چاپ قم در ۱۳۷۳ باندازهٔ وزیری در ٤۰۳ ص، سند روایت اینکتاب چنین است:

۱۵ از سیدنا ابوالحسن علی بن محمد بن الحسین القمی (ادام‌الله تأییده) در ۵۰۷ ازشیخ ابو الحسن علی بن عبدالصمد بن محمد التمیمی (رحمه‌الله) در ٤٧٤ از ابوبکر محمد بن احمد بن علی در ٤٢٣ وسید ابوالبرکات علی بن الحسن الحسینی در ٤٢٦ هردو از ابن بابویه در روز آدینهٔ ۱۲ شب ماندهٔ از رجب ۳٦۷

ص ۱۱۱٦ س ۲۰ .

۲۰ در تاج التراجم ابن قطلوبغا این شعر «سبقت العالمین الی المعالی ...» از ابوبکر بن مسعود بن احمد الکاشانی علاءالدین ملک العلما دانسته شد (چاپ فلوگل ص ٦٢ و ٦٣ - از یادداشتهای آقای مینوی) سید علیخان در انوار الربیع (فن اقتباس ص ۲۰۹) این شعررا از خیام دانست (دیوان راوندی چاپ آقای محدث ص٦٤) .

ص ۱۱۲٤ س ۱۵ :

۲۵ در اجازه‌ایکه مجلسی یکم بمجلسی دوم در ج ۱۰٦۸/۱ داده است چنین آمده : « عن جدی ابی نعیم احمد بن عبدالله الحافظ الاصبهانی المقبول عندالخاصة

والعامة وله كتب منها حلية الاولياء » (قصص العلما ص ١٦٤ - ذريعه ۱ : ١٦٢)
در اجـازۀ دیگر او بهمو نیز دارد « الحافظ ابی نعیم جـدی احمد بن عبدالله
الاصبهانی صاحب کتاب حلية الاولياء » (این اجازه درذریعه یاد نشد و من آنرا
در نسخه‌ای از استبصار بخط ابوالفتح بن محمد حسینی بسال ١٠٥٤ ودارای اجازۀ
قرائت مجیز برای مولی الیاس در پایان ربیع دوم ١٠٦٠ دیده‌ام و آنرا محمد باقر بن ۵
محمد مهدی نویسندۀ حاشیه‌های استبصار درهمین نسخه درنیمۀ روز ١٤/٢/١١٧٣
ازروی خط مجیز دردنبال نسخه نوشته و خود اجازه تاریخ ندارد)

در معالم العلما (ش ۱۲۱) در بارۀ او «عامی» آمده واز «منقبة المطهرين
وتربية الطيبين ومنازل من القرآن فی امیرالمؤمنین » او یاد شده است .

ص ١١٦٤ س ۲۱ . ۱۰

درطيف الخيال نگارش سیدمرتضی بسال ٤٢٠ واندی (چاپ مصر در ١٣٧٤
ص ٦٧ - ٦٩) شعرهائی از سیدبن محمد حمیری بروایت مرتضی از ابوعبیدالله
محمد بن عمران مرزبانی از محمد بن یحیی از محمد بن زکریای غلابی از عباسه
دختر همین حمیری آمده است .

ص ١١٧٣ س ١٠ : ۱۵

واحدی مفسر (م ٤٦٨) (الغدير ١٠٤:١ ازابن خلکان) .

ص ١١٨٥ س ٢٥ :

صفار درآغاز بصائر (ص ١١٨٧ س ١٧) و رجـال شیخ و معـالم العلما
ش ٦٥٩ و تنزيه القميين (ص ٣٨)«مموله ومملوله» خوانده شده است .

ص ١٢٧٢ : ۲۰

برای جوامع الكلم نیز بنگرید به بحار (١٧٤:٢٥) .

ص ١٢٧٣ س ٢٣ :

« غالك » نام دهی نیست بلکه از آن سال «١٠٢١» خواسته شده است(نیز
روضات ص ٣٦ چاپ دوم) .

ص ١٢٩١ س ١٥ . ۲۵

در «الشيعة والرجعة » ازمحمدرضای طبسی(چاپ ١٩٥٥ نجف ص١٢٥-
١٥٢)خطبۀ «بیان» بروایت ازیکی ازمحدثان ازمحمد بن احمد انباری ازمحمد بن

احمد گرگانی قاضی ری از طوق بن مالك از پدرش از نیایش از عبدالله بن مسعود از علی ع آمده و پذیرفته شده و آن یکی از دلائل برای امام زمان پنداشته شده است ؛ و همچنین در آن خطبة العجماء ذات البیان و خطبهٔ افتخـار و یعسوبیه و لؤلؤیة و تطنجیه برای بود همین امام گواه گرفته شده است .

۵ ص ۱۳۳٦ س ۲۳ :

برای الرسالة العلیه نیز بنگرید بفهرست مجلس (۲ : ۱۳ ش ۲۸).

ص ۱۳۳٦ س ۲۱ :

این بیت از ویس و رامین است (امثال و حکم دهخدا) .

ص ۱۲۳۲ س ۵ .

۱۰ این نسخه از تفسیر قمی را آقای نصیری بجناب آقای مشکوة بخشید و ایشان در اینکتابخانه گذارده‌اند .

ص ۱۳٦۵ س ۵ .

سرگذشت قـاضی نعمان در کتاب «الصلیحیون والحرکة الفـاطمیة فی الیمن (۲٦۸ - ٦۲٦)» از حسین بن فیض الله همدانی (ص ۲۵۳) یاد شده و از آن برمیآید

۱۵ که نسخهٔ همین شرح الاخبار او که در چهار جلد و ۱٦ جزء است و فضائل علی و امامان تا جعفر صادق و اسماعیل پسر او و محمد پسر این یکی و امامان مستور، و صفـات پیروان علی ، در آن آمده است هم در « المکتبة المحمدیـة الهمدانیه » هست؛ و همچنین بسیاری از نگارشهای دیگر او؛ و پیداستکه او اسماعیلی است نه امامی . اینهم گفته شود که از نوشته‌های نهانی اسماعیلی هرچه آشکار میشود

۲۰ و بچاپ میرسد این نکته را بهتر روشن میسازد کـه آنچه دستگاه فرمانروائی عباسی و پیروان آنها دربـارهٔ آنها گفته‌اند دروغ و ساختگی بوده و دستگاه اسماعیلی مصر و یمن کمتر از عباسیان باسلام پابند نبوده‌اند. چه اسماعیلیان خود قرمطیان و باطنیان و معطلان را کافر میخواندند؛ تا آنجائیکه ابویعقوب اسحاق بن احمد دندان سجستانی (کشفة ۲۳۱) در المقالید میگوید « الوقوف علی الحقائق

۲۵ فی الشرائع لا یسقط الاعمال اذ ان الاعمال الشرعیة من الدین و تارکها تارك الدین

والدين عندالله‌الاسلام » (الصليحيون ص ٢٤٤ و ٢٥٢). مؤيدالدين‌شيرازی (م ٤٧٠) هم درديوان شعرهائی درباره گرويدن باصول اسلامی دارد . (بنگريد بهمين الصلحيون) .

داعی پنجمين علی بن‌محمدبن‌الوليدالانف عبشمی قرشی (٦٠٥-٢٧ شعبان ٦١٢) درتاج‌العقائد ومعدن‌الفوائد (اعتقاد ٧٢) ميگويد :　　۵

« الاسلام محمول علی‌القول والنطق‌بالشهادة وترك‌المعصيته ، وهوالباب المدخول منه الی تطلب حقائق ماجاء به‌الرسول ، ومنه‌التعلق بجميع‌الطاعات وانطلاق‌النفس الی‌الفكرة فی اوامرالله ، والتزام ماجاءته شريعة‌الخالق » .

بنگريد به : «الصليحيون‌ص۲٤۸و۲۸٤و۲۹۱- فهرست ايوانف ش۲۳٤-

اين تاج‌العقائد اودردوازده باب‌است ودارای صدمسئلة اعتقادی . ترجمه‌مانندی　　۱۰
از همين بندرر A Creed of the Fatimids ازايوانف ص ۵۳ ش۷۲ هست.
همين عبشمی‌دربرابر «فضائح‌الباطنيه و فضائل‌المستظهريه» غزالی «دامغ‌الباطل وحتف‌المناضل فی‌الرد علی‌المستظهری» دردوازده باب نوشته است ونسخهٔ آن دركتابخانهٔ همدانی هست (ش ۲۲۰ فهرست ايوانف) .

حجة‌العراقين سيدناحميدالدين احمدبن عبدالله كرمانی داعی جزيرهٔ عراق　　۱۵
درزمان حاكم درراحة‌العقل كه در ٤١١ آنرا نگاشته است (ص۲۲) ازكتابهای ظاهری وباطنی كه بايد پيش‌ازآن‌خوانند يادكرده وازنگارشهای‌ظاهری همين قاضی نعمان‌بن محمد«الطهارة ، والدعائم ، والاقتصار، والاختصار، والمغازی» و همين «شرح‌الاخبار ، والمناقب والمثالب» را نامبرده است .

ص۱۳۹۵س۲۱

درترجمهٔ تاريخ نيشابور ابن‌البيع شيخ ابوعبدالله محمدبن عبدالله حاكم　　۲۰
حافظ نيشابوری (م ٤٠۵) كه دردوازده مجلد و بسال ۳۸۸ نوشته است يادی از اين صحيفه شده است . اين ترجمهٔ فارسی پيدا نيستكه كه از كيست ؛ همين اندازه‌ميدانيم كه درآن ازسال ۸۰۸و۸۳۲ يادگرديد . حاكم‌نيشابوری‌راشيعی هم‌خوانده‌اند (ذريعه‌۲۹:۱۹۹و۳:۲۹۳). پاره ازاين‌فارسی درفرهنگ ايران‌زمين

بچاپ رسید. اینك بخشی از آنرا که در بارهٔ امام هشتم است از روی نسخهٔ عکسی (گ ٦١ ب - ٦٤ ب) در اینجا می‌بینیم:

«مفاخر نیشابور قدیم که برکت آن تا ابد برسکان این بلده فایض و باقی است. از آنجمله آنکه چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار رب العالمین ولی الله صفی الله فلذة کبد رسول الله غوث الامة و کشف الغمة یوم الاخذ بالنواص و اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال لموازین الاخلاص حین التحاث والاستبثاث یوم البعث کما وعد فی المواقف الثلث عند المیزان و تطائر الصحف والصراط ببسط بساط الشفاعة والسری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر والجزاء الامام ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلواة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین واتباعهم اجمعین الی یوم الدین، در مدینه در شهور ثمان و اربعین و مائة، نور مقدس ایشان ظهور یافت، و در شهور اربع و تسعین و مائة ببصره بدرس حدیث و نشر علم بنصرة دین، آفتاب هدایت ایشان برامة تافت؛ و بتدوین نسخهٔ مبارك صحیفه، تقویة ملة حنیفیه، فرمودند پس بمقتضاء قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم یزل، بصوب خراسان عزیمة نمودند. و در سنهٔ مأتین من الهجرة، نشابور بمقدم حضرت ایشان روضات جنان شد (١) و چون بشارة سطوات شعشعه اشعهٔ آن نور، برقطر نشابور و میان سکان شهر مشهور شد؛ قطب الانام کهف العلماء برهان المجتهدین، این محب محبوب حقیقی نه مجازی؛ شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه

١- در برك ٢ الف دارد: امیرالمؤمنین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم، الرضا ابو الحسن الامام الشهید، ورد نیسابور سنة مأتین. فلما اوی الرضا نیسابور، واقام بها مدة؛ والمأمون بمرو، الی ان امر باخراجه الیه، ثم کان بعد ذلك ما کان. واستشهد بسناباد من طوس، لتسع بقین من شهر رمضان، لیلة الجمعه، من سنة ثلث ومأتین، وهو ابن تسع واربعین سنه وستة اشهر. و قال الرضا رضی الله عنه، من زارنی علی بعد داری اتیته؛ یوم القیمة فی ثلث مواطن؛ حتی اخلصه من اهوالها، اذا تطایرت الکتب یمینا وشمالا، وعند الصراط؛ وعند المیزان.

مروزی، قدس‌سره(۱)، شیخ شهر و مقدم‌ارباب کشف‌وولایة بود؛ ودر کبرسنش، آن شیخ مسن رهین‌سنن، باقدام براشغال(استقبال ؟) اقدام نمود؛ بتأیید توفیق غیبیه، تا قریه مؤیدیه، با چندهزارصدیق رفیق، درپی پیش‌وازرفتند و نقلست که حضرت سلطان، صلواةالله علی رسول‌الله وعلی آلهم، درمحفۀ برناقه غضباء خود سوار بودند؛ وقدوه اهل‌انس‌و ایناس، شیخ محمدبن اسلم طوسی را قدس سره (۲) درمحفۀ اجلاس فرموده بودند- فایده قبراین‌دوبزرگوار، در نشابور، برکناره‌خندق‌شادیاخ، برطرف راه روضۀ تلاجرد، در بناء یك‌صفۀ قوی، بهم قریب‌است - و آن اسوۀ احرار، کمربندگی بسته، و بحکم «من‌اغبرت قدماه فی سبیل‌الله؛ حرمه‌الله تعلی‌علی‌النار» دامن‌تاتتمۀ ساق‌بر کشیده، وشربت وعدۀ کمال قربت چشیده، زمام‌حظام‌مرکب‌حضرةامام‌اولیاءملك‌علام، بردوش‌احترام گرفته. ونقلست که‌متوجه بآن‌ابرار، ذره‌واردرهواء ولا، ازوراء قهقری، بشهر بازآمد؛ استفاده احکام واستکشاف اسرارمیکرد؛ و بزبان‌فصیح وعبارة صریح میگفت: که بروزقیام، ملك‌علام، جل‌جلاله، وسیلۀ نجاح‌ووصیلۀ فلاح‌من‌اینست که‌روزی دردنیا خادم و مهارکش مرکب حضرت سلطان خود بوده‌ام . و چون بنشابور ورود فرمودند؛ درمحلۀ « قز » در کوچه «بلاس‌آباد» خدام مقام اختیار کردند؛ ودرافواه واسماع فقرا مشهور بود، که چارسال‌در نشابورتوطن فرمودند، والعلم عندالله. وآن‌آستانه منزل‌مبارك، که مهبطه ارواح مقربین‌ومطاف‌ملایکه علیین بود. مانده بقاء آن شهرمآل‌اولیا وملاذ اصفیا ومحل اجابةدعاء اشراف آن شهر بود و خدام آن‌آستانۀ ولایة ، مرتب وبانواع اعزاز واکرام موظف میبودند. و بعضی از کرامة که درآن محله واقع‌شد، آن بود که برسرآن کویچه، حمامی

۱- در ۷۰ ب داود : « اسامی‌علماء بزرگ ، امامی محیی‌السنة مسلم قشیری ، امام‌المذاهب اسحق راهویه . .»

۲- درک ۷۱ الف دارد : « شیخ محمدبن اسلم طوسی، تربت اودرراه مزار تلاجرد است، زاهد زمان بوده؛ وخدمت امام علی‌بن موسی‌الرضا را دریافت، صلی‌الله علی‌رسول‌الله وعلی‌آله وسلم، وحدیث اروشنیده» .

خراب، وقناتی بایر، و محوطهٔ بود که آنرا حمام وقناة ومحوطه« کهلان» گفتندی.
اهل محله بعمارة حمام اهتمام کردند؛ تابوقت التفات خدام باستحمام، حاجة بمحلات
نباشد. و قصدی داشتند که چون عمارة تمام شود؛ اسباب آب از چاه یا غیر آن
پیدا کنند. چون حمام تمام شد بی خرج چرخ و سعی مقنی، از قناة« کهلان» بشتاب
آب روان شد. و حضرت سلطان، صلوات الله علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین ۵
اجمعین، بآن حمام در آمدند؛ و بشرف انتساب بحضرت ایشان متبرك شد؛ و آن
حمام بنام مبارك ایشان شرف اضافه یافت: «حمام سلطان» گفتندی. و امام حاکم
اززمان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست، ومتبرك خلق است. و یك کرامة
دیگر آن بود که روزی یك بادام بیکی از خدام دادند وفرمودند که درطرفی از
محوطه کهلان غرس نماید. خادم چنان کرد، غرس الفردوس بیده، سبز شد؛ ودرهمان ۱۰
تابستان بادام بسیار بار آورد؛ وبرگ وشکوفه و پوست ومیوهٔ آن درخت سبب
برگ ونوا و صحت و شفامرضی آن زمان بودی. تاچون بسی زمان بگذشت؛ ظالمی
غاشم درقهندز حاکم شد؛ وازقصور عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد؛
که محل آن درخت داخل قصر اومیبود. ودرخت را نضارة بذبول بدل رفته بود.
وبعضی اجرا و معمار و نجار را گفت تا آنرا قطع کنند. عمارت تمام ناشده آن ۱۵
ظالم و معمار و نجار و مزدور و هر کس بآن کار منسوب و برآن منصوب بود
هم درزمان اندك مردند. بعداز چند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد؛ بعمارة
همان قصر قصد کرد. چون بناء دیوار می کندند؛ اصل آن درخت درزمین نمود.
تمام قصهٔ گذشته با او گفتند. چون دلش سیاه و قصدش تباه بود؛ بعین استبصار
در آن نگاه نکرد گفت که چون درخت نیست واین در زیر خاك پنهان بوده؛ ۲۰
سهل بند است وآن بی اصل آن اصل را برداشت. عمارت ناساخته او وهمهٔ آن
اقوام، دراندك ی ازایام هلاك شدند. واز فواید مقام خدام ایشان بنشابور یکی
دیگر آنستکه روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت، وحضرة سلطان را، صلوات الله
وسلامه علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین، التماس اجابة نمود. وعده فرمودند

وعادة آن عصر، آن بود، که شریفی که دعوة بجهت ایشان بودی، صاحب دعوة، پیشتر طفیلیانرا بنشاندی؛ پس آنرا که اول مقصود بود، آخر حاضر کردی؛ تا انتظار احضار نباشد. آن عزیز، باین معنی، اولیاء و اعاظم علما و اشراف آن شهر را، جمع کرد وعادة دیگر، آن بود که در مجامع، پیشان صفها، صدر بودی؛ و بزرگان آنجا مجالس، اختیار داشتندی؛ و خدام بر کنار صفها بودندی، چون حضرة سلطان، ۵ صلوات الله علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین و سلم؛ رسیدند؛ صوفیان صفوف پیشان، صفها صفا، بانیل سعادت و اقبال، استقبال نمودند حضرة سلطان، بمتکاو نمارق مصفوفهٔ پیشان صفه، التفات فرمودند؛ و کنار صفه، بشرف ذیل خلعت و لایت حضرت ایشان، شرف یافت از آن حین تاقیام قیامة، درین دیار و سایر اقطار، کنارهاء صفها، صدر صدور و منازل افاضل شد؛ و بتبعیة آن یك بقعه، سایر بقاع، که آن نام داشت، ۱۰ دولت آن مکرمت و تعزز برداشت .

واز مفاخر نشابور، دیگر آنستکه: روزی حضرت سلطان، صلواة الله وسلامه علی رسول الله و علی آله المعصومین؛ در مجلسی بنماز قصد فرمودند؛ کسی سؤال کرد که محراب موضع قبله، مستقیم هست؛ دست آنکس گرفتند و بانگشت مبارك اشاره فرمودند؛ باب کعبه در مواجهه نموده شد، و آن محل تا غایة متعین است؛ ۱۵ برطرف قبله شارع عام از امام قهندز میگذرد، واقع است . و از مفاخر نیشابور دیگر آنستکه: حضرة سلطان، صلواة الله و سلامه علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین و سلم؛ روزی فرمودند که عبارتی کـه فی الجمله حکایت آن اینست: که مخدوم ما اینجا مدفون است، بزیارت ایشان رویم، و بروضهٔ سلطان محمد محروق در تلاجرد تشریف آوردند، و آن روضه مقدسه را زیارة فرمودند؛ و حال ۲۰ آنکه سلطان محمد محروق، در مرتبهٔ نسب، با والد حضرت سلطان، صلواة الله و سلامه علی رسول الله و علی جمیع آله الائمة المعصومین؛ مساواة دارند وبیان هردو نسب چنین ثابت و محقق است : الامام موسی بن الامام جعفر بن الامام محمد بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیرالمؤمنین ابوعبدالله الحسین بن امیرالمؤمنین

ویعصوب (یعسوب) المسلمین، کرم‌الله وجههم، و نسب دوم: الامام‌محمدبن‌الامام محمدبن الامام زیدبن الامام زین‌العابدین علی بن الامام امیرالمؤمنین ابی‌عبدالله الحسین‌بن امیرالمؤمنین و یعسوب‌المسلمین، کرم‌الله وجههم

واز مفاخر نشابور دیگر آنستکه: اگر چه ائمه سادات، درخاك پاك بسیار روضات ۵ دارند؛ اما اکثر روضات قرب، از عیون اعیان وصدور نشابور، پوشیده است. مگر آنکه دریکشنبه شانزدهم جمادی‌الاولی سنة اثنین و ثلثین و ثمان مائة درقرب جوار روضهٔ تلاجرد، روضهٔ سلطانی ازاهل‌البیت، قدوهٔ اولیا واصفیا، صلواةالله علی رسول‌الله وعلی آله‌الائمة المعصومین‌اجمعین؛ پیداشد؛ بااین‌لقب و نسب که مسطور میشود، مکتوب بررقی منشور مضبوط درسی معمور، بخطی‌مطبوع، موضوع درون ۱۰ روضهٔ حضرت ایشان . « هذا قبرالشریف الحسین‌بن ابوعبدالله داودبن علی‌بن عیسی بن محمدبن‌القاسم بن الحسن‌بن زیدبن‌الحسن‌بن علی‌بن‌ابی طالب، کرم‌الله وجههم؛ دفن فی تلاجردالعلیا. توفی، رضی‌الله‌عنه؛ لیلةالخمیس من ربیع‌الاول سنة اثنین وثلثمائة من‌الهجرة»(۱) وازدرخانقاه تلاجرد، بجانب شرق بمقدارده‌ذراع تقریباً، روضهٔ مقدسهٔ ایشان‌است، رضوان‌الله تعالی‌علیهم اجمعین، واز مفاخرشهر ۱۵ قدیم، این‌قصهٔ کریم، که‌درالسنه مذکورودرافواه مشهورست که. حضرت‌سلطان، صلواةالله‌وسلامه علی رسول‌الله‌وعلی آله‌وسلم، در نشابور، بمنبر برآمدند؛ونقلست که چند هزاردواه‌وقلم، اعیان امم، مرتب داشته؛اقتباس انواراسرار افادهٔ ایشان میکردند. حضرت‌سلطان. این‌حدیث معنعن از اباء اولیاءاصفیا خود، با حضرة خواجه کاینات صلواةالله و سلامه علیهم وعلی آلهم الائمةالمعصومین اجمعین الی ۲۰ یوم‌الدین؛روایة فرمودند که: « التعظیم لامرالله، والشفقة علی خلق‌الله».

دیگر ازمفاخر نیشابور آنستکه: منشاء ومقر و مظهر انوار ولایة چند هزار از مقربان حضرة و ائمه عظام ملة بود؛ که اسامی‌نفیسهٔ حضرت بعضی ازایشان، رضوان‌الله علیهم اجمعین؛ دراین اجزا واوراق سابقه، ذکرشده؛ و هریك را

۱ــ درهامش دارد : « دوباره شده، روضهٔ مقدسه ایشان، رضی‌الله عنهم اجمعین .!»

از کرامات و مقامات بسیار بود؛ که این نسخه قابل بیان آن نبود .»

درباب ۳۵ عیون اخبارالرضا که برای صاحب عباد (۳۲۶-۳۸۵) و پس از ۳۵۲ (ص۳ و ۳۸۱) نوشته شده (ص۲۷۳ نیز بحار ۱۲: ۳۴ و برکات المشهدالمقدس ش ۵۸۱ گ ۲۵٤ الف) بروایت از ابوواسع محمدبن احمدبن اسحق نیشابوری چنین آمده که گفت: شنیدم از نیایم خدیجه دختر حمدان پسرپسنده، که امام رضا او را پسنده نامیده بود که او در کوی قز(غز) بلاشاباد نیشابور، درخانهٔ همان پسنده نیای من فرودآمده بود؛ و بادامی درخانهٔ ما کاشت که سریکسال بار داده و مردم از آن میبردند؛ و باآن بیماریها درمان میکردند؛ و روی چشمیکه درد میکرد میگذاردند و آن به میشد؛ و زن آبستن اگراز آن میخورد دشواری زادنش آسان میگشت وهماندم میزاد؛ وشاخ آن روی شکم چارپائیکه باد قولنج داشت میکشیدند ازدردمیرهید . روزگاری گذشت ودرخت خشك شد . حمدان شاخه‌هایش را که برید کور گشت؛ وپسرش ابوعمرهم چون آن درخت را بریده ازروی زمین برداشت؛ زندگی وخواسته‌ایکه بردرفارس داشت وبهفتاد تا هشتاد هزار درهم میرسید، ازدست داد. پسران ابوعمربن حمدان ابوالقاسم وابوصادق، که نویسندهٔ محمدبن ابراهیم سیمجور بوده‌اند؛ چون خواستند آن خانه را از نو بسازند وبیست هزار درهم هم هزینهٔ آن شده بود؛ بیخ همان درخت که در آنجا مانده بود بکندند، و سرانجام یکی از آندو تن را که زمینها و دیهها فرمانروای خراسان میداشته‌است، در کجاوه‌ای بنیشابورش آورده‌اند؛ وپای راستش چون سیاه شده بود آنرا بریدند، ویکماه پس‌ازآن بمرد دیگری بزرگتراز او بود؛ ودردیوان شاهی نیشابور نویسندگی میکرده است . روزی یکی‌از نویسندگان بدو گفت چشم بد دور؛ دردم دستش بلرزید وخامه از آن بیافتاد و دستش آبله برآورد . او بخانه باز گشت و بدستور ابوالعباس‌دوروزخون گرفت . چه پنداشتند که ازگرمی است . دستش سیاه شد وگوشت آن بریخت و اوهم بمرد و ایندو برادر دریکسال بود که درگذشتند .

درهمین عیون (ص ۲۷۵) دارد: که امام در نیشابور در کوی قزیا (غز) فرود آمد و در آنجا گرمابه‌ای بساخت که بنام او میشناختند. در آنجا چشمه‌ای بود که آبش کم‌شده بود. او کسی را واداشته‌بود که آب از آن بیرون بیاورد. همینکه آب آن فراوان شده‌بود؛ آبگیری در بیرون آن ساخت که چند زینه پائین میرفته‌است. امام برسر آن چشمه رفت واز آن شستشو کرد و بیرون آمد و بر پشت آن نماز گذارد. مردم ازاین پس بدانجا میرفتند وخود درامی‌شستند؛ واز آن آب می‌نوشیدند و برپشت چشمه نماز میگذاردند و نیازها که میداشته‌اند برآورده میشد. آن چشمه را امروزه «عین کهلان» میگویند و مردم بدانجا میروند.

درعیون (باب ۳٦ ص ۲۷٤) و برکات (گـ ۲۵۵ الف) از گفتهٔ ابوالصلت هروی چنین آمده که امام رضا آنگاه که بنیشابور میرفت، براستری سفید (بغلة شهباء) سوار بود و محمدبن رافع و احمدبن حرث و یحیی‌بن یحیی و اسحق‌بن راهویه ودانشمندان دیگر که در آنجا بودند، درچهارسوی (مربعه) شهر لگام استرش بگرفتند، واز او درخواستند تا سخنی که از پدر شنیده است بر گوید. او سراز کجاوه برآورد و مطرف خزی دو رویه (ذووجهین) دربرداشته بود. پس گفت از پدرم شنیدم واواز پدرانش‌تا پیامبرشنیده بود که جبرئیل بدوچنین گفت: «انی اناالله. لااله الا انافاعبدونی. من جاء منکم، بشهادة ان‌لااله‌الاالله بالاخلاص؛دخل فی حصنی؛ و من دخل فی حصنی؛ امن من‌عذابی».

بسند دیگر (ص ۲۷۵) از اسحق‌بن راهویه دارد که امام چون میخواست از نیشابور برود؛ اصحاب حدیث نزدش گرد آمدند ودرخواستند که حدیثی بر گوید. او سراز کجاوه بیرون کرد و گفت «لااله الاالله حصنی.فمن دخل‌حصنی؛ امن من عذابی» سواری او که کمی گذشت باز آواز درداد که: «بشروطها وانا من شروطها» (نیز بحار ۲:۳۵ از امالی)

درعیون (ص ۲۷٦) ازابونصراحمدبن الحسین‌بن احمدبن عبید ضبی ازپدرش از پدرش، عبید ضبی آورده که چون امام بنیشابور آمد؛من بکارهای او

میرسیدم؛ تا اینکه او بمرو وسرخس رفت؛ ویك مرحله هم ازسرخس بگذشت؛
و من با او بودم؛ وبمن گفت برگرد. من از اوحدیثی درخواستم؛ اواز پدرانش
از پیامبرازخدای آورد . « لااله‌الاالله‌اسمی· من قاله‌مخلصاً من‌قلبه؛ دخل حصنی.
ومن دخل‌حصنی؛ امن من عذابی » .

۵ درترجمةالمناقب (گ ۳۷۸ الف) از ابوالصلت آمده که امام بر « بغلة
شهبا » سوار بود وبنیشابور رسید · دانشمندان شهرمانند احمدبن حرب ویاسین
نصرویحیی بن یحیی ودیگران درسر چهارسوی (مربعه) بلگام‌استرش بیاویختند
وحدیث درخواستند. او گفت : «الایمان معرفة بالقلب ...» (حدیث‌دوم صحیفه) .

احمدبن حنبل میگفته‌استکه که‌اگراسناداین‌حدیث را بردیوانه (مجنون)
۱۰ بخوانند برهد . عبدالرحمن‌بن ابی‌حاتم اززبان پدرش میگفته‌استکه اگر آنرا
بردیو زده (مصروع) بخوانند بهوش‌آید .

اربلی درکشف‌الغمه (ترجمهٔ آن گ ۳۷۸ الف ـ نیز بحار ۱۲ : ۳٦)
ازکتابیکه نام‌آنرا فراموش کرده بود، چنین آورد کـه : عمادالدین محمدبن
ابی‌سعیدبن عبدالکریم وزان،درمحرم ۹۵٦ از تاریخ نیشابورآورده، کـه امـام
۱۵ بر (بغلهٔ شهباء) روی زینی از سیم سره سوار بود؛ وبنیشابور رسید . ابوزرعهٔ
رازی ومحمدبن اسلم طوسی از حافظان احادیث،دربازار شهر نزد اورسیدند،
ودرخواستند که رخ بدانهابنماید، وحدیثی برای‌آنها ازپدرانش برگوید · پس
استررا نگاه بداشت و مظله را برداشت؛ اورا مانند پیامبردو گیسو بوده است .
مردم همینکه اورا بدیدند دسته دسته ایستادند ومیگریستند و می نالیدند و سینه
۲۰ وجامه میدریدند ودرخاك می‌غلطیدند . برخی خودرابدومیرسانده رکاب ومهار
استرش میبوسیدند تا اینکه روز بنیمه رسید وداوران و پیشوایان بمردم دستور
دادند که خاموش گردند تا سخنان امام را بشنوند . نویسندگان بجز «دوات» ها
چهارهزار « محبره » آماده کرده‌بودند. از ابوزرعهٔ رازی ومحمدبن‌اسلم‌طوسی
خواسته شد که حدیث امام را املا کنند . امام ازگفتهٔ پدرانش‌فرمود که · « کلمة

لااله الاالله حصنی. ومن دخل حصنی؛ امن من‌عذابی ».

ابوالقاسم قشیری میگفت که این حدیث یکی ازپادشاهان سامانی‌رسید آنرا بآب زر نوشت و بسپرد که‌آنرا درگورش نهند. پس‌از مرگ او را درخواب دیدند و پرسیدند که با تو چه کرده‌اند؟ پاسخ داد که خداوند مرا برای اینکه دوشهادت بگفتم وآن خبر بزرنوشته‌ام بیامرزید.

همین حدیث دربحار (۱۲:۳٤) ازامالی شیخ‌آمده که ابوالصلت هروی باامام رضا بوده واو بر « بغلهٔ شهباء » سوار بود ودانشمندان نیشابور بپیشوازش‌آمده وچون او بچهارسوی (مربعه) رسید لگام استرش‌بگرفتند وحدیث درخواستند. او سر از هودج بیرون کرد و از پدران خود آورد که خدای گفت: انی اناالله لااله الاانا وحدی. عبادی فاعبدونی. ولیعلم‌من لقینی منکم، بشهادة ان‌لااله‌الاالله مخلصابها، انه‌قددخل‌حصنی؛ومن‌دخل‌حصنی؛امن‌من عذابی» پرسیدند که«اخلاص شهادت» چیست» فرمود: طاعةالله،وطاعة رسول‌الله،و ولایةاهل بیته‌علیهم‌السلام».

ص۱٤۱۷ س ۹:

درریاض‌العلماء (ش ۹۹۳ ص ۱۸۵) چنین‌آمده است:

« ابولؤلؤ هو فیروزالاعجمی الفارسی المعروف بین‌الشیعة بباباشجاع‌الدین- والیه ینسب عید باباشجاع اعنی یوم قتل عمربن‌الخطاب وهویوم‌التاسع من شهر ربیع‌الاول وقیل یوم الرابع والعشرین من ذی‌الحجة و قیل والعشرین منه و قیل و السادس والعشرین منه و ان یوم التاسع من شهر ربیع الاول انما هو یوم قتل عمربن سعد قاتل‌الحسین ع او یوم ورد فیه راسه من‌الکوفة الی المدینة بخدمة مولانا علی‌بن‌الحسین ع فلاحظ - غلام المغیرةبن شعبة وکان عبده المملوك وقدکان فیروز یکنی بابی لؤلؤ وهو قاتل عمربن‌الخطاب رضی‌الله عن القاتل ولعن‌الله المقتول. والمعروف کون ابی‌لؤلؤمن خیارشیعة علی‌ع وقدیقال انه‌کان من‌العامة بل قیل فی عصرناهذا انه قدکان کافرأولم یکن مؤمنا وانماصدر منه قتل عمربن‌الخطاب للعداوة التی حصلت له من اجل حکمه علیه کمااستعملها مجملا. و بالجملة الظاهر ان‌القول بکفره انما نشأ من افواه‌العامة حیث انه قتل

امامهم . فتأمل . ثم هذاالرجل غیرمذکور اصلا فی کتب الرجال لعلمائنا المتداولة
الیوم بین اصحابنا . ولم اجدله روایة ایضا فی کتب احادیثهم . و اما قصة عمربن
الخطاب و سببه کما قد حکی جماعة من العامة والخاصة و منهم بعض اصحابنا
المتأخرین عن الشیخ علی الکرکی ره قال فی «عقدالدرر فی بیان بقر بطن عمر» وهو
بعینه «کتاب الحدیقة الناضرة والحدقة الناظرة» واعلم ان فیروز اسم جماعة اخری ۵
ایضا منهم فیروز الدیلمی ابوعبدالله ویقال ابوعبدالرحمن الحمیری من ابناء فارس
من فرس صنعاء وقد وفد علی النبی ص وهو قاتل العیسی الکذاب المتنبی ومنهم
فیروزبن کعب الازدی الکوفی ومنهم فیروز الهمدانی الرادعی الذی ادرك الجاهلیة
والاسلام فلاتظنن اتحاده مع هؤلاء . وقد اورد الشیخ فرج الله الجزائری شرح
احوال هؤلاء الثلثة فی کتاب رجاله فلاحظ ولم یتعرض لذکر ترجمة ابی لؤلؤ ۱۰
فیروز المذکور » درهامش دارد : « قد الف امیر شاهی القزوینی رسالة فارسیة
منفردة فی ردائة نسب عمر وانه کان ولدالزنا وهی رسالة جیدة حسنة الانشاء
فلاحظ » .

شجاع الدین ابولؤلؤ فیروز ایرانی نهاوندی که بهنرهای درودگری
وآهنگری ونگارگری و کنده کاری آشنا بوده است مانند هزاران مرد وزن ۱۵
دیگر گرفتار دستگاه فرمانروائی تازیان شده بود. او را از نهاوند بمدینه برده
و بردگی مغیرة بن شعبه میکرده است وروزانه میبایست از دسترنج خویش دو
درم که درزندگی آنروز گران بوده است بخواجهٔ تازی خویش دهد . اینکه
اورا حبشی و ترسا خوانده اند باید درست نباشد؛ وگویا خواسته اند بگویند که
همهٔ مردم ستمدیدهٔ آنروز دردشمنی با دستگاه فرمانروائی یکدل و یك زبان ۲۰
بوده اند وتنها یك ایرانی دست بکشتن خلیفه نبازیده وایرانی وحبشی وزردشتی
وترسا همه ازآن دستگاه بیزاری داشتند .

باری فیروز، با همدستی هرمزان از بزرگان ایرانی که ببردگی عباس
پسر عبدالمطلب دچار شده بود وجفینه از ترسایان حیره وآموزگار نویسندگی

درمدینه که سعد پسرابی وقاص را بندگی میکردهاست بادیگر ترسایان و یهودان و با آگاهی کعب‌الاحبار یهودی، عمرفرمانروای تازی را با زخم کاردی حبشی بکشت . کعب‌الاحبار که ازاین همدستی این گروه آگاه‌بوده‌است، سه‌روز پیش، بنام اینکه درنوشته‌های آسمانی مرگ خلیفه پیش بینی شده‌است، خود اورا هم
٥ آگاه ساخته بود وسه بارهم تا عمررابکشند این پیش‌بینی راآشکارداشته است. یکسال پیش در مکه هنگام حج هم دسته‌ای میخواستند آسیبی بعمر برسانند ونشده بود . پیداستکه فیروز با یاران او جز برای میهن وزندگی ازدست رفتهٔ خود دست بدین کار نزده بودند . فیروز را پس‌از این دلیری خواستند دستگیر کنند . او دوازده تن دیگررا هم زخمی کرد و خودرا هم بکشت یا اینکه بقم
١٠ گریخت و گویند که گورش در فین کاشان در کنار شاهراه میباشد . دستگاه فرمانروائی هم چون دید که مردم از آنها خشنود نیستند و رهبر آنها را نابود ساختند؛ هرمزان که هیچ گناه‌آشکاری‌نداشت وجفینه‌و کودکی‌ازهمان فیروزرا بکشتند؛ و عثمان هم برای اینکه سعد ابی‌وقاص رادلجوئی کند خونبهای جفینه بردهٔ او را بخود او داده است . برای اینکه ستمدیدگان دیگر هشیار نشوند
١٥ واندیشهٔ نافرمانی نکنند؛ کارادنبال نکردند و پوشیده بداشتند . ازاینجااستکه تنها در کتابهای شیعی که درآنها چندان دلبستگی دربارهٔ آن دستگاه نشان داده نمیشود ؛ از مرگ عمر و فیروز بسزا گفتگو میگردد . در بحار (٨ : ٣١٤ - ٣١٦) دارد که دانشمندان شیعی و سنی کشته شدن عمررا درذی حجه میدانند ولی ابن‌طاوس وحسن‌بن‌سلیمان حلی روایتی از امام‌عسکری(ع)
٢٠ آوردند که آن در نهم ربیع یکم رخ داده و بگفتهٔ همین‌ابن‌طاوس‌ایرانیها این روز را بزرگ میشمارند .

کفعمی‌میگوید که نهم‌ربیع روزشادی هست ولی‌عمردرآنروز کشته نگردید. درزادالمعاد مجلسی (فصل ١ باب ٨) آمده که مورخان مرگ عمر را در ٢٦ یا ٢٧ ذی‌حجه میدانند ولی از کتابهای باارزش شیعی برمیآید که اودرنهم ربیع

کشته شد و میان محدثان شیعی پیشین همین شهرت داشت و اکنون هم میان
تودهٔ مردم هم همین مشهورمیباشد. بگفتهٔ مجلسی درهمانجای بحار، ابن طاوس
دراقبال (ص ۵۹۸ چاپ ۱۳۲۰ تهران) بروایتی از ابن‌بابه از صادق (ع) اشاره
نمود. پسر او هم درزوائدالفوائد همان روایت عسکری را آورده و گفت که
باید آنروز را جشن گرفت. دسته‌ای میگویند که نهم ربیع روز مرگ عمر ۵
سعد است. این عمر سعد را مختار درخانه‌اش بسال ٦٦ بکشت ولی ننوشته‌اند
چه روزی(طبقات ابن‌سعد ۱/۳:۹۷و۵:۱۱۰ - طبری ٤:۵۳۲ - شرح‌الثار ابن‌نما
دربحار ۱۰:۲۹۱ - اعلام زرکلی ۲ : ۷۱۵ - ناسخ‌التواریخ درسر گذشت سجاد
۲:٦۵٦)بنوشتهٔ قمی‌درمفاتیح (ص۲۹۸ چاپ۱۳۵٦) نهم ربیع نخستین روزامامت
حجت است وعید«بقر» میباشد. پیش‌از همهٔ اینها مفیددرمسارالشیعه (ش ۱/۵۰٦ ۱۰
گ ۹ ب) چنین نوشته است : « الیوم‌التاسع منه (یعنی الربیع‌الاول) یوم‌العید
الکبیر وهوعیدالبقروله شرح کبیرفی‌غیرهذاالموضع وعیدفیه‌النبی‌ص وامرالناس
ان یعیدوافیه ویتخذفیه‌المریس » (مریس نانی‌بود دربغداد و تریت را هم گویند -
دوزی و ترجمهٔ قاموس).

باری روز کشته شدن عمررا مورخان روزچهارشنبه سه یا چهار یا شش ۱۵
یا هفت شب ماندهٔ از ذی‌حجهٔ سال ۲۳ هجری و مرگش را درشب چهارشنبه
یا پنجشنبه هم نوشته‌اند همچنین روز یکشنبه یکم محرم سال ۲٤ (بنگرید به :
طبری ۳:۲٦۳ وکامل ابن اثیر ۳:۲۰ و فرهنگ دهخدا ۲ : ۷۸۹ و ناسخ‌التواریخ
جلد ۲ کتاب ۲ ص ٤۲۸ والفاروق عمر از محمد حسین هیکل ۲ : ۳۰۵ - ۳۱۰
و۳۲۲-۳۲٤و۳۳۱ وعبقریة عمر ازعباس محمود عقاد ص ۳٤۷). ۲۰

تقی‌الدین‌ابراهیم کفعمی (۹۰۵) میگوید : مردم شیعی می‌پندارند که عمر
در روز نهم ربیع یکم که خوب است درآن سور و مهمانی داد و جشن گرفت
وپوشاك نوپوشید وروزه‌هم نگرفت کشته‌شد ودرست‌نیست چه‌محمدبن‌ادریس
درسرائر گفته که همهٔمورخان میگویند که چنین‌نیست ومفید در کتاب‌التواریخ

همچنین گفته وعمر روز دوشنبه چهارروز ماندهٔاز ذی‌حجهٔ۲۳ کشته شدچنانکه صاحب‌الغرة و صاحب‌الطبقات و صاحب کتاب مسارالشیعه و ابن‌طاوس گفته‌اند بلکه اجماع شیعی و سنی براینست (جنةالامان‌الواقیةوجنةالایمان الباقیة نوشتهٔ ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۸۹۵ فصل ۴۲ ش ٤٤ گ ۲۳۸) .

۵ ص ۱۵۳۵ س ۱۳ .

مصادقةالاخوان دراین چاپ با تصحیح و نشر جناب آقای مشکوة میباشد .

ص ۱۵٤٤ س ۲۲ .

این نسخه از مقامات‌النجات شوشتری با تصحیح استاد محترم جناب آقای مشکوة میباشد .

۱۰ ص ۱٤۵۹ س ۹ .

کافی درتهران از سال ۱۳۳٤ بچاپ میرسد و یك جلد آن درآمده و در دیباچهٔ آن سرگذشتنامه‌ایست برای کلینی بتازی از دوست دانشمند ماآقای حسینعلی محفوظ عراقی که بسی رنج برد و زندگی وکار این دانشمند شیعی‌را تااندازه‌ای روشن نمود . آقای شیخ آقا بزرگ تهرانی‌دانشمند بزرگوار هم ۱۵ رساله‌ای کوچك دربارهٔ کافی نوشته ودرپاسخ پرسش چرندابی تبریزی که چرا خبرهای کافی‌بگماشتگان امام زمان که دربغدادباکلینی میزیسته‌اند نموده نشده تا خبر سستی اگردرآن هست بیرون ریخته شود؟ چنین گفته‌اند که:شیعیان باید بهمان روش متداول بروند و پیمودن راه علم واقعی بایستنی نیست .

آقای حاج آقاحسین بروجردی رهبردانشمندشیعی‌هم رساله‌ای‌دربارهٔ کلینی‌و ۲۰ کافی‌نوشته‌است.افسوس که آنراتاکنون‌دردسترس‌دوستاران کلینی نگذارده‌اند .

این هم گفته شود که تاریخ ۳۲۶ که کاظمی برای مرگ کلینی‌نوشته‌است هیچ نباید درست باشد ودرست هم همان سال ۳۲۹ استکه نجاشی آورده نه ۳۲۸ که طوسی گفته است .

ابوجعفر کبیر که نظام‌الملك گفته است شاید یکی از سران اسماعیلی باشد

نه کلینی شیعی امامی . از النقض رازی (ص ۱۵و۱۶و۱۷۹) برمیاید که ابوجعفر کبیر نام ابن‌بابویه قمی است .

ص ۱۵٤٦ س ۲٦ .

برای سرگذشت قمی نیز بنگرید به النقض رازی ص۱۵و۱۶و۱۷۹ که او دراینجاها ابوجعفر کبیر خوانده شده است. نیز خلاصهٔ حلی ص ۷۲ ورجال ابن داود .

ص ۱۵۹۵ س ۲۱ .

تلخیص البیان رضی را محمد عبدالغنی حسن در مصر بسال۱۳۷٤ ازروی چاپ عکسی تهران بچاپ سربی رساند ودردیباچهٔ بسیارسودمند آن سرگذشت رضی را آورد . همین کتاب درنجف بسال ۱۳۷۵ از روی همان چاپ عکسی ونسخه‌ای دیگر که آغاز وانجام دارد باکمبودیهائی درمیانهٔ آن بازبچاپ سربی رسیده است وازاین برمیآید که تلخیص ازروز پنجشنبه ۲۰ شعبان ٤۰۱ تا روز یکشنبه ۱۳ شب گذشتهٔ ازشوال همین سال بنگارش درآمده است .

ص ۱٦۱۹ س ۱۰ .

ابن‌الراوندی سید ضیاءالدین تاج‌الاسلام علم‌الهدی ابوالرضا فضل‌الله‌بن علی‌بن عبد (عبید) الله حسنی علوی کاشانی راوندی چنانکه ازنوشتهٔ سرگذشت نگاران برمیآید در ۵۱۱و۵۲۹و۵۲۳و۵۳۳ و۵٤٦ و٥٤٨ و٥٤٩ و دو سه سالی پس‌ازهمین سال ٥٤٩ زنده‌بود وعماد کاتب در٥٦٢ که درشام رفته‌است نمیدانست اوزنده بود یا درگذشت. مگر اینکه از آنچه درنسخهٔ نهج‌البلاغه کابلی آمده ودرص ۱٦۱۸–۱٦۲۱ می‌بینم برمیآید که او پیش‌از پایان رجب ۵۸۷ وشاید هم پیش از ربیع یکم همین سال درگذشته بوده است . پس او میان ۵۵۱ و ۵۸۷ مرده است.(نیزبنگرید به ص۱٤٥٤ همین فهرست ودیباچهٔ دیوان همین راوندی چاپ تهران بسال ۱۳۳٤ بکوشش آقای محدث) .

سید راوندی را آورندهٔ « ادعیةالسر » خوانده‌اند و آنرا در یك سندی

ازاو روایت کرده‌اند (مستدرك ۳: ۳۲٤ و ٤۹٤) محمد مؤمن طالقانی در دیباچهٔ گزارشیکه بفارسی برآن نوشته است (ش ۹۷۰) هم سندهای آن را یاد نمود (فهرست آقای منزوی ۱: ۱۳۰- ذریعه ۹: ۳۹٦).

مجلسی در بحار (۱۹: ۲۷۱-۲۷٦) این دعاها را از البلدالامین کفعمی آورده ودرپایان آنها سه رشته‌سند برای آنها یاد کرد. دوتا از برخی‌از کتابهای اجازات ازخط سید نظام‌الدین احمدبن‌الحسن‌بن ابراهیم حسنی حسینی شیرازی ازعمش مجدالملة والدین اسمعیل از پدرش شرف‌الاسلام ابراهیم از شیخ صدرالدین ابراهیم‌بن محمدالمؤید ازسدیدالدین یوسف‌بن‌علی‌بن مطهرحلی ازمهذب‌الدین ابی‌عبدالله حسین‌بن فرج نیلی ازمفیدابی‌علی حسن‌بن‌محمد طوسی ازپدرش شیخ طوسی؛ نیزاز همان صدرالدین از بدرالدین محمدبن ابی‌الکرم عبدالرزاق‌بن ابی‌بکربن حیدر از قاضی فخرالدین محمدبن خالد ابهری از سید راوندی از ابوالصمصام ذوالفقاربن محمدبن معبد حسنی از شیخ طوسی از ابی‌عبدالله حسین‌بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری از ابی‌محمد هرون بن موسی تلعکبری ازابی‌علی محمدبن همام اسکافی ازحسین‌بن زکریای بصری ازصهیب‌بن عبادبن صهیب از پدرش عباد ازصادق از پدرانش تا علی ع .

یکی دیگر از ابن‌طاوس درفتح‌الابواب (باب ٦ گ ۲۲ ش ٦۱۷) از ابوعلی حسن‌بن احمدبن ابراهیم‌بن شاذان ازابوجعفراحمدبن یعقوب‌بن یوسف سپاهانی درج ۳٤۹/۱ ازابوجعفراحمدبن علی سپاهانی یارشاذکونی‌ازابواسحق ابراهیم‌بن محمدبن سعید ثقفی ازاحمدبن‌محمدبن عمربن یونس یمانی ازمحمدبن ابراهیم‌بن نوح اصبحی و ابوالخصیب سلیمان بن عمروبن نوح اصبحی از باقر از پدرش ازعلی ع. این دعاها با دوسند درالجواهرالسنیة عاملی (چاپ ۱۳۰۲ ص۱۲۹- ۱٤۵) هم آمده واو میگوید که طوسی و کفعمی‌دردومصباح خود پاره‌هائی‌ازاین ادعیه را آورده‌اند . اورشتهٔ سند دوم آن را چنین یاد میکند : از سید راوندی از روی خط محمدبن احمد (بن محمد) بن حسن‌بن محمدبن حسین‌بن مهرویهٔ

کرمندی واز گفتهٔ پسرش شیخ خطیب احمد از روی خط احمدبن ابراهیم بن
محمدبن ابان از احمدبن محمدبن عمربن یونس یمانی (یمامی) ازمحمدبن ابراهیم
اصبحی ازابوالخصیب بن سلیمان از باقر ازعلی ع (این سند را باانده کی جدائی
درجنگی هم دیده‌ام و در ذریعه هم این سندها هست) و سند نخستین او از پسر
شیخ طوسی است . اینهم گفته شود که خود کفعمی سندی برای این ادعیه یاد ۵
نکرده است .

ص ۱٦٦۵ س ۱۷ .

ابن داود در رجال خود (گ ٤۵ الف) از علامهٔ حلی یاد کرده و گفت
که او درروزگار خود درمعقول ومنقول رهبر واستاد همه است ودر٦٤۸بزاد .
ص ۱۷۲٤ س ۲۱ . ۱۰

چنانکه یاد کرده‌ام درمرآة القاسان میرزاعبدالرحیم سهیل ضرابی کاشانی
که در۱۲۸۷ دستورنگارش آنرا گرفته ودرتهران بسال۱۲۹٤ بانجامش رسانده
(ش۵٤۷۵ مجلس) وبخشی از آن درفرهنك ایران زمین بچاپ رسیده است سرگذشت
ملامهدی نراقی (نراق ۱۱٤۹- نجف ۱۲۰۹ در ٦۰ سالگی) و پسرش ملا احمد
و پسرش حاجی ملامحمد حجة‌الاسلام وفهرست نگارشهای آنان هست . ۱۵

نسخه‌ای ازاجازهٔ احمدبن محمدمهدی بن ابی‌ذربن حاج محمد قمی نراقی
کاشانی برای برادرش محمد مهدی درذی‌حجهٔ ۱۲٤٤ بخط نسخ خود اودرآغاز
نسخه‌ای ازعوائد نراقی بخط خوداودیده‌ام واستادان خوددرادرآن چنین برشمرده
است: نخست پدراو محمدمهدی (م شب شنبه ۸ شعبان ۱۲۰۹) که شیخ یوسف بن احمدبن
ابراهیم بحرانی ماحوزی نگارندهٔ حدائق وآقامحمد باقر بهبهانی و شیخ محمد ۲۰
مهدی بن شیخ بهاءالدین فتونی عاملی نجفی و مولی محمد جعفر بیدگلی کاشانی
و محمد اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی سپاهانی خواجوئی و محمد مهدی
هرندی سپاهانی وشیخ محمدبن حاج محمد زمان کاشانی نوش‌آبادی استاد او
بوده‌اند. دیگرسیدمحمدمهدی بن سید مرتضی طباطبائی حائری نجفی ونگارندهٔ

الریاض سید علی بن محمدعلی کاظمی خواهرزاده و داماد فاضل بهبهانی و میرزا محمدمهدی بن ابی‌القاسم موسوی شهرستانی و شیخ محمد جعفر نجفی .

ص ۱۷۸۸ س ۲۱ .

نسخهٔ شمارهٔ ۷۰۸ ایضاح‌الفوائد اصل میباشد .

ص ۱۹۲۹ .

اجازهٔ محقق حلی بزین‌الدین ابوالحسن علی بن رشیدالدین محمدبن سعید که در کلیشه می‌بینیم چنین است :

« قرأ علی‌الولد العالم الفاضل‌الفقیه زین‌الدین ابوالحسن علی بن رشیدالدین محمدبن سعید هذاالکتاب من اوله الی آخره قراءة مهذبة واصغیت الی ایراده محتاطا و سألنی عن مشکله واستوضح عن مبهمه و مظلمه فاجبته بما انتهت الیه الطاقة و بلغته القدرة مما اعتمد علیه من فتاویه وما‌اختاره من مقاصده ومعانیه ... (دو کلمه خوانده نشده) ضابطاً حافظا واذنت فی روایة ذلك عنی فلیروه متی‌شاء واحب غیرحرج و کتب جعفربن‌الحسن‌بن‌سعید شعبان سنة خمس‌وسبعین وستمائه حامداً لله مسلما » .

تاریخ مرگ محقق دردنبال همین اجازه بدینگونه نوشته شده‌است : « توفی مصنف هذاالکتاب و ... من (درج) داره ضاحی‌نهارالخمس ... سنة ستة وسبعین وستمائة » .

درلؤلؤتی‌البحرین شیخ یوسف بحرانی چنین آمده است :

قال‌بعض‌الاجلاء الاعلام من متأخری المتأخرین: رأیت بخط بعض‌الافاضل ماصورةعبارته: « فی صبح یوم‌الخمیس ثالث عشر ربیع‌الآخر سنة ست و سبعین و ستمائة سقط‌الشیخ الفقیه ابوالقسم جعفربن الحسن بن سعیدالحلی ره من اعلی درجة فی داره فخرمیتا لوقته من‌غیرنطق ولاحرکة فتفجع‌الناس لوفاته واجتمع لجنازته خلق کثیر وحمل الی مشهد امیرالمؤمنین ع وسئل عن مولده فقال سنة اثنتین وستمائة » .

این عبارت در منتهی‌المقال فی احوال‌الرجال ابوعلی و رجال مامقانی (۲۱۵:۱) وفوائد رضویه (۱ : ٦٤) و کنی و القاب قمی و روضهٔ بهیهٔ سید شفیعا و قصص‌العلما تنکابنی (ص ۲٦۰) همه از همان لؤلؤتی‌البحرین آمده است . این عبارت که‌آن دانشمند بخط خود نوشته است مانند همین عبارتی است که درزیر همین‌اجازه نوشته شده است. افسوس که بیشترآن فرسوده و پاك شده وهمهٔ آن خوانده نمیشود . ۵

نگارندهٔ روضات (ص ۱٤۹) مینویسد که میگویند : « انه ره فی صبح یوم‌الخمیس ثالث عشرشهر ربیع‌الآخر سنة ستة وسبعین و ستمائة سقط عن اعلی درجة داره فخر میتا لوقته من غیرنطق ولاحرکة » آنگاه میگوید که این مانا درست‌نیست . مگراینکه ازعبارت یاد شده که درنسخهٔ مابارنجی خوانده میشود ۱۰ برمیآید که این سخن درست است و تاریخ مرگ اوهم نیمهٔ روز پنجشنبه (نه بامدادآن) و گویاهم۱۳ع۲ (این تاریخ درنسخهٔ ما دراینجا زیرکاغذ رفته و پیدا نیست) سال ٦۷٦ است نه ٦۷۷ که در رجال ابن‌داود نسخهٔ ما آمده است (ص ۱۹۲۵) .

نگارندهٔ ذریعه (۱ : ۱٦٤) ازهمین اجازهٔ حلی بهمین زین‌الدین که باید ۱۵ پسر عموی پدری او باشد یاد کرده و می نویسد که او آنرا بخط خود بریشت نسخه‌ای از شرایع درشعبان ٦۷۵ نوشته است . پیداست که او همین نسخهٔ ما را دیده است . او نسخه‌ای دیگر از جزء یکم شرایع یاد میکند که شیخ محمدبن اسماعیل‌بن حسین‌بن‌الحسن هرقلی آنرا بخط خود درروز پنجشنبه ۱۵ رمضان ٦۷۰ نوشته و بر حلی خوانده بود و او بخط خود روی آن نوشته که در روز ۲۰ چهارشنبه ۱۸ ذی‌حجهٔ ٦۷۱ خواندن آن بپایان رسیده است . پس باید شرایع پیش از ٦۷۰ بنگارش درآمده باشد و او هم تا پایان زندگی آنرا درس میگفته است .

ص ۱۹۵٦ س ۲۲ (اجتهادیهٔ شهید دوم) :

درذریعه (۱۰ : ۴۲) از « ذم التقلید و اتباع الآباء » یاد گشته است نیز بنگرید بفهرست طوس (۲: ۱۴۲ ش ۶۴۳).

ص ۱۹۶۹ س ۱.

فخر المحققین در پایان جامع الفوائد فی شرح خطبة القواعد دردنبال عبارت « اجابة لاحب الناس الی واعزهم لدی » چنین مینویسد :

« اقول: انی لما اشتغلت علی والدی قدس الله سره (رحمه الله) فی المعقول والمنقول؛ و قرأت علیه شیئا کثیرا من کتب اصحابنا؛ فالتمست منه ان یعمل لی کتابا فی الفقه جامعا لقواعده، حاو لفوائده، مشتملا علی غوامضه و دقائقه، جامعا لاسراره وحقائقه، یبنی مسائله علی علم الاصولین وعلی علم البرهان؛ وان یشیر عند کل قاعدة الی مایلزم مهام من الحکم؛ وان کان قدذکر قبل ذلك مافیه معتقده وفتواه ومالزم من نص علی قاعدة اخری وفحواها؛ لتنبه المجتهد علی اصول الاحکام، وقواعد فتاوی الحلال والحرام. فقد یظن کثیر من الجهال المقلدین، تناقض الاحکام فیه؛ ولم یعلموا ان المراد ماذکرناه؛ فیظنون ان علیه سئوالا واردا؛ ولم یعلموا انهم لم یفهموا من کلامه حرفا واحدا. کما قیل ویل لشعر الجید، من رواة السوء » (نسخهٔ خطی تاریخ ۱۰۲۹ باقواعد ودو نسخهٔ سپهسالار ش ۲۲۲۷ باقواعد و ۲۲۶۴ با جامع المقاصد).

نسخه‌ای ازقواعد از نکاح تا انجام آن در کتابخانهٔ مرکزی آمده که درپایان آن دارد « اتفق الفراغ من کتاب قواعد الاحکام فی الحلال والحرام، بتوفیق الله تعالی، علی ید العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربه اللطیف، ابراهیم بن علی بن الحسن الطریحی، فی ثامن شهر رجب المبارك من شهور سنة اربع وعشرین وسبعمائة هجریة؛ و صلی الله علی محمد وعترته الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا ه » — « انهاه ایده الله تعالی، قرأة وبحثا و فهما و ضبطا واستشراحا؛ وذلك فی مجالس، آخرها سادس عشری جمادی الاولی سنة سبع وعشرین وسبعمائة؛ والحمد لله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد وعترته . کتب محمد بن الحسن المطهر، بالحلة السیفیة » (آنچنانکه من توانستم بخوانم).

ص ۲۰۰۹ س ۲۱ .

نوری در مستدرك (۴۹۶:۳) سر گذشت «سلار» را آورده و اورا «حمزه» نامیده و تبرستانی خوانده و نوشته که «مراسم» او را محقق نگارندهٔ شرایع بدرخواست برخی از یاران خویش گزین نموده است.

ص ۲۱۱۵ س ۵ . ۵

آغاز و انجام در ۱۳۱۳ ق هم با فصول فارسی و جبر و اختیار و جام جهان نما (مانا از دشتکی) در تهران باندازهٔ بغلی و بخط نستعلیق بچاپ سنگی رسید و در ۱۳۳۵ خ هم بیاد هفتصدمین سال در گذشت خواجهٔ طوسی در چاپخانهٔ دانشگاه چاپ شده است.

ص ۲۲۰۱ س ۲۲ . ۱۰

نام این « حاشیه نحوی » را پس از دیدن نسخهٔ دیگری از آن که آنهم آغاز نداشت و با نگریستن بفهرستها دریافتم که « ضوء المصباح » میباشد.

خود مصباح در نحو و در پنج باب است و سه باب آن در ص ۲۲۰۲ یادشده و چهارم آن « العوامل المعنوية » و پنجم آن « فصول من العربية » میباشد. این کتاب میان دانشجویان متداول بوده و از ناصر بن عبدالسید مطرزی نحوی (م ۱۵ ۶۱۰) میباشد و گزارشها بر آن نوشته‌اند. یکی از آن گزارشها از تاج الدین محمد بن محمد بن احمد اسفرائینی (م ۶۸۴) است بنام مفتاح که خود آنرا بدستور استاد خود برهان الدین نسفی بنام «الضوء» گزین نموده است (چلبی ۴۴۸:۲) و نسخه هائی ازاین « الضوء » دردو فهرست قاهره (۷۸:۴ و ۱۳۹:۲) و فهرست طوس (۳۳:۳) وفهرست عربی پاریس (ش ۴۰۰۹ تاریخ ۷۷۹) شناسانده شده (نیز فهرست نام ۲۰ کتابها درهمین فهرست پاریس) و آن در لکهنو بسال ۱۸۵۰ بچاپ رسیده است. (معجم المطبوعات ص ۴۳۶) برهمین ضوء هم گزارشها و حاشیه‌ها نوشته‌اند (چلبی) آغاز آن چنانکه دردو فهرست قاهره و طوس آمده چنین است: «ان احق ما نتوشح بذکره صدور الکتب والدفاتر» و در انجام آن مانند نسخه دیگری که دیده‌ام و نسخهٔ

طوس «والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب» دارد درباره نسخه‌های تاریخ ۹۸۲و۹۷۳و۸۳۷و۷۵۵ هست

ص ۲۲۳۳

الرسالة الولایه در فهرست طوس (۱ ۲۲و ۳۹۰) از سه نسخهٔ تاریخ ۹۱۷ و بخط محمد بن احمد بن فهد بی‌تاریخ و نسخه‌ای دیگر از همین کتاب بنام «ولایه» در ٤ فصل و یک خاتمه از شیخ احمد تولابی یا شیخ علی تولابی شاگرد شهید یکم یا شیخ یوسف شاگرد همین شهید یا شیخ احمد بن فهد یاد گردید و دارد که در آن از شهید یکم سخنانی بسیار آورده شده است در ذریعه (٤ ۵۰۱) از آن بنام التولایة یاد گردید و از شیخ علی تولابی (؟) بحار بری عاملی شاگرد شیخ مقداد سیوری و زبدهٔ درسدهٔ نهم دانسته شد

ص ۲۲۹۷ س ۱

نسخهٔ شرح شواهد آستانهٔ طوس درست از روی نسخهٔ کامل آقای آیه‌الله‌زاده نوشته شده و مانند آن همان کم و کاستی‌ها را دارد و هرچه در آن سفید گذارده شده در این هم سفید مانده است و چند برگی که در آن نیست در این هم نیست این نسخه پیشها در تهران بوده و بآستانه رفته است (آقای آیه‌الله‌زاده برای کامل‌ترساختن نسخهٔ خود بمشهد طوس رفته و این نسخه را با نود آقای ولائی نگارندهٔ جلدهای چهارم و پنجم فهرست آستانهٔ طوس و آقای اوکتائی با نسخهٔ آنجا سنجیده‌اند و چیزی در نیافته‌اند)

ص ۲۳۲٤ س ۸

کردعلی در خطط الشام (٤ ۲۰) میخواهد بگوید که خالد دانشمندان آشنای بدانش یونانی بوده و نخستین بار کتابخانه‌ای بنیاد گذارده و هم کیمیاگران برای او از یونانی و قبطی بعربی در آورده‌اند و کتابهائی در پزشکی و ستاره شناسی برایش ترجمه کرده‌اند و «اصطفن قدیم» کتابهای کیمیائی را از یونانی و لاتینی بعربی در آورده است و خود خالد پزشکی را از یحیی نحوی بیاموخت (ربنهٔ

در سده ۷ و ۸ مسیحی) و کیمیا را از مریانوس رومی فرا گرفت مگر اینکه «روسکای» آلمانی چنین داستانی را نپذیرفته است (مجله آسیائی پاریس سال ۱۹۲٤)

ص ۲۳۲۵ س ۲۰

فصول فارسی و ترجمهٔ تازی آنرا من بیادبود هفتصدمین سال در گذشت خواجهٔ طوسی بچاپ رسانده‌ام ۰

دربارهٔ گزارش عبدالوهاب استرابادی که در دیباچهٔ این چاپ (ش ۳) با تاریخ روز چهارشنبه ۲۳ رجب ۸۳۳ یاد کرده‌ام ازروی نوشتهٔ آقای مدرس رضوی بوده است و خودم در همین فهرست (ص ۵۹۳) بگواهی پایان نسخهٔ ش ۳۲۳/۲ نوشته‌ام که استرابادی آنرا از روز شنبه ۲۱ محرم تا ۲۰ صفر ۸۷۵ نوشته است نسخه دیگر دانشگاه (ش ۳۲۰/۱) از پایان کم‌دارد. دراعیان‌الشیعه (۱ ۳۳٤) ازشرح فصول نصیریه علامهٔ حلی یاد شده‌است اگرشرح عبدالمطلب موسوی راهم بشمار بیاوریم سیزده گزارش برای فصول تازی خواهیم داشت (مدرس رضوی ص۲۵۲و۳٤۳- فهرست برلین ص۳٤۰ش۱۷۷۰)از مستدرك (٤۰۵) برمیآید که گزارش کمال الدین حسن استرابادی (ذریعه ۱ ۲ ع) کهن‌ترین گزارش آمیختهٔ شیعی است

ص ۲۳۲۸ س ۵

از گزارندگان قواعدالعقائد محمود بن علی بن علی بن محمود حمصی رازی است بنام کشف المعاقد فی شرح قواعدالعقائد و نسخهٔ آن در برلین هست (فهرست برلین۲ ۳۳۹ ش۱۷٦۹) و او باید از خاندان سدیدالدین محمود (محمد) بن علی بن الحسن بن محمود تاج رازی حمصی دانشمند شیعی زندهٔ در۵۸۳ودر گذشتهٔ پس از ۶۰۰ باشد (گفتار نگارنده دربارهٔ نهایه در فرهنگ ایران زمین) و گویا او همان شرف الدین محمود رازی است که بیست وسه پرسش ازروم برای خواجهٔ طوسی آورده بود وطوسی بدانها پاسخ گفته است

(همین فهرست ص ۱۸٦- سرگذشت طوسی از آقای مدرس رضوی ص ۲٤۹و۳٤۳ وازآقای مدرسی زنجانی ص ۲۲۱و۱۸٤- آداب اللغه جرجی زیدان ۳ ۲۳٤ - این هم گفته شود که آقای مدرس نام شرف الدین را محمدبن محمود یاد کرده است (ص ۲۸۲)

ص ۲۴۰۳ س ۲۲

الارجوزة فی الطب یاالفیه در ۱۳۲۶ بیت و با یك دیباچه‌ای به نثر با ترجمهٔ تازه فرانسوی و ترجمهٔ کهن لاتینی در پاریس بسال ۱۹۵۶ بچاپ بسیار زیبائی رسیده ودر آغاز ومیانه وانجام آن در بارهٔ آن و گزارشها و چاپها و نسخه‌های خطی آن بررسی شده است .

۵ ص ۲۴۱۰ س ۱۷ .

درهمین مختصر اوسط (۱۹۹ الف) نیز دارد « وقد استقصینا هذاالمعنی فی تلخیص انولوطیقا » پس شیخ پیش‌از ابن رشد بنگارش « تلخیص» پرداخته‌است .

ص ۲۴۲۳ س ۱۷ .

شهرستانی (۴۷۹ – ۵۴۸) درملل و نحل آنجا که از سخنان ابن‌سینا گواه گرفته است گزیده‌ای از نجات را آورده وبسیاری ازعبارتهای حکمت عروضی ۱ مانند آنچه در نجات آمده است‌در آن دیده‌میشود (آنچنانکه من این‌دو کتاب را باهم سنجیده‌ام) چنانکه پیش‌از او غزالی (۴۵۰ – ۵۰۵) درمقاصدالفلاسفه همهٔ دانشنامه را با اندکی جدائی بزبان تازی درآورده است (گفتار آقای احمد خراسانی درجشن هزارهٔ ابن سینا)

۱ ص ۲۴۲۶ س ۱۳ .

دهمین مقالهٔ « المعالجات‌المقراطیه » دربارهٔ بیماریهای جگر وسپرز وامعاء وساخت‌وسود آنها است و در ۴۹ باب (نسخه‌های پزشکی‌و ملك) چنین است این کتاب

آغاز الحمدلله‌المتفرد بالوحدانیه‌والقدره‌والرحمة‌والافاضه‌والجود‌مبدع‌الکل ۲ و معرف‌النفس و واهب‌العقل الجواد الذی لم یخل‌العالم قط من‌فیضه وجوده حمده‌مقر له بالمعبود به شاهد بالربوبیه معترف بانعامه مستدل علی وحدانیه باعلامه نهایه کل‌خیر وفضل ومبدء کل شرف والمنزه عن‌الرذائل والنقص واسأله ان یصلی علی خیر مبعوث دعاالی اکرم معبود محمد و آله‌اجمعین .(اما بعد)ثم انی لما رأیت الاوائل من‌الافاضل‌الاطباء دونوا الکتاب لیودوا بمنفعةالناس بهابعض مایلزمهم

من حق الله . . ولم يتجاوروا ذلك في القسمة والبيان . وفي زماننا هذا فقد قلت
الرغبة في جميع الصنائع الفاضلة . . حتى اقتصروا من الطب على معرفة الفصد الردي .
وتركوا استعمال القوانين في شيء من مداواتهم البتة واعرضوا عن كتب العلماء
الاوائل واقتنعوا بالنظر في كتب المتأخرين من اهل النقص والمعرفة وطلاب السمعة
والتمويه والكذب والتدليس فهم الحداعون على ماسماهم جالينوس الذباحون ٥
بالحقيقة. فنحن رأيت ذلك حضر في نية مقرونة بالنية في ان اصف كناشا مشروحا
واسلك فيه سبيل بقراط في صحة المعالجة و اصف علة علة و اقسمها قسمة الجنس
الى النوع حتى انتهى في ذلك الى نوع الانواع و الى واحد بالعدد لا ينقسم ثم
اضيف (اصف) مداواة كل مرض عند ابتدائه و تزيده و انتهائه و انحطاطه وابين
مواضع التغيرات التي تدخل و علاماتها واسمح بما صنف غيري من الدستورات ١٠
المأخوذة عن المشائخ الافاضل و عن سواء غيرهم و اقرن كل مداواة بالقوانين
اللازمة لها وابين كيف يجب ان يبحث الطبيب عن السبب السابق والسبب البادي
والسبب الواصل عند ما يريد استخراج معرفة جنس العلة ونوعها وابين الادوية التي
صلح لمداوة كل علة و مقدارها والاوقات التي يستعمل فيها واجعله جامعاً للعلم
والعمل التام حتى لا يغلط احد ممن ينظر فيه او يداوي منه ولو انه كاتب او اديب فضلا ١٥
عن الطبيب واسميه « المعالجة البقراطية » واجعله عشر مقالات. المقالة الاولى في
الفصول التي لا يستغني الطبيب الذي ليس بفيلسوف عن معرفتها و هي خمسون
فصلا (بابا) . . المقالة العاشرة في امراض الكبد والطحال والامعاء و ذكر خلقتها
ومنفعتها وهي تسعة واربعون بابا بسملة المقالة الاولى في الفصول التي لا يستغني
الطبيب الذي ليس بفيلسوف عن معرفتها لئلا يكون غفلا اذا سئل عن شيء منها ٢٠
قد ذكرناها على جهة الاخبار بها و تعريفا لا على جهة التعليم لان التعريف لا يحتاج
الى اقامة للبرهان عليه والتعليم يحتاج الى ذلك فيأخذها على طريق التقليد الى
ان يمكنه البحث عنها وقد بينا الكتب والمواضع التي يحتاج اليها اذا اراد البحث
عنها وهي خمسون فصلا ...

انجام (ف ۹٤ مقاله ۱۰ در انواع قولنج) وهذا الموضع يجب ان يتأمله الطبيب تأملا شافيا وان مصنفي الكنانيش قصروا في هذا النوع واما بستخرج هذا من قوة كلام جالينوس ومن الاولى والاسبه من سائر العلاجات (المعالجات) نعمدادلته من الاعراض ومما (نحمده) يحده ومتى وقع تقصير في تأمل (تأمل) شيء

۵ من ذلك وقع بحسبه النقصان في المعالجة . تمت المقالة العاشرة من الكناش المعروف بالمعالجات البقراطية بحمد الله وتوفيقه .

سرگذشت همين ترنجي در مطرح الانظار في تراجم اطباء الاعصار تبريزي (ص ۱۰٦) آمده است . در کشف الظنون وذیل آن آنچه من گشته‌ام از این کتاب نه بنام کناش و نه بنام المعالجة یا المعالجات البقراطية یاد نشده است

۱۰ نفيس بن عوض بن حكيم الطبيب در شرح اسباب در آنجا که از ماليخوليا سخن میدارد از گفته‌های طبری در بارهٔ دیوانه شدن فارابی وعیسی بن ماسویه میآورد (ص ۱۳۷ چاپ سنگی سال ۱۳۰٤ در تهران)

ص ۲٤۲۳ س ۱۷ .

از فهرستهای طوس (٤ ۲٦۳) وقنوابی (ش۲۳) و آقای دکتر مهدی (ش۱۱۸)

۱۵ برمیآید که کهن‌ترین نسخهٔ کامل نجات نسخهٔ س ۱۰۵٤ و ۱۰۵۵ طوس است که حسن بن ابی الفضل شاه بن حسن سامانی جنزی در پایان شعبان ۵۲٤ نوشته است پس از آن نسخهٔ جار الله در استانبول بشماره ۱۳٤۵ ودارای تاریخ ٦۱۸ میباشد . از نسخه‌ها که جزر یاضی همهٔ فنون را دارد نخست باید نسخهٔ ش ٤۵٦/۳ بادلیان را که در ٤٦۵ نوشته شده است شمار آورد سپس نسخهٔ ش ۱۹۳۷/۱ اسعد در استانبول

۱۰ بتاریخ ٦۰۳ و پس از آن نسخهٔ ش ٦۸۱ سلیم آغا مورخ ٦۵۵ میباشد

نسخه‌ای کامل از نجات دیده‌ام که برای خزانهٔ « علاء الدوله ابو کالیجار گرساسب دوم پسر امیر علاء الدوله ابو منصور علی پسر ظهیر الدین ابو منصور فرامرز پسر علاء الدوله عضد الدین ابو جعفر محمد کاکو بن دشمن زیار از پادشاهان کاکوئی‌بویه‌ای سپاهان وهمدان (٤۸۸-۵۱۳) نوشته شده است (ترجمهٔ عربی زامباور ص۳۲۸) ودر صفحهٔ عنوان آن دارد .

« لخزانة الملك الاجل السيد المؤيد (النصير) المنصور شمس الملوك عضد الدين علاء الدولة و جمال الملة ظهير... ابو كاليجار گرشاسب بن علی بن فرامرز حسام امير المؤمنين اعزالله نصره » پس این نسخه باید از کهن ترین نسخه‌های کامل نجات که ما میشناسیم باشد . این را هم میدانیم کــه دانشنامه برای همان محمد بن دشمن زیار کاکوئی (٣٩٨-٤٣٣) نگاشته شد است . (چهار مقاله ص١٦٩)

ص ٢٤٥٥ س ٢ ٥

این دانشمند مازندرانی گزارسی بسیار سودمند بر اصول کافی نگاشته‌است و جلد نخستین آن در عقل و توحید ، ودومین جزء در حجت است که در روز پنجشنبه یکم رمضان ١٠٦٤ از آن بیاسود و در پایان آن گفته که کتاب دعا را گزارش خواهم کرد جزء سوم در ایمان و کفر است تا پایان کتاب العشرة که در انجام آن نوید داده است که کتاب الطهاره را هم گزارش کند (نسخه‌های دانشکدهٔ حقوق) ١٠ درفهرست سپهسالار (١ ٣٥٩) گزارش روضهٔ کافی او هم شناسانده شده است ٠

ص ٢٥٦٠

در ریاض العلماء افندی چنین آمده است

الشیخ جمال الدین ، او کمال الدین علی بن سلیمان البحرانی ، الفاضل الجلیل الصمدانی ، والحکیم العالم الربانی ، استاد ابن میثم البحرانی ، کان من معاصری خواجه نصیر الدین الطوسی . و قال العلامة فی الخلاصة : کان عالما بالعلوم العقلیه ١٥ والنقلیه ، عارفا بقواعد الحکما ؛ وله مصنفات حسنة . انتهی . و قال الشیخ حسن فی اجازته وامارأیت من مصنفاته ، کتاب مفتاح الخیر فی شرح دیباجة رسالة الطیر ، للشیخ ابی علی بن سینا ، و شرح قصیده ابن سینا فی النفس ، وفیها دلالة واضحه علی ماوصفه به العلامة وزیاده . انتهی . وقال الشیخ المعاصر فی امل الآمل بعد نقل الکلامین : وروی العلامة عن الحسین بن علی بن سلیمان ، عن ابیه ، مصنفات ابیه. ٢٠ انتهی اقول ٠ وقد یروی العلامة ، عن کمال الدین ابن میثم البحرانی ایضاً عنه ،

وهو يروى عن الشيخ كمال الدين ابن سعادة البحرانى ، على ما ظهر من اول غوالى اللئالى لابن جمهور الاحسائى . ثم قد رأيت ايضا ، فى خزانة الكتب الموقوفة بقسطنطنيه ، من بلاد الروم ، ذلك الشرح ، للقصيدة المذكورة ، وهو كما وصفه العلامة . و قال الشيخ حسن قدس سره : وهى القصيده العينية لابن سينا ، ويعرف ذلك الشرح بالمنهج المستقيم على طريقة الحكيم ، و اول تلك القصيده « هبطت اليك الخ » فادرج الشيخ ابوعلى ، فيها اكثر المطالب الحكميه ، وقد شرحها جماعه اخرى من العامة والخاصه اقول هذا الشيخ ، هو الذى ارسل الى الخواجة نصير ،

۵ رساله العلم و توابعها ، من مسائل المعارف ، لاستاده ، اعنى الشيخ كمال الدين اباجعفر احمد بن على بن سعيد بن سعاده البحرانى ، والتمس منه شرح تلك الرسالة ، و توضيح مسائلها المشكلة ، وقد شرحها الخواجه نصير ، وارسلها اليه ، و تعرض فيه للرد على الشيخ كمال الدين بن سعادة ، المصنف المذكور ، فى بعض مواضعها ، واجاد فيه ، ثم جمع هو تلك الرسالة ، و ذلك الشرح ، فى رسالة مفرده معروفة .

۱۰ و قال الخواجه نصير ، فى اول شرحها ، فى مدح على بن سليمان هذا ، هكذا . « اتانى كتاب من الجناب الكريم »

ص ۳۲۱ س ۲۷

این نسخه با نسخهٔ ش ۱۰۷۹/٤ ص ۱۸۷ یکی است و من آنرا ازروی همین نسخه ۱۰۷۹/٤ و نسخهٔ ش ٤٦٨١ کتابخانهٔ ملک بیادبود هفتصدمین سال درگذشت

۱۵ خواجه طوسی در ۱۳۳۵ در « سه گفتار خواجه طوسی » بچاپ رسانده‌ام نسخهٔ ۸۶۳/٤ با آن نسخه اندکی جدائی دارد

اینک فهرست کتابهای اهدائی استاد بزرگوار و دانشمند ارجمند جناب آقای سید محمد مشکوه بانجام رسید و نگارندهٔ با جبران از راهنمائیهای علمی و کمکهای مادی و معنوی که اردوران تحصیل تا کنون آنجناب در بارهٔ بندهٔ مبذول فرموده‌اند سپاسگزارم و این فهرست را که هرچه چندان ارزشی ندارد بایشان تقدیم میدارم

محمد تقی دانش‌پژوه

فهرست نام کتابها

فہرست نام مؤلفان

نام | صفحه

نام | صفحه

فهرست نسخه‌ها روی شماره‌ها

شماره	عنوان
۱۲۷	روح‌الاحباب
۱۳۶/۱	معارج
۱۴۹/۱	نصایح
» /۵	ذهبیه
» /۶	سوزو گداز
۱۸۵	نورالقبور
۱۸۶	مصابیح‌القلوب
۲۱۰	زواهرالجواهر
۲۲۹/۲	درمان اسب
» /۳	اختیارات
۲۹۲/۲	ترجمهٔ نهایهٔ طوسی
۳۲۱	تعلیقه
۳۶۹ـ۳۷۰	جنات وصال
۳۸۱	رساله فقهی و فلسفی
۳۹۸/۳	اسرارالصلوة
۴۰۶/۱	کشف‌المحجه
۵۰۱	ترجمهٔ جلاءالعیون
۵۰۲/۱	سلوة‌الحزین
» /۲	اربعین
» /۳	»
» /۴	حدیث عمامه
» /۵	خطب علی
» /۶	اربعین

شماره	عنوان
۵۰۲/۷	اربعین
» /۸	شهاب‌الاخبار
» /۹	اهلیلجه
۵۰۴	خصال
۵۰۵	مقتل
۵۰۶/۱	مسارالشیعه
» /۲	المسائل
» /۷	روضة‌المتقین
۵۰۹ـ۵۱۳	تفصیل وسائل‌الشیعه
۵۱۴	اختصاص
۵۱۵	بشارة‌المصطفی
۵۱۶	تفسیر قمی
۵۱۷	مناهج‌الشارعین
۵۲۲	دوحة‌الاخبار
۵۲۳	معجزات‌الائمه
۵۲۵	توحید قمی
۵۲۶ـ۵۷۱	بحارالانوار
۵۷۲	امالی
۵۷۳	ترجمهٔ امالی
۵۷۵/۳	گفتگوی دیک‌الجن وهرون
» /۴	اسرارالنکاح
» /۶	کتاب سلیم
۵۷۶	استبصار

شماره	عنوان
٥٧٧	شافی
٥٧٨/١	غیبت
٢/ »	انسان العیون
٥٧٩	جوامع الکلم
٥٨٠	حلیة الابرار
٥٨١	برکات المشهد المقدس
٥٨٢	فرائد السمطین
٥٨٣–٥٨٥	تهذیب الاحکام
٥٨٦	بصائر الموحدین
٥٨٧	مسکن الشجون
٥٩٠/١	الرسالة العلیه
٢/ »	انگشت شماری
٥٩١/١	غرر الاخبار
٣/ »	رسالة الرضا الی المأمون
٤/ »	تهلیلیه
٥٩٢	العمده
٥٩٣	غایة المرام
٥٩٤	عیون اخبار الرضا
٥٩٥	علل الشرائع
٥٩٦	منهج الیقین
٦٠٠–٦٠٢	الدمعة الساکبه
٦٠٣	بهجة المباهج
٦٠٤/١	نظم اللئالی
٢/ »	مصادقة الاخوان
٦٠٥	تحفة الائمة
٦٠٦/١	التحفة الرضویة
٢/ »	عقائد اصولین
٣/ »	آغاز و انجام

شماره	عنوان
٤/ ٦٠٦	خطبة علی
٦٠٧	عیون اخبار الرضا
٦٠٩	تعلیقه سجادیه
٦١٠	تذکرة الفتن
٦١١	سنة الهدایة
٦١٢–٦١٣	هدایة الامة
٦١٤/١	مجمع البحرین
٢/ »	المواسمة و المضایقة
٦١٥	امالی
٦١٦	ارشاد
٦١٨/١	المعجب
٢/ »	مثیر الاحزان
٦١٩	کفایة المهتدی
٦٢٠	مسلی المصابین
٦٢١	مناقب
٦٢٢/١	وسیلة النجاة الموصلة الی سبیل الهداة
٦٢٣	زبدة التصانیف
٦٢٤	روضة الواعظین
٦٢٥–٦٢٦	الاستبصار
٦٢٧/٢	فهرست رجال مسند کتاب من لا یحضره الفقیه
٦٢٧/١–٦٢٩	من لا یحضره الفقیه
٦٣٠/٢	فهرست کافی
٦٣٠/١–٦٣٢	کافی
٦٣٣	کشف الکافی
٦٣٤	تحفة الاولیاء
٦٣٥/١	المذکر و المؤنث

شماره	عنوان
٦۳٥/۲ـ٦٤٠	تهذيب الاحكام
٦٤١	قصص الانبياء
٦٤۲	مطالع الاسرار
٦٤۳ـ٦٤٨	وافی
٦٤٩	ایضاح دقائق النواصب
٦٥٠	دفع المناواة
٦٥١	ترجمة المناقب
٦٥٤/۱	الکشکول فی ماجری علی آل الرسول
« /۲	الزام النواصب
« /۳	گفتگوی دیك الجن وهرون
« /٤	ایضاح دقائق النواصب
٦٥٥	الدر المنثور
٦٥٦	اقبال نامه
٦٥٧/۱	منتخب البصائر
« /۲	خطبة علی
٦٦١/۲	شرح حدیث رأس الجالوت
٦٥٨ـ٦٦٤	وافی
٦٦٥	منهج الشیعه
٦٦٦	وسیلة النجاه
٦٦٧	اثبات الرجعة
٦٦٨	کشف الاحتجاج
٦٧٠	ترجمة نامهٔ علی باشتر
٦٧١ـ٦٨۲	صافی
٦٨۳	کمال الدین
٦٨٤	مقامات النجاة
٦٨٥	نخب المناقب
٦٨٦	اربعین

شماره	عنوان
٦٨٧	ترجمهٔ قطب شاهی
٦٨٨	حاشیهٔ اصول کافی
٦٩٠	معادن الحکمة
٦٩١/۲	الانوار الجلیة
« /۳	الذخیرة الباقیة
٦٩۲/۱	خصائص الائمة
« /۲	الطرف
« /۳	محاسبة النفس
« /٤	الروضة
٦٩۳/۱	عوالی اللئالی
« /۲	کاشفة الحال عن احوال الاستدلال
٦٩٤	مصابیح الانوار
٦٩٧	سمط الجمان
٦٩٨	غایة المرام
٦٩٩	فضائل الاشهر الثلاثة
۷٠٠	الوسیله
۷٠۱	مراسم
۷٠۲ـ۷٠۳	شرائع الاسلام
۷٠٤/۲	تحریر التحریر
۷٠٤/۱ـ۷٠٥	قواعد الاحکام
۷٠٦	ایضاح الفوائد
۷٠۷	مختلف الشیعه
۷٠٨	ایضاح الفوائد
۷٠٩ـ۷۱٠	الروضة البهیة
۷۱۱	المهذب البارع
۷۱۲ـ۷۱۳/۱	مفاتیح الشرائع
۷۱۳/۲	اصالة طهارة الاشیاء
« /۳	اصالة فساد المعاملات

شماره	عنوان
٧١٤ـ٧١٥	شرح مفاتیح الشرائع
٧١٦	ترجمهٔ الانوار لاعمال الابرار
٧١٧	المصباح الساطع
٧١٨	شرح مفاتیح الشرائع
٧١٩ـ٧٢٠	ذکری الشیعة
٧٢١	کشف الرموز
٧٢٢	ارشاد الاذهان
٧٢٣/١	ارشاد
» /٢	اثنی عشریه
» /٣	ترجمهٔ حدیث خسوف و کسوف
٧٢٤	شرح مختصر نافع
٧٢٥	مرآة الاخیار
٧٢٦	شرح شرایع
٧٢٧	نور ساطع
٧٢٨ـ٩٢٩	جواهر الکلام
٧٤٠	پاسخهای شفتی
٧٤١	مسائل الخلاف
٧٤٢	مجمع الفائدة والبرهان
٧٤٣	جامع المقاصد
٧٤٤ـ٧٤٩	لوامع النکات
٧٥٠	البرهان القاطع
٧٥٢ـ٧٥٤	غایة الآمال
٧٥٥	فرائد الاصول
٧٥٦	التحفة القوامیة
٧٥٧	حاشیهٔ شرایع
٧٥٨	زهر الریاض
٧٥٩	تقریرات
٧٦٠	حاشیهٔ معالم

شماره	عنوان
٧٦١	زهر الریاض
٧٦٢ـ٧٦٣	مسالک
٧٦٤	نیل المرام
٧٦٥	تحفة الابرار
٧٦٦	کنز الفوائد
٧٦٧	مقالات
٧٦٨	حاشیهٔ ارشاد
٧٦٩	منهاج الهدایة
٧٧٠/١	پاسخ تهرانی بداماد
» /٢	فصول مختاره
» /٣	حاشیهٔ مجمع الفائدة والبرهان
» /٤	الحبوة
» /٥	حرمان الزوجة من اعیان الترکة
٧٧١	ارشاد
٧٧٢	مسلک نجات
٧٧٣/١	حدود و تعزیرات
» /٣	نکوهش از تصوف
٧٧٤	میزان الصواب
٧٧٥	مقالات
٧٧٦	روض الجنان
٧٧٧	الکواکب الضیائیة
٧٧٨	مختصر نافع
٧٧٩	معراج الاصول
٧٨٠	غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام
٧٨١	شرح جواهر الفرائض
٧٨٢ـ٧٨٤	مناهل
٧٨٥	حاشیهٔ ارشاد
٧٨٦	نجاة العباد

شماره	عنوان
۷۸۷	بیان
۷۸۸	الجمل والعقود
۷۸۹	وجیزه
۷۹۰/۱ـ۳	نماز آدینه
۷۹۱/۱	فصول خمسه
/۲ »	ابن الغضائری
/۳ »	الذهبیة
۷۹۲/۱ـ۲	آداب نماز
/۳ »	الشك والسهو والنسیان فی الصلوة
/٤ »	الشك فی الصلوة
/۵ »	آداب نماز
۷۹۳	اشارات
۷۹٤	»
۷۹۵	نهایة الوصول
۷۹٦	منیة اللبیب
۷۹۷	مصابیح
۷۹۸	مجمع الاصول
۷۹۹	ذخائر النبوة
۸۰۰	موائد العوائد
۸۰۱	نتایج الافکار
۸۰۲ـ۸۰۸	بشری الوصول
۷۰۹	تهذیب الوصول
۸۱۰	حاشیهٔ مختصر اصول
۸۱۱	حاشیهٔ عدة الاصول
۸۱۲/۱	حاشیهٔ مختصر
/۲ »	حاشیهٔ حاشیهٔ مختصر
۸۱۳	معالم

شماره	عنوان
۸۲۱/۲	البدایة فی علم الدرایة
/۳ »	وجیزه
/٤ »	جهت القبلة
/۷ »	الحبل المتین
۷۳٦	صراط النجاة
۸۵۲	حج
۸۵۳	الرد علی المتعصب العنید
۸۵۹	اثنی عشریه
۸٦۵	پاسخ رشتی
۸٦۷/۵	ترجمهٔ خطبهٔ علی
۸٦۷/۱۱	ترجمهٔ چهل حدیث
۸۷۲/۱	پاسخهای کرکی
/۲ »	قاطعة اللجاج
/۳ »	صیغ العقود والایقاعات
/٤ »	حاشیهٔ الفیهٔ شهید یکم
/۵ »	تخفیف العباد فی بیان احوال الاجتهاد
/٦ »	الرضاع
/۷ »	جعفریه
/۸ »	حاشیهٔ جعفریه
۸۷٤/۱	حاشیهٔ روضهٔ بهیه
/۲ »	رجاء الحق (نماز آدینه)
/٦ »	شرح حدیث اشتراك وجود
/۷ »	نماز آدینه
۸۷۷/۳	احکام نجوم
۸۷۸/۳	اصول وفروع دین
/٤ »	اربعین
/٦ »	حج

شماره	عنوان
٨٧٨/٩	رسالهٔ عملی
١٠/ »	ترجمه و گزارش کلمات قصار
٨٧٩/٦	اللمعة الجلية فی معرفة النية
٨٨٢/٢	الاجتهاديه
٣/ »	ازاحة العلة
٤/ »	تياسر
٦/ »	نزهة الارواح فی ما يتعلق باحكام النكاح
٧/ »	اللمعة الجلية فی معرفة النية
٨٨٦/١	شمائل
٨٨٨/٣	فصول اذان
٧/ »	روية الهلال
٨/ »	حجيت اخبار واجماع
٩/ »	نماز آدينه
٨٩١/١	كشف القناع
٢/ »	هداية الفؤاد الى نبذ من احوال المعاد (ص٥٩٩و٢٥٦٧)
٨٩٣/١	جعفريه
٣/ »	الفيه
٤/ »	اثنی عشريه
٨٩٩/٣	ارشاد
٩٠٠ـ٩٠١	رساله‌های اردكانی
٩٠٣/٢	مصباح الشريعه
٣/ »	قاطعة اللجاج
٩٠٤/١	وافيه
٢/ »	ولاح المسائل و نجاح السائل
٩٠٦	السبعيات
٩٠٧/١	مقابس الانوار

شماره	عنوان
٩٠٧/٢	اجازه
٩١٠ـ٩١١	اثبات الهداة
٩١٢	كتاب اليمين
٩١٣	كنز الفوائد
٩١٤	صافی
٩١٥ـ٩١٦	شافی
٩١٧	خصائص امير المؤمنين
٩١٨/٢	وجيزه
٣/ »	حريريه
٤/ »	اثنی عشريه
٥/ »	الامتناع من الاستمتاع
٦/ »	حاشيهٔ قواعد
٨/ »	اثنی عشريه
٩/ »	جهة القبله
١٠/ »	حاشيهٔ تفسير بيضاوی
١١/ »	پاسخ بهائی
١٢/ »	حاشيهٔ اثنی عشريه
١٣/ »	حاشيهٔ قواعد
١٤/ »	قصر الصلوة
١٥/ »	اعمال الحج
١٧/ »	پاسخهای بهائی
١٨/ »	نان وحلوا
٩٢٠/١	مهذب
٢/ »	جمل العلم والعمل
٣/ »	شرح جمل العلم والعمل
٤/ »	غنية النزوع
٥/ »	مراسم
٦/ »	المسائل الناصريات

شماره	عنوان
۹۲۰/۷	الوسیلة
۸/ »	الجمل والعقود
۹/ »	اشارة السبق
۱۰/ »	الاقتصاد
۹۲۱	مشکاة المصابیح
۹۲۲	رسالههای اخباری
۹۲۶/۱	الدر المنظوم
۹۳۱/۱	الفیه
۲/ »	المطالب المظفریه
۳/ »	حاشیة الفیة شهید یکم
۹۳۲	پاسخهای همدانی
۹۳۴	تنبیه الانام
۹۳۶	ارشاد
۹۳۸	الاصلاح
۹۴۴/۱	حاشیة من لایحضره الفقیة
۷/ »	التحفة المرضیه
۸/ »	ذبیحیه
۱۰/ »	رضاع
۱۱/ »	اوقات الصلوة
۹۶۲	اصول اربعمائة
۹۶۴	الصحیفة الرضویة
۹۶۵	عیون المعجزات
۹۶۶	شرح الاخبار
۹۶۸	بهجة المباهج
۹۷۱	الاربعینات
۹۷۲/۱–۲	تمارآدینه

شماره	عنوان
۳/ »	معیار الساعات
۴/ »	نماز شب
۹۷۳	مفتاح الاحکام
۹۷۴	زبدة الاصول
۹۷۶	الفوائد السنیه فی شرح النبذة الالفیه
۹۸۱	الرواشح السماویة
۹۸۷/۲	الصفیحه
۳/ »	جهة القبلة
۴/ »	تشریح الافلاک
۵/ »	اجتهادیه
۹۸۹/۲	اجتهاد
۴/ »	وجیزه
۵/ »	جامع المقال
۹۹۴/۴	لب اللباب
۷/ »	نور المستبصرین
۹۹۷–۹۹۹	معارج الاحکام
۱۰۰۰–۱۰۰۲	مطالع الانوار
۱۰۰۳	دروس
۱۰۰۴	تحریر
۱۰۰۵/۱	شرح جمل العلم والعمل
۲/ »	الکتاب الجامع للشرایع
۱۰۰۶	درائد ملتقی الابحر
۱۰۰۷	نخبة وجیزه
۱۰۰۸	التحفة السنیة
۱۰۰۹	غایة الوصول

شماره	عنوان
١٠١٠	شرح مختصر منتهى
١٠١١	القواعد والفوائد
١٠١٢/١	فقه فارسى
» /٢	تفسير حمد
١٠١٥/٣	عدالت
» /٤	اصول دين
» /٧	غاية الايجاز لخائف الاعوار
»/٤٠	مالا بدمنه فى مذهب الامامية
»/٤١	ترجمة برمكيه
١٠٢٠/٢	هداية المؤمنين
» /٣	النفحة القدسية
١٠٢٠/٤ـ٥	پاسخهاى قمى
١٠٢٠/٦ـ١٦	» »
١٠٢١	رسالههاى دوائى
١٠٢٢/١	المسائل المدنيات
» /٢	المسائل الآمليات
» /٣	الحج المتمتع به
١٠٢٤	الاحتجاج
١٠٢٥	انيس الوحيد
١٠٢٧/١	عقد الدرر فى شرح بقر بطن عمر
» /٢	الصلاة والبشر فى الصلوة على خير البشر
١٠٣٥/١	ديوان على (انوار العقول)
١٠٤٤/١	وصول الاخيار
» /٢	البداية فى علم الدراية
١٠٤٥/١	العويص الاحكام
» /٣	فوائد حديثيه
» /٤	مسائل

شماره	عنوان
١٠٤٥/٦	خبر مولد على
١٠٥٨	المحاسن
١٠٦٠	شهاب الاخبار
١٠٦١/١	بصائر الدرجات
» /٢	قرب الاسناد
١٠٦٢	ملهمة بالصواب
١٠٦٣/٥ـ٧	رسالههاى رياضى
١٠٦٤	كفاية الانيام
١٠٦٦	حديقه
١٠٦٧/١	وفاة الزهراء
» /٢	مصاب المظلومين
» /٣	خطبة على
» /٤	پاسخ استرابادى بهعاملى
» /٥	الفوائد المدنيه
١٠٧٥	جامع الاخبار
١٠٩٥	حاشية مختصر نافع
١٠٩٦	حاشية الفيه
١٠٩٧/١	السماع والرقص
» /٢	اصول الدين
» /٣	شرح اصول الدين
١١٠٠	شرح ملخص
١١٠١/١	كدو مطبخ قلندرى
» /٢	نان وحلوا
» /٣	شير وشكر
» /٤	پريشان
١١٠٢/٢	رضاع
١١٠٤	كشف الغرائب

شماره	عنوان
۱۱۰۵	مقامات
۱۱۰۶	حاشیهٔ فوائد ضیائیه
۱۱۰۷	شرح مراح الارواح
۱۱۰۸/۱	کافیه
» /۲	ترکیب الکافیه
۱۱۰۹/۱	لب اللباب
» /۳	حاشیهٔ قوانین
۱۱۱۱	رساله‌های شهرستانی
۱۱۱۲/۱	حل المسائل
» /۲	الصفیحه
۱۱۳/۱ـ۲	رسالهٔ عرفانی
» /۳	ظفرنامه
» /۴	گفتار افلاطون
» /۵	رسالهٔ عرفانی
» /۶	نامهٔ غزالی
»/۷ـ۹	رسالهٔ عرفانی
»/۱۰	دفع الغم من الموت
»/۱۱	رساله عرفانی
»/۱۲ـ۱۳	شرح خبر کمیل
»/۱۴	شرح حدیث عماء
»/۱۵	آغاز و انجام
»/۱۶	مجمل الحکمه
»/۱۷	چهار عنوان
۱۱۱۴	حاشیهٔ شرح تجرید
۱۱۱۵	الانوار الجلالیه
۱۱۱۶	حاشیهٔ شرح تجرید
۱۱۱۷	اجابة المضطرین

شماره	عنوان
۱۱۱۸/۱	مفتاح الکرامه
»/۲ـ۵	رساله‌های عاملی
۱۱۱۹/۱	مساحت
» /۲	دوازده امام
» /۳	خلاصة الحساب
» /۴	قواعد العقائد
» /۵	عقل
» /۶	وجود
» /۷	فصول
۱۱۲۰	ترجمهٔ چهارده حدیث
۱۱۲۱	مسالك
۱۱۲۲/۱	الایقاظ من الهجعه
» /۲	کشف التعمیه
» /۳	تفریج الکربة
» /۴	بقاء النبی و الوصی بعد الموت
» /۵	الخمس
» /۶	الرجعة
۱۱۲۳ـ۱۱۲۶	کافی
۱۱۲۷	تحریر
۱۱۲۸	حل الموجز
۱۱۲۹	رساله‌های پزشکی
۱۱۳۰/۲	پاسخ رستمداری بنامهٔ اوزبکان
» /۳	مرآت المحققین
»/۴ـ۶	رساله‌های طبیعی
» /۷	پاسخ بهائی به جزائری
» /۸	روزشماری

شماره	عنوان
۱۱۳۰/۹	گفتگوی امام رضا با پسر جهم
۱۱۳۱/۱	ذهبیه
» /۲	توحید
» /۳	اهلیلجه
» /٤	الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة
» /٥	مصادقة الاخوان
۱۱۳۲/۲	اثبات الواجب
۱۱۳٤-۱۱۳۳	کافی
۱۱۳٥	رسالهٔ فقهی
۱۱۳٦	رساله‌های خوانساری
۱۱۳۷/۱	حاشیهٔ فرائد
» /۲	حجیة الظن
» /٤	رسالهٔ اصول
۱۱٤۱/۱	نهج البلاغه
» /۲	حرز
» /۳	انوار العقول (دیوان علی)
۱۱٤۳-۱۱٤۲	مرآت العقول
۱۱٤٦-۱۱٤٤	بحار الانوار
۱۱٤۷/۱	اثبات الواجب
» /۲	رسالهٔ دوانی
» /۳	معیار العرفان
» /٤	سفیر
» /٥	گفتار حلاج
» /٦	طیر ابن سینا
» /۷-۱۳	رساله‌های دوانی
۱۱٤۸	قرآن

شماره	عنوان
۱۱٤۹/۱-۱۷	نگارشهای ابن سینا
۱۹-۳٤	» »
۳۷-۸۰	» »
۱۱٤۹/۱۸	رساله‌های دوانی
/۳٥-۳٦	» »
۱۱٥۰	تلخیص المحصل
۱۱٥۱/۱-۲	تقریرات
۱۱٥۲	صافی
۱۱٥۳	شرح کافیه
۱۱٥٤	جفر
۱۱٥٥	رسائل اخوان صفا
۱۱٥٦/۱	المقتنی فی سرد الکنی
» /۲	نزهة الالباب فی الالقاب
۱۱٥۷	معالم الدین فی فقه آل یاسین
۱۱٥۸/۱	المقتصر من شرح المختصر
۱۱٥۹	المناهج السویة
۱۱٦۰	منیة الممارسین
۱۱٦۱	شرح خلاصة الحساب
۱۱٦۲	شرح کافیه
۱۱٦۳/۱	الرسالة التولائیه
» /۲	الحج و الزیارة
۱۱٦٤/۱	ترجمان القرآن
» /۲	تاریخ عترت
» /۳	حقایق جمیع الارکان
» /٤-۷	نگارشهای ابن سینا
۱۱٦٥/٤	العبادات المالیة
» /٥	آداب المتعلمین

شماره	عنوان
۱۱۶۶	الفرائدالبهیه
۱۱۶۷	نهج السالکین
۱۱۶۸/۱	شمسیه
» /۲	حاشیهٔ تهذیب المنطق
۱۱۶۹/۱	نموذج الفنون
» /۲	الانصاف
» /۳	گزارش خبر کمیل
۱۱۷۰	الحکمة المتعالیه
۱۱۷۱	شرح شواهدمجمع البیان
۱۱۷۲	ضوءالمصباح (حاشیهٔ نحوی)
۱۱۷۳	دررالفوائد
۱۱۷۴	توضیح المطالب
۱۱۷۵	شرح الشرح
۱۱۷۶ـ۱۱۷۷	نهایة الوصول
۱۱۷۸/۱	نهایة السرور
» /۲ـ۳	رساله‌های کلامی
» /۴	الدر المنتخب
۱۱۷۹/۱	جنات الوصال
» /۲	بحرالاسرار
۱۱۸۰	مائدة الزائرین
۱۱۸۱	الاصلاح
۱۱۸۲	حل الموجز
۱۱۸۳	بشیر و نذیر
۱۱۸۴	الضیاء اللامع
۱۱۸۵	ترجمهٔ اسرار النجوم
۱۱۸۶	رساله‌های رد یهود
۱۱۸۷	معدن البکاء

شماره	عنوان
۱۱۸۸	محصول
۱۱۸۹	حاشیهٔ حاشیهٔ شرح مطالع
۱۱۹۰	شرح خلاصة الحساب
۱۱۹۱/۱	تمهیدالقواعد
» /۲	القواعد والفوائد
۱۱۹۲/۱	المسائل الفخریه
» /۲	تحریرالتحریر (حاشیهٔ قواعد)
۱۱۹۳	حاشیهٔ قواعد
۱۱۹۴	کشف المراد
۱۱۹۵	نهایة السئول
۱۱۹۶/۱	مضیئی الاعیان
» /۲	خمس
» /۳	الاموات
۱۱۹۷	الشموس المضیئه
۱۱۹۸	لوامع الاسرار
۱۱۹۹	شرح توحید وحجت
۱۲۰۰	عمل سنه
۱۲۰۱	مخزن گوهر
۱۲۰۲	رساله‌های کلامی
۱۲۰۳	الخطب
۱۲۰۴	الصحیفة الثانیة
۱۲۰۵/۱	شذور الذهب
» /۲	فردوس الحکمه
۱۲۰۶	معراج الحکیم ومنهاج القویم
۱۲۰۷	رساله‌های کیمیائی
۱۲۰۸	عروض

شماره	عنوان
١٢٠٩	شرح تهذیب
١٢١٠	شرح تهذیب
١٢١١	شرح الفیه
١٢١٢	ملاذالاوتاد
١٢١٣	عین الحیوة
١٢١٤	معراج الاصول
١٢١٥	معراج الشریعة
١٢١٦	جامع المطالب
١٢١٧	انیس المؤمنین
١٢١٨	شرح کافیه
١٢١٩/١	صیغ عقود نکاح
» /٢	اعتقادات
» /٣	نهایة الطلب

شماره	عنوان
» /٤	خلاصة البیان
١٢٢٠	نهایة الطلب
١٢٢١	شرح الزبدة
١٢٢٢	بغیة الطالب
١٢٢٣/١	تذکرة اولی الالباب
» /٢	مجربات
١٢٢٤	رساله‌های منطقی
١٢٢٥	جنگ کیمیائی
١٢٢٦	شرح کافیه
١٢٢٧	المسائل الفقهیه
١٢٢٨	ترجمة نهایة طوسی
١٢٢٩-١٢٣٤	تاریخ الفی
١٢٣٥	روضة الصائمین

غلطنامه

ص ۱۰۷۵ س ۱۰ چنین باید باشد : و کدو کذا (؟)

ص ۱۰۸٤ س ۱٤ » : او و دارد :

ص ۱۱۱۵ س ۱٤ » : ابو نصر القریمی

ص ۱۱۱۵ س ۲۰ » : إذاقضی

ص ۱۲۰۰ س ۷ » : طوس ۵ : ۱۰۳

ص ۱۲۷۹ س ۱٤ » : شیخ بهائی چنانکه

ص ۱۲۸۰ س ۲۵ » : ۱۰٤۹

ص ۱۳۲۸ س ۲۳ » : [۱۲۳۵]

ص ۱۳۳٦ س ۱۰ » ش ۵۰۲/۵ و ۱۰٦۰

ص ۱۳۳٦ س ۲٤ » : ش ۱۰٦۰

ص ۱۳٦۹ س ۸ » :کامل حسین

ص ۱۵۱۹ س ۱۰ » : (۱۱:۱)

ص ۱۵۳۹ س ۱۲ » : قرائة .

ص ۱۵٦٤ س ۲۲ » : سال ٤ ش ۸

ص ۱٦۰۱ س ۱۷ » : اتعاظ الحنفاء

ص ۱٦۲۹ س ۱۸ » . (ص ۱۱٤۰ همین فهرست)

ص ۱٦۵۸ س ۱۵ » : نمیتوان بکار بست

ص ۱۷۲۱ س ۱٦ » ۷۹۸ (۹۰ ۷۸)

ص ۱۸۱۷ س ۷ » : الحکمة العملیه

ص ۱۸۵٦ س ۱۱ » پس از ۷٦۰

ص ۱۹٦۳ س ۵ » ۰ این نسخه ش ۱

ص ۱۹۹۲ س ۱٤ » : (طوس ۲ ۱۰۷ و ٤۸۵۰۵)

ص ۱۹۹۲ س ۱۵ » : و خوانساری (س ۲۰) در بارهٔ آن . . . گفته است
ودر امل الآمل ...

ص ۱۹۹۶ س ۲۵ چنین باید باشد : [۱۸۴۹]
ص ۱۹۹۷ س ۲۵ » : [۱۸۵۱]
ص ۲۰۱۷ س ۲۲ » : ۱۰۲۲ (به ۱۰۱۲)
ص ۲۴۰۷ س ۶ » : (۱۸۰ الف)

چنین بود غلطنامه و سه گونه فهرستی که خود نگارنده تهیه کرده است. اکنون فهرست نامهای کتابها و مؤلفان و دانشمندان و جایها و کسانیکه در چهار بخش این جلد از فهرست دانشگاه یاد شده است دیده میشود و این یکی فهرست نامها را دوست دانشمندم آقای منزوی گرد آورده است و بنده از ایشان بسیار سپاسگزار میباشم.

(محمد تقی دانش پژوه)

فهرست

نامها در بخشهای جلد سوم

بقلم آقای منزوی

فهرست اعلام و اماکن وفرق

ابن ـ ف ھ د

ابن ـ ك م و

ابو ـ ت ر ا

ابو ـ ح س ن

ابو-قاس

ابو - قاس

اثب

اثی

اس ق

اس ك

« ب »

باق

باق

بای

بحا

ب ھ ا

ب ھ ا

« پ »

« ت »

ترج

ت ن ب

التمهید فی تنزیل الفروع علی الاصول ــ اسنوی (ک) : ۱۹۷۹

تمهید الاصول ــ طوسی (ك) : ۱۸۴۳ ، ۱۹۳۵

تمهید باقلانی (ک) : ۵۴۹، ۵۵۶، ۵۵۶

التمهید فی شرح قواعد التوحید ــ خجندی : [۴۲۳]

تمهید عین القضات (ك) : ۴۶۸

تمهید القواعد شهید ۲ (ک) : ۴۲۴، ۵۰۸، ۵۱۰، ۱۸۸۲، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰ [۲۱۶۸] ۲۱۷۱

رسالهٔ در تناسخ [۴۴۶]

تنبیهات ــ پورسینا : ۳۴۶

تنبیه الاریب و تذکرة اللبیب (ك) : ۱۲۴۶

تنبیه الانام فی طهارة عرق الجنب من الحرام بهبهانی (ك) : [۱۸۳۴]

تنبیه الخاطر و نزهة الناظر (ک) ۰ ۱۱۸۰

التنبیه علی اسباب السعادة ــ فارابی (ک) ۹۰ [۶۵۸]

التنبیه علی بعض اسرار المودعه فی بعض سور القرآن (ك) : ۴۳، ۲۳۹۶

التنبیه علی سبیل السعادة ــ فارابی (ك) ۹۰ [۶۵۸]

التنبیه علی غرائب من لایحضره الفقیه ــ صیمری (ك) : ۱۹۵۲

تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء بیهقی (ك) : ۸۷۷

التنبیه والاشراف (ك) ۱۴۸۵

ت ن ق

تنبیهات المنجمین ــ گنابادی (ك) : ۹۰۶

» ــ ملامظفر (ك) : ۹۳۷

رسالهٔ التنجیم بلیناس ــ حنین : ۹۹۴

تنزل السائرین ــ درکزینی : ۴۷۱

تنزیه الانبیاء ــ گرگانی (ك) : ۵۷۰

» ــ سید مرتضی (ك) : [۵۷۰] ۲۴۸۰

تنزیه القرآن من المطاعن (ک) : ۵۵۵

تنزیه القمیین (ك) : ۱۴۵۰، ۱۴۶۸، ۱۵۱۹، ۲۵۷۱

کتاب التنزیل : ۱۵۷۸

تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار ــ ابهری (ک) : ۹۲۶، ۲۳۵۷

نامه تنسر ( ) : ۱۲۲۱

تنسوقنامه ایلخانی ــ طوسی (ک) ۰ ۲۱۰۰

تنیسی ( ) ۱۴۶۸، ۱۴۷۰

تنکابنی ۰ محمد سراب

تنکلوشا (ش) ۹۶۷ ، ۹۶۹ ، ۹۷۷، ۹۹۸

تنقیذ القواعد ــ سیوری (ک) : ۶۱۹

التنقیحات فی شرح التلویحات (ک) : ۲۱۲، [۲۱۱]

تنقیح الادله والعلل (ک) : ۴۲۴، ۶۲۳

تنقیح الافکار ــ آملی (ک) : ۵۹۲

التنقیح الرائع لمختصر الشرایع ــ سیوری (ک) : ۲۰۰۲

التنقیح الرائع من مختصر النافع (ک) : ۱۹۲۶

« ث »

جوا

سید جوادبن احمد طباطبائی یزدی :
=۲۲۵۳=

شیخ جوادبن حسن بن طالب البلاغی النجفی:
۱۲۸۵

شیخ جوادبن سعدالکاظمی : ۹۱۱ ، ۱۸۷٦
[۲۲۸۷] =۲۲۸۷=

محمد جوادبن عبدالکریم تبریزی :
=۱۱٦۱=

محمدجوادبن محمدبن شیخ اسدالله الواعظ :
۱۵۸٦

سید محمد جوادبن محمد حسنی حسینی
شقرائی عاملی : [۲۰٦۵]

جوادبن مرتضی الحسینی الطباطبائی : ۵۷۰،
۱٤۹٦

شیخ جوادالبلاغی : ۱۲۸۵

سیدجوادالعاملی : ۱۷٤٦، ۱۸٤٦[۱۸۹۹]

جوادعلی عراقی : ۱۰۹

شیخ جوادالعاملی : ۱۷۰۲، ۱۸۷۷

جوادالکاظمی النجفی : ۱٦٤۲

شیخ جواد ملا کتاب . ۱۸۷۷

محمدجوادالواعظ بن محمدبن اسد ۱۵۸٦

رساله فی جوازالبقاء علی تقلیدالمیت ـ
شهرستانی : [۱۸۹٦]

رساله جواز ... الاموات ... :
۲۱۰۵

رساله در جواز ... ربا ـ خوانساری :
[۱۸۹۳]

رساله جواز سماع ۱۰۹

جوا

رساله فی جوازالمعاملةالمحاباتية وعدمه ـ
خوانساری : [۱۸۹۰]

جوامع ابن‌رشد (ك) : ۲۹، ۳۰ [۲۲٤]

جوامع ابن‌سیرین (ك) : ۲۰۳

جوامع احکام‌النجوم ـ بیهقی (ك) [۸۷٦]
۸۷۷، ۸۷۸

جوامع‌الجامع (ك) : ۲۳ مقدمه ۱۳۹۸

جوامع الحساب ـ طوسی (ك) : ۸۸٦

جوامع السیاسیة ـ افلاطون (ك) : ۳۲۳

جوامع‌السیرالمرضیة فی اقتناءالفضائل
الانسانیة : ۹۰

جوامع الشتات فیمارزمن‌العلامةالانصاری
من‌الافادات : ۱۹۹۳، ۱۹۹٤

جوامع‌العلم(ك) : [۸۷۹]

جوامع علم‌الهیئة ـ کوشیار (ك) : ۹۳۸

جوامع‌الفقهیة(ك): ۱۷۷٦، ۱۸۳۰، ۱۹۵۷،
۲۰۱۲، ۲۰۲۵، ۲۱۰۱

جوامع کتاب جالینوس فی کتب ابقراط :
۲۰ مقدمه

جوامع کتب‌النوامیس افلاطون : ۹۱

جوامع‌الکلم(ك) : ۱۱۳٤، ۱۱۲۹، ۱۱۲۸،
۱٦۲۵، ۲۵۷۱

جوامع‌الکلم ـ جزائری [۱۲۷۲][۱۲۷٤]،
۱۲۷٦، ۲۱۰۳

جوامع‌الکلم وبدایع‌الحکم : ۱۳۸۲

جوامع‌الکلام فی دعائم‌الاسلام : ۱٦۲۹

جوامع‌اللذة ـ کاتب (ك) ۰ ٦۸۸

جوامع‌المقالات‌الثلاث‌افلاطون‌فی‌النوامیس:

«چ»

چاپ

چاپ

حجا

حجی

حسن

محمد حسن بن علی کرمانی : ١١٤٥

حسن بن محمدعلی الکروکانی : ١٨٠٩

ابوعلی حسن بن علی گرگانی : ٢٢٧٤

محمد حسن بن محمد علی گلپایگانی : =١٨٠٨=

فخرالدین حسن بن‌علی موسوی مازندرانی: ١١٠٣

آخوندملاحسن بن‌محمدعلی یزدانی کربلائی [٢٣٧٤] ٢٣٧٥،٢٣٧٨

مشهدی محمد حسن بن مشهدی علامحسن کازرونی شیرازی : ١٤٧٢

رضی‌الدین ابونصرحسن بن فضل طبرسی : [٦٥٧] [١٢٦٩] ١٢٧١

حسن‌بن قاسم : داعی صغیر : ٦١٦،٢٠٢٧، ٢٠٢٨،٢٠٣١،٢٠٣٣،٢٠٣٢

حسن بن متمل : ٧٦٤

» محبوب : ١٥٧٥

» محمد : = ٢٢٧٠=

ابومحمد حسن‌بن محمد بن جمهور : ٧٦٥ ، ١٣١٧

ابوعلی حسن بن محمد بن یحیی بن محمد : ١٤٠١

ابوالفضائل حسن بن‌محمداسترآبادی علوی حسنی بن شرفشاه : ٥٦٣

ابوالولیدالحسن بن محمدالبلخی الحافظ . ١٠٧٤

شرف‌الدین حسن بن محمد رامی تبریزی: ٤٨٦

حسن

حاج میرزا حسن بن حاج محمد درخزنی بن میرزاعلی . = ١٩٧٠=

حسن بن محمد جعفری حسنی بن عبدالله . =١٦١٣=

شیخ ابوالقاسم حسن بن محمد حدایقی : ١٤٥٧

حسن بن محمدحسنی حلبی بن علی بن زهرة : ١٩٥٦

شیخ حسن بن محمد دمستانی گزینی بن علی: ١٢٤٦

حسن‌بن محمد سبزواری : [١٢٦٩]

حسام‌الدین حسن بن محمد سیواسی : ٨٥١

ابوعلی‌حسن بن محمد طوسی : ابوعلی‌حسن طوسی . ١١٨٢،١٨٠٩

ابومحمد حسن بن کشملی طبرستانی:١٦٠١

حسن‌بن محمد عمقی ٩٤٩

» » قزوینی: =١٥٦٠=١٥٦٢

ابوعلی حسن بن محمدالقطان . ١١٦٥

» » محمدکاتب بن مردك:١٠٧٤

» » محمد کرمانی خطیب : ١٠٧٢

ابوالقاسم‌حسن بن محمد مفتی مفسر بن‌حبیب ١٤٠٠

آقا سید حسن بن محمد مکتبی حسینی ٢٣٢١

قاضی حسن بن محمد مکی : =١٢١٧=

حسن‌بن محمد مفید طوسی : ٢٥٨٨

» » نامی : باباافضل کاشی :

حسی

سید حسین بن امیر محمد ابراهیم بن معصوم قزوینی حسینی : [٢٠٥٢] ٢٠٥٣ ، ٢٠٥٤

محمد حسین بن محمد ابراهیم سپاهانی : ٤٥٥ ==

سید حسین بن ابی الحسن : ١٦٦٤

حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری ملقب بفضل : ٢٠٧٦

ابو عبدالله حسین بن ابو القاسم بن الحسین العودی الحلی : ١١٣٥

حسین بن احمد بن حسن ناصر کبیر الاطروش: ٢٠٣٠

حسین بن احمد بن سخنویه : ١١٣٠،١١٢٩

میرزا حسین بن احمد گرجی : ٢٨٣

محمد حسین بن فخر الدین احمد موسوی : ١٥٦٢

سید نجم الدین حسین بن اردشیر طبرسی : ١٩٨٣،١٦١٢،١٦١٢

محمد حسین بن محمد اسماعیل آملی خراسانی : ١٤١٣ ==

محمد حسین بن حاج افضل بیك : - ١٣٨٨

محمد حسین بن محمد باقر سپاهانی ، ١٠٧٢

محمد حسین بن ملا محمد باقر یزدی ؛ ٩٢١

بهاء الدین حسین بن ... : ١٢٥٠

حاج میرزا حسین بن محمد تقی نوری طبرسی : نوری ٢٤٤ ... ٢٩٦ ، ٥٧١ - ١١٠٨ ، ١١٥٨ - ١٥١٠

حسی

شیخ حسین بن جبر : ابن جبر : [١٥٨٧]

محمد حسین بن محمد جعفر : == ١٢٥٩ - ١٢٦٥

محمد حسین بن محمد جعفر استر آبادی : ٢٤٥٥ ==

حسین بن جعفر ماحوزی بحرانی : ١٧٣٦!

حسین بن حبیب کرکی عاملی : ٦٦٠ ==

میر سید حسین بن بدر الدین حسن اعرجی حسینی کرکی عاملی : ١٤٠

ابو محمد الحسن بن حسن بن محمد بن محمد: ١٤٣٠

میر سید حسین مجتهد بن ضیاء الدین حسن کرکی عاملی : [١٤٠] [٢٢٢٢]

حسین بن حسن بن یونس عاملی ظهیری ، ١٧٩٤،١٧٩٥،١٧٩٦

سید حسین بن حسن حسینی : ١٧٧٤

حسین بن حسن استر آبادی سمی : ١٨٥٧ - ١٨٥٨

حسین بن حسن خوارزمی کبروی ، ٩٢٦

حسین بن حمدان حصینی ١٣٤٣

حسین بن حمدان خیلانی ، ١٣٤٣

سلطان حیدر حسینی : == ٢٢٨ ==

سید حسین بن حیدر کرکی : حسین کرکی ، ١٢٩ | ١٤٠ | ١٥٢ ، ٢٤١ ، ٥٠٤ = ٥٠٤ ، ٥٢٦ ، [٥٢٧] ٥٢٨ ، ٥٢٩ ، ٥٢٩ ، ١٣١٣ ، ١٣٨٠ - ٤٢٨ == ، ٤٦٥ ، ١٧٩٣

حسین بن داود بن علی ، ٢٥٧٨

مهذب الدین حسین بن دده ، ١٩٨٣

١٦١١

محمد حسین بن سلطان محمد اورونقی خوئی: [١٦٤٠] ١٦٤١

حسین بن سید محمد حسینی : = ١٣١٩ --

ابوالقاسم حسین بن محمد الجنابی : ١٠٨٠

آقا حسین بن جمال الدین محمد خوانساری :
آقا حسین خوانساری [٢٢٨] ١٣٤٣ ، ١٤٢١

حسین بن محمد زیدی حسنی : [١١٨٩]

مولی حسن بن حاجی مولی محمد واعظ شوشتری ١٧٧٩

ناصرالدین حسین بن محمد کرمانی :
١١٣=-

حسین بن محمد موسوی : ١١٢٣

» محمد نجار : ١٥٦٧، ٥٥٥

مؤیدالدین حسین بن محمد وزیر : ٦٨٧☆

ملک حسین بن محمود شاه اردکانی :
- ٢٣٨=

محمد حسن بن مرتضی طباطبائی یزدی :
[٢٢٥٣]

ابومحمد حسین بن مسعود بغوی شافعی :
[١٥٣٠] ١٥٣١ [١٩٦١] ١٩٦٢

حسن بن مسلم بن حسن شعری ابن شعیر عاملی = ٦٧٩ - -٦٨٣=

حسن بن منصور : ٤٨٧

سلطان حسین بن منصور بایقرا : سلطان حسین بایقرا ☆ ٦٥٨

حسین بن منصور : حلاج : ٤١٦ ، ٦٥٣ ،

٢٣٧٥

حسین بن مهدی بن کاظم مشهدی : ١٧٣٠

محمد حسین بن محمد مهدی همدانی :
=١٨٠٢= =١٨٠٣= =١٨٠٤=
=١٨٠٥ —

ابوعلی حسین بن میرمیران : ٦٦٧

حسین بن هبة‌الله بن رطبه : ١٦١٠

حسین بن یقطین : ١٠٧١

شیخ حسین آل عصفور درازی بحرانی :
١٠٦٣

سید حسن آملی سپاهانی (سلطان العلماء) :
٦٥٠ [٢٢٦٣]

سید حسین اخلاطی : ٨٤٠

حسین اخلاطی شالی : [٤٣٥]

شیخ حسن اعسم نجفی : ١٩٢٦

سلطان حسین بایقرا : ☆☆ ٦٥٨، ٨٢٣، ٨٢٣

حاج آقا حسین بروجردی : ١٤٥٠، ١٤٥٢،
١٩٠٢، ٢٥٨٦

سلطان حسن بهادرخان : ☆☆ ٩١١

حسن پاشا : ٢١٠٤

» خان امیر بهادر جنگ : ١٢٣٦

محمد حسن تبریزی : ١١١٤

محمد حسن تهرانی : ١٨٢٢

» جربادقانی : =٥٢٤=

آقا میرزا محمد حسن چراغچی باشی :
١٩٧٩

نصیرالدین حسین الحر الحسنی : =٤=
=٨٠=٤٣٦

ح ل ی

« خ »

خ ز ا

خ س ر

خ ط ا

خ ط ب

خلی

خوا

« د »

« ذ »

ذری

١٠٨٢، ١٠٨٢، ١٠٨٣، ١٠٨٣، ١٠٨٦،
١٠٨٧، ١٠٨٧، ١٠٨٨، ١٠٩٨، ١٠٩٨،
١١٠١، ١١٠٢، ١١٠٥، ١١٠٩، ١١٠٩،
١١١٠، ١١١٥، ١١٢٤، ١١٢٤، ١١٢٦،
١١٢٧، ١١٢٩، ١١٣١، ١١٣٢، ١١٤٠،
١١٤٠، ١١٤٠، ١١٦٨، ١١٧٧، ١١٧٧،
١١٨٤، ١١٨٤، ١١٨٦، ١١٨٦، ١١٩١،
١١٩١، ١١٩٠، ١٢٠٠، ١٢٠١، ١٢٠١،
١٢٠٢، ١٢٠٢، ١٢٠٣، ١٢٠٤، ١٢٠٩،
١٢١٦، ١٢١٨، ١٢١٨، ١٢٢٠، ١٢٢٠،
١٢٣٣، ١٢٣٤، ١٢٣٤، ١٢٣٥، ١٣٣٥،
١٢٢٥، ١٢٢٧، ١٢٢٨، ١٢٢٩، ١٢٢٩،
١٢٣٠، ١٢٣١، ١٢٣١، ١٢٤٤، ١٢٤٣،
١٢٤٣، ١٢٤٤، ١٢٤٤، ١٢٤٦، ١٢٤٦،
١٢٤٧، ١٢٤٧، ١٢٧٠، ١٢٧٠، ١٢٧١،
١٢٧٣، ١٢٧٥، ١٢٧٥، ١٢٧٧، ١٢٧٨،
١٢٨٠، ١٢٨٣، ١٢٨٥، ١٢٨٦، ١٢٨٧،
١٢٩٠، ١٢٩٠، ١١٩٢، ١٢٩٣، ١٢٩٧،
١٢٩٨، ١٣٠٢، ١٣٠٣، ١٣٠٣، ١٣٠٣،
١٣٠٤، ١٣٠٥، ١٣٠٨، ١٣١٠، ١٣١٢،
١٣١٣، ١٣١٦، ١٣١٨، ١٣١٨، ١٣٢٧،
١٣٣٩، ١٣٤٣، ١٣٤٦، ١٣٤٩، ١٣٥٦،
١٣٦٨، ١٣٧١، ١٣٩٨، ١٣٩٩، ١٤١٢،
١٤٢٣، ١٤٣١، ١٤٤٧، ١٤٧١، ١٤٧١،
١٤٧١، ١٤٧٤، ١٤٨٥، ١٤١٧، ١٤٨٧،
١٠٩٣، ١٤٩٣، ١٤٩٧، ١٤٩٨، ١٥٠٤،
١٥٠٥، ١٥٠٥، ١٥١٦، ١٥١٦، ١٥٢٨،
١٥٢٣، ١٥٢٣، ١٥٢٩ ١٥٣٩، ١٥٥٣،

ذری

١٥٧٣، ١٥٧٤، ١٥٧٦، ١٥٧٦، ١٥٧٦،
١٥٧٩، ١٥٨٥، ١٥٩٣، ١٥٩٤، ١٦٠٧،
١٦١٢، ١٦١٢، ١٦١٢، ١٦٦١، ١٦٦٣،
١٦٦٣، ١٦٦٤، ١٦٦٥، ١٦٦٧، ١٦٦٧،
١٦٦٧، ١٦٧٣، ١٦٧٤، ١٦٧٦، ١٦٧٦،
١٦٩٦، ١٧٠٢، ١٧١٠، ١٧١١، ١٧٢٣،
١٧٢٥، ١٧٢٨، ١٧٢٩، ١٧٤١، ١٧٤٦،
١٧٤٦، ١٧٥٨، ١٧٥٨، ١٧٥٨، ١٧٦١،
١٧٦٤، ١٧٦٤، ١٧٦٤، ١٧٦٥، ١٧٦٥،
١٧٦٦، ١٧٧٢، ١٧٧٢، ١٧٧٣، ١٧٧٤،
١٧٧٦، ١٧٧٩، ١٧٨١، ١٧٨٦، ١٧٨٧،
١٧٩١، ١٧٩٢، ١٧٩٦، ١٧٩٧، ١٨٠٧،
١٨٠٨، ١٨١٦، ١٨١٦، ١٨١٨، ١٨١٩،
١٨١٩، ١٨٢١، ١٨٢٧، ١٨٣٠، ١٨٣٧،
١٨٤٠، ١٨٤٠، ١٨٤١، ١٨٤٣، ١٨٤٤،
١٨٤٨، ١٨٥٦، ١٨٥٨، ١٨٥٩، ١٨٦١،
١٨٦٣، ١٨٦٥، ١٨٦٦، ١٨٦٧، ١٨٦٧،
١٨٦٩، ١٨٦٩، ١٨٧٣، ١٨٧٦، ١٨٧٧،
١٨٧٧، ١٨٧٨، ١٨٧٩، ١٨٧٩، ١٨٨١،
١٨٨١، ١٨٨٥، ١٨٨٦، ١٨٨٦، ١٩٠٥،
١٩٠٧، ١٩٠٨، ١٩١٥، ١٩١٩، ١٩٢٢،
١٩٢٦، ١٩٢٦، ١٩٢٧، ١٩٢٧، ١٩٣٥،
١٩٣٦، ١٩٣٨، ١٩٤٥، ١٩٤٥، ١٩٤٦،
١٩٥٠، ١٩٥٢، ١٩٥٢، ١٩٥٦، ١٩٥٦،
١٩٥٧، ١٩٦٤، ١٩٦٩، ١٩٦٩، ١٩٧٨،
١٩٧٩، ١٩٨٢، ١٩٨٢، ١٩٨٣، ١٩٨٧،
١٩٩٤ ، ٢٠٠١ ، ٢٠٠٢، ٢٠٠٣،
٢٠٠٥، ٢٠٠٦، ١٠١٢، ٢٠١٥، ٢٠١٥،

« ر »

ر ج ب

رحی

ر ض ا

رضا

روض

«ز»

« ژ »

« س »

«ش»

ش۱ف

ش۱ه

ش ر ح

ش ر ح

ش ه ی

ش ی ر

« ص »

ص ن ع

ص ه ی

«ض»

«ظ»

«ع»

علا

علل

ع ل ی

☆ ۱۹۰۴

علی بن مہرویۃ : ۱۴۰۵

» میثم : ۵۶۵

» ناصر : ۱۶۰۶

» ناصر بن رضا حسینی : ۱۶۰۶

» ناصر سرخسی نیشاپوری : ۷۰۳ ،
۷۰۴

» ناصر بن محمد نوقانی : ۱۶۰۶

» ناصر بن ابی طالب ہمدانی ۱۶۰۶۰

» نصر بن ہارون حلی : ۱۶۱۱

محمدعلی بن محمد نبی گزاری : --- ۲۹۷ =

قاضی علی بن نعمان : ۱۶۰۱

شرف الدین علی بن نعمۃ الموسوی : ۱۲۷۴

علاءالدین علی بن نفیس قریسی ۷۷۲، ۷۷۸

قاضی علی بن ودیع طبرانی : ۱۴۳۰

علی بن وہسودان : ۲۰۳۱

ابوالحسن علی بن ہرون صابی : ۲۲۳۰

میرزا سید علی بن محمد ہاشم شیرازی :
۴۰۴

علی بن ہلال : ۴۳۱

» ہلال جزائری : ۵۷۲، ۶۲۶، ۱۵۴۸،
۱۷۶۰، ۱۹۶۹، ۲۰۱۹، ۲۱۳۹

شیخ علی بن یحیی حیاط : ۱۶۱۱

علی بن یحیی منجم : ۲۱ مقدمہ

» یوسف : --- ۲۵۰

الملک علی بن صلاح الدین یوسف ایوبی :
صلاح ۲۱۴۰

سلطان علی بن یوسف : ۲۱۳۹، ۲۱۴۰

ع ل ی

علی بن یوسف قفصی مصری : [۶۹۳]

» یوسف بن دایہ مصری : ۸۵۶

» یوسف مغربی : ۲۳۶۹

زین الدین علی بن یونس نباطی بیاضی :
۲۲۲۳

ظہیر الدین علی بن یوسف نیلی : ۱۸۵۶

میرزا محمدعلی : ۱۰۸۷

سلطان میرزا علی فرمانروای گیلان : ۸۹۵

محمدعلی (ش) : =۳=۶ ، =۳۶=
=۵۷= =۶۰= =۱۳۶ =
=۱۶۲= =۱۷۴= =۱۸۶=
=۱۸۷= =۱۹۳= =۱۹۵=
=۲۰۴= =۲۰۷= =۲۲۱=
=۲۶۰= =۲۷۶= =۳۰۱=
=۳۱۸= =۳۱۹= =۳۲۷=
=۳۲۸= =۳۷۹= =۳۸۲=
=۳۸۴= =۳۸۵= =۳۹۱=
=۳۹۶= =۳۹۹= =۴۱۲=
=۴۵۰= =۴۶۳= =۴۷۸=
=۴۹۵= =۵۰۶= =۶۴۳=
=۴۷۸= =۴۹۵= =۵۰۶=
=۶۴۳= =۶۶۵= =۶۷۶=
=۸۴۱= =۱۹۳۱=

حاجی علی آقا : ۱۲۳۱

خواجہ علی آملی : ☆ ۱۵۱۸

علی معروف بابن العربیۃ : ابن العربیۃ

حاج سید محمدعلی اردوبادی : ۱۹۰۰

غ

غ ا ی

غ رر

«ف»

ف ض ل

ف و ك

«ق»

ق ا ی

ق ر ا

ق ر ی

ق س و

ق ف ا

ق م ی

ق و ا

ق و ن

ق ی و

« ك »

ک ا ی

ک ت ا

ك ت ا

رسالہ در کر — بہائی : [۷۸۹]
کرابیسی (ش) : ۸٤٥
کرانولس (ش) : ۳۲٥،٥۷
کراچك (م) : ۲۱٦٤
کراجکی . ابو الفتح محمد بن علی بن عثمان:
۱۳۷۰،۱۳۳۹،۱۱۳۰،۱۱۱۹،٦۳۲،
۱۹۲٥|۲۱٦۳| ۲۱٦٦،۲۱٦٥،۱۱٦٤
کراہ نه دوره (ا) : |۹۳۱|
کراوس ( ) : ۱۰۲۷،۱۰۲۸،۱۰۲۹،
۱۰۳۰،۱۰۳۳،۱۰۳٤
کربلا (م) : ۱٥۲،۲۰۹،٤۰٤،٤۲۸،٥۷۹،
۱۰۸۹،۷۰۰،٦۳٥،٦۰۸،٦۰۱،٥۹۸،
۱۰۹٥،۱۱۰۱،۱۱۰۳،۱۱۸٦،۱۲۱۷،
۱۲٥٥،۱٤۰۲،۱٤٥۳،۱٥۱۸،۱٥۱۰،
۱٥۷۸،۱٦۲۲،۱٦۷۸،۱٦۸٦،۱۷۲٦،
۱۷٦۱،۱۷٦٤،۱۷۷۹،۱۷۸۰،۱۸۱٦،
۱۸۳٤،۱۸۳٤،۱۸۳۹،۱۸٤۷،
۱۸٥۲،۱۸٦۱،۱۹۳۹،۱۹٤۲،۱۹٤۹،
۱۹۸۷،۱۹۸۸،۱۹۸۸،۲۰۰۰،
۲۰٤۲،۲۰٤۳،۲۰٤٤،۲۰۸۰،۲۱۰۱،
۲۱٥۸،۲۳٤٤،۲۲۷٥،۲۳۷۹
کربلائی محمد ... ( ) ۱۷٥۱۰
کرباسی ... (ش) ۱٤۰
۹۰۱۰
کرپن (م) ۲۱۲ ، ۲٦٥
کرج بغداد (م) ۱۰۸۸ ، ۱۱٤۱ ، ۱٤۰۰ ،
۱٤٥۹، ۲٥٦۹
کردستان (م) ۲٤٤۱
کرد علی (ش) : ۱٤ ... ۲۳ ، ۲٦۹٤۰

کرزه (ش) : ۱٦،۱۸ مقدمه
محقق کرکی (ش): = ۲٦۷ = — ۲۷۰ =
. - ۳۲٦ - ۳۳۷ = ۳۷۲ = ۳۷٤ =
۳۷٥ - ۳۷٦ - ۳۹۱ =
۲۱۳۹
کرکی : علی بن حسین بن عبدالعالی
محقق کرکی کوچك . حسین بن حیدر حسینی
کرمان (م): ۱۱۳،٤۸۲،٤۸۲،٥۲۲،٥٤۷
۷٤۸،۷٦۹،۷۸٥،۸۰۹،۸٤۲،۸۹۹،
۹۰۰،۹٦۲،۱۲۱۰،۱۷٤٤ «۲۱٤٦»
۲٤۲۷
کرمانی (ش) : ۳٤٥
کرمانشاه(م) : ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۸ ، ٦۳۱
۱۲۷٥،۱٤۰۳،۱٤۸۳،۲۲۷٦
کرمس (م) ۷۲۱
کروتن (م) ٤۲۰
الکر والفر فی الامامة .. کراجکی (ك) :
۱۳۲۹
کروس (م) ۱۸۸۲
کرهرودی ۲۰۰،۲۳٤
کره مرك ـ کومنس (ك) : ۸٤۹
رساله کرده مرکاولوطولوس ۹۲۱ [۲۲٥٥]
کره واسوانة ارشمیدوس : ۸٤۹
کریس (م) ۷۲۱ .
کریون (ا) : ۳۲۳
کریماس افلاطون (ك) . ۱۸ مقدمه
ا. کری مرانسوی (ش) : ۱۹۲۷
مولی کریم (ش) : ۱۷۷۹
... کریم بن محمد ... : ٤۲۷ ==

ك ف ا

ك ل ا

ل

(م)

١٠٩٠،١٠٩١،١٠٩٢،١٠٩٥

محمد بن حسن کاشی : بابا افضل کاشی

» حسن المظفر حلی : فخر المحققین حلی

» حسن [illegible] : ١٥٦٢

» حسن [illegible] : [٢٣٠١]

ابو علی محمد بن [illegible] : ابو المحاسن [illegible] [١٣٤٧] ١٢٤٩، ١٣٥٠

ابو [illegible] محمد بن حسن [illegible] : ٧٦٤

محمد بن حسن [illegible] : ٢٠٩٧

» » [illegible] ١٢٩١، ١٨٥٩

ابو الحسن محمد بن حسن [illegible] سلیمان ١٤٢٩

ابو [illegible] محمد بن حسن [illegible] ٢٢٧٤

ناصر محمد بن حسن ارموی : ١٧٠٣

میرزا [illegible] الدین محمد بن حسن [illegible] آبادی [illegible] [٥] [٢٣٩]

[illegible] محمد بن [illegible] : ١٤٥ [٨٧٤]

محمد بن [illegible] (ابن [illegible] ناز) ١٤٥١ ١٤٥٢

ابو [illegible] : ١٠٧١

[illegible] ١٥٦٤، ١٥٧١

[illegible]

[illegible]

جلال الدین محمد بن حسین بیہقی : ١٣٩٨ [١١٠٨]

محمد بن حسین بن علی تمیمی : ١٣٥٠

میرزا فخر الدین محمد بن حسین حسینی استر آبادی : میر فخر الدین استر آبادی [٥] [٢٣٩] [٢٤٥٠]

محمد بن حسین خوانساری : آقا جمال خوانساری : [١٧٥٥] ١٧٥٦

محمد بن حسین خوارزمی مشہدی : ٩١٨

» حسن بن محمد درازی: =١٠٩٦=

صدر الدین محمد بن ملا حسن السالکدمین : =١٤٧٩=

محمد بن حسن سماکی : محمد بن حسین استر آبادی

محمد بن حسین سلمی نیشا بوری : [٤٧٧]

» حسین شوہانی : ٢١٠١

» حسین صائغ : ٨٥٥

دانشی محمد بن حسین المزی : ١٦٠٧

محمد بن حسن علوی : ١٥٦٤

» حسین الفراء : قاضی ابو یعلی

حسین کیا : ٣٤١

» ملا حسین لاہیجانی: =١٤٧٩=

ابو عبداللہ محمد بن حسین محتسب : ١٣٥٠

محمد بن حسین مشہدی خوارزمی : ٩١٨

» حسین منجم : [٩٣٦]

» نیشا بوری سلمی : [٤٧٧]

محمد بن حسین نیشا بوری کندری : [١١٠٨] ١١٩١، ١١٩٢

محمد بن حسین بن عبدالصمد وزیر عباسی : ١٥٩٩

محمد بن علی

محمد بن علی

محمد بن موسی

محمد بن نما

محمد خراسانی

محمد زاهد

م س ت

م س ج

می‌و

می‌ه

« ن »

ن ف ل

ن ق ض

« و »

« ه »

هفت

هند

«ی»

راهنما:

اینک که فهرست اعلام و اماکن و کتب مذکور در فهرست کتابخانهٔ اهدائی جناب آقای مشکوة بپایان میرسد ، لازم است علامتها که در آن استعمال شده ومراجعه کننده را دراستخراج نامها مساعدت میکنند درذیل ذکرنمایم .

الف :

۱ـ « ك » پس‌از نامها علامت اسم کتاب است .

۲ـ « ش » علامت اسم شخص میباشد .

۳ـ « م » علامت اسم مکان است .

٤ـ « ف » علامت فرقه ، مذهب ، ملت است .

ب :

۱ـ رقمی که درمیان این علامت [...] باشد دراین‌صفحه بتفصیل پرداخته‌است .

۲ـ رقم میان این علامت « ... » نام شهریست که چاپخانه درآنست .

۳ـ رقم میان این علامت =...= نام‌کاتب ونویسنده است .

٤ـ رقم پس از این علامت ٭ نام شخص مهدی الیه (کتاب بنام او نوشته شده) است .

ج :

این علامت ٠ بجای جملهٔ « رجوع کنید به . . » بکاررفته است .

یادآوری

با این کتاب که بخش چهارم جلد سوم یا مجلد ششم از فهرست کتابخانهٔ دانشگاه میباشد شمارش و شناسائی کتابهائی را که استاد دانشگاه جناب آقای سید محمد مشکوة اهداء فرموده اند بپایان نرسیده و در حدود پنجاه مجلد کتاب است که استاد برای این کتابخانه اختصاص داده و از این پس بتدریج اهداء کرده اند و خوانندگان گرامی در انتظار مجلد هفتم این فهرست باشند که در آن، این کتابها نیز فهرست و شناسانده خواهد شد.

ذيل فهرست مخطوطات

خزانة السيد المشكاة

المهداة الى مكتبة جامعة طهران

تأليف :

محمد تقى دانش‌پژوه

مطبعة جامعة طهران

۱۳۷۵-۱۹۵٦

Supplément du Catalogue Méthodique, Descriptif et Raisonné de la Bibliothèque de l'Université de Téhéran

(Don de M. le Professeur Meshkât)

Par

M.T. Dâneche – Pajouh

Imprimerie de l'Université
1956

-۱
-۲
-۳
-٤
-٥
-٦
-۷
-۸
-۹
-۱۰
-۱۱
-۱۲
-۱۳
-۱٤
-۱٥
-۱٦
-۱۷
-۱۸
-۱۹
-۲۰
-۲۱
-۲۲
-۲۳
-۲٤
-۲٥
-۲٦
-۲۷
-۲۸
-۲۹
-۳۰

انتشارات دانشگاه تهران

وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
آراء فلاسفه دربارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
اساس الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
تاریخ افضل ـ بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
راهنمای دانشگاه	—
مقررات دانشگاه	—
درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
راهنمای دانشگاه بفرانسه	
Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یکانه حایری
اصول گداز و استخراج فلزات » دوم	» » »
اصول گداز و استخراج فلزات » سوم	» » »

شماره	عنوان	مؤلف
۳۰ـ	ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۱ـ	جنگل شناسی جلد اول	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۲ـ	اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳٤ـ	فیزیولژی گیاهی جلداول	» » اسمعیل زاهدی
۳۵ـ	جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳٦ـ	گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷ـ	تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸ـ	تاریخ صنایع ایران ـ ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹ـ	واژه نامه طبری	» » صادق کیا
٤۰ـ	تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
٤۱ـ	تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
٤۲ـ	جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
٤۳ـ	Les Connexions Normales	» » هشترودی
٤٤ـ	کالبد شناسی توصیفی (۱) ـ استخوان‌شناسی	» دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیک نفس ـ دکتر نائینی
٤۵ـ	روانشناسی کودک	نگارش دکتر مهدی جلالی
٤٦ـ	اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
٤۷ـ	ترجمه وشرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
٤۸ـ	اکوستیک «صوت» (۱) ارتعاشات ـ سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
٤۹ـ	انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰ـ	نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی پور
۵۱ـ	هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشک
۵۲ـ	درس اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳ـ	جانورشناسی سیستماتیک	» » آزرم
۵٤ـ	پزشکی عملی	» » نجم آبادی
۵۵ـ	روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵٦ـ	مامائی	» » آهی
۵۷	فیزیولژی گیاهی جلددوم	» » زاهدی
۵۸	فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹	[illegible] آنالیز	» » علی اکبر پریمن
٦۰	[illegible]	» مهندس [illegible]
٦۱	[illegible]	ترجمه مرحوم غلامحسین زیرک‌زاده
٦۱	اصول علم الاقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
٦۲ـ	مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
[illegible]	کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
[illegible]	آسیب شناسی	» دکتر آرمین

عنوان	مؤلف
۶۶- مکانیک فیزیك	تالیف دکتر کمال جناب
۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	» » امیر اعلم- دکتر حکیم- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
۶۸- درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
۶۹- درمانشناسی »دوم	» » »
۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- شیمی آنالیتیك	» دکتر گاگیك
۷۲- اقتصادجلداول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴- راهنمای دانشگاه	—
۷۵- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سینتیك گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » میمندی‌نژاد
۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیك گازها	» دکتر غفاری
۸۶- آئین دادرسی دراسلام	» محمد سنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸- از سربن تا یونسکو- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
۹۰- میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکتر سهراب-دکتر میردامادی
۹۱- میزراه‌جلد اول	» » حسین گلگلاب
۹۲- » » دوم	» » » »
۹۳- کالبد شکافی (تشریح عملی دست‌وپا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴- ترجمه وشرح تبصره علامه جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی	» دکترامیراعلم-دکترحکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
۹۶- » » (۴) - رگ شناسی	» » » »
۹۷- بیماریهای گوش وحلق و بینی جلداول	تألیف دکتر جمشیداعلم
۹۸- هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
۹۹- جبر و آنالیز	» » » »
۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)	» » بیانی

عنوان	مؤلف
۱ـ کالبدشناسی توصیفی ـ استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱ـ تاریخ عقاید سیاسی	« « محسن عزیزی
۱ـ آزمایش و تصفیه آبها	نگارش « محمد جواد جنیدی
۱ـ هشت مقاله تاریخی وادبی	« نصرالله فلسفی
۱۰ـ فیه مافیه	« بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰ـ جغرافیای اقتصادی جلد اول	« دکتر محسن عزیزی
۱۰ـ الکتریسیته وموارد استعمال آن	« مهندس عبدالله ریاضی
۱۰ـ مبادلات انرژی درگیاه	« دکتراسمعیل زاهدی
۱۰ـ تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القران	« سید محمد باقر سبزواری
۱۱ـ دو رساله ـ وضع الفاظ و قاعده لاضرر	« محمود شهابی
۱۱ـ شیمی آلی جلداول تئوری واصول‌کلی	« دکتر عابدی
۱۱ـ شیمی آلی «ارگانیك» جلداول	« « شیخ
۱۱ـ حکمت‌الهی عام و خاص	نگارش مهدی‌قمشهٔ
۱ـ امراض‌حلق‌و بینی وحنجره	« دکتر علیم مروستی
۱ـ آنالیز ریاضی	« « منوچهر وصال
۱ـ هندسه تحلیلی	« « احمد عقیلی
۱ـ شکسته بندی جلد دوم	« « امیر کیا
۱ـ باغبانی (۱) باغبانی عمومی	« مهندس‌شیبانی
۱ـ اساس التوحید	« مهدی آشتیانی
۱ـ فیزیك پزشکی	« دکترفرهاد
۱ـ اکوستیك « صوت » (۲) مشخصات صوت - لوله ـ تار	« « اسمعیل‌بیگی
۱ـ جراحی فوری‌اطفال	« « مرعشی
۱ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة(۱)	« علینقی منزوی تهرانی
۱ـ چشم‌پزشکی جلداول	« دکتر ضرابی
۱ـ شیمی‌فیزیك	« « بازرگان
۱ـ بیماریهای‌گیاه	« « خبیری
۱ـ بحث‌در مسائل‌پرورش‌اخلاقی	« « سپهری
۱ـ اصول‌عقاید و کرائم‌اخلاق	« زین‌العابدین ذوالمجدین
۱ـ تاریخ کشاورزی	« دکتر تقی‌بهرامی
۱ـ کالبدشناسی انسانی(۱) سر و گردن	« « حکیم ود کتر گنج‌بخش
۱ـ امراض‌واگیر دام	« « رستگار
۱ـ درس‌اللغة والادب(۲)	« « محمدی
۱۱ـ واژه نامه گرگانی	« « صادق کیا
۱۱ ـ آلث‌یاخته‌شناسی	« « عزیز رفیعی
۱۱ـ حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	« « قاسم زاده
۱۱ ـ عضله و زیبائی‌پلاستیك	« « کیهانی
۱۱ـ طیف‌جذبی واشعه ایکس	« « فاضل زندی

۱۳۸ـ مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹ـ روان‌شناسی (از لحاظ تربیت)	» » علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰ـ ترمودینامیک (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱ـ بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲ـ زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳ـ مکانیک عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴ـ فیزیولوژی جلداول	» » کاتوزیان
۱۴۵ـ کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیک‌نفس
۱۴۶ـ تاریخ تمدن ساسانی جلداول	» سعیدنفیسی
۱۴۷ـ کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس
۱۴۸ـ کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹ـ کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰ـ هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱ـ اندام‌شناسی گیاهان	» » پارسا
۱۵۲ـ چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳ـ بهداشت شهری	» » اعتمادیان
۱۵۴ـ انشاء انگلیسی	» بازارگادی
۱۵۵ـ شیمی آلی (ارگانیک) (۲)	» دکتر شیخ
۱۵۶ـ آسیب شناسی (گانگلیونت استلر)	» » آرمین
۱۵۷ـ تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	» » ذبیح‌الله صفا
۱۵۸ـ تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹ـ حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰ـ نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) جلد اول	» دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱ـ نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	» » صادق صبا
۱۶۲ـ آسیب‌شناسی عملی	» » حسین رحمتیان
۱۶۳ـ احتمالات و آمار	» » مهدوی اردبیلی
۱۶۴ـ الکتریسته صنعتی	» » محمد مظفری زنگنه
۱۶۵ـ آئین دادرسی کیفری	» » محمدعلی هدایتی
۱۶۶ـ اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	» » علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷ـ فیزیک (تابش)	» » روشن
۱۶۸ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلددوم)	» علینقی منزوی
۱۶۹ـ » » » » » (جلدسوم ـ قسمت اول)	» محمدتقی دانشپژوه
۱۷۰ـ رساله بودونمود	» محمودشهابی
۱۷۱ـ زندگانی شاه‌عباس اول	» نصرالله فلسفی
۱۷۲ـ تاریخ بیهقی (جلدسوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳ـ فهرست نشریات ابوعلی سینا بزبان فرانسه	» » »

عنوان	مؤلف
ـ تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
ـ آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال	« دکتر آرمین
ـ نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیک	« مرحوم زیرک‌زاده
ـ فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
ـ خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس)	« « زندی
ـ تاریخ مصر (جلد دوم)	« احمد بهمنش
ـ سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق اعلم
ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم ـ قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
ـ اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
ـ رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
ـ پیوره	« « محمود سیاسی
ـ چهار رساله	« محمد سنگلجی
ـ آسیب‌شناسی (جلد دوم)	« دکتر آرمین
ـ یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم‌آورده آقای ایرج افشار
ـ استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)	تألیف دکتر میربابائی
ـ جغرافیای عمومی (جلد اول)	« « مستوفی
ـ بیماریهای واگیر (جلد اول)	« « غلامعلی بینش‌ور
ـ بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس خلیلی
ـ حساب جامع و فاضل	نگارش دکتر مجتهدی
ـ ترجمهٔ مبدء و معاد	ترجمه آقای محمودشهابی
ـ تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
ـ تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)	« « « «
ـ درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
ـ شیمی و فیزیک (جلد اول)	« « توسلی
ـ فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
ـ داروسازی جالینوسی	« « مقدم
ـ علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
ـ استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
ـ پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
ـ علم النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
ـ قواعد فقه	« آقای محمودشهابی
ـ تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
ـ فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
ـ مخارج الحروف	تصحیح و ترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
ـ عیون الحکمه	از ابن‌سینا ـ چاپ عکسی

۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس‌دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق‌مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- ماخذقصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی وانتقال خون	« دکتریحیی پویا
۲۱۸- فیزیك ، ترمودینامیك(جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات‌عصبانی یا نوروز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی‌توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکترحکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی- دکتر نیك نفس
۲۲۳- علم‌الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیك‌عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶- شیمی عمومی‌معدنی‌فلزات(جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردکیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول‌الصرف	« علی‌اکبرشهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی‌ایران	تألیف دکترعلی‌کنی
۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای‌دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- جغرافیای‌کشاورزی ایران	« دکترتقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه(۱)	« آقای‌سیدمحمدسبزواری
۲۳۶- احتمالات وآمارریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول‌تشریح چوب	« مهندس‌رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول)	« دکتررحمتیان‌دکترشمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم‌آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰- شیمی‌تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها ومدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین‌اسمعیل‌بیگی
۲۴۲- پانزده‌گفتار	« آقای مجتبی‌مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا

۲۷۷- مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸- ویروسها	« « فرج‌الله شفا
۲۷۹- تالفیت‌ها (آلکها)	« « عزت‌الله خبیری
۲۸۰- گیاه‌شناسی سیستماتیك	« « محمد درویش
۲۸۱- تیره‌شناسی (جلددوم)	« « پارسا
۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	« مدرس رضوی
۲۸۳- احادیث مثنوی	« آقای فروزانفر
۲۸٤- قواعد النحو	« قاسم تویسرکانی
۲۸۵- آزمایشهای فیزیك	« دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸٦- پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	« « محمودنجم‌آبادی
۲۸۷- بیماریهای خون (جلدسوم)	« « یحیی پویا
۲۸۸- جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	« « احمد شفائی
۲۸۹- مکانیك فیزیك (اندازه گیری مکانیك نقطه مادی و فرضیه نسبی) (چاپ‌دوم)	« « کمال‌الدین جناب
۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	« « محمدتقی قوامیان
۲۹۱- اکوستیك (صوت) چاپ دوم	« « ضیاءالدین اسماعیل بیگی
۲۹۲- چهار مقاله	بتصحیح « محمد معین
۲۹۳- داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش « منشی‌زاده
۲۹٤- کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن- سلسلهٔ اعصاب مرکزی	« « نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵ - درس اللغة و الادب (۱) چاپ‌دوم	« « محمد محمدی
۲۹٦- سه گفتار خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۷ - Sur les espaces de Riement	نگارش دکتر هشترودی
۲۹۸ - فصول خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۹ - فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش‌سوم	نگارش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۰ - الرسالة المعینیة	« « «
۳۰۱ - آغاز و انجام	« ایرج افشار
۳۰۲- رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

ذيل فهرست مخطوطات
خزانة السيد المشكاة
المهداة الى مكتبة جامعة طهران
تأليف
محمدتقي دانش پژوه
مطبعة جامعة طهران
١٣٧٥-١٩٥٦

Supplément du Catalogue
Méthodique, Descriptif et Raisonné
de la
Bibliothèque de l'Université de Téhéran
(Don de M. le Professeur Meshkât)
Par
M.T. Dâneche - Pajouh

Imprimerie de l'Université
1956